ای نام تو بهترین سرآغاز[بسم‌الله الرحمن الرحیم]

مقدمه

تأکید پیوسته قرآن کریم و اولیای دین بر تفکّر و تعقّل و آموختن دانش، سبب تشویق و ترغیب مسلمانان به علوم از جمله علوم پزشکی شد. در سده‌های نخست ظهور اسلام اغلب پزشکان و مترجمان متون پزشکی غیر عرب و مسیحی بودند، ولی رفته رفته جای خویش را به مسلمانان داده، خود در پهنه عظمت امت اسلامی جذب شدند.

نخستین ترجمه شناخته شده در علم پزشکی«تفسیر کتاب اهرن بن اعین» است که در عهد بنی امیّه توسط ماساجویه از اهالی بصره از سریانی به عربی برگردانده شد و مورد توجه اهل دانش قرار گرفت. پس از تأسیس بیت الحکمه در بغداد، پزشکان دانشگاه جندی شاپور به آنجا فرا خوانده شدند تا با تحقیق و ترجمه کتابهای پزشکی و دیگر علوم سایر اقوام به زبان عربی در پی ریزی پایه‌های تمدّن بزرگ اسلامی اقدام نمایند. به زودی آثار دو چهره درخشان پزشکی یونان یعنی بقراط و جالینوس به عربی ترجمه شده و از منابع پزشکی اسلامی به شمار آمد. دانشمندانی چون محمّد بن زکریای رازی، ابن ابی صادق و ابن میمون بر آثار بقراط حکیم شرح نگاشتند.

مشهورترین مترجم این دوران حنین بن اسحاق است. او با همکاری پسرش اسحاق بن حنین ترجمه متون معتبر یونانی و سریانی را عهده‌دار شد و افزون بر ترجمه به کار طبابت نیز اشتغال داشت. مسلمانان با در اختیار داشتن منابع سرشار و معتبر یونانی، سریانی، ایرانی و هندی بسیار زود صاحب تألیفات فراوانی در این علم شدند و پزشکی و مشتقّات دیگر این علم چون جرّاحی و داروشناسی را به اوج خود در آن دوره رساندند.

نخستین اثر بزرگ و ارزشمند طبّ اسلامی کتاب «فردوس الحکمهٔ» است که توسط علیّ بن ربّن طبری به سال ۲۳۶ هجری قمری تألیف شد. شاگرد وی محمّد بن زکریّای رازی در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم شروع به تألیف کتابهای مهم طبی خویش نمود. «الحاوی» دائرهٔ المعارف مفصّل و بزرگی در علم پزشکی محسوب می‌شود. از آثار دیگر او می‌توان از کتابهای «الطب المنصوری»، «من لایحضره الطب»، «الفاخر فی الطب» نام برد.

از دیگر پزشکان پس از رازی، علی بن عبّاس مجوسی صاحب کتاب «کامل الصناعه فی الطب» است. علم پزشکی در پایان سده چهارم و آغاز سده پنجم توسط ابن سینا به اوج رسید. او با نگاشتن آثاری چون کتاب «قانون»، «تشریح الاعضاء»، «رساله جودیه» و «رساله نبض» به علم پزشکی اعتبار خاصی بخشید و در ساماندهی منطقی و علمی این علم نقش بسزایی داشت.

در داروشناسی ابومنصور موفق بن علی هروی کتاب «الابنیهٔ عن حقایق الادویهٔ» را به فارسی نگاشت و در آن بسیاری از اصطلاحات طبی متداول آن زمان فارسی زبانان را گنجاند. سیّد اسماعیل جرجانی در سده ششم، ذخیره خوارزمشاهی، الاغراض الطبیعهٔ و المباحث العلائیه و خفی علائی را تألیف کرد. پس از آن پزشکان مسلمان کتابهای گوناگون دیگری در این علم ارائه نمودند که بسیاری از آنها شروح و حواشی است بر کتابهای سابق.

به هر حال، بررسی خدمات و توانمندیهای پزشکان اسلام به ویژه ایران به دانش پزشکی مجالی فراتر را می‌طلبد که در این مقال نمی‌گنجد.

کتاب حاضر مشتمل است بر معرفی و توصیف مفصل و مبسوط پانصد نسخه خطّی «بدون احتساب ضمائم آنها» در باب جمیع شعب و اجزا و متفرّعات علوم و فنون پزشکی به علاوه دو سه موضوع

فرعی دیگر چون بیطره، بازداری، فلاحت، گیاه شناسی و برخی مباحث علوم طبیعی که به علّت کمی نسخ خطّی پزشکی در کتابخانه، به موضوع اصلی کتاب منضم و ملحق شد. برای استفاده بهینه پژوهشگران علوم پزشکی هر جا ضرورت داشت معادل یونانی، لاتین، انگلیسی و فرانسوی اصطلاحات طبی معمول در میان اطبای اسلامی در حواشی نگاشته شد تا موجب سهولت و کارایی بیشتر فهرست باشد.

تدوین این فهرست به کوشش محقق نسخه شناس و فهرست نویس ارجمند جناب آقای غلامعلی عرفانیان صورت پذیرفته است. پیش از این نی سه جلد از فهارس نسخ خطّی این کتابخانه در موضوع: هیأت و نجوم و ریاضی(جلد دهم)، صرف و نحو(جلد دوازدهم) و لغت(جلد سیزدهم) توسط نامبرده تدوین شده است. دقت نظر و تحقیق و حوصله ایشان در شناسایی هر یک از نسخه‌های خطّی که کاری بس دشوار و گاهی ناممکن به نظر می‌رسد، در خور تشکر و قدردانی است.

در اینجا لازم است از اهتمام بلیغ و مساعی جمیله تولیت عظمای آستان قدس و نماینده محترم ولی فقیه در خراسان حضرت آیهٔ الله واعظ طبسی در پیشبرد اهداف والای فرهنگی نظام مقدّس جمهوری اسلامی ایران و توسعه مراکز و موسسات فرهنگی آستان قدس بخصوص کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد تقدیر و سپاسگزاری گردد.

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

بخش اوّل

علوم و فنون پزشکی

۱

اختصار المسائل فی الطّب للمتعلمین

(۵۱۵۶)

(عربی)

اصل این کتاب که به طریق سؤال و جواب و به موجب تقسیم قدما جزو مجملات و کتب وسط بوده تصنیف ابو زید حنین بن اسحاق العبادی[۱](۱۹۴–۲۶۰ یا ۲۶۴) از مشاهیر اطبا و علما و از مبرزین و حذّاق نقله کتب علمی یونانی به زبان عربی و سریانی و رئیس مترجمان در عهد مأمون و متوکّل عباسی است و تلخیص معانی و اختصار الفاظ آن بحذف سوال و جوابها در سه فصل به شرح مذکور در ذیل از ابوسهل سعید[۲] بن عبدالعزیز بن عبدالله بن محمّد بن ابراهیم بن عبدالمؤمن بن طیفور متوفی در سنه ۴۲۰ و مذکور در معجم الادباء یاقوت(۴: ۲۴۰) و عیون الانباء(ص ۳۴۱) و تتمه صوان الحکمه تألیف علی بن زید البیهقی(ص ۱۰۱) و طبقات الشافعیّه سبکی(۳: ۱۶۸) و نزهۀ الارواح شهروزی(نسخه رضویه– ۹۸۹۶، ورق ۱۴۸) و یتیمۀ الدّهر ثعالبی نیشابوری(۴: ۴۲۸) که این اخیر او و برادرش ابو عبدالرحمن محمّد[۳] را می‌گوید که از حسنات و مفاخر نیشابورند، و علاوه بر این تلخیص او

---

[۱]. ترجمه احوال و اسامی تصانیف و ترجمه‌های او مفصلاً در اخبار الحکما(ص ۱۷۱ به بعد) و تتمه صوان الحکمۀ(ص ۳) و الفهرست(ص ۳۵۲، طبع تهران) و عیون الانباء فی طبقات الاطبا(ص ۲۵۷ به بعد. طبع بیروت) و طبقات الاطباء و الحکماء تألیف ابن جلجل(ص ۶۸ به بعد) و طبقات الامم تألیف قاضی صاعد اندلسی(ص ۲۶ به بعد) و نزهۀ الارواح شهرزوری(نسخه کتابخانه رضویه تحت رقم ۹۸۹۶، ورق ۱۳۲) مسطور است و ناگفته نماند که مسائل حنین را(در زبان لاتینی Quaestiones medicae) روفینو ایتالیایی Rufino به زبان لاتین ترجمه نموده است.

[۲]. در نسخه«سعد» است بجای«سعید» که تقریباً متفق علیه جمهور کسانی است که ترجمه احوال او را نوشته‌اند.

[۳]. ترجمه احوال او در منتخب سیاق عبدالغافر(ص ۲۵) و طبقات الشافعیه سبکی(۳: ۷۵) و الوافی بالوفیات تألیف صلاح الدّین صفدی(۳: ۲۶۲) و یتیمۀ الدهر ثعالبی(۴: ۳۹۱) و انساب سمعانی(ذیل النیلی) مسطور است و همه آنها وفات او را مطرداً در سنه ۴۳۶ ضبط نموده‌اند جز سمعانی ک می‌گوید حدود ۴۴۰ بوده است. ایضاً مراجعه شود به دمیۀ القصر باخرزی(ص ۱۸۲ ذیل الاستاذ ابو عبدالرحمن محمد بن عبدالعزیز النیسلی!) که دو بیت عربی از اشعار او را با ترجمه منظوم فارسی آن از ابونصر الجوسوری نیز نقل نموده است.

او را شرحی بوده است بر رسائل حنین در چهار مجلّد و تلخیصی از شرح جالینوس بر فصول بقراط منضم به نکاتی از شرح ابوبکر رازی،

بر این کتاب یعنی مسائل حنین شروحی از ناحیه فضلای اطبا نوشته شده که بعضی از آنها مطابق با تتبّع این ضعیف در عیون الانباء بقرار مذکور در ذیل است:

۱. شرح ابن التلمیذ،

۲. شرح ابوسعید الیمامی که پسرش ابوالفرج را ابن ابی اصیبعه می‌گوید معاصر ابن سینا بوده و با شیخ ملاقات داشته،

۳. شرح شمس الدّین ابوعبدالله محمّد بن اللّبودی،

۴. شرح ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی بن احمد بن ابی صادق نیشابوری که از شروح معتبر آن بوده و شرف الدّین ابوالحسن علی بن یوسف بن حیدرهٔ بن الحسن الرحی آن را شرح نموده و مهذب الدّین عبدالرحیم بن علی معروف به ابن الدّخوار بر آن یعنی بر شرح ابن ابی صادق ردّی نوشته بوده است.

اما اختصاراتی که از آن بعمل آمده به شرح ایضاً عبارت است از:

۱. اختصار ابونصر محمّد بن یوسف المقبلی،

۲. اختصار نجم الدّین ابوزکریا یحیی بن شمس الدّین محمد بن اللّبودی مذکور.

۳. اختصار رضی الدّین ابو الحجاج یوسف بن حیدره پدر شارح شرح ابن ابی صادق(که تلخیص خود را ناتمام گذاشته بوده).

۴. اختصار نیلی که همین شرح مانحن فیه باشد، و ناگفته نماند که سدید الدّین بن رقیقه اصل کتاب را در کتابی موسوم به لطف السّائل و تحف المسائل برشته نظم کشیده بوده است.[۱]

عناوین فصول کتاب

الفصل الاوّل: فی تعریف الامور الطبیّهٔ الجاریهٔ علی مجراها الطبیعی و الخارجهٔ عنها و الامور التی لیست بطبیعیهٔ و الاسباب و الدلایل و کیفیهٔ المعالجهٔ علی طریق الاجمال و الایجاز.

الفصل الثانی: فی تعریف قوی الادویهٔ و کیفیهٔ استعمالها.

الفصل الثالث: فی تعریف النبض و التفسره و الحمیات و الاورام،

آغاز: «بسمله قال الشیخ الامام ابوسهل بن سعد بن عبدالعزیز النیلی رحمه الله شکا الیّ جماعهٔ من اخوانی صعوبهٔ تحفظ المسایل المنسوبهٔ الی حنین بن اسحق».

انجام: «المرکبان من ان یکونا متساویین او احدیهما اغلب والله اعلم بالصواب و الیه المراجع و المآب تم الکتاب».

نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر: ششم ربیع الاول سنه ۷۳۰، محل کتابت شیراز، فصول به سرخی، دارای یک سر لوح کوچک و کم کار، کتیبه بخط ثلث با سفیداب محرر، زمینه طلاپوش، جداول اوراق به شنجرف و لاجورد، کاغذ خانبالغ، اندازه جدول ۷/۵۲×۱۵/۴، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۳ س، ۳۶گ ۱۱/۵×۲۲، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱، (این نسخه و نسخه فصول

---

[۱] . ابوالحسن علی بن رضوان(در زبان لاتینی Haly Rodoam) کتابی دارد در ردّ مسائل حنین و بطلان آراء او در باب بعضی موضوعات طبی مسمّی به تتبع مسائل حنین، و ابو الصّلت امیّه نیز ردّی نوشته است بر ردّ او که موسوم است به الانتصار، مقصود از ذکر این مطلب تصحیح یک فقره است مذکور در مجلّد دهم از فهارس کتب خطی کتابخانه آستان قدس(ص ۲۸۲) که در آنجا سهواً نام کتاب الانتصار نوشته شده بجای الاقتصار و دیگر بیان زائد بودن حاشیه مسطور در همان صفحه و فقرات مربوط به حنین در صفحه ۱۲، الحمدلله که آنچه را سابقاً بر سبیل استعجال نوشته بودیم خود در این موضع تصحیح کردیم، فحمداً له ثمّ حمداً له.

به شماره ۷۲۰۵ و نسخه قواعد فی الطب تحت رقم ۵۲۱۳ هر سه به خط یک کاتب است و ابتدا همگی منضم به هم و در سنه ۷۳۰ در ملکیت ابواسحق محمد بن محمد بن محمد بن احمد المتطبب و بعد در تصرف سلمان بن علی بن حسن بن اینال بن مظفر و بعد در سنه ۱۲۷۶ جزو کتب احتشام الدوله بوده و بعدها بدون این که ملتفت این مطلب باشند که با تجزیه این مجموعه نفیس سال تحریر و محل کتابت دو نسخه دیگر بکلی مجهول خواهد ماند هر سه کتاب را از یکدیگر مجزا نموده و به هر کدام شماره علی حده‌ای داده‌اند).

۲

اختیارات بدیعی

(۵۰۳۵)

(فارسی)

مؤلّف آن زین الدّین علی بن جمال الدّین حسین انصاری معروف به حاجی زین العطّار(متولّد سنه ۷۳۰ بشیراز و متوفی در سال ۸۰۶) از اعقاب خواجه عبدالله انصاری و از اطبای شاه شجاع مظفّری است(متوفی در ربیع الاوّل ۷۶۵) که آن را در سنه ۷۶۷ تألیف کرده و سپس در سنه ۷۷۰ در تحریر دیگری که از آن بعمل آورده آن را به نام«ملکه تخت نشین» عصمة الدنیا و الدّین بدیع الجمال که به اقوی احتمالات همان خانزاده بدیع الجمال زن امیر مبارزالدّین محمّد و مادر سلطان ابوالمظفّر بایزید(۷۵۷–۷۹۰) است تسمیه و توشیح نموده[۱] و آن به قرار مذکور در ذیل مرتّب است بر دو مقاله.

---

[۱]. پسر این حاجی زین العطار کتابی دارد موسوم به اصحاح الادویه در اعراب سامی ادویه مذکور در این کتاب که یک نسخه از آن را در موضع خود در صفحات آتیه معرفی خواهیم نمود.

مقاله اول: در ادویه مفرده و اسامی[آنها] بلغت هر طایفه و ابدال و اصلاح و منفعت و مضـرت آن بـه ترتیب حروف معجم.

مقاله دوم: در مرکّبات مستعمل مشتمل بر ۲۳ باب به شرح زیر:

فی المفرحات، فی المعاجین، فی الجوارشات، فی الاطریفلات، فی المربیات، فی الاشربة، فی اللعوقات، فی السفوفات، فی الحبوبات، فی الاقراص، فی الایارجات، فی التریاقات، فی المطبوخات و النقوعات، فی میاه الاصول، فی الحقن، فی الشیافات و الفرازج، فی الادویـة العـین مـن الاکحـال و البـرودات و الشیافات، فی الاطلیة و الضمادات و النطولات، فی الغواغر و المضمضات، فی الادهان و الخضابات، فی المراهم، خاتمة کتاب.

این نسخه مشتمل است بر تمام مقاله اول و مقداری از مقاله دوم و مصدّر اسـت بـه فهرسـت اسـامی فارسی ادویه مذکور در کتاب به ترتیب حروف تهجی و معادل آنها در زبان عربی در هجده ورق کـه آغاز آن چنین است: «چنین گوید مؤلف کتاب که چون درین دیار زبان عجم متداول است» و انجام آن چنین: «یمام، یرنا».

آغاز: «بسمله، امداد حمد بی عد و اعداد سپاس بی‌قیاس مبدعی را که آثار ابداع او الخ».

انجام موجود: «و کنجد مقشر از هر یک پنج درم هلیون و سعاقل(کذا)».

نسخ تعلیق، کاتب محمد بن مسعود بن محمد بن احمد بن یوسف بن فقیـه الیـاس المتطبـب[۱]، تـاریخ تحریر: سوم صفر ۸۴۴، کاغذ نخودی، جداول اوراق به لاجورد، اندازه جدول ۱۰×۱۵/۳، عناوین به

---

[۱] . جدّ سوم کاتب جلال الدّین احمد برادرزاده نجم الدّین محمود بن الیاس شیرازی مؤلـف کتـاب الحـاوی فـی علـم التـداوی اسـت کـه ترجمـه احوالش را ضمن معرفی یک نسخه از آن کتاب در حرف حاء تحت رقم ۵۰۷۳ به دست داده و چنان که در آنجا نیز متذکر شده‌ایم ترجمه احـوال جلال الدّین احمد و نجم الدّین محمود در شدالازار مثبت است(۲۷۷–۲۸۰) و عمّ او یعنی کاتب منصور بن محمد بن جلال الدین احمد اسـت کـه

شنگرف، جلد تیماج مشکی ضربی ساده، ۲۱ س، ۲۶۳گ، ۱۳×۲۱، واقف نادرشاه، تاریخ وقف: ۱۱۴۵.

۳

اختیارات بدیعی

(۵۱۵۸)

از ابتدای آن بقدر یک ورق ساقط است.

آغاز موجود: «شروع نموده میخواست تا قول اصح و تجربه ارجح باز نماید».

انجام: «بچه مرده بیفتد».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم و اوراق اخیر قرن سیزدهم، عناوین به شنگرف، جداول اوراق بطلا و تحریر و لاجورد، اندازه جدول ۱۹×۱۷، جلد تیماج خرمائی ساده، ۲۱س، ۳۰۴گ ۱۵×۲۴، وقفی میرزا رضا خان نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۴

اختیارات بدیعی

(۷۴۱۸)

نام بدیع الجمال که کتاب به اسم او تسمیه شده در این نسخه موجود نیست و در آغاز مقاله دوم صریحاً می‌گوید که این مقاله مشتمل است به هفده باب.

انجام: «اندک اندک بآتش میجوشانند تا همه منعقد شود».

از او کتاب کفایه مجاهدیه و تشریح البدن را در دست داریم و این کتاب اخیر که به جهت میرزا ضیاء الدّین پیر محمد بهادر(مقتول در سنه ۸۰۹) نوه تیمور تألیف شده همان است که در سنه ۱۲۶۴ در لکنهو به نام تشریح منصوری بطبع رسیده.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی، جلد مشمع با عطف و گوشه چرمی، مختلف السطور، ۴۵۳ گ ۱۲×۲۴، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۵

اختیارات بدیعی

(۵۱۵۷)

انجام: «و دیگر بار بشوید و استعمال کند نافع باد انشاء الله».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ شکری عناوین بشنگرف، جلد تیماج زرشکی با سجاف و لبه و ترنج و سر ترنج ضربی زرکوب، ۲۵س، ۲۲۴گ ۲۱/۵×۳۳، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۶

اختیارات بدیعی

(۵۰۳۶)

این نسخه مشتمل است بر مقاله اوّل یعنی مفردات فقط.

آغاز موجود: «بود و قوه بدن... چون کلیات معلوم شد روی بمفردات آوریم باب الالف الخ».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، ورق آخر نونویس بخط الله قلی و مورخ ۱۰۹۵، عناوین به شنگرف، جلد تیماج مشکی ساده، ۱۶ س، ۲۷۱گ، ۱۷×۲۷، واقف تاج ماه بیگم[۱]، تاریخ وقف شعبان ۱۲۶۲.

[۱]. وی دختر میرزا بزرگ قائم مقام ملقب به قائم مقام بزرگ و خواهر حاج میرزا موسی خان و از واقفین عمده کتابخانه آستان قدس است. صورت موقوفات او از املاک و مزارع و قنوات و غیره و غیره در روزنامه ادب(سال ۲، از شماره ۳۸ تا ۴۵، سنه ۱۳۲۰ هجری قمری) مسطور است هر که خواهد بدانجا رجوع نماید.

۷

اختیارات بدیعی

(۱۰۴۶۵)

نسخه کامل است و مصدّر است به یازده ورق فهرست اسامی فارسی ادویه مذکور در کتاب با معـادل عربی آنها.

نستعلیق، کاتب موسی یار ئیلاقی[1] مشهور به سمرقندی، تاریخ تحریر رمضان و ذی القعده سنه ۹۴۸، محل تحریر مکّه معظمه، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، دارای یک سر لوح مذهب و کتیبه در آغاز مقاله اوّل و یک کتیبه مستطیلی ظریف با شرفه به لاجورد در ابتدای مقاله دوم، اندازه جدول ۱۵/۵×۱۹/۵، جلد ساغری با ترنج و سر ترنج و گوشه ضـربی، ۲۱س، ۴۲۷گ ۱۶×۲۲، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۸

اختیارات بدیعی

(۸۱۷۴)

از ابتدا و انتهای این نسخه چندین ورق افتاده است.

آغاز موجود: «اوقیمن بیونانی باذروج است و گفته شود».

انجام موجود: «دو درم فرفیون تازه بسانید چون غبار».

---

[1] . منسوب به ایلاق که نام ولایتی بوده در مغرب فرغانه و امروز واقع است در قرقیزستان.

نسخ، کاتب محمود بن محمد بن محمود اللّاری ملقب به پذّریّ، تاریخ تحریر شنبه هفتم ربیع الاول سنه ۹۴۹، کاغذ حنائی، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، عناوین به شنگرف، اندازه جدول ۱۰/۳×۲۲/۵، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی ساده، ۳۱س، ۲۵۳گ ۱۶×۲۹، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۹

اختیارات بدیعی

(۱۰۵۵۶)

مشتمل بر مقاله اوّل است فقط و مصدّر است به رساله حسن و عشق فضولی بغدادی در هشت ورق.

انجام: «و در جراحتها مستعمل کنند و در زخمهای تازه».

آغاز رساله: «بسمله، حمد بیحد احدی را سزاست که ریاض بدن را بآب روان پرورده».

انجام: «و معشوقی و عاشقی از آن خلوت بروماند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۵ ذی قعده ۱۰۷۷، کاغذ شکری آهاری(بعضی اوراق نخودی)، عناوین بشنگرف، جلد تیماج خرمائی ضربی ساده، ۲۱س، ۲۱۸گ ۱۹×۲۸، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۱۰

اختیارات بدیعی

(۱۰۵۷۵)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سلخ جمادی الثانی ۱۰۳۹، کاغذ نخـودی، جـداول و عنـاوین همگی بشنگرف، دارای یک سر لوح منقش خام، جلد تیماج زرشکی ضربی مستعمل، ۲۰س، ۲۵۷گ ۱۸×۲۸، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۱۱

اختیارات بدیعی

(۲۵۹۶۷)

نسخ خوب، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن یازدهم، کاغذ نخودی، عناوین و اسامی ادویه به شنگرف و بعضی به زنگار، ۲۲ ورق ابتدای نسخه نونویس با عناوین با خودکار قرمز، ۲۱ س، ۲۵۱گ ۵۱۷×۲۶/۵، اندازه مسطر ۱۱×۱۹، جلد تیماج ضربی ترنج‌دار، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۷۷.

۱۲

اختیارات بدیعی

(۱۲۵۵۲)

نستعلیق، کاتب حسین علی بن علی قلی، تاریخ تحریر ۲۰ ذی قعده ۱۰۸۴، کاغذ نخـودی، عنـاوین بشنگرف، جلد تیماج مشکی مستعمل، ۳۳س، ۱۲۶گ ۱۹×۲۹/۵، واقف حسین کی استوان، تـاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۱۳

اختیارات بدیعی

(۱۳۱۰۵)

نستعلیق، کاتب زین العابدین بن شاه محمد استرآبادی، تاریخ تحریر سه‌شنبه ۱۲ ذی الحجه ۱۰۲۳، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج، چند ورقی نونویس، ۲۱س، ۲۳۷گ ۱۸×۲۴، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۱۴

اختیارات بدیعی

(۱۷۷۵۹)

این نسخه چندین ورق از اوّل و آخر کسر دارد.

آغاز موجود: «لیکن غلیظ بود و مضر بود... باب التاء تانبول تامول نیز گویند و آن ورقی است مانند ورق نارنج».

انجام موجود: «که بلغت اهل شام نوعی ازیابونه است و قولی دیگر آورده که».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عناوین به شنگرف، ۱۹س، ۲۳۷گ ۱۸/۳×۲۸/۸، جلد مقوا، از موقوفات آل عصفور در آبان ۱۳۶۹.

۱۵

ادویه قلبیه

(۶۴۱۳)

(عربی)

رساله‌ایست در یک مقاله مشتمل بر ۲۵ فصل در بیان احکام کلّی ادویه مفرده و مرکبه نافع در معالجات قلب بترتیب حروف معجم از تصانیف شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله بن سینا که آنرا در همدان نوشته و مصدّر است به رساله فارسی معراجنامه(معراجیه) شیخ در ۳۲ صفحه.

آغاز: «بسمله مقالهٔ فی الادویهٔ القلبیهٔ... قال ان الله سبحنه و تعالی خلق التجویف الایسر من تجویف القلب خزانهٔ للروح»[1].

انجام: «علی اقصر ما یمکن من الاختصار و قدحان ان نتم هذه المقالهٔ حامدین واهب القوهٔ علی تتمیمها».

آغاز معراجنامه: «بسمله سباس خداوند زمین و اسمان را و ستایش دهنده تن و جان را».

انجام: «ایزد تعالی توفیق راست گفتن و راست دانستن ارزانی داراذ بمنه وجوده».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر هر دو رساله(بخط یک کاتب) نیمه دوم قرن هفتم، فصول به شنگرف، کاغذ نخودی سمرقندی، ۱۹س، ۴۳گ (۲۷+۱۶) ۱۸×۲۶، جلد مقوا با رویه پارچه و عطف چرم، واقف عضدالملک، تاریخ وقف ۱۲۷۶.

۱۶

ادویه قلبیه

(۵۰۴۶)

[1] . ابن سینا در یک موضوع از قانون در تشریح قلب می‌گوید که قلب دارای سه بطن است و ابن النفیس چنان که در یکی از حواشی خود بر«شرح قانون» مذکور در همین کتاب نوشته‌ایم بر او اعتراض نموده و گفته است که این مطلب ابداً درست نیست و قلب فقط دو بطن دارد یکی راست و یکی چپ و بطن سومی که بین آنها باشد اصلاً وجود ندارد.

نسخه کامل است و ذیل است به رساله‌ای در بیان صفات ادویه و منافع آنها ایضا بزبان عربی در شانزده ورق.

آغاز: «بسمله فی الادویة المفردة الباهیة من الحبوب و النزور و الاشربة و الاغذیة و الادهان و المشمومات و الفواکه الرطبة و الیابسة».

انجام: «یستعمل عند الحاجة فانه غایة فی ایراث السهر، والله اعلم».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر هر دو رساله ربیع الاوّل سنه ۹۸۸، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، ۱۵س، ۶۰گ(رساله اول ۴۴ و رساله اخیر ۱۶ ورق) ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۱۷

ادویه قلبیه

(۵۰۲۷)

(فارسی)

کتابی است در بیان موضوعات و مطالب مشروح در زیر از تألیفات حکیم محمد باقر موسوی از اطبای شاه سلیمان صفوی که آنرا بدستور او در مقدّمه و چهارده باب و خاتمه تألیف و بدو تقدیم نموده است.

فهرست عناوین ابواب

مقدّمه– در بیان معنی روح و کیفیت تولّد آن.

– در بیان معانی قوت و اختلاف حکما و اطبا و چگونگی آن.

– در بیان عدد قوتهای کلّیه و جزئیه بدن آدمی بطریق اجمال مشتمل بر سه فصل:

الف) در بیان جنس قوت نفسانی.

ب) در قوت طبیعی.

ج) در قوت حیوانی.

– در بیان عدد ارواح و اعضاء رئیسه مشتمل بر دو مطلب.

– در بیان چگونگی قوتها و احتمالاتی که در باب تعدد و وحدت اصل قوت بحسب عقل ممکن است.

– در بیان تقسم متناولات بغذا و دوا و غیر آن.

– در بیان شطری از احوال کیفیت و امور متعلق بآن مانند مزاج و غیره.

– در بیان بعضی از کیفیات و صفات دیگر که عارض ادویه می‌گردند و مسائل متعلقه بآنها.

– در تقسیم کیفیات بالقوه ادویه باعتدال و عدم اعتدال و تقسیم غیر معتدل بمراتب(= درجات).

– در بیان معنی مراد از مرکب القوی.

– در بیان خاصیت و معنی اجسام ذو الخاصیهٔ.

– در بیان عوارض نفسانیه و عدد آنها و معنی هر یک از آنها و سبب حدوث و عروض آنها مر نفس را و تفرقه آنها از سایر صفات و عوارض نفس.

– در ذکر برخی دیگر که عارض نفس باعتبار اتصاف قلب و روح از صفات میگردند.

– در بیان چگونگی و جهات تأثیر ادویه قلبیه در قلب و روح قلبی از تقویت و تفریح و نظایر آن.

– در بیان ادویه مفرده قلبیه بترتیب حروف ابجد(این باب بکلی مبتنی است بر اقوال شیخ در کتاب ادویه قلبیه).

خاتمه– مشتمل است بر دو مقصد:

الف) در بیان معانی محتملهٔ الارادهٔ از طبیعت.

ب) در بیان حبّی که مفرح و مقوی قلب و ساخته خود مؤلف است.

آغاز: «بسمله سکالش ستایش ایزدی از قانون اندیشه خردمند بیرون است».

انجام: «و نسیم روح پرورش در مناقد ابدان موافقان از حیات روان‌تر باد، تم بحمدلله و احسانه».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ شکری آهاری مهره، عناوین بشنگرف، برخی از صفحات معلق به حواشی بلفظ«منه، منه عفی عنه»، ۱۸س، اندازه مسطر ۷/۳، ۱۲۰گ ۱۶×۲۶، جلد تیماج زرشکی یک لا، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف: ۱۱۴۵.

۱۸

الاسباب و العلامات

(۹۸۴۱)

(عربی)

کتابی است در بیان اقسام علل و علامات و اسباب حدوث امراض جزئیه و مجملی از نحوه معالجه آنها براساس کتب مشاهیر اطبا بخصوص قانون ابن سینا و معالجات بقراطی و کامل الصناعه علی بن عباس مجوسی اهوازی، از تألیفات معروف نجیب الدّین ابوحامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی(مقتول در سنه ۶۱۹ به هرات بدست لشکریان مغول) که اصلاً آن را برای تسهیل مراجعه شخصی به مطالب مهم طبی در مواقع ضروری و بعنوان کتاب«دم دستی» بجهت خود ترتیب داده بوده است، و به لحاظ این که اسامی تألیفات او را در صفحات آتیه ذیل معرفی یک نسخه از کتابهای او موسوم به الاغذیهٔ و الاشربهٔ(تحت رقم ۵۰۴۳) بدست خواهیم داد در این موضوع بهمین مقدار اکتفا می‌نمائیم.

بر این کتاب بعدها یعنی در قرن نهم برهان الدّین نفیس بن عوض کرمانی شرح مفصّل معروفی نوشت که ما چندین نسخه از آن را در موقع خود در این کتاب معرفی و توصیف خواهیم نمود، ان شاءالله الکریم.

آغاز: «بسمله، الحمدلله علی نعمایه السابقة و ایادیه اللاحقة(تا این که گوید) انی قد جمعت لاجلی فی هذه المجلدة الخ».

انجام: «و ربما کفی فیه استعمال الملح و الخل علی موضع العضة والله اعلم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ربیع الاول ۱۰۲۶، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۹س، ۱۵۶گ ۱۸×۲۰، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبشهت ۱۳۴۶.

۱۹

اسباب و العلامات

(۸۷۵۰)

این نسخه کهن است ولی بدبختانه بقدر یک ورق از اول و چند ورقی نیز از آخر کسر دارد.

آغاز موجود: «حاصله فی الرأس... و قلة الهضم».

انجام موجود: «دفلی... فیه روی ایضا و یعرض من سقی الدفلی».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود اواخر قرن هفتم یا اوائل قرن هشتم بنحو متقن‌تر، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۱۶/۵/۱۱، ۲۳س، ۱۱۹گ ۱۶×۲۳، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف شهریور ۱۳۳۸.

۲۰

الاسباب و العلامات

(۱۳۹۹۵)

یکی دو ورق از اول ساقط است.

آغاز موجود: «و اغفله فی کل واحدة من العلل».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر شنبه سوم جمادی الاول ۷۷۹، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف و بعضی به لاجورد، اندازه مسطر ۶/۵×۱۵/۵، ۲۴س، ۱۴۹گ ۹/۵×۱۹، جلد تیماج خرمائی با حاشیه ضربی، واقف فاضل خان، تاریخ وقف ۱۰۶۵ هجری قمری.

۲۱

اصحاح الادویه

(۵۰۴۲)

(فارسی)

کتابی است از حسین بن حاج زین الدّین علی بن جمال الدّین حسین انصاری(حاج زین العطّار، متولد در سنه ۷۳۰ بشیراز و متوفی در ۸۰۶) در اعراب اسامی ادویه مذکور در کتاب پدرش موسوم به اختیارات بدیعی(چند نسخه از این کتاب را سابق بر این در موضع خود معرفی نمودیم).

آغاز: «بسمله، حمد و سپاس غفاری را جل جلاله و عم نواله که کرمش صحرای سینه مؤمنانرا بنور هدایت برافروخت».

انجام: «با مفتوح و بنون زده، میم مفتوح و بها زده و الله تعالی اعلم بالصواب».

نسخ کم نقطه، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن دهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج مشکی ساده، ۱۵س، ۱۶۹گ ۱۳×۲۲، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷ هجری قمری.

۲۲

اصول ترکیب الادویه

(۱۳۹۹۸)

(عربی)

از تألیفات نجیب الدّین ابوحامد محمّد سمرقندی است که به لحاظ این که فهرست مطالب ابواب آن را ضمن معرفی یک نسخه از آن(منضم به الاطعمهٔ المرضی، تحت رقم ۱۴۱۲۴) مشروحاً خواهیم نگاشت. در اینجا متعرّض ایراد آن نمی‌شویم و فقط همانگونه که در حاشیه مربوط به وصف یک نسخه دیگر از این کتاب(منضم به تذکرهٔ الکحالین بشماره ۵۰۶۳) وعده کرده‌ایم، مقدمه این نسخه را که با نسخه منضم به اطعمهٔ المرضی فرق دارد اندکی مشروح‌تر می‌آوریم.

آغاز: «بسمله حمد له قال السید العالم سید الحکماء نجیب الدین بقیهٔ السلف محمد بن علی بن عمر السمرقندی قدس الله روح ان الواجب علی کل ذی لب ان یتقرب الی الله تعالی و یتوسل الیه بکل ما تیسر له من القربات و احسن الوسائل و اجود الذرایع بعد امتثال الاوامر و النواهی ما یعود الی نفع المسلمین(در نسخه منضم به تذکرهٔ الکحالین: نفع الناس) عامهٔ و یرجع الی دفع الاذی عنهم خاصهٔ(فقط در این نسخه) و البحث[عن] علم الطب و معالجهٔ المرضی و الاهتمام بخلاصهم و التماس الصحهٔ لهم مع ما فی ذلک من تحری صلاح المسلمین و اجواز(کذا، صحیح: احراز) المثوبهٔ من رب العالمین یکون اظهار الحکم بحکم الله تعالی و بحثا عنها و نظرا فی الایات الافاق و الانفس و استدلالا علی علمه و

قدرته لمن یتعاطی هذه الصناعۀ و یزاولها اصول ترکیب الادویۀ مختصرا بحسب الوقت و الحال متحریا سهولۀ طریق الانتفاع بها و تسهیلا للمستفیدین منها فانی رأیت اطباء دار المرضی بمدینۀ السلام عمرها الله تعالی اختصر و اعلی عدّۀ نسخ من المرکبات الخ».

انجام: «و یجعل بدل العفص البزغند اذ لم یرد به شدۀ السواد و الله اعلم تم الکتاب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، اندازه مسطر ۱۱×۱۶/۲، جلد میشن خرمایی دو رو(ضربی با ترنج و سر ترنج و سجاف تیماج)، ۲۷س، ۲۹گ، واقف فاضل خان(در سنه ۱۰۶۵ بر مدرسه خود که در سنه ۱۳۶۳ شمسی به کتابخانه آستان قدس انتقال یافته است).

۲۳

اصول ترکیب الادویۀ

(۵۱۲۵)

این نسخه مذیّل است به کتاب«الاغذیۀ و الاشربۀ» از تألیفات نجیب الدّین ابو حامد سمرقندی مذکور که آنرا در موقع خود با دو نسخه دیگر معرفی خواهیم نمود، ان شاء الله العزیز.

آغاز و انجام آن عیناً مطابق با نسخه سابق است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ربیع الثانی سنه ۹۸۸، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، بقیه مشخصات برابر است عیناً با نسخه«الاغذیۀ و الاشربۀ» موصوف در صفحات بعد(تحت رقم ۵۱۲۵).

۲۴

الاطعمۀ المرضی

(۵۰۴۱)

(عربی)

نام مؤلف علی العجاله بدست نیامد، ولی به لحاظ این کـه ایـن نسـخه سـابقاً منضـم بـوده اسـت بـه کتاب«الاغذیۀ و الاشربۀ» مذکور در موقع خود تحت رقم ۵۰۴۳ و کتاب«قرابادین» تحت رقم ۵۱۲۳ هر دو بخط یک کاتب و هر دو بقلم یک مؤلف یعنی نجیب الدّین ابو حامد محمد بن علی بـن عمـر السمرقندی(مقتول در سنه ۶۱۹ بهرات بدست لشکریان مغول) و از قضا این نسخه نیز بخط کاتب همان دو کتاب است و از آن طرف مؤلف مذکور کتابهای دیگری نیز دارد که از همین نمـط یعنـی در بـاب اغذیه و اطعمه است مثل رساله فی الاطعمۀ الاصحاء(نسخه دارالکتب المصریۀ– ۱۲۲ طب) و الاغذیۀ و الاشربۀ للمرضی[۱](نسخه محفوظ در رباط بشماره ۲۶۵۴ و موزه عراق تحت رقم ۴/۳۲۶) و رساله فی الاطعمۀ المرضی(نسخه تیموریه– ۱۲۱ طب و نسخه کتابخانه طلعت– ۵۹۴ طب) باری بموجب ایـن قرائن احتمال فوق العاده قوی می‌رود بل یقین قطعی بوقوع می‌پیوندند که مؤلف این کتاب نیـز همـان نجیب الدّین سمرقندی مذکور است و ما اینک آغاز آنرا قدری مفصّل‌تر از مقدار معهود در این موضع درج می‌نمائیم تا هر کس که به نسخه‌ای از این کتاب دسترسی دارد فی الفـور بتوانـد آنـرا در کمـال سهولت با این نسخه که کهن و فوق العاده مضبوط و منقح است مقایسه نماید:

آغاز: «بسمله حمدله ان احد العلوم التی ینتفع بها الناس هو علم الطب و هو من جملۀ العلوم السیاسیۀ التی هی اشراف العلوم الاضطراریه المحتاج الیها فی بقا نوع الانسان و قد قلّ الانتفاع به فی زماننا علی

[۱]. این نسخه با نسخه تیموریه و طلعت باید یکی باشد و نسخه رضویه یعنی همین نسخه محفوظ تحت رقم ۵۰۴۱ نیز قطعاً با آنها یکـی اسـت و کتاب علی حده‌ای نیست.

عظم قدره و کثرة جدواه لقصور همم الناس عن تحصیله و احکامه و عدم بلوغهم ما یمکـن فـی قـوة الانسان بلوغه و ما ذاک الّا لخساسة نفوس المحصلین له الخ».

انجام: «الی اخلص النیات و باعمالنا الی احسن الاعمال انه المسدد و الحمدلله العالمین».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سنه ۶۸۰، ۲۸گ(بقیه مشخصات مطابق است عیناً با نسخه الاغذیة و الاشربة تحت رقم ۵۰۴۳ و قرابادین بشماره ۵۱۲۳، الاّ این که در هامش صفحه آخر بفارسی فصیحی نسخه جوارش جالینوس مسطور است که به لحاظ این که علی الظاهر در اواخر قرن هفتم کتابت شده عیناً آنرا در اینجا نقل می‌نمائیم: «جوارش جالینوس دو مثقال بناشتا سنبل قرنفل قاقله سلیخه دارچینی خولنجان زنجبیل زعفران پلپل دار فلفل قسط بحری سعد عود بلسان حب الآس اسارون قصب الذریره از هر یک یک جزء مصطکی پنج جزء و سکر چند[1] وزن همه داروها انگبین مصفی چندانک داروها و سکر پس از آنک کوفته شذه باشذ با وی بسرشند این جوارش همه اندامها را قوت دهذ و بوی دهانرا خوش کنذ و کونه روی را صافی کند و باذ ناسور و دیوانکی و دردسر که از سردی بوذ زائل کنـذ و خذاوند نقرس را و خذاوند قوبا را و خذاوند بهق را سوذ دارذ و کسی را که ریشها پلیذ دارذ و کسی را که در کرده ریک دارذ سوذ دارذ و سیاهی موی را نکاه دارذ بیست و یک روز این جوارش را هر روز دو مثقال ناشتا بکار داشتن خود را از بیماری نکاه داشتن است» انتهی.

۲۵

الاطعمة المرضی

(۱۴۱۲۴)

[1] . چند با آخر مکسور یعنی بقدر و باندازه مثال از چهار مقاله نظامی عروضی: «مأمون» از خلال قبا هژده دانه مروارید برکشید هـر یکـی چنـد بیضه عصفوری» (مقاله اول، حکایت ششم).

آغاز و انجام این نسخه عیناً مطابقت دارد با نسخه بلافاصله مذکور در قبل و مذیّل است به دو کتاب ایضا بزبان عربی هر دو از تألیفات نجیب الدّین ابو حامد محمّد سمرقندی مذکور در ذیل نسخه قبل و سایر مواضیع این کتاب بشرح ذیل:

۱. کتاب اصول التراکیب(اصول ترکیب الادویه)

در بیان معرفت قوای ادویه و قوانین و اصول ترکیب آنهاست در نوزده باب باین شرح:

الف) فی الاشربة و الربوب.

ب) فی الجوارشات و المعجونات.

ج) فی الحبوب المسهله و الایارجات.

د) فی المطبوخات و النقوعات.

هـ) فی الحقن و الشیافات و الفرازج.

و) فی ادویة القی.

ز) فی اللعوقات.

ح) فی الاقراص.

ط) فی السفوفات و القمایح.

ی) فی الاضمدة و الاطلیة و الکمادات.

یا) فی الادهان.

یب) فی ادویة العین.

یج) فی المراهم و الذرورات.

ید) فی السنونات.

یه) فی الغراغر.

یو) فی المربیات.

یز) فی السعوطات و الفطوسات و الشمومات و البخورات.

یح) فی النطولات.

یط) فی ادویهٔ الشعر.

آغاز: «بسمله حمد له قال الامام العلامه سید الحکماء... انه لاینبغی للطبیب ان یعالج کل ما یحدث فی البدن من الامور الیسیرهٔ و التغییرات القلیلهٔ بعلاج بل یدبر ذلک بتغییر التدبیر و تعدیل الامور الضروریهٔ الستهٔ».

انجام: «و قد یجعل بدل العفص البزغند اذا لم یرد به شدهٔ السواد و الله تعالی اعلم بالصواب».

۲. کتاب التفریق بین الامراض

و آن عبارت است از کتابی در ذکر امراض مشترک العلامه و متشابه الدّلایل و بیان وجوه و افتراق آنها بصورت سوال و جواب مشتمل بر مقدمه‌ای در تحقیق معنی«فرق» و پنج مقاله باین شرح:

المقالهٔ الاولی– فروق بین احوال تعرض لاجزاء الرأس، در ۵ فصل.

۱. فروق بین امراض و احوال مشتبههٔ للدماغ و هی اثنی عشر:

– ما الفرق بین السهر الکاین عن الیبس و بین الحادث عن المواد اللادعهٔ.

– ما الفرق بین الاسکات و السبات.

– ما الفرق بین السکته الحادثهٔ عن المادهٔ السادهٔ لبطون الدماغ و بین الحادثهٔ عن الورم فیه».

- ما الفرق بين السبات و الحمور.

- ما الفرق بين ورم الدماغ و ورم اغشيته.

- ما الفرق بين الصداع الكاين لدكاحس الدماغ و من الكاين لضعفه.

- ما الفرق بين الصداع الكاين عن نقص جوهر الدماغ و بين الكاين عن النوعين الاولين.

- ما الفرق بين الصداع البحرانى و بين غيره.

- ما الفرق بين السدر الشديد و الصرع.

- ما الفرق بين المانيا و فرانيطس.

- ما الفرق بين التمدد و الكرار.

- ما الفرق بين اللقوه التشنجيهٔ و الاسترخائيه.

۲. فی فروق تقع فی العین مشتبههٔ و هی تسعهٔ:

- ما الفرق بين البثرهٔ فى العين و الدبيلهٔ.

- ما الفرق بين ما ينحدر الى العين فى الرمد من المواد فى العروق التى تاتيها من داخل القحف و ما ينحدر اليها من العروق التى تاتى اليها من خارج.

- ما الفرق بين السبل الحادث بجداول العروق المذكورهٔ فى الملتحم و بين الحادث بجداول العروق الباطنه.

- ما الفرق بين الخيال الكاين عن المعدهٔ و بين المنذر بالماء.

- ما الفرق بين الخيال العارض لدكاحس العينين و بين الخيال المنذر بالماء.

- ما الفرق بين اليبس العارض للجليديهٔ و بين الماء.

- ما الفرق بين ضيق للتعب العتبى الحادث المرطوبية و بين ضيقة الحادث.

- ما الفرق بين اتساع تعب العينى التابع لكثرة البيضية و بين التابع لحفاف العينى.

- ما الفرق بين الرعاف الحادث لانحراق الشبكة الدماغية و بين ما يعرض لانحراق غيرها كعروق الدماغ.

٣. ما الفرق بين الرعاف الخارج من الشرائين و بين الخارج من الاوردة.

٤. ما الفرق بين البواسير فى الانف و السرطان.

٥. فروق من اوجاع يشتبه الاسنان و هى اثنان:

- ما الفرق بين الوجع و العارض... نفسه و بين العارض للعصبة الذى تحته.

- ما الفرق بين وجع السن بسبب يبسه و بين الوجع الحادث لذهاب مائه.

المقالة الثانية- فروق بين احوال و امراض تعرض لالات التنّفس و فيها ثلاثة فصول:

١. فروق بين امراض تعرض الحلق و الحنجرة و هى ستة:

- ما الفرق بين الخوانيق الكلية لتشنج كل واحد من عضل الحنجرة و المرى الداخل و الخارج و بين الحادية.

- ما الفرق بين الخوانيق الحادثة من قبل ورم عضل الحنجرة و بين الحادثة من قبل ورم المرى.

- ما الفرق بين الخوانيق و الدنحة.

- ما الفرق بين الدنحة و ورم اللورش.

- ما الفرق بين الخوانيق الحادثة من قبل الورم العضل الذى على طرف المرى و بين الخوانيق الحادثة لورم العضل المستبطن له.

– ما الفرق بين الخوانيق الحادثة من قبل ورم يعرض لنفس القصبة و بين الحادثة لورم الحنجرة.

٢. فروق بين امراض و احوال يقع بالرية مشتبهة و هی تسعة:

– ما الفرق بين شدة الحاجة الى النفس بسبب ضيق الالات الجارى فيها الهوا عنده الوجود المراحمات و السادات و بين الحادث نصعف القوة المحركة.

– ما الفرق بين عسر التنفس الكاين لورم الرية و بين الحادث لسدة فى اقسام قصبتها.

– ما الفرق بين السدة فى اقسام قصبة الرية و بين السدة فى عروقها و بين السدة فى شرائينها.

– ما الفرق بين الربو الريحى و البلغمى.

– ما الفرق بين افة النفس لافة فى عضل الصدر الداخل و بين افته لافة فى عضله الخارج.

– ما الفرق بين الدم الخارج من جرم الرئة و بين الخارج من عروقها.

– ما الفرق بين السعال الحادث لمادة القصبة الرئة و بين الحادث لمادة فى اقسامها و الحادث لمادة فى عروقها.

– ما الفرق بين نفث الدم الخارج من فوهات الشرائين... قصبة الرئة و بين... .

– ما الفرق بين الدم الخارج من عروق الرئة و بين الخارج من الصدر.

٣. فروق بين امراض و احوال حادثة بما فى الصدر و الجنب و هى اربعة:

– ما الفرق بين الشوصة و ذات الجنب.

– ما الفرق بين ورم الرئة و ذات الجنب.

– ما الفرق بين ورم العضل الداخل فى الشوصة و بين ورم العضل الخارج.

– ما الفرق بين ذات الجنب و ورم عشا الكبد.

المقالة الثالثة– فروق بین امراض و احوال تعرض لالات الطبیعیة یشتمل علی اربعة فصول:

۱. فروق بین امراض و احوال تعرض للمعدة و الامعا و هی اربعة عشر فصلا:

– ما الفرق بین خروج الغذا من المعده نصعف قوتها الماسکة و من خروجه بحرکة قوتها الدافعة.

– ما الفرق بین نقص الهضم التابع لنقص فعل القوة المغیرة و بین نقصه التابع لنقص القوة الممسکة.

– ما الفرق بین عدم الشهوة التابع لاسترخا فم المعدة و بین التابع لشدة برده.

– ما الفرق بین عدم الشهوة بعدم امتصاص العروق المتصله بفم المعدة و بین التابع لاسترخاء فیها.

– ما الفرق بین فساد الغذا للخلط المشرب فی حمل المعدة و بین فساده للخلط الشانح فیها.

– ما الفرق بین القی الکاین لضعف فم المعدة و بین الکاین لخلط فیها.

– ما الفرق بین القی بین القی الکاین لضعف فم المعدة و بین الکاین لخلط فیها.

– ما الفرق بین ما یعرض من الشهوة الکلبیة لافراط التحلل من البدن جمیعه و بین العارض فیها للبود.

– ما الفرق بین العطش الحادث لحرارة المعدة و بین الحادث لنقص رطوبتها.

– ما الفرق بین العطش من قبل الرئة و بین حادث من قبل المعدة.

– ما الفرق بین العطش الحادث لیبس المواضع التی تجری فیها الرطوبة الی الفم و بین الحارث بحرارتها.

– ما الفرق بین الدرب و زلق المعدة و زلق الامعا.

– ما الفرق بین وجع القولنج الکاین عن البلغم الناشر فی الامعا و بین وجع الکلی للحصاة الناشیة فیها.

– ما الفرق بین الوجع الحادث عن حجر یتولد فی الامعا و بین الحادث عن الخلط الغلیظ البلغمی الناشب فی الامعا.

– ما الفرق بین الزحیر الحادث لاحتباس الثقل و بین الحادث عن اللداع من المواد الحارة.

۲. فروق بین امراض و احوال تشتبه فی الطحال و هی اربعهٔ عشر فصلا:

- ما الفرق بین ورم لحم الکبد و بین ورم غشائها.

- ما الفرق بین الاسهال الکیلوسی الحادث لسدهٔ الماساریقا و بین الحادث بضعف حادثه[لـ] الکبد.

- ما الفرق بین الاسهال الحادث لعدم وصول الغذا الی الکبد و بین المنحدر الی الامعا.

- ما الفرق بین الاسهال الحادث لفساد الاعتدا البالث(کذا) و بین الحادث لفساد ما فی البطن.

- ما الفرق بین اسهال الدم من الکبد المسدد و بین الحادث لضعف قوتها المغترهٔ.

- ما الفرق بین اسهال الدم الکیلوسی التابع لضعف القوهٔ المغیرهٔ و بین التابع لضعف القوهٔ الممسکهٔ.

- ما الفرق بین اسهال الدم من الکبد لانفجار الدبیلهٔ فیها و بین الخارج منها للسدد.

- ما الفرق بین ورم الجانب المقعر من الکبد و بین ورم محدبها.

- ما الفرق بین الاسهال الکیلوسی الحادث لضعف جاذبهٔ الکبد و بین الحادث لضعف ممکسهٔ المعدهٔ.

- ما الفرق بین ما یحدث من الیرقان لامتلا المرارهٔ و تمددها و بین الحارث للسدد فی مجاریها.

- ما الفرق بین الیرقان الحادث لسدهٔ مجری المرارهٔ المتصل بالکبد و بین الحادث لسدهٔ واقعهٔ فی مجراها المتصل بالامعاء.

- ما الفرق بین الیرقان الحادث لسخونهٔ العروق و بین الحادث لسخونهٔ الکبد.

- ما الفرق بین الیرقان الحادث لضیق مجاری المرهٔ من المرارهٔ و بین الحادث عن سددها.

- ما الفرق بین الاستسقا الحادث لسدهٔ فی مجاری الکلی و بین الحادث لضعف الکبد.

- ما الفرق بین صلابهٔ الطحال للورم و بین صلابته للریح تحته.

۳. فروق بین امراض و احوال تشتبه للکلی و المثانهٔ و هی خمسهٔ عشر:[1]

– ما الفرق بین الرمل الخارج من الکلی و بین الخارج من المثانهٔ.

– ما الفرق بین ورم الکاین فی لحم الکلی و بین الکاین فی عروقها و غشائها.

– ما الفرق بین[بقیه کلمات سیاه شده و خوانده نمی‌شود].

– ما الفرق بین الدم الغسالی الحادث عن ضعف الکبد و بین الحادث لاتساع العروق التی یتصفی فیها المائیهٔ الی الکلیتین[بقیه این فصل در نسخه موجود نیست].

۴. فروق بین احوال مرضیهٔ تشتبه عروضها لالات التناسل یشتمل علی ثلاث فصول:

– ماالفرق بین الانعاظ العارض لاتساع العروق الضوارب الاتیه الی القضیب و بین الحادث للریح فی تجویف عصبه.

– ماالفرق بین سیلان المنی لرقته و بین سیلانه لضعف القوهٔ الممسکهٔ و بینها و بین السایل لتشنج الاوعیهٔ.

– ما الفرق بین فعله(کذا) المعا و فعله(کذا) الثرب.

المقالهٔ الرابعهٔ– فروق لاتختص بعضو بعینه و هی ثلثهٔ فصول:

۱. فروق فی الحمیات و هی ثمانیهٔ:

– ماالفرق بین الحمی السددهٔ الحادثهٔ لکثرهٔ الدم و بین الحادثهٔ لغلظ الاخلاط.

– ما الفرق بین حمی یوم السددهٔ الحادثهٔ لسدهٔ فی فوهات العروق و بین الحادثهٔ للسدد من خارج البدن.

– ما الفرق بین الحمی السددیهٔ و بین الغلیانیه من المطبقهٔ.

---

[1]. اوراق مربوط به این فصل در جای خود نیست و ما فهرست مطالب آنها را بجهت حفظ ترتیب مباحث و فصول در اینجا مذکور داشتیم.

- ما الفرق بين الحمى المحرقة الكاينة عن الصفرا و بين الكاينة عن البلغم المالح.

- ما الفرق بين ما كان من مادة المحرقة فى العروق التى حول القلب اكثر و بين ما كان منها فى العروق التى حول المعدة.

- ما الفرق بين الخمس و السدس و السبع الحادثة عن البلغم و بين الحادثة عن السوداء.

- ما الفرق بين الحمين و الغب.

- ما الفرق بين السبعين و الربع.

٢. فروق متشابهة من القروح و الاورام و هى سبعه:

- ما الفرق بين القرحة الساعية و النار الفارسية.

- ما الفرق بين الخبيثة و المتاكله.

- ما الفرق بين الغانقريا و سفاقلوس.

- ما الفرق بين الورم النفحى و بين التهبيج.

- ما الفرق بين السرطان و الورم الصلب.

- ما الفرق بين الفلغمونى و الحمرة.

- ما الفرق بين تعقد العصب و بين السلع.

٣. فروق بين احوال تعرض للناقهين و هى ثلاثة:

- ما الفرق بين فساد الغذا فى بدن الناقه لاخلاط فى معدته و بين فساده لاخلاط فى جميع بدنه.

- ماالفرق بين العرق الحادث فى بدن الناقه لصعف الحرارة الغريزية و بين الحادث لكثرة الغذا.

- ماالفرق بين العرق الحادث لضعف القوة الماسكة و بين الحادث لحركة الدافعة.

المقالهٔ الخامسهٔ– یشتمل علی فصلین فی الدلایل:

١. فی النبض– فروق بین احوال تشتبه فی النبض و هی ثمانیهٔ:

– ما الفرق بین النبض المنظم الدوری و المنظم من غیر دور.

– ما الفرق بین قیاس الحرکهٔ بالحرکهٔ فی الوزن و بین قیاسیها فی التسریع.

– ما الفرق بین النبض المشوی الاختلاف و بین النبض المختلف الاختلاف.

– ما الفرق بین النبض الغزالی فی الواقع فی الوسط.

– ما الفرق بین النبض المنشاری و الموجی.

– ما الفرق بین النبض العریض و الغلیظ.

– ما الفرق بین النبض الصلب و الممتلی.

٢. فروق بین احوال مشتبههٔ فی البول و هی عشر(کذا) فرقا:

– ما الفرق بین حمرهٔ البول التابعهٔ للبلغم و بین حمرته للحرارهٔ الغالبهٔ.

– ما الفرق بین البول الاحمر الناصع و بین البول الاحمر القانی.

– ما الفرق بین الحاتر(کذا) و الغلیظ.

– ما الفرق بین البول الاسود البحرانی و بین الاسود لغیر ذلک.[1]

– ما الفرق بین البول الاسود الدال علی شدهٔ الاحتراق و بین الحادث عن شدهٔ البرد.

– ما الفرق بین البول الدال النوع الثالث منه.

– ما الفرق بین الخام و المدهٔ فی البول.

---

[1]. از اینجا تا آخر مبحث«ما الفرق بین تعسر البول التابع لامتلاء المثانهٔ الخ» اوراق در جای خود نیست و ما فهرست مطالب آنها را در این موضع آوردیم تا توالی مباحث حفظ بماند.

- ما الفرق بين ما ياتى من الرسوب فى علل الكبد و بين ما علل الكليتين.

- ما الفرق بين الرسوب الدال على هضم المعدة و بين الرسوب الدال على هضم العروق.

- ما الفرق بين تقطير البول التابع لضعف ممسكة المثانة و بين التابع لشدة دافعتها.

- ما الفرق بين تغيير البول للورم فى المثانة و بين تغييره للحصاة.

- ما الفرق بين تعسر البول الجامد و بين تعسر الحصاة.

- ما الفرق بين تعسر البول بحدته و بين تعسره للحصاة.

- ما الفرق بين احتباس البول للسدة فى مجارى البول العالية على المثانة و بين الحادث للسدة فى مجاريها السافلة.

- ما الفراق بين احتباس البول لسدة فى اصل القضيب و بين احتباسه لشدة امتلا المثانة.

- ما الفرق بين تقطير البول لاسترخاء عضل المثانة و بين الحادث لحدة البول.

- ما الفرق بين تعسر البول لخفاف الرطوبة البالة للقضيب و بين الحادث لحدة.

- ما الفرق بين تعسر البول لضعف حادة الكلى و بين تعسره لضعف دافعتها.

- ما الفرق بين تعسر البول التابع لامتلا المثانة و تمدد بالريح و بين تعسره لامتلائها من المثانة.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذى هدينا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا ان هدينا الله و نحمده على ما خولنا من نعمه و اولانا و نشهد بوحدانيته سرا و اعلانا و نصدق برسله ايمانا و نصلى على خير خلقه محمد اعظم شانا صلى الله عليه صلوة نرجوا بها غفرانا اما بعد لما رايت اطبا الزمان لايعرفون من الامراض الا ما تصوره عن الكتب بدلايله و اسبابه المذكورة الخ».

انجام: «ما يتبع كل واحد من المدلولين من الاعراض الخاصة بهما تحت بحمد الله و حسن توفيقه».

نسخ، هر سه کتاب بخط یک کاتب، تاریخ تحریر اواسط قرن هشتم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۲۴س، اندازه مسطر ۶/۲×۱۵/۵، کتاب اول ۱۸گ، کتاب دوم ۳۷گ، کتاب اخیر ۳۴گ، ۱۰×۱۸، جلد تیماج فرنگی ماشی و عطف و گوشه تیماج قهوه‌ای، واقف فاضل خان(در سنه ۱۰۶۵ وقف بر مدرسه خود نموده و در سنه ۱۳۶۳ شمسی به کتابخانه انتقال یافته).

۲۶

الاغذیهٔ و الاشربهٔ

(۵۰۴۳)

(عربی)

تألیف نجیب الدّین ابوحامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی(مقتول در سنه ۶۱۹ بهرات بدست لشکریان مغول) از مشاهیر اطبا و مؤلفان کتب طبّی قرن ششم است در بیان خواص و منافع و مضار اهم غذاها که عبارت باشد بزعم او از شش نوع یعنی انوا حبوب و گوشت و تخم پرندگان و شیر و میوه و سبزی. تألیفات دیگر او عبارتست از کتاب الادویهٔ المفردهٔ و الاغذیهٔ المرضی و اصول ترکیب الادویه و رساله قوانین ترکیب الادویه و رساله فی مداواهٔ وجع المفاصل[1] و مقاله فی کیفیهٔ ترکیب طبقات العین و کتاب الصناعهٔ و غایهٔ الاغراض فی معالجهٔ الامراض و کتاب فی الامراض الجزئیهٔ و علائمها و علاجها و کتاب الاسباب و العلامات که شروح عدیده‌ای دارد و مشهورترین تألیف اوست، و ما در این کتاب برخی از کتب مذکور را که نسخه آنها در این کتابخانه محفوظ است در موقع خود معرفی خواهیم نمود، ان شاءالله العزیز.

[1]. یک نسخه از این کتاب در رباط محفوظ است(تحت رقم ۲۶۶۱).

آغاز: «بسمله حمد له ان الله تبارک و تعالی لما خلق نوع الانسان اعدل مزاجا من جمیع الحیوانات و جعل ذلک الاعتدال الخ».

انجام: «الی تقویهٔ القلب و الدماغ عند الضعف و الغشی اکثر و اشد من استعمال سائر الروائح و الله اعلم».

نسخ، کاتب نامعلوم[1]، تاریخ تحریر رجب سنه ۶۸۰، کاغذ نخودی، بغدادی، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۱۸×۱۶، س۱۹، ۱۰۳گ ۱۲/۵×۲۲، جلد تیماج مشکی ساده، واقف خواجه شیر احمد تونی از واقفین عمده کتابخانه(۲۳۲ نسخه وقف نموده) در سنوات ۱۱۵۴ و ۱۱۹۶ و ۱۲۵۰ و ۱۲۷۰ و ۱۲۷۲ نسخه داخل عرض شده.

۲۷

الاغذیهٔ و الاشربهٔ

(۱۳۹۹۱)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود اواخر قرن هفتم و اوائل قرن هشتم، کاغذ نخـودی، ۲۳س، اندازه مسطر ۸/۵×۱۶/۵، جلد تیماج ضربی با سجاف چرمی، ۹۵گ، ۱۰×۲۰، واقف فاضل خـان، تاریخ وقف ۱۰۶۵ هجری قمری، از ذی قعده ۱۰۸۷ ببعد عرض دید شده.

۲۸

الاغذیهٔ و الاشربهٔ

(۵۱۲۵)

[1] . نسخه شماره ۵۰۴۱(اطعمهٔ المرضی) و نسخه شماره ۵۱۲۳(قرابادین) هر دو مذکور در مواقع خود در این کتـاب نیـز بخـط اوسـت و ایـن سـه نسخه سابقاً منضم به یکدیگر بوده و بعد تجزیه شده است.

کامل و مصدّر است به کتاب اصول ترکیب الادویهٔ تألیف نجیب الدّین سمرقندی مذکور که وصف آنرا سابق بر این در موقع خود(در همین حرف الف) آوردیم.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سلخ جمادی الاولی سنه ۹۸۸، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۵س، ۱۴۵گ(۴۸ ورق کتاب اوّل و ۹۷ ورق این کتاب) ۱۲/۵×۱۸/۵، جلد تیماج خرمائی ساده، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۵ هجری قمری.

۲۹

الاغراض الطبیهٔ و المباحث العلائیه

(۵۱۵۹)

(فارسی)

تألیف سید زین الدّین(یا شرف الدّین) ابو ابراهیم اسمعیل بن حسن بن محمّد بن احمد(یا احمد بن محمد) الحسینی الجرجانی(متولد سنه ۴۳۴ در جرجان و متوفی در ۵۳۱ به مرو) از پزشکان نامی و عالی قدر قرن ششم هجری و از مشاهیر رجال علم[۱] در دربار سلطان علاء الدّوله اتسز بن قطب الدّین محمّد خوارزمشاه[۲] متوفی در جمادی الآخر سال ۵۵۱ هجری است که آنرا بدستور مجد الدّین ابو محمّد صاحب بن محمّد البخاری[۳] وزیر سلطان مذکور از کتاب دیگر خویش ذخیره خوارزمشاه در

---

[۱] . منزلت و علو مرتبه وی در طب چنان است که بیهقی در حق او می‌گوید که علم طب و دیگر علوم را با تصانیف نیکوی خود زنده کرد(تتمه صوان الحکمهٔ، ص۱۷۲). اسناد وی در طب طبیب معروف عبدالرّحمن بن علی بن ابی الصادق ملقّب به بقراط ثانی و در حدیث ابوالقاسم قشیری(۳۸۶–۴۶۵) بود و بموجب قول یاقوت در معجم البلدان(ذیل کلمه جرجان) کتاب الاربعین را از او روایت کرد.

[۲] . ابن ابی اصیبعه خلط نموده است بین این قطب الدین محمد و علاء الدین محمد بن تکش خوارزمشاه و ما به لحاظ این که به این مطلب در صفحات آتیه به نحو مشروح‌تر اشاره خواهیم نمود(در حرف ذال«ذخیره خوارزمشاهی» تحت رقم ۵۱۸۰» حاشیه۱) در این موضع بیش از این چیزی نمی‌نویسیم.

[۳] . ترجمه احوال او را علی بن زید بیهقی که از دوستان او بوده در تتمه صوان الحکمهٔ آورده است(۱۴۶–۱۴۸) و ناگفته نمانند به جهت ذکر نام این علی بن زید که نسب او به تصریح خودش در تاریخ بیهق(ص۲) و مشارب التجارب(به نقل از یاقوت در معجم الادباء ۵: ۲۰۸) به خزیمهٔ بن

کمال سهولت لفظ و وضوح عبارت تلخیص کرده و در دو کتاب هر کدام منقسم به چندین گفتار و هر گفتار منقسم به چندین باب ترتیب داده است. نظامی عروضی این کتاب را از جمله متوسّطات و جزو کتبی محسوب داشته که مطالعه آن بر عموم متعلّمین علم طب واجب بوده است(چهار مقاله، ص ۱۱۰، تهران ۱۳۳۳).

تقسیمات کتاب اوّل

گفتار اول: اندر یاد کردن حد طب و موضوع و منفعت آن و یاد کردن جزو علمی و عملی و یاد کردن ارکان و مزاج و اخلاط آن، مشتمل بر نوزده باب.

گفتار دوم: اندر شناختن اندامهاء بسیط، در هفت باب.

گفتار سوم: اندر شناختن اندامهاء مرکب، شامل هفده باب.

گفتار چهارم: اندر تشریح قوتها، مشتمل بر پنج باب.

گفتار پنجم: اندر شناختن درستی و بیماری بسبب و عرض و بیماریهاء شرکتی و مزاجی و بیماریهاء اندامهاء مرکب و غیر آن، در پنج باب.

گفتار ششم: اندر نبض و آن بیست بابست.

گفتار هفتم: اندر دم زدن، در یک باب.

گفتار هشتم: اندر تفسره، مشتمل بر بیست باب.

گفتار نهم: اندر شناختن تن درست و بیمار از احوال ثقل طعام، در هفت باب.

گفتار دهم: اندر شناختن حالها از عرق، مشتمل بر پنج باب.

ثابت ذی الشهادتین صحابی معروف و از او به یعرب بن قحطان می‌رسد پس علی رغم قول آلدو میلی Aldo mieli در La Science arabe… P.۱۶۷. که او را ایرانی می‌نویسد عرب قحّ خالص است.

گفتار یازدهم: اندر احوال نفث، در پنج باب.

گفتار دوازدهم: اندر شناختن احوالی که اندر تن پدید آید و هر یک بسبب حالی دیگر باشد طبیعی گر[1] ناطبیعی، در شانزده باب.

گفتار سیزدهم: اندر اسباب احوال زادن و مردن، در شش باب.

گفتار چهاردهم: اندر تقدمه المعرفة[2]، شامل سه جزوء: جزو اول در سه باب، جزو دوم در چهار باب، جزو سوم در شش باب.

گفتار پانزدهم: اندر بحران(Crisis) مشتمل بر هشت باب.

[گفتار شانزدهم: اندر حفظ الصحة در شانزده باب][3].

---

[1] . این حرف که مختصر«اگر» است در این موضع بمعنی«یا» بکار رفته و استعمال آن باین معنی در دواوین اشعار و کتابهای نویسندگان نواحی مختلف خراسان در اعصار قدیم سابقه دارد. اینک بعضی شواهد این نوع استعمال:

«پس آن معنی را که عقل اثبات می‌کند نهایت هست از آن جانب اگر نه» (سفرنامه ناصر خسرو، ص۱۴۲، افست تهران)، مثال دیگر: «کسی او را پرسید که سفر کردی ایا الشیخ، گفت سفر زمین اگر سفر آسمان، سفر زمین نکرده‌ام و لکن سفر آسمان کرده‌ام» (ترجمه رساله قشیریه، ص۴۸۸)، مثال دیگر از رونق المجالس(ص ۷۸): «ابراهیم ادهم در دشت همی شد، لشکریئی بوی رسید گفت ای مرد تو بنده‌ای اگر آزاد، گفت بنده‌ام» ایضا مثالی دیگر: «این مرد بجست گفت این آب پاک است اگر نه» (بستان العارفین ۱۶۷، منضم به رونق المجالس مذکور) اما در شعر شواهد آن بخصوص در شاهنامه و اشعار اسدی طوسی فراوان است. فردوسی گوید:

ستمکاره خوانیمش ار دادگر   هنرمند خوانیمش ار بی‌هنر

و انوری نیز گفته است:

وین طرفه‌تر که هست بر اعدات نیز تنگ   پس چاه یوسف است اگر چاه بیژن است

ولی شمس فیس رازی در المعجم فی معائیر اشعار العجم(ص ۲۷۸، طبع مرحوم قزوینی) بنا به زعم خود استعمال کلمه مذکور را به معنی«یا» مختص به سرخسیان دانسته و لابد جرجانی نیز باحتمال بسیار ضعیف این نحو استعمال حرف مزبور را از ایشان اخذ کرده. زیرا که وی مدتی در سرخس اقامت داشته و بیهقی او را در سنه ۵۳۱ در آن شهر دیده بوده است(تتمه صوان الحکمه ۱۷۲).

[2] . Prognosis.

[3] . کاتب تقریباً از ده سطر مانده بآخر گفتار پانزدهم بلافاصله و بدون هیچ نشانه‌ای بغتةً می‌جهد به دوسطر مانده بآخر باب پنجم از این گفتار که گفتار شانزدهم باشد، و ما بجهت رفع این نقیصه عناوین این پنج باب را در اینجا نقل می‌کنیم. باب اول: در تدبیر هوا، باب دوم درتدبیر هاء فصلهاء سال، باب سوم: در تدبیر شهر و خانه، باب چهارم: در تدبیرجامه پوشیدن، باب پنجم: در غذا و تدبیر آن.

گفتار هفدهم: اندر یاد کردن ادویه مفرد و یاد کرد طبع و فعل و منفعت و مضرّت و خاصیت[آنها] شامل سه بخش: بخش اوّل اندر داروهای غذائی بترتیب حروف جمّل، بخش دوم اندر داروهای حیـوانی، بخش سوم اندر داروهای مطلق.

کتاب قرابادین[۱]

مشتمل است بر بیست باب باین شرح:

باب اول: اندر شرابها.

باب دوم: اندر لعوقها.

باب سوم: اندر قرصها.

باب چهارم: اندر سفوفات.

باب پنجم: اندر گوارشها.

باب ششم: اندر اطریفلها.

باب هفتم: اندر معجونها.

باب هشتم: اندر ایارجات.

باب نهم: اندر نقیعها و مطبوخهاء مسهل.

باب دهم: اندر حبهاء مسهل و غیر مسهل.

باب یازدهم: اندر داروهاء قی.

---

[۱]. Pharmacopoeia، و قرابادین(اقرابادین) مأخوذ است از لفظ یونانی گرافیدیون graphidion.

باب دوازدهم: اندر داروهاء غرغره که دماغ را پاک کند.

باب سیزدهم: اندر سعوطات و مشمومات و بخورات و عطوسات و قطورات.

باب چهاردهم: اندر طلیها و ضمادها.

باب پانزدهم: اندر نطولها.

باب شانزدهم: در روغنها.

باب هفدهم: اندر مرهمها.

باب هشتدهم: اندر داروهاء دهان و کام و زبان و ملازه و دندان.

باب نوزدهم: اندر داروهاء چشم.

باب بیستم: اندر حقنها و شیافهاء مسهل و غیر مسهل.

قسم دوم

این قسمت که فی الواقع بخش چهارم کتاب است اختصاص داردبه نام و حدّ امراض و اسباب و علامات خاصه و مقدمات و چگونگی پدید آمدن هر بیماری و کیفیت انتقال و علاج آن و مشتمل است بر بیست و پنج مقاله بشرح زیر:

گفتار اول: اندر بیماریهاء سر، مشتمل بر شش جزو: جزو اول در ۴ باب، جزو دوم در ۷ باب، جزو سوم در ۵ باب، جزو چهارم در ۴ باب، جزو پنجم و ششم هر کدام در ۸ باب.

گفتار دوم: اندر بیماریهای چشم و علاج هر یک، مشتمل بر هشت باب.

گفتار سوم: اندر احوال گوش و شنوائی و علاج بیماریهائی که اندر آن افتد، در هفت باب.

گفتار چهارم: اندر احوال بینی، شامل پنج باب.

گفتار پنجم: اندر احوال دهان و زبان و لب و دندان و بیماریهاء آندر سه جزو:

جزو اوّل و سوم هر کدام در ۷ باب و جزو دوم در ۶ باب.

گفتار ششم: اندر احوال بیماریهای حنجره و علاج خناق و ذبحه[1] در پنج باب.

گفتار هفتم: اندر بیماریهای آلت دم زدن، مشتمل بر هفت باب.

گفتار هشتم: اندر احوال دل، شامل شش باب[2].

گفتار نهم: اندر احوال معده و مری، در بیست و دو باب.

گفتار دهم: اندر احوال بیماری جگر، مشتمل بر هشت باب.

گفتار یازدهم: اندر بیماری سپرز، در سه باب.

گفتار دوازدهم: اندر بیماریها که از بیماری سپرز خیزد مشتمل بر دو جزو: جزو اول دردوو جزو دوم در پنج باب.

گفتار سیزدهم: اندر انواع اسهال و سحج و زحیر، در هشت باب.

گفتار چهاردهم: اندر بیماریهاء مقعد و شرج، مشتمل بر پنج باب.

گفتار پانزدهم: اندر کرمان خرد و بزرگ که اندر روده تولد کند، شامل دو باب.

گفتار شانزدهم: اندر درد و پیچیدن ناف و انواع قولنج، در سه باب.

گفتار هفدهم: اندر احوال گرده و مثانه و بیماریهای آن، مشتمل بر شانزدهم باب.

گفتار هژدهم: اندر بیماریهای مخصوص بمردان، شامل هشت باب.

گفتار نوزدهم: اندر بیماریهائی که مخصوص بمردان، شامل هشت باب.

---

[1]. بضم اول و فتح ثانی و ثالث خونی را گویند که خناق بیاورد.

[2]. کاتب سهواً هشت باب نوشته.

گفتار بیستم: اندر در[د] پشت و تهیگاه و ریاح الافرسه و درد بندگاه و عرق النسا و دوالی و داء الفیل و غیر آن در هفت باب.

گفتار بیست و یکم: اندر تبها و انواع آن، مشتمل بر چهارده باب.

گفتار بیست و دوم: اندر انواع آماسها و ریشها و بثرها[۱]، در دوازده باب.

گفتار بیست و سوم: اندر انواع ریشها و سوختن آتش و جراحتها، شامل شش باب.

گفتار بیست و چهارم: اندر آراستگی و پاکیزگی ظاهر تن از سر تا پای، در سه باب.

گفتار بیست و پنجم: اندر علاج زهرها، مشتمل بر هفت باب.

گفتار بیست و ششم: اندر مجبری و ردادی[۲] در چهار باب.

در هامش آن رساله نورالعیون[۳] است در ده مقاله ایضا بزبان فارسی در تشریح و بیان امراض چشم[۴] و طرق معالجه آنها بطریق سوال و جواب از تصانیف ابو روح محمّد بن منصور بن عبدالله بن محمّد الجرجانی[۵] معروف به زرین دست از کحّالان قرن پنجم هجری که در سنه ۴۸۰ بجهت ابوالفتح ملکشاه

---

۱. محرکه، دانه‌ها و جوشهائی که بر اعضاء بدن پیدا شود.

۲. مجبری و ردادی یعنی شکسته بندی و قرار دادن استخوان بجای خود.

۳. ناگفته نماند که کشف الظنون دو کتاب باین نام معرّفی می‌کند که هر دو در کحّالی است. یکی موسوم به نورالعیون و جامع الفنون که بزبان عربی است و بهمین جهت البته این کتاب مانحن فیه نیست و دیگری بنام نورالعیون که می‌گوید مختصر کتاب عیون الاثر است ولی نمی‌گوید که از کیست و بچه زبانیست همین قدر اشاره می‌کند که در کحّالی است(با مراجعه به موضعی که باید عیون الاثر در آنجا معرفی شود معلوم شد که ابداً و اصلاً نامی از آن نمی‌برد و از ذکر آن بکلّی غافل است) و ظاهراً این کتاب نیز بزبان عربی بوده و من تقریباً هیچ شکی ندارم که حاجی خلیفه مطلقاً این کتاب را ندیده بوده است، و باز از باب تذکار ناگفته نماند که در اصل کتاب تاریخ پزشکی در ایران نام کتاب بصورت صحیح آن یعنی نور العیون ذکر شده (Cyril Elgood, A Medical Hisl. Of Persia, ۱۹۵۱, P.۱۴۲) ولی ندانستم بچه علت مترجم فارسی آنرا نورالعین ترجمه کرده(تاریخ پزشکی در ایران، ص۱۶۹).

۴. Ophthalmology.

۵. نام او در نسخه دیگری از نور العیون که در موقع خود در حرف نون معرفی خواهد شد چنین است: ابو روح محمد بن منصور بن ابی عبدالله بن منصور الجرجانی که عیناً مطابق است با ضبط ایوانف در فهرست توصیفی خود از نسخه خطی فارسی در مجموعه انجمن آسیائی بنگال: (Concise Description Catalogue of Persian Mss. In the Cillection of the Asiatic Society of Bengal, ۱۹۲۴. P. ۷۱۳).

بن الب ارسلان محمد(۴۶۵-۴۸۵) از سلاطین معروف سلسله سلجوقیه تألیف شده و علی الظاهر اوّلین کتاب مستقل علی حده در موضوع کحّالی بزبان فارسی است.

فهرست مقالات

مقاله اول: در ترکیب و تشریح چشم، در ۱۵۳ سؤال.

مقاله دوم: در بیماریهاء چشم و نام هر یک و سبب آن و علامت هر یک(و آنها را بچشم سر بتوان دید و بحس در توان یافت)، شامل ۲۱۵ سؤال.

مقاله سوم: در علتها که بچشم نتوان دید و[بحس] در نتوان[یافت] الا بعقل و تمیز درست و ذکائی تیز و عملی تمام[1]، مشتمل بر ۲۰۵ سؤال.

مقاله چهارم: در بیماریهائی که آن را علاج توان کردن تا بیماری زائل شود، در ۱۱۷ سؤال.

مقاله پنجم: (این مقاله را کاتب با مقاله قبل بهم آمیخته بطوری که پایان آن و آغاز این بکلی نامعلوم است و علّت آن همان است که در حاشیه مربوط به گفتار یازدهم از کتاب اوّل اغراض سابقا گفته شد).

مقاله ششم: در آنک چه باید کرد در اوّل علت که پدید آید، مشتمل بر ۱۱۹ سؤال.

مقاله هفتم: در دستکاری‌ها که در چشم افتد، شامل ۳۰ سؤال.

مقاله هشتم: در زرقهاء زراقان که در چشم کنند و بیماران را رنج دهند، در ۱۲ باب بتفصیل مذکور در ذیل.

- جرب حقن(کذا) و آنرا زراقان زرق لویهود(کذا) خوانند.

- در زرقی که زراقان آنرا زور خوانند.

---

[1]. شاید: علمی تمام.

– در زرقی که زراقان آنرا اردل حلقه(کذا) خوانند و بگویند که سبل است.

– اندر زرقی که زراقان آنرا برده خوانند.

– در زرقی که زراقان آنرا جرده بیاض تنور(کذا) خوانند.

– در زرقی که زراقان آنرا زرق لنب(کذا) خوانند.

– در زرقی که زراقان آنرا بَرمسها خوانند.

– در زرقی که زراقان آنرا کَرجان خوانند.

– در زرقی که[زراقان] آنرا دفنه خوانند.

– در زرقی که زراقان آن زرق را ترب خوانند.

– در زرقی که زراقان مکانا(کذا) خوانند.

– در زرقی که زراقان آنرا جرده خوانند.

مقاله نهم: در داروهای مفرد که بکار برند در علاج بیماریهای چشم، در ۲۱ سؤال.

[مقاله دهم: در داروهای مرکب که بکار بردند در علاج بیماریهای چشم][۱]، در ۲۱ باب، هر باب مشتمل بر چند سوال و جواب باین شرح:

– در شناختن داروها مرکب که هر یکی را چون سازند و چه وقت سازند و چون دارند و هر یکی را تا چندگاه بماند قوّت آن.

– در شناختن و بکار بردن داروها که هر یکی را چون بکار برند و چه وقت.

– در داروهائی که استفراغ[۱] کند هر یکی چون سازند و چون استفراغ کنند.

[۱]. این عنوان از نسخه ساقط است ولی از مطالعه این مقاله معلوم می‌شود که چنین عنوانی لازم است.

– در شیافها تیز و نرم که در علاج چشم بکار برند.

– در داروهائی که در علاج چشم بکار آید.

– در کحلها که در چشم بکار برند و چیزهای معدنی چون پرورند.

– در پروردها که در علاج چشم بکار برند و نافع باشد.

– در کسرنها(کذا) که در علاج چشم بکار برند.

– در طلاها که در علاج چشم بکار برند.

– در مرهمها که در علاج چشم بکار برند.

– در سعوطها که در علاج چشم بکار برند.

– در داروها عطاس که در علاج چشم بکار برند.

– در ضمادها که در علاج چشم بکار برند.

– در ابادها که در علاج چشم به کار برند.

– در حبها که در علاج چشم بکار برند.

– در مطبوخها که در علاج چشم بکار برند.

– در سعوطها که در علاج چشم بکار برند(کذا تکرار).

– در حقنها که در علاج چشم بکار برند.

– در روغنها که در علاج چشم بکار برند.

– در قرصها که در علاج چشم بکار برند.

---

١. Evacuation.

- در تجارب علما.

آغاز: «بسمله اما بعد حمد الله سبحانه و الثناء علیه و الصلوة و السلام علی رسوله محمد المصطفی و آله الطاهرین امیر سید امام زین الدین... کویذ بایذ دانست که هر که بمجلس پادشاهی وسیلتی خواهد جست یا خدمتی و تحفه خواهذ برد هیچ وسیلت و خدمت و هیچ تحفه جون تحفه علمی نیست».

انجام: «و خرما و دنبه و روغن شیره ضمادی نرم کننده است بندگاه صلب را نرم کند تم الکتاب الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه».

آغاز نورالعیون: «کتاب نورالعیون... در تشریح و ترکیب و حد و هیأت و مزاج خاص چشم و مزاج عام و طبقات و رطوبتها و عصبها».

انجام: «چون پژمرده بینی و با او بینائی نقصان گرفته او از خشکی باشد و این عسر علاجی است».

نسخ خفی(کتاب دوم بطرز چلیپا)، کاتب هر دو کتاب ناصر الکاتب الشیرازی، تاریخ تحریر رمضان ۸۱۶، عناوین ابواب بخط ثلث و بقلم زر و برخی به شنجرف، در صفحات آخر جای برخی از عناوین بیاض، جدول و کمند مزدوج بزر محرّر، دارای دو سر لوح ظریف نسبةً پرکار، کتیبه یکی بخط کوفی تزئینی و دیگری بخط ثلث و هر دو بسفیداب محرر در زمینه لاجورد، سر لوح هامش بشکل متوازی الاضلاع و کتیبه بخط ثلث و به لاجورد در زمینه ازر، کاغذ نخودی، جلد تیماج مشکی، ۲۵س ۷/۵×۱۱، ۲۲۶گ ۱۳×۱۷/۵، وقفی میرزا رضا خان نائینی در مردادماه ۱۳۱۱.

۳۰

الاغراض الطبیۀ و المباحث العلائیه

(۵۰۳۴)

این نسخه از اوّل یعنی از فهرست کتاب بقدر دو صفحه از آخر به مقدار چند سطری کسر دارد.

آغاز: «اما بعد، حمدالله، بباید دانست که هر که الخ».

انجام موجود: «سکنگبین ساده و هند با کهربا و بسد از هر یکی نیم دینار سنگ».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن دهم هجری، صفحه اوّل دارای یک سرلوح مـذهب ظریف و مستطیل شکل، کتیبه بخط کوفی تزئینی و بسفیداب و تحریر سیاه، سرلوح صفحه سوم بهمان شکل و با کتیبه بخط کوفی و بسفیداب ساده، زمینه لاجورد و دارای گل و برگ زرین ظریـف بطـرز اسلیمی، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، ابواب بقلم زر و شماره آنها به لاجورد و عناوین آنها به سرخی و برخی عناوین مطالب متن به زر، کاغذ نخودی آهار مهره، اندازه جدول ۱۲×۱۷، ۱۷س، ۴۱۷گ ۲۰×۲۷، جلد تیماج مشکی ساده، واقف نامعلوم.

۳۱

الاغراض الطیبهٔ و المباحث العلائیه

(۵۰۳۳)

نسخه کامل و مصدّر است به مبحث طب کتاب نفائس الفنون و عرائس العیون در هفده ورق ایضا بزبان فارسی تألیف شمس الدّین محمود آملی از علمای معروف قرن هشـتم در عهـد سـلطنت شـاه شـیخ ابواسحق و از مدرّسین سابق مدرسه غازانیه در تبریز و بعدها از مدرّسین مدرسه‌ای در شیراز از بناهای پدر شیخ ابواسحق مذکور[۱]، و آن مبوّب است بموجب تبویب مؤلف به دو باب: الف) نظری مشتمل بر پنج فصل، ب) عملی در دو فصل.

[۱] . شدّ الازار(۴۵۰-۴۵۱) و در آنجا نام مؤلف را محمد ذکر می‌کند بجای محمود مسطور در این صفحه.

آغاز: «این کتابیست در علم طب... اما مقدمه در تعریف و تقسیم او بدانک طب علم است باحوال بدن انسان».

انجام: «و بقول بارده بسیار خورد و الله اعلم».

نستعلیق درشت، کاتب نامعلوم، تارخی تحریر سنه ۸۶۰(نفائیس در ربیع الاول و اغـراض در سـلخ صفر)، کاغذ نخودی آهاری، جداول اوراق به زنگار و لاجورد، عناوین به شنگرف، دارای یک شمسه بزرگ در ظهر ورق اول با پیچ و خم زرین محرر در زمینه لاجوردی بطرز اسلیمی و نام مالک نسخه در وسط یک کتیبه کوچک در بالا و یکی در پائین آن بسیاهی(علاء الدّین بن رودکی، کـذا)، صـفحه افتتاح کتاب اوّل با پیشانی زرین و ترنج لاجورد و صفحه افتتاح کتاب اخیر(اغراض)، بعد از فهرست مزّین به یک سر لوح مستطیلی لاجوردی و ترنج با کتیبه کوفی بقلم زر محرّر ظریف«و لذکر الله اعلی و ابتدا[1] به اولی» در میان پیچ و خم بطرز اسلیمی، اندازه جدول ۱۶×۲۷، جلد تیماج مشـکی، ۲۱س، ۲۵۹گ(کتاب اول ۱۷گ) ۲۴×۳۴، واقف شاه عباس صفوی، تاریخ وقف ۱۰۱۷ هجری قمری.

۳۲

افیونیه

(۵۰۳۹)

(فارسی)

مختصری است مشتمل بر مقدمه(شامل پانزده باب) و خاتمه در بیان خواص و منافع و مضار افیون از تألیفات عماد الدّین محمود بن مسعود بن محمود شیرازی از اطبای معروف عهد صفویه و مؤلف کتاب

[1]. این کلمه مشکوک است.

المرکبات الشاهیه در مفردات ادویه بزبـان عربـی بجهـت شـاه طهماسـب صـفوی و کتـاب ینبـوع و آتشک(Venereal disease) و بیخ چینی و سته ضروریه همگی در طب که از هر یک از این دو رساله اخیر یک نسخه را در موقع خود در این کتاب معرفی نموده‌ایم، وی ابتدا در خدمت عبدالله خان استاجلو حاکم شروان بود و بعد از آن که مغضـوب او واقـع گردیـد[1] مـلازم دربـار شـاه طهماسـب اوّل(۹۱۹–۹۸۴) و سپس از طرف وی مأمور طبابت در شهر مشهد شد و مدت بیست سالی نیز بموجب قول خود او در مقدمه رساله بیخ چینی در هندوستان اقامت کرد.

در بیان علّت تألیف کتاب مؤلف می‌گوید که«در زمان ما طبقات ناس اکثر سه صنف‌اند یک صنف آنکه در دفع و منع و تقبیح و تهجین افیون آنقدر مبالغه می‌کنند که از سایر محرمات قبیح‌تر میدانند... صنفی دیگر علی الدوام ارتکاب آن می‌کنند بی‌فایده و بافایده بمرتبه که اگر پشه ایشانرا بگزد افیون در علاج آن[از] تریاق فاروق در علاج گزیده افعی واجب‌تر دانند و پیوسته مترصد باشند که حالتی واقع شود که افیون را دافع ان دانند[2] و هیچ مرض از امراض نیست که پیش این صنف افیون عـلاج انفـع نیسـت و صنف ثالث که در حین انتفاع اشتغال نمایند و در حین مضرت اجتناب نادر است بلکه معـدوم چـون چنین بود و حقیر... احوال مردم عالم برین منوال دید خواست منافعی که الله سبحانه و تعالی درین دوا نهاده است و مردم را بران اطلاعی داده بیان کند و مضاری که تابع بعضی موجوداتست که در آن شـر

---

[1] . تفصیل کیفیت تعذیب فوق العاده فیجع او که از شنیدن آن موی بر اندام انسان راست می‌ایستد از قرار تقریـر اسـکندر بیـک ترکمـان در تـاریخ عالم آرای عباسی(۱: ۱۶۸) چنانست که این بیچاره را حاکم مذکور امر داد تا بسرما و برف تعذیب کنند بهمـین جهـت آدم‌هـای وی او را از سـر شب تا صبح در میان برف گذاشتند امّا او با خوردن افیون بافراط از این بلیه جان سالم بدر برد و بهمین علت به رعشه مبتلا شد.

[2] . اتفاقاً خود مؤلف از جمله افراد همین صنف است و به لحاظ این که بقول اسکندر بیک«افیونی بود بافیون اعتقاد تمام داشت» بحدّی کـه منـافع آن را از عهده احصا بیرون می‌دانست و با آن که بتصریح صریح خود بواسطه معالجه با افیون چند نفر را بدیار عدم فرستاده بـود(نـواب جهانبـانی بهرام میرزا و شار علی پسر عبدالله خان را و در تبریز غلام همسایه رومی خود را) باز بطوری که در ابتدای باب ششـم کتـاب ملاحظـه مـی‌شـود همچنان به لجاجت تمام معتقد بود که مردم غیر افیونی«بمثابه بهایم‌اند که از نفع و ضر چیزها غافلند».

قلیل هست اظهار نماید تا فریقین را تنبیهی شود و از حد افراط و تفریط درگذرند و بوسط[که] صراط مستقیم است متهدی(کذا، صحیح: مهتدی) شوند».

عناوین موضوعات

- در تهیه و طبیعت و خواص افیون مشتمل بر سه مسئله:

الف) در تهیه افیون.

ب) در طبیعت آن.

ج) در کیفیت استخراج آن.

- در صفات خالص و طرق امتحان آن.

- در منافع و مضار افیون.

- در علاج آنکه افیون مقدار قاتل خورده باشد.

- در بیان سبب نشاط و کیفیت آن و منشاء اعتیاد.

- در منافع افیون.

- در مضار افیون.

- در دفع مضرتها بقدر امکان.

- در دفع عادت.

- در بیان حالاتی که بعد از ترک معتاد حاصل می‌شود.

- در علاج حالات مذکوره.

- در طریق خوردن افیون در وقت بیماری.

– در خوردن افیون مقدم بر طعام یا مؤخر و غیر آن.

– در احتمال(کذا، صحیح: استعمال) افیون در شبهای رمضان[1].

– اصل در تراکیبی که در آن افیون داخل است(مشتمل بر ده فصل):

الف) در تعداد مرکبات مشهوره.

ب) در منافع برش عثا(= برشعثا)[2].

ج) در ذکر خواص جلکانه(کذا، صحیح: چهل‌گانه) برش عثا.

د) در بیان مجمل منافع برش عثا.

هـ) در ساختن ترکیب(که بندگان نواب کامرانی خلدالله ضلال رأفته می‌فرمودند که مثل آب و نمک و برنج و آرد و گوشت و روغن هر چند خوب باشد تا خباز حاذق یا طباخ هنرمند نباشد مصالح ضایع خواهد شد).

و) در ذکر بعضی نسخ در برشعثا.

ز) در طریق استعمال این ترکیب.

ح) در یافتن نسخه ابوالبرکات.

ط) در منافع این ترکیب که ابوالبرکات آورده.

ی) در مضار تراکیب افیونی.

---

[1]. باب پانزدهم را گویا مؤلف فراموش کرده که بنویسد(در دو نسخه بلافاصله مذکور بعد نیز موجود نیست) و بعد از این باب یعنی باب چهاردهم بلافاصله فصلی شروع می‌شود تحت عنوان اصل در تراکیب و ما بجهت این که فهرست موضوعات کتاب ناقص نماند فصول اصل مذکو را نیز ذیل باب چهاردهم درج می‌نمائیم.

[2]. مولف گوید که این لفظ سریانی و بمعنی برء السّاعة است و در این زبان«سین را بشین و تاء را ثاء تبدیل می‌کنند شواهد این در کتاب حمزه اصفهانی که موازنه بین اللغتین نام کرده بسیار است».

آغاز: «بسمله، الحمدلله المحمود فی کل فعاله و الصلوة و السلام علی سیدنا و نبینا محمد و آله».

انجام: «در هیچکدام جهارت(کذا، صحیح: مهارت) حاصل نمی‌کند».

نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین به شنجرف، کاغذ: نخودی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۵س، ۵۲گ ۱۴/۵×۲۴، وقفی خواجه شیر احمد تونی.

۳۳

افیونیه

(۵۱۶۰)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب بموجب مسطورات محمّد اردبیلی در آخر نسخه که گفته است نسخه را بجهت من نوشته«سیادت پناه شاه ابوالفضائل» تاریخ و محل کتابت ایضا بنا بر مسطورات همو«سنه ثلث و عشرین و الف فی شهر حیدرآباد»، تاریخ مقابله محمد اردبیلی«اوائل شهر ذی حجهٔ الحرام من شهور سنهٔ المذکوره»، عناوین به سیاهی و بخط ثلث، کاغذ نخودی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۱س، ۵۷گ، ۱۰×۱۶، واقف حاج عماد فهرستی، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۱۰.

۳۴

افیونیه

(۵۰۴۰)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ شکری آهاری، عناوین و فصول به شنگرف، جلد موقا با رویه پارچه و عطف و گوشه چرمی، ۱۶س، ۵۴گ ۱۲×۲۰، وقفی آقا زین العابدین در ۱۱۶۶.

۳۵

افیونیه

(۱۳۱۶۷)

مصدّر است به رساله ناقص منافع چوب بیخ و مجرّبات و رساله آتشک در ۲۵ ورق از همین عماد الدّین محمود بن مسعود شیرازی که آنرا موقعی که در شهر مشهد بوده تألیف نموده است.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد چون مرضی که معروف به آتشک است Venereal disease در زمان سابق نبود».

انجام: «اهل خیرت و تجربه بران اتفاق کرده‌اند».

نستعلیق، کاتب حکیمی الحسینی، تاریخ تحریر محرم ۱۳۰۱، کاغذ نخودی و حنائی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج ساده ۱۶-۱۴س، جمعاً ۱۲۸گ ۱۱/۵×۱۸/۳، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۳۶

الفاظ الادویه

(۵۰۴۵)

(فارسی)

معجم الفاظ و لغات ادویه مفرده در زبانهای یونانی و عربی و رومی و اندلسی و عبـری و سـریانی و بربری و ترکی و فارسی است از تألیفات نورالّدین محمد عبدالله حکیم عین الملک قرشـی شـیرازی متخلّص به بقی مؤلف کتاب قسطاس الاطباء مذکور در صفحات آتیه(در حرف قاف) و از نمط همـان کتاب تقریبا که آنرا در عهد سلطنت محمد شاه جهانگیر از سلاطین هنـد در سـنه ۱۰۶۹(مطـابق بـا لفظ«الفاظ الادویه») تألیف نموده و آن مشتمل است بر مقدمه‌ای در چهار فایده و نتیجـه‌ای در حـلّ الفاظ ادویه و ذکر علامت آنها و خاتمه‌ای در«بیان ادویه کثیر النفع... چون پادزهر و مومیائی و چوب چینی و چای و قهوه و تنباکو».

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد خادم اطباء نیازمند درگاه بی‌نیاز».

انجام: هیچ آفریده را نشود خوردنش نصیب   ای آفریدگار پس از آفریدنش

نستعلیق، آمیخته به شکسته، کاتب محمد اعظم، تاریخ تحریر ۱۷ ربیع الاول سنه ۱۱۶۶، کاغذ نخودی، ۱۶س، ۱۶۸گ، ۱۳×۱۸، جلد تیماج خرمائی، واقف میر سید علی خان طبیب، تاریخ وقف ربیع الثانی ۱۳۷۳.

۳۷

ام الصّبیان فی معالجۀ الصبیان(امراض اطفال)

(۱۶۲۷۳)

(فارسی)

کتاب مفیدی است در بیان کیفیت تکوین جنین و علل و اسباب و انـواع امـراض کودکـان و لـزوم و چگونگی رعایت حفظ صحت و طریقه صحیح تغذیه و مراقبت و نگهداری اطفال در مراحل و ادوار

مختلف(قبل و بعد از تولد تا حدود سن بلوغ) مطابق با قواعد و اصول طب جدید تألیف دکتر شلیمر هلندی Joh. L. Schlimmer از معلّمین فنون پزشکی در دارالفنون و ترجمه میرزا محمد تقی کاشانی مشتمل بر هشت باب هر باب مفصّل بر فصولی و هر فصل منقسم به فقراتی به این شرح:

- در بیان عمل طبیعی اطفال، در شش فصل.
- در بیان حفظ صحت اطفال، در چهار فصل[1].
- در بیان حالات غیرطبیعی و امراضی که می‌توانند مبتلا سازند جنین را در حیوۀ رحمی در چهار فصل.
- در بیان آثار ردیئه که در حین وضع حمل بر جنین وارد گردند، در چهار فصل.
- در بیان امراض اطفال از روز تولد الی نبت اسنان اولیه، در بیست فصل.
- در بیان امراض اطفال از نبت اولی اسنان الی نبت ثانی او، در نه فصل.
- در امراض مخصوص اطفال ما بین نبت ثانی اسنان و حدوث سن بلوغ، در دو فصل.

آغاز: «بسمله، بحمدک استفتح یاذا الذی افاض فیض فضله علی حماء مسنون(بعد از سه سطر) اما بعد این رساله‌ایست مختصر قلیل اللفظ کثیر المعنی در کیفیت تکوین جنین در رحم و چگونگی وضع و تولد آن با امراض و معالجات از تصنیفات و تحقیقات عالیجاه فخامت و مناعت اکتناه فطانت و حذاقت دستگاه مقرب الخاقان الخ».

انجام: «و اجتناب از اغذیه حیوانیه باعث علاج شود».

---

[1]. ظاهراً فصل مربوط به حفظ صحت اطفال از نبت اسنان الی سقوط آنها که در نسخه بلافاصله مذکور بعد از این نسخه موجود است پس از این فصل ساقط است.

پس از آن بعد از پنج صفحه که سفید است قرابادین شفائیه است در بیان کیفیت حصول ۳۴۳ نوع ادویه مرکبه معمول در فرنگ از همان دکتر شلیمر مذکور(و ترجمه آن ظاهراً از محمد تقی کاشانی).

آغاز: «بسمله چون تا بحال بزبان فارسی قرابادینی که منطوی باشد بر طرز حصول ادویه فرنگیان که عمل دواسازی از او توان اخذ نمود در بلاد ایران بانطباع نرسیده».

انجام: «یدوفورم بشکل فلسهای ریز و جدا خواهد شد».

(از صفحه ۱ تا ۱۹۱)[۱]

نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر کتاب اول محرم ۱۲۹۹ و کتاب ثانی ربیع الثانی همان سال(نسخه به جهت حکیم زین العابدین خان کتابت شده)، ۱۷س، ۹۳ و ۹۵گ ۱۵/۷×۲۱/۷، عناوین بقلم ثلث به سیاهی، کاغذ نخودی فرنگی آهاری، جلد تیماج، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۳۸

امراض اطفال

(۱۲۷۴۷)

(فارسی)

نسخه دیگری است به حذف خطبه و دیباچه از همان نسخه بلافاصله مذکور در قبل.

آغاز: «بسمله حمدله باب اول در بیان عمل طبیعی اطفال، فصل اول».

انجام: «باعث علاج شود تحت کتاب امراض اطفال».

---

[۱]. کاتب صفحات این کتاب را دوباره از یک شماره‌گذاری کرده است.

نستعلیق شکسته، کاتب سید موسی الحسینی مشهور به بهشتی اصفهانی، تاریخ تحریر دوشنبه ۱۸ ذی-قعده ۱۲۹۳، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین بمرکب بنفش کم رنگ، جلد مقوا، ۱۷س، ۹۹گ ۱۶×۲۱، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸، (نسخه بجهت میرزا نصرالله حکیمباشی نوشته شده).

۳۹

امراض عمومی

(۵۱۶۱)

(فارسی)

کتاب مختصری است از دکتر میرزا علی خان حکیم باشی کلّ نظام در بیان علل و اسباب و علامات و کیفیت تشخیص اجناس امراض مبتنی بر مطالب و مباحث طب جدید و کمی نیز بر موضوعات طب جالینوسی، و مشتمل است بر مقدمه‌ای در تعریف مرض و یک مقاله در سه باب بشرح مذکور در ذیل:

– در بیان اسباب امراض بطور عموم(اپیتولوژی ژنرال)، مشتمل بر پنج فصل:

الف) در اسباب خارجی.

ب) در اسباب داخلی.

ج) در اسباب ارثی.

د) در مناسبات ما بین اسباب و تأثیر آنها با بدان.

هـ) در فرق ما بین امراض از قرار اسباب.

– در بیان علامات امراض بطور عموم(سیمتوم پاتولوژی) در نه فصل:

الف) در تفاوتات علامات از قرار بروز آنها.

ب) در وقوع علامات از آلات و اعمال نفسانی، مشتمل بر پنج گفتار.

ج) در وقوع علامات امراض از آلات و اعمال تغذیه در پنج جمله.

د) در وقوع علامات امراض از آلات و اعمال تناسل.

هـ) در رفتار امراض از قرار علامات.

و) در انتهای امراض از قرار علامات.

ز) در ترکیبات امراض از قرار علامات با یکدیگر.

ح) در تشخیص و پیشگوئی امراض از قرار علامات.

ط) در اجناس امراض.

– در ذکر علاج امراض بطور عموم(تراپی ژنرال) مشتمل بر چهار فصل:

الف) اشارات بمعالجات.

ب) معالجه از قرار و طرزی که از حکما قبول شد.

ج) معالجه تدبیری.

د) اجزاء مداوا کننده.

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد این رساله‌ایست در بیان امراض بطور عموم که بزبان فرانسه پاتولوژی ژنرال نامند».

انجام: «خود را در استعمال مسهل دیگر» (چند سطر دیگر را کاتب ننوشته است)، بدنبال آن کتاب مفصّل‌تری است ایضاً بزبان فارسی و در موضوع طب در بیان تقسیم امراض ظاهراً از همان میرزا علی خان حکیمباشی در دومقاله به این شرح:

– در امراض عمومی، مشتمل بر ۲۶ فصل.

– در امراض مخصوصه هر آلات و عضوی فرداً فرداً، مشتمل بر سه باب:

الف) در امراض نفسانی.

ب) در امراض الات تغذیه.

ج) در امراض الات تغذیه.

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد این رساله‌ایست در تقسیم امراض بدانکه قسمت امراض را».

انجام موجود: «و صداع و اضطراب شدید».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی آهار مهره، عناوین در حاشیه و متن بشنگرف، ۱۸س، ۲۳۴گ ۱۷×۲۴، جلد تیماج ماشی، واقف حاج قائم مقام، تاریخ تحریر بهمن ۱۳۱۶.

۴۰

امورات طب(رساله در)

(۲۳۰۱۳)

(فارسی)

مختصری است از میرزا احمد بن محمد حسین تنکابنی حکیم‌باشی فتحعلی شاه قاجار مشتمل بر ۳۰ باب باین شرح:

– در دردسر.

– درد شقیقه.

– در صرع.

– در زکام و نزله.

– در درد چشم.

– درد دندان.

– در تدبیر کندن دندان بدون کلبتین بآسانی کنده شود.

– در بوی دهان.

– در خناق و ذبحه.

– در چسبیدن زالو بحلق.

– در امراض گوش.

– در آمدن خون از بینی.

– درقولنج ائیلاؤس.

– در زحیر.

– در اسهال.

– درخروج مقعد.

– در بواسیر.

– در عرق النسا و وجع رگ.

– در نواسیر.

– در جرب.

– در خارش دست و پا و سایر اعضا.

– در سوختگی آتش.

– در علاج کسی که او را بچوب یا غیره زده باشند.

– در خستگی و تعبی که از ریاضت و سواری بهم رسد.

– در تدبیر حفظ کردن موی از سفید شدن.

– در تدبیر رفع ستردن موی بی‌نوره.

– در گند بغل و گند عروق.

– در تدبیر رفع لاغری مفرط.

– در بیان احتیاط زهرها.

– در علاج سمومات خاصه.

نسخه مصدّر است به تحفهٔ السّفر لنور البصر بزبان فارسی از میرزا علی اکبر شیرازی در موضوع بدیع و عروض که آنرا بجهت فرزندش ابوطالب تألیف نموده.

آغاز: «بسمله بعد از حمد خدا و نعت پیغمبر و صفات بی‌نهایت پادشاه جم جاه الخ».

انجام: «مساوی همه را بیخته مرهم سازند و بکار دارند».

آغاز تحفهٔ السفر: «بسمله مسافران دیار بندگی را در درگاه حضرت اله چه ره آوردی خوشتر از حمد و ثناست».

انجام: «و روح فقیر را بفاتحه یاد و شاد نمایند».

نستعلیق(رساله اول شیخ)، کاتب رساله دوم جهانگیر میرزا و تارخی تحریر آن رجب ۱۲۶۶، (کتابت رساله اول نیز در همین حدود)، کاغذ حنائی فرنگی، عنـاوین بشـنگرف، ۱۱س(رسـاله اول ۱۵س)، ۲۶گ(رساله اول ۴۲گ) ۱۲/۵×۱۹/۵، جلد تیماج یک لا، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۱

الایضاح فی اسرار النکاح

(۶۰۹۶)

(عربی)

مختصری است دردو جزء هر جزو مشتمل بر ده باب تألیف عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیرازی از اطبای حلب(متفوی در سنه ۵۶۵) که بفارسی نیز ترجمه شده و یک نسخه از آن در موقع خود معرفی خواهد شد.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان من طین ثم جعل نسله من ماء معین... هذا کتاب یشتمل علی الاشیاء».

انجام: «قارورهٔ الشربهٔ ما ذکرنا فی الاوّل بما شئت من الشراب».

نستعلیق، کاتب رضی الدین محمد، ۳گ(بقیه مشخصات این نسخه برابر است عینا با نسخه برءالسّاعهٔ تحت رقم ۵۱۶۲).

۴۲

الایضاح فی اسرار النکاح

(۲۱۵۲۳)

(عربی)

این نسخه مصدّر است به وجیزه از تألیفات بهاء الدّین محمد عاملی در علم درایه و فرق الشیعه تصنیف شیخ ابومحمد حسن بن موسی نوبختی[۱] و رساله سیروسلوک از سیدمهدی طباطبائی معروف به بحرالعلوم و مذیل است به مختصر نافع در ذکر منافع برخی پرندگان و اشیاء در هفت ورق بزبان عربی.

آغاز رساله اخیر: «بسمله یوخذ علی برکات الله تعالی قطنهٔ ثم تغمر فی طلا».

انجام: «واکرمنی بنور الفهم برحمتک یا ارحم الراحمین».

نسخ، دو رساله اول بخط شهاب الدین المدعو بالنجفی الحسینی الحسنی(محل تحریر قم، تاریخ تحریر ربیع الاول سنه ۱۳۴۹ تصحیح و مقابله شده) کاتب دو رساله اخیر نامعلوم(تاریخ تحریر آنها ۹ شوال ۱۱۲۲۰)، کاغذ نخودی و فرنگی مشقی خط‌دار، جلد مقوا عطف چرم، مختلف السطور(غالب صفحات ۱۷ سطری)، رسالات به ترتیب ۴ و ۳۹ و ۳۲ و ۴۲ و ۷گ ۱۶/۵×۲۱، وقفی مقام معظم رهبری در خرداد ۱۳۷۳.

۴۳

بحرالجواهر

(۲۲۸۴۹)

(عربی – فارسی)

---

[۱]. مراجعه شود بجهت اطلاع از این کتاب و مؤلف آن به خاندان نوبختی و مقدمه المقالات و الفرق تألیف سعد بن عبدالله قمی، و فرق الشیعه نوبختی.

تألیف محمد بن یوسف طبیب هروی است درموضوع ادویه مفرده و مرکبه و بیان مزاج و درجه و فوائد آنها که آنرا از کتب متقدمین از ادبا و اطبا و بدستور ظهرالدین محمد معروف به امیر بیک بترتیب حروف تهجی و ملاحظه حرف ثانی مرتب و مهذب نموده است[1](ترجمه احوال او را بنحو اختصار در مواضع مختلف این کتاب خواهیم نگاشت).

آغاز: «بسمله، حمداً لعلام اعطی ذوی الافهام تحقیق دقائق اللغات العربیۀ».

انجام: «در هیچ زمین مثل ایشان پیدا نشده».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ قرن دوازدهم صفحه آخر نونویس و مورخ سنه ۱۲۶۷، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، جلد تیماج یک لا، ۱۷س، ۱۲۱گ ۱۴/۵×۲۰/۵، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۴

بحرالجواهر

(۲۲۷۶۷)

نسخه کامل است.

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی و شکری آهار مهره، جای عناوین بیاض، ۲۱س، ۱۴۷گ ۱۵/۵×۲۱/۵، جلد مقوا، وقفی سید عبدالبقای آیت اللهی شیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۴۵

---

[1]. تاریخ تألیف سلخ رجب ۹۳۸ است.

بحرالجواهر

(۲۲۳۲۲)

نسخه کامل و مذیل است به استخراجی از حیوة الحیوان دمیری در بیست ورق.

آغاز: «بسمله باب الهمزة الاسد من السباع معروف و جمعه اسود».

انجام: «الیعسوب اسم مشترک یقع... علی رأس عود او طائر».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، ۲۲س، ۲۷۲گ

۱۸×۲۴، جلد تیماج، واقف عباسعلی صائبی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۵.

۴۶

بحرالجواهر

(۵۰۴۹)

نسخه کامل است.

نستعلیق هندی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۷ رجب ۱۱۰۴، عناوین بشنگرف، جداول الوان، کمند به

لاجورد، کاغذ حنائی هندی، ۱۰س، ۳۲۷گ ۱۲×۲۲/۵، جلد تیماج مشکی ساده، واقف زین العابدین

خادم اصفهانی، تاریخ وقف رجب ۱۰۶۶.

۴۷

بحرالجواهر

(۵۰۵۰)

تا اوائل حرف ضاد بیشتر ندارد.

انجام موجود: «ضد... و بینهما غایۀ الخلاف».

نستعلیق، کاتب محمد بن علی، تاریخ تحریر ۹۶۰، عناوین بشنگرف، و جای اکثر آنها بیـاض، کاغـذ نخودی، ۱۹س، ۱۰۲گ ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف شیخ بهاء الدین محمد العـاملی، تاریخ وقف ۱۰۳۰.

۴۸

بحرالجواهر

(۹۶۳۳)

خطبه و دیباچه ندارد.

آغاز موجود: «حرف الالف اطلایلال نباتیست الخ».

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ربیع الاول ۱۲۳۰، عناوین به شنگرف، کاغذ شکری آهاری، ۱۴۲گ ۱۴/۵×۲۱، جلد مقوا، عطف و گوشه پارچه، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبشهت ۱۳۴۶.

۴۹

بحرالجواهر

(۸۹۲۲)

این نسخه کامل است.

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب حکیم علی اکبر بن ابوالقاسم، تاریخ تحریر شعبان ۱۲۳۸، محل کتابت شیراز، عناوین به سرخی، کاغذ نخودی آهاری، ۱۵۱گ ۱۳×۲۰، جلد تیماج مشکی، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۱.

۵۰

بدایع الحکم ناصری

(۲۳۷۲۵)

(فارسی)

رساله‌ای است از دکتر تولوزان فرانسوی حکیمباشی معروف ناصرالدین شاه که آنرا به دستیاری میرزا مصطفی اصفهانی فرزند میرزا عقیل علوی در تشریح اعضا و نحوه تشخیص امراض از طریق گـوش دادن به صداهای مخصوص هر موضع در چند جزو و گفتار و باب و جمله و مبحث و فصل تـألیف نموده است.

آغاز: «بسمله چون بروزگارت دولت ابد مدت... ناصرالدین شاه قاجار... حکیمـان افلاطـون دهـا از ممالک اروپا برای تکمیل علوم و صنایع نفیسه بدارالخلافه طهران احضار یافته‌اند و در مدرسه مبارکه دارالفنون بتعلیم و تربیت مستعدین علم آموز حکمت اندوز مراقبت و مواظبت دارند».

انجام: «که رطوبت جوف او رقیق بیقوام باشد».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۳۰۶، کاغذ نخودی فرنگی، ۱۴س، ۱۲۱گ ۱۱×۱۷/۵، جلد تیماج ساده، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۷۵.

۵۱

برء السّاعة

(۵۱۶۲)

(عربی)

رساله مختصری است از ابوبکر محمد بن زکریا رازی[1] که آنرا بموجب خواهش وزیر ابوالقاسم بن عبدالله در سال ۳۱۲ یا ۳۱۳ تألیف نموده و در آن کیفیت و نحوه معالجه فوری و سریع امراض گوناگون را باختصار شرح داده است.

این رساله را سیّد بن طاوس عینا در کتاب الامان من اخطار الاسفار و الازمان نقل نموده و علاوه بر آن بجهت فطر معروفیت ترجمه‌هائی نیز بتفصیل ذیل از آن بعمل آمده است:

الف) ترجمه شیخ جابر انصاری مسمی به تحفه شاهی که بنام سلطان محمد اعظم(۱۰۸۸) پادشاه دهلی صورت گرفته .

ب) ترجمه محمد باقر طبیب بنام صحّت العاجل که یک نسخه از آنرا تحت رقم ۶۸۷۲ در این کتاب معرفی خواهیم نمود.

ج) ترجمه موسوم به دستور الطّب از سید حسین بن کرم علی.

د) ترجمه سید احمد بن محمد حسین شریف تنکابنی حکیم‌باشی فتحعلی شاه قاجار که هم منضم به رساله اسهالیه و مطلب السؤال در سال ۱۲۹۷ هجری قمری و هم مستقلاً در نشریه ستاره غرب در سنه ۱۳۲۶ شمسی در تهران بطبع رسیده.

---

[1]. متولّد در غره شعبان ۲۵۱ و متوفی در پنجم شعبان سنه ۳۱۳.

هـ) ترجمه حکیم محمد جمیل خان بن حکیم اجمل خان که یک نسخه از آن جزو مجموعه حکـیم جمال سویدا در هند محفوظ است.

و) ترجمه‌ای که بدستور محمد قطب شاه(۹۸۹-۱۰۲۰) بعمل آمده و ایوانف یـک نسـخه از آنـرا در فهرست نسخ خطی فارسی انجمن آسیائی بنگال معرفی نموده[۱].

ز) ترجمه دکتر P. Guigues بزبـان فرانسـوی بنـام La Guerison en une Heure کـه آنـرا بانضمام متن عربی در سنه ۱۹۰۳ در بیروت بطبع رسانیده[۲].

آغاز: «بسمله حمدله، هذا کتاب الفه، محمد بن زکریا فی الطب... قال ابوبکر کنت عند الوزیر ابی القاسم الخ».

انجام: «فانه یسکن فی الوقت قد بینا علی ما قصدنا الیه».

بلافاصله پس از آن کتاب الباه است که احتمال دارد همان باشد که احمد بن سلیمان معروف بـه ابـن کمال پاشا(متوفی در سنه ۹۴۰) نوشته و حاجی خلیفه گفته است آنرا بجهت سلطان سلیم خان تألیف نموده.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الاشیاء بقدرته و اتقنها بلطیف حکمته».

انجام: «عجیبهٔ غریبهٔ» (ناقص).

---

۱. concise Descriptive Cat. Of the Persian Mss. In the collection of the Asiatic Society of Bengal(Calcutta ۱۹۲۴), P.۷۲۳.

۲. خلاصه‌ای از برء الساعه را نیز سیریل الگود در مجله انجمن همایونی آسیائی(اکتبر ۱۹۳۲) چاپ نموده است.

ایضا بلافاصله پس از این اخیر رساله‌ای است موسوم به الایضاح فی اسرار النکاح که سابق بر این آنرا در موقع خود در حرف الف معرفی نموده‌ایم، و از ترجمه فارسی آن یک نسخه را نیز در موضع خود معرفی خواهیم نمود.

پس از آن رساله مجهول المؤلف مختصری است در تحقیق مسئله قوس قزح در یک صفحه.

آغاز: «بسمله الحمد لولیه... اعلم ان الاحساس».

انجام: «قالوا لاینبغی ان یقال لقوس الاسماء قوس قزح فان قوس قزح اسم الشیطان و الله الهادی الی سواء السبیل».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب رضی الدّین محمد، تاریخ کتابت اواخر قرن سیزدهم، جداول اوراق مزدوج و به طلا و تحریر و دارای سه خانه، عناوین بشنگرف، اندازه جدول۱۸×۳۵/۲ و ۱۳×۲۵/۵، کاغذ نخودی آهاری، دو ورق از اوّل و یک ورق از آخر نانویس، جلد مقوا عطف و گوشه پارچه، مختلف السطور، ۶گ ۲۶×۴۳، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۵۲

برء الساعهٔ

(۶۰۹۹)

نسخه کامل و آغاز و انجام آن مطابق با نسخه قبل است.

نستعلیق، کاتب محمد بن محمود بن مسعود، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بسیاهی و بقلم ثلث، ۱۸س، ۳گ ۱۱/۵×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۵.

۵۳

برء الساعة

(۵۰۵۱)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، ابواب بشنگرف، ۲۰س، ۵گ، ۱۱×۲۰، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف نامعلوم.

۵۴

برء الساعة

(۵۷۹)

این نسخه چند سطری از آخر کسر دارد و منضم است به کتاب حیوة الحیوان تألیف کمال الّدین محمد بن موسی الدمیری که آنرا در موقع خود توصیف خواهیم نمود ان شاء الله العزیز.

انجام موجود: «الباب الرابع و العشرون فی علاج لدغ العقرب توخذ العقرب و».

نسخ، کاتب درویش علی بن شمس الدّین، تاریخ تحریر ۲۴ رمضان سنه ۱۱۰۰(چنان که در آخر کتاب حیوة الحیوان مسطور است)، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف و زنگار، ۳۵س، ۲۶۳گ(برء الساعة ۲گ) ۱۹×۲۸، جلد تیماج، نسخه در تاریخ ۱۴ صفر ۱۲۸۸ در تملک فرهاد میرزا ولیعهد بوده، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۵۵

برء السّاعة(ترجمه...)

(۱۴۱۵۶)

(فارسی)

ترجمه فارسی فصیح‌تری است(در مقایسه با صحّت العاجل مذکور در همین کتاب) از برء السّاعهٔ رازی و مذیل است به دو رساله در اکسیر و جفر و ادعیه و غیره.

آغاز: «بسمله بعد از حمد و سپاس و ستایش حضرت باری تعالی عز اسمه و نعت جناب نبوی(ص) و مناقب ابن عم و داماد او علی بن ابیطالب و اولاد طاهرینش علیهم السلام چنین گوید حکیم کامل و فیلسوف فاضل محمد بن زکریاء الرازی تغمده الله بغفرانه که روزی در مجلس ابوالقاسم بن عبدالله که یکی از وزراء آن عصر بود نشسته بودم الخ».

انجام: «عجیب النفع است و درماندگی و تعب ازو زایل گردد باذن الله تعالی».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن سیزدهم، ۱۵س، ۵گ(همه اوراق نسخه ۱۲۱)۱۸×۲۲، کاغذ آبی، جلد تیماج مشکی یک لا، واقف سیدابوالحسن مرتضوی، تاریخ وقف فروردین ۱۳۶۴.

۵۶

برء السّاعهٔ(ترجمه...)

(۱۳۴۲۴)

نسخه دیگری است از همان کتاب بلافاصله مذکور در فوق، منضم به یک عدّه از کتب و مراسلات و مکاتبات و قصائد و اشعار که چون گمان نمی‌کنم باین زودی‌ها از اجزاء این مجموعه معرّفی بعمل بیاید اینک محض مزید فایده اسامی و عناوین آنها را ذیلاً نقل می‌نمائیم:

– منتخب خمسه نظامی در ۱۴۰۰ بیت از صوفی شیرازی[۱]. (۱۸–۱)

[۱]. ترجمه احوالش باختصار در تذکره نصرآبادی(ص۳۱۲) مسطور است.

- منتخب حديقة الحقيقه سنائی. (۲۹-۱۹)

- نامه نواب اشرف بشاه سلیم از گرجستان و سودانامه او به نواب اشرف. (۳۲-۳۰)

- مکتوب نصیرا همدانی و ابوالفتح خان. (۳۶-۳۲)

- منشآت نصیر همدانی. (۴۶-۳۷)

- منتخب بهارستان جامی. (۵۳-۴۶)

- ساقی نامه خواجه حسین ثنائی باین مطلع:

بیا دل بمیخانه اهل راز بکش جام معنی صورت گداز

(۵۵ a -۵۶ b)

- قصیده مولا محمد بیان قوسی. (۵۹-۵۷)

- اشعاری از فیضی و باباطاهر و مولانا محمد جان و آقاشاپور و صائب و مولانا حسین ثنائی. (۶۸-۵۹)

- قصیده معینا در تاریخ جلوس شاه صفی ثالث(-)

- قسمیات ظهوری. (۷۳-۷۱)

- فرهاد و شیرین وحشی بافقی. (۸۶-۷۴)

- منشآت ترکی فضولی. (۸۷-۸۶)

- شکار شیر انشاء میرزا طاهر مجلس نویس.

- اشعاری از صایبا و مسعودا و میرزا ابراهیم ادهم و شیدا و الهی قمی و فدائی و صوفی و ظهوری و مولانا محمد مؤمن. (۹۴-۸۸)

- رساله عقل و عشق فضولی.

- نسب نامه شاه عباس.

- سواد نامه‌های نواب اشرف به سلطان احمد بن سلطان محمد خان عثمانی، و شاه عباس به سلطان سلیم و نواب همیون به قیصر روم، و عبدالمومن خان به نواب اشرف و جواب آن. (۱۰۸-۱۰۱)

- برخی قصائد عرفی و رباعیات مولانا مؤمن حسین یزدی. (۱۱۸-۱۰۹)

- سراج المنیر تألیف شمس الدّین محمد بن محمد شریف در سنه ۱۰۳۲(کاتب محمد شفیع بن محمد قاسم کارزاری، تاریخ تحریر محرم ۱۰۷۲). (۱۵۶-۱۱۹)

- منظومه محمود و ایاز از انیسی شاملو. (۱۷۰-۱۶۴)

- منظومه غزالی مشهدی. (۱۷۲-۱۷۰)

- ساقی‌نامه نوعی و قصائد و غزلیات او. (۱۸۰-۱۷۲)

- منظومه سوز و گداز همو. (۱۸۷-۱۸۰)

- ایضا بعضی غزلیات او. (۱۸۹-۱۸۸)

- سلامان و ابسال جامی(کاتب شیخ محمد بن شمس الدّین، تاریخ تحریر ۷ صفر ۱۰۷۲). (۲۰۴-۱۸۹)

- مجمع النوادر معروف به چهار مقاله انشای نظامی عروضی سمرقندی. (۲۳۵-۲۰۶)

- ترجمه تقویم البلدان ابی الفدا از ملا عبدالعلی بیرجندی. (۲۸۳-۲۳۶)

- سواد رقمی که نواب صاحبقران گیتی ستان شاه عباس ثانی در قلعه قندهار بجهت دولتخان نوشته. (۲۹۷)

- دیباچه خوان خلیل از مولانا ظهوری. (۳۰۲-۲۹۷)

- رساله عرض لشکر اوزون حسن از انشای ملا جلال دوانی. (۳۱۸-۳۰۵)

- رساله نزهت العاشقین از علی بن محمود. (۳۲۱-۳۱۹)

- ترجمه رساله برء السّاعهٔ(همین نسخه‌ای که ما درصدد معرفی آنیم). (۳۲۳-۳۲۱)

- رقعه بمظفر حسین کاشی، رقعه نظام بیک زرگر لاهیجی به درویش امید قاطع، رقعه امیر مخدوم به مولانا جلال قاینی، رقعه ظهوری به فیضی، اشعار نواب حسن خان و بابا فغانی. (۳۳۰-۳۲۳)

آغاز: «بسمله، چنین گوید حکیم کامل و فیلسوف فاضل الخ».

انجام: «و قدرت راه رفتن بهم رساند باذن الله تعالی».

این دو بیت از آنجاست:

یا من لعبت به شمول   ما الطف هذه الشمایل

مولای یحق لی بانی   عن حبک فی الهوی اقاتل

[قائل این دو بیت باضافه چهارده بیت دیگر مجموعاً شانزده بیت بهاء الدّین زهیر بن محمد مذکور در وفیات الاعیان است(۱: ۱۹۴) و تمام آن در نفحهٔ الیمن تألیف احمد بن محمد انصاری یمنی شروانی مثبت است(ص ۹-۱۰)، و بر وزن این شعر که، به تعبیر ابوالفدا در مختصر اخبار البشر(ذیل حوادث سنه ۶۵۶) وزن مخترع و خارج از بحور عروضی است(عروض عرب لابد و الّا در زبان فارسی از قرن چهارم معمول بوده) محرّر این سطور تاکنون چند قصیده و قطعه بزبان عربی دیده است از این قرار:

۱. در لسان المیزان ۶: ۱۸۹ که می‌گوید اقدم اشعار باین وزن است.

۲. در جوامع الکلم(ص ۲۸۱).

۳. در شدالازار(ص ۴۰۸).

۴. در تاریخ وصّاف ۱۴۳-۱۴۴ طبع تبریز، که دو بیت آن در تاریخ کاشان عبدالرحیم کلانتر ضرّابی با تحریف قافیه در بیت اوّل نقل شده(ص ۱۹۰).

۵. در تلخیص مجمع الاداب، جزء رابع، قسم ثانی، ص۱۰۳۵، طبع دکتر مصطفی جواد.

۶. در المستفاد من ذیل تاریخ بغداد(ص ۱۰۰ طبع بیروت).

۷. در الکامل لابن اثیر(۱۱: ۲۹۷ ذیل حوادث سنه ۵۵۸).

۸. در عیون الانباء تألیف ابن ابی اصیبعه(۳۸۳-۳۸۶) که ۹۲ بیت است] انتهی.

نستعلیق، کاتب شیخ محمد بن شمس الدّین، تاریخ تحریر ۱۰۷۲، محل تحریر آمل، عناوین بشنگرف، کتابت بطرز چلیپا، جداول اوراق بطلا و تحریر و لاجورد، کاغذ نخودی، مختلف السطور، جلد تیماج مشکی ساده، ۳گ(مجموع اوراق مجموعه ۳۳۳)، ۱۵×۲۸، خریداری آستان قدس در آذر ۱۳۶۲.

۵۷

ایضا نسخه دیگری است از دو ترجمه سابق و منضم است به رساله صید البحر از جعفر بن اسحق موسوی دارابی معروف به کشفی و مرآة المحققین از شیخ محمود شبستری و طبّ الرضا و رساله کبری در منطق از میرسید شریف جرجانی.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی آهار مهره، ابواب به شنگرف، ۱۵س، ۶گ ۱۰/۷×۱۷/۳، جلد تیماج مشکی ساده، واقف فخرالمحققین شیرازی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۷۵.

۵۸

برء السّاعة(ترجمه...)

(۱۵۶۹۲)

(فارسی)

ترجمه دیگری است از رساله برء السّاعة(باحتمال قوی ترجمه سید احمد بن محمد حسین شریف تنکابنی است).[1]

آغاز: «الحمدلله کما هو اهله... اما بعد این کتابیست که تألیف نموده آنرا محمد بن زکریا الرازی در طب و ترجمه کرده آنرا به برء الساعة ابن زکریا گفت من بودم نزد وزیر ابوالقاسم عبیدالله فحری(کذا) و در حضور او چیزی مذکور میشد در طب و جماعتی بودند در آن مجلس که ادعاء این علم میکردند پس سخن میکرد هر یک از ایشان به قدر رتبه خود در این علم».

انجام: «ما بسوی چیزی که قصد داشته باشیم بآن پس می‌گوییم لاحول و لاقوة الا بالله العلی العظیم و الحمدلله رب العالمین».

بلافاصله پس از آن ترجمه رساله فی تدبیر الابدان است با حذف مقدمه که اصل آن به عربی و از تألیفات قسطا بن لوقا البعلبکی است و یک نسخه از آنرا در موقع خود در حرف راء معرفی خواهیم نمود. ان شاء الله العزیز.

آغاز: «بسمله در تدبیر مسافران از کتاب قسطا بن لوقاء یونانی بدان که آنچه مسافران محتاج گردند باستعمال آن از تدبیر ابدان از چهار معنی بیرون نیست».

انجام: «همچنان ک علاج می‌کنند سایر جراحات را والله اعلم بالصواب».

[1] . وی حکیم باشی فتحعلی شاه قاجار بود و چنان که سابق بر این ذیل معرفی یک نسخه از برء السّاعة گفتیم این ترجمه یک بار در سنه ۱۲۹۷ هجری و بار دیگر در نشریه ستاره غرب در سنه ۱۳۲۶ شمسی بطبع رسیده است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عناوین به شنگرف، ۱۶س، رساله اول ۵ و رساله دوم ۱۱گ ۱۲×۱۹، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، خریداری آستان قدس در اردیبشهت ۱۳۶۷.

۵۹

پاتولوژی

(۷۴۷۹)

(فارسی)

کتابی است در بیان تقسیم و اسباب و علامات و رفتار و دوام و نکس و عود امراض مشتمل بر ده کتاب باین شرح[۱]:

- در حمیات.
- در امراض حاصله از تغییرات ترکیب خون.
- در اورام.
- در اقسام نزف الدّم.
- در ترشحات مرضی.
- در امراض حاصله از سموم.
- در امراض حاصله از تغییر تغذیه الات.
- در امراض حاصله از تغییر الات و حصول اشیاء غیر طبیعی در بدن.

[۱] . احتمال قوی می‌رود که مؤلف کتاب دکتر گیزل و مترجم آن دکتر میرزا رضا علی آبادی باشد.

– در امراض عصبانی.

– در امراض مخصوصه بهر آلت و هر عضو.

آغاز: «بسمله اما بعد بدانکه علم بطبایع امراض علمی است که شناخته میشود ازو احوال بدن انسان».

انجام: «مثال دویم بعکس می‌باشد».

نسخ، کاتب ابراهیم اصفهانی، تاریخ تحریر ۵ ربیع الاول سنه ۱۲۹۳، کاغذ شکری آهاری، عناوین در بالای صفحات بشنگرف و جای اکثر آنها در متن بیاض، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ۱۵س، ۴۳۵گ ۱۶×۲۱، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۶۰

پاتولوژی

(۵۲۰۳)

آغاز: مانند نسخه قبل.

انجام موجود: «سبب اصلی او را یافت خواهد نمود و چون از جمیع تغییرات دم کم شدن».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی فرنگی آهاری، ۱۷س، ۳۶۲گ ۱۷/۴×۲۴، جلد تیماج، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ۱۳۱۶.

۶۱

التحفه

(۲۲۶۹۹)

(عربی)

کتاب مفصّلی است مشتمل بر ذکر امراض مختلف و بیان علل و اسباب و علامات و طرق معالجه آنها و در آخر وصف ادویه مرکّبه(قرابادین)مشتمل بر پنج مقاله باین شرح:

المقالهٔ الاولی– فی بیان احتیاجنا الی المرکبات مع ان العلاج بالمفرد اولی من المرکب الخ.

المقالهٔ الثانیهٔ– فی بیان طریق اخذ المرکبات و مقدار الشربهٔ منها لحصول المقصود.

المقالهٔ الثالثهٔ– فی بیان العلم بدرجات المرکبات.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی بیان اقسام المرکبات و منافعها و بقاء عملها و بیان صنایعها و مقدار شرباتها.

المقالهٔ الخامسهٔ– فی بیان الاوزان و المکیال.

آغاز موجود: «مبحث امراض لمری و المعدهٔ و فیه اقوال».

انجام موجود: «فی التریاق الاکبر الذی نقلناه من(کذا) الشیخ من هذا الکتاب لصدقت ما قلناه».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۲۱س، ۴۰۲گ ۱۴/۵×۲۶/۵، جلد تیماج، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۶۲

تحفهٔ البیان فی حفظ ابدان الانسان

(۷۴۸۵)

(عربی)

این کتاب که اصلاً مبتنی بر کتب طبی جالینوس و فصول موسی قرطبی و مصنفات ابن زهر و رازی و علی بن عباس مجوسی بخصوص قانون ابن سیناست مشتمل است بنا بر سنت مرسوم بین حکما بر پنج فن و تألیف عبدالله بن کمال الدّین حسین است که آنرا به شاه عباس صفوی تقدیم داشته است.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی اعطانا حقایق دقایق قانون الحکمۀ الالهیۀ البالغۀ».

انجام موجود: «الفصل الثانی و العشرون فی العلق بعد ما ذکر» (ناقص).

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، جلد تیماج زرشکی ضربی، مختلف السطور، ۲۷۱گ ۱۵×۲۱، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۶۳

تحفۀ المؤمنین

(۵۱۶۶)

(فارسی)

این کتاب از مشاهیر کتب طبی فارسی در چند قرن اخیر و از تألیفات حکیم محمد مؤمن بن میر محمد زمان تنکابنی دیلمی است که آنرا براساس کتابهای قانون و معالجات بقراطی و معالجات ایلاقی و مصنفات جالینوس و رازی و دیسقوریدوس و کامل الصناعه و ما لایسع الطبیب جهله و جامع ابن بیطار و تذکره اولی الالباب و ترجمه کتب هندی و غیره در پنج تشخیص و سه قسم دستورات بشرح مذکور در ذیل در سنه ۱۰۸۰ هجری تألیف و بنام شاه سلیمان صفوی(۱۰۷۷-۱۱۰۵) موشّح نموده است.

تقسیمات کتاب

الف) تشخیصات:

۱. در بیان سبب اختلاف اقوال اطباء در ماهیۀ و خواص و قدر شربت ادویه و شروط اخذ آن و ذکر درجات و قوتها بحسب مراتب.

۲. در ذکر صفات ادویه مفرده و اغذیه مفرده و مرکبه و بیان افعال کلیه و متشابه کلّی و تفسیر اسامی و لغات مذکور در کتاب.

۳. در بیان مهیهٔ و کیفیت و خواص ادویه مفرده و اغذیه مفرده و مرکبه و ذکر مصلح و بدل و قدر شربت بترتیب حروف و ذکر اسامی ادویه بلغت یونانی و سریانی و عربی و فارسی و هندی و ترکی و امثال آن.

۴. در مداوای سموم، مشتمل بر پنج فصل باین شرح:

- در تدبیر منع تأثیر سموم و احتراز از آن.
- در تدبیر مشترکه سموم.
- در تدبیر سموم مشروبه.
- در تدبیر سموم ملدوغه معروفه حیوانات و جراحات آلات مسمومه.
- در بیان آنچه حشرات ازو گریزند.

۵. در اوزان، مشتمل بر سه فصل:

- در اوزان صغار.
- در اوزان کبار.
- در تحویل بعضی اوزان ببعضی.

ب) دستورات:

این بخش منقسم است به سه قسم باین شرح:

۱. در بیان اعمالی که متعلق است به ادویه مفرده مثل شستن و سوختن ادویه و تمحیص و تشویه و طریق آشامیدن عشبه و چوب چینی و ماء الجبن و مانند آن، و این قسم مشتمل است بر پنج طریق:

الف) در تدبیر ادویه مفرده مخصوصه، در پنج فصل:

- در دستور احراق.

- در تشویه و تمحیص و تقلیه

- در غسل ادویه.

- در بیان دستور اتخاذ بعضی از ادویه.

- در بیان اصلاح بعضی از ادویه بطریق مخصوصه و حفظ بعضی از آن.

ب) در بیان دستور استعمال بعضی ادویه و طریق استعمال چوب چینی.

ج) در گرفتن عرقها و آبها و روغنها و در دستور گرفتن عرق گوگرد.

د) در ساختن گل حکمت و ادویه مصنوعه.

هـ) در بیان امور غریبه، مشتمل بر پنج حل و سه عقد و خاتمه باین شرح:

- در بیان حجر اصطلاحی و بیان بعضی اصطلاحات.

- در قواعد تقطیر و تصعید و تکلیس و مانند آن.

- در بیان آلات مخصوص عمل صناعت.

- در قواعد گرفتن بعضی از آبها و تحمیر و تبییض و سایر تدبیرات اجزاء.

- در بعضی از خواص فلزات و اصطلاح آن و آنچه به آن متعلق است.

عقد اول – در قواعد قمریه.

عقد دوم– در قواعد شمسیه.

عقد سیوم– در قواعد عمل مروارید و اعمال متفرقه.

خاتمه– در خطوط مرموزه.

۲. در بیان اعمالی که متعلق است بادویه مرکبه و ذکر معاجین و حبوب و سایر مرکبات، مشتمل بر بیست و چهار باب باین شرح:

– در بیان معاجین، در پنج فصل:

الف) در تریاقات.

ب) در ایارجات.

ج) در جوارشات.

د) در معاجین کبار و صغار و باهیه و مسهله و اطریفلات.

هـ) در مفرحات.

– در اقسام حبوب.

– در اقراص.

– در سفوفات.

– در اشربه و ربوب.

– در مربیات و صفت بعضی از حلواها.

– در لعوقات.

– در مطبوخات و نقوعات و ماء الاصول و مقیئات و مسکنات قی.

– در سنونات و غرغره و مضمضه.

– در اکحال و شیافات و سایر ادویه عین.

– در ذکر اذهان.

– در مرهمها و ذرورات جراحت و ما یتعلق بها.

– در ضمادات و کمادات و نطولات و قطورات.

– در سعوطات و عطوسات و نشوقات و لخلخات و نفوخات و بخورات و ادخنه.

– در حقنه‌ها و فتایل و فرزجات و حمولات.

– در خضاب و غیره.

– در غسولات و منقیات بشره و محمرات و مایتعلق بها.

– در ادویه کلف و بهق و برص و وسم و خیلان و نمش و برش و سعفه و مانند آن.

– در مطیبات بدن و عرق و بیان غوالی و عطریات.

– در ذکر خواص غریبه و اسرار مکتومه.

– در بیان بعضی از رساین[کیمیای بدن] حکماء هند.

– در بیان بعضی از ادویه مخصوص معالجه چهارپایان.

– در قلع آثار رنگهای لباس و رفع چربی و امثال آن.

– در دستور معالجه طیور(بزورة).

۳. در معالجات با رعایت اختصار.

آغاز: «سبحانک اللهم یا قدوس و یا طبیب النفوس».

انجام: «طیوری که بر آن نشیند پای بست گردد».

نسخ ممتاز(در حواشی بطرز چلیپا)، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر شوال المکرم ۱۲۳۹، کاغذ نباتی آهار مهره، عناوین بشنگرف، دارای سه لوح ظریف مذهب عالی با شرفه و پیشانی زرین محرر و حواشی آنها گل و برگ مرصع، جداول اوراق همگی مزدوج و بطلا و تحریر و لاجورد، در وسط ضلع اطول و دو گوشه بالا و پایین جداول بیرونی گل و برگ زرین مرصع در میان مثلثها بزر محرر، اندازه جدول درونی ۷×۱۳ و بیرونی ۱۰×۱۹، ۲۱س، ۳۰۰گ ۱۳×۲۲/۵، جلد تیماج دارچینی ساده، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۶۴

تحفة المؤمنین

(۸۸۶۸)

نسخه کامل است.

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب محمدعلی بن عبدالکریم مروزی، تاریخ تحریر سه‌شنبه دهم ذی القعده ۱۲۴۵، عناوین بشنگرف، اندازه مسطر ۸/۵×۱۹، کاغذ شکری آهار مهره، ۲۹س، ۳۰۱گ ۱۴×۲۶، جلد تیماج مشکی ساده، واقف حاج قطب المحدثین، تاریخ وقف بهمن ۱۳۳۸.

۶۵

تحفة المؤمنین

(۷۴۹۰)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب محمد شریف بن محمد علی افشار، تاریخ تحریر ۱۲۱۱، دارای یک سر لوح مذهب و کتیبه زرین مرصّع، حواشی دو صفحه افتتاح مزین به گل و برگ زرین بطرز اسلیمی، جداول اوراق به طلا و تحریر والوان و کمندها به لاجورد، اندازه جدول ۱۲/۵×۲۰/۵، کاغذ حنائی نخودی آهاری، عناوین به شنگرف، جلد تیماج عنابی ضربی زرین با ترنج و سرترنج و حواشی قلمدانی، ۲۷س، ۴۰۶گ ۱۸×۲۸، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۶۶

تحفة المؤمنین

(۵۰۷۵)

ایضا کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رمضان ۱۲۰۷، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج مشکی دورو با سجاف خرمائی، ۲۷س، ۱۹۸گ ۲۰×۳۳، واقف بانو زرین امیری سبزواری، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۲۷.

۶۷

تحفة المؤمنین

(۱۱۸۲۵)

ایضا کامل است.

نستعلیق، کاتب شفیع بن محمدرضا گیلانی، تاریخ تحریر پنجشنبه ۵ شوال ۱۲۰۲، محل کتابت بارفروش، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج عنابی تیره ضربی، ۲۱س، ۴۲۶گ ۲۱×۳۲، واقف محمدعلی حریری، تاریخ وقف ۱۳۵۹.

۶۸

تحفهٔ المؤمنین

(۷۲۷۲)

نسخه ایضا کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذی القعده ۱۱۹۲، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، ۲۵س، ۴۵۰گ ۱۹×۳۰، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۲۸.

۶۹

تحفهٔ المؤمنین

(۵۱۶۵)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب محمد کاظم بن محمد معصوم سبزواری، تاریخ تحریر چهارشنبه سوم ربیع الاخر ۱۱۲۹، کاغذ نخودی آهار مهره، عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ۲۷س، ۳۱۹گ ۱۷/۸×۳۱، نسخه بجهت مرحوم محمد مؤمن شیخ الاسلام مشهد نوشته شده، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ۱۳۱۶.

۷۰

تحفۀ المؤمنين

(۲۵۶۳۲)

این نسخه به آخر تشخیص ثالث خاتمه می‌یابد.

انجام: «که بفارسی زردک نامند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم و صدراً و ذیلاً بخط مغایر، عناوین و اسامی ادویه به شنگرف، کاغذ نخودی، ۱۷س، ۳۶۰گ ۱۶×۲۴/۵، اندازه مسطر ۱۳×۱۸، جلد تیماج مستعمل، وقفی زین الدین جعفر زاهدی در بهمن ۱۳۷۷.

۷۱

تحفۀ المؤمنين

(۱۴۸۲۹)

این نسخه تا اواسط فصل چهارم از باب اوّل از قسم ثانی و دستورات و معاجین را بیشتر ندارد.

انجام موجود: «معجون عود ملین... هلیله کابلی سه درم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد، اندازه جدول ۱۱×۱۸، عناوین بشنگرف و کمندها به لاجورد، جلد مقوا و عطف و گشوه تیماج، ۲۲ و ۱۳س، ۳۳۲گ ۱۷×۲۴، واقف سید محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۷۲

تحفۀ المؤمنين

(۵۰۵۴)

نسخه کامل است.

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهار مهره، عناوین در حاشیه و متن بشنگرف، ۳۳س، ۱۸۴گ ۱۵×۲۹، جلد تیماج قهوه‌ای با حاشیه ضربی، واقف حاج عماد فهرستی، تاریخ وقف ۱۳۴۶.

۷۳

تحفهٔ المؤمنین

(۸۳۴۶)

این نسخه به اواخر تشخیص ثالث خاتمه می‌یابد.

انجام موجود: «و سرخ کردن رخسار و بزرگ».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ نخودی فرنگی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج ضربی، ۲۵س، ۲۰۶گ ۱۶×۲۱، واقف یار محمد خان افشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۳۲.

۷۴

تحفهٔ المؤمنین

(۱۳۰۷۱)

این نسخه نیز ناقص است و به اواسط باب بیست و یکم(بعضی از رساین حکمای هند) خاتمه می‌یابد.

انجام موجود: «پوست خشخاش را کوبیده در سرکه پخته بوزن او».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ شکری، برخی عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای، ۲۵س، ۳۶۷گ ۱۶/۳×۲۸، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۷۵

تحفۀ المؤمنین

(۵۰۵۶)

این نسخه از ابتدای قسم اول از بخش دستورات شروع و به اواخر قسم سوم از بخش دستورات ختم می‌کند.

انجام موجود: «دستور گرفتن روغن جوهر حسن لبان... و آن عبارت از دو پیاله».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، جداول بشنگرف و لاجورد، عناوین بشنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۵-۲۷س، ۸گ ۱۸×۲۹، واقف میر سید علیخان، تاریخ وقف ۱۲۷۳[۱].

۷۶

تحفۀ المؤمنین

(۶۳۴۰)

بقدر یک ورق از آغاز این نسخه ساقط است و تا اواخر تشخیص ثالث را بیشتر ندارد.

---

[۱] . این دو یادداشت از آنجاست: «بتاریخ شعبان المعظم روز چهارشنبه محمد شاه قاجار بدور ولایت غوریان آمده محاصره و بروز سه‌شنبه شهر مزبور غوریان را گرفته هشت روز در آنجا اقامت و بروز چهارشنبه ۲۲ شهر مزبور بدور شهر داده و شهر هرات را محاصره نموده سردار دین محمد خان با سوار هزاره با او مجادله نمود بشهر آمدند و بروز پنجشنبه قدری سوار و پیاده بسرداری دین محمد خان مجادله خوب نموده مواشی و دواب و سرورنده(کذا) و کوشش بسیار نمود بدست آوردند و تخمینا پنجاه و شصت نفر آنها را عرضه تیغ بیدریغ نموده بدار البوار فرستادند».

یادداشت دیگر: «بتاریخ ۱۲ جمادی الثانی ۱۲۵۴ روز یکشنبه که از جانب جناب اقدس الهی حکم واصل شده از دولت انکلیز حکم بر سر محمدشاه قاجار داده که از هرات و محاصره آن دست برداشته و الا که همراه شیراز هفت شهر از شهرهای تو بحیطه تصرف آورده مابقی را هم میگیرم محمدشاه از محاصره دست بردار شده بنای کوچ و بار خود را گذاشته روز جمعه ۱۷ سنگرهای خود را واپس برد، و در این ایام نمک من دو تومان و روغن من پنج تومان و مرغ یک[دانه] پنج روپیه بود و از مردم شهر تخمینا پنج هزار کس بمرض سیاه سنگی و شکم پیچ و شب کوری و ضعف و بی‌قوتی دنیای فانی را بدرود کرده بعالم آخرت شتافتند تا واضح بوده باشد» انتهی.

آغاز موجود: «نموده و هر چه از جامع ابن بیطار و غیره نقل آن ضرور و باعث آن بوده».

انجام موجود: «ورد اصفر بستانی درخت او بی‌خار و بقدر درخت»

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ فستقی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، مختلف السطور، ۴۳۲گ ۱۵×۲۱/۳، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۷۷

تحفهٔ المؤمنین

(۵۰۵۵)

این نسخه مانند نسخه قبل به آخر تشخیص ثالث خاتمه می‌یابد.

انجام: «که بفارسی زردک نامند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم(نام او و پدرش را بکلی سیاه کرده‌اند)، تاریخ تحریر ۲۲ محرم ۱۲۴۷، کاغذ آبی، جلد تیماج مشکی ساده، ۲۶س، ۱۷۲گ ۲۰×۳۲/۵، عناوین بشنگرف، واقف میرزا محمود آملی، تاریخ وقف ۱۳۰۸ شمسی.

۷۸

تحفهٔ المؤمنین

(۱۵۶۹۰)

صدراً و ذیلاً ناقص است.

آغاز موجود: «در بیان ادویه سته کثیر المنفعه که در کتب متداوله قدما کمتر است».

انجام موجود: «علاج تسقیه بگلاب و گل مختوم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر محرم ۱۲۲۲، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، ۲۶س، ۳۳۰گ ۱۳/۷×۲۵، بدون جلد، خریداری آستان قدس در اردیبشهت ۱۳۶۷.

۷۹

تحفهٔ المؤمنین

(۲۲۸۳۴)

یکی دو ورق از آخر کسر دارد.

انجام: «یبروح الصنم... پیشانی و چشمها و روی را با آن تدهین نمایند».

نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، جداول و کمند اوراق به طلا و تحریر، کاغذ نخودی، جلد تیماج ضربی، ۲۶س، ۲۸۹گ ۱۲×۲۱/۵، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۸۰

تحفهٔ المؤمنین

(۱۵۹۴۶)

صدراً و ذیلاً ناقص است.

آغاز موجود: «و میخواست که بقدر امکان آنچه محققین این فن تحقیق نموده‌اند».

انجام موجود: «بقدر حجر کمتر از آن که او را خرد و گیرد و حل کند».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، ۲۳س، ۴۴۵گ ۲۰×۲۸/۸، جلد تیماج مشکی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۸۱

تحفهٔ المؤمنین

(۲۵۳۳۲)

تا آخر معالجات و دستورات بقلم نسخ و بقیه به خط نستعلیق، کاتب قسمت اول محمد بـن ولـی الله موسوی قاینی و کاتب قسمت اخیر محمد فاضل بن محمد شریف خبوشانی، تاریخ کتابت قسم ثـانی دستورات رجب ۱۱۱۶، ۲۷س، ۲۷۶گ ۱۹/۵×۲۷، عناوین و اسامی ادویه به شنگرف، کاغذ حنائی، جلد تیماج ضربی با ترنج و گوشه، وقفی زین الدین جعفر زاهدی در بهمن ۱۳۷۷.

۸۲

تحفهٔ المؤمنین

(۲۵۶۰۹)

نسخه کامل است.

کتابت به خط نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قـرن دوازدهـم، کاغـذ نخـودی، ۲۱س، ۳۹۱گ ۱۶/۵×۲۸/۵، اندازه مسطر ۱۱/۵×۲۱/۵، دارای دو سرلوح منقش کم کار، عناوین و اسامی ادویه به شنگرف، جداول اوراق به لاجورد و شنگرف، کمند به لاجورد، جلد تیماج ضربی ترنج‌دار با سجاف چرمی، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۷۷.

۸۳

تحفهٔ المؤمنین

(۲۵۲۲۵)

شروع قسم ثاین آن از تشخیص رابع است و دو سه ورق نیز از آخر افتادگی دارد.

انجام موجود: «و اگر بدون لاغری باشد سبب آن مواد فاسده است و بدستور دیر برآمدن».

نستعلیق، کاتب سلیمان، تاریخ تحریر ۱۳ صفر ۱۲۰۸، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه به شنگرف، ۲۹س، ۲۸۹گ ۱۹×۲۸، اندازه مسطر ۱۱/۵×۲۳، جلد تیماج ساده، وقفی زین الدین جعفر زاهدی در بهمن ۱۳۷۷.

۸۴

تحفهٔ المؤمنین

(۲۵۱۳۵)

چند ورق از آخر کسر دارد.

انجام موجود: «در باب ادهان مذکور شد و این دوا بغایت قویست».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۴، کاغذ آبی، عناوین بشنگرف، چهار ورق ابتدا نونویس، ۲۵س، ۳۳۲گ ۲۱/۵×۳۴، اندازه مسطر ۱۵×۲۷، جلد تیماج ساده یک لا، وقفی زین الدین جعفر زاهدی در بهمن ۱۳۷۷.

۸۵

تحفهٔ مبشریّه

(۵۰۶۵)

(فارسی)

مؤلف آن محمد بن سعد بن عبدالله لاری ملقّب به سعد طبیب است که آنرا در دو مقاله هر کدام مشتمل بر مقدمه و دو باب بشرح زیر تألیف و بنام قطب الدّین مبشّرخان آتی الذکر موشّح نموده است:

مقاله اول- در تشریح اعضای مفرده و مرکبه بر سبیل اجمال.

مقدمه: در تعریف اعضا و تقسیم آن.

باب اول: در تشریح اعضاء مفرده.

باب دوم: در تشریح اعضاء مرکّبه.

مقاله دوم- در بیان حدود و رسوم امراض.

مقدمه- در تعریف مرض و تقسیم آن.

باب اول: در امراض مشهوره مخصوص به عضو در ۱۶ فصل.

باب دوم- در امراض مشهور غیرمخصوص به عضو عضو در ۴ فصل: در حمیات، در اورام و بثور، در کسر و قرحه، در امراض زینه.

بلافاصله پس از آن رساله مختصری است در هشت ورق ایضا بفارسی در بیان تیراندازی قطب الدّین مبشّرخان مذکور از انشاء سعد بن عبدالله پدر مؤلف تحفه مبشریّه که بقرینه این که به تقریب کلیّه کسانی که نامشان در این رساله مسطور است از مردم ایج یعنی بکلی از نواحی جنوبی ایرانند و بخصوص خود مؤلف که از اهالی لار بوده معلوم می‌شود بی‌هیچ شک و شبهه‌ای که این قطب الدّین مبشّر خان قطعاً از ملوک صفحات جنوبی ایران و بعبارت دقیق‌تر از ملوک خطّه لار که در قرون گذشته از نواحی بسیار مهم گرمسیرات فارس محسوب می‌شده بوده است و به لحاظ این که در میان جمیع حکّام و ملوک ممالک اسلامی تنها در بین حکّام ناحیه مذکور است که به یک تن برمی‌خوریم که

نام خودش قطب الدّین و نام دو تن از جانشینان بلافصل او بترتیب جهانشاه و علاء الملک است و از آن طرف تمام این فقرات بطبق مسطورات مؤلف این رساله که اسامی آنها را با آب و تاب تمام ذکـر می‌کند جزء بجزء عینا مطابقت دارد با این شخص پس یقین قطعی بوقوع می‌پیوندد که این قطب الدّین مبشّرخان ممدوح دو مؤلف مذکور هیچ کس نمی‌تواند باشد جز همان قطب الدّین ابوالنصر مبشّرخان مذکور در جهان آرای قاضی احمد غفاری(ص۱۹۰)[1] که در سال ۷۹۷ بدنیا آمده و در سنه ۸۳۰ بـه حکومت لار رسیده و در ۸۵۹ فوت نموده است و پسر او جهانشاه و پسر این اخیر علاء الملک نیز بترتیب در سنه ۸۶۱ و ۸۳ بحکومت آن خطّه رسیده‌اند(یک مکتوب از مکاتیب قطب بن محیی خطاب به همین علاء الملک است) و آخرین حاکم این خاندان ابراهیم خان ابن نور الدّهر خان بن ابراهیم ایضا ملقّب به علاء الملک است که در سنه ۱۰۱۰ بدست شاه عباس اوّل صفوی گرفتار شد و نوبت حکومت و امارت ایشان در صفحات لارستان باو خاتمه یافت(پس عصر تقریبی تألیف این دو کتاب نیز بطور ضمنی معلوم شد و الحمدلله علی ذلک).

آغاز رساله اول: «حمد و سپاس بیحد و قیاس حضرت پادشاهی را سزد علت ذاتـه عـن الامـراض الجسمانیهٔ و سمت صفاته عن الاعراض النفسانیهٔ که بقوه کامله ازلی مصباح ارواح در مشـکوه اشـباح اجسام برافروخت».[2]

---

[1] . ناگفته نماند که حاشیه شماره ۷ در صفحه مذکور تماماً سهو واضح است از طابع کتاب باین معنی که اولاً ماده تاریخ«قتل شـه عـادل» مطـابق است با ۹۴۰ نه چنان که وی توهم نموده ۹۳۰ و ثانیا حرف قبل از آن یعنی حرف«از» نیز که طابع آنرا خارج از عبارت مذکور دانسـته داخـل در آن است پس بین قول مؤلف که می‌گوید انوشروان بن ابوسعید بن علاء الملک در سنه ۹۴۸ مقتول شد و بین بیست مسطور در آنجا:

چون سلخ صفر کشته گردید شه عادل «از قتل شه عادل» تاریخ شود حاصل.

ابداً مخالفی نیست.

[2] . در ورق چهارم این رساله مؤلف دو بیت شعر عربی بدون تسمیه قائل نقل می‌کند که کاتب آنرا هم غلط و هم نـاقص یعنـی بـدون مصـرا ع اوّل از بیت ثانی نوشته و ما بجهت مزید فایده صورت صحیح و کامل آنرا با ذکر نام قائل در اینجا درج می‌نمائیم:

ما نوال الغمام وقت ربیع کنوال الامیر وقت سخاء

انجام: «وشظا یا حاده که حادث شود در نزدیک اصول اظفار و الله الحمد علی الاتمام».

آغاز رساله دوم: «بسمله شکر و سپاس بیحد و قیاس واجب الوجودی را تواند بود که الخ».

انجام: «و بعد از طی مسافهٔ پر آفهٔ زندگانی ورثه و تلامذه او را تذکره و یادگاری»[1].

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن دهم، کاغذ دولت آبادی، عناوین بشنجرف، جلد میشن دو رویه با جداول و شمسه ضربی زرین در وسط، ۱۲س، ۸۵گ ۱۰×۱۸، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵، در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۵۴، ۱۱۹۶، ۱۲۵۰، ۱۲۷۲ و ۱۲۸۷ داخل عرض شده.

۸۶

تذکرهٔ الکحّالین[2]

(۵۰۶۴)

(عربی)

کتاب معروفی است در خصوص تشریح چشم و ذکر امراض آن و طرق علاج و تدبیر آنها که مؤلف آن علی بن عیسی[3] از مشاهیر کحالان قرن چهارم و پنجم هجری بالغ بر ۱۳۰ نوع بیماری مربوط به چشم و مشخصات ۱۴۳ فقره داروی مختلف را در آن توصیف و معرفی نموده[4] و آن را چنان که خود در

فنوال الامیر بدرهٔ عین   و نوال الغمام قطرهٔ ماء

این دو بیت که در مفتاح العلوم سکّاکی نیز ایضا بدون تسمیه قائل درج شده(ص ۲۲۵؛ در بیان علم البدیع) از رشید وطواط است بنا به تصریح خودش در کتاب حدائق السّحر فی دقائق الشعر تألیف خود او در مبحث الجمع و التفریق و التقسیم(ذیل بیان تفریق تنها)، مع ذلک کله عجیب است که ابن تغری بردی در النجوم الزهرهٔ(۵: ۳۸۳ ذیل حوادث سنه ۵۶۵) قائل این دو بیت را حماد بن منصور البزاعی معروف به خرّاط نوشته است! (با اختلاف یک کلمه یعنی«مال» بجای«عین» در بیت اخیر).

[1]. سوادی از این رساله را محرّر این سطور در اختیار دارد.

[2]. Memorundum des Oculistes.

[3]. ترجمه احوالش به اختصار در عیون الانبیاء موجود است(۳۲۴، طبع بیروت).

[4]. مقدمه بر تاریخ علم(۱: ۸۳۶).

مقدمّه کتاب اظهار داشته با استناد به آرا و اقوال جالینوس و حنین بن اسحق در سه مقاله تألیف کرده است. این کتاب را K. A. Hill در سنه ۱۸۴۵ با ترجمه‌ای که از آن بزبان لاتینی بعمل آورد در درسدن بطبع رسانید[۱].

فهرست مقالات و ابواب آنها

المقالۀ الاولی: حد العین و تشریحها و عدد بقاتها و رطوباتها و اعصابها و عضلاتها و من این نبات کل طبقۀ منها و من این ابتداؤها و الی این منتهاؤها و این مواضعها فی العین و ما منفعتها و من أین یـأتی غذاؤها و لماذا اعدت، در ۲۱ باب بشرح زیر:

- فی حد العین.
- فی منفعۀ العین.
- فی طبع العین.
- اذکر فیه من کم سبب تکون العین کحلا.
- اذکر فیه من کم سبب تکون العین زرقا.
- اذکر فیه من کم هی طبقات العین.
- اذکر فیه کم هی رطوبات العین و اعصابها و عضلاتها.
- اذکر فیه امر الرطوبۀ الجلیدیۀ و ما فعلها و ما منفعتها.
- اذکر فیه امر الرطوبۀ الزجاجیۀ.

---

[۱]. برای اطلاع بیشتر از سایر ترجمه‌های آن(اروپائی و فارسی) مراجعه شود به کتاب:
A Medical His. Of Persia,P.۱۴۱ و کتـاب La science arabe et son role dans Levolution Scientifique mondiale, P.۱۲۵. تألیف Aldo Mieli.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ الشبکیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ المشیمیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ الصلبیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ العنکبوتیه.

- اذکر فیه امر الرطوبهٔ البیضیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ العنبیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ القرنیهٔ.

- اذکر فیه امر الطبقهٔ الملتحمهٔ.

- اذکر فیه عدد عضل العین و رباطاته و این موضعه.

- اذکر فیه امر العصب النوری و کیف یکون منشاؤه و امر العصب المحرک و کیف یکون.

- اذکر فیه من این ابتدا الروح النفسانی و کیف یکون تولده و کیف یکون به البصر.

- اذکر فیه امر الاجفان و الاشفار و ما منفعتها.

المقالهٔ الثانیهٔ: عدد امراض العین الظاهرهٔ للحس و اسبابها و علاجاتها و علاماتها.

در ۷۳ باب باین شرح:

- اذکر فیه اصول و دستورات یعمل علیها فی علاج امراض العین.

- فی القوانین التی تجب علی الطبیب استعمالها عند کل استفراغ.

- فی عدد امراض الجفن و هی تسعهٔ و عشرون مرضا.

- فی اصناف الجرب و علاجه و هی اربعهٔ انواع.

- فی البرد و علاجه.

- فی التحجر و علاجه.

- فی الالتصاق(ثلاثه انواع).

- فی انواع الشترهٔ و علاجها.

- فی الشعیرهٔ و علاجها.

- فی الشعر الزاید و علاجه.

- فی انقلاب الشعر و علاجه.

- فی انتشار الهذب و علاجه.

- فی بیاض الاشفار و انتشار الحواجب.

- فی القمل و القمقام و القردان و علاجه.

- فی انواع الوردینج و علاجه.

- فی السلاق و علاجه.

- فی الحکهٔ العارضهٔ للجفن.

- فی الجسا العارض للجفن.

- فی غلظ الاجفان.

- فی الدمل العارض للجفن.

- فی الشرناق و علاجه.

- فی التوثهٔ العارضهٔ للجفن.

- فی المکنۀ العارضه للجفن.

- فی الشری العارضۀ للجفن.

- فی النملۀ العارضۀ للجفن.

- فی السعفۀ العارضۀ للجفن.

- فی الثالیل العارضه للجفن.

- فی الانتفاح العارضۀ للجفن.

- فی التاکل و القروح العارضۀ للجفن.

- فی السلع العارضۀ للجفن.

- فی استرخا الجفن.

- فی موت الدم و الخضرۀ فی الجفن.

- فی امراض الماق و هی ثلثۀ: العزب و الغده و السیلان.

- فی العزب و علاجه.

- فی الغدۀ و علاجها.

- فی السیلان و علاجه.

- فی عدد امراض الملتحم و هو ثلثۀ عشر مرضا.

- فی انواع الرمد و علاجه.

- فی الطرفۀ و علاجها.

- فی علاج کلما وقع فی العین.

- فی السرطان الحادث للقرنیهٔ.

- فی الحفر العارض للقرنیهٔ.

- فی تغییر لون القرنیهٔ و علاجه.

- فی رطوبات الحجاب القرنی(این باب شصت و دوم را کاتب از قلم انداخته و بعد شخص دیگری آنرا در حاشیه نوشته است).

- فی یبس الحجاب القرنی.

- فی کمنهٔ المدهٔ خلف القرنیهٔ و علاجها.

- فی الفرق بین نتو القرنیهٔ و علاجها.

- فی الفرق بین نتو القرنیهٔ و بین البثر الحادث فیها.

- فی انحلال الفرد العارض للقرنیهٔ و هو انحرافها.

- فی عدد امراض العنبیهٔ و هی اربعهٔ.

- فی الاتساع العارض للحدقهٔ.

- فی ضیق الحدقهٔ و العلاج.

- فی نتو العنبیهٔ و هو الزوال و انحلال الفرد العارض للعنبیهٔ.

- فی انحراق الحدقهٔ و هو انحلال الفرد العارض للعنبیهٔ.

- فی الفرق بین نتو العنبیهٔ و بین البثر الحادث فی القرنیهٔ.

- فی الما و علاجه و قدحه.

المقالۀ الثالثۀ: فی الامراض العارضۀ الخفیۀ عن الحس و اسبابها و علاماتها و علاجاتهـا، در ۲۷ بـاب بتفصیل زیر:

- فی الفرق بین الخیالات التی تکون(کذا بدون ذکر علت آن) و التی تکـون عـن الـم المعـدۀ و بـین الخیالات التی تکون من الدماغ.

- فی امراض الرطوبۀ البیضیۀ، عددها سبعۀ.

- فی امراض الرطوبۀ الجلیدیۀ و العنکبوتیۀ، ستۀ عشر مرضا.

- فی امراض الروح الباصر.

- فی علاج من یری من بعید و لایری من قریب(= در علاج دوربینی).

- فی علاج من یری من قریب و لایری من بعید(= در علاج نزدیک بینی).

- فی العشا.

- فی الجهر.

- فی عدد امراض الرطوبۀ الزجاجیۀ و هی احدی عشر.

- فی امراض الطبقۀ الشبکیۀ.

- فی امراض العصب المجوف النوری.

- فی الانتشار و علاجه.

- فی السدۀ و الضغط و الوریر الذی یحدث فی العصب النوری.

- فی تفرق الاتصال فی العصبۀ.

- فی علل العضلات الثلث التی علی فم العصبۀ النوریۀ.

– فی علاج نتو حمله العین.

– فی هزال العین و علاجه.

– فی امراض الطبقهٔ المشیمیهٔ.

– فی امراض الطبقهٔ الصلبیهٔ.

– فی امراض العضل المحرک للعین.

– فی علاج الحول.

– فی ضعف البصر و علاجه.

– فی حفظ صحهٔ العین.

– فی الصداع و الشقیقهٔ التابعهٔ لوجع العین[1].

– [فی سل شریانی الصرغین وکیهما.

– فی علاج عام للمواد المتحدرهٔ الی العین.

– فی قوی الادویهٔ].

آغاز: «بسمله حمد له هذا رسالهٔ علی بن عیسی الکحال جوابا عما سأله بعض اصحابه فی معرفهٔ امراض العین و علاجاتها و ادویتها و مداواتها وصل کتابک ایها الاخ الفاضل تسأل عن جوامع کتب جالینوس فی امراض العین و علاج کل مرض منها لان الاسکندرانیین ذکروا عدد الامراض و لم یذکروا عللها و لاعلاجاتها الخ».

انجام موجود: «یوخذ ورد و جلنار و عدس».

---

[1] . نسخه چند ورقی کسر دارد و به اواسط این باب ختم می‌شود و ما بجهت مزید فایده عناوین سه باب مانده را از روی نسخه بلافاصله مذکور پس از این نسخه در این موضع از متن نقل می‌نمائیم.

در ورق دوم نسخه بخطی کهن مسطور است:

اقبل ارضا سار فیها جمالها   فکیف بدار دار فیها جمالها

و قد کنت لاارضی بوصل مقطع   و ها انا راض لو اتانی خیالها

***

نسیم الصبا بلغ سلامی الیهم   بلطفک و ارفق بالهبوب علیهم

و قل لهم انی و ان کنت غائبا   فقلبی و روحی حاضران لدیهم

***

سلام الله کل صباح یوم   علی تلک الشمائل و المحیا

***

سلام علیکم ما امر فراقکم   فیا لیتنا من قبل فرقتکم میتا

***

فدارهم ما دمت فی دارهم   و ارضهم ما کنت فی ارضهم[۱]

***

۸۷

[۱]. این بیت عیناً در اوایل کتاب اخلاق ناصری نیز بدون ذکر اسم قائل مثبت است و مرحوم مینوی در تعلیقات کتاب مذکور نوشته است(ص ۴۰۲) که قائل آن را نتوانسته است معلوم نماید. راقم سطور گوید که قائل آن بنا به قول صفدی در الوافی بالوفیات(۱: ۱۲۵) و سیوطی در بغیهٔ الوعاهٔ(ص ۹۳) محمد بن محمد بن احمد بن هیماه ابونصر رامشی نیشابوری است متولد در ۴۰۴ و متوفی در سنه ۴۹۰ بقول ایشان یا ۴۸۹ بقول یاقوت در معجم الادبا(۷: ۱۰۰) و عبدالغافر در منتخب سیاق(ص ۷۱) و مدفون بقول این اخیر در مقبره باب معمر در نیشابور، و این که این تغری بردی در النجوم الزاهرهٔ(۵: ۱۲۴) قائل آن را ابوالحسن علی بن فضال قیروانی متوفی سنه ۴۷۹ نوشته سهو قطعی مسلّم است، قبله:

ان تلقک الغربهٔ فی معشر   قد اجمعوا فیک علی بغضهم

فدارهم ما دمت البیت.

تذکرة الکحّالین

(۵۰۶۳)

آغاز این نسخه با نسخه قبل مطابق است.

انجام: «و ان یجعل مکافاتی علی قضاء حاجتک کثرة الدعا... والله نسأل ان وقفنا لدرک الاعراض الصحیحة و الالفاظ الفصیحة انه قریب مجیب».

بدنبال آن بلافاصله ساله اصول التراکیب است در ۴۸ ورق ایضا بزبان عربی از تألیفات نجیب الدّین ابوحامد محمّد سمرقندی(نام کتاب و نام مؤلف را در ورقه ملصق به این رساله نتوانسته‌اند معلوم نمایند) که به لحاظ این که یک نسخه از آنرا پیش از این ذیل معرفی یک نسخه از«الاطعمة المرضی» تحت رقم ۱۴۱۲۴ معرفی و توصیف نموده و ابواب و موضوعات آنها را نیز در آنجا مشروحاً بیان داشته‌ایم در این موضع از شرح ابواب این نسخه صرف‌نظر می‌نمائیم.

آغاز: «بسمله حمد له و بعد فان الواجب علی کل ذی لب ان یتقرب الی الله تعالی و یتوسل الیه بکل ما تیسر له»[1].

انجام: «اذا لم یرد شدة السواد».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر جمادی الثانی ۹۹۶، محل کتابت مدرسه جدید عبدالله بهادرخان، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهار مهره، ۱۷س، ۱۰۴گ رساله اوّل و ۴۸ برگ رساله دوم ۱۸/۵×۱۲، اندازه مسطر ۱۱/۳×۷/۲، جلد تیماج مشکی ساده، واقف خواجه شیر احمد بن عمید الملک تونی، (تعداد کتبی که این شخص وقف بر روضه منوره نموده دویست و سی و دو نسخه است).

---

[1] . مقدمه این نسخه با مقدمه نسخه موصوف در ذیل«الاطعمة المرضی» بکلی فرق دارد و مطابق است عینا با نسخه اصول الترکیب مذکور در تحت رقم ۱۳۹۸ و ما شاید این مقدمه را اندکی مشروح‌تر از حد معمول ذیل شماره مذکور بیاوریم.

تذکرۀ اولی الالباب(و الجامع للعجب العجاب)

(۱۰۷۱۰)

(عربی)

مؤلف آن شیخ داود مشهور به بصیر بن عمر الانطاکی الطّبیب الضریر نزیل قاهره است(متولّد در سنه ۹۵۰ بانطاکیه و متوفی در ۱۰۰۸ بمکّه) که در اطّلاع بر موضوعات و دقایق فنون پزشکی و کثرت احاطه بر اجزاء حکمت از جمله افراد و مشاهیر علمای عصر و در غالب علوم صاحب تألیفات و تصانیف بود و چنان ک هدر ترجمه احوالش از او نقل نموده‌اند زبان یونانی را نیز می‌دانست[۱]. اسامی عده‌ای از کتب او را محبی در خلاصۀ الاثر درج کرده، و غیر از این کتاب که اصلاً مفصل و مشتمل بر سه مجلّد بوده و بعد آنرا تلخیص در یک مجلّد نموده سایر تآلیف او عبارتست از: النزهۀ المبهجۀ فی تشحیذ الاذهان و تعدیل الامزجۀ، و الدّرۀ المنتخبۀ فی ما صح من الادویۀ المجربۀ، و غایۀ المرام فی تحریر المنطق و الکلام، و زینۀ الطروس فی احکام العقول و النفوس، و رسالۀ فی علم الهیئۀ و رسالۀ فی الحمام(آنرا باسم استاد بکری تألیف نموده) و کفایۀ المحتاج فی علم العلاج و نزهۀ الاذهان فی اصلاح الابدان و تزئین الاسواق و الفیه(در طب) و نظم قانونچه و شرح آن و شرح مسمی به الکحل النفیس

[۱]. ترجمه احوالش رد این مآخذ موجود است: شذرات الذهب(۸: ۴۱۵-۴۱۶) خلاصۀ الاثر(۲: ۱۴۰– ۱۴۹) و کواکب السائرۀ(۳: ۱۵۰) که هیچ مطلب تازهی‌ای در خصوص او ندارد و اطّلاعی که از او بدست می‌دهد فوق العاده قلیل است، و ناگفته نماند سال ۱۰۰۸ که ما نوشته‌ایم مستند است بکلی بقول صاحب خلاصۀ الاثر که احوال او را مفصّل‌تر از همه نگاشته و الاّ فوت او را در سنه ۱۰۰۵ و ۱۰۱۱ و ۹۵۰ و ۹۸۹ نیز نوشته‌اند.

لجلاء عین الرئیس بر قصیده عینیه ابن سینا(هبطت الیک من المحلّ الا رفع الخ)[1] و شرح قصیده سهروردی که باین مطلع است:

خدمت هیاکلها بجرعاء الحمی   وصبت لمغناها القدیم تشوقا

کتاب مشتمل است بر مقدمه‌ای در چند فصل در تعداد علوم مذکور در آن و بیان مکانت علم طب و چهار باب و خاتمه‌ای بشرح زیر:

– فی کلیات هذا العلم و المدخل الیه.

– فی قوانین الافراد و الترکیب و ما ینبغی ان یکون علیه من الخدمهٔ فی نحو السحق و القلی و الجمع و الافراد و المراتب و الدرج و اوصاف و الملین و المفتح و غیر ذلک.

– فی المفردات و المرکبات و ما یتعلق بها من اسم و ماهیهٔ و مرتبهٔ و نفع و ضرر و قدر و بدل و اصلاح مرتبا علی حروف المعجم.

– فی الامراض و ما یخصها من العلاج و بسط العلوم المذکورهٔ و ما یخص العلم من النفع و ما یناسبه من الامزجهٔ و ما له من المدخل فی العلاج.

خاتمهٔ– فی نکت و غرایب و لطایف و عجایب.

آغاز: «سبحانک یا مبدع مواد الکائنات بلا مثال سبق و مخترع صور الموجودات فی اکمل نظام و نسق».

---

[1] . شارح را قطعه‌ای است در اعتراض بر رای بوعلی در قصیده مذکور و در بیت چهارم آن می‌گوید:

تالله ما هبطت و لکن اهبطت   فبقسر او بالاختیار لمن یعی

و این قطعه مسطور است در خلاصهٔ الاثر(۲: ۱۴۳)، و مخفی نماناد که نام قائل قصیده راثیه در همان صفحه(بر یک ایها الفلک المدار) ابوعلی الحسین بن عبدالله بن یوسف بن شبل(ابن الشبل البغدادی) است مطابق با ضبط عیون الانباء(۳۳۳–۳۴۰) و نزههٔ الارواح(نسخه رضویه ۲b f.۲۵) و معجم الادباء یاقوت ۴: ۳۸ و این که در آنجا اسم قائل ابوعلی الحسین ابن سطر ثبت شده سهو قطعی است.

انجام: «و ان قربت له قربانا من حیواناتیه(کذا) فتح منح(کذا) الشمس».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، صفحه آخر نونویس، جداول اوراق و عناوین بشنگرف و برخی بزنگار، کاغذ نخودی روشن، جلد تیماج ضربی مشکی، محل کتابت ظاهراً مکه مکرمه، ۲۹س، ۴۲۲گ ۱۵/۵×۳۰/۵، واقف محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۰.

۸۹

تذکرۀ اولی الالباب

(۲۲۷۵۶)

آغاز موجود: «بسمله الباب الرابع من ابواب التذکرۀ فی تفصیل احوال الامراض الجزئیه».

انجام: «و ما عداه تطویل بلافایده».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۰۳، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، ۲۱س، ۱۰۹گ ۱۵×۲۱، جلد تیماج دو رویه، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۹۰

تذکرۀ اولی الالباب

(۹۴۴۲)

این نسخه به حرف یاء از باب دوم خاتمه می‌یابد.

انجام: «ینمو به من الهندباء او نبات... یلصق الجراحات».

کتابت بقلم نسخ و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد روغنی مستعمل، ۲۷س، ۲۴۰گ، ۱۷×۲۹، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۴۵.

۹۱

تذکرة اولی الالباب

(۵۰۵۳)

نسخه کامل است.

انجام: «ما تدعو الحاجة الیه من هذه الصناعة و ما عداه فتطویل بلا فایده».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۷ صفر ۱۱۹۰، کاغذ شکری، عناوین بشنگرف، جلد تیماج مشکی ساده، ۲۸س، ۲۵۳گ ۲۰×۲۹، وقفی نادرشاه در سنه ۱۱۴۵.

۹۲

تذکرة اولی الالباب

(۱۵۶۸۲)

این نسخه ناقص است.

آغاز موجود: «بالخصوص ذاک مخصوص».

انجام موجود: «حتی تناول بشبع کالاطریفال».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین و جداول بشنگرف، کاغذ نخودی، اوراق آب دیده و اواخر نسخه فوق العاده ضایع شده، ۲۳س، اندازه اوراق ۲۰×۲۱/۵، بدون جلد، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۹۳

تذکرة اولی الالباب

(۱۵۶۸۱)

این نسخه دنباله بلافاصله مذکور در فوق و به خط کاتب همان نسخه است.

آغاز: «بسمله الباب الرابع من ابواب التذکرة فی تفصیل احوال الامراض الجزئیه».

انجام موجود: «اللهم انی اسئلک یا الله بکل اسم هو لک... و انزلته فی شیء من کتابک او علی نبی».

نسخ، کاتب محمد سعید بن حاج عبداللطیف الرجبی، عناوین و جداول بشنگرف، ۲۸۴گ، جلد تیماج مستعمل، بقیه مشخصات عیناً برابر است با نسخه موصوف ذیل شماره قبل.

۹۴

ترقیق الاسل لتصفیق العسل

(۵۰۶۰)

(عربی)

کتابی است از ادیب و لغوی مشهور مجدالدّین ابو طاهر محمد بن یعقوب الفیروزآبادی(۷۲۹-۸۱۷ در زبید از بلاد یمن) صاحب یک عده از نفایس کتب نظیر سفر السعادة در احادیث نبوی و الاشارات الی ما فی کتب الفقه من الاسماء و الاماکن و اللغات و بصائر ذوی التمییز فی لطائف الکتاب العزیز و نزهة الاذهان فی تاریخ اصبهان و البلغه فی تاریخ ائمه اللغه و القاموس المحیط که معروف‌ترین کتاب اوست، و آن مخصوص است به تحقیق در باب معنی عسل که آیا رضاب است(آب دهن، کفک شهد) یا لعاب(انگبین، آب دهن که روان باشد) یا ونیم است(پیچال مگس) یا نسیل(انگبین گداخته) و یا بلَل(شهد درخت)[1] و مفصّل است بر پنج فصل بتفصیل ذیل:

[1] . ترجمه فارسی الفاظ مذکور بعلت عدم دسترسی به مآخذ دیگر مأخوذ است از منتهی الارب.

فصل اول– در بیان معنی این آیه کریمه از سوره نحل در خصوص امتیاز و فضل شأن عسل(و اوحی ربّک الی النّحل ان اتّخذی من الجبال بیوتاً و من الشّجرِ و ممّا یعرشون ثمّ کُلی من کلّ الثّمرات فاسلکی سُبل ربک ذللا یخرج من بطونها شراب مختلف الوانه فیه شفاء للنّاس انّ ذلک لایهٔ لقوم یتفکّرون).

فصل دوم– در ذکر احادیث شریفه در باب فوائد و منافع و علل فضل آن بر سایر اشربه.

فصل سوم– در بیان بنا و اشتقاق لغوی عسل و اسامی دیگر آن[۱].

فصل چهارم– در ذکر اقاویل حکما و اطباء در خصوص عسل.

فصل پنجم– در بیان فوائد متفرقه و اشعار متناسب با موضوع.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی شفا صدرنا من العلل و کفی صدرنا بالعسل».

انجام: «و الباب واسع لایمکننی استغراق الزمان فیه لکونی بصدد ما هواهم من ذلک وفق الله الکریم لاتمامه کما وفق لاتمام هذا بمنه و انعامه».

بلافاصله بعد از آن دو رساله است بزبان عربی ایضا از تألیفات فیروزآبادی یکی موسوم به(حاصل کورهٔ الاخلاص فی فضایل سورهٔ الاخلاص در چهار ورق و دیگری مسمی به تحفهٔ الابیه فیمن نسب الی غیر ابیه در هفت ورق.

آغاز کورهٔ الاخلاص: «بسمله الحمدلله مخصص عباده الخواص باخص الخصائص و انصّ الاختصاص».

---

[۱] . در یک موضوع از کتاب مؤلف می‌گوید: «قسمیت العسل اصبهانیهٔ لکثرتها بها و بجودتها... و عن محمد بن عبدوس الطحان الفقیه انه قال قال لی ابن زغبهٔ بمصر یا اهل اصبهان ان سهلکم زعفران و جبلکم عسل و لکم فی کل ذراعین ماء عذب فقلت کذلک بلدنا فقال لا اصدق هذا هذه الجنهٔ بعینها و روی ان الحجاج ولّی علی اصبهان و هزاد بن یزداد الانباری و کان ابن عم لکاتبه زاد انفروخ المجوسی فکتب الی الحجاج یسأله نظراً لاهلها ببعض خراجهم فکتب الیه الحجاج جوابا هذه نسخته: بسم الله الرحمن الرحیم اما بعد فانی استعملتک یا وهزاد علی اصبهان اوسع المملکهٔ رقعهٔ و عملا و اکثرها خراجا یعد فارس و الاهواز و ازکاها ارضا حشیشها الزعفران و الورد و جبلها الفضهٔ و الاثمد و اشجارها الجوز و اللوز و الکروم الکریمهٔ و الجلوز و الفواکه الغذیهٔ طیرها عوامل العسل و ماؤها فرات و جلّها الماذیانات الجیاد الخ، و کانت الخلفاء یختارون علسها علی عسل جمیع البلدان».

انجام: «و هذا معنی قرب المطلق فی کتاب الله تعالی و سنهٔ نبیه صلی الله علیه و سلم».

آغاز تحفهٔ الابیه: «بسمله الحمدلله عدد خلقه و زنهٔ عرشه و رضی نفسه و مداد کلماته».

انجام: «و فیه ست لغات مشهورات تثلیث النون مع الهمزو و ترکه».

نسخ، کاتب رساله اول نامعلوم و کاتب دو نسخه اخیر محمد بن محمود بن محمد الکازرونی، رساله اول مشکول و تاریخ تحریر آن اواخر قرن هشتم و دو رساله اخیر قرن نهم، کاغذ حنائی، انـدازه مسـطر ۱۸/۵×۹/۵، فصول و آیات قرآنی، بقلم ثلث، جلد تیماج زرشکی با سجاف مشکی، نسخه مقابل شده، ۲۱س، ۴۷گ ۱۲×۲۱/۵، واقف ابن خاتون(سجع مهر واقف: یا اسدالله غلام توام این شرفم بس که بنام توام)، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۹۵

تریاق فاروق

(۵۰۸۱)

(عربی)

کتاب مفصّلی است مشتمل بر ۲۵ باب در شرح کیفیت ساختن تریاق فاروق Thebaic electuary و بیان خواص طبی آن براساس اقوال فحول علمای علوم گیاهی و اطبای متقدّم از قبیل دیسقوریدوس و جالینوس و رازی و ابن سینا و ابن جلجل و ابن بیطار و ابن جمیع و ابن سمحون و ابن ماسویه و ابن التلمیذ و ابن الصوری و غافقی و اسحق بن عمران و زهراوی و غیره و غیره.

نام مؤلف با فحص بلیغی که در نسخه بعمل آمده مع الاسف معلوم نشد، امّا از قراری که در یک موضع در اواخر کتاب ابن الصّوری را(رشیدالّدین بن ابی الفضل بن علی، متولد در سـنه ۵۷۳ و متـوفی در

۶۳۹) از معاصرین خود ذکر می‌کند پس معلوم می‌شود از این فقره که مؤلف از اطبا و علمای نیمه دوم قرن ششم و نیمه اول قرن هفتم بوده است، و ما بجهت این که از این کتاب که علی العجاله مجهول المؤلف و الاسم باقی ماند در این موضع معرفی کاملی بعمل آورده باشیم ذیلاً عناوین کلیه ابواب آنرا بتفصیل درج می‌نمائیم تا هر کس به نسخه کامل آن دسترسی داشت فی الفور بتواند در کمال سهولت نام کتاب و نام مؤلف آنرا معلوم نماید.

فهرست عناوین ابواب

- فی شرح اسمه(ای اسم تریاق) و رسمه و کیف سمی بهذا اللاسم اعنی التریاق و لقّب بالفاروق و المخلّص.
- فی شرف التریاق و عموم نفعه بطریق کلی.
- فی بیان الحاجهٔ و السبب الموجب.
- فی السبب المرشد الی تألیفه.
- فی ذکر طبقات الحکماء و المؤلفین له واحداً بعد واحد و اسمائهم و اعمارهم و مابینهم من التواریخ و عددهم و طبقاتهم و رتبتهم.
- فی ذکر من زاد فی التریاق و من نقص.
- فی کیفیهٔ ترکیبه من کلام جالینوس.
- فی ترکیبه فی کلام المتأخرین.
- فی کیفیهٔ ترکیب الاندروحون و مقدار ما یستعمل منه.
- فی صنعهٔ اقراص العنصل.

- فی کیفیهٔ عمل اقراص الافاعی التی هی له کالارکان و المفردات و ما المقدار المستعمل من تلک الاقراص.

- فی وصف الحیات و ذکر اجناسها و لحومها و ما الذی ینبغی ان یستعمل منها و ما الذی ینبغی ان یتقی.

- فی ماهیهٔ ادویهٔ المفردهٔ و قواها و امزجتها و ضافعها و صفاتها و هیاتها و طعومها و روایحها و اختیار الجید منها و اشکالها و مواضعها و وقت اختیارها بطریق کلی.

- فی الکلام علی کل واحد من ادویهٔ المفردهٔ و ماهیته و مزاجه و طعمه و رایحته و قوته و فعله و منفعته و شکله و موضعه و اختیاره و وقت اختیار اخذه(بترتیب حروف معجم).

- فی الابدال لما یبدل من ادویهٔ عند فقده بماذا یبدل و مقدار المبدل و المبدل منه.

- فی الخلاف و الغلط الواقع فی مفرداته و ذکر ما یغلط فیه و یغش.

- فی ذکر ما وقع فیه من الاختلاف فی ترکیبه و کیف وقع و من خالف فیه.

- فیما وقع الناس فیه فی ترکیبه من الغلط و کیف وقع[1].

- فی ذکر سبب وقوع الغلط فی التریاق و الخلاف فیه و کیف وقع.

- فی تعلیل وضع مفرداته.

- فی تعلیل اوزان الادویهٔ و لحم جعل بعضهاً کثیراً و بعضها قلیلا و بعضها متوسط.

- فی صفهٔ امتحانه و معرفهٔ ما هو الفاضل منه و اللون المطلوب فیه.

- فی منافعه الجزئیهٔ و مقدار الشربهٔ المستعملهٔ فی مرض مرض و کیف یستعمل.

[1]. از این موضع تا آخر شش باب بعد اوراق در جای خود نیست.

– فی زمان الذی یعمل فیه التریاق.

– فی المکان الذی یعمل فیه التریاق.

– فی انیهٔ التریاق و انیهٔ اقراصه و مفرداته.

– فی مدهٔ عمره و ایّ وقت یقوی و ایّ وقت یضعف و ایّ وقت تنسلخ عنه صورهٔ التریاقیهٔ و یبقی کبعض المعاجین.

– فی اختصاصه بهذه المنافع دون سائر المرکبات هل ذلک بالکیفیهٔ ام بصورته النوعیهٔ و الخاصیهٔ.

– فی صفهٔ دون ادویهٔ و حلّها و خلطه و تخمیره و عجنه و مدهٔ ذلک.

– فی مقدار وزنه وزنهٔ کل واحد من ادویهٔ و عددها و السبب الموجب لزیادهٔ التأثر فیه و النقصان و هل یمکن ان یزاد فیه او ینقص اذا حفظت نسبهٔ مقادیره و ادویته و عددها بعضها عند بعض ام لا.

– فی التشکیک علی التریاق و الجواب عنه.

– فی مزاج التریاق کم ذا یکون فی درجته[۱].

– مصنفیها و مقدار حجمها[۲].

---

[۱] از آخر این باب تا آخر سه باب بعد جای اوراق عوض شده است.

[۲] . این باب را بعلت این که مراجع مؤلف در آن ذکر شده و دارای اهمیت خاص است عیناً باختصار نقل می‌نمائیم:

«و قد کان شعار ترتیبنا فی هذه المقالهٔ ان نجعل کلام الفاضل جالینوس اول کلّ کلام و نتلوه بکلام دیسقوریدوس فکذلک قدّمناها هنا اولا ذکر کتبه فمنها الکتاب المشهور المعروف بکتاب الادویهٔ لجالینوس و هو مقالتان و مقدار حجم هذا الکتاب بالتقریب ثمان کراریس تقطیع ربع الورق البغدادی ترجمه حنین و منها کتابهٔ فی التریاق ایضا و هو مقالهٔ واحدهٔ کتب بها الی رجل یقال له قیمولیانس ذکر حنین بن اسحق فی الفهرست الذی اثبته لما وجود من کتب جالینوس انه لم یجد بهذه المقالهٔ الا نسخهٔ واحدهٔ یونانیهٔ فترجمها الی السریانی ثم ان عیسی بن یحیی تلمیذه ترجمها الی اللسان العربی و اصلحها عبدالله بن اسحق المعروف بابی سهیل(کذا) و مقدار حجم هذه المقالهٔ تقریب کراس واحد و منها کتابه فی الادویهٔ المفردهٔ ترجمهٔ حنین یشتمل علی احدی عشرهٔ مقالهٔ و مقداره یکون خمسهٔ و عشرون کراسا تقطیع ربع ورق البغدادی و منها کتابه فی التریاق و مقدار حجمه ثلاث کراریس قطع ربع البغدادی تقریبا و منه کتاب دیسقوریدوس فی قوی الادویهٔ المفردهٔ لم یکن فی الادویهٔ کتاب افضل منه و مصنفه امام هذا الفن و صاحب السبق فی الکشف عن اسرار المفردات و تعریف قواها و صفاتها و مقدار حجمه بالتقریب ثلاثون کراسا و منها کتاب حنین بن اسحق و منها کتاب یحیی النحوی فی التریاق و مقدار حجمه نحو اثناعشر کراسا التمیمی فی التریاق مقدار حجمه عشرون کراس و منها کتاب ابن الصوری و هو من المتاخرین من اهل عصرنا فی علم النبات و مقدار حجمه عشرون کراسا و منها کتاب الجامع لابن بیطار

– فی ذکر الخطب التی فی اوائل الکتب المنقولة منها هذه المقالة قد اردنا ذکر هذه الخطب لانها یعرف منها مقاصد تلک الکتب.

– فی کیفیة ترکیب النسخة التی اخترناها من نسخ اندروماخس(ناقص).

آغاز: «بسمله... جعل بدنه اشرف الابدان و الهمه... و نبات حیوان والصلوة... سید ولد عدنان الخ»

(کاتب در هر سطر از صفحه اول یکی دو کلمه را ننوشته و ما جای آنها را با نقطه نشان داده‌ایم).

انجام موجود: «اذ کان فی لطیف ماذرا و بدیع».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، کاغذ حنائی، عناوین ابواب بشنگرف، ۲۱س، ۳۰۳گ ۱۷×۳۱، جلد تیماج ضربی دورو، واقف نادرشاه افشار، تاریخ تحریر ۱۱۴۵.

۹۶

تسهیل المنافع

(۵۰۵۲)

(عربی)

رحمه الله مقدار حجمه اربع مجلدات کل مجلد خمسة و عشرون کراسا فاخذنا منه ما کان یتعلق بغرضنا فی هذه المقالة و منها کتاب ابن سینا المعروف بالقانون و منها کتاب الزهراوی تقلنا منه ایضا ما یتعلق بغرضنا فی هذه المقالة و مقدار حجمه نحو عشر مجلدات کل مجلد عشرون کراسا و منها کتاب ابن وافد فی الادویة مجلدین کل مجلد عشرین کراسا و منها کتاب فی الادویة المفردة للغافقی نحو ثلاثون کراسا و منها کتاب لابن جمیع الاسرائیلی اربع مقالات تقلنا من الرابعة ما یتعلق بغرضنا و هو مجلدین مقدار کل مجلد عشرین کراسا و منها کتاب مسائل حنین و منها شرح هذا الکتاب لابن ابی صادق فی مقدار حجمه ثلاثین کراسا و منها کتاب الابدال لابن الجزار مقدار حجمه کراس واحد و کذلک الابدال من الحاوی مقدار حجمه نصف کراس و منها کتاب الملکی مقداره اربع مجلدات کل مجلد نحو خمسة و عشرین کراسا و منها اقرابادین سابور مقدار حجمه نحو خمسة عشر کراسا و منها اقرابادین ابن سمحون مقدار حجمه خمسة عشر کراسا و منها اقرابادین لامین الدوله بن التلمیذ مقدار حجمه نحو اثناعشر کراسا و منها کتاب مجربات ابی العلا بن زهر فهذا فهرست هذا الکتب و طبقاتها و مقادیرها و هو کالدستور الذی یرجع منه الی تلک الاصول» انتهی باختصار.

تألیف ابراهیم بن عبدالرحمن بن ابی بکر الازرقی مذکور در کشف الظنون ذیل حرف تاء است و مبتنی است در درجه اوّل کتاب الرّحمهٔ تألیف حکیم المقری مهد الصّنبری و کتاب شفاء الاجسام تألیف جمال الدّین محمّد بن ابوالغیث الکرمانی[1](که در همه مواضیع از او به لفظ شیخنا تغبیر می‌کند) و پس از این دو در درجه دوم بر کتاب اللّقط از تآلیف ابن جوزی و کتاب برء السّاعه از تصانیف محمد بن زکریای رازی و شرح صحیح مسلم از محیی الدّین النووی و تفسیر بغوی و رساله حکیم ماردینی و غیـره، و منقسم است بر پنج قسم بشرح مذکور در ذیل:

القسم الاول: فی اشیا من علم الطبیعهٔ و الامر بالتداوی.

القسم الثانی: فی تفسیر الحبوب و طبایع الاغذیهٔ و الادویهٔ و منافعها.

القسم الثالث: فیما یصلح للبدن فی حال الصحهٔ و فی اثناء ذلک احادیث تتضمن الطب عـن المصـطفی صلی الله علیه و سلّم و اشیاء من وصایا الحکما.

القسم الرابع: فی علاج العلل الخاصهٔ بکل عضو مخصوص من اعضاء الجسد.

القسم الخامس: فی علاج الامراض العامهٔ المنتقلهٔ فی البدن و غیر ذلک من العزائم و الرّقا و المنـافع و نذکر ذلک مختصرا و مبسوطا بضرب من الفائدهٔ... و کل قسم منها یشتمل علی فصول و ابواب.

آغاز: «بسمله الحمدلله المتعالی عن الانداد المقدس عن الاضداد... اما بعد فان الطب علی عظم نفعـه و قدره و علی شرفه و فخره و اشهر ذکره و فضله و ثبت فی الشرع اصله و شهد بصحته الکتاب و السنهٔ و اجمع علی ذلک کافهٔ الامهٔ».

---

[1] . کذا صریحاً واضحا در دو موضع از اوراق اوائل نسخه، ولی در کشف الظنون ذیل حرف شین«کمرانی» دارد بجـای ایـن کلمـه و شـاید محـرف باشد.

انجام: «و من همزات الشیاطین ان یحضرون و من نفثهم هذا الغلام او هذه الامۀ او هذه الدابۀ اصق(کذا) من حمل حلدا(کذا) انتهی، تم الکتاب».

نسخ سه دانگ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن نهم و اوائل قرن دهم هجری، کاغذ مصری(اسیوط)، کتیبه بسفیداب محرر در زمینه زر ولاجورد، دارای یک شمسه کوچک ظریف در کنار کتیبه مستطیلی، جداول اوراق به لاجورد و سرخی، اندازه جدول ۱۲/۲×۲۱، عناوین بخط ثلث بسیاهی و لاجورد و شنگرف، نسخه در سنه ۱۱۰۸ در ملکیت نعمۀ الله بن عبدالرحیم اللاهوری بوده و بموجب یادداشتی دیگر«ثم صار من خزانۀ مولانا... و خلیفۀ عصرنا امام الحق و واجب الطاعۀ علی الخلق امیرالمؤمنین و سید المسلمین الهادی الی الله محمد بن امیرالمؤمنین المهدی لدین الله... هدیۀ، من مالکه مملوک امیرالمومنین بتاریخ شهر[ذی] القعدۀ الحرام سنه ۱۱۰۹» و در یادداشتی دیگر«... پیشکش پادشاه والاجاه یمن که بتاریخ ۸ شهر ربیع الثانی ۱۱۱۱ در کتابخانه جدیدی سرکار ابوابجمعست»، ۱۹س، ۱۹۵گ ۲۱×۳۰، جلد تیماج مشکی ساده، از سنه ۱۱۵۴ داخل عرض شده، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۹۷

تشریح(رساله در...)

(۱۰۶۳۸)

(فارسی)

مختصری است از یکی از اطبای متأخر در تشریح بدن انسان در دو مقاله، یکی در اسباب مادی صحّت مشتمل بر چهار باب(در ارکان[اصول، عناصر، اسطقسات]، در روح، در اخلاط، در اعضا[در مقدمه و دو فصل])، و دیگر یعنی مقاله دوم در اسباب صوری صحّت در دو باب(در مزاج، در قوی و افعال).

آغاز: «بسمله حمدله... اما بعد قال النبی(ص) العلم علمان علم الابدان و علم الابدان مقدم داشت علم بدن را».

انجام: «و مناسب جوانان محروری باشد والله اعلم».

بلافاصله پس از آن قانونچه چغمینی است بخطی مغایر در ۵۲ ورق که از آن نسخ متعددی را در این کتاب معرفی نموده‌ایم.

شکسته نستعلیق، کاتب تشریح محمد بن محمدرضا الخوانساری، و تاریخ تحریر آن صفر ۱۳۱۴، تاریخ تحریر قانونچه نیز حدود همین سال، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری(نسخه اخیر آبی)، ۱۱س(کتاب اخیر ۱۲س)، ۷۹گ(۵۲+۲۷) ۱۰×۱۶، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف دکتر محمد زهرائی، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۵۰.

۹۸

تشریح البدن(تشریح منصوری)

(۸۷۴۲)

(فارسی)

مختصری است در تشریح اعضاء بدن انسان از تألیفات منصور بن محمد بن یوسف بن الیاس مذکور در ذیل«اختیارات بدیعی» تحت رقم ۵۰۳۵ و«کفایه مجاهدیه» بشماره ۵۱۳۴ که بجهت ضیاء الدّین

امیرزاده پیر محمد بن جهانگیر(مقتول در سنه ۸۰۹) نوه تیمور و داماد شاه شجاع مظفّری تألیف شده و مشتمل است بر مقدمه و پنج مقاله و خاتمه‌ای بشرح زیر:

مقاله اوّل– در عظام.

مقاله دوم– در عصب.

مقاله سوم– در عضلات.

مقاله چهارم– در اورده.

مقاله پنجم– در شرائین.

خاتمه– در ذکر اعضاء مرکّبه.

آغاز: «بسمله شکر و سپاس پادشاهی را سزد و حمد و ثنای بی‌قیاس خالقی را رسد».

انجام: «یفعل الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید».

بدنبال آن الفیه ابوالعباس احمد بن رسلان است در موضوعات مختلف فقه و اصول در سه ورق.

آغاز: «

بسم الله الرحمن الرحیم الفتاح العلیم الکریم

الحمدلله ذی الجلال و شارع الحرام و الحلال»

انجام موجود: «و ما سوی هذا من الاکام فرض کفایهٔ علی الانام».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم، عناوین مقالات به شنگرف، جلد مقوا، ۲۴س، ۷گ ۱۷×۲۵، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف شهریور ۱۳۳۸.

۹۹

تشریح البدن

(۱۴۵۱۷)

نسخه کامل و مذیّل است به رساله معیار العقول منسوب به شیخ الرئیس ابوعلی سینا[1] ایضا بزبان فارسی که مشتمل بر پنج بابست و باهتمام مرحوم جلال الدّین همائی تغمده الله بغفرانه بطبع رسیده و متن مطبوع در مقایسه با این نسخه اندکی مفصّل‌تر است.

کتابت نسخه اوّل نستعلیق و نسخه دوم نسخ، کاتب علی اکبر بن بنت آقا سیدعباس بن سید محمد مجاهد و ابن سید عبدالحسین بن سید محمد صادق بن سید مهدی بن سید منصور، تاریخ تحریر ۱۳۰۹، محل تحریر قزوین(در منزل سید حسین نوه حاجی سید جواد داماد سید محمد مجاهد)، کاغذ فرنگی، ۱۹س، ۳۴گ ۱۶/۵×۲۱، جلد تیماج یک لا، واقف سید محمدباقر سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۱۰۰

تشریح البدن

(۶۸۷۴)

نسخه کامل است و منضم است به«ترجمه تقویم الابدان» تحت رقم ۶۸۷۱.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۶۱، کاغذ شکری، عناوین بشنگرف، دارای پنج تصویر در تشریح استخوانها و غیره، مختلف السطور، ۳۰گ ۲۰×۳۰، واقف درة السلطنه ملک‌زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

[1] . نام مؤلف و نام کتاب در هیچ کجا نه در دفاتر ثبت کتب خطی کتابخانه و نه در ورقه ملصق به نسخه(اتیکت) و نه در خرد نسخه ابداً مسطور نیست.

۱۰۱

تشریح البدن

(۵۰۶۷)

چند ورقی از ابتدای این نسخه ساقط است.

آغاز موجود: «و ابن زکریا و شیخ ابوعلی سینا عند التحقیق منافات نیست».

نستعلیق، کاتب محمد زمان، تاریخ تحریر ۱۲ رجب ۱۰۴۲، جای عناوین همگی بیاض، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۶س، ۷۹گ ۱۰×۱۷، وقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۰۲

تشریح البدن

(۱۴۶۷۸)

مقدمه کتاب را کاتب ننوشته و مصدّر است به رساله اوصاف الاشراف و جبر و تفویض و رساله اصطلاحات عبدالرزاق کاشانی.

آغاز موجود: «این رساله مشتمل است بر مقدمه و پنج مقاله».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۶ ذی قعده ۱۲۶۵، کاغذ شکری آهار مهره، ۲۰س، (جمعاً ۱۳۴گ) ۱۰/۵×۱۷، جلد تیماج قهوه‌ای یک لا، واقف سید محمد باقر مولوی سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۱۰۳

تصحیح ادویه قرابادین

(۵۱۵۲)

(فارسی)

مختصری است در تصحیح برخی از ادویه مذکور در قرابادین حکیم شفائی.

آغاز: «اسارون بیخ گیاهی است و بعضی میگویند بیخ سنبل رومی است».

انجام: «حب قلقل تخم نادرشتی حب الزلم تخم کنگر».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بسیاهی، ۲۱س، ۱۰گ ۱۲×۱۹/۳، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف زین العابدین خادم اصفهانی، تاریخ وقف رجب ۱۱۶۶.

۱۰۴

التّصحیح و التّوضیح

(۵۰۷۴)

(عربی)

کتابی است مشتمل بر اوّلاً تصحیح الفاظ مغلق و عبارات و کلمات مبهم، و ثانیا توضیح معانی و مقاصد و اغراض غامض کتاب دوم قانون ابن سینا به بعد[۱]، از تألیفات ضیاء بن بهاء الشّجاعی از اطبای قرن هشتم که آن را با به تقریر خود در مقدمه کتاب بعد از سنه ۷۳۳ یعنی بعد از ایّام دولت«شهاب الدّولة و

[۱]. تصحیحات را مؤلف به لفظ«تصحیح» و توضیحات را به لفظ«توضیح» و در صورت جمع هر دو به«تصحیح و توضیح» مشخص و متمایز نموده و همین است علّت تسمیه کتاب به«التصحیح و التوضیح»، مع ذلک کلمه در ورقه ملصق به نسخه(شناسنامه، اتیکت) و دفاتر ثبت کتابخانه و سایر مواضیع نام آنرا حاشیه بر قانون نوشته‌اند.

الدّین قتلغ تیمور»[1] به شروح قانون از قطب الّدین رازی و فخرالدّین رازی و ابن النفیس(فقط یک جزو از اجزاء شرح این اخیر را در دست داشته) تألیف و بنام«ابی المظفر غیاث الدّولهٔ و الدّین محمد سلطان بیردی بیک خان» موشّح نموده است[2].

آغاز: «بسمله الحمد لمبدع الجواهر القدسیهٔ المؤلفهٔ بالاجسام الحسیهٔ من الابدان الانسیهٔ ملهم النفوس من علم الکتاب غوامض العلوم المبراهٔ عن الخطا المؤسسهٔ علی الصواب منها علم الابدان المقدم علی علم الادیان بالطبع».

انجام: «و ملّکه فی الملک النواحی کلها   بتدبیر ذی باس و رأی مسدّد»[3].

---

[1]. این قتلغ تیمور را خیال می‌کنم همان پسر تیمور ملک باشد که از خواقین آق‌اورده بوده و در یورش اوّل امیر تیمور به دشت قبچاق ملازمت او را داشته و در سنه ۸۰۲ در گذشته و بنابراین محمّد سلطان مذکور در دو سه سطر بعد در متن نیز البته هیچ کس نمی‌تواند باشد جز همان پسر تیمور سلطان بن قتلغ تیمور مذکور که در سال ۸۳۱ بپادشاهی نشسته و در سنه ۸۳۴ بخوارزم لشکر کشیده و مقر حکومتش شهر قرم بوده است. تا اینجای مطلب ظاهراً هیچ اشکالی ندارد اما چیزی ک در این میان یک قدری محل تأمل می‌شود طول عمر مؤلف است بنحو خارج از عادت که اگر فرض کنیم در سنه ۷۳۳ وی مردی بوده است بالغ مبلغ رجال(لااقل بیست تا بیست و پنج ساله) و لایق درک صحبت و حضور در مجالس درس و بحث ائمه علوم پزشکی و از آن طرف نیز باز اگر فرض کنیم که کتاب خود را به اقلّ تقدیرات در همان سنه ۸۳۱ تألیف و بنام محمّد سلطان موشّح نموده یعنی بکلّی در همان سال جلوس او بر اریکه سلطنت در این صورت سنین عمر او چیزی در حدود صد و بیست سال خواهد شد و تازه این سال کمترین سنین است بجهت عمر او؛ پس لابد با قتلغ تیمور و محمّد سلطان مذکور در کتاب ما نحن فیه بکلّی غیر از این دو نفری هستند که ما نوشته‌ایم و یا این که این موضوع نیز مانند صدها موضوع دیگر که مشمول حکم استثناست از قضا صحت دارد و مؤلف واقعاً بچنین مبلغی از عمر رسیده و از جمله معمرین بوده است و الله اعلم بحقیقهٔ الحال.

[2]. مؤلف چنان که در تصاعیف کتاب دیده می‌شود مردی ادیب بوده و شعر نیز می‌سروده چنان که در تعریف از قانون ابن سینا در مقدمه آن گفته است:

کتاب لعمری قد تصدی لجمعه	رئیس اولی الالباب راس الافاضل
افاض علی الطّلاب کلّ فضیلهٔ	فآض ینال المبتغی کلّ فاضل
و روّی عطاش الحق من مشرب النهی	بماء حیوهٔ لم تکدّر بباطل
اراح بقانون العلاج نفوسهم	و ابدانهم من معضلات الرذائل
اذا کانت الابدان صحّت طباعها	تعم لها الابدان کلّ الفضائل
فلله درّ الشیخ اذ تمّ جمعه	لقانونه اشتات کتب الاوائل
اشاراته فیها الشفاء معجّل	و فیه نجاهٔ للنّفوس العلائل

[3]. نسخه باینجا خاتمه می‌یابد امّا ظاهراً مطلب ادامه دارد(چند بیت دیگر).

نسخ درشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر زمان حیات مؤلف، کاغذ نخودی، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد(دو صفحه افتتاح به طلا و تحریر و لاجورد)، اندازه جدول ۱۱/۵×۱۷/۵، عناوین بشنگرف، جلد میشن زرشکی دو لا با جداول زرین، دارای دو سر لوح مستطیلی بطلا و کتیبه بسفیداب محرّر یکی در ورق اول و دیگری در ورق پنجم با نام ممدوح در هامش این ورق اخیر بقلم زر محرّر، صفحه ابتدا دارای شمسه طلا با کتیبه ایضا بسفیداب محرّر در سه سطر با این عبارت: «برسم خزانة السلطان المعظم و الخاقان الاعظم غیاث الدولة و الدین محمد سلطان بردی بیک خان خلد ملکه»، ۳۱س، ۶۰گ ۱۷×۲۴، وقفی نادرشاه افشار در سنه ۱۱۴۵.

۱۰۵

تعالیم

(۵۰۵۸)

(عربی)

کتابی است جامع و مبسوط و در ترتیب و توالی موضوعات طبّی کاملاً منطبق بر قوانین منطقی که مؤلف[۱] آن را براساس کتب بقراط و جالینوس و ابن سینا و ابن نفیس و نجیب الّدین محمد بن عمر سمرقندی در چهار تعلیم بتفصیل مذکور در زیر تصنیف نموده و مطابق با تقریر خود او در ورق اخیر نسخه در هفتم رجب سنه ۷۶۱ در مدرسه«الامیر الکبیر السعید الشهید... شیخو» باتمام رسانیده است.

فهرست تعالیم

[۱] . نام مؤلف را نوشته‌اند که محمد بن علی بن عبدالله بن احمد مشهور به زین العرب است(یعنی در ورقه ملصق به نسخه[«شناسنامه»] و فهرست الفبائی کتب خطی و دفاتر ثبت این کتابخانه) ولی این مطلب پادراهوا و توهّم محض است و محمد مذکور که پسر زین العرب علی بن عبدالله شارح قانون است فی الواقع کاتب نسخه است و نام کتاب را هم که تعالیم المصری(کذا) نوشته‌اند مؤسس بر هیچ اساسی نیست.

تعلیم اوّل:

فی کلیات جزئی الطّب العلمی و العملی، مشتمل بر دو مقاله:

الف) مقاله اول: فی القسم النّظری، شامل چهار فن بشرح زیر:

۱. فی بیان حدّ الطب و الامور الطبیعیهٔ.

۲. فی حدّ الصحهٔ و المرض و اجناسه و اوقاته.

۳. فی الاسباب.

۴. فی العلامات.

ب) مقاله دوم: فی القسم العملی، مشتمل بر مقدمه و سه باب و خاتمه از این قرار:

۱. فی تدبیر المولود و معالجهٔ امراض الاطفال.

۲. فی تدبیر الاسباب السّتهٔ الضروریهٔ و ما یتصل بها و تدبیر الفصول و تدبیر المشایخ و تدبیر المسافرین.

۳. فی معالجات المرضی بقول کلی.

تعلیم ثانی:

فی الاغذیهٔ و الاشربهٔ، مشتمل بر دو جمله:

الف) جمله اول: فی الاغذیهٔ و الاشربهٔ شامل دو باب بشرح زیر:

۱. فی الاغذیهٔ.

۲. فی الاشربهٔ و ما یتصل بها.

ب) جمله ثانی: فی الادویهٔ المفردهٔ و المرکبهٔ شامل دو قسم باین شرح:

١. فی الادویهٔ المفردهٔ علی ترتیب حروف ابی جاد.

٢. فی الادویهٔ المرکبهٔ(اقراباذین)، مشتمل بر دوازده باب از قرار تفصیل ذیل:

١. فی بیان امور بحسب استحضارها عند ترکیب الادویهٔ.

ب) فی الجوارشات و المعجونات.

ج) فی الحبوب المسهلهٔ و غیرها و الایارجات.

د) فی المطبوخات و النّقوعات.

هـ) فی الحقن و الشیافات و الفرازج.

و) فی اللعوقات.

ز) فی الاقراص.

ح) فی السفوفات.

ط) فی الاضمدهٔ و الاطلیهٔ.

ی) فی الادهان.

یا) فی ادویهٔ العین.

یب) فی المربیات.

تعلیم ثالث:

فی الامراض المختصهٔ بعضو من الرأس الی القدم و اسبابها و علاماتها و معالجاتها.

تعلیم رابع:

فی الامراض التی لاتختص بعضو دون عضو و اسبابها و علاماتها و علاجاتها، مشتمل بر پنج باب بشرح زیر:

۱. فی الحمیات.

۲. فی الاورام و البثور.

۳. فی الجدری و الحصبهٔ.

۴. فی الجراحات و القروح و الکسر و الوثی و الخلع و السقطه و الصدمهٔ و الضربهٔ و السجاح و السحج.

۵. فی السموم و التحرز عنها.

آغاز: «بسمله الحمد لله القادر المصحّح الحکیم الطاهر الشافی للجسد السقیم الذی خلـق الانسـان فـی احسن تقویم و هدی من یشاء بفضله لتمییز المأوف عن السلیم... و بعد فهذه تعالیم فی الطب مشـتملهٔ علی فواید عجیبهٔ و فراید غریبهٔ».

انجام: «بشرط ان ینظر فیه بعین الرضا و یتجنب طریق العناد والله ولی السّداد و الارشاد و منه المبدأ و الیه المعاد وفقکم الله و ایای لدرک الکلمات و المطالب و فیض الخیرات و المارب انه علی کل شـیچء قدیر و بالاجابهٔ جدیر».

در اوراق اوائل نسخه ابیاتی بدون تسمیه قائلین مسطور است که بعضی از آنها را به لحاظ این که اسامی گویندگان آنها را بنقد در خاطر دارم محض فایده ذیلاً درج می‌نمائیم:

کانّ صغری و کبری من فواقعها   حصباء درّ علی ارض من الذّهب

[قائل این بیت ابونواس است].

***

قالوا ترکت الشعر قلت ضرورة　　　باب البواعث و الدّواعی مغلق

عفت الدّیار فلاکریم یرتجی　　　منه النّوال و لاملیح یعشق

[قائل این دو بیت و بیت بعد که ذیلا نقل خواهیم نمود جمعاً سه بیت ابواسحق غزّی شاعر معروف است و بیت سوم این است:

و من العجائب ان تراه کاسداً　　　و یخان فیه مع الکساد و یسرق

و از دیوان غزّی یک نسخه خوبی تحت عنوان دیـوان نـویری در کتابخانـه آسـتان قـدس محفـوظ است(بشماره ۴۳۳۴)].

***

عودوا بنور الوصل من غسق الجفا　　　فالهجر لیل و الوصال صباح

[این بیت از جمله قصیده بغایت لطیفی است از شیخ الاشراق شهاب الدّین سهروردی مسطور در وفیات الاعیان(۵: ۳۱۴) و معجم الادباء(۷: ۲۷۰) باین مطلع:

ابداً تحنّ الیکم الارواح　　　و وصا لکم ریحانها و الرّاح

و در این قصیده بیتی است که در همه چاپهای دو کتاب مذکور باین نحو است:

رکبوا علی سنن الوفا و دموعهم　　　بحر و شدۀ شوقهم ملّاح

که به عقیده راقم این سطور لفظ«سنن» در این موضع محرّف است و نمی‌توان ادنی مناسبتی بین آن و بین صدر و ابتدا و ضرب بیت یعنی«رکبوا» و«بحر» و«ملاّح» تصور نمود و صحیح آن باز بعقیده محرّر این اوراق سفن است جمع سفینه بمعنی کشتی و مناسبت آن با الفاظ«سوار شدن» و«دریا» و«ناخدا» نزد هر کسی واضح و از روز روشن‌تر است] انتهی.

نسخ خوب(۱۹ ورق اوّل مشکول)، کاتب«محمد بن علی بن عبدالله بن احمد المشتهر بزین العرب ابوه» تاریخ و تألیف کتابت ۱۷ ذی القعده سنه ۷۷۱ در مصر در خانقاه شیخو[1](ده سال بعد از تألیف کتاب)، کاغذ نخودی، ابواب و عناوین و اسامی ادویه همگی بشنگرف، اندازه مسطر ۲۰/۴×۱۳/۶، جلد تیماج مشکی ساده، ۲۵۳گ ۱۸×۲۶، ۲۲-۲۳س، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۰۶

تعالیم

(۲۳۰۶۷)

(عربی)

مختصری است مشتمل بر تعالیم و مقالاتی بشرح مذکور در ذیل، و این نسخه که صدراً و ذیلاً ناقص است از ابتدای مقاله دوم از تعلیم اوّل شروع و به اواسط تعلیم چهارم ختم می‌کند.

مقاله اول- ....

مقاله دوم- در تعریف مزاج.

مقاله سوم- فی الاخلاط.

مقاله چهارم- فی الاعضا.

مقاله پنجم- فی الارواح.

مقاله ششم- فیما یظهر عن القوی.

---

[1] . از مشاهیر خانقاههای مصر در قرن هشتم و از ابنیه امیرکبیر سیف الدین شیخو العمری(متوفی در ذی الحجه ۷۵۸) که در محرم سنه ۷۵۶ بنای آن شروع شد و در سال بعد به اتمام رسید و اوّلین مدرّس آن از شافعیه بهاء الدین بن تقی الدین سبکی بود. مراجعه شود بجهت مزید اطّلاع به حسن المحاضره فی اخبار مصر و القاهرة(۲: ۱۴۳-۱۴۴) و خطط مقریزی(۲: ۴۲۱).

مقاله هفتم– فی القوی علی ما فرره الاطبا.

مقاله هشتم– فیما یلحق بالامور الطبیعیهٔ و یسمی توابعها.

التعلیم الثانی: فی الاحوال، مشتمل بر مقدمه و سه مقاله باین شرح:

– فی المرض.

– المرض المرکب.

– امراض الشعر.

التعلیم الثالث: فی الاسباب، در جمله‌ای و سه مقاله:

مقاله اول– فی الضروریه، شامل شش باب مختصر:

الف) فی الهواء.

ب) فی الحرکهٔ و السکون.

ج) فی النوم و الیقظه.

د) فی العوارض.

هـ) فیما یوکل و یشرب.

ز) فی الاحتباس و الاستفراغ.

مقاله دوم– فی الاسباب الغیر الضروریه.

التعلیم الرابع: فی الاعراض، مشتمل بر سه مقاله و مقاله اول در هفت باب است باین شرح:

– قول کلی فی العلامات.

– فی دلائل الامزجهٔ.

- فی دلائل الامتلاء.

- فی علامات السدة.

- فی علامات الریاح.

- فی علامات الورم.

مقاله دوم در پنج باب:

باب اول- فی النبض، در پنج فصل(شاید چهار فصل):

الف) قول کلی.

ب) فی اصناف النبض.

ج) فی اسباب النبض.

د) اصناف النبض بحسب الاسباب اللازمه.

هـ) (این فصل بدون این که مطلب قطع شده باشد در نسخه موجود نیست).[1]

باب دوم- فی البول، در هشت فصل باین شرح:

- قول کلی.

- فی اللون.

- فی القوام.

- فی الرایحه.

- فی الزبد.

---

[1]. باب اول مقاله سوم ظاهراً از نسخه ساقط است.

- فی الرسوب.

- فی اجناس البول.

- عنوان این فصل را کاتب ننوشته است.

آغاز موجود: «محاط الرابع و للرابع و هو النار مقعر الفلک الاول».

انجام موجود: «کنسبهٔ الخمسهٔ الی الاربعهٔ».

نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر: قرن دوازدهم، کاغذ: حنائی، بشنگرف و جای آنها در اوراق اخیر بیاض، ۱۴س، ۵۲گ ۱۰/۵×۱۵، جلد تیماج، وقفی آیت الله شیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۱۰۷

تعلیقه بر تصریح المکنون فی تنقیح القانون

(۵۰۷۵)

(عربی)

تعلیقه‌ای است از ادیب و متکلّم و لغوی و طبیب معروف قرن ششم ابن اللّباد(موفق الدین ابو محمد عبداللّطیف بن یوسف بن محمد بن علی بن ابی سعد متولد در ۵۵۷ و متوفی در ۶۲۹) در تصحیح اغلاط و ردّ شکوک و ایردات لغوی و طبّی ابن جمیع(ابو العشائر هبهٔ الله زین بن حسن بن افرائیم بن یعقوب بن اسمعیل بن جمیع الاسرائیلی) در حاشیه موسوم به تصریح المکنون او بر قانون ابن سینا و بعضی از مواضیع شرح قانون ابن التّلمیذ(امین الدّولهٔ ابوالحسن هبهٔ الله بن ابی العلا صاعد بن ابراهیم بن

التلمیذ)[1] با برخی زیادات و فوائد از جانب خود او که آن را در ذی الحجه سنه ۶۱۶ تألیف نموده و آن مشتمل است بر توضیح و تبیین معانی برخی از الفاظ و عبارات و مباحث مبهم و غامض کتاب سوم تا آخر مقاله ششم از کتاب پنجم قانون. در مفتتح این کتاب ابن اللّباد بدواً بر سبیل تمهید مقدّمه می‌گوید که«هر شخص عاقلی اگر بخواهد واقعاً پی به مقدار زحمت دیگران در کارها ببرد باید که خود را متولّی انشاء آن امور فرض کند و الاّ مطلب همان خواهد شد که از قدیم گفته‌اند«ما اسهل الحرب علی النظارة».

مگر نشنیدی از گیتی‌شناسان　　　　که باشد جنگ بر نظّاره آسان[2]

وانگهی باید دانست که مرتبه هر کس در علم بسبب محاسن سخنانش معلوم می‌شود نه بسبب معایب آنها بخصوص که اگر در مقام مقایسه محاسنش اضعاف معایب باشد و باز بخصوص که این نقائص فوق العاده قلیل و ناچیز و از آن طرف اکثر آنها راجع به الفاظ دون معانی باشد و یا این که بتوان آنها را بنحوی تأویل و حمل بر صحّت نمود و اصلاً کدام کس است که قلمش و خاطرش مصون از طغیان و لغزش باشد و اگر بنابراین بگذارند که هر کتابی را صرفاً بعلّت چند اشتباه جزئی ردّ و طرد کنند در این صورت جمیع کتب بشری را باید همین کار کرد و حال آن که مثلا در عالم شعر مطلب ابداً از این قرار نیست و کسانی از قبیل ابوالعتاهیه و متنبّی هستند که در جنب اشعار عالی ابیات پست نیز دارند ولی هیچ کس آنها را از سلک شعرا بیرون نشمرده است. یا همین ابن سینا را ملاحظه کنیم، عده‌ای بقدری در باب او مبالغه می‌کنند که کتابش را در علم پزشکی بکلّی کافی دانسته با داشتن آن کتب جالینوس را

---

[1]. ترجمه احوال و سوانح ایام حیات و اسامی تألیفات و برخی از قصائد و اشعار این سه نفر(ابن اللّباد و ابن جمیع و ابن التلمیذ) بتفصیل و بسط و اشباع تمام در عیون الانباء مثبت است.

[2]. بیت از فخرالّدین اسعد گرگانی است در مثنوی ویس و رامین که فعلاً بدان دسترسی ندارم.

کنار می‌گذارند و اینان غالیه‌اند و عدّه‌ای هم هستند که بر آن عیب و ایراد می‌گیرند نظیر ابوالعلاء زهر که اوراق قانون را پاره می‌کرد و در حوائج خود بکار می‌برد[1] و اگر او اندکی در این باب از خود انصاف نشان می‌داد و زحمات او را در تألیف آن با زحمات خود در تألیف کتب مقایسه می‌کرد و خود را به تصنیف مثل یک چنین کتابی مکلّف می‌نمود همانا ملتفت می‌شد که این کار محتاج چه قوه فهم عظیمی است و بر او واجب می‌شد که در پیشش بخاک بیفتد چنان که فرزدق بمجرد استماع این بیت:

و جلا السّیول عن الطّلول کانّها　　　زُبرٌتُجدّ متونها اقلامُها[2]

چنین کرد و وقتی به او گفتند: «أتسجد للشّعر» گفت«انا اعلم بسجدات الشّعر و انتم اعلم بسجدات القرآن»[3]، و ایراد او اگر متوجّه به این مطلب است که کتاب قانون صورت کناش دارد در این صورت باید همه کناشها در نظر او بی‌اهمیت باشد ولی اگر معتقد است که سراسر مملو از خطا و سهو است باید گفت ابداً چنین نیست و خطا متوجّه خود اوست زیرا که قانون در جامعیت گوئی جوامع کلام جالینوس است باضافه اقوال عظمای اطبا از متقدمین و متأخرین و سوای حسن تألیف و وضوح توصیف وجودت ترتیب و قرار داشتن مباحث متشابه در کنار هم ابداً مطلب غریبی ندارد، بنابراین کسی که آنرا طرح و ردّ می‌کند نباید که البته چیزی بنویسد بل باید اقوال جمیع ناس را و جمیع کتب طبّی را ردّ و طرح کند و چون چنین نکرده همین خود دلیل واضحی است بر این که اطراح قانون از ناحیه او علّتش یا جهل است یا حسد و این هر دو صفت از صفات رذیله است».

---

[1]. مراجعه شود بجهت این مطلب به حواشی مربوط به«حلّ شکوک رازی علی کتب جالینوس» مذکور تحت رقم ۱۳۹۹۷ در همین کتاب.

[2]. از جمله معلّقه لبید بن ربیعه است با این مطلع:

عفت الدّیار محلّها فمقامُها　　　بمنیً تأبّد غولُها فرجامُها.

[3]. این مطلب با اندک اختلافی در تاریخ وصّاف نیز مسطور است(ص ۲۹۹، طبع بمبئی).

چند سطری بعد از این عبارت ابن اللّباد می‌گوید«در شعبان سنه ۶۰۴ که در دمشق بودم کتابی دیدم از هبهٔ الله جمیع[1] الیهودی المصری مشتمل بر حواشی او بر کتاب قانون و مدح و ذّم او از کتاب مذکور که بقدر ۲۵ کراسه بود ولی اگر امر دائر بر جمع جمیع اغلاطی می‌شد که او بزعم خود در آن کتاب یافته است مجموع آنها از یک بل نصف کراسه در مقابل دویست کراسه بیشتر نمی‌شد و این مقدار البته چیزی نیست که مرتبه تصنیف و مصنّف را پائین بیاورد، امّا مثل او در این کار فی الواقع مثل آن کس است بقول جالینوس که مجسّمه فوق العاده زیبایی را تنها بعلّت یک عیب بسیار جزئی که در قاعده آنست بشکند.

مطلب دیگر راجع به ابن جمیع تعرّض او به شیخ بغداد هبهٔ الله بن التلمیذ است و علّت بی‌پروائی او در اقدام به نوشتن این حواشی و تعرّض به فضلای دیگر همانا کتاب صحاح جوهری است که محلّ مراجعه دائم او بوده، و من در مصر یکی از ادبای بغداد را ملاقات کردم که مدّعی استعانت این جمیع در جمیع مباحث لغوی حواشی خود از او بود و می‌گفت که حواشی او املای من است پس در این صورت نصف مطلب سرقت است و نصف دیگرش کذب، امّا قبل از هر چیز بر هر فرد عاقلی واجب است که اوّل به مقصود و منظور قائل و مصنّف پی ببرد بعد بر او عیب بگیرد نه این که او را مؤاخذه کند بر چیزی که او اصلاً خود را به رعایت آن ملزم نکرده، و ابن التلمیذ هرگز ادنی الزامی نداشته است به این

[1] . از کسانی که معروف به ابن جمیع بوده‌اند یکی علی بن یحیی الطائی الصّعدی مذکور در ضوء اللّامع سخاوی(۶: ۵۰) و انباء الغمر بابناء العمر(۴: ۳۰۴) تألیف شهاب الدین احمد عسقلانی است که در این اخیر صریحاً جمیع را می‌گوید که بتصغیر است بهمین جهت ابن جمیع مذکور در متن را نیز خیال می‌کنم که باید بتصغیر خواند و این که بعضی از این بیت ابن المنجم در هجو او که گفته است:

و لیس جمیع الیهودی اباک   ولکن ابوک جمیع الیهود

این کلمه را بفتح اوّل دانسته‌اند قطعیت ندارد(در ترجمه فارسی مدخل سارتون[مجلّد دوم ولی چون فعلا بآن دسترسی ندارم نمی‌دانم کدام صفحه] این جمیع را مترجم به ابن جامع ترجمه نموده و آن سهو فاحش است)، و ناگفته نماند که پسر این هبهٔ الله ابن جمیع موسوم به اسمعیل کتابی دارد بنام الارشاد لمصالح الانفس و الاجساد که آنرا بنام قاضی فاضل تألیف نموده و نسخه آن تحت رقم ۶۲۸۷ در برلین محفوظ است.

که فقط آن عدّه از الفاظ قانون را معنی یا آن عدّه از مواضع را تفسیر کند که بنظر این جمیع غریب یا جزو مشکلات او بوده و او بجای این که برگفته‌های ابن التلمیذ خرده بگیرد فی الواقع بر ناگفته‌های او گرفته است بگذریم از این که بر خود او نیز این ایراد را وارد کرده‌اند که مطالب واضح را توضیح داده ولی غوامض را یکجا تحت السکوت گذاشته است، مع ذلک کلّه عجیب است که او خود را بکلّـی در این امور معذور ولی ابن التلمیذ را مستحق مذمّت می‌داند» و پس از ذکر این مقدّمات شروع می‌کند به نقل اقوال ابن جمیع و بیان مواضع صواب و غلط آنها بعد از اعتراف«له بالفضیلة و الاجتهاد و التعـب والمطالعة... و انه ان اصاب فله فضیلة الاصابة و حق الافادة و ان اخطأ فله فضیلة المجتهد و حق التّنبه و الاثارة».

تألیفات ابن اللّباد فوق العاده زیاد و در موضوعات و مباحث مختلف از حدیث و تفسیر و حکمـت و منطق و طب و علوم و فنون ادبی[1] و طبیعی و غیره است و چنان که در حاشیه همین مقال اشاره نمودیم نمودیم ابن ابی اصیبعه بتفصیل آنها را در کتاب عیون الانباء تعداد کرده است.

[1] . از جمله تألیفات او در علوم ادبی یکی اختصار و تلخیص کتاب صناعتین است از ابوهلال عسکری که یک نسخه نفیسی از آن یعنی صناعتین تحت رقم ۴۰۲۹ در کتابخانه آستان قدس محفوظ است و این نسخه که در قرون گذشته جزو کتب جامع منیعی نیشابور بوده فعلاً تنها نسخه است بنابشرح مسطور در ظهر ورق اوّل آن بخط جوانمردی موسوم به احمد بن حامد که از صدمه هجوم لشکریان غز بآن شهر در سنه ۵۴۸ و غارت شعواء دارالکتب جامع مذکور جان سالم بدر برده و تا این زمان از تطاول و تصاریف ایام مصون و محفوظ مانده،و عین عبارات مسطور او از این قرار است: –«این[کتاب] کی کرده‌اند چنین دیدم که مکتوب آن بود که این کتاب صاحب عبدالجلیل[...] کردانید و در جامع منیعی نشابور دارالکتبی ساخته و در آن نهاده و وقتی که نشابور غارت می‌کردند و کتب بسیار بدین جای آوردند این کتاب از آن جمله است و این ساعت که در دست منست ملک من نیست و نیت و ضمیر آنست که اگر باز دانم کی آن دارالکتب کی موضع اوست بر حال عمارت مانده است و باقی کتب بر جای این نیز باز انجا رسانم و اگر نه بفواید آن منتفع و مستفید می‌باشم و دعا خیر بواقف آن رحمه الله می‌فرستم غرض از اثبات این سطورانک بعد ازین بیع و شری برین کتاب روا ندارند و هذا خط احمد بن حامد کتبه خوفا من سخط الله و عقابه یوم تجی کل نفس بما کسبت و صلّی الله علی محمد و آله» و این عبارات ضمناً یکی از قدیم‌ترین عبارات است بزبان فارسی در یکی از نسخ کتابخانه آستان قدس، اما اقدم از ان را در جزوه قرآن محفوظ تحت رقم ۳۰۹۷ ایضا در همان کتابخانه دیده‌ام که به لحاظ این که تاریخ مصرّح دارد(سنه ۵۴۰) فوق العاده مهم و مغتنم است و ما اینک عین آنرا نیز با تنقیط کلمات محض مزید فایده ذیلا درج می‌نمائیم:

آغاز: «بسمله کلام الشیخ الاجل الامام العلامۀ موفق الدین عبداللطیف بن یوسف علی کتاب التصـریح المکنون فی تنقیح القانون انه لایعرف مقدار مشاق الاعمال الا من کان له مشارکۀ فیها و مزاولۀ لها کما قال المتاخر:

لا یعرف الشّوق الّا من یکابده   و لا الصّبابۀ الاّ من یعانیها[1]

انجام: «و قد سبق ذکرها فی المعاجین و اوزانها غیر اوزانها الا ان النسبۀ واحدۀ و الدوا واحد، آخر ما کتب علی القانون».

- «بخریدم این سی پاره با صندوق و حلیت این بتمام و کمال از جهت فرزند اعز داود را در شهر بلخ بتاریخ سنه اربعین وخمس مائه بورک لصاحبه و مبلغ بهای کاغذ این بداده شست زر کنی درست از مال او بیست و پنج دینار اللهم اغفر لصاحبه و لکاتبه و کتب محمود بن داود» و جزوه مذکور را نورستی بنت حاج اسعد بن عمر موی تاب الصرام النیسابوری در جمادی الاولی سنه ۶۰۹ وقف نموده است.

در ختام مطالب مذکور این فقره نیز اگر چه ادنی ربطی به موضوع ما ندارد به جهت تتمیم فایده و رفع اشتباه آن عدّه که قرآن وقفی ابوالقاسم سیمجور یا قرآن وقفی ابوالقاسم منصور بن محمد بن کثیر را قدیمترین نسخه مورخ از مصاحف محفوظ در کتابخانه مذکور می‌دانند اضافه شود که قدیم‌ترین آنها عبارت از دو جزو قرآن است از موقوفات شخصی بنام کشواد بن املاس که در سنه ۳۲۷ هجری یعنی در زمان امیر نصر بن احمد سامانی و رودکی و شهید بلخی و ابوالطیّب مصعبی و من فی طبقتهم در اصفهان کتابت شده و این شخص به عقیده راقم سطور بطور قطع و یقین و بی هیچ شک و شبهه‌ای همانست که نامش در معالم العلماء ابن شهر آشوب متوفی در ۵۸۸ ذیل طبقه مجاهرین از شعرای اهل بیت علیهم السلام بصورت کشواد بن ایلا السّروجی(ص ۱۴۲؛ نجف ۱۳۸۰) و در طبع تهران(ص ۱۳۷) بصورت کشواد بن افلاس السّروجی مذکور است، انتهی.

[1] . این بیت مسطور است ایضا بدون تسمیه قائل در المثل السائر(۱: ۱۵۱) و طبقات الشافعیه سبکی(۴: ۱۳۰) و شفاء الالام فی طب اهل الاسلام تألیف جمال الدین ابوالمظفر یوسف بن محمد بن مسعود الُرمُّری(نسخه کتابخانه احقاف) و شرح محمود فرکاوی بر منازل السّائرین خواجه عبدالله انصاری(ص۹۷) و آن از جمله قصیده غرّائی است از ابوعبدالله محمد بن بختیار المولّد البغدادی معروف به ابله متوفی در جمادی الاخر سنه ۵۷۹ در مدح خلیفه عباسی المتقی بامرالله باین مطلع:

راحت بسرحۀ نعمان و وادیها   غزر السحائب تغدوها غوادیها

من کلّ وطفاء تُروی البرق مزنتها   کانّما ثغر سعدی ضاحک فیها

لایعرف الشوق البیت.

و از حکایتی که راجع به اودر تجارب السلف مسطور است(ص ۲۹۰) معلوم می‌شود که وی علاوه بر شعر و شاعری در علم نجوم نیز متبحّر بوده است. [به مناسبت اشتهار او به ابله همین الان به یاد شخص دیگری افتادم که او هم به همین اسم مشهور بوده و او علی بن خازم المقری است که به قول ابن الفوطی در حوادث الجامعه، ذیل وقایع سنه ۶۳۷، در تجوید و حفظ قرآن کریم آیتی بود چنان که می‌توانست هر سوره را به نحو معکوس تلاوت نماید، یا یک آیه از اوّل و یک آیه از آخر هر سوره را بخواند و سوره را در وسط ختم کند، و چنان که همو نقل کرده است یک بار نیز به رسم امتحان تمام سوره الرحمن و القمر و الجن را با هم، یک آیه یک آیه از هر کدام به طور مجزاً به یک دفعه و بنحو معکوس از حفظ قراءت نمود].

نسخ، کاتب: ابومنصور بن بوالفتوح الاسرائیلی المتطیّب، تاریخ تحریر سنه ۶۱۶ باین عبارت: -«وکان الفراغ من تعلیقها یوم الاثنین من ذی الحجة سنة ست عشرة و ستمائة کتبه الفقیر الی رحمة الله ابومنصور بن بوالفتوح الاسرائیلی المتطبّب فی التاریخ المذکور و الحمدلله وحده»، عناوین به سیاهی، کاغذ نخودی، اندازه مسطر ۱۷/۷، جلد تیماج زرد و دو رویه، ۴۲گ ۱۶×۲۶، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۰۸

تعلیم الصبیان

(۵۰۶۸)

(فارسی)

مختصری است در بیان ترکیب ادویه و قرصها از خواجه عبدالله تمکین مشهور به سید عبدالفتاح حکیم.

آغاز: «بسمله، حمدله(بعد از دو سطر) بدان که علامات گرمی و تشنگی است و گرمی بدن و نفع یافتن از چیزهای سرد».

انجام: «و ضماد تا شش روز نگشایند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، عناوین بسیاهی، مختلف السطور، ۲۰گ ۱۳×۲۱، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف میرزا محمود عاملی، تاریخ وقف فروردین ۱۳۰۸.[۱]

۱۰۹

تقویم الابدان فی تدبیر الانسان

[۱]. مذیل است به رساله نافع الخلق که آنرا در موقع خود در حرف نون علی حده معرفی خواهیم نمود.

(۵۰۵۷)

(عربی)

کتابی است مرتب بر جداول و بیوت از تصانیف ابوعلی یحیی بن عیسی بن علی بن جزله بغدادی معروف به ابن جزله طبیب بزرگ و مشهور قرن پنجم و صاحب کتاب الاشارة فی تلخیص البشارة و فضائل الطّب و الرد علی النصاری و منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان که آن را بجهت خلیفه عباسی المقتدی بامرالله(۴۴۸–۴۸۷) تألیف نموده و به لحاظ این که مختصری از احوال و مآخذ راجع به او را ضمن معرفی یک نسخه از منهاج البیان(تحت رقم ۵۱۴۲) و موضوعات جداول و مطالب این کتاب را نیز ذیل توصیف یک نسخه از ترجمه فارسی آن(بشماره ۵۱۶۷) بتفصیل بدست داده‌ایم در اینجا دیگر تطویل کلام لزومی ندارد.

این کتاب بزبان لاتینی ترجمه و در سنه ۱۵۲۲ در اشتراسبورگ طبع و منتشر شده است.[۱]

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی خلق فسوی و قدر فهدی و امرض و اشفی و صلوته علی انبیائه».

انجام: «بتغیر الامزجة و الازمان فقد تقدم تفصیل ذلک و الکلام علیه... انه ولی التوفیق و بیده مفاتیح الرحمة و آخر تقویم الابدان و الحمد للرحیم الرحمن».

بدنبال آن پنج صفحه جداول پزشکی است بزبان فارسی و بخط نستعلیق زشت و صفحه بعد مربوط است به اوزان ادویه و اشربه بخط کاتب متن که چنین شروع می‌شود: «و ینبغی ان تعلم ایها المتعلم ایدک الله بالتوفیق و الهمک رشد الطریق ان جمیع ما ذکرناه من اوزان الادویة و الاشربة انما هی الخ».

---

[۱] . دارالسنه اروپائی او را Ben Gezia می‌نامند.

انجام: «و بعضها من اقاویل المحدثین و بعضها فاحضرنی بتوفیق الله فی عزهٔ شعبان سنهٔ احدی و ثلثین و سبعمائهٔ».

نسخ، کاتب: سلیمان بن ابی مسلم بن سلیمان البیضاوی، تاریخ تحریر: سلخ رجب ۷۳۱، محل کتابت شیراز مدرسه مبارکه القضویه الفراریه(کذ)، جداول به شنگرف، عناوین خانه‌ها بخط ثلث جلی، جلد: تیماج مشکی، مختلف السطور، کاغذ: نخودی، ۱۰۰ برگ ۱۷×۲۸، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۱۰

تقویم الابدان فی تدبیر الانسان(ترجمه...)

(۵۱۶۷)

(فارسی)

اصل کتاب بزبان عربی و از تصانیف ابوعلی یحیی بن عیسی بن علی بن جزله متوفی بسال ۴۹۳ هجری مؤلف کتاب معروف منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان است که به لحاظ این که مختصری از احوال او را ضمن معرّفی یک نسخه از این کتاب اخیر(تحت رقم ۵۱۴۲) بدست داده‌ایم در این موضع وارد در شرح احوال او نمی‌شویم، و ترجمه آن بفارسی که بدستور شاه سلیمان صفوی بعمل آمده از محمد اشرف بن شمس الدّین محمّد طبیب است.

مطلبی که در این کتاب بخصوص جلب توجه می‌کند این است که مؤلف(مثل ابن بطلان در تقویم الصحّهٔ) برخلاف معمول غالب اطبا مستقیماً به شرح و تفصیل انواع امراض نپرداخته بل بجهت تسهیل کار اسامی و اسباب و علل بروز و طرق تدبیر و معالجه امراض و امزجه و سایر موضوعات طبی را در جداولی عیناً نظیر جداول تقاویم نجومی تنظیم و ثبت کرده و فی المثل برای هر کدام از بیماریها دوازده

خانه منظور نموده و در آنها بترتیب ابتدا نام بیماری و سپس مزاجی که بیشتر در معرض ابتلاء به آن است و آنگاه سن و سالی که آن مرض بیشتر عارض می‌شود و بعد موسم و فصل بـروز آن را ثبـت نموده است. پس از آن در خانه پنجم شهری را که بیماری مذکور بیشتر شایع می‌شود ذکر کرده و در خانه نهم کیفیت دفع آن را درج نموده و چون مردم را در باب استعمال دارو بر سه قسم می‌دیده(قسم اوّل«جماعتی که دوای بدمزه بکار نمی‌توانند برد مانند پادشاهان و اهل تنعم و اطفال، قسم دیم گروهی که از بدمزگی دوا چندان مضایقه ندارند لیکن قدرت بر تحصیل بعضی از دواها ندارند مانند درویشان، قسم سیم طایفه‌ای که دوای بدمزه می‌توانند خورد و قدرت بر تحصیل هر نوع دارو دارند»)[1] بعـد از خانه نهم دو خانه وضع کرده یکی بجهت داروهائی که بدمزه نیست و مناسب حال قسم اوّل از مردمان است(و این را به معالجه پادشاهانه تسمیه نموده) و خانه دیگر مختص دواهائی کـه ارزان و فـراوان و مناسب حال قسم دوم از مردمان است(و این را معالجه درویشانه و سهل الوجود نامیده)، و بالاخره در خانه آخر از دوازدهمین خانه باشد هر تدبیری را که مناسب آن بیماری است و اختصاص به شاه و گدا ندارد مذکور داشته است(و این را موسوم به معالجه عام نموده).

آغاز: «بسمله سپاس بیقیاس حکیم درمان آفرینی را سزاست که باقتضای حکمت بالغه استخراج تقدیم ابدان بشریه فرموده».

انجام: «و نگاه دارنده است از لغزش و زلل».

نسخ، کاتب: عبدالله بن محمد تقی، تاریخ تحریر ۱۲۵۵، جداول اوراق به شنجرف، عنـاوین جـداول پزشکی بخط ثلث، کاغذ شکری آهار مهره، جلد مقوا رویه پارچه، اندازه جدول ۳۱/۲×۲۰/۴، مختلف

[1]. منقول از ورق ۲۵.

السطور، ۵۰گ ۲۶/۲×۳۶، وقفی میرزا رضـا نـائینی نـور مـتخلّص بـه رضـوان و از واقفـین عمـده کتابخانه(متوفی ۱۳۵۰ هجری قمری) تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۱۱

تقویم الابدان(ترجمه...)

(۱۰۵۴۵)

نسخه کامل و مذیّل است به رساله تشریح در ده ورق بزبان فارسی که آغاز آن چنین است: «بســمله حمدله و بعد بدان که آدمی مرکب است از استخوان و رگ و پس و غضـروف» و انجـام آن چنـین: «فتبارک الله الحسن الخالقین بهمین قدر اکتفا کردیم».

پس از آن تشخیص چهارم و پنجم است از کتاب تحفهٔ المؤمنین تألیف محمد مؤمن حکـیم . سـپس منظومه مختصری است در باه از شریف نامی که منظومه دیگری دارد مقدّم بر این منظومه بنام کنزالشفا.

آغاز: سرنامه کردم بنام خدای　　　که نام خدا هست مشکل گشای

انجام: فلاطون روشندل هوشیار　　　نموده است این شکل را اختیار

نستعلیق مخلوط بشکسته، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۶۰، کاغذ نخودی، بعضی عناوین بشنگرف، مختلف السطور(غالباً ۲۰س)، ۲۷۳گ ۲۱×۳۳، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی ترنج دار، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۱۲

تقویم الابدان(ترجمه...)

(۶۸۷۱)

نسخه دیگری است از همان کتاب مذکور و این که در ورقه ملصق به آن(شناسنامه، اتیکت) مترجم را حبیب الله نورالدّین محمد بن حبیب الله طبسی تونی نوشته‌اند سهو واضحاست.

آغاز موجود: «بیشتر است و کم حجم و پر فایده است و ساخته‌ام این کتاب را بصورت تقویم» (بقدر یک صفحه از اوّل ساقط است).

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۷ و ۱۲۴۸، کاغذ شکری، جداول و کمندها بشنگرف، مختلف السطور، جلد مقوا با رویه پارچه، ۵۶گ ۲۰×۳۰، واقف درهٔ السّلطنه ملک-زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۱۱۳

تقویم الصّحهٔ بالاسباب السّتهٔ

Tacuini sanitatis

(۵۰۵۹)

(عربی)

این کتاب که تا این زمان هنوز بنام مجعول تقویم الادویه معروف است و بهمین جهت مصنّفش را نیز در همه جا باشتباه کمال الدّین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد تفلیسی صاحب کتاب قانون الادب و کفایهٔ الطّب ضبط نموده‌اند(یعنی در ورقه ملصق به نسخه[شناسنامه، اتیکت] و دفاتر ثبت کتب خطی و فهرست الفبائی این کتابخانه و سایر مواضیع)، موسوم است در حقیقت به تقویم الصحّهٔ بالاسباب السّتهٔ که عبارت باشد از اصلاح هوا و تقدیر مآکل و مشارب و تعدیل حرکت و سکون و منع از نفس از

اغراق در خواب و بیداری و تقدیر استفراغ[1] و احتقان فضلات و اخذ نفس به قصد و اعتدال در فرح و جزع[2]، و مصنّف آن نیز طبیب نصرانی ابوالحسن مختار بن حسن بن عبدون بن سعدون بـن بطـلان[3] معروف به ابن بطلان از اصحاب ابوالفرج عبدالله بن الطیّب[4] و ابوالحسن ثابت بن ابراهیم بن زهـرون الحرانی و از معاصرین علی بن رضوان مصری است که با این اخیر مدتها بر سر مسائل علمـی جـداً مخالفتها و مشاجرات قلمی و مشاغبات داشته است و او را غیر از این کتاب تألیفات دیگری بوده که اهمّ آنها عبارتست از مقالهٔ فی شرب الدواء المسهل و مقالهٔ فی کیفیهٔ دخول الغذاء فی البدن و هضمه و خروج فضلاته و سقی الادویهٔ المسهلهٔ و ترکیبها کتاب المدخل الی الطّب و مقالهٔ فی الاعتراض علی من قال ان الفرخ احر من الفروج و الامراض العارضهٔ و عمدهٔ الطّبیب فی معرفهٔ النّبات و شراء الرقیق و تقلیب العبید و کتاب دعوهٔ القسوس و کتاب کناش الادیرهٔ و الرهبان[5]، و وقعهٔ الاطبـا، و کتـاب دعـوهٔ الاطبا[6] که آنرا بجهت امیر نصیرالدّوله ابونصر احمد بن مروان از امرای بنی مروان در دیار بکر تألیف

---

[1]. Evacuation.

[2]. سته ضروریه را در زبان انگلیسی Nonnaturals می‌گویند.

[3]. متوفی در سنه ۴۵۸ به انطاکیه و او در زبان لاتین معروف ات به Elluchazen Elimithar ترجمه احوالش در عیون الانباء فی طبقات الاطبا(۲: ۲۳۸-۲۴۲) و الحلل السندسیّه(۱: ۳۵۴) و مختصر الدوّل تألیف ابن العبری(۳۳۱-۳۳۴) و بنحو مشروح‌تر در اخبار الحکما(۲۹۴-۳۱۵) مسطور است و ناگفته نماند که وفات او را ابن العبری و قفطی در سنه ۴۴۴ضبط کرده‌اند و این تاریخ گویا صحیح نباشد.

[4]. در زبان لاتینی او را Abulpharagius Abdulla Benattibus می‌گویند.

[5]. یک نسخه از این کتاب Wellcome Historical Medical Library محفوظ است به نشان WMS.OR.۱۱۸. برای اطّلاع از سایر نسخ آن مراجعه شود به:

Brocklemann Geschichte der arabischen Litteratur, i.۶۳۶(n.۲); SIm ۸۸۵(n. ۳).

[6]. نسخه این کتاب درکتابخانه دولتی برلین(۶۲۸۲) و در امبروزیانا(۱۲۵ .A) و دارالکتب المصریه(۱۲۰۶ طب) و نسخه شرح آن از علی بن هبهٔ الله معروف به ابن البردی در کتابخانه فاتح(۳۵۲۲) و کتابخانه طلعت(۵۲۴ طب) موجود است و ناگفته نماند که از همین تقویم الصّحه ما نحن فیه یک نسخه در احمد ثالث تحت رقم ۲۰۶۹ و یک نسخه در پاریس به شماره ۲۹۴۵ و دونسخه نیز در موزه بریتانیا محفوظ است یکی مورخ ۱۵ ذی الحجه ۵۳۷ به رقم ۷۹۲ و دیگری مورخ جمادی الثانی سنه ۶۱۰ تحت رقم ۷۹۳.

نموده[1] و از نقل این ابی اصیبعه از خط خود مؤلف در آخر آن معلوم می‌شـود کـه وی بـه یـوانیس[2] Joannis نیز شهرت داشته است.

اساس کتاب که علی الظّاهر اقدم کتب در نوع خود بحساب می‌آید اصلاً مؤسس بر جداول و بیـوت است(عیناً مانند تقاویم نجومی) بدین معنی که مؤلف پس از درج شماره ادویه در خانه اوّل در خانـه دوم اسامی آنها و در سومی طباع و پس از آن در چهارمی عدد درجه را مذکور داشته و سپس در خانه پنجم نوع جیّد آنها و در خانه ششم منافع و در هفتم مضار و در هشتم کیفیت دفع مضار را ثبت نموده و بعد در خانه نهم اخلاط متولّد از آنها و در چهار خانه بلافاصله بعد از آن موافقت آنهـا را بحسـب مزاجها و سنین عمر و زمانها و فصول سال و بلاد که شمالی است یا جنوبی، شرقی است یـا غربـی، حاره است یا بارده نوشته و سپس در خانه بعد یعنی چهاردهم آراء دیگران را مصدّر به رموزی که خود وضع کرده آورده[3] و در خانه پانزدهم که خانه آخر باشد اختیارات را مسطور داشته است.

این کتاب بزبان آلمانی ترجمه شده و نقلی نیز بزبان لاتین از آن بعمل آمـده کـه در سـنه ۱۵۳۱ در اشتراسبورگ بطبع رسیده است.

---

[1]. فضل بن جریر التکرینی مذکور در عیون الانباء از اطبای این شخص یعنی امیر نصیرالدّوله وبنابراین از معاصر بن بل معاشرین ابن بطلان بوده است. غرض این که در کتابخانه رضویّه سه نسخه فوق العاده نفیسی محفوظ است(تحت رقم ۱۱۰۸۳) که تماماً بخط نوه او سعید بن یحیی بن الفضل بن جریر المتطبب و مورّخ دوشنبه ۲۴ حزیران سنه ۱۵۴۱ رومی است چنان که در یک موضع مسطور داشته و منتصف رمضان ۶۲۷ چنان که در آخر نسخه نوشته و مشتمل است بر سه رساله از رسالات ابن سینا(عکوس المقدمات، مسائل عشرینیهٔ، فی ماهیهٔ الحزن و اسبابه) و شرح دو رساله از تألیفات او(شرح رسالهٔ الطیر از شریف بن بشر بن ناصر الهاشمی البغدادی و شرح حی بن بقظان از ابو منصور بن زیله)، و باز بشرح ایضا یک نسخه بسیار نفیسی نیز در کتابخانه ملک تهران محفوظ است که امورّخ سنه ۴۶۳ و بخط برادر فضل مذکور ابونصر یحیی بن حریر است(ترجمه احوال این دو برادر به اختصار در عیون الانباء، ص۳۲۸ مسطور است).

[2]. بوانین در نسخه کتابخانه ملّی پاریس تحریف فاحش و حاکی از عدم وقوف دوسلان است در فهرست کتابخانه مذکور از این مطلب(Arabe ۲۹۴۵).

[3]. از این قرار: ب= بقراط، ح= جالینوس، ر= روفس، د= دیسقوریدوس، فو= فولوس، ار= اریتاسیوس(کذا)ف بیا= بیاذوق(کذا)، لو= یوحنا، ما= ماسرجوبه، ع= عیسی بن ماسویه، ش= شرک الهندی، الر= الرازی، م= مسیح، ح= حنین، آس= اسحق.؟؟توجه شود در ویرایش نهایی.

آغاز: «تقویم الصحهٔ بالاسباب السته التی لابد لکل انسان یؤثر دوام صحته من تعدیلها(و بعد از یک صفحه تقریباً) بسم الله الرّحمن الرحیم نبتدی بعون الله و نعمل جداول تتعلق بالاغذیه و الاشربه و سایر ما یعدده فی الزایجه لیسهل علی الملوک النظر فیها لانسهم بالنظر فی التقویمات المشبههٔ بها الخ».

انجام: «فلیقم القاری لهذا الکتاب عذری و یترحم علی و علی معلمی رحما یقینا اننی لم اترک عند تألیفی هذا الکتاب کتابا فی الطب الاّ اطلعته و اجتهدت فی حقک طلبا لرضاه و هذا آخر الکتاب و الحمد لواهب العقل کما هو اهله و مستحقه».

نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر قرن ششم، کاغذ نخودی، عناوین و جداول به شنگرف و بعضی عناوین به لاجورد، سطر اول و وسط و آخر از صفحه اوّل و سطر اوّل و آخر از صفحه سوم بقلم زر محرّر، ورق 2a دارای صورت زایجه، مختلف السطور، ۴۳گ ۱۸×۲۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۱۱۴

تکملهٔ الموجز

(۵۲۲۷)

(عربی)

تکمله سدید الدّین طبیب کازرونی از علمای قرن هشتم است بر فن اوّل از فنون چهارگانه کتاب الموجز تألیف علاء الدّین علی بن ابی الحزم القرشی معروف به ابن النفیس(متوفی در ذیقعده سنه ۶۸۷) و این نسخه مع الاسف از آغاز کسر دارد.

آغاز موجود: «اسباب الورم بعضها من کثرهٔ المادهٔ».

انجام: «خوفا من الوجع المحلل للقوة و الروح».

بلافاصله بعد از آن مختصری است در تشریح ایضا از همان سدید کازرونی بزبان عربی در ۱۲ ورق که مضاف به تکمله مذکور و مشتمل بر دو باب است باین شرح:

الباب الاول- فی الاعضا المفرده، در ۲۲ فصل بشرح مذکور در ذیل:

- در استخوانها.
- در غضروفها.
- در رباطات.
- در عضلات.
- در تشریح عضلات سر و گردن و شانه.
- در تشریح عضلات حلق و حنجره و زبان و غیره.
- در عضلات محرکه سایر بدن.
- در عضلات سینه.
- در عضلات پا.
- در تشریح عصب.
- در عصب نخاعی.
- در تشریح اورده.
- در تشریح عرق اجوف.
- در اورده دستها.

- در قسمتی که اجوف است و به قسمتهای پائین بدن می‌رود.

- در تشریح شریانها.

- در گوشت.

- در چربی و پیه.

- در اغشیه.

- در پوست.

- در موی و ناخنها.

الباب الثانی - فی الاعضاء الالیۀ، شامل ۱۷ فصل باین شرح:

- در تشریح دماغ.

- در چشم.

- در گوش.

- در بینی.

- در دهان و زبان.

- در حلق.

- در سینه و ریه و قلب.

- در پستان.

- در آلات غذا.

- در کبد.

- در طحال.

- در مراره.

- در کلیه‌ها.

- در مثانه.

- در مراق شکم.

- در اعضاء تولید.

- در رحم.

آغاز: «بسمله، حمدله اما بعد فهذا ما لحضته من کتب التشریح و اضفته الی کتاب تکملهٔ الموجز».

انجام: «فیسیل ما فیها من الدم».

این ابیات از آنجاست(ظاهراً بخط کاتب نسخه):

و انی اذا ما کنت فی دار غربهٔ تحیّرت اذ صار النهار اصیلا

وای غریب لم یکن متحیرا خصوصا اذا کان الغریب اصیلا

لابن الرومی

و لو کان الغریب امیر مصر و یستول علی ملک العراق

فذل الاغتراف علیه یبدو اذا ذکر الاقارب باشتیاق

فی معناه

انّ الغریب له مذلهٔ سارق و خضوع مدیون ورقهٔ عاشق

و اذا تذکر اهله و بلاده ففواد کجناح الطیر خافق

قبل لبعض العرب ما الغبطهٔ قال الکفایهٔ مع لزوم الاوطان و الجلوس مع الاخوان و قیل فما المذلهٔ قال النقل فی البلدان و التنحی(کذا، شاید: و التنائی) عن الاوطان.

نسخ، کاتب هر دو رساله محمد بن سدید الطبیب الکازرونی، تاریخ تحریر رساله اول پنجشنبه ۱۳ رجب ۷۷۵ و رساله اخیر یکشنبه سلخ شعبان ۷۷۵، عناوین و فصول بشنگرف، کاغذ نخودی پنبه‌ای، ۲۷س، ۲۴گ (۱۲+۱۲)۱۰×۲۲ در قطع بیاضی، اندازه مسطر ۷/۵×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ماه ۱۳۱۱.

۱۱۵

تصحیح تذکرهٔ فی افعال الادویهٔ و اصلاحها

(۵۲۱۴)

(عربی)

این نسخه که بر چند کتاب ناقص مشتمل است بقدری درهم و مشوش و بی‌ترتیب و نامنظم است که حد ندارد و از آن تقریبا هیچ ورقی نیست که در جای اصلی خود قرار داشته باشد، و همین مطلب موجب تسمیه آن به اسمی شده(یعنی در فهرست الفبائی و دفاتر ثبت کتب خطی این کتابخانه) که فی الواقع منطبق است بر فقط ورق اوّل آن(مراتب قراءت کتب جالینوس)[1]، و ما بجهت این کهاز این نسخه نفیس نیز که ب خط کاتب نسخه شماره ۵۲۲۳(مشتمل بر مقالهٔ فی ان قوی النفس تابعهٔ لمزاج البدن و کتاب الفینکس) نسخه شماره ۵۲۲۲(مقالهٔ فی المرهٔ السودا و علاجها) است[2] معرفی بعمل آورده باشیم

[1]. ترجمه سریانی آن بدست اسحق بن حنین بجهت بختیشوع و ترجمه عربی آن بجهت ابوالحسن احمد بن موسی بدست حنین بن اسحاق صورت گرفت.

[2]. این دو نسخه را در موقع خود٠در حرف میم) معرفی نموده‌ایم.

اینک بجهت تسهیل ابواب کتاب مذکور راکه تألیف ابوالفتی و نسبت به کتب دیگر این نسـخه انـدکی کامل‌تر است ذیلاً درج می‌نمائیم و ناگفته نماند در این موضع که با فحص بلیغی که در مآخذ مختلف از قبیل الفهرست و عیون الانباء و اخبار الحکما و طبقات الامم و طبقات الاطباء و الحکماء و تتمه صوان الحکمه و غیره و غیره بعمل آمد علی العجاله اطلاعی در خصوص حیات و عصر او ابداً بدست نیامد الاّ این که از روی این نسخه که در اواسط قرن پنجم تحریر شده می‌توان دانست که زمان زندگی او متأخر از این قرن نیست.

فهرست ابواب و موضوعات کتاب

الباب السادس عشر: فى الادویهٔ الکاویهٔ التی هی مبدلهٔ الترکیب فی ذکر الادویهٔ والاضمدهٔ الحاویهٔ و المحرقهٔ و الکاویهٔ التی تسمیها الاطبا المحمرهٔ و مبدلهٔ الترکیب تستعمل فی اخر العلل و فعله تقارب فعل الکی.

الباب السابع عشر: فی ذکر صفهٔ المححمهٔ التی تعلق بالنار علی الورک.

الباب الثامن عشر: فی صفهٔ کی الورک و صفهٔ المکوی لذلک.

الباب التاسع عشر: فی الاحتراس من وجع المفاصل.

الباب العشرون: فی الاحتراس من وجع الورک و عرق النسا.

الباب الحادی و العشرون: فی الادویهٔ المشهورهٔ لقلع اوجاع المفاصل بحمله جوهرها و جوانبها و جههٔ استعمالها.

الباب الثانی و العشرون: فی الاشیا النافعهٔ من یحمله جواهرها و خواصها عند الوجع، (از این باب فقط عنوان آن موجود است).

ابواب کتاب بهمین جا خاتمه می‌یابد و بعد از آن بلافاصله آغاز کتاب است در یک ورق(که در صحافی اینجا یعنی بعد از ورق ۳۵ قرار گرفته!) باین عبارت:

آغاز: «بسمله، اللهم عونک کلام ابوالفتی من تذکرته فی افعال الادویهٔ و اصلاحها الشی الوارد علی البدن اما ان یکون مفسدا علی الاطلاق مغیرا جوهره و هو السم المطلق و اما ان یکون مصلحا علی الاطلاق و بالزیادهٔ فی جوهره و نفوسه و هو الغذا المطلق».

پس از ان فصل اصلاح الادویهٔ است از همان کتاب در سه ورق(که جای اصلی آنها در نسخه معلوم نشد) و سپس رسالهٔ فی تدبیر الصحّهٔ بالمطعم و المشرب است بی‌هیچ عنوان و آغاز مشخصی(ایضا

ناقص) تألیف حنین بن اسحق العبادی در هفت ورق که نسخه کامل آنرا در صفحات آتیه ان شاء الله العزیز در موقع خود معرفی خواهیم نمود، و ورق آخر نسخه باز مربوط است به همین کتاب ما نحن فیه یعنی تذکره که کتاب نیز بدان ختم می‌شود باین عبارت:

انجام: «و یعالج بسقی ما الشعیر قلیلا قلیلا او لورم و یعالج بتدبیر لطیف جدا تم المختار من کلام ابوالفتی من تذکرهٔ و الحمدلله وحده».

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اول قرن پنجم، کاغذ نخودی بغدادی، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۸/۵×۱۶/۳، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۹س، ۴۶گ ۱۳×۲۲، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۱۶

التلویح الی اسرار التنقیح

(۷۵۲۰)

(عربی)

مختصری است از استاد الاطبا فخرالدّین خجندی شارح کتاب الادوار صفی الدّین ارموی که آن را بموجب اشاره صدر کبیر شرف الدّوله منصور بن اسعد الهمدانی از کتاب دیگر خود موسوم به تنقیح که تلخیصی بوده است از یکی از اختصارات قانون ابن سینا موسوم به المکنون در پنج فن هر فن مشتمل بر عدّه‌ای فصول بشرح زیر ترتیب داده است:

فن اول- فی حدّ الطب و موضوعاته و احوال الامور الطبیعیهٔ.

فن دوم- فی الامراض و الاسباب والاعراض الکلیهٔ.

فن سوم– فی حفظ الصحّة.

فن چهارم– فی وجوه المعالجات بحسب الامراض.

فن پنجم– فی الحمیات و البحارین[1] و تقدّمه المعرفة.[2]

بر این کتاب بقول حاجی خلیفه در کشف الظنون لطف الله مصری شرحی نوشته است موسوم به التصریح فی شرح التلویح.

آغاز: «بسمله اما بعد حمدالله واهب العقل و مفیض الخیر و العدل».

انجام: «مع الاسهال الصفراوی مذموم و کذلک» (ناقص).[3]

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، مختلف السطور، ۳۴گ ۱۹×۲۸، جلد تیماج خرمایی ساده، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۴۹.

۱۷

تأسیس الاتقان و المتانة فی علل الکلی و المثانة

(۶۳۳۹)

(عربی)

این کتاب را مؤلف موقعی که در سنه ۸۸۷ در مجاورت مکّه بوده بجهت ساکنان آنجا که اکثر به امراض مربوط به کلیه و مثانه مبتلا بودند تألیف نموده است.

---

[1]. این کلمه در کشف الظنون به البخار تعریف شده.

[2]. Prognosis.

[3]. یک نسخه از این کتاب تحت رقم ۲۹۴۱ در کتابخانه ملی پاریس محفوظ است.

مؤلف کتاب مظفرالدّین محمود بن احمد بن حسن بن اسمعیل بن یعقوب بن اسمعیل العنتابی القاهری الحنفی است متولد در حدود سنه ۸۱۲ در قاهره[۱] بموجب قول سخاوی در ضوء اللامع(۱۰: ۱۲۸) و از اصحاب سعد بن میرالدّیری و امین آقسرائی و شمنی و شرف بن الخشاب در فقه و نحو و طب که مدتها بعد از این اخیر به نیابت از پسرش و بعد به استقلال در جامع طولون و منصوریّه بتدریس و تعلیم طب و مدتی نیز به نیابت از سعد بن الدّیری بکار قضا اشتغال داشت، تألیف دیگر او در طب شرح موجز ابن نفیس بر قانون ابن سیناست در دو مجلد که از کتب ممتع در نوع خود بحساب می‌آمده.

موضوعات ابواب کتاب بعد از مقدمه‌ای که مؤلف در خصوص تشریح کلیه و مثانه، و منافع آنها ترتیب داده از قرار مذکور در زیر است:

باب اول- درذکر امراض کلیه و اسباب و علامات آنها و طرق معالجه آن.

باب دوم- در ذکر امراض مثانه و علامات و اسباب و طرق معالجه آنها.

خاتمه مشتمل بر سه فصل:

الف) در ذکر ادویه مرکّبه نافعه.

ب) در بیان ادویه مفرده نافعه.

ج) در ذکر ادویه‌ای که بجهت معالجه این امراض عموماً مفید است و آنها را متقدمین از مشاهیر اطبا در کتابهای خود ذکر نموده‌اند.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی الان صم الحجر و اخرج منه الماء و فجر».

انجام: «بالرادعات الی عند الانتها ثم تقتصر علی المحللات والله تعالی اعلم».

---

[۱] . سخاوی می‌گوید الان که در سنه ۸۹۹ است این شخص در قید حیات است و عنتابی منسوبست به عین تاب(عینتاب= عنتاب) از اعمال حلب.

نسخ، کاتب محمد بن احمد الاسری(کذا)، تاریخ تحریر ۲۷ ربیع الثانی ۱۰۲۹، عناوین ابواب و موضوعات در حاشیه بشنگرف، کاغذ آهار مهره شده، ۲۷ و ۲۸س، ۱۷گ ۱۵×۲۰، جلد مقوا با رویه پارچه، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۱۱۸

تأسیس الصحّة فی شرح اللّمحة

(۲۴۴۹۶)

(عربی)

شرحی است مزجی از ابن الامشاطی(مظفرالدین محمود بن احمد بن حسن بن اسماعیل بن یعقوب بن اسماعیل العنتابی)[1] بر اللّمحة از تألیفات ابن امین الدّوله[2](ابن امیرالدوله در البدر الطالع: ۲: ۲۹۳ محرف است) که آنرا براساس اقوال ابن سینا در قانون و رازی در حاوی و ابن هبل در المختار و ابن نفیس کرمانی در شرح اسباب و علامات و غیرهم تألیف نموده است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی شرح فی ادنی من لمحة المشکلات الادواء و الاسقام».

انجام: «قطع ذنبه و خلی فی البیت قبل البواقی من الفار و الله تعالی اعلم و احکم».

نسخ، کاتب: نامعلوم، تاریخ کتابت قرن دوازدهم، کاغذ حنائی هندی، عناوین بشنگرف، اوراق وصالی و برخی بکلّی ضایع شده، جداول اوراق به سرخی و لاجورد، جلد تیماج مشکی فرنگی، ۲۲س، ۳۲۳گ ۱۸×۲۸، وقفی مقام معظم رهبری در ۱۳۷۶.

---

[1]. متولد در حدود ۸۱۲ در قاهره به قول سخاوی در ضوء اللامع(۱۰: ۱۲۸) که معاصر او بوده و متوفی در ربیع الاول ۹۰۲ در همانجا به قول شوکانی در البدر الطالع(۲: ۲۹۳).

[2]. حاجی خلیفه نام مؤلف لمحه را عفیف ابوسعد بن ابی سرور الساوی الاسرائیلی می‌نویسد و من علی العجاله نمی‌دانم که این شخص همان ابن امین الدوله است یا احتمالاً فر دیگری است».

۱۱۹

جامع الفوائد

(۱۳۱۶۴)

(فارسی)

شرح یوسف بن محمد بن یوسف هروی متخلص به یوسفی است(متولد در سنه ۹۵۰ در هند) بر منظومه طبی مفصّل خودش موسوم به علاج الامراض که به لحاظ این که وصف یک نسخه از ایـن شـرح را بانضمام مختصری از ترجمه احوال یوسفی ذیل حرف زاء(زاد المسافرین تحت رقم ۱۰۳۱۱) بدست خواهیم داد در این موضع دیگر در این خصوص چیزی نمی‌نویسیم. این شرح را یوسفی درسنه ۹۳۷ به اتمام رسانیده است.

آغاز: «بسمله حمد نامحدود حکیمی را که بقانون حکمت و کامل الصناعه رحمت رافع انواع امراض و دافع اصناف اعراض است».

انجام:

تاریخ سال تا که شود روشنت بگیرقاروره و چهارصد و سی فزا بر آن

نسخه مصدر است به رساله انوار حکمت در موضوع اخلاق در هفده ورق بفارسی و سـه قصـیده در موضوع طب یکی در حفظ صحت بنام ظهیرالدین محمد بابر و دیگری در لغات طبی هندی و قصیده سوم در اسماء اجناس ادویه».

آغاز: «بعد از حمد حکیم دانا و تحت زبده رسل و انبیا صلی الله علیه و آله و اصحابه نموده می‌آید که این قصیده‌ایست(و بعد از چند سطر).

ای که داری تن درستی از در حکمت درآی تا بعلّتهای گوناگون نگردی مبتلا

شیر را بسیار خوردن ای که عادت کرده‌ای ترک عادت کن که خواهد شد برص پیدا ترا

انجام: از خدا امید میدارم که گیرد هر زمان دشمنش را آنچنان دردی که نپذیرد دوا

(۱۷-۲۰)

آغاز قصیده دوم:

نام هر چیزی بهندی بشنو از من ای پسر تا ز نام هر دوائی نفع برداری مگر

انجام: از ضرر دارد مدامت در پناه خویشتن آنکه در عالم بتقدیرش بود نفع و ضرر

آغاز قصیده سوم:

گر کنی سویم از دل و جان مشکلات ترا کنم آسان

انجام:

دارد امید مغفرت گر چه نامه او سیه شد از عصیان[1]

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ حنائی، ۱۲س، ۱۴۵گ ۱۱×۱۷/۵، جلد تیماج مشکی ساده، واقف عبدالباقی آیت اللهی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۱۲۰

جامع الفوائد

(۱۳۱۶۴)

نسخه بقدر یک صفحه از ابتدا و مقداری از آخر کسر دارد.

آغاز موجود: «شده با زواید و فواید».

---

[1]. بعد از این قصیده مثنوی کوتاهی است در سه صفحه در مذمت بخل و بخیل از یوسفی مذکور.

انجام موجود: «و علک رومی زیر بینی دود کند مفید است».

نستعلیق، کاتب امیر حمزه اثنا عشری بن سلطان محمد مزدا نقیمی(کذا)، تاریخ تحریر ۱۰۵۴، عناوین بشنگرف، جلد تیماج ضربی لبه‌دار با حاشیه قلمدانی، ۱۷س، ۵۸گ ۱۱×۲۰، کاغذ نخودی، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۱۲۱

جامع الفوائد

(۱۳۳۳۱)

این نسخه مذیّل است اولاً به سه رساله منظوم دیگر یوسفی یعنی فوائد الاخیار و رساله در تدبیر مأکول و مشروب و رساله حفظ صحّت که شرح همه آنها را ذیل همان زاد المسافرین(تحت رقم ۱۰۳۱۱) مسطور داشته‌ایم، و ثانیاً به ۴۲ ورق منظومه در طب بزبان فارسی که ببحر تقارب و از شهاب الدّین بن عبدالکریم است از اطبای هند ظاهراً و آغاز آن از این قرار است:

علاجی مجرب بگویم ترا بانواع دردسر آرد شفا

دو ماهه(کذا) ز سندی دو از زعفران دو ماهه ز نابات مصری ستان

بکن آس باریک آنگه به بیز درو شش درم روغن گاو ریز الخ

انجام:

بکند وی غلّه اگر در دهد ز زنگار از مور بی‌شک رهد

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۲۶، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری، جلد مقوا، مختلف السطور، ۱۲۶گ ۱۵/۵×۲۱، واقف عباس فخیمی، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۶۲.

۱۲۲

جدریه

(۵۰۹۶)

(عربی)

رساله فوق العاده مشهوری است از تصانیف محمد بن زکریای رازی در چهار فصل و فصل آخر مشتمل بر ده مقاله بتفصیل ذیل:

– فی سبب الجدری و لم صار لایکاد تفلت منه الا الواحد و الواحد من الناس.

– فی ذکر الابدان المستعدۀ للجدری و ذکر الاوقات التی تعار فیه الجدری کثیراً.

– فی العلامات الدالهٔ علی ثوران الجدری و الحصبه.

– فی ذکر اعراض تدابیر الجدری جملا.

فهرست ابواب فصل چهارم

– فی الاحتراس من الجدری قبل ان یظهر علاماتها و منعه ان یکثر ظهورها.

– فیما یسرع ابراز الجدری و اظهاره الی خارج و عون الطبیعهٔ علی ذلک.

– فی العنایهٔ بالعین و الحلق و المفاصل و الاذن و ما یحتاج ان یعتنی به عند ظهور علامات الجدری.

– فیما یعمل بنضج ما ینضج من الجدری.

– فی تخفیف النضج من الجدری.

– فی ما یقلع قشور الجدری و الخشکریشات.

– فیما یقلع آثار الجدری من العین و سائر الجسد.

– فی تدبیر غذاء المجدور.

– فی تدبیر الطبیعهٔ المجدور.

– فی السلیم و المهلک من الجدری.

آغاز: «بسمله، الحمدلله حمد دایما یمتری التزید من عبده... قال محمد الزکریا الرازی جری ذات لیلهٔ فی مجلس رجل الخ».

انجام: «و لواهب العقل الحمد بلا نهایهٔ کما هو له اهل».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی آهار مهره، ۲۰س، ۲۱گ ۱۱×۱۹/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف نادرشاه.

۱۲۳

جواهر الفواید النفیسیهٔ

(۱۲۷۴۳)

(فارسی)

اصل کتاب بزبان عربی و موسوم است به جامع الجواهر النفیسیهٔ تألیف ضیاء الدّین ابوالقاسم محمد حسین بن محمد قاسم بن محمد هادی الطبیب الاصفهانی متخلص به اوحدی از فضلا و اطبای ملازم دربار فتحعلی شاه قاجار و ترجمه فارسی آن که مسمّی است

به جواهر الفواید النفیسیهٔ المنثورهٔ علی الحضرل الخاقانیهٔ از همو و مرتب است بر چند مقاله(شش فصل در بیان سته ضروریه و یک فصل در ادّله نبض و فصل دیگر در ادلّه قاروره) و خاتمه‌ای و موشّح بنام پادشاه مذکور است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی جعل شفاء الاسقام فی طبایع العقاقیر کما جعل للاسقام فیها لو تجاوزت عن المقادیر».

انجام: «و پوشیدن کتان پاک نرم ازاله نماید» (ناقص).

نستعلیق شکسته، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن سیزدهم، جای عناوین بیاض، کاغذ شکری آهار مهره، جلد مقوا، ۱۶س، ۶۹گ(با رساله ضمیمه آن که عبارت باشد از رساله فی ما لابد من معرفهٔ التقویم تألیف احمد بن مهدی شریف اصفهانی) ۱۴/۵×۲۱، وقفی حسین کی استوان در آبان ۱۳۴۸.

۱۲۴

الحاوی فی علم التداوی

(۵۰۷۳)

(عربی)

مؤلف آن فقیه نجم الدین محمود بن الیاس شیرازی از رجال علمی قرن هفتم است[۱] که در فنون و علوم مختلف نظیر فقه و شعر بخصوص طب دست داشته و صاحب تألیفاتی در این موضوعات بوده است مانند شرح فصول بقراط و کتاب التشریح و الرسالهٔ الثلجیهٔ و کتاب الاغذیهٔ و الاشربهٔ و رشیدیه(لطائف رشیدیه) که موشّح است بنام خواجه رشیدالدّین فضل الله همدانی وزیر فاضل و بارع غازان خان و اسرار النکاح که بموجب قول معین الدّین ابوالقاسم جنید شیرازی در شّد الازار دیباچه‌ای در عشق داشته و کاشف از آنست که نجم الدّین از عشق الهی مجرّد از هواجس در عشق داشته و کاشف از آنست که نجم الدّین از عشق الهی مجرّد از هواجس نفس بی‌نصیب نبوده است چنان که در همان موضع گفته:

تردّدُ انفاس المحبِّ دلایلٌ   عَلی کُنه ما اخفاه من الم الحبِّ

اذا خطَراتُ الحبِّ خامرنَ قلبَهُ   تنفّسَ حتّی ظَلَّ مُنصَدعَ القلبِ

---

[۱]. ترجمه احوالش در شدالازار مسطور است(۲۷۷-۲۷۸) و در آنجا آحاد و عشرات از سال وفات او ساقط و فقط عقد مآت یعنی ستمائهٔ باقی است و به لحاظ این که فوت برادرزاده او جلال الدّین احمد بن یوسف بن الیاس بتصریح مؤلف کتاب مذکور در سنه ۷۴۴ بوده(ص ۲۷۹) عصر تقریبی نجم الدّین محمود را می‌توان از اینجا بدست آورد(مراجعه شود به حاشیه مربوط به«اختیارات بدیعی» تحت رقم ۵۰۳۵ در همین کتاب که در آنجا دو تن دیگر از افراد این خاندان را معرفی نموده‌ایم) و ناگفته نماند که مؤلف فهرست کتابخانه آستان قدس را سهو عظیمی دست داده است در نسبت این کتاب به محمد بن زکریاء رازی و یکی دانستن آن با کتاب حاوی از تألیفات او(۳: ۲۵۳) و این سهو لابد به تبع او عیناً راه یافته است به چهار مقاله(ص ۳۸۶) که بعدها مرحوم قزوینی خود ملتفت این مطلب شده و در حاشیه شدالازار آن را رفع نموده‌اند.

و این محمود بن الیاس چنان که در تخلیص براون از موضوعات مکاتیب رشید الدّین فضل الله دیده می‌شود(طب اسلامی، ۱۲۶)

مدتی نیز تصدّی بیمارستان شیراز و موقوفات آنرا از جانب وزیر مذکور داشته است.

موضوعات مقالات کتاب و تعداد ابواب هر مقاله بشرح مذکور در ذیل است:

مقاله اول- در علل حادثه از سر تا قدم، در ۱۲۵ باب.

مقاله دوم- در حمیات(انواع تب)، در ۲۵ باب.

مقاله سوم- در علل ظاهری بدن، در ۱۰۸ باب.

مقاله چهارم- در ذکر ادویه مفرده Simple drugs بترتیب حروف تهجی.

مقاله پنجم- در بیان ادویه مرکبه Compound remedies و نحوه ترکیب آنها.

در ۵۰ باب.

فهرست موضوعات ابواب مقاله اول

- فی الصداع.

- فی الشقیقهٔ.

- فی الدوار.

- فی السدر.

- فی السرسام(delirium).

- فی السّباب.

- فی السهر.

- فی السبات السهری.

- فی الصرع.

- فی النسیان.

- فی المالیخولیا.

- فی السکته.

- فی الفالج.

- فی التشنج.

- فی اللقوۀ و الاختلاج و الزکام.

- فی الرعشۀ.

- فی ضعف البصر.

- فی الرمد.

- فی الطرفۀ.

- فی الظفرۀ(ناخنک).

- فی السبل.

- فی الجرب العین.

- فی الماء.

- فی الجهر(روزکوری).

- فی العشاء(شب کوری).

- فی البیاض.

- فی الشعر المنقلب.

- فی انتشار الاشفار.

- فی الحول.

- فی القمل فی الاشفار.

- فی القروح فی العین.

- فی الحرقۀ الحادثۀ فی العین.

- فی حفظ صحۀ العین و جلائها.

- فی وجع الاذن.

- فی الصمم.

- فی الدوی و الطنین.

- فى حفظ السمع.

- فى الهوام و الماء فى الاذن.

- فى الحشم.

- فى نتن الانف.

- فى بواسير الانف.

- فى قروح الانف.

- فى الرعاف.

- فى امراض السنان و اللثة.

- فى القلاع.

- فى سقوط اللهاة.

- فى البخر و تغيير النكهة.

- فى الخوانيق.

- فى الشوک و العظام.

- فى وجع الاسنان.

- فى امراض اللّسان.

- فى الزكام و النزلة.

- فى سيلان الدّم و اللعاب من الفم.

- فى السّعال.

- فى تغيير الصوت.

- فى امراض القلب.

- فى الغشى.

- فى ذات الرية و السّل.

- فى ذات الجنب و الشوصة.

- فی امراض المعدۀ.

- فی وجع المعدۀ.

- فی الشهوۀ الکلبیۀ و القواقر و النفخ فی البطن.

- فی الشهوۀ الکلبیۀ.

- فی سوء الهضم.

- فی الفواق.

- فی نقصان الشهوۀ و بطلانها.

- فی القولنج.

- فی القی و التهوع و الغثیان.

- فی الهیضته.

- فی المغص و القراقر.

- فی الاسهال.

- فی اسهال الدم.

- فی زلق الامعاء.

- فی الدیدان(کرمها).

- فی امراض الکبد.

- فی ضعف الکبد.

- فی اورام الکبد.

- فی الیرقان.

- فی الاستسقاء و سوء القنیۀ.

- فی امراض الطحال.

- فی اورام الطحال.

- فی امراض الکلیۀ و المثانۀ.

- فى تقطير البول.

- فى احتباس البول و عسره.

- فى سلس البول و البول فى الفراش.

- فى بول الدم.

- فى الحصا و الرمل فى الكلى و المثانة.

- فى اورام الكلى.

- فى اورام المثانة.

- فى قروح المثانة.

- فى جرب المثانة و حرقتها.

- فى الاورام الانثيين و القضيب.

- فى علل اعضاء التناسل.

- فى سرعة الانزال.

- فى مداواة من افرطت عليه شهوة الجماع.

- فى درور المنى و الوذى و سيلانها من غير ارادة.

- فى الغذيوط.

- فى الفتق.

- فى كثرة الطمث.

- فى سيلان الرحم.

- فى احتباس الطمث.

- فى العقر و عسر الحبل.

- فى كثرة الاسقاط.

- فى عسر الولادة.

- فى احتباس المشيمة و الجنين الميت.

فهرست مباحث ابواب مقاله دوم

- فی الحمیات الیومیهٔ.[1]

- فی الحمیات العفینهٔ.

- فی حمی الغب.[2]

- فی حمی الغب الغیر الخالص و شطر الغب.[3]

- فی الحمی و المحرقهٔ.

- فی الحمی المطبقهٔ.[4]

- فی الحمی البلغمیهٔ الدایرهٔ.

- فی الحمی اللثقهٔ.

- فی الحمی الربع الدائرهٔ.

- فی الحمی الربع[5] الدائمهٔ.

- فی حمی الخمس و السدس و السبع.

- فی الحمیات المرکبهٔ.

- فی الحمی المعروفهٔ بانثیالوس.

- فی الحمی المعروفهٔ بلیفوریا.

- فی الحمی العشیهٔ الخلطیهٔ.

- فی الحمیات اللیلیهٔ و النهاریهٔ.

- فی الحمی الوبائیهٔ.

---

١. quotidian.

٢. tertian.

٣. double tertian.

۴. inflamatory fever, remittent.

۵. quartian.

- فى حمى الجدرى و الحصبة.

- فى حمى الدق.

- فى دق الشيخوخة.

- فى البحران.

- فى العلامات المحمودة و الصالحة.

- فى العلامات الرديئة.

- فى الانذار بالحوادث.

- فى الانتقال من علة الى علة اخرى.

- فى تدبير الناقهين من المرض.

فهرست مطالب ابواب مقاله سوم

- فى كيفية حدوث الاورام و البثور و الفلعمونى.

- فى الحمرة.

- فى النملة.

- فى الجاورسية.

- فى الجمرة.

- فى النار الفارسى.

- فى التقاطات.

- فى الشرى.

- فى الماسرا.

- فى الطاعون.

- فى الاكلۀ.

- فى اورام المغاين.

- فى الدبيلۀ.

- فى الخراج.

- فى الدماميل.

- فى الورم الرخو المسمى باوذيما.

- فى الورم الصليب المسمى بلسقيروس.

- فى الورم الريحيى.

- فى السّلع.

- فى الغدد.

- فى العقد.

- فى السرطان.

- فى الخنازير.

- فى العرق المدينى.

- فى السعفۀ.

- فى الحصف.

- فى البثور الصغار.

- فى بنات الدليل.

- فى الثاليل.

- فى البلخية.

- فى البسطم.

- فى التوثة.

- فى الداخر.

- فى ابورسما.

- فى بثور الغريبة.

- فى الجدرى.

- فى الحصبة.

- فى القوباء.

- فى الجرب.

- فى الحكة.

- فى الجذام.

- فى البرص.

- فى البهق الابيض.

- فى البهق الاسود.

- فی الکلف.

- فی الخیلان و البرش و النمش.

- فی الخضرة و الوشم و آثار القروح و الجدری.

- فی البادسام.

- فی فساد اللون.

- فی الحزاز.

- فی داء الثعلب.

- فی انتشار الشعر و الصلع.

- فی الشبب.

- فی ما یتعلق بالزینة.

- فیما ینعم البشرة.

- فی القمل و الصئبان.

- فی کثرة العرق و عرق الدم.

- فی احتباس العرق.

- فی شقوق الاطراف و الوجه الشفتین.

- فی شقوق القدمین و الیدین و العقب و عقر الخف.

- فی سحوح الجلد.

- فی تقشر الجلد.

- فی الهزال المفرط.

- فی السمن المفرط.

- فی شیخ جلدهٔ الرأس.

- فی عظم الرأس.

- فی علل الاظفار.

- فی انتقاح الاصابع من الحکهٔ.

- فی تفرح القطاهٔ.

- فی الصنان.

- فی فساد الاطراف بالبرد.

- فی حرق النار و الماء و غیر ذلک.

- فی الجراحات.

- فی جراحهٔ العصب.

- فی نشون الشوک و النصال و الزجاج.

- فی القروح.

- فی القروح العسرهٔ الاندمال.

- فی النواصیر.

- فی القروح الساعیهٔ.

- فی القروح المعروفهٔ بالحراق.

فهرست مباحث ابواب مقاله پنجم

- فی الحبوب المسهلۀ.

- فی الاقراص.

- فی السعوفات.

- فی المربیات.

- فی المعاجین.

- فی الجوارشنات.

- فی المفرحات.

- فی الایارجات.

- فی السعوطات.

- فی الغواغر.

- فی السنونات.

- فی الاطلیۀ.

- فی الضمادات.

- فی النطولات.

- فی العطوسات.

- فی الحقن.

- فی الشیافات.

- فی الفرازج.

- فی المتیات.

- فی حابسات القی.

- فی حابسات الرعاف.

- فی الادویهٔ المدرهٔ للبول.

- فی مدرات الحیض.

- فی الادویهٔ القاطعهٔ لشهوهٔ الطین.

- فی المسمنات.

- فی الاطریفلات.

- فی الخضابات.

- فی الادویهٔ الحبل.

- فی التریاقات.

- فی بیان ما یبقی من قوی الادویهٔ المرکبهٔ و افعالها من الرمان.

- فی امتحان التریاق.

- فی ما یدر العرق و فیما یمسکه.

- فی الادویهٔ الاسنان.

- فی الاکحال.

- فی البرودات.

- فی الذرورات.

– فی الشیافات.

– فی المراهم.

– فی الذرورات المتصقهٔ للجراحات.

– فی الحلاوی.

– فی اللحوم، انتهی.

آغاز: بسمله، الحمدلله الواحد الماجد السبوح خالق الجن و الانس رب الملائکهٔ و الروح.

انجام موجود: «الباب الثانی و الخمسون فی اللحوم و به نختم الکتاب... و الاعضاء التی فی حد الکبر الی ناحیهٔ الذنب یکون ابطأ».

نسخ درشت، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن هشتم، کتاب یک ورق از اول و چند ورق از آخر نسخه از اوائل قرن نهم، کاغذ دولت آبادی، عناوین مقالات و ابواب بخط ثلث جلی و بسیاهی و شنجرف، جلد تیماج خرمائی ضربی با عطف و سجاف تیماج مشکی، کتیبه به سفیداب محرر در زمینه زر، ۲۰ و ۲۱ طری، ۳۵۱گ ۱۷×۲۵/۵، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۲۵

الحاوی فی علم التداوی

(۱۵۶۸۳)

این نسخه کامل وآغاز آن مانند نسخه قبل است.

انجام: «قدر الکفایهٔ و یحرک تحریکا جیدا او... باللوز و الفستق المقشرین تمت بحمدالله و حسن توفیقه».

در صدر نسخه دو صفحه نامه ابن سیناست به شیخ ابوسعید ابوالخیر در توضیح کیفیت زیارت و حقیقت دعا که چنین شروع می‌شود«بسمله هذه رسالهٔ للشیخ الرئیس اجابهٔ لالتماس الشیخ ابی سعید بن ابـی الخیر سألت بلغک الله الخ»، و در ذیل آن نیز رساله کنوز المعزمین است در چهار صفحه در طلسمات و نیرنجات که علی الظاهر ترجمه فارسی رسالهٔ النیرنجیات منسوب به ابن سیناست.

آغاز: «بسمله حمد و سپاس خدایرا که افریده کار(کذا) جهان است و بدیدارنده زمین و زمان و هست کننده طبایع و ارکان است».

انجام: «و طهارت لباس و خلوت شرط است و لعنت بر انکه در محرمات استعمال نماید».

نسخ، کاتب: اسدالله، تاریخ تحریر ۱۲ ذی الحجه ۱۱۷۳، کاغذ حنائی، عناوین ابواب درمتن و حاشیه به شنجرف، و بخط ثلث، جلد تیماج فرسوده مستعمل، ۲۰س، ۲۵۶گ ۱۸/۵×۳۰، خریداری آستان قدس در اردیبشهت ۱۳۶۷.

۱۲۶

الحاوی فی علم التداوی

(۸۹۳۳)

نسخ، کاتب عبدالصمد بن مسعود بن حاج علی، تاریخ تحریر ۹ شوال ۸۹۴، کاغذ حنـائی، ابـواب و عناوین بشنجرف، جلد ساغری با عطف و گوشه تیمـاج، ۲۹س، ۱۸۱گ ۱۷×۲۴، نسـخه سـابقاً در ملکیت شعاع الدوله بوده، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۰.

۱۲۷

الحاوی فی علم االتداوی

(۲۲۷۲۰)

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر محرم ۱۰۷۷، ابواب و عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، جلد میشن، دو رویه لبه‌دار، ۲۸س، ۱۷۶گ ۱۶×۲۵/۳، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۱۲۸

حدود الامراض

(۵۱۷۲)

(عربی)

وجیزه‌ای است در بیان حدود و تعریف امراض از سر تا پا بدون ذکر طریقه علاج و مداوای آنها تألیف محمد بن ابی المجد بن ابی مسلم طبیب که در آن در حدود دویست نوع از امراض تعریف شده. بر این رساله میرزا خان طبیب گیلانی شرحی نوشته که یک نسخه از آن را بنام حل حدود الامراض در موقع خود معرفی خواهیم نمود، ان شاءالله العزیز.

آغاز:بسمله، الحمدلله الکریم الجلیل الذی یشفی بکمال حکمته و لطفه السقیم و بتفریق اتصاله، تمت».

بدنبال آن رساله مختصر مجهول المؤلفی است در یک ورق در خصوص آداب معالجه مشتمل بر دو فایده:

۱. فی اختیارات نجومیه لابد من معرفتها فی العلاج.

۲. فی الرمد، و چنین آغاز می‌شود: «بسمله فهذه فوائد متفرقه جمعتها من رسائل متعددة نفعتی الله بها و بامثالها بحرمة الاصفیا».

انجام: «فالتمکید بالجاورس المدقوق المتحول فی خرقهٔ کتان».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دهم و اوایل قرن یازدهم، عناوین به خط ثلث، ۱۹س، ۱۲گ ۱۱×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، کاغذ نخودی آهار مهره، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۱۲۹

حدود الامراض

(۵۰۷۷)

آغاز: مانند نسخه قبل.

انجام: «و یظهر علی الوجه و الاطراف» (بمقدار نیم صفحه در قطع جیبی کسر دارد).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، صفحات برخی معلّق به حواشی فارسی و عربی،کاغذ نباتی آهاری، ۱۴–۱۵س، ۱۹گ ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، وقفی آقا زین العابدین خادم اصفهانی در ۱۱۶۶.

۱۳۰

حفظ الصّحه ناصری

(۹۷۰۸)

(فارسی)

مؤلف این کتاب محمد کاظم گیلانی است که آنرا بدستور ناصرالدّین شاه قاجار در موقعی که به چمن سلطانیه آمده بود در باب حفظ صحت تألیف نموده و در مقدّمه‌ای مشتمل بر سه فصل و چهار مقالـه مفصّل بر عدّه‌ای فصول و خاتمه‌ای شامل ده فایده بشرح زیر تدوین و بنام او تسمیه کرده است.

مقدمه:

- در تعریف علم طب و بیان حاجت(کذا، شاید مباحث) و موضوع آن و تعریف صحت و مرض.

- در شرایط حفظ صحت.

- در تکلیف طبیب در امر حفظ صحت.

مقالات:

- در تدبیر سته ضروریه(مشتمل بر هشت فصل).

- در تدبیر ابدان بمقتضای هر سنی، در سه باب:

ا) در تدبیراطفال.

ب) در تدبیر جوانان.

ج) در تدبیر پیران.

- در تبدیل ابدان خارجه از اعتدال، مشتمل بر شش باب:

ا) در تدبیر مزاج حار.

ب) در تدبیر مزاج بارد.

ج) در تدبیر مزاج رطب.

د) در تدبیر مزاج یابس.

هـ) در تدبیر کسی که بسیار فربه باشد.

و) در تدبیر کسی که بسیار لاغر باشد.

- در تدبیر مسافر و حفظ صحت هر عضوی از اعضاء مشتمل بر دو باب:

ا) در تدبیر مسافر بر و بحر در دو فصل.

ب) در حفظ صحت اعضا، شامل هشت فصل.

خاتمه:

در بیان انواع مزاج و منافع آنها، مشتمل بر ده فایده.

آغاز: «سبحانک اللهم یا قدوس یا طبیب النفوس».

انجام: «که در علم و عمل آن محفوظ و محظوظ بمانند... فراغ از تسوید و تحریر این رساله دردار المرز رشت... واقع شد در عشر اول از شهر رجب سنه سبعهٔ و سبعین و مأتین بعد الالف من الهجرهٔ النبویهٔ».

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب ظاهراً خود مؤلف در سنه مذکور، کاغذ نخودی آهاری، جلد تیماج ماشی یک لا، مختلف السطور، ۱۰۸گ ۱۳×۲۰، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۴۶.

۱۳۱

حقایق اسرار الطّب[۱]

(۵۰۷۶)

(عربی)

[۱]. مصدر است به رساله‌ای فارسی در بیان درجات ادویه تحت رقم ۱۹۱۸۹ که آنرا در موضع خود به عنوان درجا ادویه معرفی خواهیم نمود.

تألیف مسعود بن محمد السّجزی است در تعریف الفاظ و عبارات و اسامی و مصطلحات علم پزشکی و حدود آنها و مشتمل است بر سه فن هر فن به اقسامی و هر قسم مفصّل به فصولی بتفصیل ذیل:

فن اوّل: فی مهیات الاشیاء التی یتعلق بکلیات الطب، و این فن منقسم است به سه قسم:

الف) فی تعریف الالفاظ الکلیهٔ التی تحتاج الیها ارباب الصناعهٔ.

ب) فی تعریف الاسماء العلل المشهورهٔ و الامراض المعروفهٔ.

ج) فی تعریف اسماء الادویهٔ المرکبهٔ وافعالها و ما یتعلق بها.

فن دوم: فی کیفیات الاعمال و الصناعات المتعلّقهٔ باصول الطب و این فن منقسم است بر دو قسم:

الف) فی کیفیهٔ اتخاذ الادویهٔ و التقاطها و ضبطها و ما یتعلق بهذه الامور.

ب) فی کیفیهٔ استعمال الادویهٔ من الدقاق و الطبخ و السحق و الاحراق و غیر ذلک مما یتعلق بهذه الاعمال.

فن سوم: فی کمیات اقسام الامور، و این فن منقسم به ده قسم است:

الف) فی الثنائیات، الی کم ینقسم الطب.

ب) فی الثلاثیات، کم احوال بدن الانسان.

ج) فی الرباعیات کم الارکان الخ تا برسد به العشاریات کم اجناس النبض که خود بر دو قسم منقسم می‌شود:

۱. فی عدد العظام.

۲. فی عدد العضلات.

آغاز: «بسمله قال الطبیب الفاضل و الحکیم الفاضل مسعود بن محمد السجزی انی اقتصرت فی هذا الکتاب»

انجام: «الاصابع اثنان و عشرون عضلة».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذی القعدة الحرام، سنه ۹۸۸، کاغذ نخودی، ۱۵س، ۷۹گ ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون(اسدالله الخاتونی بن شیخ محمد مؤمن).

۱۳۲

حقایق الطّب

(۵۱۷۳)

(عربی)

مختصری است از حاج محمد کریم خان کرمانی در ذکر اسباب حقیقی امراض بزعم او و بیان احادیث و مباحث کلامی و فلسفی در خصوص حکم الهیئة متعلق بکلیّات طب نظری و شرح مختصری راجع به عالم هورقلیا مشتمل بر مقدّمه و ده باب و خاتمه‌ای بشرح زیر:

مقدمه – فی بیان امور یجب تقدیمها و فیها الرد علی من یقول بان صانع الملک هو الطبیعة.

– فی حقیقة الجسم.

– فی اسطقسّات العالم.

– فی المزاج.

– فی الاخلاط.

– فی الاعضاء.

– فی ذکر القوی و الافعال.

– فی معنی الصحّهٔ و المرض.

– فی دلایل الامراض.

– فی حقیقهٔ الامراض.

– فی کلیات حفظ الصحّهٔ.

خاتمه – فی ذکر بعض الکلیّات من الاخبار.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان و علمه البیان و الصّلوهٔ علی اعدل الکون و الامکان».

انجام: «و صفات العاقیر فقد بالغ الاطباء فیها و لاحاجهٔ بنا الی ذکرها و قد فرغ من تألیف هذا الکتاب کاتبه و مولفه فی ضحوهٔ یوم الاربعا من العشر الاخر من شهر رجب من شهور سنهٔ اربع و ستین بعد المأتین و الالف حامدا مصلیا مستغفراً».[1]

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، کاغذ نخودی روشن، جلد تیماج مشکی ضربی، ۲۲س، عناوین در حاشیه و ابواب در متن بشنگرف، ۸۰گ ۱۷×۲۸، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۳۳

حقایق الطب

(۵۰۷۲)

نسخه کامل و آغاز و انجامش مطابق با نسخه قبل است.

[1]. نسخه بخط مؤلف نیست و قسمت اخیر عبارت منقول از خط مؤلف است.

نسخ، کاتب حسین بن امینا، تاریخ تحریر ربیع الثانی سنه ۱۲۹۸، جای عناوین بیاض، کاغذ شکری، جلد مقوا با رویه پارچه، ۳۱س، ۴۵گ ۱۷×۲۷، واقف سیدحسین یزدی، تاریخ وقف نامعلوم.

۱۳۴

حلّ حدود الامراض

(۵۰۷۸)

(عربی)

شرحی است از میرزا خان طبیب جیلانی بر رساله مختصر محمد بن ابی المجد بن ابی مسلم طبیب موسوم به حدود الامراض[1] که شارح آن را در منتصف شهر صفر ۱۱۲۴ باتمام رسانیده است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الواحد الماجد السبوح... لما رأیت المختصر الذی الفه حکیم الکامل».

انجام: «و تفرقها بسبب رطوبات تستکن تحت القحف والله اعلم... علی احسن ترتیب و افصح ترکیب و اجود تألیف علی قدر الامکان و طاقة البشری و الحمدلله رب العالمین...».

کتابت بدو خط نستعلیق و نسخ در زمان تألیف شرح، عناوین به شنگرف، نیمی از نسخه کاغذ حنائی و نیمی دیگر نخودی آهار مهره، ۱۱س، ۷۹گ ۱۳×۱۸، جلد تیماج جگری، واقف آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۱۳۵

حلّ شکوک الرازی علی کتب جالینوس[2]

---

[1] . دو نسخه از آن را در این کتاب در موقع خود معرفی نموده‌ایم.

[2] . در ظهر ورق اوّل نسخه نام کتاب بخط شخصی بنام عبدالمنعم بن عبدالقاهر بن ابی منصور الاسرائیلی المتطبب چنین است: «کتاب البیان و التبیین فی الانتصار لجالینوس تصنیف ابوالعلا بن زهر علی ما اخذ علیه فی جمیع کتبه»، ولی چنین اسمی برای این کتاب نه در خود نسخه و نه

(۱۳۹۹۷)

(عربی)

در میان تألیفات عدیده محمد بن زکریا رازی کتابی وجود دارد موسوم به شـکوک[۱] کـه موضـوع آن اختصاص دارد اساساً به ذکر خطاها و تناقضات اقوال و آراء جالینوس طبیب در خصوص مباحـث و مسائل مربوط به طب و فلسفه و الهیات و علوم طبیعی که بعدها یکی از مشاهیر علما و اطبّای اندلس دفع و حلّ همه این شکوک را بر کتب جالینوس بعهده گرفت و کتاب خاص مستقلّی در ردّ آن تألیف کرد که معروف است به حلّ شکوک رازی، و او ابوالعلاء زهر[۲] بن ابی مروان عبدالملک بن محمّد بن مروان بن عبدالملک بن خلف بن زهرالایادی فیلسوف و طبیب معروف اندلسی است که مدّتی در دربار المعتمد علی الله ابوالقاسم محمد بن المعتضد بالله ابی عمرو عباد آخرین امیر عبادی اشبیلیه بود و بعد از فتح این شهر بدست مرابطین بنزد امیر یوسف بن تاشفین رفت(متوفی در غرّه محرم سنه ۵۰۰) و از وی اعزازها دید و در دستگاه او منزلت و مکانتی عظیم یافت.

در عیون الانباء که اسامی تألیفات او را بدست داده مطلقا بنظر نرسید، و با توجه به این مطلب که تاریخ تحریر مطالب مذکور بطور قطع متأخر از اواسط قرن هفتم نیست و عبدالمنعم متطبّب نیز لابد آن را از پیش خود اختراع نکرده و از آن طرف با توجه به نسخه دیگر این کتاب محفوظ در کتابخانه عبدلیّه تونس تحت رقم ۱/۲۸۶۷ که موسوم است به التبیین فی قطع الشک بالیقین انتصاراً لجالینوس من الکشوک المنسوبهٔ لابی بکر الرازی شاید بتوان از روی این قرائن احتمال داد که نام کتاب در اصل همین بوده یعنی البیان و التبیین و عنوان حلّ شکوک اسم ثانوی آن است یعنی یکی علم موضوع است و دیگری علم بالغلبه.

[۱] . یک نسخه از این کتاب در کتابخانه ملک محفوظ است تحت رقم ۴۵۷۳(رساله ۲۲).

[۲] . متوفی در سنه ۵۲۵ به قرطبه و مدفون در اشبیلیه، و در زبان لاتین او را نظر به کنیه Alboali و Abuleli و Elbilule و نظر به کنیه و اسم معاً Albuleizor و Abulelizor می‌گویند. ترجمه احوال او و پدرش و پسرش(هر دو مسمی به ابو مروان عبدالملک و Avenzoar در زبان لاتین منصرف به پسر است مطرداً) و حفید ابوبکر محمد بن ابی مروان و پسرش ابن اخیر ابومحمد عبدالله که همگی از مشاهیر علما و اطبا در اندلس و مغرب بوده‌اند در تکمله ابن ابار(۱: ۳۳۴-۳۳۵ و سایر مواضیع) و بنحو مفصّل و مشروح در عیون الانباء(۲: ۶۴-۷۵) مسطور است و اخیراً ناگفته نماند که علی بن رضوان مصری نیز کتابی دارد در هفت مقاله موسوم به حلّ شکوک الرازی علی کتب جالینوس و آن را نباید با این کتاب ما نحن یه اشتباه نمود.

در مقدمه این کتاب ابوالعلا می‌گوید که من مصنّفات رازی که همگی حاکی از وفور علم و قوّت فهم و کثرت مطالعه او در خصوص مسائل و مباحث فلسفی و علمی است دیده‌ام امّا این کتاب را که سراسر مملو از افک و سفسفطه و قول زور است ابداً گمان نمی‌کنم ریخته قلم او باشد و ظنّ غالب من آنست که به قلم یکی از سوفسطائیه است که خواسته با انتساب آن به رازی او را در بین مردم بی‌اعتبار کند(بهمین جهت اقوال او را در همه مواضیع با قال السوفسطائی نقل می‌کند) و مؤید بر صحّت ظنّ من همانا اظهار شکر و قدردانی او نسبت به جالینوس است در مفتتح کتاب که با سایر مطالب آن که همگی طعن و اعتراض و ردّ بر او و تخطئه اوست ابداً نمی‌سازد و با فرض قبول صحّت انتساب آن به رازی باید چنین فرض کرد که او لابد این کتاب را یا تألیف کرده که هنوز به غور مطالب کتب جالینوس و دقائق و رموز علم منطق که فی الواقع میزان معانی و ممیّز متقاصر از متناصر است نرسیده و یا این که موقعی دست به تألیف آن زده که از علم طب به صناعت کیمیا توجّه نموده و بسبب تأثیر روایح زرنیخ و کبریت و این قبیل مواد در مغز و دماغ او فسادی و خللی راه یافته بوده است و پس از تمهید این مقدّمه منتهی قدری مفصّل‌تر شروع می‌کند به شرح و بسط تمام به نقل یکایک اقوال سوفسطائی معترض تحت عنوان«مسئله» و ردّ و نفض ونقد آنها ذیل عبارت«قال ابوالعلا بن زهر» در دو سفر به قرار تفصیل ذیل: سفر اوّل مشتمل بر شکوک کتاب البرهان(در ۱۲ مسئله) و منافع الاعضا(ایضا در ۱۲ مسئله) و آراء بقراط و افلاطون(در ۵ مسئله) و القوی الطبیعیهٔ(در ۸ مسئله) و الاسطقسات و طبیعهٔ الانسان(در ۲ مسئله) و کتاب المزاج(در ۲ مسئله)، و سفر دوم شامل شکوک ادویه مفرده(در ۱۵ مسئله) و کتاب المیامر(در ۲ مسئله) و کتاب قاطاجانس(در یک مسئله) و کتاب حیلهٔ البرء(در ۲ مسئله) و کتاب الاعضاء الالمهٔ(در ۲۱ مسئله) و کتاب العلل و الاعراض(در یک مسئله) و کتاب البحران(در ۲

مسئله) و کتاب الصناعة الصغیرة(در یک مسئله) و کتاب تدبیر الاصحاء(در ۲ مسئله) و کتب اغلوقن(در ۳ مسئله) و کتاب الذبول(در ۴ مسئله) و کتاب المرة السودا(در یک مسئله) و کتاب حرکات العضل(در یک مسئله) و کتاب فی ان قوی النفس تابعة لمزاج البدن(در ۳ مسئله) و کتاب المنی(در ۴ مسئله) و کتاب الاغذیه(در یک مسئله) و کتاب الفصول(در ۳ مسئله) و ما محض مزید فایده و بدست دادن اطّلاع از مشرب ابوالعلا در نفض آراء رازی اینک یک فقرهاز اقوال این دو طبیب را در خصوص موی سر و تن از کتاب میامر[۱] ذیلاً درج می‌نمائیم:

– «کتاب المیامیر – مسئله قال السوفسطائی ان جالینوس قال فی هذا الکتاب ان الشعر یفسد بفساد الرطوبات الذی تغذوه و قال فی کتاب المزاج الشعر انما هو بخار متلبذ بعضه علی بعض و قال ان الشعر لیس بغتذی و لیس حکمه حکم النبات بل هو شیء متراکم بعضه علی بعض ثم قال سقیت رجلا به داء الثعلب فی اول مرّة ستة درهم فی آخر مرة سبعة درهم و نصف من الایارج المتخذ بشحم الحنظل[۲] و هذا یکون قریبا من درهمین من حنظل قال ابوالعلا بن زهر لما ان جالینوس قال فی کتاب المزاج ان الشعر حکمه حکم النبات فکذب من قایله و من شاء فلیقصده و یتأمله قال السوفسطائی استقبل هذا و اختلفه بل الذی قاله من کتاب المیامیر و ما استعظمه علی جالینوس ما ذکره من کثرة شحم الحنظل من الدوا الذی استقرع به الرجل کانه دا الثعلب فلیس ذاک ما تنقضن اصلا من اصول جالینوس اذ لیس ممتنعان ان یوجد مزاج لایوثر فیه من الدوا المسهل الا ما قویت کیفیته و کثرت کیمیته فلست ادری کم قوماً شربوا

[۱]. جمع میمر و در زبان سریانی بمعنی مبحث و گفتار است و مقصود از آن ده مقاله اخیر از مجموع ۱۷ مقاله مذکور در ذیل است به نام الادویة المرکبة De compositione medicamentorun secondum و هفت مقاله اوّل آنرا قاطاجانس می‌گفتند.

[۲]. Colocynth= هندوانه ابوجهل

دوا و کان فیه درهم محموده[1] فما اثر فیه کثیر تأثیر و قوما اتخذوا دوا کان فیه فوق درهم و نصف من شحم الحنظل فما اثر فیهم یسیرا من التاثیر فکما انا نجد قوما توثر فیهم نصف شربهٔ من شحم الحنظل انکا[ن] التاثیر و اشده فکذالک الاختلاف لیس ببعید ان یوجد قوما لایوثر فیهم شربتان فصاعدا ذلک الاختلا[ف] امزجتهم و هذا انما هو ما سح لمذهب اهل التجربهٔ لا لمذهب اهل القیاسیین» انتهی.

تألیفات دیگر ابوالعلا عبارتست از کتاب الطّرر و کتاب الخواص و کتاب الادویهٔ المفردهٔ و کتاب الایضاح که ردّی است بر کتاب علی بن رضوان در ردّ کتاب المدخل فی الطّب تألیف حنین بن اسحق و مقالهٔ فی الرّد علی ابی علی بن سینا[2] فی مواضع من کتابهٔ فی الادویهٔ المفردهٔ و کتاب النکت الطّبیهٔ و مقالهٔ فی بسطه لرسالهٔ یعقوب بن اسحق الکندی فی ترکیب الادویهٔ و رسائل و مجرّبات[3] که بعد از وفات او علی[4] بن یوسف بن تاشفین امر بجمع آنها داد و در سنه ۵۲۶ نسخه‌ای از آن فراهم آمد.

از اشعار اوست مذکور در تکمله ابن ابار(۱: ۳۳۵) و با اندک اختلافی در عیون الانباء(۲: ۶۵):

یا راشقی بسهام ما لها غرضُ	الا الفؤاد و ما منه لها غوضُ
و مُمرض بجفون کلّها غنج	صحّت و فی طبعها التمریض و المرضُ
جُدلی و لو بیخیالٍ منک یطرقنی	فقد یَسد مَسدَّ الجوهرِ العرضُ

[1] . Scammony= السکمونی، سقمونیا

[2] . ظاهراً ابوالعلا در علوم پزشکی خود را ابداً از ابن سینا کمتر نمی‌دیده سهلست برای او قدر و منزلتی نیز قائل نبوده و مؤید این مطلب غیر از مقاله مذکور که در ردّ اقوال او در خصوص ادویه مفرده است مذمّت او از کتاب قانون است که بعد از تأمل در آن بکلّی آنرا بکناری انداخت و از آن بهیچ وجه استفاده نکرد الاّ بجهت نوشتن داروی بیماران بر روی اوراق آن.

[3] . از این کتاب یک نسخه در کتابخانه محمد شفیع در پاکستان(مجموعه شماره ۹۳) و یک نسخه در همان کتابخانه خدیویه(۶: ۲۶) محفوظ است.

[4] . از بناهای این علی بن یوسف جامعی است در مراکش موسوم به الکتیبهٔ که به نقل مانوئل جومیث مورینو در کتاب الفن الاسلامی فی اسبانیا(۳۴۹– ۳۵۰) از J.Sauvaget این عبارت بر منبر جامع مذکور منقوش است: «اللهم اعن الامیر(علی بن یوسف) بن تاشفین و من بعده ولی عهده».

آغاز: «بسمله رب یسر برحمتک، الحمدلله الذی اتقن کل شییء خلقه و احکم ما فتقه و رتقـه الـدال بمخلوقاته علی غایهٔ حکمته و المشیر بصفاته... اما بعد فانه لما کان الانسان مجبولا علی حب البقـا و الرغبهٔ عن الفنا و کان بقاؤه بذاته و دوام حیاته خارجین عن الامکان مباینتین لطبیعهٔ الحیـوان حـرص المرء علی بقا جمیل ذکره الخ».

انجام: «علینا و احسانا الینا تم الکتاب بحمدالله و منه لا رب غیره و لا معبود سواه».[1]

نسخ، کاتب: نامعلوم، تارخی تحریر اواخر قرن ششم، کاغذ سمرقندی، عناوین بخط ثلث جلی، ۲۹س، ۷۹گ ۱۶×۲۴، جلد تیماج مشکی دورو با ترنج و حاشیه ضربی، واقف فاضل خـان، تـاریخ وقـف ۱۰۶۵، (نسخه سابقاً در مدرسه فاضلیه بوده و بعد در سنه ۱۳۶۳ شمسی تحویل کتابخانه رضویه شده).

۱۳۶

حلّ موجز قانون

(۱۰۶۸۹)

(عربی)

شرحی است به قال- اقول از جمال الدّین محمد بن محمد الآقسرائی(از علمای معـروف عثمـانی در عصر سلطان مراد بن اورخان(جلوس به سلطنت در سال ۷۶۱) و بقولی نوه زاده امام فخـر رازی بـر موجز قانون ابن سینا از تألیفات علاء الدّین ابوالحسن علی بن ابی الحـزم القرشـی معـروف بـه ابـن النفیس(متوفی در ۶۸۷) که مدتی جزو مدرّسین مدرسه سلسله در قرامان بوده و در عربیـت و علـوم شرعی و نقلی تبحّر داشته و در موضوعات تفسیر و معانی و بیان و طب صاحب تألیفات و حواشـی

[1]. این عبارت آخر نسخه است ولی نسخه ناقص بنظر می‌رسد زیرا که در صفحه قبل که مقابل صفحه آخر است تحت عنوان«مسئله» موضوع ناتمامی رااز معترض در خصوص کتاب الفصول نقل می‌کند که جواب ندارد.

بوده و اسامی بعضی از آنها ضمن ترجمه احوال او در ذیل طبقه ثالثه از تراجم احوال علمای عثمانی در شقائق النعمانیه مطبوع در هامش وفیات الاعیان(۱: ۲۰–۲۲) مسطور است.

آغاز: «بسمله حمدله و بعد فان الطب علم شریف لشرف موضوعه و وثاقهٔ دلائله».

انجام: «مثقال واحد و فی العسل و السکر اربعهٔ مثاقیل والله اعلم بالصواب».

نستعلیق، کاتب محمد علی(نام او و پدرش را حک کرده‌اند)، تاریخ کتابت: ۲۱ جمادی الاول ۱۰۴۶، محلّ تحریر دارالامان لار، عناوین به شنگرف، کاغذ فستقی و حنائی و نخودی، ۲۰س، ۱۶۹گ ۱۵×۲۶، جلد میشن لبه‌دار ضربی با نقش ترنج و سرترنج، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۰.

۱۳۷

حلّ موجز قانون

(۵۱۷۵)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود اواخر قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم، برخی صفحات نونویس، عناوین در حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی، اکثر اوراق وصالی شده، ۲۰س، ۲۶۰گ ۱۷/۵×۲۳/۵۲، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ۱۳۱۶.

۱۳۸

حلّ موجز قانون

(۵۱۷۴)

این نسخه از آخر بقدر دو ورق افتادگی دارد.

انجام موجود: «مما هو مذکور فی المطولات و ان عرف نوعه و لایعرف شخصه».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، مختلف السطور، ۲۰۸گ ۱۴×۲۳، جلد تیماج عنابی، تاریخ وقف فروردین ماه ۱۳۱۵.

۱۳۹

حلّ موجز قانون

(۵۰۶۹)

این نسخه کامل و مذیّل است به سه ورق فواید متفرقه پزشکی و نجومی و تاریخی بزبان فارسی و عربی و ترکی و این قطعه از آنجاست:

تعلم من العینین ان کنت عاقلا	شهود جمال الغیر عند التواصل
و لا تک کالطاووس یعشق ریشه	فتبقی ملوما عند کل الکوامل
فان اخسّ النقص ان یدفع الفتی	قذی النقص عنه بانتقاص الافاضل
و ما عبّر الانسان عن فضل نفسه	بمثل اعتقاد الفضل فی کل فاضل

نستعلیق، کاتب قاسم بن حسن بن قاسم بن ابراهیم السلانیکی، تاریخ تحریر اواخر قرن دهم، عناوین به شنجرف، کاغذ نخودی، ۱۷س، ۱۶۷گ ۱۸×۲۸، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی، وقفی نادرشاه افشار در ۱۱۴۵، (در سنوات مختلف داخل عرض شده و قدیم‌ترین آنها سنه ۱۱۵۴ است).

۱۴۰

حلّ موجز قانون

(۱۵۶۸۰)

آغاز موجود: «احتراز عن المرض و الحالهٔ المتوسطهٔ».

نستعلیق تحریری زشت، کاتب نصیر بن ملا محمد دزفولی، تاریخ تحریر ۱۲۰۵، محل تحریر کربلا، ۲۶–۲۸س، ۱۹۱گ ۲۰×۳۲، بدون جلد، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۱۴۱

حل موجز قانون

(۲۲۷۴۹)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب حبیب الله بن ابراهیم تونو، تاریخ تحریر ۲۵ صفر ۱۰۰۲، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، بعضی اوراق معلق به حواشی، جلد تیماج ضربی، ۱۹س، ۳۰۴گ ۱۶/۵×۲۴/۵، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۱۴۲

خرقه

(۱۲۷۳۶)

(فارسی)

مختصری است در بیان علل و علاج ضعف قوه باه و موضوعات دیگر مربوط به آن مشحون به کنایات و تشبیهات و ایهامات و استعارات فراوان ادبی در سی فصل معنون به«بخیه» از مرتضی قلی خان شاملو صاحب منصب شمشیر برداری و حاکم هرات و قم از جانب شاه سلیمان(۱۱۰۵–۱۰۷۷) و یکی

از مشاهیر خطّاطان عصر صفویه. پدرش حسن بیگ[1] از بزرگان امرای طایفه شاملو و صاحب سیف و قلم و اباعن جد صاحب مناصب و مقامات عالیه بوده و چنان که در عموم کتب تذکره و تواریخ آن عهد مسطور است در زمان شاه عباس ثانی و شاه سلیمان مذکور حکومت هرات و بیگلربیگی[2] ایالت خراسان غالباً بعهده او(و قبل از او بعهده پدرش حسین بیگ و بعد از او بعهده پسر دیگرش عباسقلی خان[3]) مفوّض بوده و بموجب قول صاحب تذکره نصرآبادی دیوان شعری داشته که بالغ بر سه هزار بیت بوده است.[4]

آغاز: «بسمله سبحان الله رنگ امیزی بساط و سپاس حکیمی که خرقه معرفت را بر قامت صحیح مزاجان درست اعتقاد بریده».

انجام: «قماش دو رویه ظاهر و باطن آرایش آستین خرقه شهوت باد».

بلافاصله پس از آن رساله«تشریح البدن» (تشریح منصوری) است در شصت و یک ورق از منصور بن محمد بن یوسف بن الیاس که به لحاظ این که چند نسخه از آن را در موقع خود در حرف تاء معرفی نموده‌ایم در اینجا بیش تطویل کلام نمی‌دهیم.

آغاز: «بسمله شکر و سپاس بی‌قیاس پادشاهی را سزد».

انجام: «بفعل الله ما یشاء بقدرته و یحکم ما یرید بمشیته».

---

[1]. متوفی در هرات و مدفون در مشهد رضوی.

[2]. قدیم‌ترین جائی که این کلمه را دیده‌ام تاریخ وصاف است که می‌گوید: «پس طغارجار توئین رابیکلار بیکی ارزانی فرموده» (ص ۲۸۴).

[3]. مثنوی یوسف و زلیخای ناظم هروی موشّح بنام این شخص است.

[4]. این بیت معروف از اوست:

بروی لاله و گل خواستم که می نوشم ز شیشه تا بقدح ریختم بهار گذشت.

کتابت رساله اول شکسته و رساله اخیر نستعلیق، تاریخ تحریر«خرقه» شنبه ۲۴ شعبان ۱۲۳۱ و رساله تشریح ذی حجه ۱۲۳۳(این رساله دارای پنج شکل مربوط به تشریح استخوانها و غیره است)، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج عنابی یک لا، ۱۱س، ۱۳۳گ ۱۴/۵×۲۱، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۱۴۳

خرقه

(۸۷۰۴)

ناقص الآخر و مسطور است در هامش نسخه«ترجمه عجایب المخلوقات» محفوظ تحت رقم ۸۷۰۳ که در موقع خود در این کتاب معرفی شده.

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم(بقیه مشخصات مطابق است عینا با نسخه ترجمه عجایب المخلوقات مذکور).

۱۴۴

خرقه

(۷۲۵۰)

چند سطر از اوّل و چند کلمه از آخر را کاتب ننوشته است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهاری، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۳س، ۳۷گ ۱۵×۲۱، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۸.

۱۴۵

(۸۹۳۶)

(فارسی)

این کتاب از تألیفات زین الدّین اسمعیل بن حسن بن محمد بن احمد حسینی معروف به سید اسمعیل جرجانی[۱] (۴۳۴-۵۳۱) و فی الواقع بقرار تقریر خود او در دیباچه آن تلخیصی است بجهت علاء الدوله اتسز خوارزمشاه در دو مجلد کوچک از کتاب مفصّل معروف خود او موسوم به ذخیره، چنان که گوید: «چون از جمع کتاب ذخیره خوارزمشاهی فارغ شدیم بر لفظ عالی امیر اسفهسالار... علاء الدّولـة و الدّین ابوالمظفر سلطان خوارزمشاه... رفت که کتاب ذخیره کتاب بزرگست کتابی بایستی مختصر که هر وقت بر دست توان گرفت... و همواره در سفر و حضر با خود توان داشت... این مختصر در دو مجلد نهاده آمد بر قطع مطول(یعنی قطع بیاضی باصطلاح امروز) تا پیوسته در موزه توان داشت و بدین سبب این مختصر را خفی[۲]علائی نام نهاده آمد».

کتاب منقسم است به دو قسم علمی و عملی و قسم علمی آن مشتمل بر دو مقاله و قسم عملی آن مشتمل بر هفت مقاله است بشرح مذکور در ذیل:

بخش علمی

مقاله اول: در تدبیر حفظ صحت در ۱۶ باب:

---

[۱]. ترجمه احوال مؤلف و مآخذ راجع به او را در این کتاب ذیل«اغراض الطبیه» و«ذخیره خوارزمشاهی» بدست دادهایم و در این موضع حاجتی به تکرار آنها نیست.

[۲]. از این نوع کتابهاست کناش الخف تألیف اسحق بن حنین و خف بضم اوّل و تشدید ثانی بمعنی نوعی کفش و به اصطلاح جرجانی موزه است و در امثال عرب است رجع بخفی(تثنیه خف) حنین، و این که ریو در فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا(۳: ۴۷۵) آنرا بفتح اوّل و تخفیف ثانی نوشته و«مخفی و پنهان» معنی کرده از قبیل اجتهاد در مقابل نص و ناشی از عدم توجه او به مقصود مؤلف است از استعمال این کلمه.

- اندر تدبیر هوا.

- اندر تدبیر فصلهای سال.

- اندر تدبیر شهر و مسکن‌ها.

- اندر تدبیر جامه پوشیدن.

- اندر تدبیر غذاها.

- اندر تدبیر آب.

- اندر تدبیر شراب.

- اندر تدبیر خواب و بیداری.

- اندر تدبیر حرکت و سکون.

- اندر تدبیر استفراغ بداروی مسهل.

- اندر تدبیر استفراغ بداروی قی.

- اندر تدبیر فصد و حجامت.

- اندر تدبیر استفراغ‌های دیگر.

- اندر تدبیر اعراض نفسانی.

- اندر تدبیر پیران.

- اندر تدبیر مسافران.

مقاله دوم: اندر تقدمۀ المعرفۀ در هفت باب:

- اندر شناختن بیماری.

– اندر شناختن نضج.[1]

– اندر شناختن بحران.[2]

– اندر شناختن علامت صحت و امیدواری.

– اندر شناختن علتها که بعلت دیگر زائل شود.

– اندر حالهائی که در بدن انسان پدید آید و نشان بیماری بوده باشد.

– اندر شناخت وقت مرگ از بیماریها و نوبت تب.

بخش عملی

مقاله اوّل: اندر وصیّت‌ها که طبیب را اندر علاج گوش بدان باید داشت.

مقاله دوم: اندر اشارت کردن به علاج بیماریهای اندام از سر تا پای شخص بیمار را، در ۱۸ باب.

– اندر بیماریهای سر و دماغ.

– اندر بیماریهای چشم.

– اندر بیماریهای گوش.

– اندر بیماریهای بینی.

– اندر بیماریهای دهان و زبان و دندان و حنجره و حلق.

– اندر زکام و نزله و سرفه و ذات الجنب و ذات الریه و ضیق النفس.

– اندر بیماریهای دل.

– اندر بیماریهای معده.

---

۱. amelioration, coction.

۲. Crisis.

- اندر انواع اسهال.

- اندر انواع قولنج و غیر آن.

- اندر بیماریهای مقعد.

- اندر بیماریهای جگر.

- اندر بیماریهای سپرز.

- اندر انواع یرقان.

- اندر انواع استسقا.

- اندر بیماریهای گرده و مثانه و خصیه و ذکر.

- اندر بیماریهای زنان.

- اندر اوجاع نقرس و مفاصل و داء الفیل.

مقاله سوم: اندر تبها و آبله و حصبه و مانند آن.

مقاله چهارم: اندر آماسها و جراحت‌ها و ریش‌ها.

مقاله پنجم: اندر علاج شکستگی و کوفتگی و استخوان بیرون آمدن از بندهای خود.

مقاله ششم: اندر تدبیر زینت.

مقاله هفتم: اندر علاج زهرها.

آغاز: «بسمله، حمد له چون خادم دعاگو اسمعیل بن الحسین(کذا)... از جمع ذخیره خوارزمشاهی فارغ شد».

انجام: «یا در دهانش بهوش آید، والله اعلم بالصواب».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر پنجشنبه ۲۱ ذی القعده ۱۲۰۱، محل کتابت قریه تنگستان، عناوین و جداول اوراق بسرخی، کاغذ شکری، جلد تیماج مشکی ساده، مذیل به ۹ ورق در خصوص منافع و کیفیت سقنقور و امور طبیعی، مختلف السطور، ۹۵گ ۱۵×۲۱، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۰.

۱۴۶

خفی علائی

(۵۱۷۶)

کاتب دیباچه را حذف نموده و بجای آن از پیش خود عبارت کوتاهی نوشته است و تا اواسط باب اول از مقاله اول از بخش عملی را بیشتر ندارد.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد این مختصریست مشتمل بر نکتها و فوایدی که بیشتر کتابهای بزرگ طب از آن خالیست بدانکه علم طب دو بخش است الخ».

انجام موجود: «و بحلق او فرو زیزند و هر دو شب یا هر سه شب».

نستعلیق مخلوط به شکسته بطرز چلیپا، کاتب: نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۰۴۳[۱]، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی، ۱۹گ ۱۷×۱۹/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف و تاریخ وقف نامعلوم.

۱۴۷

خفی علائی

[۱]. این تاریخ از نسخه شماره ۳۲۶ بدست آمد که مشتمل است بر شرح لمعات و جام جهان نمای شمس مغربی و کشف الاسرار حسین اردبیلی و سابقاً منضم به نسخه خفی علائی مذکور بوده و بعد آنرا(و همه کتابها و رسالات دیگر منضم به آنرا) تجزیه نموده و بهر کدام شماره علی حده‌ای داده‌اند.

(۱۲۲۹۷)

این نسخه ناقص و مطالب برخی از اوراق آن نیز قدری مشوش و از هم گسیخته است، و مصدّر و مذیّل است به ۲۸ رساله دیگر در موضوعات مختلف که به لحاظ این که همه آنها را سابقاً در مجلّد دهم از فهارس کتب خطی کتابخانه آستان قدس بطور مشروح و مفصّل توصیف نموده‌ایم(مجموعه شماره ۱۲۲۹۷) در اینجا دیگر نیازی به تطویل کلام نیست.[۱]

آغاز: «بسمله، حمد له اما بعد این مختصری است».

انجام موجود: «در ماء العسل گذارند و بحلق او ریزند و هر دو شب یا هر سه شب».

نسخ، کاتب میرزا طاهر مشهدی، تاریخ تحریر ۲۵ ربیع الاول ۱۳۰۹، محل کتابت مشهد مقدس، عناوین موضوعات به لاجورد، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد و شنگرف، کمند به تحریر مشکی، کاغذ حنائی آهار مهره، جلد تیماج زرشکی زرکوب ترنج‌دار، ۳۱س، ۱۴گ ۲۰/۲×۳۳/۱، واقف سید جلال‌الدین تهرانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۶۱.

۱۴۸

خلاصهٔ التجارب

(۱۱۳۱۹)

(فارسی)

---

[۱] . این نسخه بدستور محمد تقی میرزا رکن الدوله حاکم خراسان و سیستان باهتمام آقا میرزا عبدالرحمن مدرس شیرازی فرزند میرزا نصرالله فراهم آمده و از روی نسخی چند استنساخ شده است.

کتاب مفصّلی است مشتمل بر تقریباً همه مباحث و موضوعات علوم پزشکی در بیست و هشت باب از تألیفات حکیم بهاء الدّوله میر قوام الدین قاسم رازی از اطبای قرن نهم هجری که آنرا در سنه ۹۰۷ در شهر طرشت از قراء ری تألیف نموده است.

فهرست عناوین ابواب

- در بیان آنچه دانستن آن موقوف علیه صحت است.

- در بیان حفظ صحت.

- در بیان تدبیر اطفال و پیران و ناقهان و مرتاضان بتعب و اعراض مفرطه نفسانی و آبهای بد و هوای مضر و استفراغات.

- در بیان تدابیر آنچه بزینت بدن متعلقست.

- در بیان اقسام مرض و امتلاءات منذره بامراض و علامات خیر و شر و احوال بحر و ایام بحران.

- در بیان حمیات و اسباب و علامات و معالجات آنها.

- در بیان حصبه و جدری و ورمها و جذام و سرمازدگی و سموم زدگی و کوفتگی و قرحها و سوختگی و بیرون رفتن سر استخوان و اسباب و علامات و معالجات آنها.

- در بیان احوال دماغ و وضع مزاج و علامات امزجه مختلفه طبیعیه و امراض دماغی و اسباب و علامات و معالجات آنها.

- در بیان احوال چشم و ترکیب و وضع و قوت باصره و مزاج و منفعت آنها و مرضهای عین و اسباب و علامات و معالجات آنها.

– در بیان احوال گوش از ترکیب و وضع و قوت سامعه و منفعت اینها و مرضهای گوش و اسباب و علامات و معالجات آنها.

– در بیان احوال بینی از ترکیب و وضع و قوت شامه و منفعت اینها و مرضهای بینی و اسباب و علامات و معالجات آنها.

– در بیان احوال دهان از ترکیب و وضع و قوت ذوق و منافع آنها الخ.

– در بیان احوال حلق و آلتهاء آواز و دم زدن و لوزتین و حنجره و قصبه و شش و حجاب از ترکیب و منفعت و وضع آنها و امراض آن اعضائی که اجزای آنند و اسباب و علامات و معالجات آنها.

– در بیان احوال دل از ترکیب و وضع و مزاج و حرکت و منفعت آنها الخ.

– در بیان احوال مری و معده و شرب و صفاق از ترکیب و وضع الخ.

– در بیان بعضی امراض که اگر اطباء این ممالک تخصیص آنرا بعضوی معین مناسب ندانسته و بمناسبت بعضی امراض ذکر آن کرده‌اند.

– در بیان احوال مراره و جگر از ترکیب و وضع و منفعت آنها و علامات امزجه مختلفه کبد و مراره و اسباب و معالجات آنها.

– در بیان احوال سپرز از ترکیب و وضع الخ.

– در بیان احوال روده از ترکیب و وضع الخ.

– در بیان امراض مقعد و شرح و اسباب و علامات الخ.

– در بیان احوال گرده از ترکیب و وضع و مزاج و منفعت الخ.

– در بیان احوال مثانه از ترکیب و وضع و مزاج الخ.

– در بیان احوال آلات تناسل از ترکیب و وضع الخ.

– در بیان احوال تناسل و توالد و پستان از ترکیب و وضع الخ.

– در بیان امراض پشت و مفاصل و پایها و اسباب و علامات و معالجات آنها.

– در بیان سموم و ادویه زیانکار و حیوانات سمی گزنده و تریاقات مطلقا و طریق خوردن بعضی سمها و دواهای مضر جهت حفظ صحت و رفع مرض و احتیاط از ورود سموم و حیوانات سمی و علاج کسانی که زهری بدیشان داده شده بخوردن و غیر آن.

– در بیان احوال بعضی از ترکیب عمده اندر معالجات و این قرابادین مشتملست بر معاجین و سفوفات و مسهلات و اشربه و ادهان و تیزابها.

– در بیان بعضی الفاظ غریبه که متعارف اطبا است و اوزان مذکوره در طب و طریق تدبیرات بعضی ادویه از طبخ و احراق و سحق و تنقیه و تشویه و پروردن و کشیدن روغن و گرفتن رب و امثال اینها.

آغاز: «بسمله حمد بلا احصا حکیمی را که بکمال حکمت و وفور عنایت و قدرت ماهیت اشرف انسانی را از خزانه جود خلعت وجود پوشانید».

انجام: «و رب گل سرخ و سایر ادویه را نیز باین طریقه می‌توان گرفت...».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذیقعده ۱۲۷۹، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، ۲۵س، ۳۶۰گ ۲۱×۳۳، جلد تیماج، واقف شیخ محمد صالح علامه حائری، تاریخ وقف مرداد ماه ۱۳۵۱(نسخه«حسب الفرمایش سرکار عظمت مدار جلالت آثار زبدة الحکماء آقامیرزا عبدالله طبیب شیرازی دام مجده العالی جهت... حاجی میرزا خلیل الله سمت تحریر» یافته و چند ورق آخر آن کسرنویسی شده است).

۱۴۹

خلاصهٔ التجارب

(۱۱۷۷۵)

این نسخه از آخر قدری کسر دارد و مذیل است به ۹ صفحه تریاقات نباتی بزبان فارسی بخط کاتب همین نسخه و از«جدوار» شروع و به«شهد» ختم می‌شود.

انجام موجود: «فتیله عبارت بود از دوا که از ابریشم یا به پنبه آلوده».

نستعلیق، کاتب رجبعلی بن کربلائی حسین، تاریخ تحریر ۱۱ جمادی الثانی، ۱۲۵۶، کاغـذ شـکری آهاری، عناوین ابواب و اسامی امراض و گیاهان و داروها بشنگرف، ۲۶س، ۲۶۷گ ۲۲×۳۵/۵، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی محمد تقی خان یغما، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۵۶.

۱۵۰

خلاصهٔ التجارب

(۵۰۸۰)

این نسخه تا آخر باب چهارم را بیشتر ندارد.

آغاز: «حمد بلا احصی حکیمی را که بکمال حکمت و وفور عنایت و قدرت ماهیت اشرف انسانی را از خزانه موجود خلعت وجود پوشانید».

انجام موجود: «باب پنجم در بیان اقسام مرض و امتلاآت منذره بامراض و علامات خیر و شر که اکثر آنها عمومی».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهار مهره، عناوین ابواب و موضوعات در متن و حاشیه بشنگرف، چند ورق از اواسط نسخه بیاض، ۲۱س، ۶۳گ ۱۳×۲۰، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۵۱

خلاصهٔ التجارب

(۲۵۲۷۹)

بقدر یکی دو ورق از فهرست موضوعات از اول و چند ورق از آخر ساقط است.

انجام موجود: «در چشم کشند ناخنه ضعیف را ببرد والله اعلم، سبل پرده بود غلیظ بسرخی مایل».

کتابت بقلم نسخ و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، ۲۳س، ۱۸۹گ ۲۰×۲۹، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج مشکی ساده، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۷۷.

۱۵۲

خلاصهٔ التجارب

(۱۷۱۵۴)

نسخه کامل است.

نستعلیق تحریری، کاتب محمد شریف ابن ملا حاجی محمد خادم شهزاده حسین بن علی بن موسی الرضا(ع)، تاریخ تحریر ۱۲۶۳(نسخه به جهت ملا عبدالکریم کتابت شده)، عناوین به شنگرف، ۲۵س،

۲۳۳گ ۲۰/۵×۳۰/۵، کاغذ حنائی، جلد تیماج خرمائی ضربی ساده، از کتب مدرسه ملا محمد باقر که بعدها به کتابخانه آستان قدس منتقل گردید.

۱۵۳

درجات ادویه(رساله در بیان...)

(۱۹۱۸۹)

(فارسی)

این همان رساله است که سابق بر این ضمن معرفی یک نسخه از حقایق اسرار الاطباء نـام آن را در حاشیه بردیم و وصف آن را به این موضع حواله دادیم.

آغاز: «بسمله ذکر ادویه که یکدرجه یا دو درجه یا سه درجه یا چهار درجه باشد از حرارت و برودت و رطوبت و یبوست».

انجام: «مثل تخم حنظل و سقمونیا والله اعلم بالصواب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۹۸۸، کاغذ نخودی، ۱۴ و ۱۵س، ۷گ ۱۲×۱۸/۵،جلد مقوا با رویه پارچه، وقفی ابن خاتون.

۱۵۴

الدّرة المنتخبة فی الادویة المجربة

(۵۰۸۲)

(عربی)

کتابی است در بیان منافع نباتات و معادن و حیوانات و ذکر خواص و مجربات طلسمات و اسماء اوفاق بجهت معالجه امراض مختلف(از سر تا پا) و دفع سموم گزندگان و طرد آنها که در دوازده باب بشرح مذکور در ذیل مرتب و بنام الملک المؤید هزبرالدین داود[۱] بن یوسف بن عمر از ملوک سلسله رسولی یمن(متوفی در سنه ۷۲۱) توشیح شده است.

فهرست ابواب کتاب

– فی ادویهٔ الصداع و الشقیقهٔ و ما یتصل به من الایات و الاسما و الاوفاق و الطلسمات و من خواص الحیوان و النبات.

– فی امراض الحلق و الصدر و الریهٔ و القلب و مما تقدم من الادویهٔ.

– فی ادویهٔ امراض المعدهٔ و الکبد و الطحال والکلی والمثانهٔ(من الاسماء من النبات).

– فی ادویهٔ امراض المعدهٔ و الامعا و ما یلتحق بها(من الآیات، من النبات و الخواص).

– فی ادویهٔ امراض الرحم و التناسل و ما یلحق بها بما تقدم من الادویهٔ(من الاسماء و الطلسم و النبات و الحیوان).

– فی ادویهٔ امراض المفاصل و ما یتصل بها و ادویهٔ الخلع و الکسر من الاسماء النافعهٔ لوجع الرکبتین.

– فی ادویهٔ الجراح و القروح و الاورام(من الاسماء و النبات و الخواص).

– فی ادویهٔ الزینهٔ بما تقدم من الادویهٔ.

– فی ادویهٔ انواع الحمیات و الوبا(من الاسماء و الایات و النبات و الخواص).

---

[۱] . ترجمه احوالش در النجوم الزاهرهٔ ۹: ۲۵۳) و الدّرر الکامنهٔ(۲: ۹۹) و فوات الوفیات(۱: ۱۵۸) و مرآهٔ الجنان(۴: ۲۶۶) مسطور است و ناگفته نماند که شمس الدین محمد بن احمد قوصونی را کتابیست موسوم به الدرهٔ لمنتخبهٔ فیما صح من الاغذیهٔ المجربهٔ که قطعاً این کتاب ما نحن فیه نیست و نباید آن را با این کتاب اشتباه نمود.

- فیما یخلص من السموم من الحیوان و النبات و المعادن(من الاسما).

- فی فنون شتی من الطلسمات و سواها.

- فی عمل شیء من الصناعات المستحسنهٔ.

نسخه ناقص است و از اواسط یا اواخر باب یازده به بعد را ندارد.

آغاز: «بسمله... الحمدلله الذی فضّل نوع الانسان بطلق اللسان و ایده بفهم المقصود و جعله طلسما ظاهرا تأثیره فی هذا العالم و الوجود».

انجام موجود: «و یعجن بما الورد عجنا جیدا و یوخذ من المسک لکل مثقال».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، عناوین ابواب و اسامی ادویه و طلسمات و جداول اوفاق به شنگرف، کاغذ حنائی ضخیم، ۱۳س، ۱۰۱گ ۱۳×۱۷/۵، جلد تیماج ضربی دو رویه، واقف زین العابدین خادم اصفهانی، تاریخ وقف رجب ۱۱۶۶.

۱۵۵

دستور الادویه

(۵۰۸۳)

(فارسی)

مختصر مفیدی است مرتّب بر حروف تهجی در بیان ادویه مفرده و خصوصیّات و صفات آنها و مبدلات مبتنی بر اقوال ابن ماسویه و ابن سرافیون و ابن سینا در قانون و علی بن عباس مجوسی در کامل

الصناعه و ابو الفرج بن هندو در مفتاح الطّب[1] و سید اسمعیل جرجانی(با جمله دعائیه رحمه الله) در ذخیره از مؤلفی که علی العجاله اطّلاعی از احوال او بدست نیامد.

در وریقه‌ای که ملصق به نسخه است(شناسنامه، اتیکت) لابد بتبع از کاتب نسخه کتاب را از تألیفات ابن جزله دانسته‌اند، ولی ناگفته پیداست که این مطلب بهیچ وجه مقرون بصواب نیست و قطعیت ندارد و با ملاحظه این مطلب که فوت ابن جزله بطبق قول ابن خلکان(۲: ۲۶۱) و ابن ابی اصیبعه(۱: ۲۵۵) در سنه ۴۹۳ و مطابق با روایت مختصر الدّول(ص ۳۳۹) و اخبار الحکما(ص ۲۳۹) در سنه ۴۷۳ و از آن طرف فوت سید اسمعیل در سنه ۵۳۱ بوده معلوم می‌شود باری که وفات ابن جزله بنا به دو قول مورخ مذکور ۳۸ و بموجب این دو مأخذ اخیر ۵۸ سال مقدّم بر وفات جرجانی بوده است، بنابراین ابن جزله چگونه می تواند از جرجانی با جمله دعائیه رحمه الله یاد کند؟ پس بطلان این مطلب بدیهی است[2] و مؤلف کتاب شخص دیگری است که بموجب اقوال خود او در مواضیع مختلف آن(مثلاً ذیل الفاظ «کما» و«نلک» و«اذناب الخیل» و«جنطایانا» و«رازیانه» و«علیق» که در این اخیر می گوید: «و این خارها بزبان شروان یاد کرده شد» و نیز ذیل«تودری» که بالصراحه می‌گوید: «و آنچه در زمین شروان ما دیدیم برین صفت بود» بنا به اظهر وجوه و باقرب احتمالات از مردم شروان و بعد از آن یعنی باحتمال ضعیف‌تر از مردم باکویه(ذیل جزو العصافیر) یا شماخی(ذیل قثاء الحمار) و بهر حال علی الظاهر از مردم صفحات همان نواحی بوده است.[3]

---

[1] . هو الاستاذ ابوالفرج علی بن الحسین بن هندو، ترجمه احوال و مبلغی از اشعار او در این مآخذ موجود است: یتیمۀ الدهر(۳: ۳۹۴ ببعد) و ذیل آن موسوم به تتمه الیتیمۀ(۱: ۱۳۴–۱۴۴) هر دو از ثعالبی نیشابوری، و تتمه صوان الحکمه(۸۵–۸۸) تألیف علی بن زید البیهقی معروف به ابن فندق که از مفتاح او نام برده و حکایتی نیز از آنجا نقل کرده است.

[2] . مخصوصاً که ابن جزله(یحیی بن عیسی) فارسی نمی‌دانسته است.

[3] . شاید مؤلف کتاب حبیش تفلیسی باشد ولی این مطلب فعلا فقط حدس است.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد بباید دانست که چون ایزد تعالی عالم را بقدرت بیافرید بمیزان عقـل و حکمت آفریده».

انجام: «ینبوب ثمره خرنوب نبطی است بدل او در قبض بلوط است و کزمازو و گلنـاز و غیـر آن از قوابض».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲ شوال ۱۰۸۲(نسخه مستنسخ است از نسخه مورخه ۲۳ شـوال ۸۰۳[1] بمقام استراباد)، عناوین در متن بسیاهی و حروف در حاشیه و ابواب بشنگرف، کاغذ نخـودی، جلد مقـوا بـا رویـه پارچـه، ۲۲س، انـدازه مسـطر ۷/۷×۱۸/۸، ۴۴گ ۱۲×۱۸، واقـف آقـا زیـن العابدین(تعداد کتب موقوفه او یکصد و هفتاد نسخه است)، تاریخ وقف ۱۱۶۶ هجری قمری.

۱۵۶

دستورالعلاج

(۱۰۵۰۵)

(فارسی)

تألیف سلطان علی طبیب جنابدی است که آنرا پس از چهل سال بحث و فحص و مطالعه علوم پزشکی در سنه ۹۳۰ نگاشته است چنان که گوید: «سبب تألیف این کتاب آنست که چون از زمـان هجـرت نبی(ص) نهصد و سی سال گذشته و مدت چهل سال که بحث علوم شریف طب و علاج در خراسان و ماوراء النهر بتخصیص در بلده سمرقند اشتغال مینمـود و ملازمـت اعلاخاقـانی الخاقـان بـن الخاقـان

[1] . در فهرست الفبائی این سال را سهواً تاریخ تألیف کتاب دانستهاند.

حضرت ابوالمنصور لوجکونحی(کذا)[1] خان میسر گردیده بود و اکثر سـلاطین عظـام و امـراء کـرام و خواص و عوام جهت علاج رجوع باین بنده داشتند تا آنکه حضرت ابوالمظفر محمود سلطان را مرض کلی واقع شده بود این فقیر سلطان علی الطبیب الخراسانی الجنابدی را طلب نمودند و بعد از صـحت مزاج شریف اشارت فرموده‌اند که اگر کتاب(کذا) تصنیف کنید که خواص و عوام ازو فایده یابند مناسب می‌نماید و این کتاب مشتمل است بر دو مقاله» (انتهی باختصار):

– در امراض مختص بعضو معین در بیست و پنج باب و هر باب مفصل بر چند فصل و هر فصل در چندین نوع.

– در امراض غیر معین بعضو مشتمل بر هشت باب و هر باب در چندگونه.

آغاز: «بسمله سپاس و ستایش حضرت علیمی را که».

انجام: «و نمک و سرکه برگزیدن او طلا سازند».

نسخ، کاتب: محمد شفیع بن محمد محسن، تارخی تحریر ۱۱ محرم ۱۱۱۰، عناوین بشنگرف، کاغـذ نخودی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۰س، ۱۹۶گ ۱۸×۲۵، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۱۵۷

دستور جلوگیری از وبا

(۵۱۷۷)

(فارسی)

[1] . به ظن قوی بل به نحو قطع و یقین مقصود از این شخص ابومنصور کوچکونجی(کوچونجی، کوچکونجو) خان بن ابی الخیر بن دولت شیخ اغلان نوه دختری میرزا الغ بیگ گورکان است از اعقاب جوجی و از امرای بنی شیبان در ماوراء النهر(متوفی در ۹۳۶ و مذکوردر جهان آرای قاضی احمد غفاری و حبیب السیر و سایر کتب تواریخ این عصر).

ترجمه کزارش مورخ ۲۳ رجب سنه ۱۳۰۷ است در خصوص وبائی که سال پیش از راه هندوستان وارد ایران شده و از طریق بنادر خلیج بخصوص محمره و بصهر و بوشهر بطرف عربستان و لرستان رفته بود. در این گزارش که از ناحیه دکتر بابایوف و دکتر کاستالری و دکتر کارمیک و سیف الاطبا و میرزا محمد حکیم باشی و میرزا علی و میرزا جعفرخان طبیب[۱] در منزل امیرنظام تنظیم شده دستورات فوق العاده مفیدی نیز بجهت حفظ صحت عمومی در سرحدات آذربایجان و نواحی همدان و بیار و سنندج و بانه و ساوجبلاغ و ارومیه و سلماس و تبریز و قافلانکوه و تنظیف دائمی اماکن عمومی بلاد مذکور داده شده است.

آغاز: «هو الله تعالی ترجمه راپورت عالیجاهان دوکتر بابایوف... از وضع حالت و رفتار مرض وبا سی سال گذشته بما معلوم میشود».

انجام: «که در چند فصل مندرج است نوشته شد».

نستعلیق، کاتب محمد حسین، تاریخ تحریر ۱۴ شوال ۱۳۰۷، کاغذ حنائی، ۱۳س، ۷گ ۱۲/۵×۲۰، جلد مقوا رویه پارچه، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۵۸

دستور مسیحی

(۷۱۰۳)

(فارسی)

---

[۱]. وی از جمله اوّلین دسته از محصّلین اعزامی به لندن از طرف عباس میرزا نائب السلطنه بود.

تألیف محمد مسیح ابن محمد صادق طبرسی رازی از شاگردان حکیم محمد مؤمن تنکابنی معاصر شاه سلیمان صفوی است مرتب بر چهار مقاله هر مقاله در چند باب و هر باب در چند فصل و مبتنی است بر کتب بقراط و رازی و ابن ابی صادق و یوحنا بن سرابیون و سید اسماعیل جرجانی و غیره.

آغاز موجود: «او شفاعت گستری که بمدلول و ما ارسلناک الّا رحمهٔ للعالمین وجود ما جودش(کـذا) رحمت عالمیانست».

انجام: «و اگر بی‌پرهیزی و بی‌تدبیری نماید و خود را بیمار نماید و برو عیب بود و معذور نباشد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۹ هجری قمری، عناوین در متن غالباً به شنگرف و در حاشیه به سیاهی، کاغذ نخودی آهاری، ۲۵س، ۳۴۱گ ۲۰×۳۳، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ورق اول افتاده، خریداری آستان قدس در بهمن ۱۳۲۷.

۱۵۹

دقائق العلاج

(۵۱۷۹)

(عربی)

تألیف حاج محمد کریم خان کرمانی است که بعد از حقائق الطب مذکور در صفحات قبل نوشته شده و مشتمل است بر مقدمه‌ای در چندین فصل و پنج مقاله در چندین باب و هر باب در چندین مطلب و هر مطلب در چندین مقصد و قس علی هذا.

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد فیقول العبد الاثیم کریم بن ابراهیم بعد ما کتبت کتاب حقائق الطب الخ».

انجام: «من زماننا و بلادنا و القیاس یقتضی دانقین الی ثلثهٔ» (ظاهراً کاتب بقیه را ننوشته).

نسخ، کاتب نامعلوم، عناوین بشنگرف، تاریخ تحریر اوائل قرن سیزدهم، کاغذ نخودی فرنگی، جلد تیماج ضربی، ۱۸، ۳۹۸گ ۱۴×۲۲، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۶۰

دلائل النبض

(۷۱۲۱)

(فارسی)

مختصری است در بیان اجناس ده گانه ادله نبض در ۱۲ صفحه از تألیفات حکیم یوسفی(یوسف بن محمد بن یوسف یوسفی هروی) مذکور در مواضع مختلف این کتاب که آنرا در سنه ۹۴۲ مطابق با«نبض گیر و نود بر او افزای» که در آخر رساله گفته تألیف نموده و مذیل است اولاً به رساله فارسی مختصر البیان فی ضروریات البحران به شماره ۷۱۲۲ در تعریف بحران و ایام آن تألیف محمد بدرالدین بن خواجه جمال الدین که آنرا از کتاب غایت البیان فی ما یتعلق بالبحران از تصانیف استادش حکیم علی حسین التقاط نموده و در سه ورق است و ثانیاً به رساله دلائل البول بشماره ۷۱۲۳ ایضا بزبان فارسی از همان حکیم یوسفی که در سنه ۹۳۷ تألیف نموده است مطابق با لفظ«قاروره» باضافه عدد ۴۳۰ در این بیت:

تاریخ سال تا که شود روشنت بدان قاروره گیر و چهارصد و سی فزا بر آن

آغاز رساله اول: «بسمله الحمدلله النافع الحکیم العلام... بعده پوشیده نبشاد که این سطری چند است از صناعت طب».

انجام:

زد رقم خامه‌ام دلایل نبض　　نظری کن تأملی فرمای

تا شود نبض سال تاریخش　　نبض گیر و نود بر او افزای

آغاز رساله ثانی: «بسمله الحمدلله الحکیم الوهاب و نصلی علی رسوله... اما بعد می‌گویند بنده مسکین محمد بدرالدین».

انجام: «برای تعلیم مبتدیان و حفظ اطفال مرقوم شد».

آغاز رساله سوم: «بسمله بعد از سپاس حکیم مطلق جلّ ذکره و پس از درود بر رسول حق».

انجام:

احکام بول را چو زده فکر یوسفی　　بهر تو جمع کرد و جمیع برادران

تاریخ سال الخ.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ حنائی فرنگی، ۱۷س، بعضی اوراق دارای حواشی بخط کاتب، ۱۵گ ۱۵×۲۱، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف محمود فرخ، تاریخ وقف اسفند ۱۳۲۷.

۱۶۱

دوارش دم

(۱۲۷۴۸)

(فارسی)

مختصری است در تشریح و عمل قلب و اقسام عروق که آنرا دکتر طولوزان حکیم باشی ناصرالدین شاه قاجار از زبان فرانسه به فارسی ترجمه نموده و مشتمل است بر فصول مذکور در ذیل:

- در حرکات انتقالی قلب.

- در کیفیت و مقدار حرکت.

- در فشرده شدن خون در بطنین و شرائین.

- در دوران دم در شرائین.

- در قوه فشار دم.

- در اختلاف قوه فشار در شریان.

- در اختلاف قوه فشار در دوران صغیر و کبیر.

- در بیان چیزهایی که قوه فشار را کم یا زیاد می‌کند.

- در نبض.

- در قوه قبضیه.

- در دوران دم در اورده.

- در قوه فشار خون در اورده.

- در ضربان دم وریدی و اسباب آن.

- در موانع دوران دم در اورده باب الکبد.

- در بیان این که خونی که وارد اوطی و شریان ریه می‌شود مساوی‌اند.

- در بیان سرعت حرکت دم در عروق.

- در سرعت دوران دم.

- در سرعت حرکت دم در بنیان وریدی.

– در بیان اختلاف عود قرعات قلب.

– در تعیین مقدار دم.

– در بیان این که گاهی هوا داخل در ورید می‌شود.

– در انتقال خون از بدنی ببدن دیگر(که از اعمال جدید است).

– در تأثیر تنفس در دوران دم.

– در عمل اعصاب در دوران دم.

– در بیان این که قلب حس ندارد.

– در دوران دم در حیوانات.

– در دوران دم حیواناتی که با شکم راه می‌روند.

– در دوران دم ماهی.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد این رساله‌ایست در تشریح قلب».

انجام: «و خون ماهی سرخ است و گلبول آنها نیز بزرگ و بیضی است».

نستعلیق مخلوط با شکسته، کاتب سید موسی حسینی بهشتی(نسخه را بجهت آقا میرزا نصرالله حکیمباشی نوشته)، تاریخ تحریر جمعه ۲۰ ذیحجه ۱۲۹۳، عناوین با رنگ بنفش، ۱۷س، کاغذ فرنگی، جلد مقوا، ۳۳گ ۱۶×۲۱/۳، وقفی حسین کی استوان در آبان ۱۳۴۸.

۱۶۲

ذخیره

(۱۰۲۷۵)

(عربی)

مؤلف کتاب را نوشته‌اند که ابوالحسن ثابت بن قره صابی حرّانی از مشاهیر مصنّفین و مبرّزین نقله کتب علمی یونانی بزبان سریانی و عربی در عصر معتضد عباسی است ولی بموجب قول قفطی در ترجمه احوال بسیار مفصّل مبسوطی که در خصوص او منعقد نموده مؤلف آن قطعاً و یقیناً کس دیگری است.

این کناش مشتمل است بر ۳۱ باب بتفصیل ذیل:

- فی جوامع کلام ما یستعان به علی حفظ الصحة.
- فی الوقوف علی الامراض الخفیة فی الاعضاء المتشابهة و الاعضاء الالیة.
- فی حفظ الشعر علی حاله الطبیعیة و تقویته و علاج ما یتولد فیه من الامراض المفسده.
- فی الامراض الحادثة فی سطح جلدة الوجه من الکلف و القوابی و البرص و النمش و القروح.
- فی انواع الصداع.
- فی السکته و الفالج و اللقوة و التشنج.
- فی المالیخولیا و الایلیمیا و السدر و الدوار و السبات و الکابوس.
- فی امراض العین.
- فی الامراض الاذن.
- فی امراض الانف.
- فی الامراض الفم.
- فی النزلات و السعال و سایر اوجاع الصدر.
- فی امراض المعدة.

- فی انواع القولنج.

- فی انواع الاحتلاف.

- فی امراض الکبد و الطحال و انواع الیرقان و الاستسقا.

- فی امراض الکلی و المثانهٔ و المذاکیر و الانثیین و اوجاع المقعدهٔ.

- فی امراض النساء و ما خصوا بها دون الرجال.

- فی النقرس و اوجاع المفاصل و عرق النسا.

- فی العرق المدینی و النایل و علل الاظافیر و الداخس.

- فی الحکه و الجرب.

- فی جملهٔ الاورام.

- فی الجذام و البرص.

- فی الجراحات و الشحاح و نزف الدم.

- فی السموم الملسوعهٔ و المشروبهٔ.

- فی انواع الحمیات و الجدری و الحصبهٔ و البحران.

- فی تغییر الاهویهٔ و الامراض الحادثهٔ عنها.

- فی الکسر والخلع.

- فی صفهٔ طبایع الالبان و منافعها و مضارها.

- فی صفهٔ طبایع الانبذهٔ و منافعها و مضارها.

- فی الباه.

آغاز: «بسمله هذا کتاب الذخیرة التی تشتمل علی ما یحتاج الیه من علـم الطـب فـی وصـف الـداء و الدواء... ثابت بن قرة الحرانی جمعه ایام حیوته لابنه سنان بل(کذا، صحیح: بن) ثابت».

انجام: «قال الحرث بن کلاة من اراد... تمت بعون الملک الوهاب».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۹۸۶، عناوین ابواب به شنجرف، کاغذ شکری آهار مهره، ۱۹س، اندازه مسطر ۷/۵×۱۲/۵، ۱۳۲گ ۱۲/۵×۱۸، جلد تیماج لبه‌دار، خریداری آستان قدس در مـرداد ۱۳۴۹.

۱۶۳

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۱۸۰)

(فارسی)

کتابی است حجیم و مبسوط که به لحاظ جامعیت و شمول بر جمیع اجزا و مباحث مختلف علم پزشکی از همان زمان تألیف همواره مطمح نظر متطببین و طلّاب این شعبه از علوم بوده و در نزد آنان از امهات و ارکان بسایط پزشکی و در ردیف قانون ابن سینا و حاوی رازی و ستة عشر جالینوس بشمار می‌رفته است. مؤلف آن چنان که سابق بر این ذیل اغراض اشاره نمودیم سید زین الدّین(یا شرف الدّین) ابـو ابراهیم اسمعیل بن الحسن بن احمد بن محمد الحسینی الجرجانی المتطبب متوفی در سنه ۵۳۱ به مرو است که آن را در سال ۵۰۴ تألیف و بنام قطّب الدّین ابوالفتح محمّد بن انوشتکین[۱] مؤسـس سلسـله

[۱]. ابن قطب الدّین محمد را ابن ابی اصیبعه سهو گرفته است با علاء الدّین محمد بن تکش بن ایل ارسلان(متوفی در سنه ۵۹۶) پنجمین و ماقبل آخرین از ملوک این سلسله که او نیز سابقاً لقب قطب الدّین داشته و در نتیجه سید اسمعیل را که از معاصرین قطب الدّین محمد بن انوشتکین مذکور بوده و کتاب ذخیره را بنام او نوشته از ملازمین علاءالدّین محمّد پدر سلطان جلال الدّین منکبرنی معروف توّهم نموده است. عین عبارت

خوارزمشاهیه(۴۹۰-۵۲۱) در ده کتاب بشرح مذکور در ذیل هر کتاب مشتمل بر چندین گفتار و باب و جزو و فصل تسمیه و توشیح نموده است:

فهرست موضوعات کتاب‌ها

کتاب اول: اندر بیان کردن حد علم طب و منفعت او و شناختن مادتها و خلطهاء چهارگانه و مزاجها و تشریح اندامها و یاد کردن قوت هر اندامی و این کتاب شش گفتار است:

- اندر یاد کردن حد طب و منفعت آن(در سه باب).
- اندر یاد کردن معرفت مزاج(در هشت باب).
- اندر یاد کردن خلطهاء چهارگانه(در شش باب).
- اندر تشریح اندامهاء یکسان و مرکب(در پنج جزو).
- اندر یاد کردن اندامهاء مرکب(در هفده باب).
- اندر یاد کردن قوتها(در پنج باب).

کتاب دوم: اندر بیان کردن حالهاء تن مردم از تندرستی بهر وقت و حال بیماریها از هر جنس و یاد کردن انواع و اعراض بیماریها و چه چیزی و چگونگی و شناختن اسباب آن و شناختن بادها و خلطها و مزاجهاء نه گانه و بیان کردن احوال نبض و تفسره و تشریح آنچه از تن مردم آید چون عرق و یاد کردن قوتها و شناختن بول و غایط و این کتاب نه گفتار است:

او در این خصوص چنین است: -«و کان(ای السید اسمعیل الجرجانی) فی خدمهٔ سلطان علاء الدّین محمد خوارزم شاه و له منه الانعام الوافرهٔ و المرتبهٔ المکینهٔ و کان له مقرر علی السلطان فی کل شهر الف دینار» (عیون الانباء، ص۴۷۲، طبع بیروت) و تمام این فقرات جزء به جزء سهو واضح است از ناحیه او، و ناگفته نماند که یک چنین سهوی را نیز حافظ حسین کربلائی مرتکب شده است در کتاب روضات الجنان و جنات الجنان در قول خود در خصوص تسمیه کتاب ذخیره بنام یکی دیگر از سلاطین سلسله خوارزمشاهیه(مراجعه شود به مجلّد دوم کتاب مذکور که فعلاً در دسترس راقم این سطور نیست، احتمالاً به صفحات بین ۳۰۰ تا ۳۳۰) ایضا مراجعه شود به تذکره دولتشاه سمرقندی که او نیز سهواً ذخیره را گفته است که بنام ایل ارسلان بن اتسز تألیف شده است.

– اندر شناختن تندرستی مطلق و اجناس و انواع بیماریها(در دوازده باب).

– اندر شناختن اعراض(در دوازده باب).

– اندر شناختن نبض(در بیست و دو باب).

– اندر شناختن حالهاء تن مردم از دم زدن(در پنج باب).

– اندر شناختن تفسره(در بیست و نه باب).

– اندر شناختن حالهاء تن از اجابت(در یازده باب).

– اندر شناختن حالهاء تن از عرق(در پنج باب).

– اندر شناختن حالهاء تن مردم از حال رطوبتها(در شش باب).

– اندر شناختن سببها و حالهاء تن مردم(در سه جزو).

کتاب سوم: اندر بیان کردن تدبیر نگاه داشتن تندرستی و تدبیر هوا و مسکین و شناختن احوال کسوتها و عطرها و اسفرغمها و بکار داشتن روغنها و تدبیر قی کردن و دارو و مسهل خوردن و تدبیر فصد و حجامت و دیوجه و حقنه و شیاف و تدبیر اعراض نفسانی چون شادی و اندوه و اندیشها از هر جنس و همچنین تدبیر کردن حالها که اندر تن پدید آید و تدبیر پیران و طفلان در همه انواع و تدبیر کردن مسافران و این کتاب دو بخش است و هر بخش هفت گفتار است:

الف) بخش اول:

– اندر شناختن نیک و بد هوا و حال مسکنها.

– اندر شناختن نیک و بد آبها و تدبیر نگاه داشتن آن.

– اندر نگاه داشتن نیک و بد غذا و تدبیر آن.

– اندر شناختن نیک و بد شرابها.

– اندر تدبیر خواب و بیداری.

– اندر تدبیر حرکت و سکون.

– اندر تدبیر کسوت و عطرها و اسفرغم‌ها و بکار داشتن روغنها.

ب) بخش دوم:

– اندر تدبیر پرداختن تن از فضله طعام و از خلط فزونی.

– اندر تدبیر مزاجهاء بد.

– اندر تدبیر اعراض نفسانی چون شادی و اندوه و اندیشه و مانند آن.

– اندر تدارک حالها که بر تن مردم پدید آید و آمدن آن نشان بیماری باشد که خواهد بود.

– اندر پروردن اطفال.

– اندر تدبیر پیران.

– اندر تدبیر مسافران.

کتاب چهارم: اندر بیان کردن استخراج المرض یعنی شناختن هر بیماری که کدام بیماری است و همچنین نضج[۱] و بحرانها[۲] و شناختن آنچه حال بیمار چگونه خواهد بود، و این کتاب چهار گفتار است.

– اندر بیرون آوردن که هر بیماری کدامست و سبب آن چه بوده است(در سه باب).

– اندر شناختن نضج و احوال آن(در پنج باب).

– اندر شناختن بحران(در دو باب).

---

۱. Cocotion, amelioration.

۲. Crises.

– اندر تقدمهٔ المعرفه[1](در هفت باب).

کتاب پنجم: اندر بیان تب و اقسامها[2] وانواع آن و یاد کردن احوال و اسباب و معالجات آن جمله و این کتاب شش گفتار است:

– اندر آنکه تب چیست و چند نوعست و چگونه پدید آید و چگونه گسارد(در چهار باب).

– اندر شناختن حمی یوم[3] و احوال و اسباب و علامات و علاج آن(در بیست و هفت باب).

– اندر تبهای عفونی(در سه جزو).

– اندر تبهاء ورمی و دمی و وبائی و علامات و علاج آن(در چهار باب).

– اندر شناختن اسباب ابله و حصبه و احوال و علامات و علاج آن(در سیزده باب).

– اندر شناختن نکس و احوال آن و تدبیر نگاه داشتن ناقه از نکس و تدبیر طعام و شراب(در پنج باب).

کتاب ششم: اندر بیان کردن انواع علاجهاء بیماریهاء هر عضوی از اعضاء مردم از سر تا پای ایشان و این کتاب بیست و یک گفتار است:

– اندر یاد کردن بیماریهاء سر و معالجات آن(در پنج جزو).

– اندر بیان کردن بیماریهاء چشم و معالجات آن(در هفت جزو).

– در بیان کردن احوال گوش و شنوائی و بیماری که بدان تعلق دارد و معالجات(در نه باب).

---

[1]. Prognosticon.

[2]. این نحو استعمال کلمات یعنی جمع بستن مجدّد برخی از جموع عربی در فارسی سابقه دارد و شواهد و امثله آن در متون نظم و نثر بسیار فراوان است مثلاً در همین کتاب در یک موضع دیگر: «باب سی و دوم اندر اوزانها و مکیالها» و باز مثلاً در زنی الاخبار گردیزی(ص ۱۸۸، طبع بنیاد فرهنگ ایران که طبع خیلی منقحی نیست):«اوانیها» و«ظرایفها» (کذا با ظاء منقوطه).

[3]. quotidian.

- در یاد کردن احوال بینی و بیماریهائی که بدان تعلق دارد و معالجات آن(در ده باب).

- در یاد کردن احوال بیماریهاء دهان و معالجات آن(در سه جزو).

- اندر بیان کردن احوال بیماریهاء حنجره و حلق و معالجات آن(در دو جزو).

- در بیان کردن احوال بیماریها، آلتهاء دم زدن و معالجات آن(در پانزده باب).

- در بیان کردن احوال بیماریهاء دل و معالجات آن(درشش باب).

- در بیان کردن بیماریهاء پستان و معالجات آن(در ده باب).

- اندر احوال معده و مری و بیماریها و علاج آن(در شش جزو).

- اندر احوال جگر و بیماریهاء او و اسباب و علامات و علاج آن(در سه جزو).

- اندر احوال سپرز و بیماریها و اسباب و علامات و علاج آن(در چهار باب).

- اندر بیماریها که از بیماریهاء جگر و اسپرز خیزد(در دو جزو).

- اندر انواع اسهال و زحیر و اسباب و علامات و علاج آن(در سه جزو).

- اندر بیماریهاء مقعد(در هفت باب).

- اندر کرمان خرد و بزرگ و اسباب و علامات و علاج آن(در سه باب).

- اندر انواع قولنج و اسباب و علامات و علاج آن(در ده باب).

- اندر احوال گرده و مثانه و بیماریهاء آن و علامتها و علاج آن(در چهار جزو).

- اندر اماسها و ریشها و خارش قضیب و دیگر بیماریها(درسه جزو).

- اندر احوال زنان و بیماریهای ایشان(در سه جزو).

– اندر درد پشت و تهی‌گاهی و ریاح الافرسه و درد اندامها و عـرق النسـا و نقـرس و دوالـی و داء الفیل(در ده باب).

کتاب هفتم: اندر بیان کردن علاج ریش و تدبیر شکافتن و داغ کردن و علاج تباه شدن اندام و تدبیر شکستگی و آزردگی و زخم و این کتاب هفت گفتار است:

– اندر آماسها و بثورهاء گرم(در سه جزو).

– اندر آماسها سرد(در چهار باب).

– اندر انواع ریشها و سوختگی آتش و غیر آن(در دوازده باب).

– اندر جراحتها(در نه باب).

– اندر داغ کردن(در دوازده باب).

– اندر مجبری و ردادی(در دو جزو).

کتاب هشتم: اندر بیان کردن تدبیرهاء پاکیزگی و آراستگی ظاهر بشره مردم که آنرا زینهٔ[۱] گرنید و این کتاب سه گفتار است:

– اندر احوال موی(در شانزده باب).

– اندر احوال بشره[۲] و آنچه بر وی پدید آید(در ده باب).

– اندر حالها که تعلق به تن و اطراف دارد(در هشت باب).

کتاب نهم: اندر بیان کردن پادزهرها و بیان کردن منافع اعضاء حیوانات و این کتاب را کتاب السـموم گویند(در پنج گفتار):

---

[۱]. Cosmetic.

[۲]. Physiognomy.

– اندر احتیاط کردن از زهرها و یاد کردن انواع زهرها و قانون علاج زهرها و یاد کردن داروهاء زیان کار معدنی و نباتی و حیوانی(در ده باب).

– اندر گزیدن ماران و جانوران زیان کار و تدبیر راندن حشرات(در هفت باب).

– اندر گزیدن ماران و علاج آن(در چهار باب).

– اندر گزیدن مردم و گزیدن سگ و گرگ و غیر آن(دردوازده باب).

– اندر گزیدن حشرات(در یازده باب) مشتمل بر سه فصل:

الف) اندر عذر دیر تمام شدن کتاب.

ب) اندر عذر تقصیری که اندرین کتاب هست.

ج) اندر عذرهاء طبیبان از جهت بیماریها که ایشانرا افتد.

کتاب دهم: اندر آغاز کردن اقرابادین[۱] که تتمه ذخیره است و این دو گفتار است و تذکره در آخر.

– اندر یاد کردن نام داروها، مفرد[۲] که از بهر علاج هر اندامی اندر معجونها و مطبوخها و حبها و ضمادها و غیر آن بکرا آید جدا جدا(درسی و هشت باب).

– اندر یاد کردن معجونها و داروهاء مرکب[۳]:

الف) در یاد کردن نام داروهاء مرکب(در سی و هشت باب).

ب) در یاد کردن معجونها و داروهاء مرکب(در سی و چهار باب).

---

[۱] . Pharmacopoeia، و قرابادین(قراباذین، اقرابادین، اقراباذین) محرف graphidion یونانی است بمعنی مقابله مختصر.

[۲] . Simple remedies.

[۳] . Compound remedies.

این کتاب را بعدها مصنّف خود بزبان عربی ترجمه کرد و ترجمه‌ای نیز علی الظّاهر از روی متن عربی بعدها بزبان عبری بعمل آمد که یک نسخه از آن فعلاً در کتابخانه ملّی پاریس تحت رقم ۱۱۶۹ محفوظ است. ترجمه سومی نیز از ذخیره در دست داریم که بزبان ترکی و مترجم آن ابوالفضل محمد بن ادریس الدّفتری متوفی در سنه ۹۸۲ هجری است و غواصی خراسانی نیز چنان که در تحفه سامی از سام میرزا صفوی مسطور است(ص ۱۷۵) کتاب ذخیره را با چند کتاب دیگر(قصص الانبیا و تاریخ طبری و کلیله و دمنه) در یک مجلّد منظوم نموده بوده است.

آغاز: «بسمله حمد له چون تقدیر ایزد چنان بود که جمع کننده این کتاب بنده دعاگوی خداوند خوارزمشاه».

انجام: «و بهری حکیمان گویند که بدل عاریقون فرفیون است تمام شد قرابادین کتاب ذخیره خوارزمشاهی».

نستعلیق خوب، کاتب میرزا حسین بن شمس الدّین محمد الکاشانی، تاریخ تحریر ۲۲ ربیع الثانی سنه ۹۸۸، کاغذ نخودی، عناوین ابواب و موضوعات بشنگرف، جداول اوراق طلا و تحریر و شنگرف و لاجورد، حواشی دو صفحه افتتاح گل و برگ زرین، هر کتاب دارای یک سر لوح مذهب مرصّع با کتیبه بسفیداب در زمینه زر با لاجورد، جلد تیماج زرشکی ساده، اندازه جدول ۱۴×۲۴، ۵۱س، ۳۰۵گ ۲۲×۳۳، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۱۶۴

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۰۸۷)

این نسخه نسخه‌ای کهن و مشتمل است بر مطالب بخش سوم از اقسام سه‌گانه تتمه کتاب ذخیره درسی و چهار باب باین شرح:

باب اول: اندر دانستن طریق اصحاب تجربت و قیاس.

باب دوم: اندر یاد کردن اسباب حاجتمندی طبیبان بشناختن داروها مرکب.

باب سوم: اندر یاد کرن اوزان داروها مفرد اندر داروها مرکب[۱].

باب چهارم: اندر انک داروها چگونه ترکیب باید کرد.

باب پنجم: اندر بریان کردن داروها کی نسوزانند.

باب ششم: اندر عمل معجونها بزرگ و منفعت ایشان، صفت تریاق فاروق.[۲]

[باب هفتم]: [اندر] یاد کردن قوت تریاق و ازمودن ان.[۳]

[باب هشتم]: [اندر] یاد کردن مقدار شربت تریاق و انج با وی دهند از بهر هر بیماری.

[باب نهم]: اندر گوارشها و منفعت ایشان.

باب دهم: اندر طریفلها و منفعت ایشان.

باب یازدهم: اندر قرصها و منفعت ایشان.

باب دوازدهم: اندر سفوفها و منفعت ایشان.

باب سیزدهم: اندر لعوقها و منفعت ایشان.

---

[۱]. جای اوراق مربوط به این باب با اوراق چهارم در صحافی عوض شده.

[۲]. Thebaic electuary.

[۳]. از ابتدای این باب تا باب دهم شماره ابواب نامعلوم است.

باب چهاردهم: اندر انواع شرابها و منفعت ایشان.

باب پانزدهم: اندر عمل ربها و منفعت ایشان.

باب شانزدهم: اندر پروردها و منفعت ایشان.

باب هفدهم: اندر مطبوخها و نقوعها و منفعت ایشان.

باب هژهدم: اندر طبیخها و ما الاصول و منفعت ایشان.

باب نوزدهم: اندر حبها مسهل و غیر مسهل و منفعت ایشان.

باب بیستم: اندر داروها قی و منفعت ایشان.

باب بیست و یکم: اندر داروهاء غرغره و منفعت ایشان.

باب بیست و دوم: اندر سعوطات و شمومات و بخورات و عطوسات و قطورات.

باب بیست و سیم: اندر طلاها و ضمادها و منفعت ایشان.

باب بیست و چهارم: اندر نطولها و منفعت ایشان.

باب بیست و پنجم: اندر روغنها و موم روغن و خضابها و منفعت ایشان.

باب بیست و ششم: اندر مرهمها و داروها و منفعت ایشان.

باب بیست و هفتم: اندر داروهاء دهان و زبان[1] و دندان و ملاذه.

باب بیست و هشتم: اندر داروها چشم و منفعت ایشان.

باب بیست و نهم: اندر حقنهاء مسهل و غیر مسهل و شیافها.

باب سی‌ام: اندر داروهاء فربهی و مزورها و حریرها.

---

[1]. به ضبط قلم در نسخه بضم اوّل است.

باب سی و یکم: اندر تفاریقها و لخلخه و خواص جواهر و عطرها.

باب سی و دوم: اندر اوزانها و مکیالها[1].

باب سی و سوم و سی و چهارم از نسخه ساقط است.

آغاز: «[بنام خداونـ]د بخشاینده و بخشاکر... [آ]فریدکار دو جهانست و روزی دهنده جهانیانست... و بدیذ اورنده درد و درمانست و درود... کی مهتر بیغامبرانست و اهل بیتش کفتار... ذیل کی تتمه کتاب ذخیره خوارزمشاهی است».

انجام: «و بهری از حکیمان کویند کی بدل غاریقون فرفیون است».

نسخ کهن، کاتب یونس بن ابی بکر، تاریخ کتابت شنبه بیستم ربیع الاخر سنه ۶۶۹، عناوین ابـواب و موضوعات به شنگرف، کاغذ نخودی بغدادی، جلد تیماج قهوه‌ای، ۱۷س، اندازه مسـطر ۱۲×۱۶/۵، ۱۶۸گ ۱۴×۲۲، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵، از سنه ۱۱۵۴ هفت مرتبه داخل عرض شده.

۱۶۵

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۰۸۵)

مشتمل بر کتابهای اول تا سوم است فقط.

آغاز: «بسمله، حمد له چون تقدیر ایزد تعالی چنان بود که جمع کننده این کتاب بنده دعاگوی».

انجام: «و شراب انار و میوها با خود دارد صواب باشد».

---

[1]. بعد از این باب یک ورق از کتاب بیان الطب تألیف کمال الدّین ابوالفضل بن ابراهیم بن محمد تفلیسی سهوا در صحافی داخل نسخه گذاشته شده.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر یکشنبه غره جمیدالاخر ۱۰۶۹، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۲۴س، ۳۵۵گ ۱۲×۲۴، جلد تیماج ماشی ضربی، واقف تاج ماه بیگم، تاریخ وقف ۱۲۶۲.

۱۶۶

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۰۸۶)

از اواسط کتاب چهارم است تا آخر کتاب ششم.

آغاز: «باب سیوم در آنکه طبیب را همیشه اثر نضج باید جست».

انجام: «و اندر سبزی و بوستانها و آب روان نگاه کردن سود دارد ان شاء الله الشافی».

کتابت بدو خط نستعلیق و نستعلیق شکسته، کابت نامعلوم(این نسخه و نسخه بلافاصله مذکور در قبل هر دو بخط یک کاتب است)، تاریخ تحریر سه‌شنبه دهم جمادی الاخر ۱۰۶۹، عناوین برخی به شنگرف، و جای برخی بیاض، کاغذ نخودی آهاری، ۱۹س، ۲۸۲گ ۱۲×۲۵، جلد تیماج ماشی ضربی، وقفی تاج ماه بیگم در سنه ۱۲۶۲.

۱۶۷

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۱۸۱)

این نسخه مشتمل است بر مقدمه کتاب تا آخر باب پنجم ا زگفتار ششم از کتاب پنجم.

آغاز: «بسمله حمد له چون تقدیر ایزد تعالی چنان بود که جمع کننده این کتاب الخ».

انجام: «و بعد ازین کتاب ششم است اندر علاج بیماریها از سر تا پای».

نستعلیق خوش، کاتب شاهوردی کرمانی، تاریخ تحریر پنجشنبه چهارم رجب ۱۰۶۴(نوروز این سال را کاتب می‌گوید در غره جمادی الاول واقع شده)، کاغذ نخودی آهار مهره، عناوین ابواب به شـنگرف، جلد تیماج خرمائی لبه‌دار با سجاف چرمی و ترنج و سرترنج ضربی، اندازه مسطر ۱۱×۲۰، ۲۱س، ۴۰۱گ ۲۰×۳۱، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۱۶۸

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۰۴۱۸)

مشتمل است بر کتاب ششم تا آخر کتاب هشتم.

آغاز: «بسمله... اندر علاج بیماریها از سر تا پای و این کتاب بیست و یک الخ.

انجام: «و بعد ازین کتاب نهم بود اندر احوال چیزها زیان‌کار و زهرها و دفع مضرت وایـن کتـاب را کتاب السموم گویند و ختم کتاب بدان باشد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ حنائی، عناوین و ابواب به شنگرف، ۱۷س، ۶۱۷گ ۲۱×۳۲/۵، جلد تیماج ضربی ساده با گوشه و ترنج، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۱۶۹

ذخیره خوارزمشاهی

(۸۳۷۵)

شامل مطالب جزو دوم از کتاب سوم است تا اواخر باب ششم از گفتار هفتم آن.

آغاز: «اندر تدبیر قی کردن و داروی مسهل خوردن».

انجام: «شکر سپید پانجده درم مغاث سه درم» (ناقص).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن سیزدهم، کاغذ شکری آهاری، عناوین به شنگرف، جلد تیماج یک لا، ۲۰س، ۱۴۱گ ۱۵×۲۰، واقف سردار کل یار محمدخان افشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۳۲.

۱۷۰

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۱۸۴)

اوراق اول و آخر آن ساقط است.

آغاز موجود: «باب شانزدهم اندر تدبیر قی کردن».

انجام موجود: «با موم روغن بروغن گل، باب هفتم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، کاغذ نخودی، عناوین و ابواب و جداول صفحات همگی به شنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۷س، ۵۹گ ۱۷×۲۵، اندازه جدول ۱۱/۵×۲۰، واقف میرزارضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ماه ۱۳۱۱.

۱۷۱

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۱۸۳)

کتاب ششم است.

آغاز: «کتاب ششم از ذخیره خوارزمشاهی در علاج بیماریها از سر تا پای».

انجام: «و آب روان نگاه کردن سود دارد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۲۶ رمضان سنه ۱۰۷۳(؟)، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین به شنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای تیره، ۱۵س، ۱۶۲گ ۲۰×۲۸، وقفی میرزا رضاخان نائینی.

۱۷۲

ذخیره خوارزمشاهی

(۵۱۸۲)

اوراق این کتاب بکلی جابجا شده و مشتمل است بر کتاب دوم تا چهارم، بنابراین آغاز و انجام آن مطابق با وضع موجود از این قرار است:

آغاز: «بسمله، کتاب چهارم از ذخیره و این کتاب چهار گفتارست».

انجام: «باب هفتم از گفتار هفتم از کتاب سیوم اندر یاد کردن تدبیرها مسافران دریا... و همچنین شراب سماق بغایت سودمند بود».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دهم، عناوین بشنگرف و بقلم ثلث، کاغذ نخودی، جلد تیماج قهوه‌ای، ۲۱س، ۲۶۴گ ۱۹×۲۶، وقفی میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۱۷۳

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۰۴۳۱)

اوراق این نسخه بسیار درهم و مشوش است و فی الواقع مشتمل است بر اوراقی از کتاب اول و کتاب ششم و هفتم و قرابادین، بنابراین آغاز و انجام آن مطابق با وضع موجود از این قرار است:

آغاز: «بسمله بباید دانست که نخست بجمع ذخیره خوارزم‌شاه مشغول گشته آمد».

انجام: «تمام شد کتاب ششم از کتاب ذخیره... و یتلوه انشاالله کتاب السابع فی الاورام و البثور و القروح و الجراحات و الخلع و الکسر و الوثی و ما اشبه ذلک من الامراض و الافات الخ بـا همـین عبـارات عربی».

نستعلیق، کاتب میرزا حسین بن شمس الدین محمد الکاشانی(کاتب نسخه شماره ۵۱۸۰ مشـروح در چند صفحه پیش)، تاریخ تحریر غره صفر ۹۸۸، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد مقوا، عطف و گوشه پارچه، ۴۲س، ۵۴گ ۱۷×۲۵، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۱۷۴

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۶۳۱۹)

این نسخه که از اواسط مقداری افتادگی دارد مشتمل است بر کتاب اول تا آخر بخـش دوم از کتـاب سوم.

آغاز: «بسمله چون تقدیر ایزد تعالی چنان بود که الخ».

انجام: «و همچنین شراب سماق بغایت مفید است».

نسخ، کاتب قسمت اخیر کتاب محمد تقی بن ابوطالب الحسینی الطبیب، تاریخ تحریر رجب ۱۲۲۳، کاغذ شکری، عناوین به شنگرف، جداول اوراق الوان، جلد تیماج مستعمل، مختلف السطور، ۳۲۱گ ۱۶×۲۲، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۱۷۵

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۳۳۵۲)

این نسخه شروع می‌کند از اول مقاله سوم از کتاب ششم و ختم می‌کند به اوائل کتاب هفتم.

آغاز: «بسمله مقالت سیوم... اندر علاج گوش و انواع بیماری».

انجام: «واو برطرف گردد و زائل شود مجربست».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج مستعمل، ۱۵، ۲۱۸گ ۱۶/۹×۲۸/۵، واقف عباس فخیمی، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۶۲.

۱۷۶

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۰۵۱۸)

مشتمل است بر گفتار نخستین از کتاب ششم تا باب دهم«اندر دمیده شدن ناخن و خارش کردن» و ۳۴ ورق از نسخه دیگری مربوط به آغاز کتاب هفتم تا اواسط باب هشتم از جزء دوم از گفتار هفتم«اندر طلیها و داروها کی اندر مجبری بکار آید» به آخر آن ملحق است.

آغاز: «گفتار نخستین از کتاب ششم اندر علاج بیماریهای سرخ گونه است».

انجام: «از هر یکی جدا و بهم آمیخته سود دارد و الله اعلم بالصواب».

آغاز ورق الحاقی: «بسمله حمد له کتاب هفتم از ذخیره خوارزمشاهی اندر بیماریها و آفتها کی ممکن است».

انجام موجود: «و اگر استخوان ستبرتر شکسته شود ساق بسوی پس».

نستعلیق، کاتب عبدالوتر پهلوان بن محمد وردی، تاریخ تحریر ۲۵ ربیع الثانی ۱۰۸۷(اوراق الحاقی: نسخ درشت، کابت محمد بن احمد بن ابی الفتوح الطبیب، تاریخ تحریر جمعه ۲۹ ربیع الاخر سته ۷۲۳)، عناوین بشنگرف(اوراق الحاقی: به سیاهی)، کاغذ نخودی، جلد تیماج ضربی مستعمل با سجاف چرمی، ۲۵س(اوراق الحاقی: ۳۳س)، ۵۵گ ۲۳×۳۷/۵، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۵.

۱۷۷

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۶۷۵۵)

این نسخه دارای هفت تصویر است در تشریح استخوانها و عضلها و عصبها و وریدها و شریانها و رحم و مشتمل است بر«باب دوم از جزو نخستین از گفتار چهارم اندر شناختن استخوانهاء سر» و استخوانهای سایر قسمتهای بدن و«جزو دوم از گفتار چهارم اندر شناختن عضلها» و جزو سوم«اندر شناختن عصبها» و جزو چهارم«اندر شناختن رگها که از جگر راست آید و آنرا اورده گویند» و جزو پنجم«اندر شناختن شریانها» تا برسد به«باب هفدهم از گفتار پنجم اندر تشریح رحم» یعنی مشتمل است بر قسمت تشریح کتاب و ذخیره.

آغاز موجود: «و سخت‌تر از گوشت تا چون میانجی باشد میان هر دو».

انجام موجود: «و مخدومه دو جنس است یکی تصرف اندر غذا کند که بقای».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین به سرخی، دارای هفت تصویر(سه تصویر با جوهر سیاه و بقیه رنگی)، بدون جلد، ۳۸س، ۲۴گ ۲۱/۵×۳۵،اندازه مسطر ۱۴/۵×۲۵/۵، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۶۷.

۱۷۸

ذخیره خوارزمشاهی

(۱۰۵۲۷)

این نسخه از آغاز کتابست تا اوائل«باب دهم از گفتار پنجم در خشک کردن ریش آبله تا زود بیفتد».

انجام موجود: «یا در زیر آن رطوبتی باشد آنرا بآهستگی بی‌روغن بردارد».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی فرنگی، جلد تیماج ضربی، ۲۷س، ۲۰۸گ ۲۲×۳۶/۵، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۱۷۹

ذخیره خوارزمشاهی

(۲۳۲۱۵)

این نسخه از آخر مقداری کسری دارد.

انجام موجود: «و در جو و پلپل سیاه فرفیون بدلش جو بیدستر ص خیر(کذا) بدلش دوبار».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم، عناوین ابواب به شـنگرف، کاغذ حنائی، دارای کتیبه و سرلوح مذهب، جداول دو صفحه افتتاح به زر و تحریر و لاجورد و بـین

السطور آنها طلااندازی محرر، جلد تیماج ضربی ساده، ۲۵س، ۸۰۹گ ۱۸/۸×۳۲/۳، واقف عباسعلی صائبی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۵.

۱۸۰

ذخیره خوارزمشاهی

(۲۵۶۳۰)

این نسخه مشتمل است بر کتاب اول و دوم و از اواسط نیز مقداری افتادگی دارد.

نستعلیق، تاریخ تحریر ۱۱۹۲، کاتب نامعلوم، برخی عناوین بشنگرف و جای برخی بیاض، کاغذ حنائی بخارائی، ۱۹س، ۱۷۱گ ۱۴/۵×۲۶/۵، اندازه مسطر ۱۲/۵×۲۱، جلد کالینگور، واقف زین العابدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف ۱۳۷۷.

۱۸۱

ذخیره خوارزمشاهی

(۲۵۲۵۲)

نسخه کامل است.

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم[۱]، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، دارای یک سرلوح منقش کم کار، ۲۸س، ۵۴۳گ ۲۵×۳۳/۵، عناوین موضوعات واسامی ادویه به شنگرف، جداول اوراق به لاجورد و شنگرف و کمندها به لاجورد، اندازه جدول ۱۷/۷×۲۵/۷، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی زین العابدین جعفر زاهدی در ۱۳۷۷.

---

[۱]. کاتب را در اتیکت(شناسنامه) نسخه نوشته‌اند علیخان بن ابراهیم خان شادلو است در سنه ۱۲۴۱ و آن سهو است واو فقط یادداشت سراپا مغلوطی دارد راجع به مؤلف کتاب.

۱۸۲

ذخیره کامله

(۸۶۹۹)

(فارسی)

تألیف حکیم محمد(در متن به حروف مقطع) از اطبای عهد شاه صفی صفوی است در بیـان جراحـی زخمها در شش فصل و سی باب و خاتمه در دو جمله از قرار تفصیل زیر:

فصل اول- در بیان هوا و ضرر زخمها بدن و نگاه داشتن آن.

فصل دوم- در شناختن و دانستن داروها و بعمل آوردن و شستن و نگاه داشتن آن(مرتب بر حـروف تهجی).

فصل سوم- در وصیت استادان درین علم و آداب و محافظت خود نمودن.

فصل چهارم- در دانستن فصلهای سال که هر فصل زخم را چون نگاه بدارند و چه مرهم گذارند و صاحب زخم در چه جا مقام کند و اشربه و اطعمه چه خورند.

فصل پنجم- در دانستن و شناختن آلات بریدن و شکافتن و نگاه داشتن آن.

فصل ششم- در دانستن مرهمهای پخته و صفت پختن آن.

فهرست ابواب کتاب

– در خوردن زخمها ک از زخم فولاد باشد مثل شمشیر و تیر و خنجر و کارد و تفک[1] و پیکان ماندن درزخم و گلوله ماندن در مقام زخم خواه استخوان و خواه در گوشت و صفت بستن زخـم و بیـرون آوردن پیکان و غیره.

– در دانستن آلتهای زهردار که به آن زخم زده باشند و هر چه بزهر آب داده بموضعی رسانیده باشند بیرون آوردن زهر از آن زخم.

– در زدن بچوب و سنگ و ضربه و سقطه و شکافتن و افتادن و افتادن و کوفته شدن موضع از اعضا.

– در سوختن با آتش و آب گرم و روغن جوشیده و آنچه بدان ماند.

– در کشیدن نوره و زخم شدن از آن و آبله زدن از چیزهای گرم مثل آب گرم و غیره.

– در گزیدن مار و عقرب و حیوانات موذیه و زخم دندان ایشان و بوزنه و پلنگ و یوز و سگ دیوانه و جمیع حیوانات گزنده و علاج آن.

– در سیاست پادشاه مثل بریدن دست و پا و قضیب و خصیه و کشیدن میل در چشم و بیرون آوردن حدقه چشم.

– در شکافتن خنازیر و نفحه و آنچه توان شکافت.

– در دمل و مادهای گرم که پدید آید و خارش کردن آن گرم یا سرد.

– در خوردن سیخ خرما و آبگینه و نی و استخوان و هر چه بگوشت رسد و زخم کند یا در آن شکسته شود.

– در سرطان و داخس که کژدم گویند.

---

[1] . همان است که ما«تفنگ» می‌گوئیم.

- در غذاها و شراب‌ها و آنچه در خمها بکار دارند.

- در سرما رسیدن بدست و انگشتان و غیره.

- در دانستن و بزیر آمدن ملاذه یا افتادن آن و عوام آنرا کج گویند.

- در تباه شدن ناخن و بریدن و شکستن و زخم آن.

- در زخم اطفال و طاونو و برک و اینانک و کچل و شرینه و ورم اعضای ایشان.

- در آنچه نیش باید داد که کجا باشد توان نیش دارد و چه جا توان و کی باید نیش داد.

در بواسیر و نواصیر و جزام(کذا) و کریون.

- در زخم آبله و آتشک و آنچه بدان ماند.

- در آبله و آتشک فرنگ و علاج آن.

- در آداب چوب چینی خوردن.

- در زخم که کرم افتاده باشد یا بو زده و ناصور شده باشد.

- در بیرون آمدن دانها.

- در شکستن اعضائی که تخته بران بندند یا خرد شده باشد بالا آرند مثل استخوان سینه و غیره.

- در بیرون شدن بندی از مقام خویش و بجا آوردن آن.

- در رشته و وباء و حذر از آن.

- در خراج و در پستان و زخم آن.

- در ترکیدن قلمهای پا و دست و بازو و ران و پهلو و هر استخوان که بترکد.

- در زخمهائی که دور آن زخم احتیاج بداغ کردن باشد.

– در زخمی که بر سر پیوند افتد و رگهائی که بجهد و کنده شود یا بر رگها یا زخمی که در انـدرون گوشت و استخوان باشد.

خاتمه: در داروهای بیهوشی که از برای بریدن و شکافتن و داغ کردن بسازند که آن ؟؟؟؟؟؟؟ آن کس خبردار نشود.

جمله اول: در ساختن خشک داروها و روغن‌ها و موم روغنها و غیره.

جمله دوم: در وصف قهوه و چای خطائی و پختن آن و مرهم‌های متفرقه و تمام شدن کتاب.

آغاز: «بسمله سپاس و ستایش حکیمی را که عظمت و بزرگی او بی‌زوالست و ذات کمال و صفاتش بی‌زوال».

انجام موجود: «مرهم شکستن چیز... باید بست و سوخته گذاشتن و اگر ورم دارد».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عنـاوین بـه شـنگرف، دارای چنـد تصویر ساده از آلات جراحی، ۱۴س، ۲۷۰گ ۱۱×۱۷، جلد تیماج، وقفی علی اصغر اصغرزاده موسوی در اردیبشهت ۱۳۳۸.

۱۸۳

رجوع الشیخ الی صباه(ترجمه...)

(۵۰۶۲)

(فارسی)

اصل از احمد بن یوسف الشریف است و ترجمه از محمد سعید ابن محمد صادق اصفهانی و مشـتمل است بر دو جزو هر جزو در ۳۰ باب، و این نسخه تا ابتدای باب هشتم از جزو اول را بیشتر ندارد.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان من ماء معین ثم جعله نطفهٔ فی قرار مکین».

انجام موجود: «باب هشتم در بیان مقدمه که در معرفت ترکیب نمودن ادویه باهیه لازم است».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، عناوین بشنگرف، ۱۳–۱۵س، ۲۶گ

کاغذحنائی، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف حاج سید محمد، تاریخ وقف ۱۳۰۹.

۱۸۴

رساله بیخ چینی

(۵۰۹۳)

(فارسی)

مختصری است در بیان صفات و خواص و منافع و ترتیب و شرایط استعمال بیخ چینی از تألیفات عماد الدّین محمود بن مسعود شیرازی مذکور در صفحات پیش که آن رادر وقت اقامت در هندوستان براساس اقوال شفاهی شخصی ارسطو نام که فرنگی نو مسلمان و بزعم خود از اولاد ارسطو حکیم معروف یونانی بوده در نه ۹۵۴ تألیف نموده[۱] و چنان که از یک موضع از رساله افیونیه مؤلف برمی‌آید تألیف این مختصر مقدّم بر افیونیه بوده است.

آغاز: «بسمله سپاس و ستایش آفریدگاری را که انسان را بشرف نطق و بزینت عقل مشرف گردانید».

انجام: «اگر تمام منافع نیابند بعضی ازینها لامحاله حاصل شود ان شاءالله».

---

[۱] . از قول این«مرد کامل و دانشور و عاقل و خردمندپرور» فرنگی نقل می‌کند که«بیخ چینی را از سر حد ظلمات می‌آرند و میگویند نشو و نمای آن از آب حیاتست».

حکیم لایزل این بیخ چینی   دوای درد جان ناتوان کرد

بطرف جویبار آب حیوان‌درخت بیخ چینی را نهان کرد

درختی که او آب حیوتست   نشاید وصف او آسان بیان کرد.

نسخه مذیّل است به ادعیه ایام هفته منقول از صحیفه سجادیه در سه ورق و منتخباتی در نه اصل بزبان فارسی در قلع آثاری که بر لباس و کاغذ مانده منقول از رساله‌ای که کندی در این خصوص نوشته بوده در یک ورق و رساله فارسی بلافاصله بعد از آن در مبحث وجود از کمال الدّین عبدالرّزاق کاشی ایضا در یک ورق.

آغاز رساله اخیر: «بدان که وجود واجب وجود مطلق است اعنی وجود من حیث هو».

انجام: «پس هیچ چیز از عدم بوجود نیاید و وجود بعدم نشود».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۷س، ۸گ ۱۲×۱۹/۸، واقف آقا زین العابدین تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۱۸۵

رساله در تشریح

(۲۳۱۸۵)

(فارسی)

مشتمل بر رکن دوم کتاب و منقول است بعینها از خلاصهٔ الحکمهٔ تألیف محمد حسین بن محمد هادی العقیلی العلوی.

عناوین ابواب و فصول آن از قرار تفصیل ذیل است:

باب اول– در تشریح اعضای مفرده، مشتمل بر شش فصل:

– در بیان تشریح عظام جمجمه و فکین و اسنان.

– در بیان تشریح هر دو دست از کتف تا انگشتان.

– در بیان تشریح عنق و ترقوه و صدر.

– در بیان تشریح ظهر و عجز و عصعص.

– در بیان تشریح رجلین.

– در بیان بقیه اعضای مفرده.

باب دوم– در تشریح اعضای مرکبه، در پنج فصل:

– در باین تشریح دماغ و عینین و اذنین و لسان.

– در بیان تشریح قلب و ریه.

– در بیان تشریح حجاب صدر و معده و امعا.

– در بیان تشریح کبد و مراره و طحال.

– در بیان تشریح کلیتان و مثانه و انثیان و قضیب و رحم.

آغاز: «بسمله حمد له این مضامین افاضت آئین در معرفهٔ علم تشریح است که باعث معرفت بنفس خود است».

انجام: «و امداد خاصان درگاه او در معالجاتامراض مختصه نیز بیـان خواهـد یافـت، تمـت الصـحیفهٔ التشریحیهٔ».

نستعلیق جلی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ نخودی، ۱۴س، ۱۲۷گ ۱۵/۵×۲۰/۲، جلد مقوا، وقفی فخر المحققین شیرازی در مرداد ۱۳۷۵.

۱۸۶

رساله در تشریح

(۱۲۷۱۷)

(فارسی)

اصل کتاب تألیف دکتر پولاک نمساوی(= اطریشی) طبیب مخصوص ناصرالدّین شاه قاجار و مذکور در صفحات آتیه است(ذیل زبدة الحکمه) و ترجمه فارسی آن علی الظاهر از میرزا محمد حسین افشار شاگرد او در مدرسه دولتی دارالفنون که بدستور پادشاه مذکور تألیف و در یک مقدمه و پنج مقاله تدوین شده است از این قرار:

مقدمه- در معنی و تاریخ تشریح.

- در تعریف و تشریح عظام و غضاریف و مفاصل و رابطه[۱] بدن انسان.

- در بیان عضلات و فوائد آنها.

- در ذکر عروق از ضوارب و غیر ضوارب و اعمال آنها.

- در تشریح دماغ و نخاع و اعصاب نابته از آنها.

- در تشریح احشاء و اغشیه آنها.

آغاز: «بسمله در بیان علم تشریح بدانکه علم تشریح علمی است اصل از علم طب».

انجام موجود: «در بیان عضلا[ت] (کاتب تا همین جا را نوشته).

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی فرنگی، ۱۷س، ۳۵گ ۱۶/۵×۲۱، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

---

۱. Ligaments.

۱۸۷

رساله در خواص اطعمه و اشربه

(۶۸۷۳)

(فارسی)

رساله مختصری است منضم به«ترجمه تقویم الابدان» محفوظ تحت رقم ۶۸۷۱ مشتمل بر دو جزو:

الف) جزو اوّل بطریق جدول موسوم به تقویم الاشیاء در بیان طبیعت مأکولات و نباتات و مشروبات و مرکبان مبتنی بر«هفت جلد از کتاب یونان و چهار کتاب از حکمای هند و دو کتاب قانون و قانونچه و یک کتاب از حکمت کتب(کذا) فرنگی و سه جلد از قواعد تجربیات حضرات سیاحان جهان‌گرد و مشایخ و دو کتاب از حضرات فرنک سبزان(کذا)».

ب) جزو دوم در مترادفات و معانی الفاظ یونانی و پهلوی و سغدی مستعمل در علوم پزشکی و بیان خواص و منافع طعامها و شربتها و انواع سبزی‌ها و میوه‌ها.

آغاز: «بسمله حمد له این رساله‌ایست از حکمای یونان هر یک جدا جدا مزاج مأکولات و نباتات الخ».

انجام موجود: «و قوت دهد دل و همچنین جگر را قوت دهد تمام شد جلد ارسطاطالیس(کذا)».

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۸، کاغذ شکری، عناوین بشنگرف، مختلف السطور، ۱۶گ ۲۰×۳۰، جلد مقوابا رویه پارچه، واقف درة السلطنه ملک‌زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۱۸۸

رساله در طب

(۸۷۳۴)

(فارسی)

تألیف حکیم نورالّدین محمد عبدالله حکیم عین الملک قرشی شیرازی متخلص به بقی و از نمط کتاب قسطاس الاطباء کتاب دیگر اوست و به لحاظ این که اشاره مختصری به احوال او ذیل«الفاظ الادویه» و«قسطاس الاطبا» در همین کتاب نموده‌ایم در اینجا دیگر حاجتی به تطویل کلام نیست. این رساله را مؤلف بعد از«الفاظ الادویه» نگاشته است.

آغاز: «بسمله هو الله احد الله الصمد که پایه حقیقت بیچونش از دایره دریافت و احاطه شناخت برتر است و تفکر ادراک کنه ذاتش کاشف انوار تجلیات(تا این گوید) و بعد خادم اطبا.... که چون بچندش طبقات از آبا و امهات حلقه خانزادی(کذا) و بندگی بگوش عقیدت نیوش دارد».

انجام: هیچ آفریده را نشود خودش نصیب ای آفریدگار پس از آفریدنش

(انجام این رساله که بالغ بر ده ورق است با انجام«الفاظ الادویه» یکی است)، بلافاصله پس از آن منقولاتی است از کتب و رسالات طبی و غیرطبی از قبیل شفاء ابن سینا و شرح قانونچه و مخزن الادویه و در میان آنها رساله مختصری است مشتمل بر ده ورق در ادویه که احمد بن لطف الله مولوی افندی آنرا از ترجمه ترکی رساله‌ای که بزبان فرنگی بوده تعریب نموده است.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد فاقول ان طائفۀ الافرنج المهتمین بصناعۀ الطب لما وجدوا الارض الجدیدۀ(یعنی قاره امریکا) صرفوا همتهم فی تجربۀ ما وجدوا فیها من الاعشاب و العقاقیر المختصۀ بها فوجدوا فیها اشیاء کثیرۀ تنفع فی دفع الامراض الصعبۀ التی عجز الاطباء عن مداواتها مثل خشبۀ الصینیۀ الخ».

انجام: «و الظن الغالب ان فعله اولی من ترکه و من الله التوفیق».

نستعلیق، کاتب نامعلوم(این مجموعه و کتاب عمل صالح بیک خط است)، عناوین بسیاهی، کاغذ نخودی فرنگی، ۲۱-۲۲س، ۳۹۲گ ۱۴×۲۰، جلد تیماج، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۶.

۱۸۹

رساله در طب

(۱۵۳۷۰)

(فارسی)

مختصری است مبتنی بر اقوال اطبائی نظیر رازی و ابوسهل مسیحی و ابن سینا و ابن هبل و ابن النفیس و قطب الدین رازی و در یک موضع نیز بر قول مولانا قطب الدین آدم از پزشکان زمان سلطان حسین میرزا در بیان بعضی امراض و طرق معالجه آنها و ذکر ادویه مفرد و مرکب با مبلغی مدح و تملّق بارد بی‌مزه از سلطان یا امیر وقت مشتمل بر ظاهراً سه مقاله و خاتمه‌ای بشرح زیر:

مقاله اول- مشتمل است بر پنج باب:

- در تعریف و اقسام و جمع المفاصل.

- در اسباب.

- (این باب از نسخه ساقط است).

- در معالجات بر وجه کلی.

- درمعالجه وجع المفاصل و عرق النسا.

مقاله دویم- در علاج نقرس شامل هفت وصل:

- در تعریف نقرس.

- در نقرس دموی.

- در نقرس صفراوی.

- در نقرس بلغمی.

- در نقرس سوداوی.

- در نقرس مرکب بتخصیص از بلغم و صفرا.

- در آنکه چه کسان را این مرض حاصل نمی‌شود.

مقاله سوم- در بیان ادویه مشتمل بر دو بخش:

- در ادویه مفرد در دو حصه:

الف) در کلیات ادویه مفرده.

ب) در ادویه مفرده.

- در ادویه مرکبه مشتمل بر ۹ طراز باین شرح:

الف) در کلیات مرکبات.

ب) در منضج و نقوع.

ج) در مطبوخ و حبوب.

د) در اطلیه و اضمده.

هـ) درحقنه و نطول.

و) (این باب ساقط است).

ز) (این باب ایضا ساقط است).

ح) در آبزن و ادهنه.

ط) در مقی وصنوف ابا.

خاتمه– مشتمل است بر سه شعبه:

– در تعریف وبا و ما یتعلق(دو شعبه دیگر از نسخه ساقط است).

آغاز موجود: «مکان و خفاء وجع و مکودت لونست».

انجام موجود: «بواسطه تخذیر او عضو را یا بسبب غلیظ گردانیدن».[1]

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ نخودی، جداول اوراق به طلا و تحریر ولاجورد، عناوین به طلا و لاجورد و شنگرف، ۱۵س، ۷۱گ ۱۲×۲۰/۲، جلد مقوا، واقف علی اصغر احمدئی، تاریخ وقف آبان ۱۳۶۵.

۱۹۰

رسالهٔ فی القولنج

(۵۰۸۹)

(عربی)

تألیف شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سیناست در بیان اقسام و اسباب و اعراض و دلایل قولنج و وجوه معالجات آن و مشتمل است بر سه مقاله هر مقاله در چند فصل باین شرح:

مقاله اول– فی تشریح الامعا و منافعها، در نه فصل از این قرار:

---

[1]. اوراق نسخه بخصوص اواخر آن جابجا شده است.

- فی ذکر التجاویف الکبار التی فی بدن الانسان.

- فی ذکر منافع الامعاء.

- فی ذکر عدد الامعاء و الحکمهٔ فی کثرتها.

- فی ذکر الامعا الاثنی عشری و منفعته.

- فی ذکر المعا الصائم و منفعته.

- فی ذکر الدقاق و منفعتها.

- فی ذکر المعا الاعور و منفعته.

- فی ذکر المعا قولن و منفته.

- فی ذکر المعا المستقیم و منفعته.

مقاله دوم– فی تعریف ماهیهٔ القولنج و اقسامه و اسبابها و علامات کل قسم منها.

در هشت فصل از قرار تفصیل زیر:

- فی تحدید القولنج.

- فی تقسیم القولنج بالاقسام الاولی.

- فی تقسیم اقسام القولنج الکائن بالمشارکهٔ.

- فی تفصیل اقسام القولنج الذی بذاته.

- فی تحصیل اسباب کل نوع من القولنج علی سبیل التعدید.

- فی تحصیل علامات القولنج جملهً و تفصیلاً.

- فی الفرق بین القولنج و بین امراض تشابهه.

– فی ذکر امراض من شان القولنج ان ینتقل الیه.

مقاله سوم– فی تدبیر اصحاب القولنج و علاجهم و حفظهم مشتمل بر یازده فصل باین شرح:

– فی قانون علاج القولنج الذی هو عن سبب بارد بلغم او ریح و غیرهما.

– فی تدبیر الادویهٔ التی یشربها اصحاب القولنج البارد.

– فی الحقن التی یستعملها و لاء و الشیافات.

– فی قانون علاج القولنج الثقلی.

– فی الحقن و الشیافات التی تصلح لهم.

– فی تدارک احوال تعقب استعمال الحقن.

– فی کیفیهٔ استعمال المخدرات فی القولنج.

– فی ذکر ما ینتفع القولنج بالخاصهٔ.

– فی ذکر علاج القولنج الدودی.

– فی علاج القولنج الورمی.

– فی وجه احتراز المستعد للقولنج عن القولنج.

آغاز: «بسمله و بعد خاطبنی سیدنا الامیر الجلیل نصرهٔ الدوله عز الملک لقاه الله فی جمیع متصرفاته الانجاح و الظفر».

انجام: «بل جعل استحمامه بالماء البارد کان فی الاصل المنقول منه هذا ما وجد من هذا الکتاب».

بلافاصله بعد از آن رساله هندبا(کاسنی) است به شماره ۵۰۹۰ ایضا از ابن سینا در شش صفحه بخط کاتب رساله مذکور در فوق که به لحاظ این که یک نسخه از آنرا ذیل شماره ۱۲ از نسخه علاج

الاطفال(مذکور در حرف عین تحت رقم ۱۶۷۶۶) معرفی نموده‌ایم در اینجا بیش تفصیل مطلب نمی-دهیم(نسخه دیگری از آنرا تحت رقم ۱۰۱۰۸ معرفی خواهیم کرد).

آغاز: «بسمله سئل الشیخ الرئیس ابوعلی سینا رحمۀ الله علیه ان یملی کلاما فی علۀ الامر باستعمال الهندبا غیر مغسوله».

انجام: «مخرج الامثال المضروبۀ و الرموز الواقعۀ و بالله التوفیق».

نسخ جلی، کاتب نامعلوم(این نسخه و نسخه ادویه قلبیه محفوظ تحت رقم ۶۴۱۳ بخط یک کاتب است)، تاریخ تحریر قرن هفتم، کاغذ حنائی، ۱۹س، ۳۶گ ۱۷×۲۶، جلد مقوا با رویه پارچه و عطف و گوشه چرم، فصول به شنگرف و مقالات به سیاهی، واقف عضدالملک.

۱۹۱

رسالۀ فی الهندبا[۱]

(۱۰۱۰۸)

(عربی)

مختصری است در سه فصل در تعلیل تأکید به استعمال هندبا(=کاسنی) غیر مغسول و بیان خواص و منافع آن از ابن سینا که علی المشهور آنرا بارتجال نوشته و یک نسخه از آن را در حرف عین(علاج الاطفال– ۱۶۷۶۶، ذیل شماره ۱۲) و نسخه دیگری را تحت رقم ۵۰۹۰ ذیل رساله فی القولنج– ۵۰۸۹ معرفی نموده‌ایم.

---

[۱] . قبل از این رساله چند رساله است در موضوع منطق همگی از ابن سینا که به لحاظ عدم ارتباط با موضوع از ذکر آنها در این کتاب صرف‌نظر نمودیم.

آغاز: «بسمله سئل الشیخ الرئیس ابوعلی بن سینا رضی الله عنه ان یملی کلاما فی علة الامر باستعمال الهندبا غیر مغسولة».

انجام: «الامثال المضروبة و الرموز الواقعة و بالله التوفیق».

بدنبال آن چند رساله است همگی ایضا از ابن سینا در موضوعات مختلف از منطق و ریاضی و طب و هیئت و غیره که از آن جمله رسالاتی را که مرتبط با موضوع این کتاب است ذیلاً معرفی می‌نمائیم:

۱. رسالة فی بیان اوّل ما یجب علی الطّیب ان یبدأ به

مختصری است در دو صفحه مشتمل بر شش فصل در بیان اهمیت وجوب معرفت جنس و نوع امراض از طریق قیاس نه تجربه.

آغاز: «بسمله قال الشیخ الرئیس الفاضل ابوعلی الحسین بن سینا البخاری رضی الله عنه اول ما یجب علی الطبیب الخ».

انجام: «و ان خالفه قال التدبیر الاصوب و الحمدلله».

۲. رساله شیخ به ابوالفرج الیمامی

جواب ابن سینا به اعتراض ابوالفرج بن ابی سعید الیمامی مذکور در عیون الانباء(۲: ۲۳۴، بیروت ۱۳۷۶) بر رساله جوابیه شیخ در باب برخی مسائل طبی که نسخه دیگری از آنرا ایضا در حرف عین(علاج الاطفال- ۱۶۷۶۶، ذیل شماره ۱۵) معرفی خواهیم نمود، ان‌شاءالله العزیز.

آغاز: «بسمله اعتراض علی فیما وجده الشیخ ابوالفرج من الاحلال و الاختلاط فی مقالة لی کتبها».

انجام: «و لعل الله یسره المشافهة فیکون التعارض علی کتمان ان‌شاءالله وحده».

۳. مقالة فی حفظ الصحّة

در پنج ورق و مشتمل است بر ۱۳ باب بتفصیل ذیل:

- فی ذکر الکیفیات.
- فی ذکر الاعتدال و تقدیمه علی سایر الطبایع و الفصول.
- فی ذکر الابدان و ما یحتاج الیه لفحظ الصحهٔ.
- فی تدبیر کل یوم.
- فی السواک و منفعته و الاشجار التی تتخذ منها.
- فی الریاضهٔ و منفعها و کیفیهٔ استعمالها.
- فی هیئهٔ الحمام و تسمینه و منفعته.
- فی تناول الطعام و وقته و مقداره.
- فی الشراب و انواعه و مضاره و منافعه و کیفیهٔ استعماله.
- فی النوم و منفعته.
- فی الفصد و الحجامهٔ.
- فی الاسهال و منفعهٔ و تدبیر استفراغ کل خلط.
- فی ذکر اختیارات الایام.

آغاز: «بسمله استعین فیما افید بالفعال لما یرید و اسئل الله تعالی ان یطیل بقاء الشیخ و استدیم عزه و نعمته».

انجام: «و القمر فی البروج ذوات الجسدین».

۴. مجدول

مختصری است در یک ورق در بیان منافع و مضار شراب.

آغاز: «بسمله حمد له قال الشیخ الرئیس اعلی الله درجته هذا کتاب سیاسة البدن و فضائل الشراب و منافعه و مضاره».

انجام: «و مسموعه ما کان علی الطبل و الدف تمت الرسالة».

کناش

این کتاب را شیخ بجهت یکی از دوستان خود نوشته و مشتمل است بر سیزده ورق در ده مقاله از این قرار:

المقالة الاولی: فی خلق الانسان و ترکیب جسده و معرفة النبض و البول و سائر فضول الجسد، در ۷ باب باین شرح:

- فی خلق الانسان.
- فی ترکیب الجسد من الاعضاء المفردة.
- فی ترکیب الجسد من الاعضاء المرکبة.
- فی اقسام الطب و حدود فرقه.
- فی تعرف النبض.
- فی تعرف البول.
- فی تعرف احوال سائر فضول الجسد.

المقالة الثانیة: فی معرفة قوی الاطعمة و الاشربة و ما یتبعها، مشتمل بر ۲۰ باب بتفصیل ذیل:

- فی قوی الحبوب.

- فی اصناف اللحم و البیض.

- فی قوة السمک.

- فی قوة الالبان.

- فی قوة البقول.

- فی اصول البقول.

- فی قوی الفواکه الرطبة.

- فی قول الفاکهة الیابسة.

- فی قوی الادهان.

- فی قوی الریاحین.

- فی قوی الطب.

- فی الملابس.

- فی التوابل.

- فی الحل و المری و الکواسخ و الرواصل.

- فی الماء و الثلج و الجلید.

- فی الانبذة.

- فی الربوب و الاشربة و النقاع.

- فی المربیات.

- فی احوال البطیخ و الشوا.- فی احوال الحلوا.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی حفظ الصحهٔ و تربیهٔ الاطفال و تدبیر الحوامل و المرضعات، در ۱۰ باب از این قرار:

- فی الحرکات الریاضیهٔ.

- فی الحمام.

- فی احوال الاکل و الشرب.

- فی احوال النوم و الیقظه.

- فی احوال الباه.

- فی حرکات النفس.

- فی تدبیر الحبلی.

- فی تدبیر المرضعهٔ.

- فی تدبیر الطفل الی ان یفطم.

- فی تدبیر الصبی بعد الفطام.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی امراض الرأس، در ۱۸ باب باین شرح:

- فی الصداع و الشقیقهٔ و الدوار.

- فی السرسام الحارهٔ.

- فی المالیخولیا(جنو سوداوی).

- فی الصرع.

- فی العشق.

- فی السکتهٔ.

- فی الفالج و اللقوة و الحذر و الرعشة و التشنج الرطب.

- فی الزکام.

- فی الرمد.

- فی ضعف البصر و سیلان الدمع.

- فی اوجاع الاذن.

- فی اوجاع الانف و الرعاف.

- فی الشقاق.

- فی وجع الاسنان و اللثة و الفرس.

- فی بثور الفم و اللسان.

- فی جلاء الاسنان و تطیب النکهة.

- فی ورم اللهاء و اللوزتین و الخناق.

- فی العلق الناشب فی الحلق.

المقالة الخامسة: فی امراض الصدر و ما فیه الی حدود البطن، در چهار باب:

- فی السعال و النزلة و ذات الجنب.

- فی الربو.

- فی الخفقان.

- فی نفث الدم.

المقالة السادسة: فی امراض البطن و ما فیه من آلات الغذا، مشتمل بر ۱۴ باب بتفصیل ذیل:

- فی ضعف المدة.

- فی الغثی.

- فی المغص.

- فی الفواق.

- فی الهیضة و الاسهال.

- فی الوجر(؟).

- فی القولنج.

- فی الدود.

- فی اوجاع الکبد و بدو الاستسقاء.

- فی اوجاع الطحال.

- فی الیرقان.

- فی امراض الکلیتین.

- فی امراض المثانة.

امراض المقعدة.

المقالة السابعة: فی اعضاء التناسل، در ۶ باب باین شرح:

- فی القضیب.

- فی خروج المنی و المذی و الوذی.

- فی امراض الانثیین.

- فی الفتق.

- فی علل الرحم.

- فی الباه.

المقالهٔ الثامنهٔ: فی النقرس و وجع النسا و المفاصل، در سه باب:

- فی النقرس.

- فی وجع النسا.

- فی وجع المفاصل.

المقالهٔ التاسعهٔ: فی العلل العارضهٔ فی ظاهر الجسد و فی الفصد و الحجامهٔ در ۱۶ باب از قرار تفصیل ذیل:

- فی تمرط الشعر و الجرار.

- فی جلاء الوجه.

- فی العوما(کذا) و السعفهٔ.

- فی البهق الابیض و الاسود و البرص.

- فی الجذام.

- فی الحکهٔ.

- فی الجدری و الشوی.

- فی الثالیل.

- فی الدمامیل.

- فی ورم الظفر.

- فی شق اطراف الاصابع.

- فی احراق النار و الماء الحار.

- فی السموم.

- فی الفصد.

- فی الحجامة.

- فی الاسهال و الحقن.

المقالة العاشرة: فی الحمیات مشتمل بر ۷ باب باین شرح:

- فی حمی یوم.

- فی الحمی التی ینوب کل یوم و هی بلغمیة.

- فی الحمی التی تنوب غبا و هی الصفراویه.

- فی الحمی التی تنوب ربعا و هی السوداویة.

- فی الحمی المطبقة و هی حمی الدم.

- فی الحمیات المرکبة.

- فی حمی الدق.

آغاز: «بسمله الحمد الواهب العقل و البیان(بعد از یک سطر) کنت اشرت الی ایها الاخ البار ان اجمع لک کناشا فاخرا یحتوی من الطب علی اصول مضبوطة و فروع بالتجربة منوطة».

انجام: «و انا غنی عن الاعتذار من صغر هذا الکتاب او البسط اولی بذلک... انه ولی کل خیر و منها القول فی ذلک و کفی والله المعین و حسبنا الله وحده».

۶. کتاب الکامل

مختصری است در هفت ورق در بیان خواص و منافع برخی ادویه مفرد و مرکب.

آغاز: «بسمله قال یحیی بن ماسویه شحم الحنظل دواء تسمی اسطوخودوس فشحم الحنظل اذا شرب منه ما بین قیراط الی دانق مع ایارج فیقرا وزن درهم معجونا بعسل الخ».

انجام: «ثم یغسل بماء قد طبخ قد مرزنجوش... و شح و قیصوم انشاءالله تعالی».

۷. تعالیق بر مسائل

تعلیقات شیخ است در پنج ورق بر مسائل حنین بن اسحق.[۱]

آغاز: «قال حنین فی المسائل ان البلغم صار یحدث حمی ینوب کل یوم من طریق انه سهل الاجتماع».

انجام: «علی البدن اضعف عارض هذا آخر ما وجدت من هذه المسائل و التعلیقات».

۸. مسئلهٔ طبیهٔ فی الباه

جواب شیخ است در دو به یکی از معاصران خوددر خصوص ضعف قوه باه و طریقه علاج آن.

آغاز: «بسمله الحمد لله حمدا یکون کفا(کذا) لنعمه الظاهرهٔ و الباطنهٔ... مسئلهٔ طبیهٔ سئل عنها الشیخ الرئیس علی الله درجته».

انجام: «فان اوجب الرأی العالی زادالله سموا زیادهٔ فیما قلت سارعت الی الزیادهٔ ان‌شاءالله تعالی».

۹. مسائل طبی

---

[۱]. مراجعه شود به اختصار مسائل حنین در این کتاب.

مختصری است در بیان ترکیب اعضاء بسیط و مرکب انسان در دو ورق.

آغاز: «بسمله رب وفق و اعن لما اقتضت حکمهٔ الخالق تعالی ایجاد شخص الانسان بالجمع بین العناصر المتفاوتهٔ الطبایع المناسبهٔ المنافع جعل امتزاجها سبب لوجود اخلاط المختلفهٔ و اختلاف امتزاج الاخلاط سبب لاختلاف جواهر اعضائه».

انجام: «و التصرف فیما یقتضی بشروط الانسانیهٔ تبارک الله احسن الخالقین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین».

۱۰. ارجوزه

مشتمل است بر ۷۶ بیت در موضوعات طبی.

آغاز: «بسمله

اول یوم تنزل الشمس برج الحمل[1] تشرب ماء فاترا علی عجل».

انجام:

و طیبهٔ الانس مع النکاح مع کل کاعبهٔ رواح

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم، کاغذ حنائی آهاری، مختلف السطور، جمع اوراق نسخه ۱۸۷، ۱۹×۲۵، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف میرزا محمدعلی رضوی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۴۸.

۱۹۲

رسالهٔ فی تدبیر الابدان[فی سفر الحج]

[1] . کذا و کلمه برج زاید است.

(۵۱۸۹)

(عربی)

مختصری است در بیان کیفیت حفظ و صیانت اعضاء بدن بخصوص چشم و گوش و دهان از تغییرات هوا و وزش بادهای سرد و گرم و آبهای فاسد و امتحان و اصلاح این قبیل آبها و تحـرز از هـوام و حیوانات گزنده و چیزهای مولد عرق مدنی و ذکر اوقات خوردن و آشامیدن و خواب در طول سفر حج از تألیفات قسطا بن لوقا البعلبکی[۱] از اجلّه اطبا و فلاسفه و علمای ریاضی و از اعاظم مـؤلفین و نقله کتب علمی از یونانی به عربی و سریانی که به جهت ابومحمّد حسن بن مخلّد بن الجراح(۲۰۹-۲۶۹ در انطاکیه) وزیر معتمد عباسی و کاتب برادر او موفّق در موقعی که وزیر مـذکور بـا جمعـی از اصحاب خود عازم حج بوده در سیزده باب بتفصیل ذیل تألیف شده است و به لحاظ این که این رساله عیناً در کتاب امان الاخطار(الامان من اخطار الاسفار و الازمان) از تألیفات ابن طاوس(متـوفی ۶۶۴) نقل شده ما از تفصیل موضوعات و شرح جزئیات آن در این موضع صرف‌نظر نموده قارئین محترم را به طبع بسیار منقّحی که اخیرا از آن بعمل آمده مراجعه می‌دهیم(۱۶۵-۱۹۸، طبع قم).

فهرست معانی

فی وصف التدابیر التی یحتاج الی استعمالها فی الاسفار من تدبیر الابدان و هی اربعهٔ معان:

- العلم بالتدبیر فی وقت السیر و وقت الراحهٔ و الطعام و الشراب و النوم و الباه.

- فی العلم باصناف الاعیاء و الاشیاء التی تذهب بکل صنف منه.

---

[۱]. ترجمه احوال و اسامی تألیفاتش در این مآخذ مسطور است: الفهرست ۳۵۳، اخبار الحکما ۲۶۲-۲۶۳، طبقات الاطباء و الحکماء ۷۶، مختصر الدول ۲۵۹، عیون الانباء(۱: ۲۴۴-۲۴۵)، و فهرست کتب خطی کتابخانه آستان قدس(جلد هشتم و جلد دهم که این اخیر بقلم محرر این اوراق است).

- العلم بالعلل التى تعرض من هبوب الرياح المختلفة و علاجها.

- العلم بالتحرز من الهوام و علاج آفاتها اذا وقعت.

فاما سفر الحج قد يخصه اربعة معان اخر:

- العلم باختلاف المياه و اصلاح الفاسد منها.

- الاحتيال فى عوز الماء و قلته مما يقطع العطش.

- العلم بالتحرز من الاشياء التى تولد منها العرق المدنى و هيجان البواسير.

- التحرز من الحيات و العلاج من آفاتها.

فهرست ابواب

- كيف ينبغى ان يكون التدبير فى نفس السير و اوقات الطعام و الشراب و النوم و الباه.

- ما الاعيا و عما يحدث و كم انواعه و باى شىء يتعالج من كل نوع منه.

- فى اصناف الغمز و دلک.

- فى العلل التى تتولد من هبوب الرياح المختلفة و تغيير الهواء.

- فى وجع الاذن الذى يعرض كثيرا من هبوب الرياح الشديدة الحر و البرد و علاج ذلک.

- فى علل العين التى تعرض من اختلاف الهواء و الغبار و الرياح و غير ذلک.

- فى امتحان المياه المختلفة ليعلم اصلحها.

- فى اصلاح المياه الفاسدة.

- فى الاحتيال فى عوز الماء و قلته بما يقطع العطش.

- فى التحرز من كل الهوام.

– فی علاج عام فی لسع الهوام جمیعا.

– عماذا یتولد العرق المدنی و بماذا یحترز من تولده.

– فی صفهٔ علاج العرق المدنی فی البدن.

آغاز: «بسمله کتاب قسطا بن لوقا الیونانی الی ابی محمد الحسن بن مخلد فیما عمله فی تدبیر بدنه فی سفره الی الحج».

انجام: «و الله اسئل ان یتفضل علیک و علینا... و علی جمیع من معک بالسعادهٔ الکاملهٔ التی هی سلامهٔ النفس و صحهٔ البدن انه علی ما یشاء قدیر».

نستعلیق مخلوط بشکسته، کاتب محمد المدعو بقاسم بن حسین الحسینی، تاریخ تحریر ۱۰۴۹، کاغذ حنائی، ابواب بشنگرف، جلد مقوا ب رویه پارچه، ۱۷س، ۱۱گ ۱۲×۱۹، واقف حاج عماد(عماد المحققین)، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۱۰.

۱۹۳

رسالهٔ فی تدبیر الصحّهٔ بالمطعم و المشرب

(۱۲۵۰۲)

(عربی)

مؤلف آن ابوزید حنین بن اسحق العبادی(۱۹۴– ۲۶۰ یا ۲۶۴) از مشاهیر علما و مؤلفین و نقله علوم یونانی بخصوص علوم پزشکی به سریانی و عربی است. ترجمه احوال و اسامی کتب عدیده‌ای که بدست او تألیف یا ترجمه شده بتفصیل در کتابهائی از قبیل عیون الانباء و اخبار الحکما و طبقات

الاطباء و الحکماء و الفهرست و رساله حنین به علی بن یحیی(طبع برگشتراسر) و غیره مسطور است هر که خواهد بآنها مراجه نماید.

فهرست اقوال کتاب

- القول فی الاغذیهٔ الغلیظهٔ.[1]
- القول فیما توسط من الاغذیهٔ بین اللطیفهٔ و الغلیظهٔ.
- القول فیما یسرع الانهضام الاغذیهٔ.
- القول فیما عسر انهضامه.
- ذکر تسمیهٔ الاطعمهٔ الکبیرهٔ الفضول.
- ذکر تسمیهٔ الاطعمهٔ التی لا فضول لها.
- القول فیما غذاؤه کثیر.
- القول فیما قل غذاؤه.
- القول فی الاغذیهٔ الجیدهٔ الکیموس.
- القول فیما یولد کیموساً ردیا.
- القول فی الاغذیهٔ المتوسطهٔ بین ما تولد الکیموس الجید و بین ما تولد الکیموس الردی.
- القول فی الاغذیهٔ الحارهٔ.
- القول فی الاغذیهٔ الباردهٔ.
- القول فی الاغذیهٔ الیابسهٔ.

[1] . «القول فی الاغذیهٔ الملطفهٔ» قبل از این گفتار از نسخه ساقط است(در نسخه بلافاصله مذکور در ذیل این شماره و نیز در نسخه شماره ۵۲۱۴«تلخیص تذکرهٔ فی افعال الادویهٔ و اصلاحها» موجود است).

- القول فی الاغذیهٔ الرطبهٔ.

- القول فیما یصلح للمعدهٔ من الاغذیهٔ.

- القول فیما هو ضار للمعدهٔ.

- القول فیما یصدع الرأس من الاغذیهٔ.

- القول فیما ینفخ.

- القول فیما ثقل به نفخ الاغذیهٔ.

- القول فیما یولد السّدد.

- القول فیما یبطی اعداره(کذا).

- القول فیما یسرع الیه الفساد فی المعدهٔ.

- القول فیما لایفسد سریعا.

- القول فیما یلین البطن.

- القول فیما یمسک البطن.

آغاز موجود: «و هذا الجنس من الاطعمهٔ نافع».

انجام: «و ان صار فیها نقیه امسکت البطن. تم القول فی تدبیر الصحهٔ بالمطعم و المشرب بحمد الله و منه و فرغ منه بنیسابور یوم السبت الثالث عشر من جمیدی الاخرهٔ سنهٔ ست و تسعین و ثلثمائهٔ، الحمدلله و صلی الله علی رسوله محمد و آله الطیبین و حسبنا الله و نعم الوکیل».

بلافاصله پس از آن رساله موسوم به.

اظهار مساوی شعر ابی الطّیّب المتنبّی

از صاحب کافی ابوالقاسم اسمعیل بن عباد(متوفی در سنه ۳۸۵) وزیر مؤید الدوله دیلمی است در هجده ورق به ابوعبدالله حمزة بن الحسن الاصفهانی متولد در حدود سنه ۲۷۰ و متوفی در حوالی ۳۵۰ تا ۳۶۰ مورخ مشهور و صاحب کتاب معروف تارخی سنی ملوک الارض و الانبیاء و کتب نفیس دیگر، در بیان مساوی شعر متنبیّ شاعر مشهور عرب.

آغاز: «بسمله اما بعد اطال الله مدتک و ادام فی العلوم رغبتک».

انجام: «و الصدق اولی من وفاق البهایم».

و باز بلافاصله پس از این اخیر رساله معروف دیگری است موسوم به.

روزنامجه

ایضا از صاحب بن عباد به ابن العمید ابوالفضل بن محمد بن ابی عبدالله حسین(متوفی ۳۶۰) وزیر رکن الدّین حسن بویهی و یکی از مشاهیر ادبا و بلغای عربی نویس در قرن چهارم در ذکر وقایعی که در بغداد برای او روی داده بوده.[1]

آغاز: «بسمله، کتابی اطال الله بقاء مولانا الاستاذ الرئیس و ادام علوه و امور الحضرة البهیة منتظمة بیمن کفایته و الحمدلله شکر النعمة و وصل کتاب سیدنا ادام الله عزه جوابا عن کتاب عبده الخ».

انجام: «فخاطب مولینا بما انفذته و هو ادام الله... یطالعه ان شاءالله».

ایضا بلافاصله بعد از آن بمقدار سه ورق ابیات و قطعاتی است از ابوالفتح علی بن محمد بن حسین بن یوسف بن محمد بن عبدالعزیز کاتب بستی ادیب و شاعر ذواللسانین معروف[2](متولد در سال ۳۶۰ در

---

[1] . یک فقره از مطالب روزنامجه را ثعالبی در یتیمة الدّهر ذیل ترجمه ابی الطیب المتنبی نقل نموده است.

[2] . از اشعار معروف او قصیده نونیه است در حکمت و موعظه مشهور به عنوان الحکم که بدرالدّین جاجرمی آن را بیت به بیت نظما ترجمه نموده و مطلع آن چنین است:

شهر بست و متوفی در سنه ۴۰۱ ببخارا) که سابقا کاتب بایتوز حاکم بست بود و بعد از غلبه سبکتگین بربایتوز بخدمت او در آمد(قطعات منقول از او در این نسخه حدود ۲۹ قطعه است با جمله دعائیه«ایده الله» در آغاز قطعه اول) و در صفحه آخر ابیاتی است از ابن المعتز و ابو تمام و ابوعبدالله محمد بن یعقوب و شاعری دیگر.

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر شنبه سیزدهم جمادی الاخر سنه ۳۹۶، محلّ کتابت نیشابور، کاغذ حنائی، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ۱۲–۱۳س، ۶۲گ ۱۵×۲۰/۵، واقف نامعلوم.

۱۹۴

رسالهٔ فی تدبیر الصحّهٔ بالمعطم و المشرب

(۵۰۹۵)

این نسخه مقدمه و گفتار اوّل را که از نسخه بلافاصله مذکور در قبل ساقط بود دارد ولی از اواسط آن سه چهار گفتار را ندارد.

آغاز: «بسمله لما کانت الابدان دائمهٔ التحلل لما فیها من الحرارهٔ الغریزیهٔ و لحرارهٔ الهواء المحیط بها من خارج».

انجام: «امسکت البطن انتهی الغرض من الاصل».

زیادهٔ المرء فی دنیاه نقصان وربحه غیر محض الخیر خسران

و ما به لحاظ این که در خصوص صحّت انتساب این قصیده فائقه رائقه به بستی سابقاً در مجلّد دوازدهم از فهارس کتب خطی کتابخانه آستان قدس بحث و گفتگو نموده‌ایم(ص ۱۷۲) دراینجا دیگر آن مطالب را تکرار نمی‌کنیم و قارئین محترم را بجهت مزید اطّلاع به همان کتاب ارجاع دهیم.

بلافاصله پس از آن نسخه ادویه مرکبه است که در خزانه بیمارستان عضدی[1] بدان عمل می‌نموده‌اند و آن

آن مشتمل است بر سیزده باب بشرح زیر:

الف) فی الاقراص.

ب) فی السفوفات.

ج) فی اللفوفات.

د) فی الضمادات.

هـ) فی الحقن.

و) فی الحبوب.

ز) فی المعاجین.

ح) فی الاطلیهٔ.

ط) فی الاشربهٔ.

ی) فی الاکحال.

یا) فی الشیافات.

---

[1]. یا عضدیه که آنرا عضدالدّوله دیلمی است در سنه ۳۷۱ در بغداد(در سمت غربی جسر) بنا نهاد و در آن اطبائی نظیر ابوالخیر الجرائحی و ابو یعقوب اهوازی و نظیف القس الرومی و ابو اسحق ابراهیم بن بکوس العشاری و ابوالحسن سعید بن هبهٔ الله بن الحسین مؤلف کتاب المغنی فی الطب و مقاله فی خلق الانسان(مذکور درحرف میم در این کتاب) و ابوالحسین بن کشکرایا و امین الدّوله بن التلمیذ و فیلسوف معروف ابوالفرج عبدالله بن الطیّب از معاصرین ابن سینا(در میان مردم لاتینی زبان مشهور است به Abulfaragius Abdulla Benattibus که همگی از پزشکان فاضل و حاذق روزگار خود بودند به طبابت اشتغال داشتند(ترجمه احوال همه این افراد در عیون الانباء مسطور است) و در مقابل همین محل بود که جسد این بقیّه وزیر معزالدّوله را بتفصیلی که در ابن خلکان مرقوم است بحکم عضدالدوله بر دار کردند و ناگفته نماند که این بنا از قرار تقریر احمد بن ابی الخیر در یک موضع از شیرازنامه در زمان تألیف آن یعنی در قرن هشتم هجری هنوز معمور بود(نسخه خطی مورّخ ۸۳۳ محفوظ در کتابخانه رضویه تحت رقم ۸۹۵۸، ورق ۲۱a) هر چند ابن بطوطه(۲: ۲۰۷) خلاف آنرا نوشته است و اخیراً مخفی نماند بمناسبت ذکر شیرازنامه که طالع کتاب مذکور را سهو بسیار فاحش مضحکی دست داده است در حاشیه‌ای که در صفحه ۳۷ راجع به این مصراع نوشته: «آب زورا ببرد باد خطا بنشاند» و اینجا موقع تفصیل آن نیست.

یب) فی الادویة الیابسة.

یح) فی المراهم.

آغاز: «بسمله نسخ الادویة المرکبة التی تعمل علیها فی خزانة البیمارستان العضدی... صفة قرص الطباشیر بالترنجبین النافع من الحمی و العطش و الاغتفال».

انجام: «و یجلس فیه المریض نافع ان شاء الله تعالی تم الکتاب».

نسخ، کاتب نورالله عبدالکریم بن محمد، محلّ کتابت دارابجرد، تاریخ تحریر ۹۵۹، کاغذ نباتی، مختلف السطور(۱۹-۲۴)، ۵۴گ(۲۷ ورق رساله اول و ۲۷ ورق رساله اخیر)، ۱۱×۲۰، جلد تیماج قهوه‌ای با جداول ضربی ساده، واقف نامعلوم.

۱۹۵

رسالة فی علاج المشایخ

(۵۱۱۲)

(عربی)

مختصری است در بیان حفظ صحت طبایع در مراحل چهارگانه عمر(کودکی، جوانی، کهولت، پیری) که مشاکلت تام دارد با فصول اربعه سال یعنی مزاج دموی مشاکلت دارد با موسم بهار و زمان کودکی و صفراوی با فصل تابستان و عهد جوانی و سوداوی با هنگام خزان و روزگار کهولت و بلغمی با موقع زمستان و ایام پیری. نام اصلی کتاب و نام مؤلف که رد یک موضع از کتاب از خود به عنوان«واضع

هذا الکتاب»[1] یاد می‌کند با فحص بلیغی که به کرات در خود کتاب و در مظان مختلف به عمل آمد علی العجاله بنحوی که موبج برد یقین باشد معلوم نشد و این که در دفاتر ثبت و فهرست الفبائی نسخه خطی این کتابخانه نام کتاب را«شرح کتاب الاخلاط» و بقراط را مؤلف و جالینوس را شارح و حنین را مترجم آن دانسته‌اند فقره به فقره سهو فحش فاضح و از قبیل رجم بالغیب است زیرا که اولا کتاب اخلاط بقراط Peri Chymon, De humoribus بموجب مسطورات عیون الانباء و اخبار الحکماء و تقریر حنین در رساله مشهورش(ص ۴۲) که می‌گوید ترجمه سریانی آن از من و نقل عربی آن از عیسی بن یحیی است مشتمل بر سه مقاله است و این کتاب اصلا منقسم بر مقالات نیست، ثانیاً ذکر اشخاصی از قبیل عمر بن الخطاب و حارث بن کلده ثقفی[2](متوفی حدود سنه ۵۰) در آ ن دلیل محکم قاطعهی است بر این که شارح آن ابداً و مطلقاً جالینوس یونانی نیست و ثالثا و رابعا و خامسا طرفه آن که اصلا این کتاب نه شرح کتابی است و نه ترجمه از زبانی است و نه موضوعش اخلاط رابعه است[3] بلکه رساله مستقلی است مبتنی بر آراء و اقوال طبی بقراط در خصوص حفظ صحت مشایخ و رفع علت از آنها.

بلافاصله بعد از آن مقاله منافع تریاق فاروق[4] است در سه صفحه مستخرج از کتب جالینوس و اندروماخس و ایراقلیدس و فوثاغورس و مغنس و افلاغورس و مارانوس در بیان نود و یک نوع

---

[1]. گوید: -«قال واضع هذا الکتاب قد نظرت فی کتاب علماء الروم و الهند و ما اتفقوا علیه ان اصلح الاشیا للمرضی و غیر المرضی و خاصة للمشایخ و لمن غلب علیه البلغم الخ».

[2]. گوید: -«و بلغنی عمر بن الخطاب قال للحرث بن کلدة یا حار[ث] ما الطب قال الخ».

[3]. به این می‌گویند بیر کلمه اون اشتباه و چقدر شباهت دارد این مطلب از حیث تخلیط مباحث و کثرت اغلاط با حکایت منقول در ربیع الابرار(باب الجهل و النقص و الخطأ و التصحیف) که همین الان بیادم آمد که می‌گوید: -«شهد سلمی الموسوس عند جعفر بن سلیمان علی رجل فقال هو اصلحک الله ناصبی رافضی قدری مجبر یشتم الحجاج بن الزبیر الذی هدم الکعبة علی علی بن ابی سفیان فقال له جعفر لا ادری علی ای شیء احسدک أعلی علمک بالمقالات أم علی معرفتک بالانساب قال اصلح الله الامیر ما اخرجت من الکتاب حتی حذقت هذا کله».

[4]. Thebaic electuary.

منفعت از منافع تریاق فاروق از تألیفات یحیی النحوی الاسکندرانی[1](یحیی غرماطیقوس Ioannes Grammaticus) عالم معروف اواخر قرن پنجم و نیمه اوّل قرن ششم میلادی مشهور به یوحنا فیلوپونوس(Ioannes Philoponos) (محبّ التعب، محبّ الاجتهاد) که صاحب تألیفات عدیده در موضوعات مختلف علوم و از مشاهیر مفسّرین مصنفات ارسطور در منطق و جالینوس در طب است و ابن ابی اصیبعه و ابن ندیم و قفطی و دیگران فهرست اسامی اکثر آنها را ذیل ترجمه احوال او و نیز در سایر مواضع کتب خود بدست داده‌اند، و از جمله آنها کتابی است در ردّ دیدوخس افلاطونی(برقلس) که قفطی در ترجمه مختصری که در خصوص او منعقد نموده می‌گوید که من نسخه‌ای از آن را دارم، و دیگر شرحی در ده مجلّد بزرگ بر سماع طبیعی که باز همو در ترجمه احوال عیسی بن علی بن عیسی بن داود الجراح می‌گوید که من یک نسخه از آن را با حواشی عیسی دیده‌ام، و دیگر شرح مجموعه طبّی بسیار معروف جالینوس موسوم به ستهٔ عشر که در صفحات آتیه یک نسخه از آن را بتفصیل در موقع خود در این کتاب معرفی خواهیم نمود ان‌شاءالله الکریم(تحت رقم ۵۲۰۲).

آغاز کتاب اول: «بسمله اعلم ان الطبایع اربع اعنی المرۀ السودا و المرۀ الصفرا و البلغم و الدم».

انجام: «ما دامت بهم الحمی الی ان یبروا ان شاء الله».

آغاز کتاب دوم: «منافع التریاق الفاروق و مقادیر شرباته».

انجام: «فهذه منافع التریاق الفاروق و مقادیر شرباته المستخرج من الکتب المذکورۀ».

---

[1] . وی بموجب تقریر قفطی در اخبار الحکما(ص ۳۵۵) و ابن العبری بدون تصریح به تقل از او در مختصر الدول(ص ۱۷۶، طبع صالحانی) در موقعی که مصر بدست عمروعاص فتح شد نزد عمرو آمد و از او خواهش نمود که از کتب کتابخانه اسکندریه آنچه را مفید نمی‌داند به او واگذار نماید اما عمرو پس از استیذان از عمر جمیع آنها را بر حمامهای آن شهر تقسیم نمود تا بسوزانند. غرض از ذکر این مطلب آنست که جمیع این مطالب که در چاپ صالحانی موجود است(خواه درست باشد بفرض محال همه این فقرات از لحاظ تاریخی و معاصر بودن یحیی با عمرو خواه نه) از این طبع منحوس بدون تاریخی که با حذف برخی مطالب(از متن و غیر متن) در بیروت از روی آن به عمل آمده بکلی ساقط و محذوف است، پناه بر خدا جهل و تعصب چه کارها که نمی‌کند.

سه رباعی مذکور در ذیل در ظهر ورق اوّل نسخه مسطور است:

بیت

ای باد بدانک تازه خدی دارذ		وار[ا] سته‌تر ز سرو قدی دارذ

جون برکذری بکو[ی] نرمک ز منش		که ای دوست فراق نیز حدی دارذ

بیت

دستوری[1] ده تا بدرت در کذرم		با این دل بر درد برخت در نکرم

کر عشق حقیقتست تا رنج برم		ور نه بسلامت ز درت در کذرم[2]

ایضا له

یک ساعتک امروز نشست من تو[3]		بهتر ز هزار ساله هست من تو

امروز جنانکه هست دستی بزنیم		زان بیش که بکذرد دست من تو

سطره حماد بن محمد بن برهان بخطه فی محرم سنهٔ اربع و خمسین[و] ستمائه حامدا و مصلیا و مسلما.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن ششم، ۹گ(۷ برگ کتاب اول و ۲ برگ کتاب دوم) قطع بیاضی، جلد مقوا با رویه پارچه، بقیه مشخصات برابر است عینا با نسخه شماره ۵۱۴۶(کتاب البول) مذکور در این کتاب.

۱۹۶

رساله نبض(رساله در دانش رگ)

---

[1]. با یای حاصل مصدر یعنی اجازه.

[2]. کذا بتکرار قافیه.

[3]. کذا فی الاصل یعنی بدون اقحام حرف عطف بین دو ضمیر در مصاریع این رباعی.

(۵۰۹۷)

(فارسی)

مختصری است موشّح بنام«عضدالدّوله» مطابق با این نسخه و«عضدالدّین علاء الدوّله ابوجعفر»[1] مطابق با متن مطبوع آن در معرفت انواع نبض و اصول کلّی مربوط بآن از تصانیف شیخ الرئیس ابوعلی سینا که از حیث اشتمال بر مترادفات فارسی لغات و مصطلحات معمول در کتب طبی عربی نیز دارای اهمیت بخصوصی است.

آغاز: «بسمله سپاس مر آفریدگار را و ستایش مرو را و درود بر پیغامبر گزیده و اهل بیت و یاران وی فرمان عضدالدوله بمن آمد که اندر باب دانش رگ کتابی کن جامع که همه اصلها اندر وی بود».

انجام: «و اما نبض بیماران و بیماریها باید گفتن بتفصیل».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ شکری آهاری، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۰س، ۱۱گ ۱۱×۱۹، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۱۹۷

زادالمسافر

(۸۹۴۷)

(فارسی)

[1]. ضبط این نسخه بلاشک غلط است امّا این شخص یعنی علاء الدّوله ابوجعفر را به علّت این که فعلاً جز به معجم الانساب زامباور و طبقات سلاطین اسلام از استانلی لین پول بهیچ مأخذ دیگری دسترسی ندارم نقداً خیال می‌کنم همان علاء الدوله ابوجعفر محمد بن دشمنزیار معروف به ابن کاکویه صاحب اصفهان و همدان و مضافات باشد که از سنه ۳۹۸ تا ۴۳۳ حکومت نموده و در همین سال وفات یافته است.

مؤلف آن محمد مهدی بن علی نقی الشریفاست که آن را در سنه ۱۱۴۱ در اصفهان بجهت یکی از دوستان خود بنام میرزا محمد اسمعیل در دو مطلب بشرح زیر تألیف نموده:

۱. در تدبیر مسافر و قوانین حفظ صحت ایشان و تدابیر اموری که مسافران را غالبا اتفاق می‌افتد.

۲. در معالجه صنفی چند از امراض که بدون مراجعت بطبیب توان معالجه نمود.

آغاز: «بسمله سپاسی افزون از خواهش بیماران بشفا».

انجام: «که سهو و نسیان را معذور خواهند داشت».

نستعلیق، کاتب علی اکبر بن ابوالقاسم، تارخی تحریر جمادی الثانی ۱۲۴۵، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین در حاشیه بشنگرف، جلد تیماج مشکی یک لا، مختلف السطور، ۸۴گ ۱۴×۲۰، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۰.

۱۹۸

زادالمسافر

(۹۶۵۴)

یک ورق از اوّل و چندین ورق از آخر این نسخه ساقط است.

آغاز موجود: «علیهم ما راجع الی الطبیب و انس الحبیب الی الحبیب».

انجام موجود: «قناعت بی‌سیری از کثیر نمود و چون».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ شکری، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، ۱۵س، ۹۸گ ۱۰×۱۵، جلد مقوا عطف و گوشه پارچه، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۴۶.

۱۹۹

زادالمسافر

(۱۵۰۶۴)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، ۱۴س، ۹۱گ ۱۶/۷×۲۱/۲، جلد تیماج مشکی، واقف سید عبدالرسول طباطبائی نجفی یزدی، تاریخ وقف دی ماه ۱۳۶۴.

۲۰۰

زادالمسافر

(۱۰۳۱۱)

این نسخه کامل و مصدّر است به چندین منظومه و یک رساله همگی در موضوع طب ایضا بزبان فارسی از یوسف بن محمد بن یوسف هروی متخلّص به یوسفی(متوفی در سنه ۹۵۰ در هند) که اصلاً از مردم خواف ولی ساکن در هرات بود و بعدها به قصد ملازمت خدمت دربار ظهیرالدّین محمد بابر(متوفی در ۹۳۷) به هند رفت و در آنجا بنام او و بعد بنام پسر و جانشین او نصیرالدّین همایون کتابهائی تألیف نمود.

غیر از رسالات مذکور در ذیل سایر تألیفات او عبارتست از جواهر اللّغه یا بحرالجواهر در بیان مصطلحات پزشکی(تاریخ تألیف ۹۲۴) و دلائل البول(تاریخ تألیف ۹۴۲) و ریاض الادویه(تاریخ تألیف سنه ۹۴۶ بجهت همایون) و یکی دو کتاب دیگر.

ضمائم نسخه عبارتند از:

۱. قصیده در حفظ صحت بدن

این قصیده در مواضیع مختلف پزشکی است از تدبیر مأکول و مشروب و حرکت و سکون(بدنی و نفسانی) و خواب و بیداری و تدبیر هوا و غیره و یوسفی آن را در سنه ۹۳۷ بنام ظهیرالدّین بابر سروده.

آغاز: «بسمله بعد از حمد حکیم دانا و تحیت زبده رسل...

ای که خواهی تندرستی از در حکمت درآ تا بعلت‌های گوناگون نگردی مبتلا».

انجام: «از خدا امید می‌دارم که گیرد هر زمان دشمنش را آنچنان دردی که نپذیرد دوا».

(۱-۳)

۲. قصیده در اسماء اجناس ادویه

آغاز: گر کنی گوش سویم از دل و جان مشکلات تو را کنم آسان

انجام: دارد امید مغفرت گرچه نامهاو سیه شد از عصیان

(۳-۵)

۳. جامع الفواید

این کتاب را مؤلف در شرح مشکلات منظومه مفصّل خود موسوم به علاج الامراض نوشته است.

آغاز: «بسمله حمد نامحدود حکیمی را که بقانون حکمت».

انجام: «و غذا اگر بشیر گاو خورند، نافع بود ان‌شاءالله».

(۶-۴۳)

۴. مقطعات فوایدالاخیار

این منظومه در موضوعات مختلف طبی و در بحور گوناگون است و چنان که از بیت آخر آن مستفاد می‌شود در سنه ۹۱۳(برابر با لفظ فواید اخیار) سروده شده.

آغاز: بدان چون که گفتی ثنا و درود   که در فن طب است این قطعها

فواید شدش نام و هر حرف ازوست   ز دریای حکمت در بی‌بها

انجام: بدستیاری کلکم شد این رساله تمام   که آفتی نرسد از انقلاب ایامش

ز خواندنش بفواید رسند چون اخیار   بود فواید اخیار سال اتمامش

(۴۴-۶۹)

۵. رساله در تدبیر مأکول و مشروب

منظومه‌ای است در بحر تقارب.

آغاز: زبان را چو در اول این کلام   ز حمد و تحیت رساندی بکام

انجام: ز غمهای او بود سامان من   فدای ره او دل و جان من

نستعلیق، کاتب داود(سجع مهرش: اعملوا ال داود شکرا)، تاریخ کتابت جمادی الاولی ۱۲۵۸، کاغذ شکری، عناوین بشنگرف، ۱۳س، ۱۵۰گ ۱۰×۱۵/۵، جلد تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۰۱

زاد المسافر

(۷۱۵۲)

نسخه کامل است.

نستعلیق، مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر صفر ۱۱۴۱، کاغذ حنائی، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، کمند به طلا و تحریر، عناوین در حاشیه بسرخی، جلد تیماج ضربی مستعمل، ۱۷س، ۷۳گ ۱۵×۲۱، اندازه جداول ۱۰×۱۴/۵، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۲۷.

۲۰۲

زاد المسافر

(۸۶۸۳)

شکسته نستعلیق، کاتب نامعلوم(در فهرست الفبائی این کتابخانه نسخه را بخط مؤلف نوشته و آن سهو است)، تاریخ تحریر اواخر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، جلد مقوا با رویه پارچه، مختلف السطور، ۲۰۶گ ۱۰×۱۷، واقف سید علی اصغر اصغرزاده موسوی، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۳۸.

۲۰۳

زاد المسافر

(۱۵۱۶۸)

نسخه کامل و مذیل است به کتاب سراج المنیر بزبان فارسی تألیف قاضی محمد شریف بن شمس الدین محمد کاشف شیرازی.

نسخ(کتاب اخیر نستعلیق)، کاتب اسمعیل بن احمد الشریف(کاتب نسخه اخیر ابراهیم شیرازی)، تاریخ تحریر ۱۲۵۹(کتاب اخیر ۱۲۶۵)، کتاب اول بجهت میرزا محمد علی سمت تحریر یافته و اوراق آن دارای کمند به شنگرف و جداول به اکلیل و تحریر است، کاغذ شکری ونخودی، عناوین هر دو کتاب

بشنگرف، جلد تیماج ضربی، ۱۵س، ۲۲۵گ ۲۱×۱۴/۲، واقف دکتر علی عرفانیان، تاریخ وقف آبان ۱۳۶۵.

۲۰۴

زاد المسافر

(۱۲۵۷۶)

مذیل است به ترجمه فارسی رساله برءالساعهٔ تألیف محمد بن زکریای رازی در شش ورق.

آغاز: «این کتاب از محمد زکریا است از برای هر مرض دوائی ذکر فرموده».

انجام: «و معجون بکوبی میل نمایند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سه‌شنبه ۲۶ شوال ۱۲۳۷، محل تحریر قریه زرقان، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۹س، ۸۲گ ۱۹×۸/۵، جلد تیماج مشکی مستعمل، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۲۰۵

زاد المسافر

(۱۱۹۶۵)

چند ورقی از آخر نسخه ساقط است.

انجام موجود: «روغن گل سرخ بقدر حاجت».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۹س، ۳۵گ ۲۱×۱۷، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف محمد باقر حسانی، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۶۱.

۲۰۶

زاد المسافر

(۱۱۰۸۵)

این نسخه مذیل است به رساله جامع الفواید از تألیفات یوسفی مذکور در ذیـل زادالمســافر موصـوف تحت رقم ۱۰۳۱۱.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر شنبه ششم رجب ۱۲۵۳، کاغذ شکری آهاری، جلد تیماج مشکی یک لا، ۱۵س، ۱۵۹گ ۱۴/۵×۲۰/۵، واقف محمد تقی احمدی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۵۱.

۲۰۷

زاد المسافر

(۱۰۵۰۹)

نسخه کامل و مذیل است به دو رساله مختصر ایضا در موضوع طب بزبان فارسی.

آغاز: «بسمله نسخه شربت بزوری(کذا) بارد از مخترعات حکیم اشرف بجهت حمیات».

انجام: «برای صرع مفید است».

آغاز رساله اخیر: «بسمله من تألیفات... میر محمد باقر[۱] خلف... میر محمد اسماعیل خاتون آبادی که بجهت سرکار پادشاه اسلام پناه جنت مکان شاه سلطان حسین تألیف نموده در بیان آنکه کدام حمـام نیک و ممدوح است حمام نزدیک بنزد اطبا حمامی است که سه شرط در آن جمع باشد».

انجام:«که آب روی و تراوت(کذا) را کم می‌کند والله اعلم».

---

[۱]. در هامش نسخه کاتب نوشته است: «غلط نوشته شده است که از تألیفات میر محمد باقر است علیه الرحمه این نسخه از تألیفات میر محمد صالح بن عبدالواسع الحسینی است».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر زادالمسافرین پنجشنبه غره شعبان ۱۲۱۶ و تاریخ کتابت رساله دوم ۱۲۱۸، محل تحریر دارالعباد یزد، کاغذ شکری آهاری، عناوین به شنگرف، جلـد تیمـاج مشکی ساده، ۱۱س، ۱۷۰گ(رساله دوم ۴۰گ و رساله اخیر ۸گ) ۱۰×۱۵، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۲۰۸

زاد المسافر

(۶۸۷۵)

منضم است به«ترجمه تقویم الابدان» محفوظ تحت رقم ۶۸۷۱.

نام مؤلف را کاتب این نسخه غلام‌رضا بن محمد باقر خوانساری نوشته باین عبارت: «و بعد چنین گوید کم گشته دیار سرگردانی و مبتلا برنج هیچ ندانی... غلام رضا بن محمد باقر الخوانساری... که چـون دوستان روحانی و برادران ایمانی را بهـره‌منـد گردانیـده(چـه کسـی معلـوم نیسـت) و اسـتاد جـامع الجونی(کذا) محمد اسماعیل کنکونی والد کمترین حاجی محمد باقر جدیدالاسلام را الخ».

نسخ، و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رمضان ۱۲۴۴، کاغذ فستقی، عناوین و جداول و کمندها بشنگرف، ۲۰س، ۳۵گ ۲۰×۳۰، جلد مقوا با رویه پارچه واقف، درۀ السلطنه ملک‌زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۲۰۹

زاد المسافر

(۱۵۷۰۱)

این نسخه مذیل است به تقریباً ۴۰ ورق مجربات بزبان فارسی ظاهراً از مؤلف همین رساله که شروع آن چنین است:

«لحرق النار زرده تخم مرغ بر کرباس آب ندیده» و خاتمه آن که ناقص است چنین:

«طلاهائی که بر گزندگی حیوانات».

نسخ خوش درشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۴ شوال ۱۱۸۸، محل کتابت دارالعباد یزد، ۷س، جمعاً ۳۳۹گ ۱۵×۲۰، کاغذ شکری و نخودی، جلد مقوا، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۲۱۰

زاد المسافر

(۱۶۶۲۷)

این نسخه نیز مذیل است به مجربات مذکور در نسخه سابق و یکی دو رساله مجربات ناقص دیگر.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، ۱۵ و ۱۶س، ۱۱۸گ ۱۰/۵×۱۵، بدون جلد، کاغذ نخودی، وقفی جواد هروی در آذرماه ۱۳۶۷.

۲۱۱

زاد المسافر

(۲۴۲۱۶)

کاتب اواخر کتاب را ننوشته است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی فرنگی، جلـد تیماج مشکی مستعمل، مختلف السطور، ۶۳گ ۱۱×۱۸، واقف علی سیف مطهری، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۷۶.

۲۱۲

زبدهٔ الحکمه

(۸۷۴۵)

(فارسی)

اصل این کتاب تألیف دکتر پولاک نمساوی[۱](= اطریشی) طبیب خاصه ناصرالدّین شاه قاجار و معلـم دارالفنون است و ترجمه فارسی آن از شاگرد او علی نقی بن محمد اسماعیل و مشتمل است بر یکـم مقدّمه در تعریف علاج و اقسام آن و دو جمله بشرح مذکور در ذیل:

جمله اول– در تدابیر سته ضروریه و قوه مغناطیس مشتمل بر هشت فصل:

– در هوای مجاور و تأثیر نور و ظلمت و حرارت و برودت.

– در نوم و یقظه.

– در اکل و شرب.

– در حرکت و سکون نفسانی.

– در استفراغ و احتباس.

– در خواص کیفیت الک‌ترست(الکتریسیته).

[۱]. این شخص بنا به دعوت امیر کبیر بایران آمد و در دارالفنون بتدریس طب مشغول شد و بعد از فوت دکتر کلکه Cloquet در سال ۱۲۷۲ هجری حکیمباشی ناصرالدّین شاه شد و در باب ایران کتاب مشهوری نوشته که موسوم است به Persien.

– در خواص مغناطیس.

جمله ثانی– در مآخذ و محل استعمال و خواص و مقادیر شربت ادویه، مشتمل بر شش رکن:

– در طریق یافتن ادویه.

– در کیفیت ادویه و طریق آثار آنها.

– در ملاحظات آنچنانی که در استعمال ادویه باید مرعی داشت.

– در محل و مواضعی که ادویه‌جات مختلفه در آنجاها بکار برند و طریق بکار داشتن ادویه از آنها.

– در طریق استعمال ادویه بنحو کلی.

– در طریق انقسام ادویه و محل استعمال و خواص و قدر شربت هر یک مشروحاً.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد این رساله وجیزه صورت تحریریست از تقریرات استاد مکرم».

انجام: «گنه گنه مخلوط نموده بکار برند که نافع است».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۵ صفر ۱۲۹۴، کاغذ شکری فرنگی آهاری، ۱۳–۱۶س، ۱۶۲گ(با کتاب ناقص دیگری که در صدر آن و در ۴۰ ورق است تقریبا) ۱۷×۲۱، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف شهریور ۱۳۳۸.

۲۱۳

زبدة الطب

(۹۴۷۹)

(عربی)

کتابی است مشتمل بر بیان اصول و طراق معالجه امراض و ذکر اسماء ادویه مرکب از تألیفات سید اسمعیل جرجانی مؤلف اغراض الطّبیّه و ذخیره خوارزمشاهی و عدّه‌ای از کتب نفیس دیگر که به لحاظ این که ترجمه احوال و اسامی مؤلفات و مآخذ راجع به او را ذیل دو کتاب مذکور سابقاً بدست داده‌ایم در اینجا وارد در جزئیات احوال او نمی‌شویم. این کتاب را سید اسمعیل بجهت علاء الدّوله اتسز بن محمد خوارزمشاه(متوفی در جمادی الاخر سنه ۵۵۱) تألیف نموده است.

فهرست عناوین و موضوعات

جزو علمی کتاب مشتمل است بر نه مقاله باین شرح:

- فی النبض، در یازده باب.
- فی التنفس.
- فی التفسره در دوازده باب.
- فی البراز.
- فی العرق.
- فی النفث و لونه و طعمه.
- فی الاسباب و الاعراض التی تحدث فی الابدان و تکون اسبابا لحدوث احوال طبیعیهٔ و غیر طبیعیهٔ در شانزده باب.
- فی البحران[۱]، در سیزده باب.
- فی تقدمهٔ المعرفهٔ[۱]، در هفت باب.

[۱]. Crisis.

کتاب دوم در تشریح اعضاء بدن انسان مشتمل بر دو مقاله بشرح زیر:

مقاله اول: در تشریح اعضای متشابهۀ الاجزا در پنج جزو:

جزو اوّل: در تشریح استخوانها، در ۱۶ باب.

جزو دوم: در تشریح عضلات و منافع آنها در ۱۹ باب.

جزو سوم: در تشریح اعصاب، در ۶ باب.

جزو چهارم: در تشریح اورده.

جرو پنجم: در تشریح شرائین.

مقاله دوم: در تشریح اعضاء مرکبه.

کتاب الحمیات– این کتاب مشتمل است بر هفت جزو بتفصیل ذیل:

جزو اوّل: فی اصول کلیه فی احوال الحمی، در ۵ باب.

جزو دوم: فی الحمیات الیومیۀ، در ۵ باب.

جزو سوم: فی التدابیر الکلیۀ فی الحمیات العفونیۀ، در ۴ باب.

جزو چهارم: فی انواع الحمیات العفونیۀ، در ۱۰ باب.

جزو پنجم: در جدری و حصبه.

جزو ششم: فی الحمی التی سببها تشبث الحرارۀ بالاعضاء الاصلیۀ، در ۳ باب.

جزو هفتم: فی النکس[۲] و حفظ الفاقۀ، در ۲ باب.

---

[۱]. Prognosis.

[۲]. hypostrophe.

جزء ثانی کتاب مشتمل است بر بیان معالجات و ذکر امراض و اسباب و علامات خاصّه و مشترکه و کیفیت حدوث و معالجه آنها در بیست مقاله از این قرار:

مقاله اوّل: فی الامراض الرأس، در پنج جزو باین شرح:

جزو اوّل: فی استدلال الکلی من افعال الدماغ و مزاجاته و من احوال الرأس و من مشارکات الاعضاء و من احوال الصداع و من کیفیهٔ حدوثه و فی تدبیره الکلیهٔ، در ۵ باب.

جزو دوم: فی اورام الدماغ و حجبه و اغشیته و عروقه و فی اسبابها و علاماتها و علاجها، در ۷ باب.

جزو سوم: فی الامراض التی تحدث عن اجتماع خلط فاسد او خبار فاسد فی الدماغ من غیر ورم، در ۵ باب.

جزو چهارم: فی الامراض التی سببها بلغم غلیظ فی مجاری الدماغ، در ۴ باب.

جزو پنجم: فی الفالج، در ۷ باب.

جزو ششم: در انواع صداع، در ۸ باب.

مقاله دوم :در امراض چشم در دو جزو:

جزو اول: در قوانین علاج چشم، در ۴ باب.

جزو دوم: در امراض چشم و علاج آنها، در ۶ باب.

مقاله سوم: در احوال گوش.

مقاله چهارم: در احوال بینی و امراض خاصه و مشترکه.

مقاله پنجم: در احوال دهان و لب و زبان و دندانها و امراض آنها، در سه جزو:

جزو اوّل: در امراض دهان و لب و لثه.

جزو دوم: در امراض زبان.

جزو سوم: در امراض دندان.

مقاله ششم: در احوال حنجره و حلق و امراض آنها و خناق، در ۲ باب.

مقاله هفتم: فی امراض آلات التنفس من السعال و السل و ذات الریۀ و غیرها، در ۷ باب.

مقاله هشتم: فی امراض القلب، در ۴ باب.

مقاله نهم: فی امراض المری و المعدۀ، در ۱۹ باب.

مقاله دهم: فی امراض الکبد، در ۱۰ باب.

مقاله یازدهم: فی امراض الطحال، در ۴ باب.

مقاله دوازدهم: فی امراض تتولد عن امراض الطحال و الکبد، مشتمل بر دو جزو:

جزو اوّل: فی الیرقان، در ۲ باب.

جزو دوم: فی الاستسقاء، در ۴ باب.

مقاله سیزدهم: فی اوجاع البطن و المغص و القولنج، در۳ باب.

مقاله چهاردهم: فی الدیدان و حب القرع، در ۲ باب.

مقاله پانزدهم: فی انواع الاسهال، در ۵ باب.

مقاله شانزدهم: فی امراض المقعدۀ، در ۳ باب.

مقاله هفدهم: فی امراض الکلی و المثانۀ، در چهار جزو.

جزو اوّل: فی انواع سوء المزاج و الاورام و الضعف و القروح، در ۹ باب.

جزو دوم: فی امراض المثانۀ.

جزو سوم: فی افعال المثانهٔ، در ۵ باب.

جزو چهارم: فی الرمل والحصاهٔ.

مقاله هجدهم: فی احوال القضیب والانثیین و امراضها، در ۱۰ باب.

مقاله نوزدهم: فی العلل المخصوصهٔ بالنسا، مشتمل بر سه جزو باین شرح:

جزو اول: فی احوال الطمث و اسبابها و علاماتها و علاجاتها، در ۲ باب.

جزو دوم: فی العقر و الحبل و احوال الحبالی، در ۸ باب.

جزو سوم: فی امراض الرحم و افاتها، در ۹ باب.

مقاله بیستم: فی اوجاع الظهر و ریاح الافرسهٔ و اوجاع المفاصل و عرق النسا و النقرس و داء الفیل و الدوالی، در ۸ باب.

کتاب البثور و الاورام و الدمامیل و الجراحات و القروح و حرق النار و الجراحات

این کتاب مشتمل است بر مقالات و اجزائی بشرح زیر:

مقاله اوّل: فی الاورام الحاره در سه جزو:

جزو اوّل: فی الاورام و البثور الحار، در ۷ باب.

جزو دوم: فی انواع البثور الحارهٔ و هی الجمرهٔ و النملهٔ و النار الفارسی و الجاورسیهٔ.

جزو سوم: فی السعفهٔ و الشیرینج و الحصف و بنات اللیل و الجرب و القوبا.

مقاله دوم: فی الاورام الباردهٔ، در ۳ باب.

مقاله سوم: فی القروح و احراق النار، در ۴ باب.

مقاله چهارم: فی الجراحات.

مقاله پنجم: فی الکی(و هو فصل واحد).

مقاله ششم: فی الخلع و الوثی.

کتاب الزّینهٔ

این کتاب مشتمل است بر سه جزو باین شرح:

جزو اوّل: در احوال شعر، در ۴ باب.

جزو دوم: فی احوال البشر.

جزو سوم: فی احوال البدن.

کتاب السّموم

این کتاب مشتمل است بر شش مقاله:

مقاله اول: فی التحرز عن شرب السموم و علامات مضرته و علامات الکلی.

مقاله دوم: فی الادویهٔ المعدنیهٔ و النباتیهٔ و الحیوانیهٔ، در ۴ باب.

مقاله سوم: فی التدبیر الکلی لنهش الحیوانات ذوات السموم و تدبیر طرد الحشرات، در ۴ باب.

مقاله چهارم: فی طبقات الحیات و احوال لدوغها و علاج کل واحد منها.

مقاله پنجم: فی عض الانسان ذوات الاربع.

مقاله ششم: فی لدغ الحشرات.

آغاز: «بسمله اما بعد حمد الله سبحانه... فاعلم ان مبنی الطب و مدار امره علی معرفهٔ حالتی بدن الانسان».

انجام: «یجب ان یبرق ریقه و تمحه».

نسخ، کاتب محمد بن احمد الکاتب المعروف(بقیه عبارات را تراشیده‌اند)، تاریخ تحریر ربیع الاخر سنه ۶۶۶، کاغذ حنائی ضخیم، جداول اوراق و مطالب به شنگرف، عناوین بسیاهی و بقلم ثلث و بعضی به زنگار، جلد مقوا عطف و گوشه چرمی، مختلف السطور، ۱۵۴گ ۲۴/۵×۳۵، واقف خان بابامشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۴۵.

۲۱۴

زبدة الطب

(۱۲۲۱۸)

نسخه کامل و مذیّل است به کتاب مختار الادویه در ذکر اسامی و ماهیات و طبایع و منافع و مضرات ادویه مرکب ایضا بزبان عربی(در ۴۱ ورق) از مؤلفی نامعلوم که آن را از کتابهای متقدمین بخصوص از تقویم الادویه و کتب نجیب الدّین سمرقندی جمع و بر حروف معجم مرتّب نموده و در آخر فصلی در ابدال ادویه ایضا بترتیب حروف تهجی بدان افزوده است.

آغاز: «بسمله الحمدلله مستحق الحمد و الثنا و مستوجب العبادة علی العباد بما اولاهم من الالاء».

انجام: «و بعضها من اقاویل المحدثین و بعضها مما حضر لی بتوفیق الله تعالی و مساعدة من ساعدنی طلبا لاکتساب الثواب».

نسخ، کاتب قباد بن شاه قباد المهرانی[1]، تاریخ تحریر ۱۹ ربیع الاول سنه ۹۵۳، محل تحریر دارالملک شیراز، کاغذ نخودی، جداول اوراق ومطالب به شنگرف، عناوین به سیاهی و شنگرف، جلد تیماج

[1]. در آخر نسخه این شخص خود را هم مؤلف زبدة الطب و هم مؤلف مختار الادویه قلمداد کرده و باز شخص دیگری ا زمردم اکبرنگر کتابت نسخه را بخود منتسب نموده است! هذه بذا.

خرمائی ساده، مختلف السطور، ۳۰۶گ ۲۲×۲۹، واقف سید جلال الدین تهرانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۶۱.

۲۱۵

زبدة الطب[۱]

(۱۰۰۶۴)

(عربی)

مختصری است مجهول المؤلف مشتمل بر ده مقاله بتفصیل ذیل:

المقالة الاولی- فی امور الطبیعیة در پنج فصل باین شرح:

الف) فی الارکان و الامزجة.

ب) فی الاخلاط.

ج) فی الاعضا.

د) فی القوی.

هـ) فی بقیة الامور الطبیعیة.

المقالة الثانیة- فی التشریح، در هفت فصل از این قرار:

الف) فی العظام.

ب) فی بقیة الاعضاء المفردة.

ج) فی الاجسام المرکبة.

---

[۱]. در فهرست الفبائی کتابخانه آستان قدس این کتاب از تألیفات سید اسمعیل جرجانی نوشته شده و آن سهو واضح است.

د) فی الریهٔ و القلب.

هـ) فی حجاب الصدر و المعدهٔ و الامعا.

و) فی الکبد و المرارهٔ و الطحال.

ز) فی بقیهٔ الاعضاء المرکبهٔ.

المقالهٔ الثالثهٔ– فی احوال البدن، مشتمل بر پنج فصل:

الف) فی الصحهٔ و المرض.

ب) فی اسباب الضروریهٔ المغیرهٔ لاحوال بدن الانسان و الحافظهٔ لها در شش قسم(سته ضروریهٔ= nonnaturals).

ج) فی الاسباب الممرضهٔ، در سه قسم(بادیه، سابقه، واصله).

د) فی العلامات الدالهٔ علی احوال بدن الانسان من جههٔ المزاج، در چهار قسم.

هـ) فی العلامات الدالهٔ علی احوال بدن الانسان من جههٔ الاخلاط.

المقالهٔ الرابعهٔ– فی النبض و التفسرهٔ، در شش فصل.

الف) فی البسایط من النبض.

ب) فی الانواع المرکبهٔ من النبض.

ج) فی الالوان البول.

د) فی قوام البول.

هـ) فی صفاء البول.

و) فی الرسوب.

المقالهٔ الخامسهٔ: فی تدبیر الاصحا و علاج المرضی علی وجه کلی، در ده فصل:

الف) فی تدبیر المأکول و المشروب.

ب) فی الریاضهٔ و الدلک.

ج) فی تدبیر الاستحمام.

د) فی النوم و الیقظهٔ.

هـ) فی التدبیر بحسب الفصول.

و) فی تدبیر الحبلی و المرضعهٔ و الاطفال.

ز) فی تدبیر الصبیان و الشباب و الکهول و المشایخ.

ح) فی علاج المرض.

ط) فی الفصد و الحجامهٔ.

ی) فی القی و الاسهال و الحقنه.

المقالهٔ السادسهٔ- فی امراض الرأس، شامل سیزده فصل:

الف) فی الصداع و الشقیقهٔ و الدوار.

ب) فی السرسام.

ج) فی المالیخولیا.

د) فی الصرع.

هـ) فی السکته.

و) فی الفالج و اللقوهٔ و الرعشهٔ و التشنج.

ز) فی الزکام.

ح) فی الرمد.

ط) فی ضعف البصر و سیلان الدموع.

ی) فی اوجاع الاذن.

یا) فی امراض الانف.

یب) فی وجع الاسنان.

یج) فی الخوانیق و ورم اللهات.

المقالهٔ السابعهٔ- فی امراض الاعضاء من الصدر الی اسفل التفسرهٔ(کذا)، در ۱۸ فصل:

الف) فی السعال.

ب) فی ذات الریهٔ.

ج) فی السل و ذات الجنب.

د) الربو.

هـ) فی الخفقان.

و) فی نفث الدم.

ز) فی ضعف المعدهٔ.

ح) فی الغشی.

ط) فی المغص.

ی) فی الفواق.

یا) فی الهیضهٔ و الاسهال.

یب) فی الزحیر.

یج) فی القولنج.

ید) فی الدیدان.

یه) فی وجع الکبد.

یو) فی الاستسقا.

یز) فی وجع الالطحال.

یح) فی الیرقان.

المقالهٔ الثامنهٔ – فی امراض بقیهٔ الاعضاء در هشت فصل:

الف) فی وجع الکلیتین.

ب) فی امراض المثانهٔ.

ج) فی الامراض المقعدهٔ.

د) فی خروج الماء من القضیب.

هـ) فی الفتق.

و) فی افراط الطمث.

ز) فی النقرس.

ح) فی الدوالی و داء الفیل.

المقالهٔ التاسعهٔ – فی العلل التی یعرض فی الظاهر الجسد و الحمیات در هشت فصل:

الف) فی السعفة.

ب) فی البهق.

ج) فی الحکة و الجرب.

د) فی الثر و الخصف.

هـ) فی الحصبة و الجدری.

و) فی الاورام.

ز) فی السرطان و الخنازیر.

ح) فی الحمیات.

المقالة العاشرة- فی القوی الاطعمة و الاشربة المالوفة، در سیزده فصل:

الف) فی الحبوبات.

ب) فی اللحم و البیض.

ج) فی اللبنیات.

د) فی البقول.

هـ) فی الفواکه.

و) فی الادهان.

ز) فی الطیب المسک.

ح) فی التوائل.

ط) فی الرواخیر.

ی) فی الانبذة و الاشربة و الربوب.

یا) فی الانجباه.

یب) فی احوال الطبیخ.

آغاز: «بسمله حمد له و بعد فهذا مختصر مشتمل علی زبدة ما یجب استحضاره من صناعة الطب».

انجام: «غلیظ مولد للسدة».

نسخ، کاتب قاسم، تاریخ تحریر رجب ۱۲۹۳، کاغذ نخودی، عناوین با مرکب بنفش، جلد تیماج یک لا، ۱۳س، ۵۸گ ۱۱×۱۷، واقف دکتر شمس الدین جزایری، تاریخ وقف مرداد ۱۳۴۸.

۲۱۶

زبدة الطب

(۹۱۹۳)

نسخه کامل و مصدّر و مذیّل است به چند رساله دیگر در موضوعات مختلف.

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر یکشنبه سلخ ربیع الاول ۱۲۶۷، کاغذ نخودی، ۱۶س، ۲۳گ ۱×۱۶، جلد مقوا، وقفی شیخ محمود حلبی در آذر ۱۳۴۱.

۲۱۷

زبدة الکحالین

(۱۲۲۱۸)

(فارسی)

نام مؤلف با فحص بلیغی که در مظان مختلف بعمل آمد علی العجاله معلوم نشد ولی بقرینه ذکر نام خواجه نصیرالدین طوسی با جمله دعائیه علیه الرحمه معلوم می‌شود که مؤلف با ضعف احتمالات از رحال قرن هفتم و بنا با ظهر وجوه و باحتمال فوق العاده قوی از کحّالان قرن هشتم تا اواسط قرن نهم بوده است و به لحاظ این که اوائل نسخه ناقص و بعضی اوراق آن نیز در غیر موضع اصلی خود قرار گرفته است فهرست مطالب و تعداد فصول مقالات را نمی‌توان بطور مفصّل و علی حده بدست داد و آنچه فعلاً معلوم می‌شود این است که کتاب مشتمل است بر شش مقاله در باین امراض چشم و علاج آنها از این قرار:

مقاله اول: ....

مقاله دوم: در طبقات چشم و تشریح آن در ۱۳ فصل.

مقاله سوم: در امراض چشم در ۱۳ فصل.

مقاله چهارم: در قرحه، (تعداد فصول بعلت جابجائی اوراق معلوم نیست).

مقاله پنجم: در امراض طبقه عینی(ایضا تعداد فصول را نمی‌توان معین نمود).

مقاله ششم: اندر بیماریها که آنرا بچشم نتوان دید بلکه بعلامت و حدس حکیم و فراست بتوان شناخت در ۱۹ فصل.

آغاز موجود: «شیاف اعلی که سبل و ناخنه و بیاض و خاریدن چشم بگیرد توتیای ده درهم و از فلفل چهار درم».

انجام: «زرنیخ زرد یک مثقال کوفته و بیخته بآب رازیانه شیاف کرده بکار برند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۰۵۲، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۱۳س، ۱۱۱گ ۱۳×۲۰، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۲۱۸

ستّه ضروریّه

(۵۱۰۰)

(فارسی)

مختصری است در بیان قواعد حفظ صحّت از تألیفات عمادالدّین محمود بن سراج الدّین مسعود شیرازی مؤلف رسالات افیونیه و آتشک و بیخ چینی که آن را در سنه ۹۴۴ بجهت شاه قلی سلطان حمزه استاجلو در یک مقدّمه و سه مقاله بشرح زیر تألیف نموده است:

مقاله اول: در دانستن اسباب سته ضروریه[۱](در ۶ باب):

۱. درهوا و تدبیر فصول.

۲. در تدبیر مأکول و مشروب.

۳. در تدبیر خواب و بیداری.

۴. در تدبیر استفراغ و جماع و استحمام.

۵. در تدبیر حرکت و سکون.

۶. در تدبیر اعراض نفسانی.

مقاله دوم: در منفعت و مضرت ادویه مفرده(در ۹ باب):

---

[۱]. nonnaturals.

۱. در ریاحین و مشمومات.

۲. در منفعت و مضرت فواکه.

۳. در منفعت و مضرت حلاوی.

۴. در منفعت و مضرت تنقلات.

۵. در منفعت و مضرت حموضات.

۶. در منفعت و مضرت حبوبات.

۷. در منفعت و مضرت عقاقیر.

۸. در منفعت و مضرت لحوم و دسوم.

۹. در منفعت و مضرت بقولات.

مقاله سوم: در معاجین و تراکیب و اشربه(در سه باب).

۱. در مفرحات و معاجین.

۲. در اشربه و مربیات.

۳. در متفرقات.

آغاز: «بسمله حمد و سپاس بیقیاس مر حکیمی را که قامت استعداد انسان را».

انجام: «و گرمابه و آب‌زن نافع بود والله اعلم بالصواب».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن یازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، اندازه مسطر ۶×۱۲، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۴س، ۴۰گ ۱۱×۱۹/۵، واقف اشرف السلطنه، تاریخ وقف ۱۳۳۴.

۲۱۹

ستهٔ عشر

(۵۲۰۲)

(عربی)

از جمله کتبی که در صناعت طب غالباً بل دائماً محلّ توجّه و اعتنای جدّی عموم اهل فن بوده و مطالعه آن بر کافه کسانی که می‌خواسته‌اند در جمیع موضوعات و اجزاء فنون علم طب اطّلاعی وافر حاصل نمایند فرض و واجب محسوب می‌شده یکی مجموعه فوق العاده مشهوری است از تألیفات بسیار مهم و نفیس جالینوس برغامسی در شانزده کتاب که به اغلب زبان‌ها ترجمه و در ازمنه مختلف شروح متعددی از ناحیه فحول علما بر آن نوشته شده است و این مجموعه موسوم است به ستّهٔ عشر که عبارت باشد از کتب مشروح زیر با حفظ ترتیب و توالی و ذکر تعداد مقالات و اسامی ناقلین آنها:

ا) کتاب الفرق[۱]........................ De Sectis.

ب) کتاب الصّناعهٔ.....................Ars medica.

ج) کتاب[الی] طوثرون فی النّبض للمتعلّمین.............De pulsibus ad tirones.

(تا اینجا هر کدام در یک مقاله).

د) کتاب الی اغلوقن[فی] التأتی لشفاء الامراض(در دو مقاله).

هـ) کتاب المقالات الخمس فی التّشریح.

---

[۱] . این کتاب را ابن سهدا کرخی از عربی به سریانی نقل کرد و در کتابخانه ملّی پاریس نسخه بغایت نفیسی از کتاب الفرق منضم به کتاب العلل والاعراض جالینوس محفوظ است(تحت رقم ۲۸۵۹) که به موجب دستخط بختیشوع و ابن سینا در ظهر ورق اوّل مدتی در ملکیت ایشان بوده است به این عبارت: -«فی ملک الفقیر بختیشوع المسیحی المتطبب» و«فی حوز الفقیر حسین بن عبدالله بن سینا المتطبب فی سنهٔ سبع و اربعمائهٔ» (این بختیشوع قطعاً همان بختیشوع رابع بن یوحنا بن بختیشوع ثالث بن جبرئیل بن بختیشوع ثانی بن جرجیس بن بختیشوع اول طبیب مقتدر است).

و) کتاب الاسطقسّات(در یک مقاله)[1]................................. De elementis secundum.

ز) کتاب المزاج... De temperamentis.

ح) کتاب القوی الطّبیعیّة............................ De facultatibus naturalibus.

(این کتاب هر کدام در سه مقاله).

ط) کتاب العلل و الاعراض.................... De causis et symptomatibus.

ی) [کتاب] تعرف علل[الاعضاء] الباطنة............. Se locis affectis.

(دو کتاب اخیر هر کدام در شش مقاله، تا اینجا همگی ترجمه حنین بن اسحق).

ک) کتاب النّبض الکبیر........................ De pulcibus.

(در ۱۶مقاله در چهار قسم، ترجمه حبیش و یک مقاله ترجمه حنین).

ل) کتاب الحمیات(در دو مقاله)........................ De typis(febrium).

م) کتاب ایّام البحران(در سه مقاله).................. De dieus decretoriis.

ن) کتاب البحران(در سه مقاله، هر سه کتاب ترجمه حنین)............... De cricibus.

س) کتاب حیلة البرء... Methodus medendi.

(ترجمه حبیش به عربی و اصلاح شش مقاله اوّل آن بدست حنین و هشت مقاله اخیر به دست محمد بن موسی).

ع) کتاب تدبیر الاصحّاء(در شش مقاله، ترجمه حبیش)................... De Santitate tuenda.

[1] . ایضا محفوظ در کتابخانه پاریس تحت رقم ۲۸۴۷، مورخ سنه ۶۱۴ منضم به کتاب المزاج تألیف جالینوس(هر دو با شرح محمد ملقب به ابن الاشعث متوفی در سنه ۳۶۰). نسخه قدیم‌تر این دو کتاب محفوظ است در یک مجلّد ایضا در همان کتابخانه تحت رقم ۲۸۴۸ که در سال ۴۱۵ کتابت شده و کتاب المزاج آن با شرح ابوالفرج عبدالله بن طیّب متوفی سنه ۴۳۵ هجری است.

این نسخه مشتمل است بر کتاب العلل و الاعراض و کتاب تعرف المواضع الباطنه و کتاب النبض و کتاب الحمیات و کتاب ایام البحران و کتاب البحران و ناگفته نماند که در ورقه ملصق به نسخه(شناسنامه، اتیکت) و نیز در دفاتر ثبت کتابخانه آستان قدس و فهرست الفبائی کتابخانه مذکور نام این کتاب را العلل و الاعراض ضبط کرده‌اند یعنی به محض این که این نام رادر صفحه اوّل نسخه دیده-اند فوراً بدون ادنی تأملی نام کتاب را العلل و الاعراض نوشته‌اند.

الحمدلله که این نسخه که تاکنون معروف به نامی مجهول و منسوب به مؤلفی غیر از مؤلف حقیقی آن بود امروز معلوم شد که فی الواقع، موسوم به چیست و مؤلف حقیقیش کیست، فحمداً له ثم حمداً له.

فهرست عناوین کتابها

الف) کتاب العلل و الاعراض:

مشتمل است بر شش مقاله به تفصیل مذکور در ذیل که بموجب قول حنین در رساله‌ای از خود او موسوم به«رسالهٔ حنین بن اسحق الی علی بن یحیی فی ذکر ما ترجم من کتب جالینوس بعلمه و بعض ما لم یترجم» نزد اهل اسکندریه مشهور به کتاب العلل و نزد سریانی‌ها به عنوان ابعد و انقص یعنی العلل و الاعراض معروف بوده است(یعنی اگر مرادشان تسمیه تام کتاب بوده چرا آنرا با اسباب و اعراض امراض ذکر نکرده‌اند). این کتاب ایضا به موجب قول همو در رساله مذکور(ص ۱۲) سه مرتبه بزبان سریانی(دو بار بدست سرجس رأس عینی و یک مرتبه بدست خود حنین بجهت بختیشوع بن جبرئیل) و یک مرتبه نیز بدست حبیش بجهت ابوالحسن علی بن یحیی بزبان عربی ترجمه شده است.

فهرست عناوین مقالات

المقالهٔ ۱. من کتاب ج[1] فی الاشیا الخارجهٔ عن الطبیعهٔ المعروف بکتاب العلل و الاعراض، مشتمل بـر ابواب مذکور در ذیل:

- نذکر فیه ما الشی الذی ینبغی ان نسمیه مرضا.
- فی عدد الامراض المفردهٔ البسیطهٔ.
- فی عدد اجناس الامراض البسیطهٔ الحادثهٔ فی الاعضا المتشابههٔ الاجـزا علـی رأی الفـریقین نعنـی اصحاب الجزء الذی لایتجزا و شیعهٔ ب[2].
- [فی عدد اجناس] الامراض البسیطهٔ فی الاعضاء المرکبهٔ الالیهٔ و فیها تتفق الفرقتان.
- فی دد انواع الامراض فی الاعضاء المتشابههٔ الاجزاء.
- فی عدد انواع الامراض فی الاعضاء المرکبهٔ الالیهٔ.
- فی الجنس و هو مشترک بین صنفی امراض الاعضا المتشابههٔ الاجزا و امراض الاعضا الالیهٔ.
- فی ذکر عدد الامراض المرکبهٔ فی الاعضا المرکبهٔ الالیهٔ.

المقالهٔ ۲. من کتاب ج فی الاشیا الخارجهٔ عن الطبیعهٔ المعروف بکتاب العلل و الاعراض، شـامل ایـن ابواب:

- فیما صدر به المقالهٔ و فی اقتصاص ما بینه فی المقالهٔ ۱.
- فی اسباب المرض الحار.
- فی اسباب المرض البارد.
- فی اسباب المرض الیابس.

---

[1]. یعنی جالینوس.

[2]. یعنی بقراط.

- فى اسباب المرض الرطب.

- فى الاسباب المركبۀ من اصناف الكيف المحدثۀ للامراض المركبۀ.

- فى الاسباب المركبۀ من الكميۀ و هى الاخلاط ۴[۱].

- فى حدوث الاخلاط فى الاعضا المقابلۀ لها.

- فى الاسباب المغيرۀ لشكل الاعضا الاليۀ عن مجراها الطبيعى.

- فى اسباب الامراض الحادثۀ فى التجاويفات من الاعضا.

- فى اسباب الخشونۀ و اللين فى الاعضا.

- فى اسباب نقصان العدد.

- فى العظم.

- فى اسباب الخلع و سوء التركيب.

- فى تعسر بعض الاعضا لمواضعها.

- فى اسباب تفرق الاتصال.

المقالۀ ۳. من كتاب ج فى الاشيا الخارجۀ عن الطبيعۀ المعروف بكتاب العلل و الاعراض، مشتمل بر ابواب مشروح ذيل:

- فى اقتصاص ما بين فى المقالتين السالفتين.

- فى حدود الصحۀ و المرض و السبب و الحادث و الحال و العرض.

- فى اجناس و انواع الاعراض النفسانيۀ.

---

[۱]. يعنى الاربعۀ.

- فی الاعراض التی تعرض فی الافعال الحسیة.
- فی الاعراض الحادثة فی افعال الحرکة.
- فی الاعراض الحادثة فی الافعال السیاسیة فی فساد التخیل.
- فی اجناس و انواع الاعراض الطبیعیة.
- فی الاعراض التابعة للمعدة من جهة ما هی اله الاستمرا(کذا) و الهضم.
- فی جمیع الاعراض الحادثة فی الفعل العادی.
- فی قول ان اصناف هذه الاعراض آ ۴.
- فی الاعراض الحادثة فی الصوت و الطنین الذی یکون فی الاذن.

المقالة ۴. من کتاب ج فی الاشیا الخارجة عن الطبیعة المعروف بکتاب العلل و الاعراض، مبوّب بر این ابواب:

- فی صدر المقالة و فی الترتیب الذی نسلکه فی طلب اسباب الاعراض.
- فی ان الاعراض الحادثة فی الافعال الحسیة ۳ انواع(ظاهراً ۴ انواع).
- فی اسباب الاعراض فی الحاسة الشاملة لجمیع الاعضا و هی حاسة اللمس.
- فی اسباب الاعراض الحادثة فی الحس و الحرکة معا.
- فی اسباب الاعراض الحادثة فی اللذة و الالم فی الات الحس.
- فی اسباب الاعراض الحادثة فی المعدة من حیث ما هی عضو حساس.
- فی اسباب الاعراض الحادثة فی الدماغ من حیث هو للحس اصل.

المقالة ۵. من کتاب ج فی الاشیا الخارجة عن الطبیعة المعروف بکتاب العلل و الاعراض.

- فی اصناف الحرکات الردیئة.

- فی ذکر الحرکات المحسوسة المشترکة للطبیعة و المرض معا.

- فی الافعال التی تحدثها المرض وحده لا القوة الارادیة و هو القول فی الاختالج.

- فی اسباب الاعراض الحادثة فی الالات النفسانیة.

- فی اختصار ما قدم من ذکر هذه الحرکات.

- فی اسباب الاعراض الحادثة فی الافعال السیاسیة و هی المدیرة المزاج البارد و المادة الباردة.

المقالة ۶. من کتاب ج فی الاشیاء الخارجة عن الطبیعة المعروف بکتاب العل و الاعراض، مشتمل بـر ابواب مذکور در ذیل:

- فی الاسباب الحادثة فی القوة المغترة(کذا) و هی المحدثة للهضم فی المعدة و هذا الباب ینقسم الـی سوء المزاج و الی المادة.

- فی اسباب سوء الهضم.

- فی اسباب الانواع ۳.

- فی نفوذ الغذا و وصوله من المعدة الی الکبد و من الکبد الی جمیع البدن.

- فی اسباب هزال العضو و انحسام الغذا عنه.

- فی الاسباب المحدثة للفضول المجتعمة فی الابدان.

- فی اسباب الاشیا الخارجة عن الطبیعة فی الجنس.

- فی اسباب القی و هذ نوعه غیر طبیعی فاما جنسه فطبیعی.

- فی الاسباب المحدثة لما تخرج بالبراز.

- فی اسباب الریاح.

- فی الاسباب المحدثۀ لاختلاف الدم.

- فی الاسباب المحدثۀ لاستفراغ البول و احتباسه و هذه خارجۀ عن الطبیعۀ فی النوع.

- فی الاسباب المحدثۀ لکثرۀ العرق و قلته.

- فی القول العام الشامل لجیمع الاعضا.

- فی اسباب الفضول المندفعۀ الخارجۀ من المنخرین اومن الاذنین او من... .

- فی تغیر اللون[۱].

ب) فی تعرف المواضع الباطنۀ و هو المعروف بکتاب الاعضاء الالمۀ

ایضا مشتمل است بر شش مقاله و این کتاب دو بار بزبان سریانی بدست سرجس(یک مرتبه بجهت ثیادوری استقف کرخ و بار دیگر بجهت شخصی موسوم به الیسع که حنین آنرا به خواهش بختیشوع بن جبرئیل اصلاح نمود) و دوبار نیز بزبان عربی ترجمه شده است(یک دفعه بدست حنین بجهت اسرائیل بن زکریا معروف به طیفوری و دفعه دیگر بدست حبیش بجهت احمد بن موسی).

فهرست عناوین و مباحث مقالات

المقالۀ ۱. [فی البحث عن الطریق الّذی به یقدر الرجل علی تعرف الاعضا التی تحدث فیها الافات الّا ما کان من الاعضا ظاهر.

المقالۀ ۲. ضروب الریاضیات فی تعرف المواضع التی تحدث بها افۀ.

[۱] . ابواب مقالات کتاب العلل و الاعراض د راینجا خاتمه می‌یابد و به لحاظ این که مقالات بعضی از کتابهای بعدی اصلاً بدون باب و بدون عنوان خاصی است ما تتمیماً للفایده در صورتی که ممکن باشد موضوع هر مقاله را بلافاصله ذیل همان مقاله بقلم خود بین دو قلاب[] می‌آوریم تا توالی کتابها محفوظ بماند.

المقالة ۳. تحدید قول ارسجانس[1] فی ان من الافعال ما تناله المضرة من غیر ان یکون اصاب عضوا من اعضا البدن الذی یکون فیه ذلک الفعل.

المقالة ۴. فی ما تعرض من العلل فی الاعضا الباطنة من الاعضا التی فی الوجه و الجعل مبدا کلامی فی لک من العینین.

المقالة ۵. القول فی جمیع علل القلب.

المقالة ۶. ذکر علل الطحال و العلل التی تحدث فی المعدة و الامعا و علل کلیتین].

ج) کتاب النبض

مشتمل است بر ۱۶ مقاله منقسم بر چهار جزو(هر جزو مشتمل بر ۴ مقاله)، و از مجموع آنها هفت مقاله را سرجس بزبان سریانی و بقیه را ایوب الرّهاوی بجهت جبرئیل بن بختیشوع و تمام مقالات را حنین بجهت یوحنا بن ماسویه ایضا بزبان سریانی و مقاله اوّل آن را باز همو بزبان عربی بجهت محمد بن موسی و بقیّه را حبیش از روی ترجمه سریانی حنین ایضا بزبان عربی نقل کرد.

فهرست عناوین و مباحث مقالات

المقالة ۱. فی اصناف النبض.

المقالة ۲. فی اصناف النبض[قال المصنف النسبة بین ما اذکره فی هذه المقالة و بین ما کنت ذکرته فی المقالة الماضیة هی النسبة بین الخریق[2] و السقمونیا[3]] و بین اللحم و الخبز و ان الذی وصفته فی المقالة

[1] . در«رساله حنین»: ارخیجانس(ن. ل: ارحنجانس، ارکاعنس).

[2] . Hellebore(در انگلیسی قدیم ellebore).

[3] . Scammony.

السالفۀ هو شیء یتغذا به الانفس السلیمۀ و الذی وصفته فی هذه المقالۀ شیء یدفع به عن الانفس الطنون الردیه و تطردها هنها کما تطرد الادویۀ الامراض عن البدن].

المقالۀ ۳. الکلام فی النبض الشدید و ضده و هو الخامل و ما قرب منها و الکلام فی ان من وضع الکتب فی النبض قد خلطوا فی ذکر ما تدل علیه الاسما تخلیط سوء فمرۀ ادخلوا فیه ذکر تعرف اصناف النبض و مرۀ ذکر اسباب النبض و مرۀ ذکر تقدمۀ المعرفۀ من النبض و الکلام فی ان هؤلاء باعیانهم قد اخطوا هذا الخطا بعینه فیما یفهم من معنی النبض الشدید و الخامل و الکلام فیها اسا فیه ارجیجانس من صفۀ الشدۀ و الخمول و الکلام فی الامتلا و الخلا و الکلام فی صلابۀ النبض و لینه.

المقالۀ ۴. [قال المصنف فی ابتداء هذه المقالۀ] قد قلت فی اول المقالۀ ۲ من هذا الکتاب انی قد استتمت صفۀ جمیع ما ینتفع به من امر النبض فی اعمال الطب فی المقالۀ ۱ و ذلک انی بنیت هناک مبلغ عدد اصناف النبض و اسما ما له منها اسم و سالت من احب ان یستعجل الانتفاع بعلم النبض ان یاخذ بعد فراغه للمقالۀ ۱ من هذا القسم ۱ من اقسام کتاب النبض فی قراۀ القسم ۲ فیه الذی اذکر فیه تعرف النبض و هو ۴ مقالات یتلو هذا القسم ۱ ثم هذا بعد قراته للقسم ۲ القسم ۳ الذی اذکر فیه تعرف النبض و هو ۴ مقالات یتلو هذا القسم ۱ ثم هذا بعد قراته للقسم ۲ القسم ۳ الذی اذکر فیه اسباب النبض و هو ایضا ۴ مقالات ثم یاخذ بعد ذلک فی تقدمۀ المعرفۀ الکاینۀ من النبض التی ذکرتها ایضا فی ۴ مقالات و اما ما ذکرته فی هذا القسم الاول الذی وصف فیه اصناف النبض من بعد المقالۀ ۱ الی هذه الغایۀ و ما اذکر من ذلک فی هذه المقالۀ فانما السبب فی ذکری انه کان کثرۀ فضول الاطبا الثابته فی الکلام فان قوما من اصحابی لما مضهم من ذلک سالونی ان اذکره الخ.

این مقاله را کاتب باتمام نرسانیده و پس از یک صفحه و نیم که سفید گذاشته مقاله بعد را با این عبارت آورده است: «بسم الله الرحمن الرحیم المقالة ۳ من کتاب النبض و هی المقالة ۱ من مقالات ج من الاربع المقالات فی تقدمة المعرفة[۱] الکائن من النبض».

المقالة ۲ من المقالات ۴ فی تقدمة المعرفة الکاینة من النبض.

المقالة ۳. [جمل ما فی هذه المقالة]:

- ذکر اصناف النبض المخصوص بها سومزاج القلب.
- ذکر اصناف النبض المخصوص به الصنف الحار من سو مزاج القلب.
- ذکر اصناف النبض المخصوص بها الصنف البارد من سو مزاج القلب.
- ذکر اصناف النبض المخصوص بها سو المزاج المختلف من مزاج القلب.
- ذکر اصناف نبض جمیع الحمیات.
- ذکر اصناف النبض المخصوص بها کل واحدة من الحمیات علی الانفراد.
- ذکر اصناف النبض المخصوص بها الصنف الیابس من سو مزاج القلب.
- ذکر اصناف النبض المخصوص بها الصنف الرطب من سو مزاج القلب.

المقالة ۴. من مقالاته فی تقدمة المعرفة الکاینة من النبض[و جمل ما فی هذه المقالة]:

- ذکر التغائیر الحادثة فی النبض من قبل علل الریة.
- ذکر التغائیر الحادثة فی النبض من قبل علل الصدر.
- ذکر التغائیر الحادثة فی النبض من قبل علل الکبد.

---

۱. Prognosis.

– ذکر التغائیر الحادثهٔ فی النبض من قبل علل المعدهٔ.

– ذکر التغائیر الحادثهٔ فی النبض من قبل علل الارحام.

– ذکر التغائیر الحادثهٔ فی النبض من قبل علل الدماغ و علل غشائیهٔ.

– ذکر التغائیر الحادثهٔ فی النبض من قبل علل عامیهٔ.

– ذکر التغائیر الحادثهٔ فی النبض من قبل اعضا عامیهٔ.

– ذکر السبیل الذی به یوصل الی سابق العلم بما سیکون من جههٔ النظر فی التفقد لاصناف النبض کلها معا.[1]

د) کتاب الحمیات

مشتمل است بر دو مقاله در توصیف اجناس و انواع دلائل تبها، این کتاب را اوّل بار سرجس بزبـان سریانی ترجمه نمود ولی به لحاظ فساد ترجمه، حنین آنرا مجدداً بهمـان زبـان بجهـت جبرئیـل بـن بختیشوع نقل کرد و این اوّلین ترجمه او از کتب جالینوس بزبان سریانی بود. بعدها خـود او آنـرا از یونانی به عربی ترجمه و بنام ابوالحسن احمد بن موسی موشح نمود.

المقالهٔ ۱. [یذکر فیها اصناف الحمیات].

المقالهٔ ۲. [یذکر فیها اصناف الحمیات التی تتولد من عفونهٔ الاخلاط].

هـ) کتاب البحران

[1]. این کتاب به همین جا خاتمه می‌یابد.

مشتمل است بر سه مقاله و حنین بن اسحق یک مرتبه ترجمه آنرا که بدست سرجس بعمل آمده بود اصلاح نمود و بار دیگر اصل متن را بجهت محمد بن موسی نقل بزبان عربی کرد(رساله حنین، ۱۵-۱۶، شماره ۱۸).

فهرست عناوین مقالات

المقالهٔ ۱. الجملهٔ ۱. فی غرضه فی کتاب البحران و فی تعریف اوقات المرض الاربعهٔ الکلیهٔ.

الجملهٔ ۲. (ساقط است).

الجملهٔ ۳. فی تعریف اوقات المرض و تفصیل بعضها من بعض الخ، مشتمل بر ابواب زیر:

- فی اجناس العلامات.
- فی الاحلام.
- فی صنف من العلامات.
- العلامهٔ الدالهٔ علی البحران المحمود.
- فی تعرف اوقات الامراض الکلیهٔ.

المقالهٔ ۲. فی تعرف الامراض المفردهٔ متداول یوم و تعرف المرکبات فیما بین الیوم ۱ و الیوم ۳ و غایته ۴ علی الاقل، مشتمل بر ابواب مذکور در ذیل:

- فیما صدر به هذه المقالهٔ من اعادهٔ ذکر عرصه فی هذا الکتاب مذکرا به و فی غرضه فی هذه المقالهٔ.
- فی تعرف طبیعهٔ المرض البسیط المفرد متداول یوم بقول کلی.
- فی تعرف الحمی الغب[۱] الخاصهٔ متداول یوم.

---

[۱]. tertian.

- فی تعرف حمی الربع[1] الخالصهٔ المفردهٔ متداول یوم.

- فی تعرف الحمی النائبه فی کل یوم المفردهٔ الخالصهٔ.

- فی تعریف الحمیات الدائمات[2].

الباب ۲. فی ترکیب حمیات من نوع واحد بعضها من بعض.

الباب ۳. فی تعرف ترکیب الحمی الغب المفارقهٔ.

الباب ۴. فی تعرف ترکیب الحمی الغب و الحمی البلغمیهٔ.

الباب ۵. فی تعرف ترکیب حمیات اکثر من اثنتین بعضها من بعض.

الجملهٔ ۳. فی تعرف الحمیات التی مع اورام، مشتمل بر دو باب:

- فی تعرف الحمیات التی مع اورام ذات الجنب علی سبیل مثال.

- فی قول کلی تعرف به جمیع الحمیات التی مع اورام فی الاعضا الباطنهٔ.

الجملهٔ ۴. فی تعرف حمی یوم[3] و الاستثنا بحمی افطیقوس و هی الحمی النائبه، شامل این ابواب:

- فی تعرف العلامات العامیهٔ الدالهٔ علی حمی یوم.

- فی تعرف حمی یوم الحادثهٔ من عوارض النفس.

- فی تعرف حمی یوم العارضهٔ من السهر.

- فی معرفهٔ حمی یوم الحادثهٔ عن التعب و الاعبا.

- فی حمی یوم الحادثهٔ من استحصاف الجلد.

---

[1]. quartian.

[2]. از اینجا به بعد یعنی تا آخر کتب البحران اوراق نسخه جابجا شده و ظاهراً مقداری نیز ساقط است بهمین جهت عناوین را همین طور که هست در اینجا نقل می‌نمائیم.

[3]. quotidian.

– فی تعرف حمی یوم الحادثهٔ عن ورم اللحم الرخو.

– فی الاستثنا بحمی اقطیقوس و هی النائبهٔ.

تمت المقالهٔ ۲.

المقالهٔ ۳. یذکر فیها اصناف البحران[1] المحمودهٔ و المذمومهٔ و القویهٔ و الضعیفهٔ، مشتمل بر این ابواب:

– فیماصدر به هذه المقالهٔ من غرضه فیها.

– فی البحران بقول مطلق و هو البحران المحمود.

– فی تعرف الصنفین ۲ و ۳ من البحران.

– فی اصناف البحران ۳.

– فی ۴ الاوجه التی تکون بها الموت.

– فی تقدمهٔ المعرفهٔ باصناف البحران.

و) کتاب ایّام البحران

ایضا مشتمل است بر سه مقاله که بدست جرجس و اصلاح حنین بزبان سریانی ترجمه شد و این اخیر بعدها آنرا بجهت محمد بن موسی سابق الذکر نقل به عربی کرد.

المقالهٔ ۱. [یذکر فیها ما ینتفع به فی علاج الطّب من امر ایام البحران].

المقالهٔ ۲. [یذکر فیها العلهٔ التی من اجلها لایکون البحران فی کل عدد من الایام و لا الایام التی یکون فیها البحران مساویهٔ فی القوهٔ و یذکر ایضا السبب فی اختلاف الناس فی امر ایام البحران].

المقالهٔ ۳. [یذکر فیما الاصول التی منها تستخرج معرفهٔ ایام البحران].

---

[1]. Crisis و این کلمه یعنی بحران سریانی است و منسوب به آنرا باحوری گویند.

نسخه به اواخر این مقاله خاتمه می‌یابد و ظاهراً یکی دو ورقی کسر دارد.

آغاز: «بسمله المقالهٔ ۱ من کتاب ج فی الاشیاء الخارجهٔ عن الطبیعهٔ المعروف بکتاب العلل و الاعراض قال ج ان اول ما ینبغی لنا ان نذکر ما الشیء الذی نسمیه مرضا».

انجام: «و ضدها الامراض القصیرهٔ المدهٔ و منها کثیرهٔ المکث و ضدها حمی یوم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اول قرن هفتم، کاغذ حنائی، عناوین بشنگرف، انـدازه مسـطر ۱۳×۱۶/۳، جلد تیماج عنابی ساده، ۳۵س، ۲۶۱گ ۱۹×۲۷، سابقا در تملک فرهاد میرزا بوده، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۲۲۰

شرح الاسباب و العلامات

(۵۱۹۳)

(عربی)

شرح مزجی است از برهان الدّین نفیس بن عوض بن حکیم کرمانی(متوفی در سنه ۸۴۱ یا ۸۴۲) مؤلف شرح موجز القانون از ابن النفیس القرشی و یکی دو کتاب دیگر ایضا در موضوع طب بر کتاب الاسباب و العلامات تألیف نجیب الدّین ابوحامد محمد بن علی بن عمر السمرقندی مذکور در صفحات قبل که شارح پس از آن بدستور میرزا ال بیک گورکانی از مسقط الرأس خود کرمان حضار به سمرقند شده بود آن را تألیف و باو تقدیم نموده است(در سنه ۸۲۷ بموجب قول حاجی خلیفه).

آغاز: «بسمله حمدله... و بعد فیقول الفقیر الی الله تعالی... انی کنت من اهل بیت مشهورین بهذه الصناعهٔ الخ».

انجام: «فانها یشد العضو و ینشف الرطوبات».

نستعلیق خوش، کاتب مولانا طالب شیرازی، تاریخ تحریر چهارشنبه ۱۲ ربیع الاول ۱۰۰۴، محل کتابت بخارا، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه به شنگرف، اندازه مسطر ۸/۳×۱۹/۵، متن اصلی متمایز به خطی در بالای عبارات به شنگرف، ۲۷س، ۲۶۰گ ۱۷×۳۱، جلد تیماج خرمائی ضربی، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۲۲۱

شرح الاسباب و العلامات

(۱۵۲۰۵)

این نسخه ناقص است و از محبث سرسام شروع نموده به اواخر مبحث جراحات بسیطه ختم می‌کند.

آغاز موجود: «فیها من طریق الدروز الی خارج و قد یکون فی عضل».

انجام موجود: «فالخلع هو الخروج زائدهٔ العظم من حفرته المرکبهٔ فیها».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ نخودی، بدون جلد، حدود ۵۰ ورقی از اواسط نسخه سوخته و دو سه ورقی از ابتدا و انتهای نسخه بخطی مغایر، ۲۹-۳۳س، ۳۳۵گ ۱۲/۵×۲۲، خریداری آستان قدس در شهریور ۱۳۶۵.

۲۲۲

شرح الاسباب و العلامات

(۲۲۷۷۲)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی فرنگی، ۲۱س، ۲۵۸گ ۱۳×۲۱، جلد تیماج ساده، واقف عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۲۲۳

شرح الاسباب و العلامات

(۱۴۹۶۰)

ایضا کامل است.

نستعلیق-(متن نسخ)، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رجب ۱۲۸۲، کاغذ شکری آهار مهره، ۲۱س، ۳۸۶گ ۲۰×۲۹/۵، جلد مقوا و گوشه چرم، وقفی سید محمد باقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۳۰۵.

۲۲۴

شرح الاسباب و العلامات

(۲۵۹۱۶)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اخیر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عناوین در متن و هامش به شنگرف، ۲۵س، ۳۱۳گ ۱۵/۵×۲۳/۵، اندازه مسطر ۹×۱۶/۵، جلد تیماج قهوه‌ای، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۷۷.

۲۲۵

شرح الاسباب و العلامات

(۱۰۵۵۵)

کاتب خطبه و دیباچه را ننوشته است.

آغاز موجود: «بسمله قال المصنف الصّداع الم و هو خروج».

در هامش آن قرابادین حکیم مظفر بن محمد حسینی شفائی کاشانی است بزبان فارسی[۱] که مرتب است به حروف تهجّی(از ورق ۸b تا ۸۹a) و در ابتدای نسخه نیز رساله مختصری است در پـنج ورق در ضبط ادویه مخصوص به هر یک از امراض که در قرابادین مذکور بطور پراکنده و در مواضیع مختلف مسطور است و یافتن آنها بهمین جهت بر خواننده دشوار است و چنین آغاز می‌شود: –«بسمله مخفی نماناد که کتاب قرابادین حکیم شفائی الخ».

انجام: «و روغن ۳۱».

آغاز قرابادین: «بسمله الحمدلله العلیم الحکیم... اما بعد پوشیده نماناد که فقیر حقیر الخ».

انجام قرابادین: «تا حکیم علیم از دارالشفاء خود شفائی کرامت و عنایت فرماید».

نسخ ممتاز، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نباتی آهار مهره، عبارات متن به شنگرف و شرح به سیاهی، جداول اوراق مزدوج به طلا و تحریر و لاجورد، صفحات دارای دو کمند مزدوج ایضا به طلا و تحریر، عناوین در حشایه بین دو کمند بقلم زر محرر، صفحه افتتاح شرح اسباب دارای یک سر لوح مذهب نفیس پرکار و بین السطور آن و صفحه بعد طلااندازی، اندازه جدول ۱۰×۱۹، جلـد

[۱] . برای مزید اطلاع در خصوص این کتاب و مؤلف آن مراجعه شود به«قرابادین(مرکبات شفائی)» مذکور در حرف قاف، در این کتاب.

دورو(بیرون ساغری، درون تیماج)، ۲۵س(قرابادین بطرز چلیپا در هامش بخط کاتب شرح اسباب) و رساله اول ۱۹س(بخط مغایر با آن دو)،۳۳۷گ ۱۷×۲۸، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۲۲۶

شرح الاسباب و العلامات

(۱۰۴۴۴)

نسخه کامل و مذیل است به یازده ورق از قسمت«فی سقی السموم» از کتاب اسباب و علامات و هشت ورق از تشخیص رابع از کتاب تحفهٔ المؤمنین در مداوای سموم.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن سیزدهم، کاغذ شکری، عناوین در حاشیه به شنگرف، ۲۹س، ۳۱۷گ ۱۴×۲۰، جلد تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۲۲۷

شرح الاسباب و العلامات

(۵۱۰۷)

کاتب خطبه و دیباچه را انداخته است.

آغاز موجود: «قال المصنف رحمه الله الصداع الم و هو خروج».

انجام: «لاسترخاء ما یحیط به و ما یدق... و ترطبه».

متن بقلم نسخ و شرح بخط نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن سیزدهم، کاغذ شکری آهاری، عناوین به شنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه و عطف و گوشه چرم، ۲۵س، ۱۹۷گ ۱۶×۲۳، واقف تاج ماه بیگم، (نسخ موقوفه او ۱۴۰ عدد است)، تاریخ وقف شعبان المعظم سنه ۱۲۶۲.

۲۲۸

شرح الاسباب و العلامات

(۹۶۶۵)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب حسین(نام کاتب و نام پدر او را سیاه کرده‌اند)، تاریخ تحریر ۱۰۸۵، کاغذ نخودی، مختلف السطور، ۳۵۹گ ۱۳×۲۴، جلد تیماج خرمائی ضربی، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۴۶.

۲۲۹

شرح الاسباب و العلامات

(۵۱۰۸)

این نسخه مجلّد اول است.

انجام:«الذی ینبت علی العظم المسکور».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ آبی، جلد ساغری ضربی، ۲۵س، ۱۹۲گ ۱۵×۲۱، واقف میرزا محمود موزع، تاریخ وقف ۱۳۰۷ هجری شمسی.

۲۳۰

شرح الاسباب و العلامات

(۵۱۰۹)

مجلد دوم است.

آغاز: «بسمله و امراض الکبد سوء مزاج».

انجام موجود: «الی الثديين ليقلب لبنا و يغتذی به».

مشخصات اين نسخه عينا برابر با نسخه بلافاصله مذکور در بالا تحت رقم ۵۱۰۸ است.

۲۳۱

شرح الاسباب و العلامات

(۸۱۹۴)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاريخ تحرير اوائل قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، جداول به سرخی و لاجورد و کمندها و عناوين در حاشيه به شنگرف، جلد تيماج ضربی، ۴ ورق ابتدای نسخه نونويس، ۲۲س، ۴۲۶گ ۱۴×۲۳، واقف سيد اصغر اصغرزاده موسوی، تاريخ وقف بهمن ۱۳۳۰.

۲۳۲

شرح الاسباب و العلامات

(۱۳۲۸۰)

از ابتدا چند ورق کسر دارد.

آغاز موجود: «و تصير للرأس مکانا».

نستعليق، کاتب نامعلوم، تاريخ تحرير اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سيزدهم، جلد تيماج خرمائی، ۲۱س، ۲۳۰گ ۱۰/۵×۱۸، خريداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۲۳۳

شرح الاسباب و العلامات

(۵۱۱۰)

این نسخه مشتمل است بر قسمت مربوط به امراض چشم فقط.

آغاز: «اعلال الطبقهٔ الصلبهٔ و هی طبقهٔ منشاؤها اطراف».

انجام موجود: «او شحم الحنظل او ماء ورق الخوخ او طبیخها».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن نهم، کاغذ نخودی، عناوین در متن به سیاهی و بقلم ثلث جلی و در حاشیه بشنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۵س، ۴۳گ ۱۵×۲۳/۵، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷(نسخه در ۱۰۴۰ در تصرف او بوده)، در ظهر ورق اول یادداشتی است باین عبارت: «این رساله نورالعین(کذا) را اقل خلق الله حکیم فتح الله ابن حکیم محمود گیلانی تکلیف فضیلت سعاد(کذا) ملا محمد حسین نمودم بتاریخ ۲۲ شهر جمادی الاخر سنه ۱۰۲۵ بدار السلطنه شهر کابل».

۲۳۴

شرح الاسباب و العلامات

(۱۰۸۷۷)

نسخه کامل است مع ذلک واقف آن را سهواً شرح فصول دانسته و این مطلب بعدها به دفاتر ثبت کتابخانه و نیز ورقه ملصق به نسخه(اتیکت) نیز راه یافته است.

نسخ، کاتب محمد بن محمد صادق خبوشانی، تاریخ تحریر شوال ۱۲۲۹، کاغذ نخودی، جلد تیماج مشکی با حاشیه زرکوب، ۲۵س، ۳۱۱گ ۱۴×۲۴، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۰.

۲۳۵

شرح الاسباب و العلامات

(۱۱۸۳۶)

نسخه کامل است.

نسخ و نستعلیق، اواخر نسخه نونویس در کابل، کاغذ حنائی، جلد تیماج مستعمل، مختلف السطور، ۲۶۵گ ۲۰×۳۵، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، تاریخ وقف ۱۳۵۹.

۲۳۶

شرح الاسباب و العلامات

(۲۲۶۵۴)

دو ورق از ابتدا و دوازده ورق از آخر این نسخه بخط نستعلیق خودش کسرنویسی شده است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، ۲۶س، ۳۰۱گ ۱۸×۲۸، جلد تیماج زرشکی دو رویه ضربی، ترنج و سرترنج و حاشیه روی جلد بزر، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۲۳۷

شرح الاسباب و العلامات

(۱۱۹۷۲)

(عربی)

نام مؤلف و شارح کتاب بعلت نقص نسخه ابداً معلوم نشد ولی کاملاً پیداست که مؤلف و شارح هر دو زماناً خیلی مقدّم بر عصر نجیب الدّین سمرقندی مؤلف الاسباب و العلامات مذکور در صفحات قبل بوده‌اند(لااقل حدود دو قرن).

آغاز موجود: «اعراض اخر کثیرة فانه ان شارک».

نسخ کهن آمیخته به بعضی حروف کوفی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن پنجم، کاغذ حنائی، ۱۲–۱۴س، ۵۰گ ۱۳/۵×۱۶، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف و تاریخ وقف نامعلوم.

۲۳۸

شرح دستور العلاج

(۵۱۷۸)

(عربی)

شرح مزجی مختصری است از حسن بن زین العابدین سبزواری بر ارجوزه طبی خود او موسوم به دستور العلاج.

آغاز: «الحمد لله الطبیب الشافی الواهب الصحة و المعافی».

انجام: «فی فن الطب ما اجتهدت فی تلفیقه و ترکیبه و الحمد لله علی توفیقه».

نستعلیق شکسته به خط شارح، تاریخ تحریر ربیع الثانی ۱۲۹۴، کاغذ شکری آهاری، مختلف السطر، ۶۹گ ۱۱×۱۷، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف عماد فهرستی، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۱۰.

۲۳۹

شرح فصول

(۱۱۳۵۱)

(عربی)

شرحی است مزجی(الفص – التفسیر) از ابوالقاسم عبدالرحمن بن علی بن احمد بن ابی صادق نیشابوری معروف به بقراط ثانی[۱] از مشاهیر اطبای قرن پنجم و بقولی از اصحاب ابن سینا بر کتاب فصول مذکور در صفحات آتیه از بقراط Hippocrates که بموجب مسطورات ذیل مقاله اوّل آن شارح درنظر داشته است که ابتدا فصول متقاربه المعنی از کتاب فصول را در هفت مقاله جمع نموده سپس بشرح آن فصول مشغول شود امّا بمناسبت اینکه بعدها مراعات ترتیب فصول هر مقاله را علی الانفراد اولی دیده از این نیت عدول کرده و نمونه را بر ترتیب همین مقاله اوّل بر بیست و سه فصل اقتصار نموده است باین ترتیب: یک فصل در مفتتح کتاب و یک فصل در قانون کلی و یازده فصل در تدبیر اغذیه مرضی و چهار فصل در تدبیر اصحا و شش فصل در قوانین استفراغ[۲].

غیر از این کتاب سایر تألیفات ابن ابی صادق عبارت است از: شرح مسائل حنین بن اسحق و تلخیص آن شرح و شرح منافع الاعضاء جالینوس که تاریخ فراغ آن را ابن ابی اصیبعه ۴۵۹ نوشته(بموجب خط خود شارح در نسخه اصل که وی دیده بود باین عبارت«بلغت المقابلهٔ و صح ان‌شاءالله تعالی و به الثقهٔ) و شرح تقدمهٔ المعرفهٔ از مجموعه کتابهای دوازده گانه بقراط که از آن یک نسخه در کتابخانه ملّی پاریس محفوظ است.

---

[۱]. ترجمه احوالش در تتمه صوان الحکمه(ص ۱۰۷) و نزههٔ الارواح شهرزوری(نسخه رضویه، ورق ۱۴۸a تحت رقم ۹۸۹۶) و عیون الانباء تألیف ابن ابی اصیبعه مسطور است.

[۲]. Evacuation.

آغاز: «بسمله قال الشیخ الحکیم الاوحد ابوالقاسم عبدالرحمن... ان العنایۀ تبعث الخلق علی اقتناء باب من ابواب العلوم و من اشرف الفضائل الانسانیۀ سیما ما کان الناس کافۀ الخ».

انجام: «و اما الفصول المدلسۀ و التی تداعیه ذکرها باخره من الکتاب ترکنا ذکرها شفقۀ علی فوت الزمان بما لایجدی، و الله تعالی ولی الخیر».

نسخ، کاتب علی طبسی الکیلکی[1]، تاریخ تحریر سنه ۱۰۹۲، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۱۵س، ۲۱۵گ ۱۱×۱۹، جلد تیماج، واقف شیخ محمد صالح علامه حایری مازندرانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۵۱.

۲۴۰

شرح فصول

(۸۲۰۴)

(عربی)

این شرح بصورت(قال ابقراط– الشرح) و از تألیفات علاءالدّین ابن نفیس است که به لحاظ این که ترجمه احوال او را ذیل معرفی یک نسخه از شرح قانون بدست داده‌ایم. در اینجا وارد در بیان سوانح ایّام حیات او نمی‌شویم.

آغاز: «بسمله قال مولانا الامام العالم الحکیم الفاضل علاءالدین ابوالحسن علی بن نفیس ابی الحزم القرشی ادام الله تأییده ان ما قد... من شروحنا لهذا الکتاب الخ».

انجام: «و هو المراد بالاستفراغ الذی من فوق».

---

[1] . همان طبس خرما در مقابل طبس مسینان(طبس عناب) واقع در ولایت قهستان.

نسخ، کاتب احمد بن موسی الطبیب الهمدانی، تاریخ کتابت سنه ۱۲۵۹، عناوین«قال، قوله، الشرح» به سرخی، ۲۳س، ۹۶گ ۱۳×۲۱، کاغذ آبی، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف درة السلطنه ملک زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۲۴۱

شرح فصول

(۲۳۰۱۱)

این نسخه از آخر مقداری کسر دارد.

انجام موجود: «فصل الفلق و الشارب... الانضابه الرطوبات و ترقیقها و تحلیلها».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی آهاری، عناوین بشنگرف، جلد تیماج یک لا، ۱۴س، ۱۲۵گ ۱۱/۸×۱۹/۲، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسـفند ۱۳۷۴.

۲۴۲

شرح قانون

(۵۱۰۱)

(عربی)

اصل کتاب از تصانیف شیخ الرئیس ابوعلی حسین بن عبدالله سینا(۳۷۰-۴۲۸) است و این شـرح از علاّمه مفضال علاء الدّین ابوالحسن علی بن ابی الحزم القرشی معروف به ابن النّفیس(متوفی در ذیقعده سنه ۶۸۷) از اجلّه علما و حذاق اطبای مشرق در دیار مصر و صاحب تألیفات متعدّد از جمله الموجز

فی القانون و شرح فصل بقراط و بغیهٔ الطالبین و حجهٔ المتطببین و فاضل بن ناطق(که کتابی اسـت از نمط حی بن یقظان ابن طفیل) والرّسالهٔ الکاملیهٔ فی السّیرهٔ النّبویهٔ و کتاب بسیار حجیم عظیم الشّامل در هشتاد مجلّد در طب[1]، که علاوه بر پزشکی در انواع شعب علوم و فنون از فقـه واصـول و حـدیث و عربیت و منطق و بیان و جدل نیز مرتبتی رفیع و تبحرّی به کمال داشت[2] استاد وی در طبّ مهذّب الدّین الدّین عبدالرحیم بن علی بن حامد معروف به ابن الدّخوار[3] است(۵۶۵-۶۲۸) که از او کتابهای شرح تقدّمه المعرفهٔ و مختصر حاوی زکریای رازی و مختصر اغانی و چند کتاب دیگر در دست داریم. از وجوه اهمیت و اعتبار ابن النّفیس در علوم پزشکی یکی بخصوص تفرّد او در تحقیقات و تتبعات بدیع در باب دوران صغیر خون[4] و اظهار عقاید و آراء جدید راجع به آنست که هر چند بموجـب صـریح

---

[1]. مجلّداتی از این کتاب در کتابخانه ظاهریه و سه مجلّد(جلد ۳۳ و ۴۲ و ۴۳) نیز بنشان ۲۷۶ Z در کتابخانـه پزشـکی لـین، دانشـگاه اسـتانفورد کالیفرنیا Lane Medical Library, Stanford University محفوظ است. دو نسخه نیز از سایر مجلّـدات آن محفـوظ در بادلیـان اسـت یکی مشتمل بر سه کتاب از جزء چهارم از فن اول مورخ سنه ۶۸۷ بنشانی Pococke ۲۴۸ و دیگری حاوی تمام کتب جزو دوم از فـن سـوم در سه مجلّد علی حده مورخ ۹۸۳ بنشان ۲۹۲ ,۲۹۱ ,۲۹۰ Pococke(اطّلاعات مربوط بـه ایـن دو کتابخانـه اخیـر بکلـی مـأخوذ اسـت از مقالـه N.Heer در مجله معهد المخطوطات العربیهٔ، مجلّد ۶، جزء اوّل، ذی القعدهٔ ۱۳۷۹) و ناگفته نماند بمناسبت ذکر این چهار نسـخه اخیـر کـه تقریبـاً جمیع نسخ خطی شرقی و یونانی کتابخانه بادلیان که ارقام ثبت آنها مسبوق بـه نـام پوکـوک(۱۶۰۴-۱۶۹۱) اسـت در حقیقـت عبـارت از همـان نسخی است که وی در سنوات مابین ۱۶۳۰ تا ۱۶۳۶ که مقیم حلب بود با مساعدت مالی لود Laud مطران کانتر بوری خریداری و بـه کتابخانـه مذکور اهدا کرده(مراجعه شود بجهت مزید اطّلاع به مقالـه G. H. Box[۳۵۳-۳۵۶] در کتـاب The Legacy Of Israel) و وی معاصـر بـوده است با باروخ اسپینوزا از مشاهیر فلاسفه اروپا و فیلسوف دیگر یهودی منسّح بن اسرائیل(همان که عرض حال یهودیان انگلیس به کرومـول بخـط و انشای اوست) و هموست که در سنه ۱۶۷۱ رساله حی بن یقظان ابن طفیل را تحت عنوان Philosophous Autodidactus بزبـان لاتـین ترجمه نموده است.

[2]. مخفی نماند که طالع کتاب فارسنامه ناصری را در خصوص ابن نفیس سهو عظیمی دست داده است در این عبارت میرزا حسن خان فسائی راجع به او(۱: ۱۷۸) «و استاد اطباء حاذق قرشی در کتاب شرح قانون طب الخ» که در حاشیه نوشته است درباره حاذق قرشی اطّلاعی بدست نیامد، و توجه نداشته‌اند که لفظ حاذق در عبارت فسائی صفت اطباء است وابداً به قرشی که بدل استاد اطباء حاذق است ربطی ندارد، بهرحال ترجمه احوالش در این مأخذ مسطور است: النجوم الزاهرهٔ(۷: ۳۷۷)، دول الاسلام تألیف ذهبی(۲: ۱۴۳)، طبقات الشافعیه سبکی(۵: ۱۲۹)، شذرات الذهب(۵: ۴۰۱)، مفتاح السعادهٔ تألیف طاش کبری‌زاده(۱: ۲۶۹)، ذیل صقاعی بر وفیات الاعیان موسوم به تالی وفیات الاعیان که مرثیه ابوالفتح النصرانی تلمیذ ابن النفیس را نیز نقل نموده(ص ۱۱۴) و نیز مآخذ مذکور در ذیل حواشی بعد در همین مقال.

[3]. ترجمه احوال او در این مآخذ موجوداست: عیون الانباء(۸۲۸-۷۳۶، طبع بیروت)، نجوم الزّاهره تألیف ابن تغری بردی(۶: ۲۷۷)، شذرات الذّهب لابن العماد الحنبلی ذیل حوادث و وفیات سنه ۶۲۸، ذیل الروضتین لابی شامه(ص ۱۵۹).

[4]. Pulmonary circulation Of blood.

تصریح خودش در فصل تشریح قانون هرگز به تشریح نپرداخته باز نظریات او در خصوص این مطلب بقدری جالب و در حدّ خود تمام است که توضیحات طبیب اسـپانیائی میگوئـل سـروتو[۱] Miguel Serveto(محروق در ۱۵۵۳ میلادی بفرمان کالون) در سه قرن بعد از او در کتاب مشهورش موسوم به بازگشت مسیحیت Christianismi restitutio در خصوص همین موضـوع بـا توضـیحات ابـن النفیس نه فقط موافقت بل مطابقت بلفظ و عبارت بعبارت دارد[۲].

ترتیب این شرح مبتنی بر ترتیب کتاب قانون است مگر در قسمت قرابادین و تشریح که شارح قسمت تشریح آن را در کتابی مفرد شرح کرده و این نسخه که جلد اوّل است شامل شرح کامل کتاب اوّل و ثانی از کتاب قانون است(یعنی تا آخر مقاله دوم در ادویه مفرده).

آغاز: «بسمله حمد له فان قصدنا فی هذا الکتاب الذی نرجوا ان یمهلنا الاجل الـی ختمـه و یصـحبنا التوفیق فی تألیفه و نظمه ان نشرح معانی کتاب القانون».

انجام: «غالیه الی آخره الشرح و العبارة فی هذا ایضا ظاهرة و هذا آخر المجلد و الحمدلله اولا و آخراً و ظاهرا و باطنا».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر و محل کتابت اواخر شهر رمضان المبارک سنه خمـس و ثلثـین[و سبعمائة][۳] (۳۵[۷]) هجریة بالخانقاه المعمورة بالربع الرشیدی، عنوان کتاب و نام مؤلف بخط ثلث جلی،

---

[۱] . یا چنان که فرانسویان تلفظ می‌کنند میشل سروه؛ این شخص را عموماً کاشف دوران صغیر خون دانسته‌اند و ژوزف گارلند در تاریخ پزشکی(ص ۱۰۱) می‌گوید که Reald Colombo نیز در سال ۱۵۵۷ متوجه این مطلب شده بود.

[۲] . Aldo Mieli, La science arab...(Leiden, ۱۹۳۹) P.۱۶۴.

ایضا مراجعه شود به این مآخذ:

Bittar, E. E. A study Of Ibn Nafis, Bull. Of the his. Of med. ۱۹۵۵, ۲۹: ۳۵۲-۶۳; ۴۲۹-۴۷; Abdul Karim Chehade, Ibn- Nafis et la decouverete de la circulation Pulmonaire, Damascus, ۱۹۵۵.

[۳] . مرتبه مآت را کاتب سهوا از قلم انداخته است بنابراین باید ببینیم کلمه افتاده چه بوده و مآلاً نسخه در چه تاریخی کتابت شده است. از قراری که مصرّح نسخه است کتابت نسخه در خانقاه ربع رشیدی از مستحدثات خواجه رشید الدین فضل الله وزیر صورت گرفته و با ملاحظه این

عناوین موضوعات ومباحث به شنجرف، کاغذ خانبالغ، ۳۳س، ۲۷۰گ ۲۵×۳۶، جلد تیماج مشکی، واقف شاه عباس صفوی، تاریخ وقف ۱۰۱۷.

۲۴۳

شرح قانون

(۵۱۰۴)

دنباله شرح بلافاصله مذکور قبل تحت رقم ۵۱۰۱ ولی بخط کسی دیگر است و شروع آن از کتاب سوم قانون(یعنی الامراض الجزئیهٔ باعضاء الانسان من الرأس الی القدم) است و ختم آن به آخر مقاله چهارم از فن ثالث(یعنی تا آخر تشریح چشم و اوّل تشرح گوش).

آغاز: «بسمله، قال مولانا... علاء الدین ابوالحسن علی بن القاضی الاجل الصدر الرئیس نفیس الدین... قد حان لنا... ان نشرع فی تشریح الکتاب الثالث».

انجام: «من ذلک اللون و کذلک یعرض عن اطال النظر فی البیاض».

مطلب که خواجه در حدود سنه ۶۳۸ متولد شده و ربع رشیدی نیز پس از قتل او دوبار بکلّی به غارت شعوا رفته(یکبار بعد از قتل خودش در جمادی الاولی سنه ۷۱۸ در قریه چرگر از توابع ابهر و بار دیگر پس از قتل پسرش خواجه غیاث الدین محمد وزیر در۲۱ رمضان ۷۳۶) پس واضح واضح است که بجز«سبعمائهٔ» هیچ کلمه دیگری که با قرائن و ملاحظات تاریخی مغایر نباشد نمی‌توان درمتن گذاشت. «ستمائه» نمی‌توان گذاشت. بدلیل آن که در سال ۶۳۵ خواجه هنوز به دنیا نیامده بوده تا به بنای رشیدیه چه رسد، پس بطلان این موضوع از بدیهیات است.
«ثمانمائه» هم نمی توان فرض کرد به علت آن که نسخه تصریح صریح دارد که در وقت آبادانی ربع رشیدی کتابت شده و ربع رشیدی چنان که می‌دانیم بعد از قتل خواجه غیاث الدین محمد در سنه ۷۳۶ عرصه‌اش بکلّی حکم قاعاً صفصفا گرفته بوده و آن هم عمارات عظیم از مسجد جامع و خانقاه و مدرسه و کتابخانه و دارالسیاده و دارالشفا و دارالقرا و محلات معمور و سراها و کاروانسراها و دکانها و آسیابها و مزارع و باغها و غیره و غیره به تلی خاک و مشتی خاشاک بدل شده بوده است. پس فرض ۸۳۵ هم باطل است. باقی می‌ماند همان«سبعمائه» که اصلا و مطلقا با هیچ یک از قرائن و ملاحظات تاریخی و ضوابط و موازین نسخه شناسی مغایرت ومخالفت ندارد و می‌توان سال ۷۳۵ را که هنوز خواجه غیاث الدین محمد مرتبه وزارت داشته و به مین جهت رشیدیه نیز در این زمان فی الجمله معمور و آبادان بوده تاریخ قطعی کتابت نسخه دانست والله اعلم.

کتابت بخط نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن نهم، عناوین به سرخی، کاغذ حنائی، ۱۹س، ۴۵۱گ ۱۵×۲۵، جلد تیماج مشکی مستعمل، در سنوات ۱۱۵۴، ۱۲۰۵، ۱۲۷۰ و ۱۲۷۲ قمری داخل عرض شده، واقف خواجه شیر احمد بن عمیدالملک تونی ثم بیدسکانی از واقفین عمده کتابخانه و از رجال قرن دهم و یازدهم، تاریخ وقف نامعلوم.

۲۴۴

شرح قانون

(۲۵۵۹۵)

این نسخه شروع می‌کند از شرح کتاب ثانی و ختم می‌کند به آغاز کتاب تشریح.

آغاز: «بسمله قال الشیخ الامام... بحث مفرد قد رأینا ان نبتدی قبل شروعنا فی شرح هذا الکتاب بتقسیم الاجسام الخ».

انجام: «الشرح الفاظ الکتاب فی هذا ظاهرۀ غنیۀ عن الشرح... و صلی الله علی خیر خلقه محمد و آله و سلم تسلیما کثیراً».

نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۴۵س، ۹۸گ ۲۳×۳۷/۵، اندازه مسطر ۱۵/۵×۲۷/۵، جلد تیماج مشکی، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۷۷.

۲۴۵

شرح قانون

(۵۱۰۳)

شرح قسمت تشریح کتاب قانون است فقط و در این کتاب است که شارح علّامه آن به هیچ وجـه در مقابل آرا و عقاید طبی دیگران متوقف نمی‌شود و در باب برخی از مطالب بدون اتکاء به اقوال سایر اطبا تنها براساس تجارب ذیقمت و اطّلاعات فوق‌العاده عمیق وسیع جامع خـود عقایـدی درمباحـث مختلف اظهار می‌دارد که بکلّی مخالف با آراء و اقوال دیگران بل فی الواقع ردّ بر آنها و هـر کـدام در جای خود شاهدی عدل بر کمال فضل و تبحّر و غور و تعمّق او در صورت علمی و عملی علم پزشکی است، از جمله این که در یک موضع از قسمت تشریح قلب سخن ابن سینا را که می‌گوید قلب دارای سه بطن است رد می‌کند و می‌گوید این قول بکلّی باطل است و آن را بیش از دو بطن نیسـت[1](بطـن راست و بطن چپ) و باز در جای دیگر نقل می‌کند که می‌گویند مراره یک مجری به اسفل معده و یک مجری به امعاء دارد و این سخن لامحاله غلط است«فان المرارة شاهدناها مرارا و لم نجد فیما ما ینفذ لا الی المعدة و لاالی الامعاء و انما ینفذ الصفراء منها الی هذین الموضعین علی سبیل الرشح»، و باز در مبحث تشریح دماغ می‌گوید«و قیل المراد بالبطون التجاویف التی هی الاقضبة التی فی داخل القحف... او التی فی داخل المخ و الظاهر من کلامه(یعنی کلام ابن سینا) و من کلام غیره انهم یریدون الاقضبة التی یعتقدون انها فی داخل المخ و ذلک لانهم یزعمون ان فی داخل المخ تجاویف ثلثة و انها مملوءة مـن الارواح النفسانیة و ان تلک الارواح هی التی تقوم بها القوی التی بها الحس و هی التی یسمونها الحس المشترک[2] و القوی التی یسمونها الخیال و القوی التی یسمونها الوهم و التی یسمونها تارة مفکرة و تارل متخیلة و القوی التی یسمونها الحافظة و ذاکرة و انا الی الان لم یتحقق لی شییء من ذلک علی الوجـه

---

[1] . قول ابن سینا در این موضوع چنین است: –«و فیه(ای فی القلب) ثلث بطون بطنان کبیران و بطن کالوسط» و ابن النفیس که معترض بر این قول است می‌گوید: «هذا الکلام لایصح فان القلب فیه بطنان فقط احدهما مملو من الدم و هو الایمن و الاخر مملو من الروح و هو الایسر و لا منفذ بین هذین المنفذین البتة و الاکان الدم ینفذ الی موضع الروح فیفسد جوهرها و التشریح تکذب ما قالوه».

[2] . Phanatasia(=بنطاسیا).

الذی ارتضیته الخ»، علاوه بر اینها در قسمت مربوط به تشریح استخوان‌ها و چشم نیز نکته‌هائی می‌گیرد که در باب خود بکلّی بدیع و دارای اهمیت است و ما از ذکر آن بعلّت ضیق مجال در این جا خودداری می‌نمائیم.

آغاز این نسخه از ابتدای جمله اول از تعلیم خامس کتاب اوّل قانون است تا تولد جنین.

آغاز: «بسمله قال الفاضل العلامهٔ شیخ الزمان و جالینوس الدوران... قصدنا الان ایراد ما تیسر لنا من المباحث علی کلام الرئیس ابی علی الحسین بن عبدالله بن سینا رحمه الله فی التشریح من هذا الکتاب من القانون».

انجام: «و عن مشاهدهٔ هذه الیقضهٔ الحمرا فی»(ناقص).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن نهم، کاغذ حنائی سمرقندی، عناوین در حاشیه به شنجرف، فصول به سیاهی و بخط ثلث، ۱۹س، ۲۵۷گ ۱۸×۲۴، جلد تیماج عنابی ضربی، نسخه در ملکیت شیخ بهائی بوده و بموجب یادداشت صفحه اول در ۱۷ جمادی الاخر سنه ۹۸۳ در دارالسلطنه قزوین شروع به مطالعه آن نموده«کان الشروع فی مطالعهٔ هذا الکتاب سابع عشر جمیدی الاخر سنهٔ ۹۸۳ بدارالسلطنه قزوین حرره الفقیر بهاء الدین محمد العاملی»، صفحه سوم مزین به خط و امضا و مهر شیخ، در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۱۰، ۱۱۲۷، ۱۱۵۴، ۱۱۹۶، ۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۱۲۸۷ و ۱۲۸۹ داخل عرض شده، وقفی نادرشاه در سنه ۱۱۴۵.

۲۴۶

شرح قانون

(۶۳۴۲)

نسخه دیگری است از همین شرح تشریح بلافاصله مذکور قبل و مصدّر است به رساله ناقصی بفارسی در بیان اسماء الهیه.

آغاز: مانند نسخه سابق.

انجام: «لا یعتریه سهو و لایعجزه امر و هو الخالق تعالی وحده».

نستعلیق، کاتب جنید بن شبلی، تاریخ تحریر ۱۷ محرم ۸۴۸، کاغذ حنائی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج مشکی مستعمل، ۲۷س، ۱۵۴گ ۱۳×۲۲، نسخه مدتی در تملک محمد بن علی بن محمود بن صمد بن شیخ بهائی بوده، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۲۴۷

شرح قانون

(۸۹۵۴)

آغاز و انجام مانند قبل.

نستعلیق، کاتب علی اکبر الطبیب خادم الاطبا ولد ابوالقاسم، تاریخ تحریر اواخر ذی الحجه ۱۲۴۷، محل کتابت دارالعلم شیراز، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، جلد تیماج مشکی، ۱۸-۱۹س، ۱۸۲گ ۱۴×۲۱، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۰.

۲۴۸

شرح قانون

(۵۱۹۴)

آغاز و انجام مانند قبل.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دوشنبه ۴ جمادی الثانی سنه ۱۲۸۰، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، جلد تیماج ماشی ضربی، ۲۰س، ۲۱۰گ ۱۸×۲۶/۳، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۱۶.

۲۴۹

شرح قانون

(۱۹۷۵۵)

آغاز و انجام مانند قبل.

نستعلیق شکسته، کاتب ابوالقاسم الموسوی بن میر محمد طبیب، تاریخ تحریر ۱۲۱۵، محل تحریر شیراز، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین به شنگرف، جلد تیماج ماشی ضربی، ۱۷س، ۱۵×۲۰، اهدائی مقام معظم رهبری در ۱۳۷۳.

۲۵۰

شرح قانون

(۵۱۰۵)

(عربی)

این شرح بر کتاب اوّل قانون و تألیف ابوعبدالله محمد بن عمر بن الحسین بن الحسن بن علی طبری رازی معروف به امام فخر و ابن الخطیب(متولّد در ۵۴۳ یا ۵۴۴ در ری و متوفی در سنه ۶۰۶ به هرات) از فحول علمای جامع و از مفسّران و متکلّمان جلیل القدر و عالی مرتبه قرن ششم و صاحب تألیفات متعدّد بزبان عربی و فارسی در فنون شتی است از جمله تفسیر کبیر موسوم به مفاتیح الغیب و اختیارات

العلائیه و الاربعین فی اصول الدّین و اسرار التنزیل و شرح اشارات و تفسیر سوره اعلی[1] و رساله اصول عقاید و رساله روحیه[2] و لوامع البینات فی شرح الاسماء و الصّفات که آن را بجهت قضاء حقوق امیـر اسفهسالار ملک الامر عماد الدّوله و الدّین ابوحفص عمر بن الحسین از امرای بهاء الدّین ابو المؤیّد سام بن محمد بن عماد بن الحسین از ملوک بامیان در شهر ولوالج[3] تألیف نموده و به لحاظ این که اکثر کتب تراجم احوال از عربی و فارسی بذکر او مشحون و نزد ارباب علم فوق العاده معروف اسـت در ایـن موضع وارد در شرح احوال او نمی‌شویم و فقط به همین یک مطلب اشاره می‌نمائیم که او این شرح را یعنی شرح قانون را در حدود سنه ۵۸۰ یعنی بعد از آن که بدون حصول هیچ مطلبی از نزد بنی‌مازه[4] در

---

[1]. از اقدم کتب که نام خیام را با نقل یک رباعی از او ذکر نموده یکی همین رساله است در فصل سوم(نسخه کتابخانه رضویه تحت رقم ۱۰۷۲) ذیل تقریر امر معاد در آیه شریفه ثم رددناه الی اسفل السافلین باین نحو: «و ههنا سؤال مشکل و هو ان یقال خالق هذه الابدان هل له عنایة بها او لیس له عنایة بها فان حصل له بتدبیرها عنایة فکیف ابطلها و ردها الی اسفل سافلین و ان قلنا لیس له عنایة باصلاحها فکیف خلقها... و نظم عمر الخیام بالفارسیة هذا المعنی فقال رباعی.

دارنده چون ترکیب چنین خوب آراست — باز از چه سبب فکندش اندر کم و کاست

گر خوب نیامد اینها عیب کراست — ور خوب آمد خرابی از بهر چه راست

و ناگفته نماند بمناسبت ذکر خیام که طابع تلخیص مجمع الادب را سهو عظیمی دست داده است در حاشیه‌ای که در خصوص شخصی موسوم به علاء الدین علی بن محمد بن احمد معروف به خیام نوشته و براساس قول ابن الفوطی که می‌گوید دیوان شعری داشته و شعرش در خراسان مشهور بوده گفته است: –«فی هذا دلالة علی ان فی شعراء العجم خیامین و ان المشهور منهما بالشعر هو هذا لا عمر بن ابراهیم الحکیم ریاضی المنسوبة الیه الرباعیات فان کان الحکیم شاعرا فقد اختلطت اشعارهما» (تلخیص مجمع الادب، جزء ۴، قسم ۲، ص۱۰۵۵). و این عبارات تماماً سهو و خطای واضح است از ناحیه او و از قضا کسی که مشهور به شعر است همین خیام یعنی عمر بن ابراهیم است نه علاءالدین علی بن محمد که ابداً کسی او را نمی‌شناسد و باز ناگفته نماند بشرح ایضا که با وجود تصریح صریح جمهور مؤلفین شرقی و غربی بلااستثناء در خصوص وقوع قبر خیام در نیشابور فوق العاده عجیب و مضحک است که J. L. Brrggren در دو موضع از کتاب خود مقبره او را در اصفهان دانسته است. مراجعه شود به کتاب ممتع او موسوم به:

Episodes in the Mathematics of Medieval Islam, P. ۱۵.

[2]. از اصول عقاید یک نسخه مورخ سنه ۷۰۰ هجری بخط احمد کاموی(کاموسی)، و از روحیه چند نسخه در کتابخانه مذکور محفوظ است که اقدم آنها مورخ سنه ۶۹۸ و بخط همان کاتب است.

[3]. همان وروالیزیا و روالیج که مطابق با نقشه لسترنج در کتاب اراضی خلافت شرقیه(متن انگلیسی، مقابل صفحه ۴۳۳) واقع بوده است در سمت شرقی بلخ در وسط راه این شهر به طایقان(طالقان) و روحی و لوالجی شاعر هزّال قرن ششم منسوب بدانجاست.

[4]. این خاندان در تاریخ به آل برهان نیز مشهور است و ریاست حنفیه ماوراءالنهر در قرون ششم و هفتم عموماً مفوّض به عهده افراد و رجال این خاندان بوده و گویا به ملاحظه سنه مذکور و نیز به ملاحظه کثرت و فرط اشتهار و اعتبار، کسی که بخصوص مقصود فخرالدّین رازی در این سفر بوده امام برهان الدّین محمد معروف به صدر جهان بن احمد بن عبدالعزیز بن مازه است که علاوه بر منصب خطابت و ریاست حنفیه

بخارا به سرخس آمده و در سرای حکیم ثقهٔ الدّین عبدالرحمن بن عبدالکریم السّرخسی اقامت نموده و از او در حق خود میهمان نوازی را بکمال دیده بود اظهاراً للشّکر و قضاءً لبعض حقوقه بنـام حکـیم مذکور که او را در صناعت و فنون طب مردی واقف و به قدر وارزش کار خود عارف می‌دانسته مرتّب و تألیف نموده است چنان که گوید: -«فاردت ان اکتب هذا الکتاب باسمه لاغراض ثلثهٔ الاول ان کثیرا من هذه المباحث تلخصت بمحاورته و تهذیب بمناقبته و مناقشته الثانی لیکون قضـا لـبعض حقوقـه و الثالث لوثوقی بقوته فی هذا العلم و تحقیقه فانی وجدته واقفا علی فروع هذا العلم و اصوله لاسیما علی ابواب هذا الکتاب و فصوله فعرفت انه هو الذی یعرف قدر ما استخرجته من النکت العلمیهٔ و الغرایب الحکمیهٔ».[1]

نسخه مشتمل است بر شرح مطالب کتاب قانون از آغاز الی اواسط فصل دوم از جمله اول از تقسـیم ثالث از فن دوم از کتاب اوّل.

آغاز موجود: «و التعمق فی اعواره و الترقی الی انواره».

انجام موجود: «بل نسبهٔ... الی الاثنین و تسمی هذه النسبهٔ».

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن حدود قرن هشتم، مختلف السطور، ۱۷۲گ ۱۲×۱۶، جلد تیماج خرمائی ضربی، از ۱۱۵۴ داخل عرض شده، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

حکومت بخارا را نیز در دست داشته و در ارتفاع قدر و اتساع املاک مشارالیه؛ لبنان بوده و از قرار تقریر نسوی در سیرهٔ جلال الدین منکبرنی بالغ بر شش هزار تن فقیه در تحت کنف خویش داشته است و وی همانست که در سنه ۶۰۳ که به حج رفت(نوشته‌اند سیصد فقیه و متفقّه ملازم او بودند) به سبب سوء رفتار او و اطرافیان و غلامان او نسبت به حاج عده فوق العاده کثیری از ایشان از تشنگی و بی‌آبی تلف شدند و سال بعد که به بغداد ورود نمود هیچکس به مقدم او وقع نگذاشت و مردم او را صدر جهنّم لقب داده لعن او را بر مساجد و جوامع نوشتند(مراجعه شود به ذیل الروضتین لابی شامه، ص۵۹، ذیل وقایع سنه ۶۰۴ و مراهٔ الزمان سبط ابن الجوزی، ذیل وقایع سنه ۶۰۳ و ابن الاثیر ۱۲: ۲۵۷، ذیل وقایع همین سال که به اختصار نوشته) و این صدر جهان عاقبت به فرمان تَرکان خاتون مادر سلطان علاءالدین محمد خوارزمشاه با جمعی دیگر از ملوک اطراف و ارباب مراتب از جمله برادرش افتخار جهان و پسران او ملک الاسلام و عزیزالاسلام در سنه ۶۱۶ بقتل رسید.

[1]. ترجمه احوال حکیم ثقهٔ الدین سرخسی را قفطی در اخبار الحکما درج نموده و همین عبارات را در آنجا نقل کرده است(ص۲۲۷).

۲۵۱

شرح قانون

(توضیحات القانون)

(۱۳۹۹۹)

(عربی)

این شرح که مزجی و معروفست به توضیحات القانون تألیف سدیدالدّین طبیب کازرونی از علمای قرن هشتم و صاحب رساله تشریح و تکملهٔ الموجز و کتاب معروف المغنی فی شرح الموجز است که نسخه هر کدام از آنها(و از این اخیر چندین نسخه را) در موضع خود معرفی نموده‌ایم، و آن بنا بر مشهور در سنه ۷۴۵ تألیف شده است.

آغاز: «بسمله رب تمم بجودک العظیم و احسانک القدیم و ما توفیقی الا بالله العزیز الحکیم».

انجام: «ما ینقص من فقد الاسباب المسبلهٔ» (ناقص).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم یا اوائل قرن نهم، متن بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد میشن دورو، ۳۵س، ۸۹گ ۱۴/۵×۲۳/۵، دارای مهرهای مختلف از جمله مهر مدوری به تاریخ ۹۸۱ با سجع«بنده غریب بابا میر بن ملا میر طبیب»، واقف فاضل‌خان، تاریخ وقف ۱۰۶۵، (تاریخ تحویل به کتابخانه ۱۳۶۳ هجری شمسی).

۲۵۲

شرح قانون(توضیحات القانون)

(۱۳۹۹۴)

این نسخه جوز نسخه قبل و بخط همان کاتب است ولی معلوم نیست بچه علّت تجزیه و علی حده ثبت شده است.

آغاز: «قال الشیخ رحمه الله الجملهٔ الاولی من هذا التعلیم فی العظام و هی ای الجملهٔ ثلثون فصلا».

انجام: «لانی ارید ان اتمم توضیحات القانون من اوله الی اخره ان شاءالله تعالی و الحمدلله رب العالمین».

۵۰گ، جلد تیماج مشکی یک لا، (بقیه مشخصات عیناً برابر با نسخه قبلی است).

۲۵۳

شرح قانون

(۱۵۷۷۳)

(عربی)

شارح بمناسبت نقص نسخه و نامرتب بودن اوراق علی العجاله معلوم نشد.

آغاز موجود: «الی موضعهما الفائدهٔ السادسهٔ قد یراد بها تسکین الوجع و ذکر فی ذلک نظائر».

انجام موجود: «علی حرارهٔ اکثر مما یدل علیه الناری و ذلک لان».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، کاغذ نخودی، ۱۹س، ۲۴۷گ ۱۱×۱۵/۸، جلد مقـوا، خریداری آستان قدس در اردیبشهت ۱۳۶۷.

۲۵۴

شرح قانون

(التحفهٔ السعدیّه)

(۵۱۹۶)

(عربی)

این شرح که مزجی و از شروح ممتاز و فوق العاده معروف کلیّات قانون است تألیف قطب الدّین محمود بن ضیاء الدّین مسعود بن مصلح کازرونی[1] صاحب کتاب مشهور درّةالتاج لغرّة الدّباج معروف به انموذج العلوم از اجله حکما و اطبای قرن هفتم هجری و از جمله استادان قطب الدین رازی و نظام الدّین اعرج است که آن را از طرفی براساس شروح معتبر قانون از قبیل شروح ابن النفیس و یعقوب بـن اسـحق السامری و ابوالفرج یعقوب بن اسحق المسیحی مشهور به ابن القف و فخرالدّین رازی و کتب و رسالات دیگر نظیر تنقیح القانون هبة الله بن جمیع و از طرف دیگر براساس مطالعات و معلومات فـوق العـاده وسیع و عمیق و تجارب شخصی خود در سنه ۶۸۲ تألیف کرده و پس از آن ختم را به نام سعدالدّین محمد بن تاج الدّین علی الساوی[2] وزیر غازان خان موشّح به اسم او تسمیه نموده است.

آغاز: «بسمله ان اولی ما افتتح به خطاب و احری ما ابتدی به کتاب حمدالله المنعم بحیوة النفوس».

انجام: «و مادة باردة فتضر الماء البارد و ذلک ظاهر، تم».

---

[1] . متولد در سنه ۶۳۴ و متوفی در روز یکشنبه ۱۷ رمضان سنه ۷۱۰ و مدفون در مقبره چرنداب تبریز درجواز قاضی بیضاوی. داود بناکتی در تاریخ وفات او گفته است:

روز یکشنبه قریب عصر سال ذال و یا   یاوزا بگذشته در تبریز از ماه صیام

جان پاک قطب دین محمود شیرازی برفت   سوی فردوس برین با صدهزار احتشام

ترجمه احوال صاحب ترجمه در این مآخذ مسطور است: مقدمه همین شرح قانون که شارح تحصیلات و تنقلات خود را مفصلاً در آنجا ذکر نموده، و حوادث الجامعه ۴۲۴–۴۲۵، و طبقات الشافعیه سبکی(۶: ۲۴۸)، و بغیة الوعاة ۳۸۹–۳۹۰، و در رکامنه(۴: ۳۳۹– ۳۴۱) و جامع التواریخ در ایام سلطنت تکودار و ارغون و تاریخ بناکتی(نسخه عکسی کتابخانه آستان قدس).

[2] . مقتول در دهم شوال سنه ۷۱۱ ببغداد. وی از وزرای نیک سیرت دوره حکومت مغول در ایران بود و در تشیید ابنیه و تربیت و تشویق علما و ترویج علوم مساعی وافر مبذول می‌داشت چنان که از مال خاص خود هزار هزار دینار بجهت بنای جامعی در بغداد خرج کرد و چند تن از فضلا نظیر فخرالدین احمد جاربردی و قطب الدین صاحب ترجمه کتابهائی بنام او تألیف نمودند. ترجمه احوال در مآخذ آتی مسطور است: دستور الوزرا تألیف خواندمیر(۳۱۳–۳۱۵) و تاریخ وصاف(۴۷۱–۴۸۲) و در رکامنه(۴: ۱۰۱) و ذیل حافظ ابرو بر جامع التواریخ رشیدی(نسخه کتابخانه آستان قدس) و حبیب السیر و تاریخ گزیده(ایضا نسخه همان کتابخانه).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، عناوین در حاشیه به شنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج ضربی دورو سجاف چرم، ۲۵س، ۵۱۵گ ۲۰×۲۹، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۲۵۵

شرح قانون

(۵۱۰۲)

(عربی)

این شرح مزجی و مؤلف آن علی بن عبدالله بن احمد معروف به زین العرب[1] است(ظاهراً که آنرا در سنه سنه ۷۵۱ تألیف نموده و این نسخه مشتمل اس بر شرح کتاب اوّل قانون فقط یعنی تا ابتدای شرح ادویه مفرده.

آغاز: «بسمله قال الشیخ الرئیس الحمد لله رب العالمین و صلواته علی انبیائه و رسله اجمعین».

انجام: «و یتلوه ان شاالله تعالی شرح الکلیات الثانی الذی فی الادویهٔ المفردهٔ».

نسخ، کاتب محمد جعفر بن میر محمد التونی، تاریخ تحریر شنبه ۱۷ صفر ۱۰۱۷، کاغذ نخودی، فصول و عناوین و خطوط بالای متن بشنگرف، جلد تیماج مشکی ساده، ۲۱س، ۵۱۴گ ۱۸×۲۴، واقف میر سید علی خان طبیب، تاریخ وقف ۱۲۷۳.

۲۵۶

شرح قانونچه

---

[1] . یک نسخه از کتاب«تعالیم» محفوظ تحت رقم ۵۰۵۸ را که بخط پسر این شخص و مورخ سنه ۷۷۱ هجری است سابقا در موضع خود در این کتاب معرفی نموده‌ایم.

(۱۲۶۹۰)

(عربی)

شرحی است مزجی از حسین بن محمد بن علی استرابادی از علمای قرن نهم و از اصحاب سیّد اسمعیل مشتهر به حکیم الدّین الطّبیب الجیلی بر کتاب معروف قانونچه از تألیف چغمینی(متوفی در ۷۴۵) که آنرا بجهت امیر مرتضی از ملوک گیلان(متوفی در سنه ۸۳۷ بقول قاضی نورالله شوشتری در مجالس امیرالمؤمنین ۴۱۲) تألیف نموده.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی ابدع العناصر و الاجزاء و اوجد الامزجة و الاعضا و افضا النفس القدسیة الخ».

انجام: «علی الحلواء او یقال الحلواء یوخر و اقتصرنا ایضا فی شرح هذا المختصر».

نسخ، کاتب ابوطالب بن عبدالغالب دست غیب الحسینی، تاریخ تحریر شنبه ۱۲ جمیدی الاولی ۱۱۰۰، کاغذ نخودی، عبارات متن ممتاز بخط شنگرف بر روی آنها، جلد تیماج مستعمل یک لا، ۱۹س، ۸۶گ ۱۳×۱۹/۵، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۲۵۷

شرح قانونچه

(۸۱۹۹)

چند ورقی از آخر آن ساقط است.

انجام موجود: «و قیل حار رطب نافع».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دهم، جای مشجرات امراض بیاض، کاغذ حنائی، ثلث اخیر کتاب بخطی مغایر و کم نقطه، جلد تیماج خرمائی، ۱۹س، ۱۴۱گ ۱۸×۲۴، واقف حاج عماد، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۱۰.

۲۵۸

شرح قانونچه

(۶۲۴۳)

این نسخه نیز یکی دو ورق از آخر کسر دارد و تا قدری از شرح فصل دوازدهم از باب دهم را بیش دارا نیست.

انجام موجود: «من الحلاوی و دقیق الحنطۀ».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین و فصول در متن و حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۲۰س، ۸۶گ ۱۵×۲۴، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۲۵۹

شرح قانونچه

(۵۲۰۰)

(عربی)

نام شارح این شرح که بنا به تقاضای شخصی موسوم به تاج الدّین حسن طبیب مشتهر به حکیم تألیف شده علی العجاله بدست نیامد. این شرح نیز مزجی است[1] و پیش از شروع در مقصود شارح مقدمه‌ای در سه فصل باین شرح نوشته:

- فی بیان شرف هذا العلم و وجه الحاجهٔ الیه.

- فی ذکر وصایا الطبیب.

- فی ضبط معاقد الطب و ابوابه.

آغاز: «بسمله سبحانک اللهم مقدر الامزجهٔ و الاجزا و مدبر القوی و الاعضا.

انجام: «و ثلاثین حبهٔ هی بوزنه حباب الدرهم و هو الجواب و لیکن هذا آخر کلامنا فی هذا الکتاب».

نسخ، کاتب ابوالقاسم بن محمد حسین قزوینی، تاریخ تحریر پنجشنبه ۹ رمضان ۱۲۴۵، کاغذ شکری آهاری فرنگی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج خرمائی، ۲۵س، ۲۰۴گ ۲۱×۳۶، واقف میرزا رضاخان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۲۶۰

شرح کناش[2]

(۵۱۱۱)

(عربی)

اصل این کتاب بزبان سریانی و از تألیفات مهم جرجیس بن جبرائیل بن بختیشوع[1] جندیسابوری از عیسویان نسطوری ایران و رئیس بیمارستان گندیشابور[2] و طبیب خلیفه منصور عباسی(۱۳۶–۱۵۸)

---

[1] . عبارات متن مسبوق است به حرف م(= متن) و عبارات شرح به حرف ش(= شرح).

[2] . کناش لفظی سریانی و بمعنی مجموعه است.

است که بدست مترجم و طبیب و عالم مشهور ابوزید حنین بن اسحق العبادی(۱۹۴- ۲۶۰ یا ۲۶۴) بزبان عربی ترجمه شده و ابویزید صهاربخت[۳] بن ماسرجیس المتطبّب از اصحاب حنین آنرا بجهت فرزند خود عیسی[۴] تفسیر و شرح کرده و آن عبارت است از همین شرح ما نحن فیه(عبارات مؤلف را شارح تحت عنوان قال صاحب الکتاب و تفسیر خود را از آنها بعنوان قال ابویزید آورده).

اعتماد مؤلف در این کتاب اساساً بر کتب و رسالات جالینوس و پس از آن بر تعالیم و آراء طبّی بقراط است و شارح نیز در مواضع مختلف از شرح خود از کتبی مانند الاهویهٔ و المیاه و البلدان[۵] تألیف بقراط و طیماوس[۶] افلاطون و رساله آثار علویه[۷] ارسطو و در یک موضع نیز از اقوال فیلون اسکندرانی[۸] معروف به فیلون یهودی استفاده نموده(ورق ۲۴b که گوید: -«ما احسن ما قال فیلون الفیلسوف العبرانی ان اعرف نفسک[۹] فان من عرف نفسه عرف الاشیاء کلها»).

---

۱. ترجمه احوال افراد و رجال بختیشوع را که همگی بلااستثنا از اجلّه اطبای عصر خود بوده‌اند و اسامی مؤلفات هر یک از آنها را ابن ابی اصبیعه و قفطی و ابن الندیم بتفصیل در کتابهای خود بدست داده‌اند.

۲. برای اطلاع از موقع این شهر مراجعه شود به حاشیه شماره ۲ مسطور در ذیل عنوان مقالهٔ فی المرهٔ السودا و علاجها در همین کتاب.

۳. مرکّب از صهار معرب چهار و بخت بضم اوّل یعنی نجات داد یا نجات می‌دهد از کلمه پهلوی بوختن(نظیر سبخت[سوروس سبخت مطران دیر قنّسرین Qen- Neshre] یعنی سه[شاید سه اقنوم] نجات داد، و فربخت[مطران و مدرس مدرسه ادسا] یعنی فر نجات داد و بخت یشوع یعنی عیسی نجات داد)، و وجهی که صالحانی طابع مختصر الدّول در خصوص معنی و تلفظ این کلمه یعنی بخت گفته(ص ۲۲۶) نظیر معنی و وجهی که بجهت لفظ«ایلیّهٔ» و«یزک» در همان کتاب(ص ۴۱۰، ۴۷۲) بیان نموده غلط مسلّم قطعی است(نظیر وجهی که فرید رفاعی در عصرالمأمون ذکر نموده ۱: ۴۱۸) و اینجا محل تفصیل آنها نیست.

۴. ترجمه احوال او باختصار در الفهرست(ص ۳۵۶) و اخبار الحکما(۲۴۷-۲۴۸) و عیون الانباء(۱: ۲۰۳) مسطور است و او را کتابی بوده موسوم به قوی الادویهٔ المفردهٔ مرتب بر حروف معجم ابویعقوب یوسف بن عیسی الناقل ملقب به الناعس از شاگردان اوست.

۵. Peri aeron hydaton topon(De aere lacis aquis).

۶. Timaeus.

۷. Meteorologica.

۸. Philo Judaeus, Philo of Alexanderia این شخص که نامش در تضاعیف تواریخ حکما بخصوص در کتب دینی و فلسفی قوم یهود و آباء دین مسیح بسیار مکرّر بمیان می‌آید از مشاهیر حکمای معاصر حضرت عیسی و امپراطور کالیگولا(مقتول در سال ۴۱ م.) در اسکندریه و عمّ تیبریوس الکساندر حاکم مصر در عهد امپراطور و سپازین(متوفی در سنه ۷۱ میلادی) است.

۹. خودت را بشناس gnothic sauton، قائل این سخن را در متون یونانی عموماً طالس ملطی و سقراط(از قول کاهن معبد دلفی) دانسته‌اند.

این نسخه مجلّد اوّل و مشتمل بر شرح مطالب قول اوّل تا آخر قول سوم از اقاویـل پنجگانـه کتـاب است(مجلّد یا مجلّدات بعدی آن مع الاسف در این کتابخانه موجود نیست).

فهرست عناوین اقوال کتاب

القول الأول:

- فی سخن اجساد الناس و خلقهم و فصل ما بین الذکور و الاناث.

- فی ازمان السنۀ و الریاح.

- فی تدبیر الناس.

- فی الاخبار عما لیس من الغریزۀ.

- فی الامراض و اجناسها.

- فی تفسیر الثلثۀ الاجناس.

- فی انحلال الفرد.

- فی تفسیر السابغۀ و البادیۀ و الممسکۀ.

- فی ثبات الارکان و الطبایع و انحاء العلل.

- فی الاعراض.

- فی افساد المزاج.

- فی الجسد الصحیح.

- فی الجسم السقیم.

- فی الاجساد الذی لاصحیح و لاسقیم.

- کیف یستبین لنا وجع الوجع و مرض المرض و الم الالم.

- فی تقدمۀ العلم و هو معرفۀ ما یحدث فی المرض بالاستدلال بما رأی منه.

- فی القوانین و هی الفرایض الصناعیۀ التی منها تعرف الاوجاع التی تکون فی اوصال الحیوانیۀ.

- فی العریصتین اللتین ادخلهما الاطبا بعد جالینوس الناقد.

- فى اتقان الجسم و اصلاحه.

- فى اشتباه الجسم بالحمام.

- فى الاوصال السيدۀ الرئيسۀ.

- فى الاعضا التى بعضها يرسل القوۀ و يحذرها و بعضها يبلغ و يتعب من واحد الى واحد.

- فى العينين.

- فى الدماغ.

- فى السبعۀ الارواح العصب التى تخرج من الدماغ.

- فى عظم الظهر و العصب الذى يخرج منه.

- فى الحس و الحركۀ.

- فى انحا علاج الطب.

- فى فساد المزاج.

- فى الحمى.

- فى اجناس الحميات الثلثۀ.

القول الثانى:

- فى الحميات.

- فى الحمى التى تسمى افنماروس و هى حمى يوم.[١]

- فى النحو الذى يعرض من افنماروس من الاطعمۀ الحارۀ.

---

١. quotidian.

- فی انحا علاج طبها.

- فی افنماروس الذی یعرض من العلل الخارجة و فی علاج طبها.

- فی افنماروس الذی یعرض من تعب النفس و الجسد.

- فی افنماروس التی تکون من وجع یعرض فی بعض الاعضا.

- فی ضربان العروق.

- فی اوصاح اختلاج العروق و قیاسه.

- فی تغییر نبض العروق.

- فی الاختلاج الذی یکون فی الحمی.

- فی نبض العروق بسبب الاورام.

- فی الحرکة الکبیر للجوهر.

- فی العروق و الجداول التی یقال لها الاوراد.

- فی النفس.

- فی انحا السمة.

- فی الحمی الذی یعرض من العفن.

- فی الحمی التی تکون من عفن الاخلاط الاربعة و احتراقها.

- فی حمی سوناخوس و علاج طبها.

- فی الحمیات التی تأخذ احیانا و تترک احیانا.

- فی طریطیوس و علاجها.

- فی علاج طبها.

- فی الحمی التی تسمی تیمیطرطیوس.

- فی امصمربابوس(کذا) و علاج طبها.

- فی ططراطیوس و علاج طبها.

- فی فنطایوس و علاجها.

- فی اینالوس و علاج طبها.

- فی اوطیفوس الرقیقة و علاجها.

- فی ثلثة انحا هذه التی تأخذ فی الاعضاء الاصلیة.

- فی علاج طبها.

القول الثالث:

- فی الامراض الحدیدة الحریفة.

- فی الامراض الحادة.

- فی الانفصال و هو البحران علی ما ذا یدل اسمه.

- فی استباق العلم.

- فی علاج الامراض الحریفیة.

- فی الوجع الحریف الذی یقال له السرسام.

- فی الرکیا و هو الکزاز.

- فی الکزاز الذی یعرض من الرطوبة.

- فی الفالج.

- فی ابرانوس(کذا) و هو اللقوة.

- فی ذهاب الذکر و اختلاف العقل.

- فی الخروج من العقل و هو الجنون.

- فی مالیخولیا و هی الرهبة.

- فی الوسواس و علاجه.

- فی العشق.

- فی الصرع.

- صفة ما اللحوم(کذا) مع ما التفاح.

- صفة اقراص ینفع اصحاب الدق.

صفة حقنة نافعة یکون من قروح الامعاء.

- فی علاج اصحاب السل.

- صفة اقرصة ینفع باذن الله من نفث الدم.

- صفة العوق ینفع من السل.

- صفة طبیخ اللبن.

- صفة العوق یوخذ من اللبن الحلیب.

- صفة حب یمسک تحت اللسان و ینفع من السل.

- صفة طبیخ الزوفا.

– صفهٔ لعوق ینفع الاصحاب السل.

– فی صفهٔ السل الکابن من غیر حمی.

– صفهٔ لعوق الاصحاب السل الکاین بغیر حمی.

– الکرنب.

– صفهٔ انواع الثانی من انواع الدق و هو الذی یکون من غیر حمی.

– حقنهٔ یسمی باذن الله و یسخن البدن.

– تقاسیم هذه الحمی.

– فی صفهٔ اسباب العفن.

– فی صفهٔ حمی سونوخوس و تفسیرها الدائمهٔ و هی حمی الدم.

– فی عفونهٔ الدم.

– فی صفهٔ الاشیاء التی ینتشرها الحرارهٔ فی ابداننا.

– فی صفهٔ حمی البلغم و هی امقماروس و تفسیرها الذی یأخذ فی کل یوم.

– فی صفهٔ اطریطاوس و هی حمی الغب[1] و تفسیرها المثلثهٔ.

– صفهٔ طاطرطاوس و هی حمی الربع[2] الحادثهٔ عن المرهٔ السودا.

– تفسیر کیفیهٔ قبول العفن و الفساد فی الاسطقسات.

– فی صفهٔ ترکیب حمیات العفن.[3]

---

[1]. بکسر غبن و تشدید باء تبی را گویند که یکروز در ماین بیاید و در زبان انگلیسی آنرا tertian می‌نامند.

[2]. ربع بکسر اول و سکون ثانی و ثالث تبی را گویند که هر دو روز یک روز بیاید و آنرا در زبان انگلیسی quartian گویند.

[3]. در اینجا معرفت حمیات تمام می‌شود و موضوع بعد در باب تجربه حمیات است.

(اجناس الحميات ينقسم ثلاثة اقسام):

- صفة تركيب حمى الغب الدائمة مع حمى البلغم الدائمة.

- صفة تركيب حمى الغب الدائمة مع حمى الربع الدائمة.

- صفة تركيب حمى الغب الدائرة مع حمى البلغم الدائرة.

- صفة تركيب حمى الغب الدائمة مع حمى البلغم الدائرة.

- صفة تركيب حمى الغب الدائمة مع حمى الربع الدائرة.

- صفة تركيب حمى الغب الدائرة مع حمى الربع الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائرة مع حمى البلغم الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائرة مع حمى الربع الدائرة.

- تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائم، و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائرة.

- تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائرة.

- تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائرة.

- تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائمة.

- تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائرة.

- تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائمة.

– تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائرة.

– تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائرة.

– تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائمة.

– تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائمة.

– تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائرة.

– تركيب حمى الغب الدائمة و حمى البلغم الدائمة و حمى الربع الدائرة.

– تركيب حمى الغب الدائرة و حمى البلغم الدائرة و حمى الربع الدائمة.[۱]

– فى صفة علاج الحميات العفن.

– فى علاج سونوخوس و هى حمى الدم و هى المطبقة.[۲]

– صفة اقراص الطباشير.

– صفة اقراص مطفية ينفع من بقايا سونوخوس.

– فى علاج امفنمارينوس و هى الاخذة فى كل يوم.

– صفة حب ينفع من حمى البلغم و ينقى الرأس و المعدة.

– صفة طبيخ ينفع من الحمى الطويلة و من البرد.

– صفة طبيخ آخر ينفع من الحمى المزمنة و البرد الصعب.

– صفة اقراص ينفع من الحمى المزمنة الكاينة من البلغم و البرد و من التهيج.

– صفة اقراص مركبة من عشرة ادوية ينفع الحمى المزمنة الطويلة.

---

[۱] . پس از آن آورده است: «هذه اقسام الثلثة الاجناس التى ذكرناها و هذه فى الجملة مائتان و ستين قسماً».

[۲] . inflammatory fever یا remittent و آن بر دو نوع است و در اینجا ظاهراً مقصودش آن بتی است که از عفونت خون پیدا می‌شود.

- فی علاج اطریطاوس و هی حمی الغب.

- صفهٔ الغش.

- صفهٔ الجوارش.

- فی صفهٔ الیرقان.

- صفهٔ علاج الیرقان الحادثهٔ من غیر حمی.

- صفهٔ اقراص ینفع من الیرقان و الحمی و وجع الکبد.

- صفهٔ طبیخ ینفع من الیرقان الذی یکون من غیر الحمی.

- صفهٔ ما الحبن بالسکنجبین.

- صفهٔ ما الحبن بالقرطم.

- فی علاج طریطاوس الغیر الخالصهٔ و هی حمی الغب غیر محضهٔ.

- صفهٔ حب یسقی فی حمی الغب غیر الخالصهٔ.

- فی علاج طراطاوس و هی حمی الربع.

- صفهٔ اقراص ینفع الکبد و یسقی فی حمی الربع الکاینهٔ من احتراق... .

- صفهٔ الحقنهٔ التی یحقن به اصحاب هذه العلهٔ.

- صفهٔ طبیخ ینفع الحمی الربع الحادثهٔ من احتراق من البلغم.

- صفهٔ دوا ینفع من حمی الربع بعد النضوج.

- صفهٔ حب یسقی فی حمی الربع الحادثهٔ من احتراق البلغم من بعد النضوج.

- صفهٔ معجون ینفع من حمی الربع و حمی البلغم اذا طالتا.

- صفهٔ امراض هدر و خررون و هی التی تقع فی هذا الدوا.

- و هذه الاقرصهٔ ایضا نافعهٔ جدا.

- فی علاج الحمی المسمی اسالوس(کذا) و الحمی المسمی لیقوریا.

- فی علاج لیقوریا.

- فی علاج المیطریطاوس.

- فی علاج الحمیات التی تکون مع المواضع الالمهٔ.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی لم یزل بد یا بغیر بد و لایزال بغیر غایهٔ تعزز بالعظمهٔ و توحد بالعزهٔ و لا اله الله اقرارا بالربوبیهٔ و خلافا علی الجاحدین قال صهاربخت... . سالتنی یا بنی عیسی زینک الله بالحکمهٔ و صانک من الشبه عند نظرک فی الکتاب الذی الفه جورجیس الجندیسابوری فی صناعهٔ الطب و... حسن تألیفه و تونق الفاظه و ما بث فیه من المعانی اللطیفهٔ و الاسرار الغامضهٔ ان اشرح لک غوامض تدبیراته».

انجام: «او المرهٔ الصفرا الفاعلهٔ لها، فهنا ما اختمنا به کتابنا».

نسخ، نام کاتب و تاریخ تحریر را بکلی تراشیده‌اند، تاریخ کتابت حدود اوائل قرن هفتم، عناوین به شنجرف، کاغذ حنائی بغدادی، ۲۳س، ۹۴گ ۱۶×۲۰، اندازه مطر ۱۳×۱۶، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی لبه‌دار با ترنج و گوشه و حاشیه قلمدانی، نسخه مقابله شده و مختوم است به مهر سلطان سلیمان صفوی، در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۱۵(سجع مهر: الواثق بالله المعبود عبده محمود)، ۱۱۲۷(سجع مهر: رجب علی نبرد التجا بغیر علی)، ۱۱۵۶، ۱۱۹۶، ۱۲۵۰ و غیره داخل عرض شده، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۲۶۱

شرح مختصر قانون

(۱۴۰۰۰)

(عربی)

متن از ابن سیناست و اختصار از شرف الدّین محمد ایلاقی مؤلف کتاب الاسباب و العلامات و شاگرد ابن سینا بقول ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء و شرح آن به قال و اقول از شمس الدّین محمد آملی از علمای قرن هشتم و مؤلف کتاب معروف نفائس الفنون و عرائس العیون(با ملاحظه این مطلب که وفات ابن سینا در ۴۲۸ و قتل ایلاقی در سنه ۵۳۶ بوده ایلاقی را باید از شاگردان مع الواسطه شیخ دانست).

آغاز: «بسمله الحمد لله الذی خصص نوع الانسان باعدل الامزجة و افضل البنیـان و شـرفهم بعلمـی الابدان و الادیان».

انجام: «و ان یشفینا بشفائه و یداوینا بداوئه(کذا، صحیح: بدوائه) و یعافینا من کل بلائه».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر جمعه ۱۵ شوال سنه ۸۴۹، محل کتابت مدرسه سلطان الغ بیک گورکان در سمرقند، کاغذ حنائی سمرقندی، اوراق معلق به حواشی، اندازه مسطر ۱۰/۵×۱۷/۵، متن در بالای صفحات به سیاهی، مذیّل و مصدّر به چهار صفحه رباعیات از شیخ عمر مروزی و بابا افضل و صدر الاشنهی[1] و نجم الدّین دایه وشیخ مجدالدین بغدادی و خاقانی و نزاری و انواری و خواجه نصیر و غیره، جلد تیماج ضربی، ۲۸س، ۱۳۱گ ۱۷×۲۵، وقفی فاضل خان در سنه ۱۰۶۵.

---

[1]. رباعی مروزی و اشنهی را ذیلاً می‌آوریم و از باقی رباعیات که معروف است صرف‌نظر می‌نمائیم:

شیخ عمر مروزی:

ایدل غم او بقیل و قالت ندهند   جز بر در نیستی وصالت ندهند

وانگاه در آن هوا که مرغان وی‌اند   تا با پر و بالی پر و بالت ندهند

[این رباعی بدون تسمیه قائل در مرصاد العباد نجم الدّین دایه نیز مسطور است، در آخر فصل بیستم از باب سوم].

۲۶۲

شرح موجز قانون

(۱۳۳۰۴)

(عربی)

شرح مزجی مشهوری است از برهان الدّین نفیس بن عوض بن حکیم المتطبب الکرمانی(متوفی در سنه ۸۴۱ یا ۸۴۲) از مشاهیر اطبای دربار میرزا الغ بیک بن شاهرخ بن امیر تیمور گورکان و مؤلف کتاب شرح الاسباب و العلامات[1] بر کتاب معروف الموجز از تألیفات اما علّامه علاء الدّین ابوالحسن علی بن

صدرالاشنهی:

مائیم[و] خرا[با]ت و می شوریده وز کفر و ز اسلام طمع ببریده

[جا]ن و دل و دیده هر سه دربازیده در عشق بتی شنیده نادیده

محرر اوراق گوید این شیخ صدرالدّین اشنهی همانست که شمه‌ای از احوال او را وصّاف در تاریخ خود آورده(۱۵۸-۱۵۹) و او را بفضیلت و علم ستوده و گفته است اتابک ابوبکر بن سعد بن زنگی بواسطه ضدّیتی که با ارباب علم و اعتقادی که باهل زهد و تقشّف داشت او را و یک عده دیگر از علما را از شیراز اخراج نمود و او فرزند شیخ تاج الدّین محمود بن خداداد الاشنهی مذکور در شدّالازار(ص ۳۵۲، حاشیه۴) و مجمل فصیح خوافی است، ذیل حوادث سنه ۶۴۶ ضمن ترجمه سیف الدین باخرزی(در هر دو مأخذ بصورت محرف تاج الدین محمود بن حداد الاشنهی) که رساله معروف غایة الامکان فی درایة المکان بزبان فارسی از تصانیف اوست و از آن نسخ متعدّدی در کتابخانه‌های عالم از جمله دو نسخه در کتابخانه رضویه مشهد محفوظ است یکی منضم به تصنیف دیگری از خود او موسوم به ترجمه اجوبه سؤالات بخط نسخ کهن و باحتمال فوق العاده قوی اقدم نسخ موجود یعنی مورّخ محرم سنه سبعمائة(۷۰۰) و دیگری متأخر ولی بخط نستعلیق خوب متعلّق به اواخر قرن دهم، و از قرار مطالب منقول بیک واسطه از خط مولانا حافظ علی الجامی در ورق اوّل آن که بعربی مغلوطی است و فعلاً در آخر یکی دیگر از نسخ کتابخانه مذکور قرار دارد این تاج الدّین محمود اشنهی که مرحوم قزوینی در حواشی شدّالازار ابداً اظهار اطّلاعی در خصوص او نمی‌کند از تلامذه شیخ شمس الدین محمد بن بن عبدالملک الدّیلمی بوده و اکثر مباحث و مطالب رساله غایة الامکان منقول از معارف این شیخ و فی الحقیقة تلخیص و مختصر اقوال مشبع و مبسوط او در تصانیف متعدّد اوست(این تصانیف را می‌گوید من دیده‌ام) و قبر او ایضا از قرار تقریر همو واقع بوده است در داخل بلده هرات محاذی قبر شیخ او سلطان مجد الدّین الاسفزاری مشهور به طالبه ولی بکلّی نزدیک به دروازه شرقی موسوم به درب خوش که یکی از پنج دروازه هرات بوده است بنابر قول محمد زمچی اسفزاری، در روضات الجنات فی اوصاف مدینة هرات(روض دوم، اوائل چمن اوّل)، مراجعه شود ایضا به نفحات الانس، ذیل ترجمه احوال سلطان مجد الدّین طالبه.

[1] . مراجعه شود به همان عنوان مذکور در این کتاب تحت رقم ۵۱۹۳.

أبی الحزم القرشی معروف به ابن النفیس[۱](متوفی در ذیقعده سنه ۶۸۷) که آنرا در غره ذی الحجه سال ۸۴۱ یعنی بعد از شرح اسباب و علامات مذکور در سمرقند تألیف نموده است.

آغاز: «بسمله توجهنا الی جنابک الاقدس یا من الیه یرجع الامور».

انجام: «اقتصروا علیها وحدها فماتوا فی آخر الامر».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۲۱س، ۴۵۴گ ۱۴/۵×۲۷/۳، جلد تیماج ضربی، واقف اسمعیل مصنع رضوی، تاریخ وقف آبان ۱۳۶۲.

۲۶۳

شرح موجز قانون

(۸۶۷۶)

نسخه کامل است.

نسخ بشیوه هندی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد، دارای یک سرلوح منقش ناقص، کمند به لاجورد، جلد تیماج مشکی مستعمل، ۲۵س، ۳۳۸گ ۱۹×۲۹، وقفی سید علی اصغر اصغرزاده در اردیبهشت ۱۳۲۸.

۲۶۴

شرح موجز قانون

(۵۲۰۱)

این نسخه خطبه و دیباچه را فاقد است.

---

[۱] . ایضا مراجعه شود به حرف شین در این کتاب(شرح قانون، رقم ۵۱۰۱) که در آنجا تقریباً همه مآخذ راجع به او را بدست داده‌ایم و قرشی بفتح قاف و سکون راء نام شهری است در ولایت سغد که در قرون قدیم‌تر مرسوم بوده است به نخشب(= نسف).

آغاز: «قال الشیخ الامام الحبر الکامل علاءالدّین علی».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن دهم، عناوین بشنگرف، اندازه مسطر ۱۵/۳×۸/۵، کاغذ نخودی، مذیل به دو ورق مطلب منقول از برء السّاعة و یک ورق منقول از غرر و درر و یک ورق از قرب الاسناد و دو ورق منقول از مکارم الاخلاق و سه ورق اشعار مختلف بزبان فارسی و عربی، جلد تیماج مشکی ضربی، ۲۵س، ۳۵۴گ ۱۷×۲۵، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۲۶۵

شرح موجز قانون

(۸۶۷۵)

یکی دو ورق از ابتدا و چندین ورق از انتهای این نسخه ساقط است.

آغاز موجود: «تقسیم الطب علیهما تقسیم الکل الی الاجزاء».

انجام موجود: «الصنف الثالث متوسطة السم فمنه ما یقتل من سبعة ایام و منه».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن نهم، چهار ورق اخیر نونویس، عناوین در حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی، صفحات معلق به برخی حواشی، جلد تیماج مشکی ساده، ۲۷س، ۲۸۳گ ۱۷×۲۳، واقف سیدعلی اصغر اصغرزاده موسوی، تاریخ وقف اردیبشهت ۱۳۳۸.

۲۶۶

شرح موجز قانون

(۱۴۵۱۳)

این نسخه ناقص الآخر(تا اواخر مبحث فصد و حجامت را بیشتر ندارد) و مصدّر است به شرح حسین بن محمد استرابادی بر قانونچه چغمینی ایضا ناقص الاخر(۱۲ ورق بیشتر نیست) که از آن چند نسخه در موقع خود در این کتاب معرفی شده است.

انجام موجود: «علی التصرف فی الغذا و جعله جزء العضو».

نستعلیق(شرح قانونچه: نسخ)، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین در حاشیه بشنگرف، اوراق معلق به حواشی، جلد مقوا، عطف و گوشه چـرم، ۲۴س، ۱۳۳گ(۱۲۱+۱۲)، ۱۳/۵×۲۲/۵، واقف سید محمدباقر مولوی عربشاهی، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۲۶۷

شرح موجز قانون

(۱۵۹۸۸)

این نسخه مشتمل است بر شرح فن اول و ثانی از فنون اربعه کتاب.

انجام: «و رازیانج مکد ثلثۀ دراهم».

کتابت متن به خط نسخ و شرح بخط نستعلیق، کاتب حسین بن علی محمد رشتی، تاریخ تحریر ۱۲۲۶، محل کتابت دارالسطنه طهران، کاغذ شکری، جلد تیماج یک لا، ۲۰س، ۱۴۶گ ۱۵/۹×۲۴/۲، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۲۶۸

شرح موجز قانون

(۱۱۱۸۸)

نسخه دیگری از همان شرح است و این که در وریقه ملصق به نسخه(اتیکت، شناسنامه) آنرا کلیـات شرح اسباب نوشته‌اند سهو است.

نستعلیق، کاتب حسن بن ابوذر الطبیب المازندرانی، تاریخ تحریر ۱۲۳۸، کاغذ الوان آبی و فستقی، جلد تیماج مشکی مستعمل، ۲۳س، ۱۷۹گ ۱۱×۲۱، واقف شیخ محمد صالح علامه حـائری مازنـدرانی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۵۱.

۲۶۹

شرح موجز قانون

(۱۵۶۸۹)

این نسخه ناقص الاخر است.

انجام موجود: «هی الملابسهٔ الحقیقیهٔ و ذلک اما».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی موریانه خورده، ۲۳س، ۱۴۹گ ۱۵×۲۴/۳، بدون جلد، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۲۷۰

شرح موجز قانون

(۵۱۰۶)

(عربی)

این شرح به قول و تألیف ابوعبدالله بن ابی نصر بن عبدالله مشتهر به فضل الله است که آن را چنان که خود در دیباچه کتاب مسطور داشته بنام امیرزاده محمّد سلطان در شهر سمرقند تألیف نموده است.[1]

آغاز: «بسمله الحمدلله مشرف الاشعة من الاجسام العلویة ذوات الاضـواء و الانـوار الـی جـرم کـرة الارض».

انجام: «و الفرق بینه و بین عیر الکلب و معالجاته ظاهر و لنختم الکتاب ههنا».

نسخ، کاتب محمود بن شیخ محمد المالیغی[2]، تاریخ تحریر یکشنبه هشتم ربیع الآخر سنه ۸۱۳، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۳۱س، اندازه مسطر ۱۱×۲۱/۳، ۱۷۲گ ۱۷×۲۶/۵، وقفی ابن خـاتون، (سجع مهر او از این قرار است: یا اسدالله غلام توام این شرفم بس که بنام توام)، تاریخ وقف ۱۰۶۷ هجری قمری[3].

۲۷۱

شرح موجز قانون[4]

---

[1]. این شخص را علی العجاله بدون هیچ تتبع و تحقیقی فقط بواسطه اشتراک اسمی احتمال می‌دهم همان محمد سلطان یا باحتمال ضعیف‌تر برادر او امیرزاده پیرمحمد نوه پسری امیرتیمور معروف باشد که تشریح منصوری را منصور بن محمد بن یوسف بن الیاس شیرازی بنام این اخیر تألیف نموده و اگر این مطلب صحیح باشد معلوم می‌وشد که مؤلف از علمای قرن هشتم بوده است، والله العالم.

[2]. المالیغ شهری بوده است در ایالت چان‌پلو در چین غربی.

[3]. در ظهر ورق اول چهار رباعی مسطور است که دو رباعی را ذیلاً درج می‌نمائیم:

«برای محمد جونوی(کذا یعنی شمس الدین محمد جوینی) وزیر هلاکوخان گفته‌اند:

عالم همه پرگار و کف خواجه نقط   پرگار بگیرد نقطه می‌آرد خط

محتاج تو شد که و مه و دون و وسط دولت ندهد خدای هرگز بغلط

(صحیح: کس را بغلط).

جواب خواجه بر سبیل انعام فی البدیهه:

سیصد بره سفید چون سینه بط   کو را نبود هیچ سیاهی و نقط

از گله خاص ما نه از جای غلط   چوپان بدهد زود بدارنده خط

[4]. شارح این شرح و شرح بلافاصله مذکور بعد علی العجاله معلوم نشد.

(۲۲۸۶۲)

(عربی)

این نسخه شروعش از فن سوم است و ختمش به اواسط فن چهارم.

آغاز: «قال الامام الفاضل الفیلسوف... الفن الثالث فی الامراض المختصهٔ».

انجام موجود: «کان انفع الاشیا من ذلک و من المرکبات دواء».

نستعلیق، کاتب علی بن حسین الطبیب العاملی، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج، ۱۹س، ۲۴۷گ ۹/۵×۲۰، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۲۷۲

شرح موجز قانون

(۲۲۸۷۱)

(عربی)

نسخه ناقص است.

آغاز موجود: «المسابقهٔ بالخیل و رکوب السفن محرک الاخلاط(پس از هشت سطر) تدبیر النوم و الیقظه افضل النوم هو الغرق المتصل المعتدل الخ».

انجام موجود: «البهق و البرص... کنسبهٔ البرص الابیض الی البهق الابیض فان».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد مقوا، ۲۰س، ۹۳گ ۱۲×۲۰/۵، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۲۷۳

شفاء الاسقام

(۵۱۱۳)

(فارسی)

مختصری است مشتمل بر تعریف و بیان اهمیت علم طب و ذکر اقسام آن از علم تفسره و براز و صیدنه و تألیف و طبخ اغذیه و ادویه و معاجین و سفوفات و لعوقات و علم جراحی و بیطاری و مجبـری و معرفت انواع سمومات حیوانی و نباتی و معدنی و بیان تأثیرات قمر و بعضی ادعیه بجهت مداوای برخی امراض مشحون به حکایاتی در خصوص ابوریحان و سلطان محمود و ابومعشر و ابن سینا و جرجانی و شمس الدین و حجاج بن یوسف و جالینوس و بقراط و مطالب فرعی فراوان دیگر از نظم و نثر تألیف عبدالرزاق بن عبدالکریم بن عبدالرزاق طبیب کرمانی و موشح بنام نظام الدّین امیرعلی شیرنوائی دوست و ندیم فاضل و دانش پرور ابوالغازی سلطان حسین بایقرا از ممدوحین معروف جامی[1].

آغاز: «بسمله نسأل الشفاء عن اسقام الجهالات من کرمک یا حکیم سپاس بی‌قیاس حکیمی را که دواء داء اعراض نفسانی و اغراض شیطانی».

انجام:

پای ملخی نزد سلیمان بردن   عیب است و لیکن هنر است از موری

[1] . جام را مؤلف الاعلام از بلاد ماوراءالنهر شمرده است(ذیل عبدالرحمن بن احمد بن محمد بن الجامی)، ولی این مطلب نظیر بعضی دیگر از اقوال او مثل بر پا نمودن«مجسمه» حضرت علی علیه السلام در سنه ۱۳۴۳ هجری در همدان(ذیل علی بن ابی طالب) مؤسس بر هیچ اساسی نیست و غلط صریح قبیح و کذب محض است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم هجری، کاغذ نخودی آهاری، حواشی بلفظ«منه»[1]، جای عناوین بیاض، ۱۷س، ۴۰گ ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا بـا رویـه پارچـه، وقفـی شـیخ بهـائی در سـنه ۱۰۳۰(چند ورقی از آن ساقط است).

۲۷۴

صادقیه

(۲۲۰۳۰)

(عربی)

شرح مختصری است مزجی بر رساله معروف به قبریه از رسالات منسوب به بقراط که شارح آنرا به جهت«سلالهٔ الاولیاء الکبار و نتیجهٔ الاصفیاء... شیخ الاسلام و المسلمین محمد صادق» تألیف و بنام او تسمیه نموده است.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الموت و الحیوهٔ(بعد از چهار سطر) و بعد هذه رسالهٔ شریفهٔ غریبهٔ لما کانت قلیلهٔ الحجم و المبانی کثیر الفواید و المعانی فی الطب».

انجام: «والله تعالی عالم علی کل اشیاء(کذا) و قد وفق علی تألیف هذا الشرح بعون الملک الوهاب الفقیر الی الله المجیب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، ۱۵س، ۱۶گ ۱۲×۲۰، کاغذ هندی حنائی، موریانه خورده، جلد گالینگور عطف و گوشه چرم، اهدائی مقام معظم رهبری در سنه ۱۳۷۴.

---

[1] . از جمله این حواشی یکی حاشیه‌ای است در خصوص وجه تسمیه سمع الکیان که می‌گوید: «کیان لفظی است یونانی و معنی آن طبیعت است یا نام کتابیست و وجه تسمیه آنست که اول چیزی که از آن کتاب مسموع می‌شود این است یا اول چیزی از طبایع که شنوده میشود اینست و بعضی می‌گویند که تلامذه ارسطاطالیس هر محبثی را که از وی میشنودند معنون بسماع کذا می‌داشتند چنانچه فصل فی کذا می‌گویند.

۲۷۵

صحت العاجل

(۶۸۷۲)

(فارسی)

ترجمه بارد و مغلوطی است از برء الساعه رازی که آنرا«محمد باقر طبیب الحسین حسب الامر بندگان رفیع مکان عالیحضرت خورشید منزلت عالیجاه حکومت و عدالت‌پناه و عدالت(کذا بتکرار) دستگاه مهر سپهر مرد حی(کذا) مشتری اوج عدالت(کذا ایضا بتکرار) و مرحمت گستری آفتاب عزدولت آسمان قدرجاه المؤید من عندالله الملک العزیز میرزا شجاع الدّین حاکم دارالعباد یزد بحکم المأمور معذور» انجام داده است».

آغاز: «بسمله، پوشیده نماند که این رساله برء الساعهٔ از تصانیف حکیم محقق و طبیب حاذق الخ».

انجام: «و یا پر مرغ در عضو طلا کنند در ساعت تسکین شود».

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رمضان ۱۲۴۴، کاغذ شکری، مسطور در هامش صفحه ۲۹۳ تا ۲۹۵ بطرز چلیپا، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف درهٔ السلطنه ملک‌زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۲۷۶

ضوابط الطّب

(۵۱۳۱)

(عربی)

نام کتاب چنان که نسخه صراحت دارد ضوابط الطّب است و مؤلف آن نیز علی العجاله معلوم نشد که کیست ولی در ورقه ملصق به نسخه(اتیکت، شناسنامه) و دفاتر ثبت کتب و فهرست الفبائی کتابخانه آن را تعمداً و از تلقای نفس به قوانین الطّب بدل کرده‌اند تا کتاب را مطابق با قول حاجی خلیفه از تألیفات خواجه نصیر طوسی بقلم بدهند و هر دو این فقره سهو واضح است.

عناوین فصول شش‌گانه کتاب بشرح مذکور در ذیل است:

- فی الارکان و الاخلاط.
- فی الحالات.
- فی الاسباب.
- فی الاعراض.
- فی حفظ الصّحهٔ.
- فی ردها.

آغاز: «بسمله اما بعد حمدالله علی آلائه المتواترهٔ و الصلوهٔ علی محمد و اصحابه الزاهرهٔ فهذا ضوابط الطب و هو علم مستنبط من احوال البدن من جههٔ حصول الصحهٔ الخ».

انجام: «و قول نبیه علیه السلام المعدهٔ بیت کل داء و الحمیهٔ راس کل دواء و اعط کل بدن ما اعتاد».

نسخ تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر چهارشنبه ۲۴ ذی القعده سنه ۹۰۰، محل تحریر کازرون، کاغذ نخودی، ۱۳-۱۴س، ۵گ ۱۳×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۲۷۷

طبّ الاکبر

(۷۸۰۵)

(فارسی)

ترجمه کتاب شرح اسباب و علامات تألیف نفیس بن عوض کرمانی است در ۲۹ باب هر باب مشتمل بر چندین قسم و فصل، و خاتمه‌ای در دو باب(۱. در مرکّبات، در مصطلحات و فرق بین الامراض) با اسقاط زواید و مکررات و درج اضافات و زیاداتی از کتابهائی نظیر قانون و حاوی و شرح آقسرائی و سدیدی و موجز و ذخیره خوارزمشاهی و کفایه مجاهدیه که آنرا میر محمد اکبر ارزانی بن میر حاجی مقیم معروف به شاه ارزانی در سنه ۱۱۱۲(مطابق با اعداد حروف شرح اسباب و علامات بعد از واضع اعداد حروف علّه) مقارن با فتح بهجت آباد دکن بدست ابوالمظفر محیی الدّین محمد عالم‌گیر تألیف و بدو تقدیم نموده و از قرار چاپهای مکرّر و متعدّدی که تاکنون از آن بعمل آمده(کلکته ۱۸۳۰، دهلی ۱۲۶۵، بمبئی ۱۲۶۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۹، تهران، ۱۲۷۵، و لکنهو ۱۲۸۹)[۱] معلوم می‌شود که از شهرت و معروفیت فوق‌العاده‌ای برخوردار بوده است.

تألیفات دیگر شاه ارزانی عبارتست از ترجمه طب النّبی تألیف جلال الدّین سیوطی و مفرح القلوب[۲] و تعاریف الامراض و مجربات اکبری و میزان الطّب و قرابادین قادری(چند نسخه از این سه کتاب اخیر در موزه بریتانیا محفوظ است).

آغاز: «بسمله صحیح‌ترین کلامی که مشام ناطقه دانش آئین».

انجام: «بفاتحه خیر یاد دارند».

---

[۱]. فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا(۲: ۴۷۹).

[۲]. یک نسخه از این کتاب را در موقع خود در این کتاب معرفی خواهیم نمود.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، دارای یک سرلوح مزدوج و کتیبه، دو صفحه اوّل بین السطور طلااندازی محرر، جداول اوراق بطلا و تحریر و لاجـورد، انـدازه جدول ۱۱×۲۲، کمند به لاجورد، کاغذ نخودی روشـن، جلـد تیمـاج سـاده، ۲۲ و ۲۳س، ۴۶۲گ ۱۷×۲۹، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۲۷۸

الطّب الکلی

(۱۷۶۱۶)

(عربی)

این کتاب اصلاً مشتمل بر دو مقاله و همان است که در عیون الانباء جزو تألیفات ابوسهل عیسی بـن یحیی المسیحی الجرجانی مؤلف کتاب المائة مذکور است(یک نسخه از این کتاب اخیر را در موقع خود با نبذی از احوال مؤلف در صفحات آتیه معرفی خواهیم نمود، ان‌شاءالله العزیز).

این نسخه شامل مقاله دوم است و نسخه مقاله اوّل مع الاسف در این کتابخانه موجود نیست.

فهرست عناوین کتاب

ا) فی علاج امراض الرأس.

ب) فی علاج امراض الدماغ.

ج) فی علاج امراض العین.

د) فی علاج امراض الاذن.

هـ) فی علاج امراض الانف.

و) فی علاج امراض الفم.

ز) فی علاج امراض الحلق.

ح) فی علاج امراض الصدر.

ط) فی علاج امراض القلب.

ی) فی علاج امراض المعدۀ.

یا) فی علاج امراض الکبد.

یب) فی علاج امراض الطحال.

یج) فی علاج امراض الاستسقا.

ید) فی علاج الیرقان.

یه) فی علاج القولنج.

یو) فی علاج الامعا.

یز) فی علاج الذرب و الاسهال.

یح) فی علاج امراض المقعدۀ.

یط) فی علاج الکلی و المثانۀ.

ک) فی علاج اعراض البول.

کا) فی علاج الحصا فی الکلی و المثانۀ.

کب) فی علاج الخصیتین و القضیب.

کج) فی علاج اعراض المنی.

آغاز: «بسمله المقالهٔ الثانیهٔ من الطب الکلی(بعد از ۱۵ سطر) فی علاج امراض الراس طلا نافع للصداع و الکاین عن الحرارهٔ صندل ابیض صندل احمر من کل واحد ثلثهٔ دراهم».

انجام: «و یشرب کل اسبوع مرهٔ مرارهٔ کثیرهٔ».

نسخ، کاتب اسعد بن محمد بن اسعد بن اسمعیل بن الحسین النسوی، تاریخ تحریر ذی القعدهٔ سنه ۶۳۰، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی سمرقندی، ۲۷س، ۵۴گ ۱۷×۳۵، جلد تیماج ضربی ساده، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۵.

۲۷۹

طب ایلاقی

(۲۳۲۲۱)

(عربی)

تألیف شرف الزمان محمد بن یوسف ایلاقی نیشابوری است مقتول در سنه ۵۳۶ بعد از مصاف سنجر با گورخان خطائی که در محل قطوان از محال سمرقند واقع شد[۱] و او را علاوه بر این کتاب تصانیف دیگری نیز بوده که اسامی برخی از آنها در تتمه صوان الحکمه از بیهقی و عیون الانباء تألیف ابن ابی اصیبعه مسطور است.

آغاز: «بسمله الحمدلله باری النسم و منشی الاشیاء بعد العدم و الصلوهٔ علی رسوله محمد سید العرب و العجم».

---

[۱] . زبدهٔ التواریخ تألیف سید صدرالدین ۱۸۷، این جنگ به شکست سنجر و اسر زوجه او و عده زیادی از اکابر دولت او منتهی گردید(تتمه صوان الحکمه ۱۲۶، طبقات ناصری ۲۷۶، اختصار بنداری از کتاب نصرهٔ الفترهٔ و عصرهٔ الفطرهٔ تألیف عماد کاتب اصفهانی معروف به زبدهٔ النصرهٔ و نخبهٔ العصرهٔ ۲۵۴ که تاریخ این واقعه را ۵۳۲ نوشته و آن سهو است از طرف مطبعه ظاهراً که سنوات را در همه جا به ارقام هندسی طبع نموده نه به حروف).

انجام:«یمنع التهوع و الغثیان المتولد من الدوا».

نستعلیق، کاتب محمد شفیع بن محمد صلاح، تاریخ تحریر محرم سنه ۱۰۹۶، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی، ۱۵س، ۴۴۹گ ۱۸/۵×۲۴/۵، جلد تیماج ضربی عطف پارچه، با سجاف، واقف عباسعلی صائبی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۵.

۲۸۰

طب کیمیائی(ترجمه...)

(۱۲۲۸۳)

(فارسی)

مترجم احمد بن محمد الحسینی از فضلای عهد فتحعلی شاه قاجار(باباخان) است که آنرا با زیادات و توضیحاتی از جانب خود بدستور«در صدف شوکت و جلال و دری فلک عظمت و اقبال» محمد ابراهیم خان حاکم کرمان از طرف فتحعلی شاه بفارسی درست و روانی درآورده است(برءالسّاعه رازی را نیز چنان که در صفحات قبل گفتیم این شخص ترجمه نموده. از طبّ کیمیائی یک نسخه را تحت عنوان«فی الطب الجدید الکیمیائی» در این کتاب معرفی نموده‌ایم».

آغاز:«بسمله نحمدک یا قدوس... اما بعد چنین گوید گرفتار مرض نادانی... که درین زمان سعادت اقتران الخ».

انجام: «چنان که مغناطیس در حدید».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دوشنبه ۲۴ رجب ۱۲۶۱، عناوین بشـنگرف، کاغذ حنائی آهاری، جلد تیماج خرمائی یک لا، ۲۳س، ۴۷گ ۲۷/۱×۱۷/۵۳، واقف سید جلال الدین تهرانی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۶۱.

۲۸۱

طب کیمیائی(ترجمه...)

(۱۰۶۸۴)

نسخه دیگری است از ترجمه بلافاصله مذکور تحت رقم ۱۲۲۸۳.

نسخ، کاتب اسماعیل بن حاجی محمد، تاریخ تحریر ۱۲۷۴، محل تحریر تهران در مدرسه محسـنیه، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، جلد تیماج ضربی، ۱۷س، ۶۷گ ۱۶×۲۱، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۵۰.

۲۸۲

طب کیمیائی(ترجمه...)

(۱۰۴۲۱)

ایضا نسخه دیگری است از همان شماره.

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ فرنگی، جلد تیماج مشکی یک لا، ۱۹س، ۶۳گ ۱۰/۵×۱۵/۵، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۵.

۲۸۳

طب کیمیائی(ترجمه...)

(۱۰۵۶۸)

این ترجمه که بکلی تحت اللّفظی و عاری از اسباب فصاحت و گاه مخالف با اسلوب و قواعد فارسی نویسی درست است از مترجمی است غیر از احمد بن محمد مذکور.

آغاز: «بسمله، حمدله و بعد این کتاب طب تازه کیمیائی است که آنرا براکلسوس تألیف کرده است».

انجام: «چنانکه میکند حدید بمغناطیس یا کهربا بکاه این است بیان حقیقت».

نسخ، کاتب محمد مهدی بن محمد قاسم، تاریخ تحریر شنبه ۲۱ رجب ۱۲۱۷، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری، جلد تیماج قهوه‌ای یک لا، ۲۱س، ۷۲گ ۱۴×۲۰/۵، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۲۸۴

طب کیمیائی(ترجمه...)

(۹۱۷۵)

این ترجمه از مترجمی غیر از دو نفر سابق است.

آغاز: «بسمله فهرست این کتاب مشتمل است بر سه جزو».

انجام: «و صحت می‌بخشد جمیع امراض را تمام شد، تمام شد در زمانی که طائفه ضاله ترکمانیه چپاول کرده بقدری اسیر بردند و غلامهای عرب و عجم بسطام رفتند از عقب سوار دست جلادت از آستین غیرت برآورده شش مسلمان اسیر را بکشتن دادند مردان مردگرد سوار را دیدند و ردّ سوار را چمیدند(کذا) و برگشتند اما محمد علی بیک یل جنگ‌جو تقصیر نداشت چونکه شکار او را رمانیدند از

غصه ناخوش شد خداوند صحت بدهد او را– در عهد حکومت علی و سلیمان خان قاجار و سرکرده مطلب خان ترک».

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم تاریخ تحریر ۱۲۷۱، کاغذ نخودی، مختلف السطور، ۱۵۱گ ۱۱×۱۸، جلد تیماج مشکی مستعمل، واقف شیخ محمود حلبی، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۴۱.

۲۸۵

طب منظوم

(۱۵۳۴۳)

(فارسی)

منظومه‌ای است به بحر تقارب مشتمل بر قسم نظری و عملی علم طب در بیان سته ضروریه و تشریح بدن انسان و کیفیت صحت و اسباب و علل امراض و طرق معالجه آنها.

آغاز موجود: «در ذکر تشریح عظام فکین اعلی و اسفل.

دگر چارده فک اعلی بود　　　که شش کاسه چشم بینا بود

انجام:

بود هم که تغییر هیأتتن　　　شود مندفع زو مرض از بدن

چو در دیشب(کذا) انتصاب ای عزیز　　　حول را نظر کردن تیز تیز

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۵ ذی القعده سنه ۹۳۶، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۱۶س، ۳۸گ ۱۰×۱۷، جلد تیماج، واقف کیهان کمیلی، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۶۶.

۲۸۶

طب نادری(ترجمه...)

(۱۵۷۳۶)

(فارسی)

کتابی است مشتمل بر ذکر اسامی امراض و شرح معانی آنها و تفسیر بعضی کلمات یونانی و مصطلحات اطبا از تألیفات میرنادر علی متخلص به رعد فرزند میرکاظم علی بن میر احمد علـی شـهید دهلـوی متخلص به شعله بزبان هندی که آنرا محمدعلی بن محمد صادق موسوی دزفولی از آن زبان بفارسی ترجمه و بر حروف تهجی مرتب نموده و بر آن شرح امراض هر عضو را نیز از کتبی نظیر بحرالجواهر و حدود الامراض و مفرح القلوب و طب الکبری بطور علی حده افزوده است.

کاتب تا اول حرف صاد را بیشتر ننوشته است.

آغاز: «بسمله الحمدلله الحکیم الشافی امراض الجهالة المعانی اعراض الضلالة».

انجام: «صحت ان هیئت».

نستعلیق، کاتب مترجم، تاریخ تحریر شعبان ۱۳۲۷، عناوین بسیاهی و بخط ثلث، کاغذ حنائی، بدون جلد، ۱۴س، ۳۰گ ۱۸×۲۴، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۲۸۷

طریق خوردن سموم(رساله در...)

(۵۰۹۲)

(فارسی)

مختصری است در بیان طریقه و دستور خوردن ۶ نوع از سموم و دواهای مضر.

آغاز: «بدان که این نوع تدبیر چون از حکمت حکمای هند است بطریقی که ایشان بیان فرموده‌اند».

انجام: «گویند قوت جوانی و سیاهی موی را نگاه دارد».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ آبی، عناوین بشنگرف، ۱۷س، ۵گ ۱۳×۱۹/۷، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۲۸۸

علاج الاسقام

(۱۶۳۱۷)

(فارسی)

تألیف دکتر پولاک معلم دارالفنون و حکیم باشی مخصوص ناصرالدین شاه قاجار است در اعمال جراحی که میرزا محمد حسین خان افشار شاگرد او آنرا در یک مقدمه و سه مقاله و هر مقاله در چند باب و در چندین فصل مرتب و مبوب نموده است.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد چون حکیم حذاقت سیر و معلم فضیلت گستر دکتر پولاک نمساوی».

انجام موجود: «به موضع خود قرار گیرد من بعد نوارپیچ نمایند».

بدنبال آن رساله‌ای می‌آید موسوم به:

مخزن الفواید

ایضا تألیف دکتر پولاک در اعمال قطاعی ید و علوم فصل و وصل، و ترتیب و تبویب آن از میرزا محمد حسین خان افشار مذکور در پنج مقاله باین شرح:

– در التصاقات و ماندن شیء خارجی در سه باب.

– در بیان اجتماع رطوبتی در کیسه حاصله از غشاء زجاجی و حصاۀ مثانه با اقسام آنها در سه باب.

– در تغییر جرم آلتی از آلات بدن و وجود آلتی غیر طبیعی در چهار باب.

– در امراض و زیاده و نقصان عضوی از اعضای بدن در دو باب.

– در بیان بعضی از اعمال ید و طریقه قطع هر یک از اعضا فرداً فرد در سه باب.

آغاز: «بسمله شکر و سپاس بیقیاس مر جهان آفرین را که مرز و بوم ایران زمین را اعدل اقالیم».

انجام: «و کثرت سیلان ماده بسیار مفید».

بعد از آن رساله مختصری است بزبان عربی موسوم به:

الحدائق

مشتمل بر مقدمه‌ای در تعریف علم طب و ۸ حدیقه به شرح زیر:

– فی الامور السبعۀ الطبیعیۀ.

– فی احوال بدن الانسان.

– فی تدبیر الاصحا و علاج المرضی علی وجه الکلی.

– فی التشریح.

– فی الامراض المختصۀ بعضو عضو من اعضاء البدن.

– فی الامراض التی یعم بجمیع البدن.

– فی الادویۀ المفردۀ.

– فی الادویۀ المرکبۀ.

آغاز: «بسمله یا من ذکره شفاء و اسمه دواء نحمدک و نشکرک».

انجام: «و عصیر الشوکهٔ حتی یحصل لها قوام صالح».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دو رساله اول رجب ۱۳۱۶ و رساله اخیر شعبان ۱۳۲۳، کاغذ نخودی فرنگی، عناوین به سیاهی، ۲۰۳گ ۱۶/۵×۲۱، مختلف السطور، جلد تیماج مشکی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۲۸۹

علاج الاطفال

(۵۰۴۴)

(عربی)

این کتاب بنا بادّعای مؤلف مجهول[۱] آن اوّلین تألیف مستقل علی حده است در خصوص امراض اطفال و علامات و طرق و معالجه آنها، و مشتمل است بر ۶۰ باب بتفصیل زیر:

- فی الجرب المعروف بالحرقهٔ و تسمیه العامهٔ الشیرینک و السعفهٔ و الشهدهٔ.
- فی العلهٔ التی تعرف بروس الابر.
- فی العلهٔ التی تعرف بالفحر(کذا).
- فی العلهٔ التی تعرف بالشباح.
- فی حک المنخرین.
- فی حک الاذنین و خروج المدهٔ و الصدید و القرحهٔ و الناصور.
- فی الصرع.

[۱] . مؤلف در اوائل کتاب از یکی از اطبای زمان خود بنام احمد بن نصر مؤلف ریاضهٔ المعالجهٔ نام می‌برد. شاید از طریق این شخص بتوان نام و عصر او را تعیین نمود.

- فی العلة التی تعرف بالاصطکاک.

- فی الاسترخا.

- فی الکزاز.

- فی الغدد فی الانف.

- فی انتفاخ الانف.

- فی تقبیض الانف.

- فی الرمد.

- فی العلة التی تعرف بالوردینج فی الاماق.

- فی العلة التی یعرف بالرماد.

- فی السلاق.

- فی تباثر الاشفار.

- فی الغموض.

- فی حول العین بدن ان لم یکن.

- فی انطباق الاجفان.

- فی البکاء الدائم.

- فی عض اللسان.

- فی جفاف اللسان و العطاش.

- فی العلة التی تعرف بالضفادع.

- فی انواع القلاع.

- فی الخرخرۀ.

- فی انطباق المری.

- فی یقوح رقبۀ الطفل.

- فی العطاس الکثیر مع دمعه لاینقطع.

- فی سوء مزاج الحار و البارد فی المعدۀ.

- فی الاورام التی یحدث فی المعدۀ.

- فی السرطان فی المعدۀ.

- فی سوء الاستمرار،

- فی نشیط اللبن فی المعدۀ حتی یمنعه من الهضم،

- فی تغیر اللبن فی المعدۀ،

- فی القراقر و الریاح فی المعدۀ،

- فی انواع القیام و علاجاتها و قیام الدم مع الخراطۀ،

- فی الامتناع من شرب اللبن،

- فی اللون،

- فی السعال

- فی نفث الدم و الرعاف،

- فی الحصبۀ و الجدری،

- فى التوابى،

- فى بعض اصول افمادهم(كذا)،

- فى البرص الذى يعرض وقت الرضاع،

- فى اعتقال طبيعة الطفل،

- فى الديدان الصغار و الكبار،

- فى خروج المقعدة،

- فى تورم احد الخصيتين و التشنج فيها،

- فى رجوع القضيب حتى يصغر بعد ان كان كبيرا،

- فى الحالة الشبيهة بالحين(كذا)،

- فى بول الرمل و تولد الحصاة،

- فى بول الدم،

- فى خروج شىء شبيه بالمنى،

- فى تورم الانثيين،

- فى وجع المفاصل،

- فى الحميات،

- فى آداب المرضعة و تدبيرها،

- فى حمله من تدبير الطفل حين يولد،

آغاز: «من الکناش المعروف بالمعالجات البقراطیۀ و تدبیرهم و تداویهم حین ولدوا و آداب المرضعۀ و تدبیرها»[1]،

انجام: «فقد وصفنا تدبیره فی المقالۀ الاولی فینبغی ان ینظر المتعلم فیه»،

پس از آن رساله مختصری است در باب امراض جزئی عارض بر اطفال در چهار ورق ایضا بزبان عربی که شروع آن چنین است: «بسمله نذکر امراضا جزئیه تعرض للصبیان فمن ذلک اورام یعرض لهم» و خاتمه آن چنی است: «و دقیق الشعیر او دقیق العدس»،

نستعلیق امیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذی الحجه ۱۰۳۰، کاغذ نخودی، ابواب بشنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۵س، ۳۳گ ۱۱×۱۹، وقفی آقا زین العابدین در سنه ۱۱۶۶،

۲۹۰

علاج الاطفال

(۱۶۷۶۶)

نسخه دیگری است از کتاب بلافاصله مذکور قبل:

آغاز: «بسمله الحمدلله خالق الافلاک و مدبر السموات و واهب العقل و المفضل علی جمیع الخلایق من غیر امتنان و صلی الله علی خیر الاولین و الاخرین محمد و اله اجمعین سألنی اسعدک الله بطاعته و وفقک لمرضاته و جعلک طالبا للحق الخ»،

(۳-۵۴)

[1] . شروع نسخه بهمین نحو است یعنی بدون خطبه و دیباچه و از قرائن معلوم می شود که مطلب مسبوق است به عبارات و مطالب دیگری که کاتب آنها را ننوشته، بهرحال توهّم نشود از صدر عبارت که این کتاب همان کتاب معالجات بقراطیه مذکور در حرف میم این کتاب یا منقولاتی از آن است.

ضمائم آن رسالات عربی مذکور بقرار ذیل است همگی در موضوع طب:

۱. ایضاح منهاج محجۀ العلاج[۱]

مختصری است در بیان طرق معالجه امراض و کیفیت استعمال مطبوخات و معجونات و آشامیدنی ها و قرصها و لعوقات و سفوفات و ضمادها و نطولات و ادهان و مرهمها و شیافها و سعوطات و بوئیدنی ها و غذاها و معرفت درجات ادویه از تألیفات ابوالحسین طاهر بن ابراهیم بن محمد بن طاهر السجزی از اطبای قرن پنجم هجری و مؤلف کتاب فی شرح البول و النبض، و تقسیم کتاب الفصول لابقـراط، کـه آنرا(ایضاح را) بجهت قاضی ابوالفضل مخلّد بن حمویه نگاشته است،[۲]

آغاز: «بسمله حمدله هذه قوانین و نکت لا یستغنی عنها من اراد علاج المرضی و مسالک و طرق لابد من ان یسلکها الخ».

انجام: «فاذا سمعت هذه الاشیا و علتها و عملت علی المشار الیه منها رجـوت ان تهتـدی الـی ارشـد الطریق فیما هذه سبیله».

(۱۱۳-۵۷)

۲. کتاب التشریح

این کتاب که از صفحه ۱۱۵ تا ۲۲۸ را شامل می شود مشتمل است بر چهار کتاب از تألیفات جالینوس باین شرح:

الف) کتاب فی العظام(للمبتدئین)

---

[۱] . در کشف الظنون: ایضاح محجۀ الفلاح، و آن تحریف واضح است.

[۲] . ترجمه احوال ابوالحسین طاهر سجزی باختصار در عیون الانباء مسطور است(۲: ۳۳-۳۴) و در انجا نام این قاضی محمد است بجای مخلّد مذکور در این نسخه ونسخه موصوف در ذیل«الکمی» مذکور در همین کتاب(در حرف کاف) که مورخ سنه ۶۸۷ هجری است، قس: (الوافی بالوفیات(۱۶: ۳۹۰، طبع دوم).

De ossibus(ad tirones)

ترجمه ابو زید حنین بن اسحق العبادی است که آنرا چنان که در رساله خـود مسـطور داشـته(ص۸) بجهت ابوجعفر محمدبن موسی تعریف نموده(قبل از ترجمه سریانی خود از این کتاب بجهت یوحنا بن ماسویه و بعد از ترجمه سریانی سرجس) و مشتمل بر یک مقاله[1] در معرفت هیئت هر استخوان به نحو مجزاً و کیفیت هیئت آن در اتصال به سایر استخوانها.

آغاز: «قال جالینوس انه قد ینبغی للطبیب ان یعرف هیئة کل واحد من العظام».

انجام: «الا انه لیس شیء یضطر الی ذکرها فی هذا الکتاب».

ب) کتاب فی العضل

De musculorum dissection

ایضا ترجمه چنین است در یک مقاله در توصیف عضلات هر یک از اعضاء بدن که بجهت متعلمـین تألیف نشده اما علمای اسکندرانی به لحاظ این که کتاب سابق را با این کتاب و دو کتاب مـذکور در ذیل جمعاً در حکم کتاب واحدی مشتمل بر پنج مقاله تلقی می نموده‌اند آنرا در عداد کتب جالینوس بجهت متعلّمین محسوب داشته‌اند. از این کتاب نقلی ایضا به عربی بدست حبیش بن السحن بنام محمد بن موسی به عمل آمده است.

آغاز: «قال جالینوس ان تشریح العضل لم یصفه احد من الخ».

انجام: «فاذا جعلت واحدة منهما علی انفرادها فیصله... الی جانب».

ج) کتاب فی العصب

De nervorum dissection

---

[1]. لفظ یونانی tmtma را که به معنی فصل و جزو و بخش و قسمت و نحو ذلک است متقدمین مقاله گفته اند.

این کتاب که ایضا بنا به تلقی حکما و اطبای اسکندرانی بجهت متعلّمین تألیف گردیده بدست ابوعثمان سعید بن یعقوب الدمشقی[1] از مبرّزین و مشاهیر نقله قرن چهارم در بغداد بزبان عربی ترجمه شـده و مشتمل است بر یک مقاله در توصیف و تشریح انواع عصب و کیفیت انقسام و نحوه افعال آنها.

آغاز: «بسمله قد اجمع الاطبا کلهم علی ان لیس فی اعضاء الحیوان عضو له الحرکهٔ التی یسمیها الارادیهٔ او حسّ الاّ بالعصب».

انجام: «و ینتهی فی العظم المسمی القصیص».

د) کتاب فی العروق

De venarum arterium qui dissection

ایضا ترجمه حنین است بجهت ابو جعفر محمدبن موسی بن شاکر که جالینوس آنرا به عنوان دوسـت خود انطیساس(کذا در نسخه، در رساله حنین ۹: انطشانس، در عیـون الانبـاء: انطسـئانس) و بجهـت متعلّمین نوشته و مشتمل است اصلا بر یک مقاله، اما اهل اسکندریه چنان که در این نسخه نیز ملاحظه می‌شود آنرا منقسم بر دو قسم نموده‌اند بتفصیل ذیل:

۱. مقالهٔ فی العروق غیر الضوارب[2] که چنین شروع می‌شود: «لما رایناک یا انطیساس الحبیب مشهیالان یفیدک ما اختصرنا فی تشریح العروق الضوارب».

انجام: «و أنا اقتص بعد ذلک امر الشرائین».

---

[1]. وی از طرف علی بن عیسی وزیر عهده دار امور بیمارستان حربیه بغداد بود و سپس امور جمیع بیمارستانهای آنجا و مکه و مدینه به عهده او مفوّض گشت. از جمله کتبی که او به عربی ترجمه نموده شرح پاپوس Pappos است بر کتاب دهم اصول اوقلیدس از زبان یونانی که به لحاظ این که متن اصلی آن فعلا مفقود است این ترجمه نهایت درجه ارزش و اهمیت را دارد. ترجمه ابو عثمان را ویلیام تامسون بزبان انگلیسی نقل نموده که در سنه ۱۹۳۰ در کمبریج به طبع رسیده است. شرح احوال ابو عثمان در عیون الانباء ص ۳۱۶، طبع بیروت و به اختصار با مبلغی از اقوال او و امثالی که از یونانی به عربی درآورده در صوان الحکمه ابوسلیمان منطقی(۳۰۳-۳۰۴) مسطور است.

[2]. یعنی وریدها(سیاه رگ، رگهای غیر زننده، رگهای غیرجهنده) Jugular veins

۲. مقالة فی العروق الضوارب[1]، که شروع آن چنین است: «قال جالینوس فنقـتص الآن امـر الشـرائین فنقول ان مبدا هذه من البطن الایسر من القلب»، و خاتمه آن چنین است: «عرق الی ان یبتدی ینقسم»[2].

(۱۱۵-۲۲۸).

جواب اشکالات

مختصری است(از خواجه نصیر؟) در جواب بچند اشکال بر بعضی مطالب طبّی و ظاهراً قسمتی است از مبحث مفصل‌ّتری.

آغاز: «بسمله مذهب جالینوس هو ان الحار الغریزی هو النار».

انجام: «کذب الکلام التالی و الا کذب الکلام الاول».

(۲۳۱-۲۳۵)

۴. اسئله و اجوبه

مختصری است مشتمل بر سؤالات امین الدولّه[3] از خواجه نصیرالدین طوسی در خصوص مشکلات و عویصات مسائل کتاب قانون ابن سینا و جوابهای خواجه به سؤالات و اشکالات او.

آغاز: «سؤال ذکر الشیخ الرئیس فی الفن العاشر من الکتاب الثالث من القانون کلام کلی فی التنفس».

---

[1] . یعنی شرائین(سرخ رگ، رگهای زننده، رگهای جهنده) Artery

[2] . ترتیب تألیف چهار کتاب مذکور از قرار تقریر خود جالینوس در کتاب فینکس(مراجعه شود بجهت اطلاع از این کتاب به حرف میم«مقالة فی ان قوی النفس تابعة لمزاج البدن تحت رقم ۵۲۲۳ مذکور در این کتاب) چنین است: «اول هذه الکتب فی التشریح العظام وضعته للمتعلمین و من بعد هذا کتابین اخرین وضعتهما للمتعلمین احدهما فی تشریح الاوراد و العروق و الاخر فی تشریح العصب و وضعت ایضا کتاب اخرا حملت فیه کلما قلته فی کتاب التشریح الکبیر فی العضل و استقصیت القول فیه بایجاز الخ».

[3] . مقصود امین الدوله ابوالشجاع بن موفق الدوله ابوالفرج عالی است مذکور در تلخیص مجمع الاداب لابن الفوطی(ذیل ترجمه احوال موفق الدوله) و عم خواجه رشید الدین بن فضل الله صاحب تاریخ معروف جامع التواریخ.

انجام: «هذا شیء جربه اصحاب الاکسیر... خصوصا ابن زکریا فی کتاب الاسرار له و الله اعلـم تمـت الرسالة».

(۲۴۳-۲۳۵)

۵. رسالة فی امر النضج

ایضا از خواجه نصیر است در خصوص موضوع نضج pepsis، Coction و منضجات که محلّ نزاع او وبعضی اطباء بوده و خواجه در آن بذکر آراء آنها و تقریر عقیده خود پرداخته است.

آغاز: «قد جری بینی ادام الله علاک و جعل اعدائک فداک و بین بعض الاطباء الذین عقلوا عن اصول العلم الطبیعی».

انجام: «خصوصا فی امر نضج الاخلاط و تسهیل سبیل الاندفاع».

(۲۴۵-۲۴۳)

۶. رسالة فی البثور(قبریه)

مشتمل است بر ۲۵ گفتار مختصر در اندرز بموت که بنابر مشهور آنرا در قبر بقراط یافته‌اند ولی مسلماً از بقراط نیست.

آغاز: «بسمله هذه فصول فی البثور وجدت فی قبر ابقراط».

انجام: «شهوة الحلاوة شدیدا».

(۲۴۹-۲۴۶)

۷. مقالة فی التّحفظ من النزلة و فی علاجها

مختصری است در بیان تشدید نزله ابو زید احمد بن سهل البلخی[1] در فصل بهار و طولانی شدن مدّت آن از بوئیدن گل سرخ و کیفیت تحفّظ از عارضه مذکور و نحو علاج آن از ابوبکر محمـدبن زکریـا رازی.

آغاز: «بسمله هذه رسالهٔ لمحمد بن زکریا... قال فهمت ما ذکرت من انه العلهٔ التی الخ».

انجام: «والبان و استنشاقه و الله الشافی».

(۲۵۴-۲۴۹)

۸. برء السّاعهٔ

مشتمل است بر ۲۳ باب مختصر ایضا تألیف رازی و به لحاظ این که چند نسخه از آنرا سابقا در موضع خود بطور مشروح معرفی نموده‌ایم در اینجا حاجتی به اطاله کلام نیست.

(۲۵۸-۲۵۴)

۹. رسالهٔ فی تقدیم الفوا که قبل الاطعمهٔ و الاطعمهٔ قبل الفواکه

مختصری است ایضا از محمد بن زکریا رازی در بیان تقدیم خوردن میوه بر غذا یا بـالعکس و ذکـر مواضیع اختلاف فریقین از اطبا در این باب در یک مقاله.

آغاز: «بسمله حمد له اختلف الاطبا فی تقدیم الفواکه قبل الاطعمهٔ».

انجام: «ما یحتاج الیه من ذلک علی حسب القانون الذی قدمنا».

---

[1] . متوفی در سنه ۳۲۲، وی استاد رازی و ابوالحسن عامری مصنف السعادهٔ و الاسعاد و شاگرد یعقوب بن اسحق الکندی و صاحب تصامیف عدیده در علوم مختلف بود و در عراق به جاحظ خراسان شهرت داشت. یاقوت فصل مشبعی در خصوص او در معجم الادبا منعقد کرده(۱: ۱۴۱-۱۵۲، طبع اروپا) و تقریباً جمیع مصنّفات او را در انجا تعداد نموده است، و نباید سهو نمود(چنان که بعضی سهو کرده‌اند) این ابوزید بلخی را با هم شهری و معاصر مشهور وی شهید بن حسین بلخی که او نیز مانند ابو زید از جمله متکلّمین و حکمای بزرگ بوده و در شعر و ادب از استادان عهد بشمار می‌رفته است.

(۲۶۶-۲۵۸)

۱۰. در کیفیت حدوث مزه ها

رساله بسیار مختصری است مشتمل بر جواب نصیرالدّین طوسی از سؤال نجم الدین دبیران قزوینی(متوفی در سنه ۶۷۵) صاحب شمسیّه در منطق و حکمت العین در حکمت و المنصّص[1] در شرح ملخّص فخر الدّین رازی در باره کیفیت حدوث انواع طعم‌ها و مزه‌ها بتاثیر حرارت و برودت و قوه معتدله در اجسام لطیف و کثیف و معتدل.

آغاز: «اشار مولانا علامهٔ العصر نجم الملهٔ و الدّین ادام الله علوه الی داعیه المستفید بان یکتب ما سنح له».

انجام: «و یفید ما سنح بخاطره الشریف الوقاد علیه ان شاءالله».

(۲۶۸-۲۶۶)

۱۱. رساله مفاصل

مختصری است مشتمل بر یک مقاله در بیان علّت پیدایش دردها و ضعف مفاصل و طریقه علاج آنها از تألیفات نجیب الدین ابو حامد محمدبن علی بن عمر السمرقندی(مقتول در سنه ۶۱۹ بدست لشکریان مغول در هرات) که از تألیفات مختلف او در طب چندین نسخه را در این کتاب معرفی و توصیف نموده‌ایم.

آغاز: «بسمله حمدله ان الله تبارک و تعالی لما خلق الحیوانات مختلفهٔ الامزجهٔ و الطبایع».

انجام: «و یدوم بقا البدن و تحصیل الامن من المعاودهٔ ان شاءالله تعالی».

---

[1]. نسخه نفیسی از این کتاب مورّخه سنه ۶۹۳ در کتابخانه آستان قدس محفوظ است(تحت رقم ۱۲۰۱).

(۲۷۵-۲۶۸)

۱۲. رسالة فی الهندبا

مختصری است در بیان علّت تأکید و سفارش باستعمال هندبای غیر مغسول در حدیث نبوی از تألیفات ابن سینا که بنا بر مشهور آنرا بارتجال در خواص و منافع کاسنی(=هندبا) نگاشته است.

آغاز: «بسمله سئل الشیخ الرئیس ابوعلی بن سینا رحمه الله ان یملی کلاما فی علّة امره باستعمال الهندبا الخ».

انجام: «المضروبة و الرموز الواقعة و بالله التوفیق».

(۲۸۲-۲۷۶)

۱۳. فی ان القوی الاربعة قوة واحدة بالذات

رساله‌ای است از فیلسوف و طبیب نصرانی معروف ابوالفرج عبدالله بن الطیّب الجاثلیق(متوفی در سنه ۴۳۵ ظاهراً) از مشاهیر معاصر ابن سینا و استاد ابن بطلان و صاحب تألیفات عدیده در فنون طب و حکمت و منطق[1] در توضیح و اثبات این مطلب که قوای اربعه یعنی جاذبه و ماسکه و هاضمه و دافعه بالذات همگی قوه واحدی است هرچند افعال آنها متکثر یعنی چهار قسم است(این رساله را قنواتی در مؤلفات ابن سینا، ص۱۵۵-۱۵۶ سهواً بنام ابن سینا نوشته است).

بر این رساله ابن سینا اعتراض نموده و رساله مستقل علی حده‌ای در ردّ آن نوشته است که عبارت باشد از رساله بلافاصله مذکور در ذیل شماره آتی(۱۴).

[1]. کتب طبی او را ابن سینا مهم تلقی می‌نموده ولی به کتب فلسفی او ابداً وقعی نمی‌گذاشته است. ترجمه احوال او در این مآخذ مسطور است: مختصر الدول۳۳۰ و اخبار الحکما ۲۲۳ و تتمه صوان الحکمه(۲۷-۳۲) و نزهة الارواح شهرزوری(نسخه کتابخانه رضویه) و مفصّل‌تر و مشروح‌تر از همه با ذکر اسامی تقریبا همه مصنفات او عیون الانباء(۲: ۲۳۵-۲۳۸)، و او در میان مردم لاتینی زبان معروف بوده است به Abulpharagius Abdulla Benattibus.

آغاز: «بسمله اقتضی تصنیفی لهذه المقالهٔ... التی بینا و غرضی فیه البیان علی ان القوهٔ الجاذبهٔ الخ».

انجام: «و عنده نقطع الکلام والله اعلم بالصواب».

(۲۹۰-۲۸۲)

۱۴. الرّد علی ابی الفرج الطّیب فی رسالته فی القوی الاربعهٔ

تألیف ابن سیناست در ردّ دعاوی و حجج ابوالفرج الطّیّب در رساله بلافاصله مذکور در ذیـل شـماره قبل(۱۳).

آغاز: «بسمله انه قد کان یقع الینا کتب یعلمها الشیخ ابوالفرج الطّیب ادام الله عزه فـی الطـب و نجـدها صحیحهٔ مرضیهٔ بخلاف تصانیفه فی المنطق و الطبیعیات».

انجام: «فلنذکر هذا القدر بشرح و الله اعلم».

(۲۹۶-۲۹۱)

۱۵. رساله شیخ الرئیس به ابوالفرج الیمامی[۱]

جواب ابن سیناست به اعتراض ابوالفرج ابن ابی سعید الیمامی مذکور در عیون الانباء(۲: ۲۳۴، بیروت ۱۳۷۶) بر رساله جوابیّه او در خصوص چند مساله طبی.

آغاز: «بسمله اعتراض عل مما وجده الشیخ ابوالفرج من الاختلال و الاختلاط الخ».

انجام موجود: «یکون رقیقهٔ یحتاج ان یقوم» (ناقص)

(۳۰۳-۲۹۷)

[۱]. نسخه دیگری از این رساله را سابق بر این در حرف راء(رسالهٔ فی الهندبا - ۱۰۱۰۸، ذیل شماره ۲) معرّفی نموده‌ایم.

نستعلیق، کاتب محمد بن کمال الدین حسین، تاریخ تحریر یکشنبه ۲۱ صفر ۹۴۴، محل کتابت قم، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری و نخودی آهار مهره، جلد مقوا، ۲۱س، ۱۶۱گ ۱۰×۱۷/۵، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۶۷.

۲۹۱

علاج الامراض

(۱۰۹۴۷)

(فارسی)

«منظومه‌ای است معروف به طب یوسفی از یوسف بن محمد بن یوسف طبیب که باسم خان شیبانی موشّح کرده است در امراض و معالجات از سر تا قدم و خودش بر این منظومه شرحی نوشته موسوم به جامع الفواید»[۱]، و منظومه مذکور فی الواقع عبارت است از مجموعه رباعیاتی در بیان امراض و طرق مداوای آنها که در سال ۹۱۴ سروده شده.

آغاز: «بسمله

ای درد تو آمده علاج دل ما   عشق تو موافق مزاج دل ما

جز درد و غمت مده بما خسته دلان   کز درد و غمت بود رواج دل ما

انجام:

چون نهصد و چهارده ز هجرت بگذشت   این نسخه دلفریب کردم قلمی

---

[۱] . عین عبارات واقف نسخه است رحمه الله در هامش این رساله.

نسخه مذیّل است به منظومه فوائد الاخیار و جامع الفوائد مذکور در چند سطر بالاتر هر دو از یوسفی که چند نسخه از انها را در این کتاب معرفی نموده‌ایم و رساله مبدأ و معاد ملاصدرا و قصیده یائیه سخن در صد و بیست و نه بیت باین مطلع:

چتر سحر چو باز شد بر سر چرخ چنبری　　خسرو چرخ سرکشید از بر چتر عنبری

شد چو نهان بقیروان آیت گاه(کذا) قیرگون　　گشت عیان بخاوران رایت شاه خاوری

گر بنهفت از زمین سنبل شاه اسفرم　　باز شگفت بر فلک نوگل شاه افسری

و رساله بحر الجواهر فی علم الدفاتر تألیف عبدالوهاب بن محمدامین الشهشهانی الحسینی الاصفهانی. نستعلیق و شکسته، کاتب ابن محمدعلی گرگانی، تاریخ تحریر ۱۲۱۱، کاغذ شکری و فستقی، جلد تیماج، مختلف السطور، ۲۰۵گ ۱۵/۵×۲۰، واقف حاج محمدایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۵۰.

۲۹۲

علاج الامراض[۱]

(۱۵۶۸۶)

(عربی)

کتابی است نسبةً مبسوط و فوق العاده ممتع در بیان امراض و صفات ادویه مناسب و طریقه علاج آنها براساس اقوال بقراط و روفس و اوریباسیوس و جالینوس و دیسقوریدوس و شمعون و قسطا بن لوقا البعلبکی و ثابت بن قرة و بختیشوع و کنکه و رازی و سرافیون Serapion و یوحنا بن ماسویه و

[۱]. عنوان موضوعی.

طبری و علی بن عباس مجوسی و ارکاغانیس(در کتاب ادواء المزمنة) که به لحاظ نقـص آن و نقـص نسخه بلافاصله مذکور در ذیل تحت رقم ۸۱۷۶ و بیاض گذاشتن جای عنـاوین و ارقـام فصـول یـا مقالات از ناحیه کاتب این نسخه اخیر بهیچ وجه نمی‌توان رقم درستی از فصول آن مطابق با این نسخه و یا مقالات آن مطابق با نسخه شماره مذکور و نیز فهرست صحیحی از مطالب مقالات مطابق با هر دو نسخه ولو بنحو تقریب و تخمین بدست داد. نام کتاب و نام مؤلف را نیز با فحص فوق العاده بلیغی که کراراً در خود نسخه و سایر مظان بعمل آوردیم مع الاسف نتوانستیم معلوم نمائیم[۱]، بلی همین قدر معلوم شد بطور قطعی و مسلّم که این نسخه اوّلا با نسخه محفوظ تحت شماره مذکور(۸۱۷۶) که بلافاصـله ذیلاً پس از این معرفی خواهد شد یکی است و غیر آن نیست، ثانیاً عنوان احتمالی شرح فصول ایلاقی که باین نسخه داده‌اند و نیز نام انموزج بجهت نسخه شماره مذکور سهو واضح و توّهم محض است و مبتنی بر هیچ اصلی و مؤسس بر هیچ اساسی نیست ابداً و مطلقاً و اصلاً.

باری این نسخه مشتمل است بر اواخر فصل سوم(که معلوم نیست تحت چه عنوانی است) تا اواسـط فصل یازدهم، و فهرست مطالب آنها از این قرار است:

الفصل الرابع: فی الاعلال التی تحدث فی الدماغ من السدر و الدوار و المعده و بطلان الذکر.

الفصل الخامس: فی الاعلال التی تحدث فی العین و علاجه.

[۱] . تنها مطلب فوق العاده بی‌فایده‌ای که در خصوص مؤلف بدست امد یکی اشاره اوست بخود بعبارت«قال واضع الکتاب» و دیگر اشاره مبهمی است به عصر خود تحت عنوان«و فی زماننا هذا» باین عبارت: –«و فی زماننا هذا صاب زجلاً من فساد الدماغ ما لم یسمع بمثله قط و ذلک اتی اصحابه وجدوه لیلا و قد قطع بعض حلقه و سالت منه الدما فتدارکوه و عالجوه و سألوه عن العلة التی دعته الی ذلک فذکر انه رای رجالا و نساء قد جمعو بحول منزله فمنهم من یقول اما تعجبون من هذا النصرانی الذی کان یظهر العفة... و منهم من یقول احفظه الی الصباح لئلا یهرب و منهم من یقول ان لم نحرسه القا نفسه فی البیر فینجو و یقول الاخر الرای لهذا الیائس ان یذبح نفسه و یستریح من العذاب و الحبس و انه قام الی سکین فذبح نفسه غیر انه غشی علیه فسقط ثم عولج هذا الرجل فرجع عقله قال و رأیت رجلین ذبحا انفسهما و ماتا و رجالا و نسوة بطبرستان و الدیلم یعلقون انفسهم فی الاشجار عند الخوف او غم ینزل بهم».

الفصل السادس: فی الاعلال التی تحدث فی الاذان و حفظ السمع و علاجاتها.

الفصل السابع: فی الاعلال التی تحدث فی الانف.

الفصل الثامن: فی الاعلال التی تحدث فی الفم و الاسنان و اللسان و اللهوات و علاجها.

الفصل التاسع: فی الاعلال التی تحدث من السعال و النزلات و ما یحدث فی الصدر و الحق و ذات الجنب و ما یجری مجراها و علاماتها.

الفصل العاشر: فی العیضۀ و الاعلال التی تحدث فی المعدۀ و الالام العارضۀ فیها و علاجها.

الفصل الحادی عشر: فی الاعلال التی تحدث فی الکبد.

آغاز موجود(مطابق با وضع فعلی نسخه): «کرفس فی جلاب ممزوج لما حار او یحل من السکر الابیض من عشرین درهما».

انجام موجود(مطابق با وضع فعلی نسخه): «لعصیر الاسفیوش النهری تلین حارته».

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن هفتم، عناوین و اسامی اطبا بسرخی، کاغذ نخودی بغدادی، اندازه مسطر ۱۲/۵×۱۶/۵، ۲۱س، ۱۶۶گ ۱۳×۱۷/۵، بدون جلد، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۲۹۳

علاج الامراض

(۸۱۷۶)

این نسخه شروع می‌کند از امراض سر و پس از آن تحت عنوان مقاله دوم از امراض چشم و ختم می-کند به اواسط امراض کبد، و چنان که در بحث از نسخه قبل گفتیم به لحاظ بیاض بودن جای عناوین نمیتوان فهرست مطالب این نسخه را بدست داد.

آغاز موجود: «یکون من بلغم محترق و علامته یکون صاحبه ابیض اللون».

انجام موجود: «هذه کلها اذا شرب منها مفردا او مولفا مثقال او درهمین».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، جای عناوین در متن بیاض و عناوین برخی از مطالب در حاشیه بشنگرف، ۲۰س، ۱۹۱گ ۱۴×۲۳، کاغذ نخودی آهاری، جلد تیماج قهوه‌ای، خریداری استان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۲۹۴

علاج الامراض

(۵۰۹۹)

(عربی)

تألیف محمدبن زکریا رازی و مشتمل است بر سی و هفت باب بشرح مذکور در ذیل:

- فی الصداع و علل الدماغ.
- فی الفالج و اللقوة.
- فی الصرع.
- فی المالیخولیا و جمیع الامراض التی من السواد و احتراق الدم کالجرب الغلیظ و البهق الاسود و الجذام.

- فی السرسام.

- فی النسیان و فساد الفکر.

- فی علل العین.

- فی علل الاذن.

- فی علل الانف.

- فی علل الشفتین و الفم.

- فی علل اللوزتین و الحلق و الخوانیق.

- فی الزکام.

- فی علل الصدر و الرئۀ و الحجاب.

- فی السل مع السعال.

- فی علاج اثداء النساء و تکثیر اللبن و تقلیله.

- فی علل المعدۀ.

- فی الهیضۀ.

- فی اوجاع القلب و الخفقان.

- فی السمن و الهزالۀ.

- فی اوجاع الکبد.

- فی اوجاع الطحال.

- فی الاستسقاء.

- فی علاج انطلاق البطن و الخلفهٔ و فساد الهضم و الزحیر.

- فی علاج البواسیر.

- فی القولنج.

- فی علاج الحصاهٔ فی الکلی و المثانهٔ.

- فی علاج الباه و کثرهٔ الاحتلام.

- فی الطمث و علاج الارحام و الحبل.

- فی علاج اورام الخصی و القضیب و الفتق.

- فی وجع المفاصل و عرق النسا و النقرس.

- فی الدوالی و الداء الفیل.

- فی وجع الظهر و العرق المدنی.

- فی الزینهٔ و ما یتعلق بالعوارض فی ظاهر البدن.

- فی لدغ العقارب و نهش الرتیلا و نهش الحیات و عضهٔ الکلب الکلب.

- فی الحمیات.

آغاز: «بسمله حمد له قال محمد بن زکریا الرازی ان رجلا جلیلا فاضلا».

انجام: «ذکر اولا و یمزج من هذا و السلام».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۰۸۹، عناوین ابواب بشنگرف، کاغذ نخودی آهار مهره، ۱۵س، ۱۱۴گ ۹×۱۶، جلد تیماج مشکی یک لا، صفحه اول نونویس، واقف و تاریخ وقف نامعلوم.

۲۹۵

عمل صالح

(۱۰۲۵۶)

(فارسی)

قرابادین صالح بن محمد بن محمد صالح قاینی هروی است مرتّب بر حروف تهجّی و مشتمل بر مقدمه-ای در بیان اوزان و مکائیل و تحویل آنها و احراق و اصلاح و تحمیص و تدمیر و تشویه و تکلیس، و بیست و هشت باب هر باب مفصّل بر چند فصل که آنرا بتصریح خود در بیت مذکور در زیر در سنه ۱۱۷۹ تألیف نموده:

گفتمش این نسخه را علّت تاریخ چیست　　　گفت شفای بدن با عمل صالح است

آغاز: «بسمله شایسته عمل صالح که پسندیده اصحاب صلاح باشد سپاس حکیمی است جل جلاله».

انجام: «انرا با نیم مثقال طبرزد بیاشامند همان عمل کند».

نسخ متوسط، کاتب اسمعیل بن خاجی مقیم سمنانی(ساکن قریه سرخه)، محل تحریر مدرسه صدر(در دارالخلافه تهران)، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی روشن، جلد مقوا، ۳۲س، ۱۹۵گ ۲۱×۳۵، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۲۹۶

عمل صالح

(۷۸۱۶)

این نسخه فاقد خطبه است.

آغاز: «بسمله اما بعد عرضه میدارد محرر این مقاله و مسوّد این رساله قلیل البضاعه عدیم الاستطاعه الخ».

انجام: «و پرهیز از چهل روز بتدریج باید شکست انشاءالله تعالی مفید و نافع باشد»[1].

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی فرنگی، ۲۳س، ۳۴۵گ ۱۴×۲۰، جلد تیماج، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۲۹۷

عوارض العلل

(۹۵۸۰)

(عربی)

کتابی است که یکی از شاگردان رازی آنرا در مجموع معالجاتی که از استاد خود دیده و یا شنیده بوده بصورتی نامنظّم و تعلیقه مانند فراهم آورده بوده و بعد شخص دیگری با تقدیم و تأخیر مطالب و تنظیم آنها مطابق با رسم معهود که از امراض سر و طرق معالجه آنها شروع و به امراض پا و نحوه علاج آنها ختم می‌نمایند آنرا بصورت فعلی مرتّب و بررسی و یک باب بشرح ذیل مبوّب نموده است:

- فی الصداع.
- فی علل الدماغ.
- فی البرسام و الشوصهٔ.

---

[1] . چنان که از چند موضع کتاب معلوم می‌شود مؤلف مدتی در اصفهان و مدتی نیز در بغداد اقامت داشته و در این شهر که بوده تقلب یک نفر عطار یهودی را در خصوص محموده‌ای(سقمونیا) که خود او می‌ساخته کشف نموده و او قول داده بوده است که دیگر بدنبال این قبیل کارها نرود.

- فی المالیخولیا،

- فی الدوار.

- فی انواع الرّمد.

- فی الزکام و ما یعرض فی الانف.

- فی اوجاع الاذن و ما یعرض فیها.

- فی اوجاع الحلق و الفم و ما یعرض فیها.

- فی اوجاع الصدر و ما یعرض فیها.

- فی اوجاع المعدهٔ و ما یعرض فیها.

- فی الخفقان المفرد و المرکب.

- فی اوجاع الکبد و ما یعرض فیها.

- فی الاستسقا.

- فی اوجاع الجنب و الخاصرهٔ و المنکبین.

- فی الحلفهٔ و الزحیر و المغص.

- فی القولنج و ما یشبهه.

- فی اوجاع الارحام و ما یعرض فیها.

- فی اوجاع الکلی و المثانهٔ و القضیب.

- فی البواسیر و النواصیر و ما یعرض.

- فی اوجاع المفاصل و النقرس.

- فی الریاح.

- فی الخنازیر و الاورام و البثور.

- فی السری و البثرات.

- فی الجرب و الحکهٔ.

- فی البرص و البهق و القوابی و السعفهٔ و الثالیل.

- فی السقطهٔ و الضربهٔ علی الرأس و سائر البدن.

- فی شیب البهائم و الانسان.

- فی الحمیات و الجدری و الحصبهٔ.

- فی اخراج الدم، و بعده اقاویل مختلفهٔ.

آغاز: «بسمله هذا کتاب نظمنا فیه ما کان علقه تلمیذ الحکیم الفاضل ابی بکر محمدبن زکریا الرازی».

انجام: «سألته عن طبیعهٔ المشمش فقال هو بارد فی غایهٔ البرد و ان کانت فیه ادنی حلاوهٔ فانها یصیر الی البرد الا انه لا یرخی بل یصلب و هو یبرد المعدهٔ فقلت یرخی فقال لا بل یصلب و انما یرخی الحرارات و الدسوعات انتهی مقدار ما علق من البحارات(کذا)».

نسخ، کاتب محمد هادی بن حاجی ابراهیم خاتون آبادی، تاریخ تحریر: ۱۰۹۶، عناوین بشنگرف، کاغذ: شکری آهاری، ۱۷س، ۱۰۵گ ۱۰×۱۶، واقف دکتر بقراط الحکماء، تاریخ وقف آذر ۱۳۴۵.

۲۹۸

عین الحیوهٔ

(۵۱۱۴)

(فارسی)

تألیف محمد مجیر نامی است مشتمل بر نود و یک باب باین شرح(بحذف عناوین عدّه‌ای از ابواب):

باب اول- در علاج درد سر و زکام و نزله.

- در علاج دیوانگی و ماخولیا و بیهوشی.

- در علاج خون بینی و بوی دهن.

- در علاج جمیع علتهای چشم.

- در اماس بنا گوش و دردگوش.

- در علاج درد دندان.

- در علاج بختکی دهن.

- در علاج درد سینه و درد دل.

- در علاج علامت تبت(کذا) و سودائی.

باب دهم- در علاج سبات(کذا) و سیت(کذا).

باب نوزدهم- در علاج دردشکم و سودا.

باب سی‌ام- در علاج باد و درد دندانها.

باب چهلم- در علاج لاغری و فربهی.

باب چهل و پنجم- در علاج بهق و علایم آن.

باب پنجاهم- در علاج زخم تیر و تیغ و نیزه و جز آن.

باب شصت و هفتم- در علاج جدری کودکان و علایم آن.

باب هفتاد و یکم- در علاج زهر مار و جز آن.

باب هشتاد و یکم- در علاج ساختن شنگرف و سیاهی و حل زر و زنگار و نوشادر.

باب هشتاد و پنجم- در ساختن عطریات و کافور و مشک و جز آن.

باب هشتاد و ششم- در علاج ساختن معجونات و مفرحات.

باب هشتاد و هفتم- در ساختن طلسمات و عجاییات(کذا) و جز آن.

باب هشتاد و نهم- در علاج ستوران.

باب نودم- در علاج اسبان و علاج ارجل.

باب نود و یکم- در اسامی ادویه.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد بدانکه اگر چه قیام بالذات و راحت مردم از ماکولات و مشروباتست».

انجام: «ابرش سیاه سمند گلگون هیکل سنجاب... یا ارحم الراحمین».

پس از آن کتاب ناقصی است در سی و یک ورق ایضا بزبان فارسی در قوه باه که بنا بتقریر مؤلف در مقدمه کتاب بجهت سلطان سنجر سلجوقی تألیف شده چنان که گفته است: -«اما بعد چنین گوید ابوالمظفر حبیب الله بن محمدبن ارده(کذا) شیر من اولاد جرجاسب(کذا) ابن جاماسب الحکیم که چون سعادت خدمت خدایکان عالم سلطان الشرق و الغرب ابوالحارث سنجر بن سلجوقی(کذا) ملکشاه... مربنده را میسر گشت«در ظلّ رعایت و پناه دولت او مقیم گشت... و مراسم بنده نوازی مبذول فرمود(کذا) چنان که اثر عنایت پادشاهانه بر صفحات احوال من بنده ظاهر گشت... ناگاه از بارگاه شاه شاهان... خلعت و تشریف وصلت اسب و ساخت زود(ظ: زرد) مواهب و هدایای متوالی و متواتر(چنین است این عبارات اخیر در نسخه ولی مطلب معلوم است) من بنده را بخلوتخانه معظم خواند و از اسرار

و اعلان خود سخنی چند بر لفظ مبارک پادشاهانه براند... اشارت فرمود کتابی ساختن در باه... شرط بنده کی و خدمت کاری در تقدیم فرمان بجای آورده آمد و در ایراد خفایق و دقایق این کتاب جد و جهد تمام کرده شد...».

کتاب مرتب است بر هفده باب بشرح مذکور در ذیل(باز بحذف عناوین عدّه‌ای از ابواب):

باب اول- در موامره کتاب و دلایل مزاجها.

باب دویم- در غذاهای مفرد.

باب ششم- در گوارشها.

باب هشتم- در ایزاربند و کمرها.

باب یازدهم- در شیافها.

باب دوانزدهم- در حقنها.

باب هودهم- در چیزهائی که زنان بار گیرند.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد چنین گوید ابوالمظفر الخ».

انجام موجود: «و برز العنب و جنطینا».

نستعلیق، کاتب میر ابوالحسن سبزواری، تاریخ تحریر ۱۵ ربیع الاول ۱۰۵۸، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، ۱۶ و ۱۷س، ۱۶۲گ(۳۱+۱۳۱) ۱۹×۲۵، جلد تیماج قهوه‌ای تیره ساده، واقف آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۲۹۹

غایهٔ البیان فی تدبیر بدن الانسان

(۵۲۰۴)

(ترکی)

مؤلف آن رئیس الاطبا صالح بن نصرالله معروف به ابن سلوم الحلبی(متوفی در ۱۰۸۰) است که آنرا بنام محمد خان بن ابراهیم خان از سلاطین آل عثمان در مقدّمه‌ای در تعریف علم طب و چهار مقاله و خاتمه‌ای بشرح مذکور در ذیل تألیف نموده است.[1]

مقاله اول- در تدبیر اسباب سته ضروریه[2]، مشتمل بر ده فصل و خاتمه‌ای.

مقاله دوم- در بیان مفردات و مرکبات مرتب بر حروف معجم، هر کدام در یک باب علی حده.

مقاله سوم- در بیان امراض سر تا پا و طریقه معالجه آنها.

مقاله چهارم- در بیان بیماری‌های مخصوص به هر عضو از اعضاء بدن و ذکر طریقه مداوای آنها.

خاتمه- در زهرها و گزیدن حشرات و زینت.

آغاز: «بسمله جواهر زواهر حمد[و] ثنا اول واجب الوجود و مفیض الخیر و الجود و صانع عالم».

انجام: «و خاتونلردخی بومنوال اوزره یبه لر حامله او لمغه سبب اولور، تم بعون الله الملک الوهاب».

نستعلیق مخلوط بشکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ شکری، جلد مقوا با رویه پارچه، عطف و گوشه چرم، ۲۳س، ۱۶۵گ ۱۴×۲۱(جای بعضی از اوراق در صحافی عوض شده)، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۳۰۰

غایة التلفیق فی طب الجدید و العتیق

---

[1]. این کتاب تتمه‌ای دارد که یک نسخه از آن در کتابخانه طلعت(۳۶ مجامیع ترکی) محفوظ است.

[2]. nonnaturals

(۸۷۴۶)

(فارسی)

کتابی است مشتمل بر یک مقدمه و چهار تعلیم، هر تعلیم منقسم به مقالاتی و هـر مقالـه بمباحـث و فصولی در بیان علل و اسباب بروز امراض و کیفیت علاج آنها مطابق با طب بقراطی و جالینوسـی و اصول طب جدید، نام مؤلف علی العجاله بدست نیامد ولی از قراری که در یک موضع از مقدمه آن از جامع الحکمتین و مجمع الطّبین(کذا، صحیح مجمع الحکمتین و جامع الطّبین است چنان کـه در حـرف میم از همین کتاب مذکور خواهد شد تحت رقم ۷۱۵۸) نام می‌برد معلوم می‌شود که تألیف آن بعد از فوت عباس میرزا نائب السلطنه و بعد از تألیف کتاب مذکور بوده است.

آغاز: «بسمله الحمد لمن اشرقت الارض و السموات بنوره... اما بعد چون در این زمان کثیر الحدثان در مملکت ایران بلکه در عموم بلدان اعلام علوم جدیده رو باعتلا و ارتفاع گذاشته و مبانی فنون قدیمه میل بانمحا و ضیاع نهاده سیما طب قدیم الخ».

نسخه مذیل است به رساله«ایقان» از مؤلفی نامعلوم بشماره ۸۷۴۷.

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم(ظاهراً خود مؤلف)، تاریخ تحریر اواخر قرن سیزدهم، کاغـذ حنـائی فرنگی، عناوین بشنگرف، ۱۷س، ۱۶۷گ ۱۷×۲۱، جلد تیماج قهوه‌ای، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف شهریور ۱۳۳۸.

۳۰۱

غایۀ المنی فی تدبیر المرضی

(۱۰۹۷۶)

(ترکی)

ترجمه ترکی کتاب طب کیمیائی مذکور در صفحات قبل است از مدرس حسن که انرا در سنه ۱۰۹۸ بجهت ابراهیم پاشای وزیر ترجمه نموده است.

آغاز: «الحمدلله الذی تعالی ذاته عن العلل و المعلومات و تقدس عن لوازم و المتحیزات».

انجام: «لوحش الله اولدی زیبا شرح طب کیمیوی».

نسخ، کاتب علی بن مصطفی باب میدانی، تاریخ تحریر ربیع الاخر ۱۱۸۱، جداول و عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، جلد تیماج مشکی، ۱۹س، ۱۱۱گ ۱۶×۲۱، وقفی حاج محمد ایرانی مجرد در بهمن ماه ۱۳۵۰.

۳۰۲

غنی و منی

(۵۱۴۸)

(عربی)

کتابی است مشتمل بر عده‌ای از تجارب شخصی مؤلف و معانی اکثر اقاویل متقدّمین و متأخرین اطبا در سه مقاله(مقید به حروف جمل) از تألیفات ابومنصور حسن بن نوح القمری[1] مؤلف کتاب التنویر در تفسیر مصطلحات طبی که از معاصرین شیخ الرئیس ابوعلی سینا بوده و با او مکاتبه داشته و شیخ در مجلس درس او حضور می‌یافته است(عیون الانباء ۲: ۳۷۰، طبع بیروت ۱۹۵۶). از این کتاب یک نسخه بنام مقالات فی الطب در ایاصوفیه تحت رقم ۳۷۴۹ محفوظ است،

[1]. کاتب نسبت او را العمری منسوب به عمر نوشته و آن سهو بسیار فاحشی است.

فهرست عناوین و موضوعات مقالات

مقاله اول- در امراض باطنی مربوط به سر تا پا، مشتمل بر صد و ده باب:

يز) الطرفة،

يح) الظفرة،

يط) السّبل،

ك) الجرب،

كا) انتشار الشعر،

كب) الشعر المنقلب،

كج) القمل فى الاشفار،

كد) الماء،

كه) العشاء،

كو) الجهر،

كز) القروح فى العين،

كح) البياض فى العين،

كط) الغرب،

ل) الرشح،

لا) الانتشار،

لب) الشعيرة،

لج) الجحوظ،

لد) الحول،

له) الحرقة،

لو) الجسا،

لز) ضعف البصر،

لح) الزرقة،

لط) حفظ العين و جلاؤها،

م) وجع الاذن،

ما) الطرش،

مب) الطنين و الدوى،

مج) دخول الماء و الهوام فى الاذن،

مد) حفظ السمع،

مه) الخشم،

مو) البواسير فى الاذن،

مز) القروح فى الانف،

مح) النتن فى الانف،

مط) الرعاف،

ن) علل اللسان،

نا) القلاع،

نب) سقوط اللهاه،

نج) البخر،

ند) الناشب فی الخلق،

نه) علل الاسنان،

نو) علل اللثۀ،

نز) الخوانیق،

نح) الزکام و النزلۀ،

نط) السعال،

س) البحۀ

سا) خروج الدم من الفم،

سب) الربو،

سج) ذات الرئۀ،

سد) السل،

سه) ذات الجنب،

سو) علل القلب،

سز) الغشی،

سح) الوجع فی المعدۀ،

سط) الورم فی المعدۀ،

ع) النفخ فی البطن،

عا) الفواق،

عب) بطلان شهوة الطعام،

عج) الشهوة الكلبية،

عد) القطا،

عه) العطاش،

عو) سوء الهضم،

عز) التهوع و القى،

عح) الهيضة،

عط) المغص،

ف) الحلفه،

فا) اسهال الدم و الزحير،

فب) القولنج،

فج) الديدان فى البطن،

فد) علل الكبد،

فه) علل الطحال،

فو) اليرقان،

فز) الاستسقاء،

فح) الحصا،

فط) الورم فى الكلى و المثانۀ،

ص) بول الدم و المدۀ،

صا) الاسر،

صب) التقطير،

صج) ورم القضيب و الانثيين،

صد) علل المقعدۀ،

صه) الفتق،

صو) عرق النسا،

صز) النقرس،

صح) الحديه،

صط) الدوالى،

ق) داء الفيل،

قا) الباه،

قب) الاغذيۀ و الادويۀ المولدۀ للمنى،

فج) الحقن و الحمولات للباه،

قد) الاشياء التى تضر بالباه،

قه) الاحتلام و سيلان المنى،

قو) توتو الذكر،

قز) الزائدة فی اللذة،

قح) تغلیظ الذکر،

قط) تدبیر القبل،

قی) العذبوط،

قیا) السمنة و الهزال،

قیب) الحبل،

قیج) تدبیر الحبلی،

قید) تسهیل الولادة،

قیه) قطع الطمث،

قیو) ادرار الطمث،

قیز) الورم و القروح فی الرحم،

قیح) اختناق الرحم،

قیط) الرجا،

قک) تدبیر الثدی،

مقاله دوم- در بیماری‌های ظاهر، مشتمل بر ۴۳ باب:

ا. الخزاز،

ب) السفعة،

ج) داء الثعلب و الحیة،

د) انبات الشعر و ابطاله،

هـ) تكثيف الشعر و ترقيقه،

و) تقويهٔ الشعر و تطويله،

ز) القرع و الصلع،

ح) تشقق الشعر و تناثره،

ط) تسويد الشعر و تبييضه،

ى) تحمير الشعر و تصفيره،

يا) تجعيد الشعر و تسبيطه،

يب) الشيب،

يج) تبييض اللون و ترقيقه،

يد) تحمير اللون و تصفيره و تسويده،

يه) الكلف،

يو) النمش و الخيلان،

يز) البهق،

يح) البرص،

يط) الجذام،

ک) الرشم و الدم الميت،

كا) اثار القروح،

كب) علل الاظفار،

كج) التاليل،

كد) الشقاق و العثرة،

كه) السحج و العفر،

كو) القمل و الصيبان،

كز) الحصف،

كح) القوبا،

كط) الجرب و الحكة،

ل) الشرى،

لا) النملة و النار الفارسى،

لب) الاحراق و الكى،

لج) الاورام،

لد) الدماميل و القروح،

له) السرطان،

لو) الخنازير،

لز) السلع،

لح) الغدد و العقد،

لط) الدبيله،

م) الطاعون،

مب) الاكله،

مج) العرق المدنی،

مقاله سوم- در تب‌ها، مشتمل بر ۲۷ باب:

ا) حمی یوم،[۱]

ب) حمی الدق،

ج) الذبول،

د) حمی الغب،[۲]

هـ) الحمی المحرقهٔ،

و) الحمی المطبقهٔ،[۳]

ز) الحمی البلغمیهٔ،

ح) حمی الربع[۴]

ط) الحمی المختلفهٔ،

ی) الحمی مع الحر و البرد،

یا) حمی الوبا،

یه) مدد الحمیات،

---

۱. quotidian

۲. tertian

۳. inflammatory fever

۴. quartian

يو) مواقيت الحمى،

يز) النضج،[1]

يح) البحران،[2]

يط) ايام البحران،

ك) العلامات الجيدة،

كا) العلامات الرديئة،

كب) الانذار بالحوادث،

كج) تدبير الناقة،

كد) البول،

كه) النجو،

كو) النبض،

كز) نكت متفرقة من كلام محمد بن زكريا الرازى،

آغاز: «بسمله قال ابو منصور الحسن بن نوح العمرى(كذا) انى لم ازل فى صباى منذ عقلت احبّ العلوم الطبيعية و تنازعنى نفسى اليها و خصوصاً علم الطب»،

انجام: «و لله تعالى الذى الهمنى هذا العلم و هدانى اليه و وفقنى له الشكر دائماً و صلى الله على محمد و آله الطيبين»،

---

[1]. pepsis

[2]. crisis

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن ششم(۵۲ ورق اول نونویس و متعلّق به قرن دوازدهم)، کاغذ نخودی سمرقندی، عناوین ابواب و مطالب در متن و حاشیه بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ۱۹س، ۲۴۵گ ۱۵×۱۸، واقف زین العابدین خادم اصفهانی، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۳۰۳

غنی و منی

(۸۷۷۷)

از این نسخه بقدر یک صفحه از اوّل و یکی دو ورق از آخر ساقط است.

آغاز موجود: «من جمیعها نفسی و لیکون ذخرا للمسلمین».

انجام موجود: «فان کان لابد فمل الی تغییر التدبیر».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۴س، ۴۶۷گ ۱۱/۵×۱۹، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۴۸.

۳۰۴

غنی و منی

(۱۰۵۷۷)

این نسخه کامل است.

نستعلیق تحریری آمیخته بشکسته، کاتب عبدالباری حسینی، تاریخ تحریر ۲۹ محرم سال ۴۱ از جلوس محیی الدین عالم گیرشاه غازی، محل کتابت قلعه مرادآباد، کاغذ حنائی هندی، عناوین بشنگرف،

۱۸س، ۱۴۷گ ۱۷×۳۴، جلد میشن خرمائی با سجاف تیماج، خریداری آستان قـدس در مردادمـاه ۱۳۴۹

۳۰۵

فواید الانسان

(۵۱۱۶)

(فارسی)

منظومه‌ای است در بحر خفیف مزّین به صنعت توشیح[۱] در بیان منافع و مضرات طبی مفردات ادویه و اغذیه و بلافاصله پس از ان منافع مرکبات آنها از درویش دوائی که آنرا متدرجا در مدت سـه سـال فراهم آورده و بنام ابوالمظفر شاه جلال الدین محمد اکبر موشحّ نموده و مطابق با این مصراع از پادشاه مذکور در جواب سؤال ناظم از تسمیه کتاب که گفته(شده اسمش فواید الانسان) ضمن ایـن کـه انـرا موسوم به این اسم نموده تمام این مصراع را نیز ماده تاریخ تألیف خود یعنی سنه ۹۹۹ قرار داده است.

آغاز: «بسمله الله اکبر این چه حکمت همیون و نعمت گوناگون است».

انجام: «بقدر ضعف اجزا و عسل اراده یافته و من الله التوفیق».

---

[۱] . توشیح آن است که حروف اول ابیات یا مصاریع را در شعر چنان بیاورند که از مجموع آنها شعری یا عبارتی یا نام شخصی یا چیزی بدست آید وچنین شعری را موشح گویند مثل این دو بیت:

معشوق دلم بتیر اندوه بخست — حیران شدم و کسم نمی‌گیرد دست

مسکین دل من زبار محنت شده پست‌دست غم دوست پشت صبرم بشکست

و مثل ابیات ذیل از این کتاب در بیان منافع حنا:

ح	حار نبود که بار دست حنا	حسن ناخن دهد بشرب و طلا
ن	نافع نبود که بار دست حنا	در دوم خشک و فاتحش می‌دان
ا	آورد قبض ومی‌برد تحلیل	روغنش ماندگی برد ز علیل

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذی قعده ۱۰۳۵، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج، ۱۳س، ۱۰۵گ ۱۱×۱۸/۵، واقف نامعلوم.

۳۰۶

فی الطّب الجدید الکیمیائی[۱](کتاب...)

(۱۰۵۲۳)

(عربی)

نام جامع و مترجم آن با فحص بلیغی که در مأخذ مختلف بعمل آمد علی العجاله معلوم نشد، ولی احتمال ضعیفی می‌رود که کتاب از روی ترجمه سریانی یا مستقیماً و بدون واسطه از روی متن اصلی لاتینی بزبان عربی درآمده باشد و چنانکه در یک موضع از ورق ۳b و موضعی دیگر از ورق ۵a مسطور است مبتنی است بر اقوال براکلس[۲] در دو کتاب از تألیفات او یکی بنام«براغنانی؟» و دیگری موسوم به«ایلیاستر» و قول افلاطون در کتاب نفس العالم(ن.ل. وسط العالم) (f.۴a) و کتاب

[۱] . در مقدمه کتاب مؤلف در خصوص معنی این عبارت شرحی نوشته است که نقل آن در این موضع خالی از فایده نیست، گوید: –«فنقول الکیمیا لفظ یونانی اصلخ خمیا و معناه التحلیل و التفریق و بعض الناس یطلق علیه الصناعهٔ الهرمسیه و قال قوم یطلق علیه سر الکهنهٔ و اول من اخترعه هو هرمس المثلث المصری و علمه(f.۱b) للکهنهٔ و بعد ذالک شاع حتی وصل الی یونان و صنفوا فی ذالک کتبا ورسائل ثم انتقل الی الاسلامیین و الفوا فیه کتبا کثیرهٔ و رسایلا عدیدهٔ و المقصود من ذالک اصلاح المعادن و تغیرها من الفساد الی الصلاح کقلب النحاس فضهٔ و الفضهٔ ذهبا الی ان جاء براکلوس الجرمانی فغیر الغرض من صناعهٔ الکیمیا و جعله من اقسام صناعهٔ الطّب و سماه اسباغریا باللطینیهٔ (Spagiriae یعنی شیمی پزشکی باصطلاح امروز، و در زبان انگلیسی آنرا Spagyric و عالم این علم راSpagyrist می‌گویند) و معناه جمع المختلفات و تصریفها و هذا الاسم مخصوص بصناعهٔ الطب الکیمیائی(= شیمی پزشکی) و قد یطلق الکیمیاء علی الحکمهٔ و اسرار الطبیعهٔ لکن ههنا المراد من لفظهٔ الکیمیاء اسباغریا الصناعهٔ الطبیهٔ الکیمیائیهٔ و موضوعه الاجسام المعدنیهٔ و حدّه صناعهٔ یعرف بها کیفیهٔ تحلیل المعدنیات و اصلاحها و غایته قسمان منها ما هو داخل و هو تحلیل المعدنیات و تنقیتها عن الاشیاء الفاسدهٔ و ترکیبها و تفریقها و منها ما هو خارج(f.۲a) و هو قسمان ایضا احدهما تکمیل المعدنیات الناقصهٔ و تغییر صورها ال صورهٔ اشرف من الصورهٔ الاولی و ثانیها حفظ صحهٔ بدن الانسان و ازالهٔ مرضه و غرضنا من هذا العلم ههنا حفظ صحهٔ بدن الانسان و بعض ینکر جواز العلاج بالمعدنیات قایلا انها لا تنفعل عن الطبیعهٔ و ما انفل عنها ربما اهلکت بسمیتها و لم یعلم انه بهذه الصناعهٔ تعرف تلطیف اجسامها و تنقیهٔ سمیتها فتصیر منفعلهٔ عن الطبیعهٔ موثره فیه اثرا خالیا عن السمیهٔ الخ» انتهی باختصار.

[۲] . این شخص باحتمال فوق العاده قوی بل بظّن مطابق واقع همان Proclos (۴۱۲–۴۸۵میلادی) یعنی همان برقلس معروف مذکور در اخبار الحکماء قفطی باید باشد.

طیماوس(همان ورق) و آراء ارسطو در کتاب الحیوان(ایضا) و قول هرمس در کتـاب العقـل(ایضـا) و قول«الامام ابقراط» در کتاب الامراض الداخلۀ(f.۳a) ، و مطابق با صریح منقولات یک موضع از آن انتخابی است از اقوال سنارنوس الجرمانی و وافریوس باین عبارت(f.۴۶a) : «هذا ما اخترناه و نقلناه من سنارنوس الجرمانی الذی الف فی صناعۀ الطب و مـن قرابـادین وافریـوس مـن تقطیـر الارواح و الادهان» و بلافاصله پس از این کلمات علت ترجمه خود را از کتـاب قرولیـوس مسـمی بـه کیمیـا باسیلیقا[۱](ایضا در موضوع طب کیمیائی= شیمی پزشکی) که از زبان لاتین بعمل آورده بـاین عبـارات بیان نموده و کتاب خود را به ترجمه مذکور خاتمه داده است: «و قد الف فی صناعۀ الطب الکیمیـائی قرولیوس کتابا مختصرا مفید الملک زمانه و هو یشتمل علی مقالتین فاردنا ان ننقله مـن اللاتینیـۀ الـی العربیۀ لیکون عام النفع و سما هذا المختصر کیمیا باسیلیقا یعنی الکیمیا الملکیۀ[۲].

فهرست عناوین مقالات و فصول

مقدمه– فی تعریف[الطب] الکیمیائی و بیان الحاجۀ الیها و الغرض منها.

المقالۀ الاولی: فی الجزء النظری من اسباغریا و هو طب الکیمیائی فی الامور الطّبیۀ، مشتمل بر ده فصل باین شرح:

– فی الهیولی و السرّ الاکبر.

– فی العناصر.

– فی الصّور و الانواع و اصول الاشیاء.

---

[۱] . Crollius, Basilica Chymica.

[۲] . basillicus در زبان لاتینی یعنی شاهانه و شاهوار(در طب مجازا یعنی رگ باسلیق) مرادف با لفظ باسیلئوس در زبان یونانی و rpyal در زبان انگلیسی و فرانسه.

– فی الحیوة(فی المعدن و النبات و الحیوان).

– فی الحرارة المنبثة و الرّوح.

– فی الاصول التی تترّکب منه الاجسام.

– فی المزاج و التکون.

– فی الانواع المتولدة من انواع المختلفة.

– فی کیفیة تغیر صور الاجسام مع بقاء صورتها النوعیة الاصلیة الباطنیة.

– فی نسبة العالم الاکبر[۱] الی العالم الاصغر[۲] الذی هو الانسان.

المقالة الثانیة: فی اساس الطب الکیمیائی، مشتمل بر نه فصل بتفصیل زیر:

– فی معرفة ترکیب بدن الانسان و قواه.

– فی اسباب الامراض.

– فی کیفیة عروض الامراض و معنی الخلط المسمی عندهم(یعنی اصحاب طب کیمیائی) بالطرطیر.

– فی النبض.

– فی البول.

– فی نوائب الحمیات و ادوار الامراض.

– فی العلاج الکلی و اشارة الی بعض المعالجات.

– فی معرفة خواص الاشیاء من اشکالها و الوانها و طعومها و قوامها و غلظتها و رائحتها و محلها المتولدة فیه.

---

[۱]. Macrocosmos

[۲]. Microcosmos

- فی الادویهٔ المنسوبهٔ الی الکواکب.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی کیفیهٔ تدبیر الادویهٔ و تحلیلها و تنقیتها علی طریقهم، در سیزده فصل از این قرار:

- فی معرفهٔ درجات الحرارهٔ.

- فی الحل.

- فی الحرق و القلی.

- فی ان جمیع الاعمال یکون لوجهین اما بالتفریق و التحلیل او بالجمع و التجمید.

- فی السحق.

- فی الحرق الذی یکون بالنار التی بالقوهٔ.

- فی التعفین و التخمیر.

- فی الغسل.

- فی النقع و الطبخ.

- فی التقطیر(distillation).

- فی التصعید(sublimation).

- فی العقد.

- فی الحفظ و التربیهٔ.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی العملیات، مشتمل بر هجده فصل بتفصیل زیر:

- فی تقطیر المیاه و الارواح.

- فی استخراج المیاه و الارواح.

- فی استخراج روح الافسنتین.[1]

- فی استخراج روح کاردوبناریتی.

- فی استخراج روح الشرب مع الطرطیر المفتح للسّدر.

- فی استخراج المیاه من الافاویه.

- فی استخراج روح صمغ البطم[2] و دهنه.

- فی استخراج روح قرن الابل النافع للامراض الردیۀ.

- فی استخراج ماء العسل و روحه.

- فی استخراج المعدنیات.

- فی استخراج روح الملح المعذنیۀ النافعۀ لمنع العفونۀ.

- فی استخراج روح الملح المرکب.

- فی استخراج روح الزاج.

- فی استخراج ماء الکبریت.

- فی استخراج روح النوشادر.

- فی استخراج الروح المعرق.

- فی الادهان و کیفیۀ استخراجها.

- فی استخراج ادهان المعدنیات.

فهرست مقالات و فصول کتاب«کیمیا باسیلقیا»

---

[1]. Absinth"ium"

[2]. Pistacla Acuminato

این کتاب چنان که در ابتدای این مقال مذکور شد تألیف فرولیوس است و مشتمل است بر دو مقاله باین شرح:

المقالۀ الاولی: فی المعالجات الکلیّۀ، مشتمل بر هشت فصل بشرح زیر:

- فی الانضاج.

- فی القی.

- فی المسهل.

- فی الادرار.

- فی العرق.

- [فی المقویات و الحافظات].[1]

- فی مسکنات الوجع و لمنومات.

- فی المشمومات.

المقالۀ الثانیۀ: فی المعالجات الجزئیۀ، در دو فصل:

- [فی الاستسقاء].

- فی الادویۀ الحمیات و الجروح و القروح و الادویۀ النافعۀ لجمیع السموم.

آغاز: «بسمله و بعد فهذا کتاب الطب الجدید الکیمیائی الذی اخترعه براکلوس».

انجام: «فان فعل هذا المرهم بخاصیته فیه بتوسط روح العالم کما یفعل الحدید فی المغناطیس».

---

[1]. عنوان این فصل از ترجمه فارسی کتاب نوشته شد.

نسخ درشت، کاتب اسماعیل بن ابراهیم الطبیب البغدادی، تاریخ تحریر: ۱۸ جمادی الثانی ۱۲۳۲(سنهٔ الثانیهٔ و الثلاثون بعد الالف و مائتین)، محل کتابت مکّه معظمهٔ، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلـد مقوا با رویه پارچه، ۱۴س، ۹۱گ ۲۱×۲۸، خریداری آستان قدس در مردادماه ۱۳۴۹.

۳۰۷

القانون

(۵۱۲۰)

(عربی)

این کتاب که از حیث بسط و جامعیت و شمول بر قوانین کلّی و جزوی جمیع شعب و اجزاء و مباحث و فنون علم پزشکی و از آن طرف از لحاظ حسن ترتیب و تنسیق مطالب و رعایت و حفـظ ترتیـب منطقی موضوعات قطعاً و حقاً از امهات کتب در علم طب بشمار می‌رود مهم‌ترین تصنیف طبّی شـیخ الرئیس شرف الملک ابوعلی حسین بن عبدالله سینا(متولّد در سنه ۳۷۰ ببخارا و متوفی در سال ۴۲۸ به همدان) از اجلّه فلاسفه دهر و یکی از اشهر مشاهیر عالم است که فرط شهرت و کثرت معروفیت اودر جمیع آفاق شرقا و غربا و بعدا و قربا ما را در این موضع بکلی مستغنی از هر گونه اطالـه کلامـی در خصوص او می‌کند.[۱]

---

[۱] . ترجمه احوال و اسامی مصنفات شیخ در عموم کتب تواریخ اطبا و حکما بتفصیل مسطور است و اول از همه از لحاظ قدمت رساله شاگردش ابوعبید عبدالواحد جوزجانی است که آن را براساس مسموعات خود از شیخ تألیف نموده و بعد از آن کتابهائی از قبیل عیون الانباء(۳: ۳-۳۹، طبع بیروت ۱۹۵۷) و اخبار الحکما(۴۱۳-۴۲۶، طبع لیپزیک) و تتمه صوان الحکمهٔ(۳۸-۶۲) و وفیات الاعیان(۱: ۱۵۲-۱۵۴، طبع بولاق) و النجوم الزاهرهٔ تألیف ابن تعزی بردی(۵: ۲۵-۲۶) و شذرات الذهب(۳: ۱۳۴-۱۳۷، ذیل وفیات سنه ۴۲۸) و المختصر فی اخبار البشر تألیف ابی الفدا(۴: ۶۱-۶۲) و مختصر الدّول ابن العبری(۳۲۵-۳۳۰) و غیره و غیره.

قسمت اول این کتاب را شیخ در حوالی سنه ۴۰۳ در جرجان و قسمت دیگر را در حدود ۴۰۵ در ری و بقیه را در سنوات مابین ۴۰۵ تا ۴۱۴ در همدان تصنیف نموده[1] و آن را چنانت که ملاحظه خواهیم نمود اساساً منقسم بر پنج کتاب و هر کتاب را بچندین فن و تعلیم و جمله و مقاله و فصل تقسیم کرده است.

بر این کتاب که بدفعات در ممالک عالم بطبع رسیده و در اعصار مختلف به السنه فارسی و لاتینی و عبری و روسی و اوزبکی و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی نقل و ترجمه شده است شروح و حواشی و تفاسیر فوق العاده کثیری نوشته‌اند(اکثر این شروح بزبان عربی است) و علاوه بر آن عدّه‌ای نیز آن را تلخیص نموده‌اند که بعلّت ضیق مجال از ذکر نام شارحان و مترجمان در این موضع بکلی صرف نظر نموده قارئین محترم را بجهت مزیر اطلاع علی العجاله به به مأخذ مذکور در ذیل ارجاع می‌دهیم: کشف الظنون(باب القاف) و مقدمه بر تاریخ علم ۲: ۲۷۶-۲۷۷(قسمت انگلیسی)، و کتاب E. wickersheimer موسوم به: Une liste dressee au xv siècle des commentateurs du ۱er livere du Canon d'Avecienne, Leyde ۱۹۳۰. و کتاب آلدومیلی[2] که اکثر ترجمه‌های لاتینی و سنوات چاپ آنها را ذکر نموده و در یک موضع از آن کامل‌ترین طبع آن را در سنه

---

[1]. La science arabe et son role dans Levolution scientifique mondiale, pp.۱۰۲-۱۰۵.

[2]. تحت این عنوان(به اختصار):

Avicenna Canonis Libri V^{ex} Gerardi Cremonensis et Andreae Alpagi, Bellunesis, castigation, a Joanne Costaeo et Joanne pAulo Mogio annotationibus jampridem illustrates, nunc vero ab eodem Costaeo recognitus… Libellus de Viribus cordis, translates ab Arnaldo de Villanova. Libelli de Removendis Nocu mentis et de Syrupo aecetoso, traducti exarabico in latinum par Andream de Alpago, Bellunensem, Cantica translate ab Armengado blasii. Vita ipsius Avicennae ex Sorsano arab, ejus discipulo, a Nicolao Massa latine seripta… Additus nuper etiam Librorum Canonis oeconomiae nec non tabulis isagogicis in universam medicinam xe arte Hunain, id est Joannitii Arabis per Fabium Paulinum, Utinensum… collectis a Fabritio Raspano… cum indicibus quatuor…

۱۵۹۱ و ۱۶۰۸ در دو جزو در اروپا بعمل آمده نشان داده است.[۱] علاوه بر اینها همچنین مراجعه شود به فهرست مصنفات این سینا از G.C.Anawati که از حیث بدست دادن اطلاعات در خصوص نسخ خطی تألیفات ابن سینا و کتابهائی که از او به طبع رسیده بسیار مغتنم است.

فهرست عناوین و تقسیمات کتاب قانون

الکتاب اول: فی الامور الکلیهٔ و هو یشتمل علی اربعهٔ فنون:

الفن الاول- فی حد الطب و موضوعاته، مشتمل بر شش تعلیم:

التعلیم الاول: فی موضوعات الطب وحده، مفصّل بر دو فصل(فی تحدید الطب، فی موضوعات الطب).

التعلیم الثانی: فی الارکان، در یک فصل.

التعلیم الثالث: فی المزاجات، در سه فصل.

التعلیم الرابع: فی الاخلاط، در دو فصل.

التعلیم الخامس: فی الاعضاء، در یک فصل و پنج جمله باین شرح:

الف) فی العظام، در سی فصل.

ب) فی العضل، در بیست و نه فصل.

ج) فی العصب، در شش فصل.

د) فی الشرائین، در پنج فصل.

هـ) فی الاوردهٔ، در پنج فصل.

التعلیم السادس: فی الارواح و القوی و الافعال، در یک جمله(شامل ۶ فصل) و یک فصل.

۱

تعلیم:

التعلیم الاول: فی الامراض، در هشت فصل.

التعلیم الثانی: فی الاسباب، در دو جمله(جمله اول در ۱۹ فصل و جمله دوم در ۲۹فصل).

التعلیم الثالث: فی الاعراض و الدلایل، در ۱۱ فصل و دو جمله(جمله اول در نبض شامل ۱۹ فصل و جمله دوم در بول و براز مشتمل بر ۱۳ فصل).

الفن الثالث- فی حفظ الصحّۀ مشتمل بر یک فصل(فی سبب الصحۀ و المرض و ضرورۀ المـوت) و پنج تعلیم:

التعلیم الاول: فی التربیۀ، در ۴ فصل.

التعلیم الثانی: فی التدبیر المشترک للبالغین، در ۱۷ فصل.

التعلیم الثالث: فی تدبیر المشایخ، در ۶ فصل.

التعلیم الرابع: فی تدبیر بدن فیمن مزاجه غیر فاضل، در ۵ فصل.

التعلیم الخامس: فی الانتقالات، در یک فصل و یک جمله(مشتمل بر ۸ فصل).

الفن الرابع- فی تصنیف وجوه المعالجات بحسب الامراض الکلیۀ، مشتمل بر ۳۱ فصل.

الکتاب الثانی: فی الادویۀ المفردۀ و ذلک یشتمل علی مقالتین:

المقالۀ الاولی: فی القوانین الطبیعیۀ، در ۶ فصل.

المقالۀ الثانیۀ: فی الادویۀ المفردۀ، در ۱۶ فصل.

الکتاب الثالث: فی الامراض الجزئیۀ الواقعۀ باعضاء الانسان عضو عضو من الرأس الی القدم ظاهرها و باطنها و هی اثنان و عشرون فنا:

الفن الاول – فی احوال الرأس و الدماغ، مشتمل بر ۵ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی کلیات امراض الرأس و الدماغ، در ۲۰ فصل.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی اوجاع الرأس.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی اورام الرأس.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی امراض الرأس.

المقالهٔ الخامسهٔ: فی امراض دماغیهٔ.

الفن الثانی – فی امراض العصب، در یک مقاله.

الفن الثالث – فی تشریع العین و احوالها، در ۴ مقاله.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی باقی امراض المقلهٔ و اکثره فی علل الترکیب و الاتصال.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی احوال الجفن.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی احوال القوهٔ الباصرهٔ و افعالها.

الفن الرابع – فی احوال الاذن، در یک مقاله.

الفن الخامس – فی احوال الانف، در ۲ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی الشم و آفاته.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی باقی احوال الانف.

الفن السادس – فی احوال الفم و اللسان، در یک مقاله.

الفن السابع – فی احوال الانسان، در یک مقاله.

الفن الثامن – فی احوال اللثه و الاسنان، در یک مقاله.

الفن التاسع – فی احوال الحلق، در یک مقاله.

الفن العاشر – فی احوال الریۀ و الصدر، در ۵ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی الاصوات و فی النفس و تشریح الحنجرۀ و القصبۀ الریۀ.

المقالۀ الثانیۀ: فی الصوت.

المقالۀ الثالثۀ: فی السعال و نفث الدم.

المقالۀ الرابعۀ: فی اصول نظریۀ من علم اورام اعضاء نواحی الصدر و قروحها غیرالقلب.

المقالۀ الخامسۀ: فی اصول علمیۀ فی ذلک العلاج المشترک لاورام نواحی الصدر و الریۀ.

الفن الحادی عشر – فی احوال القلب، در ۲ مقاله.

الفن الثانی عشر – فی الثدی و احوالها، در یک مقاله(شامل ۶ فصل).

الفن الثالث عشر – فی المری و المعدۀ و احوالها، در ۵ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی احوال المری و فی الاصول من احوال المعدۀ، در ۱۷ فصل.

المقالۀ الثانیۀ: فی تدبیر آلام لمعدۀ و ضعفها و حال شهوتها، در ۱۰ فصل.

المقالۀ الثالثۀ: فی الهضم و ما یتصل به، در ۹ فصل.

المقالۀ الرابعۀ: فی الامراض الالیۀ و المشترکه العارضۀ للمعدۀ فی الاورام الحارۀ التی فی المعدۀ، در ۶ فصل.

المقالۀ الخامسۀ: فی احوال المعدۀ من جهۀ ما یشتمل علیه و یخرج عنها و شیء من احوال المراق و ما یلیها در ۱۱ فصل.

الفن الرابع عشر – فی الکبد و احوالها، در ۴ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی کلیات احوال الکبد، در ۹فصل.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی ضعف الکبد و سددها و اوجاعها و نفخها، در ۴ فصل.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی اورام الکبد و تفرق اتصالها، در فصل.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی الرطوبات التی تعرض لها بسبب الکبد ان یندفع بارزهٔ او یحتقن کامنه، در ۱۴ فصل.

الفن الخامس عشر– فی احوال المرارهٔ و الطحال، در ۲ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی تشریح المرارهٔ و الطحال و فی الیرقان، در ۷ فصل.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی باقی احوال الطحال، در ۹ فصل.

الفن السادس عشر– فی احوال الامعاء و المقعدهٔ، در ۵ مقاله.

المقالهٔ الاولی: فی تشریحها و الاستطلاق المطلق، در ۳ فصل.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی معالجات اصناف الاسطلاقات المختلفهٔ المذکورهٔ بعد الفراغ من العلاج الکلی.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی ابتداء بذکر القولنج و اوجاع الامعاء.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی علاج القولنج و الکلام فی ایلاوس و اشیاء جزئیهٔ من امراض الامعاء و احوالها.

المقالهٔ الخامسهٔ: فی الدیدان.

الفن السابع عشر– فی علل المقعدهٔ، در یک مقاله.

الفن الثامن عشر– فی احوال الکلیهٔ، در ۲ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی کلیات احکام الکلیهٔ.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی اورام الکلیهٔ و تفرق اتصالها.

الفن التاسع عشر– فی احوال المثانهٔ و البول، در ۲ مقاله:

المقالة الاولی: فی احوال المثانة[تشریح المثانة].

المقالة الثانیة: فی الافات التی تعرض للبول.

الفن العشرون- فی احوال اعضاء التناسل من الذکران، در ۲ مقاله:

المقالة الاولی: فی الکلیات و فی الباه.

المقالة الثانیة: فی احواء هذه الاعضاء مما لایتصل بالباه.

الفن الحادی و العشرون- فی احوال الرحم و امراضه، در ۴ مقاله:

المقالة الاولی: فی الاصول و فی العلوق و الوضع.

المقالة الثانیة: فی الحمل و الوضع.

المقالة الثالثة: فی سایر امراض الرحم سوی الاورام و ما یجری معها فی احکام الطمث.

المقالة الرابعة: فی افات وضع الرحم و اورامها و ما یشبه ذلک.

الفن الثانی و العشرون- فی امراض ظاهرة و طرفیه الاعضاء، در ۲ مقاله:

المقالة الاولی: فیما یعرض لها من افات المقدار و الوضع فی هیئة التزب و الصفاقین.

المقالة الثانیة: فی اوجاع الاعضاء.

الکتاب الرابع: فی الحمیات و هو سبعة فنون:

الفن الاول- کلام کلی فی الحمیات، در ۵ مقاله بشرح ذیل:

المقالة الاولی: فی الحمیات، در ۳۱ فصل.

المقالة الثانیة: ابتداء القول فی الحمیات العفینة و تمام القول فی الحمیات الدمویة الصفراویة.

المقالة الثالثة: کلام کلی فی الحمیات الصفراویة.

المقالۀ الرابعۀ: کلام کلی فی الدق.[1]

الفن الثانی – فی تقدمۀ المعرفۀ[2] و احکام البحران[3]، در ۲ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی البحران و مذاهب الاستدلال علیه فی البحران و علی الخیر و الشر و ما هو اقسامه و احکامه، در ۱۷ فصل.

المقالۀ الثانیۀ: فی اوقات البحران و ایامه و ادواره.

الفن الثالث – فی الاورام و البثور، در ۳ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی الحارۀ منها و الفاسدۀ.

المقالۀ الثانیۀ: فی الاورام الحارۀ و ما یجری مجریها.

المقالۀ الثالثۀ: فی الجذام ماهیته و سببه.

الفن الرابع – فی تفریق الاتصال، در ۴ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی الجراحات.

المقالۀ الثانیۀ: فی السحج و الرض و الفسخ و الوثی و السقطۀ و الصدمۀ و الحرق و نزف الدم و نحو ذلک.

المقالۀ الثالثۀ: فی القروح.

المقالۀ الرابعۀ: فی تفریق اتصال العصب و ما یتعلق بالجبر من تفریق اتصال العظام[و] جراحات القصب و قروحها و ما یجری مجریها.

---

[1]. مقاله پنجم در نسخه موجود نیست یا هست و کاتب عنوان آنرا ننوشته و این شق اخیر درست‌تر می‌نماید.

[2]. Prognosis

[3]. این کلمه سریانی است و منسوب به آنرا با حوری گویند و آن مرادف است با کلمه Crisis در السنه اروپائی.

الفن الخامس– فی الجبر، در ۳ مقاله:

المقالهٔ الاولی: کلام کلی فی الخلع.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی اصول کلیهٔ فی الکسر و فی احکام الجبر و کیفیهٔ الربط و استعمال الجبایر.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی کسر عضو عضو.

الفن السادس– فی السموم، در ۵ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی اصول ما یعلم من احوال السموم المشروبهٔ و تفصیل القول فی المعالجات السموم التی لیست بحیوانیهٔ.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی فی السموم المشروبهٔ الحیوانیهٔ.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی تدبیر النهش الکلی فی طرد الحشرات و فی علاج لذع الحیات و اصنافها، در ۱۸ فصل.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی عض الانسان و ذوات الاربع.

المقالهٔ الخامسهٔ: فی لسوغ الحشرات و عضوضها.

الفن السابع– فی الزینهٔ[۱]، در ۴ مقاله:

المقالهٔ الاولی: فی احوال الشعر.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی احوال الجلد من جهةٔ اللون.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی السعفهٔ و الشیرینج و البلخیهٔ و البطم.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی احوال ما یتعلق بالبدن و الاطراف و هی آخر تمام کتاب الزینهٔ.

---

۱. Cosmetic

الکتاب الخامس: فی الادویۀ المرکبۀ[1] و هو اقرابادین[2] و هو ینقسم الی مقالۀ علمیۀ و الی جملتین:

المقالۀ العلمیۀ: فی الحاجۀ الی الادویۀ المرکبۀ.

الجملۀ الاولی: فی المرکبات الراتبۀ فی القراباذینات، مشتمل بر ۱۲ مقاله باین شرح:

المقالۀ الاولی: فی التریاقات و المعاجین الکبار.

المقالۀ الثانیۀ: فی الایارجات.

المقالۀ الثالثۀ: فی الجوارشات المسهلۀ و غیرالمسهلۀ.

المقالۀ الرابعۀ: فی السفوفات و القمایح و وجورات الصبیان.

المقالۀ الخامسۀ: فی اللعوقات.

المقالۀ السادسۀ: فی الاشربۀ و الربوب.

المقالۀ السابعۀ: فی المربیات و الاینجات.

المقالۀ الثامنۀ: فی الاقراص.

المقالۀ التاسعۀ: فی السلاقات و الحبوب.

المقالۀ العاشرۀ: فی الادهان.

المقالۀ الحادیۀ عشر: فی المراهم و الضمادات.

المقالۀ الثانیۀ عشر: فی ذکر المعاجین و الجوارشیات مما یصلح للامراض عضو عضو.

الجملۀ الثانیۀ: فی الادویۀ المرکبۀ المجربۀ فی مرض مرض، در ۹ مقاله:

المقالۀ الاولی: فی احوال الرأس و ما فیه من الدماغ.

---

[1] . compound remedies در مقابل simple remedies یعنی ادویه مفرده.

[2] . pharmacopoeia ، و قرابادین(قرابادین) تحریف کلمه یونانی«graphidion» است.

المقالة الثانية: فی العین الرمد و تجلب المواد الردیة الی العین.

المقالة الثالثة: فی الاذن و وجع الاذن و ورمه و قیحه و ثقله.

المقالة الرابعة: فی الاسنان.

المقالة الخامسة: فی الفم و الحلق و الجوف الاعلی الذبح و الخوانیق.

المقالة السادسة: فی الجوف الاسفل.

المقالة السابعة: فی اوجاع المفاصل النقرس و عرق النسا.

المقالة الثامنة: فی داء الثعلب.[۱]

المقالة التاسعة: فی الاکیال و الاوزان.[۲]

آغاز: «بسمله حمد له و بعد فقد التمس منی بعض خلص اخوانی الخ».

انجام: «هو شراب یتحذ من عصارة الورد مع العسل».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ کتابت سلخ ذیقعدة الحرام سنه ۱۰۷۷، محل تحریر اردبیل، جداول اوراق به طلا و تحریر، عناوین به سرخی، دارای سه سرلوح ظریف مذهب نسبةً کم کار(در آغاز کتابهای اول و سوم و چهارم)، کاغذ نباتی آهار مهره، اندازه جدول ۸/۵×۱۷/۵، بعضی صفحات معلق به حواشی حکیم علی و آملی، ۲۱س، ۸۴۸گ ۱۵×۲۵، جلد تیماج خرمائی ضربی زرکوب، واقف صدیق الملک، تاریخ وقف ۱۳۱۲.

۳۰۸

قانون

[۱]. Alopecia

[۲]. در بیان تقسیمات کتاب قانون اشتباهات کاتب را متعرض نشدیم.

(۵۱۱۸)

کتاب اول و آغاز آن برابر با آغاز نسخه قبل است.

انجام: «و لناخذ فی تصنیف کتابنا فی الادویۀ المفردۀ».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن نهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، برخی حواشی به رمز«م ق ر» و بعضی بنام«علی»، ۲۹س، ۱۳۸گ ۲۱×۳۲، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف حاج میرزا حسین، تاریخ وقف بعد از قرن نهم.

۳۰۹

قانون

(۵۱۱۹)

از ابتدای فصل اول از تعلیم اول از فن اوّل کتاب است(فی حدّ الطب) تا ابتدای کتاب دوم(فی الادویۀ المفردۀ).

آغاز: «بسمله الفصل الاولی... اقول ان الطب علم یتعرف منه احوال البدن».

انجام: «کافیا و لناخذ فی تصنیف کتابنا فی الادویۀ المفردۀ».

نسخ خوب، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رجب ۱۰۷۳، عناوین به شنگرف و اوراق آخر بدون عناوین، معلق به برخی حواشی، کاغذ دولت آبادی، ۲۵س، ۳۵گ ۱۵×۲۵، جلد تیماج، از سنه ۱۰۹۰ تا ۱۲۸۹ ده مرتبه داخل عرض شده، وقفی نادرشاه در سنه ۱۱۴۵.

۳۱۰

قانون

(۵۱۱۲)

مشتمل بر کتاب دوم یعنی الادویهٔ المفردهٔ است.

آغاز: «بسمله حمدله فان هذه الکتب التی صنفناها فی الطب».

انجام: «تمت الادویهٔ المفردهٔ من کتاب القانون من الکتاب الثانی».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن دوازدهم، محل تحریرکاشان، کاغذ حنائی آهاری، ۲۰س، ۱۵۱گ ۱۸×۲۵، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی نادرشاه در ۱۱۴۵.

۳۱۱

قانون

(۶۶۳۰)

این نسخه بغایت منقح و نفیس و مشتمل است بر کتاب پنجم یعنی ادویه مرکبه و قرابادین pharmacopoeia.

آغاز: «بسمله لقد فرغنا من الکتب الاربعهٔ من ذکر جمل العلم النظری و العملی».

انجام: «تم القرابادین... و الحمدلله... علی ما وفقنی لا تمامه بعد التأمل فی متن کلامه وسط لیلهٔ الاحد بعون الله اللطیف الصمد... مستعینا من خواطر ارباب الفضل و الافضال ان یساعدونی بهمهم و یعینونی بکرمهم علی نقد هذا القانون وحله و التمتع باصحاب هذا الفن و اهله و الله المرشد لکل لبیب و ملهم الحق لکل تقی طبیب».

نسخ، کاتب داود بن شمعون العبری، تاریخ تحریر اواسط ربیع الاخر سنه ۷۳۶، عناوین بقلم ثلث و بسیاهی، بالای عناوین مقالات خطی بشنگرف، کاغذ حنا نبالغ، ۳۱س، ۸۳گ ۱۶×۲۴، اندازه مسطر ۱۱×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه و عطف و گوشه چرمی، خریداری آستان قدس در فروردین ۱۳۲۴.

۳۱۲

قانون

(۵۱۲۲)

از ابتدای مقاله اول از فن اوّل کتاب سوم است تا ابتدای کتاب چهارم.

آغاز: «بسمله المقالة الاولی فی کلیات احکام امراض الرأس و الدماغ و هی عشرون فصلاً».

انجام: «و التین المطبوخ مجموعه و فراوی».

نستعلیق تحریری، کاتب عبدالله(در آن دست برده آنرا البعد الجیلانی کرده‌اند)، تاریخ تحریر حدود قرن یازدهم هجری، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهار مهره، جلد تیماج قهوه‌ای، مختلف السطور، ۳۶۰گ ۱۸×۳۵، وقفی نادرشاه در سنه ۱۱۴۵.

۳۱۳

قانون

(۵۲۰۷)

نسخه کامل و آغاز و انجام آن مطابق است با نسخه موصوف در ذیل شماره ۵۱۲۰.

نستعلیق کم نقطه، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر چهارشنبه ۲۰ ربیع الاول ۱۰۶۲، عناوین بشنگرف و بقلم ثلث، جداول اوراق به طلا و تحریر، اندازه جدول ۷/۵×۱۶، دارای چهار سرلوح ظریف مذهب

مختلف(یکی در ابتدای نسخه، دیگری در آغاز کتاب دوم، سرلوح سوم در ابتـدای کتـاب چهـارم، و سرلوح چهارم در اوّل کتاب پنجم)، کاغذ حنائی آهاری، ۲۹س، ۵۴۵گ ۱۴×۲۳، جلد تیماج زرشکی، بیرون ساده درون ترنج و سرترنج ضربی، وقفی میرزا رضا نائینی.

۳۱۴

قانون

(۵۲۰۸)

این نسخه نیز کامل است.

نسخ خفی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن دوازدهم، عناوین بسرخی، جداول اوراق بزر محرر، اندازه جدول ۶/۵×۱۴، دو صفحه اول تمام تذهیب بشیوه کشمیر و از سه طرف دارای شـرفه، کاغـذ حنائی آهاری، فهرست در هشت صفحه در ابتدای نسخه، ۳۵س، ۶۰۹گ ۱۱/۵×۲۰، جلد سـاغری مشکی، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۳۱۵

قانون

(۵۲۰۹)

مشتمل بر کتاب اوّل است.

آغاز: «بسمله حمد له و بعد فقد التمس منی الخ».

انجام: «و لناخذ فی تصنیف کتابنا الخ».

نسخ، کاتب اسمعیل بن حاج مقیم سرخه، تاریخ کتابت: ۱۲۷۱، محل کتابت مدرسه محسنیه در دارالخلافه تهران، جداول اوراق به لاجورد و شنگرف و صفحات دارای کمند، اندازه جدول ۱۱/۵×۱۸، عناوین بشنگرف، کاغذ الوان آهار مهره، ۱۵س، ۱۷۷گ ۲۰×۲۷، جلد تیماج مشکی، نسخه بجهت میرزا علی طبیب ملقب به حاذق فرزند میرزا نظام مشهور به حکیم باشی کتابت شده، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ۱۳۱۱.

۳۱۶

قانون

(۲۵۷۲۸)

ایضا مشتمل است بر کتاب اوّل.

نسخ، کاتب مهدی بن علی نقی الحسینی الخراسانی، تاریخ و محل کتابت ۱۲۶۹ در تهران، عناوین بسیاهی و به قلم ثلث و بعضا به شنگرف، کاغذ نخودی آهاری فرنگی، برخی از صفحات معلق به حواشی، مصدر به ۲۶ ورق شرح مطالب مختلف قانون از اشخاص مختلف، ۲۵س، ۲۰۰گ ۱۳/۳×۲۱/۵، جلد تیماج، وقفی زین الدین جعفر زاهدی در ۱۳۷۷هـ.ش.

۳۱۷

قانون

(۶۸۶۷)

این نسخه مشتمل بر کتاب اوّل و دوم و مصدّر است به یک صفحه ترجمه فارسی وصیت افلاطون به ارسطو بخط شکسته خوش(مورخ ۲۹شوال ۱۳۱۲) و سه صفحه ترجمه احوال مصنّف بزبان عربی که

شروع آن از این قرار است: «بسمله فی بیان احوال مصنف هذا الکتاب» و خاتمه آن بقرار مذکور در ذیل: «در تکز کرد این جان بدرود».

آغاز: «بسمله، حمد له و بعد فقد التمس منی الخ».

انجام: «تمام شد کتاب مفردات قانون».

نستعلیق ریز زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر شنبه ششم رجب ۱۲۴۵، ده ورق از ابتـدای نسـخه نونویس، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، مختلف السطور، ۱۳۷گ، ۲۰×۲۹، واقف درهٔ السلطنهٔ کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۳۱۸

قانون

(۶۹۲۸)

نسخه کامل است و فقط از انتها بقدر دو سه سطر را کاتب ننوشته ولی در پایان نسخه دوباره بمقدار ۱۳ ورق از قانون را شخصی دیگر نوشته است.

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن دوازدهم، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین بسرخی در حاشیه، ۲۹س، ۲۹۵گ ۲۰/۵×۲۸/۵، جلد تیماج مستعمل، وقفی درهٔ السلطنه ملک زاده کوثر در آبان ۱۳۲۶.

۳۱۹

قانون

(۸۹۶۷)

مشتمل بر کتاب اوّل است تا چهارم باضافه ده بیست سطری از آغاز کتاب پنجم.

انجام: «هذا آخر کتاب الزینهٔ».

نستعلیق شکسته، کاتب علی اکبر طبیب، تـاریخ تحریـر اواسـط رجـب ۱۲۵۲، عنـاوین در حاشـیه بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، ۴۶س، ۵۲۵گ ۲۰×۳۰، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهر ۱۳۴۰.

۳۲۰

قانون

(۹۵۲۳)

از آغاز کتاب دوم یعنی ادویه مفرده است تا آخر آن.

نسخ، کاتب محمد بن تقی الدین الهاشمی العلوی الحنفی، تاریخ تحریر پنجشنبه هشـتم رجـب ۹۶۹، عناوین به سیاهی و بقلم نسخ جلی و عناوین جزئی‌تر بشنگرف، کاغذ حنائی، ۲۷س، ۱۲۴گ ۲۰×۲۹، جلد مقوا، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۴۵.

۳۲۱

قانون

(۱۰۲۵۹)

کتاب اوّل مصدّر به پنج ورق ترجمه احوال مصنف است که آغاز و انجام آن را ذیـل قـانون شـماره ۶۸۶۷ آورده‌ایم.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، دارای یک سرلوح مذهبّ مرصّع با شرفه، جداول اوراق به طلا و شنگرف و لاجورد و کمند به سرخی، عناوین فصول به سرخی و بقلم ثلث و جای بعضی از آنها بیاض، اندازه جدول ۱۰×۱۷/۵، کاغذ نباتی آهاری، جلد روغنی دو رو و اتمام آن در سنه ۱۲۹۱ در کارخانه آقائی آقا سید محمد، بیرون گل و برگ و بلبل با کتیبه بقلم ثلث در حاشیه(دو بیت از حافظ[1]: بلبل بشاخ سرو به گلبانگ پهلوی... و بیت بعد از آن) درون یک شاخه گل زنبق، ۱۹س، ۲۴۰گ ۱۸×۲۶، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

---

[1]. بمناسبت ذکر حافظ شاید این مطلب اگر دخلی به موضوع ما ندارد نقلش با رعایت اختصار ضرری نداشته باشد که در عده قلیلی از نسخ خطی و چاپی دیوان حافظ در قسمت قصاید بیتی وجود دارد(محیط شمس کشد الخ) که صدر آن به علّت تحریف و مآلاً معنی بیت و بیت قبل از آن تا این زمان یکی از مشکلات بسیا بسیار جدّی و نامنحّل دیوان این شاعر بوده است بهمین جهت اغلب نسّاخ بخصوص نسّاخ متأخرتر موقعی که به این بیت رسیده‌اند نمی‌دانم بچه حقّی براحتی آنرا حذف کرده‌اند و دیگر ادنی توجهی نداشته‌اند که با این کار فی الواقع بیت سابق را بی‌جواب گذاشته و معنی آن را که موقوف به این بیت محذوف است نیز بکلّی ناقص کرده‌اند. بیت مذکور و ماقبل آن که از جمله قصیده معروفی است از حافظ در مدح شاه شیخ ابو اسحق باین مطلع:

سپیده دم که صبا بوی لطف جان گیرد　　　چمن ز لطف هوا نکته بر چنان گیرد

مطابق چاپ دوم مرحوم قزوینی که مقصود از هر دو بیت را در حاشیه نوشته‌اند معلوم نشد از قرار ذیل است(صفحه قکز):

چو شهسوار فلک بنگرد بجام صبوح　　　که چون بشعشعه مهر خاوران گیرد

محیط شمس کشد سوی خویش درّ خوشاب　　　که تا بقبضه شمشیر زرفشان گیرد

و به لحاظ این که صدر بیت اخیر محرف واضح است راجع به آن نوشته‌اند: - «چنین است در نخ و تقوی ۲، «ی»: بخط شمس، - مقصود از این تعبیر بطبق هیچیک از این سه نسخه معلوم نشد و این بیت را جز در سه نسخه مذکور در هیچیک از نسخ ندارد» انتهی. آنچه در خصوص این کلمه(محیط شمس) بذهن محرر این اوراق متبادر می‌شود این است که یگانه صورتی که اشبه و اقرب صور به این هیئت و در عین حال بنحو قطع و یقین اصحّ آنها بل تنها صورت صحیح است بدون ادنی شک و شبهه‌ای«بخیط شمس» است مرکب از باء استعانت و خیط بفتح اول و سکون ثانی بمعنی سلک و رشته و طناب که از مصطلحات معمول قدما در کتب نجومی مثل صور الکواکب عبدالرحمن صوفی و از الفاظ رایج در صحبت از اعمال و آلات رصدیه بوده است: خیط وتر، خیط نصف النهار، خیط الظل، خیط عضاده، خیط مقدار تمام سمت و امثال آن و از این قرار معنی دو بیت مذکور که موقوف به یکدیگرند چنین خواهدشد که چون شهسوار فلک یعنی فلک تیزرو در جام صبوح ببیند که چگونه مشرق عالم را به انوار و شعشعه خورشید می‌گیرد و مسخّر یعنی روشن می‌کند در همان وقت به استعانت خیط شمس(مضاف الیه خیط که شعاع باشد محذوفست یعنی به استعانت رشته‌های شعاعی آفتاب در وقت طلوع) دُرهای خوشاب یعنی ستارگان فروزان را بسوی خویش می‌کشد(کنایه از ناپدید شدن آنها در وقت سحر) تا آنها را بر قبضه شمشیر زرفشان یعنی خورشید صبحگاهی بنشاند(تشبیه خورشید به تیغ از تشبیهات فوق العاده رایج بوده است در میان شعراء، شاه بورجا گوید:

همی برآید خورشید از ممالک شرق　　　چو خنجری که بتدریجش از نیام کشند

و ناصر خسرو گفته:

نگه کن سحرگه به زرین حسامی　　　نهان کرده در لاجوردین نیامی

۳۲۲

قانون

(۱۰۳۵۹)

از ابتدای مقاله اول از فن اوّل کتاب چهارم است تا حدود پنج سطر مانده به آخر کتاب پنجم.

آغاز: «بسمله کلام فی الحمیات نقول».

انجام موجود: «و ربع ملعقه العسل اربعهٔ».

نسخ جلی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل یا اواسط قرن هشتم، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد محاط به کمند، اندازه جدول ۱۰×۲۰، عناوین بشنگرف، کاغذ ختائی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۹س، ۴۲۵گ ۱۹×۲۹، واقف حاذقی، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۹.

۳۲۳

قانون

(۹۵۹۹)

که خوش خوش برآردش ازو دست عالم		چو برقی که بیرون کشی از غمامی

«خیط شمس» را عماد فقیه نیز در غزلی که مطلعش اینست:

در منزلی که غالیه بوئی گذشته است		با عنبر و گلاب گل او سرشته است

در کمال صراحت و وضوح استعمال نموده و گفته(ایضا بحذف مضاف الیه یعنی شعاع از خیط):

گردون بخیط شمس خیام تو بافته		حورا بدست خویش بساط تو رشته است

(شاهد دیگری که بقدر این بیت صریح در مطلب نیست ولی تا حدودی مؤید است ضبط نسخه«ی» از نسخ موجود نزد قزوینی است که در آنجا بطوری که دیدیم«بخط شمس» دارد و این ضبط چنان که ملاحظه می‌شود با این کلمه یعنی«بخیط شمس» خیلی در کتابت فاصله‌ای ندارد)، بنابراین صورت قطعی و مسلّم و صحیح بیت مزبور چنین خواهدبود:

چو شهسوار فلک بنگرد بجام صبوح		که چون بشعشعه مهر خاوران گیرد

بخیط شمس کشد سوی خویش دُرّ خوشاب		که تا بقبضه شمشیر زرفشان گیرد

انتهی، و الحمدلله علی ما وقفنًا لتصحیح ما ذهبت صحّته فی البیت الثانی من هذین البیتین علی ید النّساخ و کشف غوامض معانیهما و معضلاتهما.
(غلامعلی عرفانیان عفا الله عنه و عن والدیه)

این نسخه مشتمل است بر کتاب اوّل فقط.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رجب ۹۸۳، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۲۵س، ۱۸۲گ ۱۶×۲۵، جلد تیماج خرمائی یک لا، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۴۶، (نسخه سابقاً در ملکیت عزالدوله عبدالصمد میرزا بوده).

۳۲۴

قانون

(۱۴۸۹۰)

ایضا کتاب اوّل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر پنجشنبه پنجم جمادی الثانی ۱۰۱۶، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۹س، ۱۹۶گ ۱۷/۵×۲۵، جلد تیماج فرنگی، واقف سید محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف بهمن ۱۳۶۹.

۳۲۵

قانون

(۱۳۹۹۶)

این نسخه شروع می‌کند از ابتدای کتاب پنجم(ادویه مرکبه) و ختم می‌کند به اواخر باب الرابع(امتحان الطبیب).

انجام موجود: «کما قال الشاعر

و اذا الطبیب رأیته متمرضا   هل یستطیع لغیره تصحیحا».

نسخ خوب، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن دهم، کاغذ حنـائی، عنـاوین در مـتن و حاشـیه بشنگرف، جلد تیماج خرمائی ضربی دو رو، اندازه مسطر ۹×۱۶، ۲۳س، ۱۷۵گ ۱۶×۲۷، وقفی فاضل خان در سنه ۱۰۶۵ برمدرسه خود بنام مدرسه فاضل خان(از جمله ۳۶۶نسخه وقفی اوست که در سنه ۱۳۶۳ هجری شمسی منتقل به کتابخانه رضویه شده).

۳۲۶

قانون

(۱۵۰۸۲)

این نسخه مشتمل است بر جزء نظری کتاب فقط.

آغاز: «بسمله الحمد لله حمدا یستحقه بعلو شانه».

انجام: «فلیکن هذا القدر من کلامنا المختصر فی الاصول الکلیهٔ لصناعهٔ الطب کافیا و لناخذ فی تصنیف کتابنا فی الادویهٔ المفردهٔ».

نستعلیق، کاتب ابوالقاسم بن محمد علی الحسینی دست غیب، تاریخ تحریر چهارشنبه ۲۷ ذی الحجـه ۱۲۴۱، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، بعضی اوراق دارای حواشی، جلـد تیمـاج دورویـه، ۱۵۶گ ۱۹/۷×۲۹/۶، واقف مکتبهٔ امیر المؤمنین، تاریخ وقف ۲۵ اردیبهشت ۱۳۶۵.

۳۲۷

قانونچه

(۵۱۲۸)

(عربی)

مختصر فوق العاده معروفی است در طب نظری و عملی مشتمل بر ده مقاله بشرح زیر از تألیفات عالم ریاضی معروف محمود بن محمود بن محمد بن عمر چغمینی خوارزمی متوفی در سنه ۷۴۵، (از کتب ریاضی او چند نسخه را سابق بر این در مجلّد دهم از فهارس کتب خطی کتابخانه آستان قدس معرفی نموده‌ایم).

فهرست عناوین مقالات و فصول

المقالهٔ الاولی- فی امور الطبیعیهٔ، مشتمل بر پنج فصل:

الف) فی الارکان و الامزجهٔ.

ب) فی الاخلاط.

ج) فی الاعضاء.

د) فی القوی.

هـ) فی بقیهٔ الامور الطبیعیهٔ.

المقالهٔ الثانیهٔ- فی التشریح، شامل هفت فصل:

الف) فی العظام.

ب) فی بقیهٔ الاعضاء المفردهٔ.

ج) فی تشریح بعض الاعضاء المرکبهٔ.

د) فی الرئهٔ و القلب.

هـ) فی تشریح حجاب و الصدر و المعدهٔ و الامعاء.

و) فی الکبد و المرارهٔ و الطحال.

ز) فی بقیهٔ الاعضاء المرکبهٔ.

المقالهٔ الثالثهٔ- فی احوال بدن الانسان و اسبابها و علاماتها، در پنج فصل:

الف) فی الصحهٔ و المرض.

ب) فی الاسباب الضروریهٔ.

ج) فی الاسباب الممرضهٔ.

د) فی العلامات الدالهٔ علی احوال البدن من جههٔ المزاج.

هـ) فی العلامات الدالهٔ علی احوال البدن من جههٔ الاخلاط.

المقالهٔ الرابعهٔ- فی النبض و التفسرهٔ، مشتمل بر شش فصل:

الف) فی بیان البسایط من النبض.

ب) فی انواع الرکبهٔ من النبض.

ج) فی الوان البول.

د) فی قوام البول.

هـ) فی صفاء البول و الکدورهٔ و قلته و کثرته.

و) فی الرسوب.

المقالهٔ الخامسهٔ- فی تدبیر الاصحاء و علاج المرضی علی وجه کلی، شامل ده فصل:

الف) فی المأکول و المشروب.

ب) فی الریاضهٔ و الدلک.

ج) فی تدبیر الاستحمام.

د) فی تدبیر النوم.

هـ) فی تدبیر بحسب الفصول.

و) فی تدبیر الحبلی و المرضعۀ و الاطفال.

ز) فی تدبیر الصبیان و الشبان و الکهول و المشایخ.

ح) فی علاج المرضی.

ط) فی الفصد و الحجامۀ.

ی) فی القی و الاسهال و الحقنۀ.

المقالۀ السادسۀ- فی امراض الرأس، در سیزده فصل:

الف) فی الصداع و الشقیقۀ و الدوار.

ب) فی السرسام.

ج) فی المالیخولیا.

د) فی الصرع.

هـ) فی السکتۀ.

و) فی الفالج و اللقوۀ و الرعشۀ.

ز) فی الزکام.

ح) فی الرّمد.

ط) فی ضعف البصر و سیلان الدموع.

ی) فی اوجاع الاذن.

يا) فى امراض الانف.

يب) فى وجع الاسنان و اللثۀ.

يج) فى الخوانيق و ورم اللهاۀ.

المقالۀ السابعۀ- فى بيان امراض بواقى الاعضاء، مشتمل بر هجده فصل:

الف) فى السعال.

ب) فى ذات الرئۀ.

ج) فى السّل.

د) فى الربو.

هـ) فى الخفقان.

و) فى نفث الدم.

ز) فى ضعف المعدۀ.

ح) فى الغثى.

ط) فى المغص.

ى) فى الفواق.

يا) فى الهيضۀ و الاسهال.

يب) فى الزحير،

يج) فى القولنج.

يد) فى الديدان.

يه) فى وجع الكبد.

يو) فى الاستسقاء.

يز) فى وجع الطحال.

يح) فى اليرقان.

المقالهٔ الثامنهٔ- فى امراض بقيهٔ الاعضاء، در نه فصل:

الف) فى وجع الكلتين.

ب) فى امراض المثانهٔ.

ج) فى امراض المقعدهٔ.

د) فى خروج الماء ن القضيب.

هـ) فى امراض الانثيين.

و) فى الفتق.

ز) فى الطمث.

ح) فى النقرس و عرق النسا و وجع المفاصل.

ط) فى الدوالى و داء الفيل.

المقالهٔ التاسعهٔ- فى العلل الظاهرهٔ فى البدن و الحميات، مشتمل بر هشت فصل:

الف) فى السعفهٔ.

ب) فى الهبق و الجذام.

ج) فى الحكهٔ و الجرب.

د) فى الشرى و الحصف.

هـ) فى الحصبة و الجدرى.

و) فى الاورام.

ز) فى السرطان.

ح) فى الحميات.

المقالة العاشرة- فى قوى الاطعمة و الاشربة، در سيزده فصل:

الف) فى الحبوب.

ب) فى اللحم و البيض.

ج) فى الالبان.

د) فى البقول.

هـ) فى الفواكه الرطبة.

و) فى الرياحين.

ز) فى الادهان.

ح) فى الطيب.

ط) فى التوابل.

ى) الروا(كذا).

يا) فى الانبذة و الاشربة و الربوب.

يب) فى الانحات.

یج) فی احوال البطیخ.

آغاز: «بسمله، حمدله و بعد فهذا مختصر مشتمل علی زبدهٔ ما یجب استحضاره».

انجام: «غلیظ مولد للسّدد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر یکشنبه ۲۸ رجب ۹۸۷، عناوین بشنگرف، کاغذ نخـودی، ۱۵س، ۴۳گ ۱۳×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۳۲۸

قانونچه

(۲۳۱۰۰)

مشتمل است بر مقاله اول تا اوائل فصل ثالث از مقاله سوم فقط.

آغاز: «بسمله حمد له فهذا مختصر مشتمل الخ».

انجام موجود: «و الواسطهٔ هی اسباب لایکون».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن پانزدهم، کاغذ نخودی فرنگی، ۱۷س، ۱۲گ ۱۰/۵×۱۷، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، وقفی سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۳۲۹

قانونچه

(۵۱۲۹)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب محمد امین بن احمد الحسینی، تاریخ تحریر جمعه ۱۲ جمادی الاولی ۱۰۹۶، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۱۶س، ۳۷گ ۱۲×۱۹، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۳۳۰

قانونچه

(۵۱۲۷)

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن دوازدهم، عناوین و فصول بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۱۷س، ۳۳گ ۱۲×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، وقفی آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۳۳۱

قانونچه

(۵۲۱۱)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، ابواب و فصول بسرخی، کاغذ حنائی، ۱۶س، ۳۳گ ۱۲×۲۰، جلد تیماج مشکی یک لا، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۳۳۲

قانونچه

(۵۱۳۰)

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ و محل تحریر ۱۰۸۶(مشهد رضوی)، عناوین و فصول بشنگرف، ۱۴س، ۳۶گ ۱۲/۵×۱۷/۵، جلد تیماج یک لا، وقفی آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۳۳۳

قانونچه

(۵۲۱۲)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر پنجشنبه(چندم؟) رجب ۱۲۶۴، کاغذ شکری آهار مهره، جای مقالات و فصول بیاض، ۱۲س، ۵۹گ ۱۱×۱۶، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، وقفی میرزا رضا خان نائینی.

۳۳۴

قانونچه

(۵۱۲۶)

این نسخه فصل آخر از مقاله آخر را ندارد.

انجام موجود: «معتدل الحرارة و البرودة».

کتابت بد و خط نستعلیق و نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، فصول و جداول اوراق بشنگرف، کاغذ حنائی آهاری، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۲س، ۹۴گ ۱۶×۲۵، واقف سید علی خان، تاریخ وقف ۱۲۷۳.

۳۳۵

قانونچه

(۹۲۲۶)

این نسخه کامل و مصدّر است به تجرید العقاید خواجه و اثبات واجب ملا رجبعلی تبریزی.

نستعلیق شکسته، کاتب میر آقا میرالرضوی، تاریخ تحریر شعبان ۱۰۷۷، کاغذ نخودی آهاری، فصول بسیاهی، ۱۸س، ۳۰گ ۱۰×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۴۱.

۳۳۶

قانونچه

(۹۲۵۲)

نستعلیق، کاتب محمد باقر بن اسدالله اصفهانی، تاریخ کتابت ۱۲ جمادی الاولی ۱۲۶۷، جای فصول بیاض، کاغذ نخودی، ۱۷س، ۲۹گ ۱۰×۱۶، جلد تیماج یک لا، خریداری آستان قدس در دی ماه ۱۳۴۱.

۳۳۷

قانونچه

(۹۰۱۶)

این نسخه کامل و مذیل است به موجز ابن النفیس که آغازش چنین است: «بسمله اما بعد قال الشیخ الامام العلامهٔ... فقد رتبت هذا الکتاب علی اربعهٔ فنون».

انجام موجود: «ینقی بالقی و المعض بالاسهال».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، عناوین بسیاهی و بخط ثلث، مختلف السطور، ۶۸گ ۱۱×۱۸، جلد مقوا، واقف ادیب بجنوردی، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۱.

۳۳۸

قانونچه

(۱۴۳۳۲)

این نسخه نیز کامل و منضم است به چندین رساله از سید کاظم رشتی.

نسخ، کاتب سید احمدبن حاجی مرتضی، تاریخ تحریر سه شنبه ۷ شعبان ۱۲۶۱، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، جلد تیماج مشکی، ۲۲گ ۱۶×۲۱، واقف سید محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۳۳۹

قانونچه

(۱۲۲۲۸)

این نسخه جزو مجموعه‌ای است بشماره مذکور که به لحاظ این که تمام آن مجموعه را سابقاً در مجلد دهم از فهارس کتب خطی کتابخانه آستان قدس معرفی نموده‌ایم(ص ۱۲۹) در اینجا حاجتی به توصیف مجدّد آن نیست.

۳۴۰

قانونچه

(۱۶۸۶۲)

این نسخه تا اول فصل هشتم از باب دهم را بیشتر ندارد.

انجام موجود: «الفصل الثامن فی الطیب المسک قوتی الحرارة».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، فصول بشنگرف، کاغذ شکری، بدون جلد، ۱۴س، ۴۲گ ۱۰×۱۵، واقف حسین توکلی مقدم، تاریخ وقف فروردین ۱۳۶۳.

۳۴۱

قانونچه

(۱۵۴۳۱)

این نسخه مذیل است به وصایای بقراط در چهار صفحه.

آغاز: «هذا وصیۀ البقراط المعروفۀ بترتیب الطب قال البقراط ینبغی ان یکون المتعلم للطب فی جنسه حرا».

انجام: «و ترتیب جلدته طال عمره».

شکسته نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر چهارشنبه ۱۸ محرم ۱۳۱۴، کاغذ شکری، عناوین بسیاهی، جلد تیماج یک لا، ۱۴س، ۴۴گ ۹/۵×۱۳، خریداری آستان قدس در خرداد ۱۳۶۶.

۳۴۲

قانونچه

(۱۱۹۱۲)

نسخه کامل است.

نسخ درشت، کاتب محمد حسن، تاریخ تحریر هفتم شوال ۱۲۱۲، صفحه اول دارای دو سر لوح کوچک کم کار در کنار هم و جدول بشنگرف و زنگار، فصول و مقالات بشنگرف، جلد تیماج خرمائی، ۹س، ۱۲۹گ ۱۱/۵×۱۸، واقف محمد وجدانی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۵۹.

۳۴۳

قانونچه

(۹۶۵۲)

ورق اوّل افتاده و مذیّل است به موجز قانون از ابن النفیس که از آن نسخ متعددّی را در ایـن کتـاب معرفی نموده‌ایم.

آغاز موجود: «علی زبدهٔ ما یجب استظهاره من صناعهٔ الطب».

نستعلیق تحریری، کاتب نصرت قوچانی، تاریخ تحریر پنجشنبه ۲۹رجب ۱۲۸۱، محل تحریر«مدرسه مبارکه دولتی موسوم به معلّم خانه»، ۱۰ س، جمعاً ۱۱۷گ ۹×۱۴، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۳۶.

۳۴۴

قانونچه

(۲۳۰۵۵)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب آقا میرزا موسی، تاریخ تحریر سه شنبه ۲۸ صفر ۱۲۴۹، کاغذ نخودی، صفحه اول نونویس، جلد تیماج قهوه‌ای یک لا، ۱۳س، ۴۲گ ۹/۵×۱۵/۳، وقفی سیدعبدالباقی آیت اللهـی شـیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۳۴۵

قرابادین

(مرکّبات شفائی)

(۵۱۲۴)

(فارسی)

کتابی است در بیان منافع و خواص ادویه مرکبه(مرکبات) مرتّب بر حروف تهجّی تألیف مظفر بن محمد حسینی شفائی کاشانی معروف به حکیم شفائی(متوفی در سنه ۹۶۳ بقول تقی الدّین کاشی) کـه از آن ترجمه‌ای بزبان لاتین بعمل آمده و در سنه ۱۶۸۱ باهتمام یکی از راهبان کرملی موسوم به Father Ange de St. Josephe از اهالی تولوز تحت عنوان pharmacopoeia Persica در پاریس بطبع رسیده است(فهرست کتابخانه موزه بریتانیا ۲: ۴۷۴).

آغاز: «بسمله الحمد لله الحکیم العلیم و الصلوة علی اولی الحکمة».

انجام: «شربتی یک مثقال بعد از چهل روز».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سه شنبه ۶ ربیع الاول سنه ۱۰(کذا، و نسخه بطور قطع از سـنه ۱۰۸۲ که در یکی از مهرها دیده می‌شود متأخر نیست و سجع آن چنین است: مرید شاه عـالم گیـر محمدمهدی الحسینی ۱۰۸۲)، محل تحریر دارالسلطنه حیدر آباد، عناوین به شـنگرف، جلـد تیمـاج دورویی ضربی، ۱۵س، ۱۵۱گ ۱۲×۱۹، واقف آقا زین العابدین خادم اصفهانی(تعداد کتب موقوفه او سیصد و هفتاد نسخه است)، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

۳۴۶

قرابادین

(۱۵۸۱۲)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، جلد تیماج مشکی مستعمل، قسمت اول و آخر کسر نویسی شده، عناوین به شنگرف، ۱۵س، ۱۸۰گ ۸/۸×۱۵/۸، خریداری آستان قدس در خرداد ۱۳۶۷.

۳۴۷

قرابادین

(۸۷۴۸)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر جمعه ۱۰۸۲، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۵س، ۱۴۰گ ۱۰×۱۶، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف شهریور ۱۳۳۸.

۳۴۸

قرابادین

(۷۰۹۱)

از حرف قاف ببعد را ندارد.

انجام موجود: «پانجده درم تخم کاسنی تخم خرفه».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج قهوه-ای، ۱۰س، ۲۵۵گ ۱۳×۱۸، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۲۷.

۳۴۹

قرابادین

(۱۱۰۲۷)

منضم است به چند رساله ازجمله رساله بیخ چینی از تألیفات عمادالدّین محمودبن مسعود شیرازی مؤلف افیونیه مذکور در این کتاب، و به لحاظ این که یک نسخه از این رساله اخیر را در موقع خود معرفی نموده‌ایم در اینجا بهمین اشاره اکتفا می‌نمائیم.

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ شکری فرنگی، جلد روغنی مستعمل، ۱۷۰گ ۱۵×۲۱/۵، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۰.

۳۵۰

قرابادین

(۱۵۷۳۱)

نسخه ناقص است.

آغاز موجود: «... ایارج فیقرا اعضا را پاک کند و فضول از دماغ فرود آرد».

انجام موجود: «باب النون... روز سیم صاف کرده بنوشند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، عناوین بشنگرف، کاغذ فستقی فرنگی، ۱۶س، ۱۲۳گ ۸/۳×۱۶/۵، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۳۵۱

قرابادین

(۹۱۶۹)

نسخه کامل و مذیّل است به کتاب علاج الاسقام و دفاع الآلام(بشماره ۹۱۷۰) در بیان اذکار و ادعیه و ادویه بجهت برخی از امراض تألیف محمدعلی بن محمدرضا تونی خراسانی مرتب بر مقدّمه و بیست و چهار باب و خاتمه.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی آهاری، عناوین به شنگرف، ۱۷س، ۱۰۶گ ۱۴×۲۰، جلد تیماج ماشی، واقف شیخ محمود حلبی، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۴۱.

۳۵۲

قرابادین

(۸۳۳۴)

این نسخه ورق اوّل را کسر دارد.

آغاز موجود: «اصلاح فرمایند و این کمینه را مع قلة البضاعة و الاعتراف بالعجز و الجهالة عیب نفرمایند».

شکسته و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، عناوین بخط نسخ، جلد تیماج مشکی، ۱۰س، ۱۶۶گ ۱۱×۱۸، خریداری آستان قدس در شهریور ۱۳۳۱.

۳۵۳

قرابادین

(۲۲۸۱۲)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم، عناوین بشنگرف، کاغـذ نخودی، جلد مقوا، ۲۳س، ۸۰گ ۱۴/۵×۲۰/۵، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۳۵۴

قرابادین

(۲۳۲۱۹)

(فارسی)

کتاب مفصّلی است در بیان اسامی و ماهیت و طبیعت و افعال و منافع و خواص و مضار و اصـلاح و دفع و بدل مرکبات و مفردات ادویه مرتب بر حروف تهجی از تألیفات محمدحسین بـن محمـدهادی عقیلی علوی که آنرا بنا به خواهش میرمحمد علی الحسینی از التقاط مطالب برخی از مشـاهیر کتـب طبی از قبیل قانون و تذکره ئـ اولی الالباب و ما لا یسع الطبیب جهله(جامع بغدادی) و تحفهٔ المؤمنین و اختیارت قاسمی و غیره بعد از سنه ۱۱۸۵ فراهم آورده است.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی اظهر آثار قدرته(تا این که گوید) اما بعد بعرض اخوان الصفا و خلان الوفا میرساند این ذره بی‌مقدار».

انجام: «فصل الیاء مع الیاء ییرکوکی اسم ترکی جزر است که بفارسی زردک نامند ییلااودی اسم ترکی ثیل است».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن سیزدهم، عنـاوین بشـنگرف، کاغـذ حنـائی، ۳۵س، ۳۵۰گ ۲۰/۵×۳۱/۵، جلد تیماج عطف پارچه، واقف عباسعلی صائبی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۵.

۳۵۵

قرابادین

(۵۱۲۳)

(عربی)

این کتاب تألیف نجیب الدّین ابو حامد محمدبن علی بن عمر سمرقندی(مقتول در سنه ۶۱۹) و مشتمل است بر ذکر ادویه بترتیب ذکر علل در کتاب مشهور دیگرش موسوم به الاسباب و العلامات که هم از این کتاب و هم از تألیفات دیگر او چند نسخه را در این کتاب در مواقع خود معرفی نموده‌ایم.

آغاز: «بسمله القرابادین... الذی صنفه الشیخ الامام الاجل الکامل الرئیس الاستاد(تا این که گوید) ادویهٔ علل الرأس نسخه القومانا النافع من الصداع».

انجام: «و ان اخذ مع مثله دوا المسک وزنا لم یخف عاقبته فانه فادزهر...».

بدنبال آن مقاله تشریع العین است بخط کاتب قرابادین مذکور در یک ورق که آغازش چنین است: – «ان العین مرکبهٔ من سبع طبقات و ثلث رطوبات» و انجام آن چنین: –«ترطیب الجلیدیهٔ لتبقی علی صفاتها فسبحان الله احسن الخالقین»، و بعید نیست که همان«مقالهٔ فی کیفیهٔ ترکیب طبقات العین» تألیف نجیب الدین سمرقندی مذکور باشد.

نسخ، کاتب نامعلوم[۱]، تاریخ تحریر شعبان سنه ۶۸۰، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۷/۵×۱۶، جلد میشن ضربی، ۱۹س، ۱۲۶گ ۱۲/۵×۲۲، واقف خواجه شیر احمد تونی[۱]، تاریخ وقف نامعلوم.

[۱]. نسخه شماره ۵۰۴۱(اطعمهٔ المرضی) و نسخه شماره ۵۰۴۳(الاغذیهٔ و الاشربهٔ) نیز بخط همین کاتب است.

۳۵۶

قرابادین

(۱۴۱۲۳)

نسخه دیگری است از همان کتاب بلافاصله مذکور در ذیل شماره ۵۱۲۳، و چند ورقی کسر دارد.

انجام موجود: «و من الزعفران و السنبل و القرنفل و الفلفل».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هفتم، کاغذ نخودی، عناوین بسیاهی و بعضی بشنگرف، ۲۲س، ۷۵گ ۱۱/۵×۲۱، جلد مقوا عطف چرم، واقف فاضل خان، تاریخ وقف ۱۰۶۵، تاریخ تسلیم کتابخانه ۱۳۶۳ شمسی.

۳۵۷

قرابادین

(۲۲۹۱۶)

---

[۱] . در آخر نسخه یادداشتی است بخط این شخص که از واقفین عمده این کتابخانه است و چون تاریخ و زمان حیات او را صریحاً نشان می‌دهد عیناً آنرا محض مزید فایده در این موضع درج می‌نمائیم: –«در سال نهصد و هشتاد و شش من الهجرة النبویة علیه و[علی] آله الصلوة و السلام و التحیة که فقیر خاکسار عاصی شیر احمد بن عمید الملک تونی را شرف تقبیل سده سدره مرتبه امام معصوم هشتم علی بن موسی الرضا علیه و[علی] آبائه و اولاده المعصومین میسر شد(کذ، یعنی بدون کلمه‌ای نظیر التحیة و السلام) عزیزی از سکان و متوطنان آن بلده طیبه این رساله با رسائلی که داخل است بفقیر حقیر داد که در قندهار که مسکن فقیر بود فروخته جهت... ثمن آن را بفرسد و چون در همان سال مراجعت بقندهار واقع شد بخاطر رسید که این کتاب را بقیمتی که شرعی باشد جهت خود نگاه دارد و وجه آن جهت صاحب به آن مکان شریف فرستد چون اتفاق قندهار واقع شد بجهت نزاعی که میانه هزاریان(این کلمه مشکوک است) عظام واقع بود و در ان مکان مشروحه نیز بجهت نزاع طوفه(کذا، شاید: طائفه) اما سنه(کذا) فتوری بتمام واقع بود ارسال قیمت متعذر بود... مقدمات عبداله خان اوزبک فرمان فرمای خراسان شد و بواسطه مرور ایام و غلبه نسیان... حساب عزیز از خاطر محو شد انچه بخاطر فقیر میرسد آنست که قیمت این کتاب جهت آن عزیز تصدق کنند یا آن را وقف علما نمایند که ثواب آن بروح آن عزیز میرسیده شود و اگر فقیر بیکی از این دو امر موفق نشود امیدوار است که فرزند دلبندم محمد شفیع موفق شود و الله المستعان بتاریخ روز شنبه ۲۸ ربیع الاول سنه تسع و الف سمت تحریر یافت دارالسلطنه لاهور».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، عناوین بسیاهی، ۱۵س، ۹۱گ ۱۰×۱۷، جلد تیماج یک لا، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف ۱۳۷۴.

۳۵۸

قرابادین

(۱۳۹۹۲)

(عربی)

کتابی است در بیان ادویه مرکبه و ذکر کیفیت ابدال ادویه و اوزان و مکائیل ومطالب عملی نظیر احراق و تحمیص و غسل و قلی و تصویل و استخراج ادهان و تفسیر اسامی یونانی ادویه و معرفت زمان رسیدن معجونات و ایارجات و غیرها و زمان سرآمدن قوتهای آنها از تألیفات بدرالدّین القلانسی که به لحاظ این که اکثر کتب قرابادین را خالی از مطالب مذکور می‌دیده آنرا بر اساس ملتقطات خود از کتب قانون(برمز قاف) و حاوی(بعلامت حاء) و کامل الصناعه(برمزکاف) و المنصوری(بعلامت میم) و ذخیره خوارزمشاهی(برمز ذال) و فردوس الحکمهٔ(بعلامت فا) در ۴۹ باب بشرح ذیل تألیف نموده است:

فهرست موضوعات

- فی التقاط الادویهٔ و اذخارها.
- فی احکام الاحراق.
- فی احکام الغسل.
- فی ترکیب الادویهٔ المفردهٔ و کیفیهٔ استعمالها فی الادویهٔ المرکبهٔ.

- فی کیفیهٔ الاحراق و القلی و الشی و التمحیص.

- فی کیفیهٔ غسل الادویهٔ الحجریهٔ و غیرها.

- فی عمل الادهان التی یطبخ فیها الادویهٔ و عمل الاضمده و القیروطی.

- فی استخراج الادهان.

- فی طبخ السرطانات للمسلولین و استعمال الذراریج و اتخاذ دم التنیس.

- فی استخراج غسل البلادر و استخراج الشبرم واستخراج دخان الکندر.

- فی نظریه العود و اصلاح الدبق للاستعمال.

- فی حفظ المرارات عن العفونهٔ و حفظ الشحوم و الادمغه.

- فی اتخاذ ماء الجبن و منافعه و کیفیهٔ استعماله.

- فی معرفهٔ زمان ما یدرک فیه المعجونات.

- فی معرفهٔ زمان ینتهی الیه قوهٔ المرکبات.

- فی منافع المطبوخ و التریاق و منافع العسل فیه.

- فی تجربهٔ التریاق و الکافور.

- فی صفهٔ مرق الافاعی المبرئهٔ من الجذام.

- فی تفسیر اسامی الادویهٔ المرکبهٔ بالیونانیهٔ.

- فی شرح اسامی الادویهٔ المرکبهٔ بالعربیهٔ.

- فی البخورات و الدخن.

- فی المعاجین و الجوارشات.

- فی الربوب.

- فی المشمومات و العطوسات و السعوطات و النفوخات و القطورات.

- فی النطولات.

- فی الغرورات و المضوضات و علاج الفم.

- فی السنونات و الدلوکات و علاج الاسنان.

- فی الادویة الرعاف و علاج الانف.

- فی الحبوبات و الایارجات.

- فی القی و تدبیره و منافعه.

- فی الحقن و کیفیة المحقنة و معرفة مقدارها و منافعها.

- فی الشیافات و الحمولات و الفرازج.

- فی الادهان.

- فی اللعوقات.

- فی الاشربة و المطبوخات.

- فی الاقراص و البنادقات.

- فی السفوفات.

- فی الزینة.

- فی الادویة العین.

- فی ذکر الادویة التی تقطع شهوة الطین و غیره من الشهوات الردئیة.

– فی علاج اللسوع طلیا و المراهم و الاطلیهٔ و الاضمدهٔ.

– فی الذرورات و الاکسرینات.

– فی جملهٔ العلاج من شرب السموم.

– فی ابدال الادویهٔ.

– فی طرد الحشرات.

– فی ذکر الخواص.

آغاز: «بسمله حمدله(بعد از ده سطر) اما بعد فقددعانی الی جمع هذا المختصر انی رأیت جل القراباذینات».

انجام: «قد جرب هذا فصح و تقلیل السکر جدا و الله اعلم بالصواب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، کاغذ شکری آهاری، جلد میشن خرمائی، ۱۷س، ۱۵۹گ ۱۱/۵×۱۸/۵، وقفی فاضل خان.

۳۵۹

قسطاس الاطبا

(۷۶۷۵)

(فارسی)

کتابی است در بیان الفاظ و اسامی حکما و مصطلحات معمول در طب بترتیب حروف تهجی تألیف نورالدّین محمد عبدالله عین الملک قرشی شیرازی متخلّص به بقی[۱] مؤلف کتاب الفاظ الادویه مذکور در

[۱]. مستنبط از سه بیتی که در مقدمه کتاب بنام خود درج نموده باین شرح:

حرف الف در این کتاب که آنرا از کتابهای شفا و قانون و حاوی و موجز و منهاج و جامع ابن بیطار و منصوری محمد زکریا و نزهۀ الارواح و مجمل الحکمه و قاموس اللغه و ینابیع الحکمه و صحاح اللغه و فرهنگ جهانگیری و غیره فراهم آورده و بر بیست و هفت تعلیق هر تعلیق در چندین تلصیق و هر تلصیق در چندین تلحیق مرتّب نموده است(حرف نخستین لغت را تعلیق و حرف ثانی را تلصیق و حرف آخر را تلحیق نامیده).

آغاز: «بسمله زینت افتتاح فرهنگ حکمت طبیعی سپاس... که بمحض حکمت بالغه و عین قدرت کامله».

انجام: «یوسه بضم اول و ثانی مجهول و فتح سین مهمله بفارسی اره».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۷ ذی القعده ۱۰۶۵، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، ۱۹س، ۲۷۲گ ۱۶×۲۶/۵، جلد تیماج عنابی، واقف شیخ محمد نبی امینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۴۷

۳۶۰

القواعد فی الطب

(۵۲۱۳)

(عربی)

مؤلف آن به لحاظ نقص نسخه علی العجاله معلوم نشد ولی عصر او بقرینه این که این نسخه نیز بخط کاتب نسخه کتاب الفصول و اختصار المسائل فی الطب للمتعلمین است(هر دو مورخ سنه ۷۳۰ و مذکور

این نسخه گرامی استاد شیخ و شا بست | تلصیق جای فصل و تعلیق جای بابست

گرای بقی بسنجی ز انجام سال[و] مه را | الفاظ جید طب تاریخ این کتابست

و از اینجا یعنی«الفاظ جید طب» معلوم می‌شود ضمناً که تألیف کتاب در سنه ۱۰۴۰ صورت گرفته و بیت دیگر این است:

نگشود دل تو بقی از باده الفاظ | ته جرعه پیمانه معنی بکف آور

در این کتاب در موقع خود اولی تحت رقم ۷۲۰۵ و دومی تحت رقم ۵۱۵۶) و اصلاً هر سه نسخه سابق بر این منضم بهم بوده و بعدها از یکدیگر تفکیک شده قطعاً مؤخر از نیمه اوّل قرن هشتم نیست.

باری کتاب مشتمل است بر مباحث قسم نظری طب(قسم عملی آن از نسخه ساقط است) شامل چهار قاعده بتفصیل ذیل:

- فی الامور الطبیعهٔ.
- فی الاحوال.
- فی الاسباب.
- فی الاغراض، در سه فصل و چهار مقاله باین شرح(نسخه از اواسط مقاله دوم ببعد را ندارد).

الف) المقالهٔ الاولی: فی النبض.

ب) المقالهٔ الثانیهٔ: فی البول.

آغاز: «بسمله الطب علم یحفظ به الصحهٔ و ترد و ینقسم الی نظری و هو معرفهٔ الامور الطبیعیهٔ و الاحوال و الاسباب و الاعراض و عملی و هو معرفهٔ کیفیهٔ حفظ الصحهٔ وردها».

انجام موجود: «و یدلک قبل الحمام الی ان یحمر فیطلی بطلاء الزفت ثم یرتاض ثم یستحم و بعد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر بشرح مذکور در سطور فوق سنه ۷۳۰، محل تحریر شیراز، صفحه اول دارای دو کتیبه مستطیلی یکی در صدر و یکی در ذیل بسفیداب محرر و بقلم ثلث محرر وسفیداب که آنرا محو نموده‌اند ولی از آثار باقی مانده معلوم می‌شود که چنین بوده: «مالکها ابواسحق محمدبن محمدبن احمد المتطبب»، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد، عناوین بشنگرف، جلد مقوا رویه پارچه،

۱۳ س، ۲۵گ ۱۱/۵×۲۲، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد۱۳۱۱(بقیه اطلاعات در خصوص این نسخه را ذیل«اختصار المسائل فی الطب للمتعلمین» تحت رقم ۵۱۵۶ بدست دادهایم).

۳۶۱

کامل الصناعهٔ

(۵۱۳۳)

(عربی)

اسم دیگر آن بمناسبت این که تصریح مصنّف در دیباچه کتاب بجهت الملک الجلیل عضد الدّوله فنا خسرو بن رکن الدّوله ابوعلی حسن بن بویه دیلمی تصنیف شده الملکی[۱] است و آن کتاب مفصّل مبسوطی است مشتمل بر جمیع اجزاء علم طب از علی بن العباس المجوسی[۲] الاهوازی الارّجانی(متوفی در سنه ۳۸۴) از اصحاب ابوماهر موسی بن سیار قمی و طبیب مخصوص عضدالدّوله

---

[۱]. در زبان لاتینی موسوم است به Liber regius، قسمت اعظم این کتاب را قسطنطین افریقی(متوفی در سنه ۱۰۸۷ میلادی) بزبان لاتینی ترجمه نمود و بعد از او استفانوس انطاکی(استفان پیزائی) که بعدها به اتین انطاکی Etienne d' Antioche معروف شد تمام آن را ایضا بزبان لاتین نقل کرد این ترجمه همان است که در سنه ۱۴۹۲ در ونیز و بار دیگر در سنه ۱۵۲۳ با تعلیقات میکائیل دوکاپلا بطبع رسید. مراجعه شود بجهت مزید اطلاع به کتاب آلدومیلی Aldo Mieli موسوم به... LA SCIENCE ARABE... (صفحات ۲۲۲-۲۲۵).

[۲]. مایرهوف در مقاله خود در کتاب The Legacy of Islam بدون این که هیچ مدرکی ارائه کند او را مسلمان دانسته(ص۳۲۹) ولی این مطلب گویا درست نیست و تسمیه او و پدرش به اسامی اسلامی مطلقاً نمی‌تواند موجب استبعاد مجوسی بودن او باشد چه در طول قرون مختلف عده فوق العاده کثیر بیرون از احصا در ممالک وسیع اسلامی زندگی می‌کرده‌اند که همگی اسامی و کنی و القاب اسلامی داشته‌اند ولی بکلی غیر مسلمان بوده‌اند و این موضوع بقدری عممیت داشته که ابن اخوهٔ در معالم القربهٔ صریحا نسبت به آن اعتراض نموده است و از جمله این افرادند: ابوغالب بن صفیه(نصرانی)، ابوالحسن ثابت بن قره(صابئی)، سعید بن توفیل و سعید بن البطریق(هر دو نصرانی)، ابوالفتح منصور بن سهلان(نصرانی)، ابوکثیر افرائیم بن الحسن بن اسحق(یهودی)، ابو الخیر سلامهٔ بن مبارک(یهودی)، ابو العشائر هبهٔ الله بن زین بن حسن بن افرائیم(یهودی)، ابوالحسن صاعد بن هبهٔ الله بن المومل الحظیری(نصرانی)، ابوالفضائل بن الناقد(یهودی)، ابوسعید بن موفق الدین یعقوب(نصرانی)، ابوعلی عیسی بن زرعه(نصرانی یعقوبی)، ابوالحسن هبهٔ الله بن ساعد بن التلمیذ(نصرانی)، ابوعلی یحیی بن عیسی بن جزله(نصرانی و بعد مسلمان)، ابوالحسن المختار بن حسن بن عبدون معروف به ابن بطلان(نصرانی، مذکور در همین کتاب ذیل«تقویم الصحهٔ بالاسباب السّته»)، مهران بن منصور بن مهران مترجم کتاب الحشائش(نصرانی، ایضا مذکور در همین کتاب ذیل«الحشائش»)، عبدالعظیم بن عبدالقاهر بن ابی منصور(یهودی، ایضا مذکور در همین کتاب ذیل«حل شکوک رازی- حاشیه شماره۱»)، سهل بن بشر المنجم Zachel (یهودی)، محمدبن موسی الخوارزمی(مجوسی، مذکور در تاریخ طبری در حوادث سنه ۲۳۲) و ابوالحسن سهلان بن عثمان بن کیسان(نصرانی) و غیره و غیره.

دیلمی که تا زمان تألیف قانون ابن سینا شهرت و معروفیت فراوانی داشت، و منقسم است بنا به تجزیه مصنّف بر دو جزء هر جزو مشتمل بر ده مقاله و هر مقاله مرتّب بر چندین باب بتفصیل ذیل:

فهرست موضوعات مقالات و ابواب جزء اول(علمی)

مقاله اول- مشتمل است بر بیست و پنج باب باین شرح:

- فی صدر الکتاب.
- فی ذکر وصایا بقراط و غیره من القدما المتطببین.
- فی الرؤس الثمانیهٔ ینبغی ان یعلم قبل قراءهٔ کل کتاب.
- فی قسمهٔ الطب.
- فی معرفهٔ الاسطقسات و ماهیتها.
- فی صفهٔ اصناف المزاج.
- فی المعانی التی ینقسم الیها کل واحد من اصناف المزاج.
- فی الاستدلال علی مزاج کل واحد من الناس بالطبع.
- فی تعرف مزاج کل واحد من الاعضاء الخاص به.
- فی الاستدلال علی مزاج الدماغ.
- فی دلائل مزاج العین و سائر الحواس.
- فی تعرف مزاج القلب.
- فی دلائل مزاج الکبد.
- فی تعرف مزاج الانثیین.

- فی الاستدلال علی مزاج المعدة.

- فی تعرف مزاج الریه.

- فی تعرف مزاج جملة البدن بالعلامات.

- فی دلائل البدن المعتدل المزاج.

- فی الاسباب التی تغیر الدلائل عن الامزجة الطبیعیة.

- فی تغییر مزاج الابدان من قبل البلد.

- فی ذکر طبایع الاسنان و تغییر دلائل المزاج بسببها.

- فی تغییر المزاج من قبل الذکر و الانثی.

- فی تغییر المزاج من قبل العادات.

- فی دلائل الصحة و شری العبید.

- فی صفة العلم بامر الاخلاط الاربعة.

مقاله دوم- در بیان احوال اعضاء متشابه الاجزاء مشتمل بر شانزده باب از این قرار:

- فی جملة الکلام علی الاعضاء.

- فی جملة صفة احوال العظام.

- فی صفة اصناف العظام و فی عظام الرأس.

- فی صفة عظام الصلب.

- فی صفة عظام الصدر و الاضلاع.

- فی عظام الکتفین و الترقوتین.

- فی صفهٔ عظام الیدین.

- فی صفهٔ عظام الرجلین.

- فی صفهٔ الغضاریف.

- فی صفهٔ الاعصاب.

- فی صفهٔ الرباطات و الاوتار.

- فی صفهٔ العروق غیر الضوارب.[۱]

- فی صفهٔ العروق الضوارب.

- فی صفهٔ اللحم المفرد والشحم.

- فی صفهٔ الاغشیهٔ و الجلد.

- فی صفهٔ الشعر و الاظفار.

مقاله سوم- در توصیف اعضاء مرکبه مشتمل بر ۳۷ باب بتفصیل ذیل:

- فی جملهٔ الکلام علی الاعضاء المرکبهٔ وهی الالیهٔ.

- فی جملهٔ الکلام علی العضل و الرقبهٔ.

- فی العضل المحرک للرأس و الرقبهٔ.

- فی العضل المحرک للحق و ما یلبه من الحنجرهٔ و منافعه.

- فی صفهٔ العضل المحرک للکتفین.

- فی العضل المحرک للیدین و منافعه.

---

[۱]. مراجعه شود به حاشیه‌ای که سابق بر این ضمن معرفی ضمائم یک نسخه از کتاب علاج الاطفال(تحت رقم ۱۶۷۶۶، ضمیمه ۲- کتاب التشریح) نوشته‌ایم.

- فی العضل المحرک للصدر.

- فی العضل المحرک لمراق البطن و ما یلیه.

- فی العضل المحرک للورکین.

- فی العضل المحرک للساق و القدمین.

- فی ذکر الاعضاء المرکبة التی فی باطن البدن و اولی فی الدماغ.

- فی صفة النخاع و منافعه.

- فی صفة العینین و منافع اعصابها(کذا، شاید اعضائها).

- فی صفة المنخرین و آلة الشم.

- فی صفة آلة السمع و ثقب العظم الحجری و الاذنین.

- فی صفة اللسان و اجزاء الفم.

- فی صفة اللهاة و منافعها.

- فی صفة الحنجرة.

- فی صفة قصبة الرئة.

- فی صفة الرئة و منافعها.

- فی صفة القلب.

- فی صفة الحجاب و منافعه.

- فی صفة الفم و الغشاء الملبس علیه.

- فی صفة المری.

- فی صفة المعدة و منافعها.

- فی صفة الامعاء و منافعها.

- فی ذکر الثرب و صفته و منفعته.

- فی صفة الکبد و منافعها.

- فی ذکر الطحال و منافعه.

- فی صفة المرارة و منافعها.

- فی صفة الکیتین و منافعهما.

- فی صفة المثانة و منافعها.

- فی صفة اعضاء التناسل و اولا فی صفة الرحم و منافعه.

- فی صفة الرحم التی فیها الجنین.

- فی صفة الثديين و منافعهما.

- فی صفة القضیب و منافعه.

مقاله چهارم- در بیان قوا و افعال و ارواح مشتمل بر ۲۰ باب از قرار مذکور در ذیل:

- فی جملة الکلام علی القوی.

- فی صفة القوی الطبیعیة.

- فی صفة افعال القوی الطبیعیة الاربعة علی جهة المثال فی المعدة.

- فی صفة افعال القوی الطبیعیة علی جهة المثال فی الرحم.

- فی صفة القوی الحیوانیة الفاعلة للانبساط و الانقباض.

– فی منفعهٔ التنفس.

– فی صفهٔ الاسباب التی عنها تکون الموت.

– فی صفهٔ القوی الحیوانیهٔ المنفعلهٔ.

– فی ذکر القوی النفسانیهٔ.

– فی جملهٔ الکلام علی القوی الحساسهٔ.

– فی القوهٔ التی یکون بها حس البصر.

– فی القوهٔ التی یکون بها حس السمع.

– فی القوهٔ التی یکون بها حس الشم.

– فی القوهٔ التی یکون بها حس الذوق.

– فی القوهٔ التی یکون بها حس اللمس.

– فیما یوافق کل واحد من الحواس و ینافرها.

– فی القوی المحرکهٔ بارادهٔ.

– فی صفهٔ الافعال.

– فی صفهٔ الارواح.

– فی ما یجد به کل واحد من الامور الطبیعیهٔ اذا زال عن حاله.

مقاله پنجم– در بیان امور غیرطبیعی مشتمل بر ۳۸ باب باین شرح:

– فی جملهٔ الکلام علی الامور التی لیست بطبیعیهٔ.

– فی الاهویهٔ و تقسیمها.

- فی تغییر الهوا ومن قبل فصول السنۀ.

- فی ما یفعله الهوا فی کل واحد من فصول السنۀ اذا کان علی حال الطبیعی.

- فی ما یفعل کل واحد من فصول السنۀ اذا کان الهوا فیه خارجا عن الطبیعۀ.

- فی من تعرض له الناس العلل و الامراض فی کل واحد من اوقات السنۀ و من یسلم منها فی کل واحد من الاوقات.

- فی تغییر الهوا من قبل الکواکب.

- فی تغیر الهوا من قبل الریاح.

- فی تغیر الهوا من قبل المدن.

- فی تغیر الهوا من قبل البخارات.

- فی صفۀ الهواء الخارج عن الاعتدال.

- فی صفۀ اصناف الریاضۀ و مای یفعل کل صنف منها.

- فی صفۀ افعال الاستحمام فی البدن.

- فی جملۀ الکلام علی الاغذیۀ.

- فی صفۀ انواع الاغذیۀ و اولا فی طباع الحبوب.

- فی ذکر البقول و اصنافها و اولا فی الخس.

- فی اصول النبات و اولا فی الشلجم.

- فی ثمار الشجر الکبار و اولا فی التین.

- فی ثمار الشجر البری و الجبلی و اولا فی الخرنوب.

- فی الاغذیهٔ التی یکون من الحیوان و اولا فی لحوم المواشی.

- فی صفهٔ اعضا المواشی کالرؤس و الاکارع و القلب و الکبد و غیرذلک.

- فی لحم الطیر و فعله فی البدن.

- فی الاطبخهٔ و ما تکسبه اللحم منها.

- فی لحوم الحیوان السابح و اولا فی السمک.

- فی فضول الحیوان و اولا فی اللبن.

- فی العسل و السکر و ما یتخذ منه.

- فی ما یتحذ من العسل و السکر من الحلوا.

- فی صفهٔ الاشربهٔ و اولا فی الماء.

- فی انواع الانبذهٔ و اولا فی العنبی.

- فی الاشربهٔ الدوائیهٔ و الربوب و اولا فی السکنجبین.

- فی طبایع الریاحین و ما تفعله فی البدن.

- فی الطیب و ما یفعله فی البدن.

- فی اللباس و اصنافه و ما یفعله فی البدن.

- فی فعل النوم و الیقظه فی البدن.

- فی فعل الجماع و ما یفعله فی البدن.

- فی الاستفراغات الطبیعیهٔ و ما تفعل و اجناسها.

- فی ذکر الاعراض النفسانیهٔ.

مقالهٔ ششم– در بیان امور خارج از طبیعت(امراض و اسباب و اعراض) شامل ۳۶ باب باین شرح:

– فی جملهٔ الکلام علی الامور الخارجهٔ عن الطبیعهٔ.

– فی ذکر الامراض و اجناسها و انواعها و اولا فی الامراض المتشابههٔ الاجزاء.

– فی صفهٔ الامراض الآلیهٔ.

– فی صفهٔ امراض تفرق الاتصال.

– فی جملهٔ الکلام علی الاسباب الممرضهٔ.

– فی صفهٔ اسباب الامراض المتشابههٔ الاجزا و اولا فی اسباب المرض الحاد.

– فی اسباب الامراض الالیهٔ.

– فی اسباب امراض تفرق الاتصال.

– فی ذکر الاعراض التابعهٔ للامراض.

– فی صفهٔ اجناس الاعراض.

– فی ذکر اسباب الاعراض الداخلهٔ علی الافعال النفسانیهٔ.

– فی الاعراض الداخلهٔ علی الافعال الحساسهٔ.

– فی صفهٔ الاعراض الداخلهٔ علی السمع.

– فی الاعراض الحادثهٔ فی حاسّهٔ المذاق.

– فی الاعراض الحادثهٔ فی حاسّهٔ الشم.

– فی الاعراض الحادثهٔ علی حاسّهٔ اللمس.

– فی کیفیهٔ اللذهٔ و الوجع.

- فى الاعراض الداخلة على فعل شهوة الطعام.

- فى الاعراض الداخلة على فعل الدماغ الذى هو حاس الحواس و القلب بمشاركة فى الفم.

- فى الاعراض الداخلة على فعل الدماغ الذى هو حاس الحواس.

- فى الاعراض الداخلة على الحركة الارادية.

- فى صفة الحركة الحادثة على غير ما ينبغى اعنى على حال رديه و ما يحدثه من الاعراض المختلفة.

- فى الاعراض الحادثة عن المرض وحده.

- فى صفة الاعراض الحادثة عن فعل الطبيعة و المرض.

- فى صفة الاعراض الداخلة على الافعال الحيوانية و اسبابها.

- فى صفة الاعراض الداخلة على الافعال الطبيعية و اسبابها و اولا فى اعراض العضم الاول.

- فى الاعراض الداخلة على فعل الجذب و الامساک و الدفع.

- فى صفة الاعراض الداخلة على الهضم الثانى الذى يوم الدم فى الكبد.

- فى الاعراض الداخلة على الهضم الثالث.

- فى الاعراض الداخلة على حالات البدن.

- فى الاعراض الداخلة على ما يكون من البدن و اسبابها.

- فى الاعراض التى تظهر فى البراز و اسبابها.

- فى الاعراض التى تعرض فى البول و اسبابها.

- فى الاعراض التى تعرض لخروج الطمث.

- فى الاعراض الداخلة على العرق.

- فی الاستفراغات الخارجهٔ عن الطبع.

مقاله هفتم- در شناختن دلائل عمومی امراض، مشتمل بر ۱۸ باب بشرح ذیل:

- فی جملهٔ الکلام علی الدلائل و تقسیمها.

- فی جملهٔ الکلام علی النبض و کیفیهٔ الاستدلال به.

- فی اجناس النبض و اصنافه و کیفیاته.

- فی الاسباب المحدثهٔ لکل واحد من اسباب النبض و ما تحدثه الامور الطبیعیهٔ فیه.

- فی تغیر النبض من قبل الامور التی لیست بطبیعیهٔ.

- فی تغیر النبض من قبل الامور الخارجهٔ عن الامر الطبیعی.

- فی تغیر النبض عن الاسباب المثقلهٔ للقوهٔ.

- فی النبض الدال علی انواع الاورام.

- فی النبض الدال علی العلل الحادثهٔ فی الدماغ.

- فی النبض الدال علی العلل الحادثهٔ فی الات التنفس.

- فی النبض الدال علی الامراض الحادثهٔ فی اعضاء الغذا.

- فی جملهٔ الکلام علی الاستدلال بالبول علی ما یحدث فی البدن من الامراض.

- فی کیفیهٔ الاستدلال بالبول و تقسیمه و فی صفهٔ اللون و ما یدل علیه.

- فی صفهٔ الثقل الراسب فی القارورهٔ و ما یدل علیه.

- فی الاستدلال بالبراز علی ما یحدث فی البدن.

- فی ما یستدّل به من النفث و التصاق علی احوال البدن.

– فی الاستدلال بالعرق علی ما یحدث فی البدن.

– فی الاستدلال بالعرق علی ما یحدث فی البدن.

مقاله هشتم– در استدلال بر امراض ظاهری و اسباب آن، در ۲۲ باب بتفصیل زیر:

– فی تقسیم الدلائل الخاصیهٔ.

– فی ذکر الحمیات و اسبابها و علاماتها.

– فی صفهٔ حمی یوم و اسبابها و علاماتها.

– فی ذکر الحمیات العفینهٔ و اسبابها و علاماتها و اسباب ادوارها.

– فی دلائل حمی العفن.

– فی صفهٔ الحمیات المرکبهٔ و اسبابها و علاماتها.

– فی صفهٔ الحمی المعروفهٔ بافطیقس وهی حمی الدق.

– فی صفهٔ الاوران و اسبابها.

– فی صفهٔ الورم المسمی فلغمونی.

– فی صفهٔ الورم الصفراوی.

– فی صفهٔ الورم البلغمی.

– فی الورم السوداوی.

– فی صفهٔ العلل الحادثهٔ فی سطح البدن و اسبابها.

– فی صفهٔ الجدری.

– فی صفهٔ الجذام و اسبابه و علاماته.

- فی صفة البرص و البهق و القوبا و اسبابها و علاماتها.

- فی الجرب و الحکة و تقشر الجلد و القمل و الثدی و البثور الصغار و الحصف و الثالیل و الورم المسمی ایورسما و القروح عن الاحتراقات.

- فی ذکر العلل الظاهرة الخاصیة بکل واحد من الاعضاء.

- فی ذکر الجراحات و القروح.

- فی نهش الحیوان اذا لسم و لدغه و اولا فی الکلب.

- فی صفة نهش الافاعی و الحیات و علاماتها.

- فی لدغ العقارب و الزنابیر و قملة النسر و الرتیلا.

مقاله نهم- در استدلال بر بیماریهای داخلی مشتمل بر ۴۱ باب بقرار زیر:

- فی الطرق التی یستدل بها علی علل الاعضاء الباطنة.

- فی الاستدلال علی علل الاعضاء الباطنة و تقسیمها.

- فی الصّداع و اسبابه و علاماته.

- فی السرسام و البرسام و اورام الدماغ و اختلاط الذهن.

- فی دلائل النسیان و اسبابه.

- فی السکته و الصرع و اسبابها و دلائلها.

- فی المالیخولیا و اسبابها و علاماته و علة القطرب و العشق.

- فی العلل العارضة فی النخاع و الاسترخا و الفالج و الخدر و التشنج.

- فی التشنج الحادث من الامتلا و اسبابه و علاماته.

- فی التشنج الحادث من الاستفراغ و اسبابه.

- فی الرعشهٔ و اسبابها و علاماتها.

- فی الحدب و اسبابه و علاماته.

- فی العلل الحادثهٔ فی الاعضاء الحساسهٔ و اولا فی علل العین و اسبابها.

- فی العلل الحادثهٔ فی اعضاء السمع و الاته.

- فی علل اعضاء الشم و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل العارضهٔ فی الفم و اسبابه.

- فی العلل العارضهٔ فی اللسان.

- فی العلل العارضهٔ فی اعضاء التنفس و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل العارضهٔ فی لباس الحلق و قبصهٔ الریه و اسبابها.

- فی العلل العارضهٔ فی الریهٔ و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل العارضهٔ فی الغشا المستبطن للاضلاع و عضل الصدر و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل الحادثهٔ فی الحجاب و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل الحادثهٔ فی القلب و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل الحادثهٔ فی آلات الغذا و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل الحادثهٔ فی قعر المعدهٔ.

- فی العلل العارضهٔ فی الامعا و علاماتها.

- فی ذکر علل القولنج و اسبابه و علاماتها.

- فی الدود و حب القرع.

- فی علل المقعدة.

- فی علل الکبد و اسبابها و علاماتها.

- فی صفة الاستسقاء و اسبابه و علاماته.

- فی علل الطحال و اسبابه و علاماته.

- فی علل المرارة و اسبابها و علاماتها.

- فی صفة علل الکلی و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل الحادثة فی المثانة و اسبابها و علاماته.

- فی العلل العارضة لصفاق البطن و اسبابها و علاماتها.

- فی علل الاعضاء التناسل و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل العارضة للقضیب و اسبابه و علاماته.

- فی العلل العارضة فی الثديين و اسبابها و علاماتها.

- فی العلل العارضة فی الورکین و الرجلین و اسبابها و علاماتها.

مقاله دهم- در علامات منذره مشتمل بر ۱۲ باب باین شرح:

- فی جملة الکلام علی الدلائل المنذرة.

- فی علامات الامتلا و غلبة الاختلاط.

- فی الدّلائل الخاصیة المنذرة بحدوث الامراض و العلل.

- فی العلامات المنذرة باوقات المرض.

- فی الدّلائل التی یستدل بها علی المرض الحاد و المرض المتطاول.

- فی معرفهٔ البحران.

- فی معرفهٔ الشی الذی به یکون البحران اعنی الاستفراغ.

- فی معرفهٔ ایام البحران.

- فی معرفهٔ العلامات الدالهٔ علی البحران.

- فی العلامات الردیه المنذرهٔ بالموت.

- فی العلامات المنذرهٔ بالخلاص من المرض.

- فی ما ینبغی ان یعلمه من اراد ان یتقدم فینذر بسلامهٔ المریض او هلاکه.

فهرست موضوعات مقالات و ابواب جزء دوم[1](عملی)

مقاله اوّل- در حفظ صحت و مداوای امراض در ۳۱ باب باین شرح:

- فی صدر الکلام علی حفظ الصّحهٔ و اولا فی التدبیر بحسب اوقات السّنهٔ.

- فی التّدبیر العام بحفظ الصّحهٔ.

- فی تدبیر الصّحهٔ بالرّیاضهٔ.

- فی تدبیر عن ناله اعیا من تعب.

- فی التدّبیر بالاستحمام.

- فی تدبیر الصّحهٔ بالاغذیهٔ.

---

[11] . نسخه فوق العاده نفیسی از این قسمت از کتاب کامل الصناعهٔ، مورخ سنه ۴۳۶ بنشان Ar.۱۰۷ در کتابخانه دانشگاه کالیفرنیا، لوس آنجلس، محفوظ است. این نسخه بتصحیح و مقابله ابوالغنائم هبهٔ الله اثردی مذکور در عیون الانباء است(۲: ۳۲۴) باینعبارت:- «قابلت بذلک انا هبهٔ[الله] بن علی المتطبب تلمیذ الاجل الفیلسوف ابی الفرج عبدالله بن الطیب».

- فی التّدبیر لشرب الماء.

- فی التّدبیر لشرب الشّراب.

- فی تدبیر الصّحۀ بالنّوم.

- فی تدبیر الصحّۀ بالنّوم.

- فی تدبیر الصحّۀ بالجماع.

- فی الاعراض النفسانیۀ.

- فی تنقیۀ الابدان لحفظ الصحّۀ.

- فی النّظر فی العادات.

- فی التّدبیر الخاص لصحۀ الابدان و اولا فی صحۀ الابدان المعتدلۀ.

- فی تدبیر الابدان الخارجۀ عن الاعتدال.

- فی تدبیر الابدان بحسب السّحنات.

- فی تدبیر الابدان التی فی اعضائها افۀ من سوء مزاج او غیره.

- فی تدبیر من لا یمکنه حفظ صحته علی حالها.

- فی تدبیر الابدان الضعیفۀ و اولا فی تدبیر الحوامل و الاطفال.

- فی تدبیر الاطفال.

- فی تدبیر المرضعۀ.

- فی تدبیر الصّبیان الذین قد جاوزوا حدّ الضیاع.

- فی تدبیر الشباب و الکهول.

- فی تدبیر المشایخ.

- فی تدبیر الناقهٔ من المرض(مراد باصطلاح دوره نقاهت است).

- فی التحرز من الامراض الوبیهٔ.

- فی حسم الاسباب العامیهٔ المنذرهٔ بحدوث الامراض و هی الاخلاط الغالبهٔ.

- فی حسم الاسباب الخاصیهٔ المنذرهٔ بحدوث الامراض و اولا فی اسباب المغیرهٔ للامور الطبیعیهٔ.

- فی حسم الاسباب المستعدهٔ بحدوث الاحوال الخارجهٔ عن الطبع الخاصیهٔ بکل واحد من الاعضاء.

- فی الزینهٔ.[۱]

- فی تدبیر المسافرین.

مقاله دوم- در ادویه مفرده مشتمل بر ۵۶ باب بتفصیل مذکور در ذیل:

- فی تقسیم المداواهٔ طرق العلاج.

- فی امتحان الدّوا من التجربهٔ علی الابدان.

- فی امتحان الدّوا من سرعهٔ استحالته و عسرهٔ.

- فی امتحان الدّوا من سرعهٔ جموده و عسرهٔ.

- فی امتحان الدّوا من طعمه.

- فی امتحان الدّوا من رائحته.

- فی امتحان الدّوا من لونه.

- فی معرفهٔ القوی الثوانی من قوی الادویهٔ.

---

[۱]. Cosmetic

– فى الادويۀ المدّرۀ للبول.

– فى الادويۀ المدّرۀ للطمث.

– فى الاشياء المولّدۀ للبن.

– فى الادويۀ المولّدۀ للمنى.

– فى الادويۀ القاطعۀ للبن و المنى و المدرۀ و المانعۀ.

– فى الادويۀ المنقيۀ للصدر و الريه.

– فى تقسيم الادويۀ المفردۀ وصفۀ كل واحد منها فى قوته و منافعه و اوّلا فى الحشائش.

– فى ذكر الحشائش و قواها.

– فى ذكر قوى البروز و الحبوب.

– فى ما كان من الادويۀ المفردۀ ورقا.

– فى الانوار و منافعها.

– فى الادويۀ التى تكون من ثمر الشجر.

– فى الادهان.

– فى ذكر طبايع العصارات.

– فى ذكر قوى الصّموغ.

– فى صفۀ ما كان من الادويۀ خشبا.

– فى ذكر الادويۀ التى هى اصول.

– فى ذكر الادويۀ المعدنيۀ و الينابيع.

- فی الحجارة.

- فی ذکر الملح و انواعه.

- فی الینابیع.

- فی الادویة التی من الحیوان.

- فی منافع الابوال.

- فی منافع الاعضاء الحیوان.

- فی الکلام الاعضاء الحیوان.

- فی الکلام علی الادویة المسهلة و کیفیة استعمالها.

- فی اصناف الادویة المسهلة و اولا فی السقمونیا.

- فی ذکر الادویة المقیئة و کیفیة افعالها.

- فی تدبیر من یرید شرب دواء مسهل او دواء مقیی.

- فی اختیارات الادویة و حفظها.

مقاله سوم- در بیان معالجه تبها و اورام در ۳۴ باب باین شرح:

- فی مداواة حمی یوم الحادثة عن حر الشمس، (حمی یوم= quotidian)

- فی مداواة حمی یوم الحادثة عن الاستحصاب و عن البرد و غیره.

- فی تدبیر صاحب حمی یوم الحادثة عن الاطعمة و الاشربة.

- فی تدبیر من حم حمی یوم من التّعب.

- فی تدبیر حمی یوم الحادثة من الغضب.

- فی مداواۀ حمی یوم الحادثۀ عن الغم.

- فی مداواۀ حمی یوم الحادثۀ عن السّهر.

- فی مداواۀ الحمی الحادثۀ عن ورم الطحال.

- فی المداواۀ العامیۀ لحمی العفن.

- فی استفراغ الخلط العفن.

- فی التدبیر بالغذاء.

- فی مداواۀ حمی الغب الخالصۀ، (= tertian).

- فی مداواۀ حمی الغب غیر الخالصۀ.

- فی مداواۀ حمی الربع(= quartian)

- فی مداواۀ الحمی المواظبۀ.

- فی مداواۀ حمی المطبقۀ(= Inflammatory fever).

- فی مداواۀ الحمی المرکبۀ.

- فی مداواۀ الحمی المعروفۀ بایقیالس و الحمی المسماۀ لیقوریا.

- فی مداواۀ الحمی التی تنوب خمساً او سدساً.

- فی مداواۀ الاعراض التابعۀ للحمیات.

- فی مداواۀ السعال و العطاس اللذین یکونان مع الحمی.

- فی ذهاب شهوۀ الطعام الذی یکون مع الحمی.

- فی مداواۀ السهر الذی یکون مع الحمی.

- فی لین الطبیعهٔ و یبسها و ادرار العرق و حبسه الذی یکون مع الحمی.

- فی مداواهٔ العشی الذی یکون مع الحمی.

- فی مداواهٔ حمی الدق.

- فی مداواهٔ الاورام و اولا فی مداواهٔ الورم المسمی الفلغمونی.

- فی مداواهٔ الورم المعروف بالحمرهٔ.

- فی مداواهٔ النملهٔ.

- فی مداواهٔ الورم الرخو المسمی اوذمیا.

- فی مداواهٔ الورم الصلب المسمی اسقیرس.

- فی مداواهٔ السرطان.

- فی مداواهٔ الخنازیر.

- فی مداواهٔ السلع و التعقد.

مقاله چهارم- در بیان مداوای امراض ظاهری بدن مشتمل بر ۵۲ باب باین شرح:

- فی مداواهٔ الجدری و الحصبهٔ.

- فی مداواهٔ النار الفارسی.

- فی مداواهٔ الجذام.

- فی علاج البرص و البهق الابیض و الاسود.

- فی علاج آثار القروح و الجدری.

- فی علاج الحکهٔ و الجرب.

- فی علاج من ضرب بالسیاط.

- فی نهش ذی السم و لدغه و اولا فی المداواۀ العامیۀ لمن نهشه او لدغه حیوان ذو سم.

- فی علاج عضۀ الانسان و القرد و الکلب.

- فی علاج عضۀ النمر و الفهد و الاسد.

- فی عضۀ ابن عرس و العظایۀ.

- فی عضۀ الکلب الکلب.

- فی مداواۀ من لدغه افعی.

- فی مداواۀ لدغ العقارب.

- فی مداواۀ لدغ الزنابیر و النحل.

- فی مداواۀ لدغ الترتیلا و العنکبوت.

- فی مداواۀ لدغ العقارب الجرارۀ.

- فی مداواۀ قملۀ النسر.

- فی مداواۀ العامیۀ لمن اسقی دواء قتالا.

- فیمن سقی البیش و قرون السنبل.

- فی علاج من سقی مرارۀ النمر و مرارۀ الافعی.

- فی من سقی طرف ذنب الایل و من سقی عرق الدابۀ.

- فی من سقی الافیون و من سقی الشوکران.

- فی من سقی البنج و الیبروح و جورمائل.

– فی مداواة الصداع الحادث عن خلط المعدة.

– فی مداواة الصداع الحادث عن ضربة او سقطة و الحادث بعقب الولادة.

– فی مداواة الشقیقة.

– فی مداواة السرسام.

– فی مداواة الماشرا.

– فی مداواة العلة المعروفة بلیثرغس.

– فی مداواة السبات.

– فی مداواة قوما و هو السبات السهری.

– فی مداواة العلة المسماة قوطوخوس.

– فی مداواة فساد الذکر.

– فی مداواة الدوار و السدر.

– فی مداواة الصرع.

– فی مداواة السکتة.

– فی مداواة المالیخولیا.

– فی مداواة القطرب[1].

– فی مداواة العشق.

– فی مداواة الفالج و الاسترخاء.

---

[1] . Chorea (St. Vitus' dance نیز شاید عبارت از همان باشد.)

- فی مداواة اللقوة.

- فی مداواة المرض المرکب من الاسترخا و التشنج فی علاج الخلع الحادث عن القولنج.

- فی مداواة الحذر.

- فی مداواة التشنج من الامتلاء.

- فی مداواة التشنج الذی یکون من الاستفراغ.

- فی مداواة الرعشة.

- فی مداواة الحدب.

- فی مداواة الرمد.

- فی مداواة الانتفاخ.

- فی مداواة الحسا العارض فی الملتحم.

- فی مداواة الحکة.

- فی مداواة السبل و الودقة و الطرفة.

- فی مداواة الظفرة.

- فی مداواة قروح العین.

- فی مداواة البثر.

- فی مداواة المدة.

- فی مداواة نتو الغبیة.

- فی مداواة الاثر و البیاض.

- فی علاج السرطان.

- فی مداواة العلل الحادثة فیما بین القرنیة و الغبیة کالماء و الانتشار.

- فی المداواة الشرناق.

- فی مداواة الجرب.

- فی مداواة البرد.

- فی مداواة التحجر و الشعیرة و الالتزاق.

- فی مداواة الشعر الزائد و المنتشر.

- فی علاج القمل.

- فی علاج الوردبیخ.

- فی علاج السلاق.

- فی مداواة الکمنة و الشترة.

- فی علاج التوثة و النملة و السعفة و السّلع.

- فی علاج علل الماق و اولا فی علاج السیلان.

- فی علاج الغدة.

- فی مداواة الغرب.

- فی مداواة الشبکرة.

- فی مداواة الاذن و اولا فی الوجع الحادث عن سوء مزاج حار.

- فی مداواة اورام الاذن.

- فی مداواة الدم و المدة اللذین یخرجان من الاذن.

- فی مداواة السدة العارضة فی الاذن.

- فی مداواة الطنین.

- فی مداواة الطرش.

- فی مداواة علل الانف و اوجاعه.

- فی علاج اللحم الزاید فی الانف.

- فی مداواة نتن الانف.

- فی مداواة الرعاف.

- فی مداواة الخشم و هو عدم الشم.

- فی مداواة الزکام و علاجه.

- فی مداواة علل اللسان.

- فی مداواة البثور و الاورام العارضة للسان.

- فی مداواة القلاع.

- فی مداواة الامراض التی تعرض فی الفم و سائر اجزائه و اولا فی شفا الشفتین و البواسیر و البثور العارضة لها.

- فی مداواة اوجاع الاسنان و الاضراس.

- فیما یجلو الاسنان.

- فی مداواة قروح اللثة و اورامها.

– فی نتن الفم و البخر.

– فیما یقطع الرطوبهٔ من الفم فی وقت النوم و اللعاب التی تسیل من افواه الصبیان.

مقاله ششم– در علاج و مداوای بیماریهای آلات تنفس مشتمل بر ۱۸ باب بشرح در ذیل:

– فی مداواهٔ ورم اللهاهٔ.

– فی مداواهٔ الذبحه و الخوانیق.

– فی علاج من ابتلع شوکا او عظما او علقاً.

– فی تدبیر الغرقی فی الماء و المخنوق بالوهق.

– فی السّعال العارض من قبل الحنجرهٔ و قصبهٔ الریهٔ.

– فی مداواهٔ البحوحهٔ.

– فی مداواهٔ علل الصدر و الریهٔ و اولا فی السعال العارض من المواد النازلهٔ الی الصدر و الریهٔ.

– فی مداواهٔ الربو و ضیق النفس.

– فی مداواهٔ ذات الریهٔ.

– فی مداواهٔ الدم و نفثه.

– فی مداواهٔ نفث المدهٔ.

– فی مداواهٔ السّل.

– فی مداواهٔ ذات الجنب.

– فی مداواهٔ الدبابل و الخراجات التی تکون فی الصدر و علاجها.

– فی مداواهٔ البرسام.

- فی مداواة علل القلب و اولا فی مداواة سوءمزاج القلب.

- فی مداواة الخفقان.

- فی مداواة الغشی.

مقاله هفتم- در علاج بیماریهای آلات غذا مشتمل بر ۵۱ باب باین شرح:

- فی مداواة العلل العارضة للمری.

- فی مداواة العلل العارضة لفم المعدة.

- فی مداواة الاورام الحارة العارضة لفم المعدة.

- فی مداواة اورام المعدة الباردة.

- فی مداواة الشهودة الردیة و الوحم و شهوة الطین.

- فی مداواة العلة المعروفة بقولیمس.

- فی مداواة الشهوة الکلبیة.

- فی مداواة بطلان الشهوة.

- فی مداواة وجع الفواد.

- فی مداواة العطش ورداة شهوة الشرب.

- فی مداواة سوء الاستمراء العارض من سوء مزاج و اوّلا فی سوء المزاج الحار.

- فی مداواة سوء الاستمرار العارض من سوء مزاج مع مادة متولّدة و منصبة.

- فی علاج سوء الاستمراء العارض من کثرة الغذا و علاج التخمة.

- فی مداواة الحیضه.

- فی علاج الذرب و تدبیر صاحبه.

- فی مداواة العلة المعروفة بزلق الامعاء.

- فی مداواة القی و قطعه.

- فی مداواة الفواق.

- فی مداواة النفخ و الریاح فی المعدة.

- فی مداواة اللبن الجامد و الدم الجامد فی المعدة.

- فی مداواة الزحیر.

- فی علاج الذوسنطاریا المعائیه.

- فی مداواة الذوسنطاریا الکبدیة.

- فی علاج البواسیر و النواصیر و الشقاق.

- فی مداواة اورام المقعده و الشقاق.

- فی علاج بروز المقعده.

- فی مداواة المعض.

- فی مداواة القولنج.

- فی مداواة القولنج من الریح.

- فی مداواة ایلاوس.

- فی مداواة الدود و الحیات و حب القرع.

- فی مداواة الامراض و العلل الحادثة فی الکبد و اولا فی مداواة سوء المزاج العارض لها.

– فی عسر البول من البرودهٔ.

– فی مداواهٔ عسر البول عن الورم.

– فی مداواهٔ خروج البول بلا ارادهٔ و مداواهٔ البول فی الفراش.

– فی علاج الفتق.

مقاله هشتم– در مداوا و علل و امراض آلات تناسلی و دردهای مفاصل مشتمل بر ۵ باب باین شرح:

– فی العلل العارضهٔ فی الانثیین و اولا فی الاورام العارضهٔ لها.

– فی اجتماع الماء فی الانثیین.

– فی علاج القرو و الدوالی.

– فی علاج البثور و الحکهٔ العارضهٔ لجلد الخصی.

– فی علاج ذهاب شهوهٔ الجماع.

– فی من فرط علیه شهوهٔ الجماع و فیما یقطع سیلان المنی.

– فی مداواهٔ العلل العارضهٔ للقضیب و اولا فی العلهٔ التی تنتشر فیها من غیر شهوهٔ الجماع.

– فی مداواهٔ السّدد العارضهٔ للقضیب.

– فی مداواهٔ العلل العارضهٔ فی الرحم و اولا فی علاج النزف.

– فی مداواهٔ السیلان من الرحم.

– فی مداواهٔ احتباس الطمث.

– فی مداواهٔ اختناق الرحم.

– فی مداواهٔ النفخ و الریاح العارضهٔ للرحم.

- فی مداواة النقرس و وجع المفاصل.

- فی مداواة وجع النقرس و المفاصل اذا کان ذلک من البرودة و المواد البلغمیة.

- فی مداواة الصلابة و التعقد فی المفاصل.

- فی وصایا المتطببین و مشوراتهم فی تدبیر الامراض.

مقاله نهم- در تقسیم عمل بالید(در مقابل علاج با اغذیه و ادویه) مشتمل بر ۱۱۱ باب بتفصیل مذکور در ذیل:

- فی تقسیم العمل بالید.

- فی العلم بامر الفصد.

- فی کمیة العروق المفصودة و منافعها.

- فی بتر الشریان.

- فی علاج الورم المسمی ابورسما.

- فی قطع الشریانات التی خلف الاذنین.

- فی سلّ الشریانات التی فی الصدغین.

- فی تقسیم عمل الید الذی یکون فی اللحم و اولا فی الحجامة و منافعها.

- فی بط الخراجات.

- فی علاج السّلع و التعقد.

- فی علاج الخنازیر.

- فی علاج السرطان.

- فی علاج الثالیل و المسامیر و النملة.

- فی علاج القروح الخبیثة.

- فی اخراج السهام و الازجة.

- فی علاج العلل الخاصیة بکل واحد من الاعضا ما کان بالقطع و الخیاطة و اولا فی علاج الماء الذی یکون فی الرأس.

- فی علاج من تکثر النزلات الحادة الی عینه... .

- فی شق الجبهة بالعرض.

- فی تشمیر جفن العین الاعلی بسبب الشعر الزائد فیه.

- فی علاج الشترة و العین الارنبیة.

- فی علاج اوراطس و هو الشحمة التی یکون فی الجفن.

- فی علاج البرد.

- فی الغدة التی تکون فی الماث و الثالیل و السّلع التی تکون فی اصول الاجفان.

- فی قطع الظفرة.

- فی علاج نتوّ العین و هو نتو الطبقة العینیة.

- فی علاج المدة التی تکون تحت القرنیة.

- فی قدح الماء من العین.

- فی علاج التوثة التی تکون فی الوجنة.

- فی علاج الاذن التی لیست بمثقوبة.

- فی علاج الاذن التی یسقط فیها حجر او غیره.

- فی علاج اللحم الزائد فی الانف الشبیه بالحیوان الکثیر الارجل.

- فی علاج اللثة المسمی اقولیس و الخراج الذی یکون فی اللثة و یقال له فارولیس.

- فی قلع الاضراس.

- فی تعقد اللسان.

- فی علاج ورم اللوزتین.

- فی علاج اللهاة الوارمة المسماة عنبه.

- فی علاج ورم الحنجرة و شقها.

- فی علاج الاصابع الزایدة.

- فی قطع اثداء الرجال الذین یشبه اثداهم اثدا النساء.

- فی بزل الماء من المستسقیین.

- فی علاج نتو السرة.

- فی علاج الجراحات الواقعة فی مراق البطن و خروج الثرب و الامعا.

- فی علاج من یکون لقب الکمرة عند نهایة اکلیل الکمرة.

- فی التبویل بالفاناطیر.

- فی اخراج الحصی من المثانة.

- فی علاج القرو المائی.

- فی علاج القرو اللحمی مع ورم متحجر.

- فی علاج قرو الدالیة.

- فی علاج القرو المعائی.

- فی علاج القرو الذی یکون فی الارنیه.

- فی علاج استرخاء جلدة الخصی.

- فی الاخصا.

- فی الخنثی.

- فی علاج البثر و الثالیل و البواسیر التی تعرض... المرأة.

- فی علاج الرتقا و الورم المسمی القب.

- فی علاج الخراجات التی فی الرحم.

- فی اخراج الجنین المیت.

- فی اخراجا لمشیمة.

- فی علاج النواصیر التی فی المقعدة.

- فی علاج البواسیر التی یسیل منها الدم و التوثة.

- فی التعقد الذی یکون فی المقعدة و الشقاق الذی یکون فیها.

- فی علاج المقعدة اذا کانت غیر مثقوبة.

- فی علاج الدالیة و العرق المدینی.

- فی قطع الاطراف الفاسدة.

- فی علاج الظفر التی یکون فی الاظفار.

- فی علاج الید الذی یکون بالکی(Cautery) و وصفه و تقسیمه.

- فی کی الرأس ممن به رمد عتیق و عسر نفس و جذام.

- فی کی الشرایین التی فی الاصداع.

- فی کی الاشفار.

- فی کی الغرب الذی فی الماق.

- فی کی الابط.

- فی کی الجراح الذی یعرض من الشوصهٔ.

- فی کی الکبد.

- فی کی الطحال.

- فی کی المعدهٔ.

- فی کی المستقیین.

- فی کی القرو المعائی.

- فی کی قرو الاربیهٔ.

- فی کی عرق النسا.

- فی علاج ما یعرض للعظام من الکسیر و الخلع و اولا فی جمل یحتاج الیها المجبر فی ذلک.

- فی جبر الکسر المرکب مع ورم او غیره.

- فی علاج کسر القحف.

- فی علاج الورم الحار العارض فی الرأس بعقب العلاج بالحدید.

- فی علاج کسر الانف.

- فی جبر اللحی الاسفل المنکسر.

- فی جبر الترقوهٔ المکسورهٔ.

- فی جبر الکتف.

- فی جبر کسر الصدر.

- فی جبر کسر الاضلاع.

- فی جبر کسر الورک و عظم العانهٔ.

- فی جبر عظام الکاهل و القفار و شوکها.

- فی جبر کسر العضد.

- فی جبر کسر الذراع.

- فی جبر طرف الکف و اصابعها.

- فی جبر قصبهٔ الفخذ.

- فی جبر فلکهٔ الرکبهٔ.

- فی جبر عظم الساق.

- فی جبر عظام القدم.

- فی رد انواع الخلع و اولا فی رد خلع اللحی الاسفل.

- فی علاج انخلاع الترقوهٔ و طرف المنکب.

- فی جبر المنکب المنخلع.

- فی جبر خلع المرفق.

- فی رد خلع المعصم و الاصابع.

- فی رد الورک المخلوع.

- فی علاج خلع الرکبة.

- فی علاج خلع الکعب و اصابع الرجل.

- فی علاج الخلع الذی یکون مع الجرح.

- فی علاج الخلع المرکب مع الکسر.

مقاله دهم- در بیان ادویه مرکب مشتمل بر ۲۹ باب از این قرار:

- فی السبب الذی من اجله احتاجت الاطبا الی تألیف الدواء المرکب.

- فی ذکر القوانین و الدستورات التی یعمل علیها فی اوزان الادویة التی منها یعمل الدوا المرکب.

- فی تدبیر الادویة المفردة و کیفیة استعمالها فی الدوا المرکب.

- فی عمل المعجونات و اولا فی عمل التریاق المعروف بتریاق الفاروق.

- فی صفة منافع التریاق و علل منافعه و مقدار الشربة منه.

- فی مقدار ما یبقی التریاق من الزمان و فعله باق علیه و غیره من المعجونات.

- فی تریاق الاربعة و باقی المعجونات.

- فی المعجونات المسهلة.

- فی صفة الحبوب.

- فی ادویة القی.

- فی اللعوقات.

- فی صفهٔ الاقراص.

- فی الجوارشنات.

- فی السفوفات.

- فی صفهٔ الحقن و الفتایل.

- فی صفهٔ الاضمدهٔ.

- فی ذکر الادهان.

- فی صفهٔ الاشربهٔ و الربوب.

- فی الانبجات و المربیات.

- فی صنعهٔ الاکحال و الذرورات.

- فی صنعهٔ اشافات العین.

- فی عمل الذرورات التی تلصق الجراحات.

- فی صنعهٔ المراهم.

- فی ادویهٔ الرعاف.

- فی ادویهٔ الفم و الاسنان و اللهاهٔ و السنونات و الغرغرات.

- فی ادویهٔ الجرب و الکلف و النهق.

- فیما یقطع شهوهٔ الطین.

آغاز: «بسمله المقالة الاولی من کتاب کامل الصناعة(و پس از چندین سطر) قال علی بن العباس ان احق ما ابتدی به فی جمیع الامور و الاحوال حمد الله و الثناء علیه و الشکر له».

انجام: «مع شیء من شراب العسل نافع ان شاء الله».

نسخ، کاتب افتخار، تاریخ تحریر۲۲ محرم سنه ۸۶۹، کاغذ نخودی، دارای یک سرلوح کتیبه‌ای مذهب مرصع، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، عناوین بشنگرف، جلد تیماج مشکی ساده، اندازه جدول ۱۳×۲۰/۵، ۳۱س، ۴۲۳ گ ۱۷×۲۶/۵، واقف باحتمال قوی نادرشاه افشار.

۳۶۲

کامل الصناعة

(۵۱۳۲)

نسخه کامل است.

آغاز و انجام: مانند نسخه قبل.

نستعلیق، کاتب عماد الدین بن شیخ نور الدین العقیلی، تاریخ تحریر چهارشنبه ۲۸ رمضان ۱۰۵۱، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج زرشکی، ۳۰س، ۵۳۵گ ۱۸/۵×۳۱/۵، واقف فخرالدوله، تاریخ وقف ۱۲۹۹.

۳۶۳

کامل الصناعة

(۶۳۴۴)

این نسخه مشتمل است بر اوائل کتاب تا آخر مقاله پنجم از جزو اوّل.

آغاز موجود: «المتطبب فی الغرض المقصود الیه فی صناعهٔ الطب».

انجام: «تمت المقالهٔ الخامسهٔ... المعروف بالملکی تألیف علی بن العباس تلمیذ(کذا!) المجوسی».

بلافاصله بعد از آن مقاله ششم شروع می‌شود که بخطی مغایر و متأخر از آنست.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سلخ رجب سنه ۶۲۴، عناوین به سیاهی، کاغذ نخودی بغدادی، مختلف السطر(غالباً ۲۱سطری)، اندازه مسطر ۱۱/۵×۱۹، ۱۰۹گ ۱۶×۲۳/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، عطف و گوشه چرمی، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۳۶۴

کامل الصناعهٔ

(۱۴۰۰۱)

این نسخه به آخر مقاله اول از جزو دوم کتاب خاتمه می‌یابد.

نسخ، کاتب درویش محمد بن مولانا قاسم اسمعیل خطیب قصبه سهواله از اعمال پرکنه، تاریخ تحریر ۲۴ صفر سنه ۶۸۸(نسخه باین تاریخ نمی‌ماند و یقیناً کاتب سهو کرده است تسعمائهٔ را به ستمائهٔ)، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد میشن ضربی با سجاف تیماج، ۲۷س، ۲۸۱گ ۱۷×۲۵، واقف فاضل خان، تاریخ وقف ۱۰۶۵، تاریخ تسلیم به کتابخانه ۱۳۶۳ هجری شمسی.

۳۶۵

کامل الصناعهٔ

(۶۳۴۵)

این نسخه نیز نظیر نسخه مذکور تحت رقم ۶۳۴۴ قدیمی است و مشتمل است بر مقاله دهم از جزو دوم کتاب فقط.

آغاز: «بسمله المقالهٔ العاشر من الجزء الثانی الخ».

انجام: «مع شی من شراب العسل نافع باذن الله ان شاءالله».

نسخ، کاتب ابراهیم بن امیر حاج یهودا الاقسرائی، تاریخ تحریر جمادی الاول سنه ۶۷۰، کاغذ نخودی، عناوین به سرخی، اندازه مسطر ۱۱/۵×۱۹، ۲۱س، ۷۵گ ۱۷×۲۴، جلد مقوا با رویه پارچه و گوشه چرمی، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

۳۶۶

کامل الصناعهٔ

(۱۰۲۵۵)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب محمد امین بن سالک الیزدی، تاریخ کتابت ۱۶ ذی الحجه ۱۰۵۷، کاغذ شکری، عناوین به شنگرف، جلد تیماج زرشکی ضربی لبه دار، ۲۱س، ۴۲۶گ ۲۱×۳۴، خریداری آستان قدس در مرداد ۱۳۴۹.

۳۶۷

کامل الصناعهٔ

(۱۳۰۶۸)

ناقص الاول است.

آغاز موجود: «و قد بقی علینا ان نذکر القسم الثالث».

نسخ و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ذی القعده ۱۰۳۹، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ضربی ساده، ۲۵س، ۵۹۳گ ۱۵/۵×۲۸/۳، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۳۶۸

کامل الصناعة

(۲۳۲۱۷)

نسخه کامل است.

نسخ خوب، کاتب محمد شریف بن محمد زمان الحسینی، تاریخ تحریر ربیع الاول سنه ۱۱۰۰و ۱۱۰۳، عناوین ابواب بشنگرف، کاغذ نخودی، برخی اوراق وصالی شده، جلد تیماج ضربی دو رویه، ۲۹س، ۳۴۵گ ۲۵×۳۶، واقف عباسعلی صائبی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۵.

۳۶۹

کتاب الباه

(۶۰۹۸)

(عربی)

این کتاب همانست که در عیون الانباء بنام محمد بن زکریا رازی مسطور است و آن مشتمل است بر۱۳ فصل باین شرح:

– فی ذکر المضار المتولدة عن الاسراف فی الباه.

– فی تلاحق الضرر الحادث عن الافراط فی الجماع و المدة التی ینبغی ان یکون فیها.

– فی المنافع الکلیهٔ و استعمال الجماع.

– فی الدلایل علی الاسباب و العلل التی من اجلها ینقض الباه او یبطل و علاج ذلک.

– فی تولید المنی و تکثیره و ترقیقه و مبلغ الانتفاع به فی القوهٔ علی الجماع.

– فی ذکر الاغذیهٔ و الاشربهٔ المفردهٔ المکثرهٔ للمنی و فی المحرکهٔ و فی الذی یجمده و ینقض منه.

– فی الادویهٔ المرکبهٔ النافعهٔ فی تولید المنی و تهییجه و تفصیل و تمییز تلحق بها.

– فی الحقن و الحمولات المهیجهٔ للباه.

– فی المسوحات المنعظه و المشدهٔ... .

– فی الاطعمهٔ المعینهٔ علی الباه.

– فی الاستعمال التی یستحب و التی یکره و فی افعالها.

– فی الاشیاء الملذذهٔ و المضیقهٔ و المسخنهٔ و المطیبهٔ...

نسخه ناقص و مصدّر است به ترجمه فارسی طبّ الرّضا علیه‌السلام در چهار صفحه تحت رقم ۵۱۶۸ و رجوع الشیخ الی صباه تألیف شمس الدّین محمدبن احمدبن سلیمان کمال پاشا(متوفی سـنه ۹۴۰) در ۸۴ صفحه تحت رقم ۶۰۹۷ که آنرا بموجب اشاره سلطان خان عثمانی تألیف نموده.

آغاز: «بسمله قال محمد بن زکریا ره انه و ان کانت الکتب المؤلفهٔ فی الباه کثیرهٔ عزیزهٔ موجودهٔ فانی لم ار منها الی هذه الغایهٔ کتابا».

انجام موجود: «لمن یحتاج الی علاج هذا العضو من النظر».

آغاز طب الرضا: «بسمله اما بعد این رساله ایست مشتمل بر معرفت بدن و حفظ صحت».

انجام: «وانگاه تأسف خوردن سودی ندارد».

آغاز رجوع الشیخ الخ: «بسمله الحمدلله الذی خلق الاشیاء بقدرته».

انجام: «تم الجزء الثانی من کتاب رجوع الشیخ الی الصبا».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، ۳۷س، ۴۸گ ۱۸×۲۷/۳، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مردادماه ۱۳۱۱.

۳۷۰

کتاب البول

(فی معرفة البول و اقسامه و دلایله)

(۵۱۴۶)

(عربی)

کتابی است مشتمل بر مجموع اقاویل اطبا در خصوص بول و اقسام و دلایل آن در ده باب از تألیفات جامع و فوق العاده نافع ابویعقوب اسحق بن سلیمان الاسرائیلی المصری[1](متوفی حدود سنه ۳۲۰ هجری در سنّ صد و اند سالگی بنا به قول قاضی صاعد اندلسی در طبقات الامم ۸۸ در قیروان) از اطبای خاصّ ابومحمد عبیدالله المهدی اوّلین خلیفه فاطمی مصر[2] که علاوه بر حذاقت و بصیرت در فنون طب بدقائق علم منطق نیز وقوفی بکمال داشت و غیر از این کتاب که در سراسر قرون وسطی در موضوع خود از امّهات کتب محسوب می‌شد کتب دیگری نیز در موضوعات مختلف تألیف نموده که اهم آنها عبارتست از کتاب الحدود و الرسوم و کتاب النبض و کتاب بستان الحکمة در فلسفه و الهیات

[1]. در لاتینی Issac Judaeus ، ترجمه احوالش در این مأخذ مذکور است؛ طبقات الاطباء و الحکماء ۸۷ و عیون الانباء(۲: ۳۶-۳۷) و طبقات الامم ۸۸، بیروت ۱۹۱۲.

[2]. مدت خلافتش از سنه ۲۹۶تا ۳۲۲ بود.

و کتاب المدخل الی صناعۀ الطب و کتاب المدخل الی المنطق و کتاب فی الحکمۀ مشـتمل بـر یـازده میمر(در سریانی بمعنی مبحث و گفتار) و کتاب دلیـل الاطبـا کـه فقـط ترجمـه عبـری آن در دسـت است(موسوم به منهیگ‌ها، روفئین) و مستشرق ایتالیائی Fr.Soave آنرا در سنه ۱۸۶۱ بطبع رسانیده[۱] و کتاب الحمیات در پنج مقاله که علی بن رضوان مصری انرا بسیار مافع می‌شمرده و خود او نیز آنرا بیشتر از هر چیز موجب بقای نام خود می‌دانسته(از این کتاب یک نسخه مورّخ ۶۹۳ تحت رقم ۲۱۰۹ در استانبول[احمد ثالث] محفوظ است) و کتاب الادویۀ المفـردۀ کـه نسـخه آنـرا در کتابخانـه فـاتح استانبول(سلیمانیه) تحت رقم ۳۶۰۴ دیده‌ام و بـه زبـان لاتـین نیـز تحـت ایـن عنـوان: Diaetae Universales et Particulares ترجمه شده و کتاب اقاویل الاوائل فی طبایع الاغذیه و فوائدها ایضا محفوظ در کتابخانه فاتح بشماره ۳۶۰۴.

این کتاب را موفق الدّین عبداللّطیف بغدادی(معروف به ابن اللّباد) مؤلّف«تعلیقه بر تصریح المکنون فی تنقیح القانون» و کتب دیگر تلخیص نموده است(مراجعه شود بجهت اطلاع از این تعلیقه به حرف تاء در این کتاب ذیل همین عنوان تحت رقم ۵۱۷۵).

تقسیمات و موضوعات ابواب کتاب

[۱] . در "Giornale Veneto della Scienze Medizine"، و در همان کتابست که ابویعقوب در یک موضع خطاب به اطبا می‌گوید که«بگذارید تا حذاقت شما اسباب تعزّز شما بشود و عزّت خود را هرگز در تحقیر دیگران مجوئید» و باز در موضعی دیگر می‌گوید که«دردمندان را، حتی در مواقعی که اطمینان ندارید، به صحّت و عافیت امیدوار سازید زیرا که با این کار قوای طبیعی آنها را تشدید خواهید نمود» و ایضا در یک موضع دیگر می‌نویسد که«از عیادت و معالجه فقرا غفلت مکنید زیرا که هیچ عملی شریف‌تر از این کار نیست»، ولی یک مرتبه مثل این که خوی یهودی گری او گل کرده باشد می‌گوید«حق العلاج خود را موقعی مطالبه کنید که مرض رو بشدّت دارد، زیرا که شخص مریض قطعاً بعد از حصول صحت آنچه را برایش انجام داده‌اید. بکلی فراموش خواهد کرد»، مراجعه شود به کتاب نفیس The Lagacy of Islam، که در حقیقت عبارت است از ۱۳ مقاله بقلم ۱۳ تن از مستشرقین در خصوص موضوعات مربوط به علوم و فنون اسلامی و فقراتی که ما ترجمه کردیم مسطور است در صفحه ۳۲۶ آن کتاب، و ناگفته نماند که کتاب دلیل الاطبا را قسطنطین افریقی بزبان لاتین ترجمه نموده و این ترجمه در سنه ۱۵۱۵ در لیدن از بلاد هلند بطبع رسیده است.

الباب الاوّل – فی مائیة البول و هیولاه.

الباب الثانی – لم صار بول اللیل اصدق دلالة من بول النهار.

الباب الثالث – فی دلائل البول الدالة علی الامراض.

الباب الرابع – فی منفعة خروج البول و مضرته.

الباب الخامس – فی اختلاف البول و اقسامه.

الباب السادس – فی معرفة قوام البول.

الباب السابع – فیما یأتلف من الوان البول مع الرقة و الصفا و ما منها یأتلف مع الغلظ و الکدورة و ما منها یأتلف مع التوسط و الاعتدال.[1]

الباب الثامن – فی معرفة ثقل البول و اقسامه و دلائله.

الباب التاسع – فیما یأتلف من الوان البول و قوامه مع الاثقال و ما لا یاتلف منها.

الباب العاشر – فیما یختص به کل واحد من اشخاص البول و الثقل فینفرد من الدلایل دون غیره.

بدنبال آن پس از دو صفحه که کاتب سفید گذاشته رساله‌ای است در هفده ورق به زبان عربی ایضا در معرفت قاروره و آن عبارت از:

تفسیر کتاب البول(صفة البول)

تألیف یکی از قدمای اطباست بر کتاب البول از تصانیف جالینوس در یازده مقاله از قرار تفصیل ذیل:

– قال جالینوس البول یکون من الکبد و یدل علی امراضها و صفاتها و بقوتها خاصة.

---

[1] . در اواسط این باب مؤلف یکی از معالجات خود را در خصوص شخصی بنام روح بن ابی روح التمیمی شرح می‌دهد که به علّت معالجه غلط دوا فروشی دوره گرد موسوم به احمد المتطبب که باو حبّ الدیک داده بود حالش بکلّی وخیم شده بود.

– قال جالينوس فی المقالة الثانية ينبغی لمن اراد احكام نظر البول ان يكون ذا علم و معرفـة قـد قـرأ الكتب و نظر فی الامور و خدم العلما و كان مع ذلک صادق الوهم.

– قال جالينوس البول ينقسم الی عشرة اضرب فمنها اربعـة اللـون– الاحمـر و الابـيض و الاصـفر و الاخضر.

– و اما البول نفسه فان سوس(كذا) البول فی الاصل الی الثخن اسفله رقيق اعلاه فی مثل اللـون الـذی وصفناه.

– و اما الثقل فانه للاصحا يكون فی اسفل القارورة لازقا باسفلها مجتمعا قليلا ابـيض و ان كـان علـی خلاف ذلک فقد يكون علی خلاف الغريزة.

– و اما ابوال المرضی فعلی ستة الوان اصلها من لونين من الصفرة و البياض.

– اما الثقل فانه يكون من المرض فی الموضعين من القارورة و لا يكون فی الموضع الثالث.

– و اما البول نفسه فانه اذا كان فی حال المرض ثخينا كان ذلک يدل علی ضعف القوة.

– فاما الابوال التی تدل علی الموت و الصحة فانها تكون علی مقدار القوة و الضعف و العلة.

– من قرأ هذه الكتب و احكمها و اراد ان يضع لنفسه الكتب حتی يكون عالما فينبغی ان ينظر الـی مـا ذكرت فی كتابی هذا.

– و اما امراض الدماغ و القلب و اعلی الحسد(؟– شايد الكبد) و القلب و انقطاع المنی و استرخا الاعضا فان ذلک فی العضو من قبل.

آغاز کتاب اول: «بسمله اللهم سهل، کتاب مجموع من اقاویل الاوایل فی معرفة البول و اقسامه و دلایله(پس از ده سطر) الباب الاول فی مائیة البول و هیولاه قال اسحق ان البول مائیة الدم و مصایة الاخلاط یتولد عن فعل الطبیعة».

انجام: «اذا کان علیه شبیه العنب کان دالا علی وجع الکلی تم الکتاب بحمدالله و حسن توفیقه».

آغاز کتاب ثانی: «کتاب صفة البول لجالینوس قال جالینوس العالم و انما سمی العالم لانه کان قابلا للعلم بطبیعة فیه بعثته و فهم جامع و ادب کثیر لم یر قبله مثله و لا یدرک بعده فی عمله بالطب و لطافة نظره فی الامور و سمی المعلم اذا کان الاول و الاخر من المتطببین یحتاجون الیه فی عمل الطب الخ».

انجام: «و هذا هو الذی یظهر الشهادات و یعدّل الشهود ان شاءالله تم کتاب البول عن جالینوس».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن ششم(این تاریخ قطعی است زیرا که این نسخه منضم بوده است سابقا به نسخه رساله فی علاج المشایخ به شماره ۵۱۱۲ که به خط کاتب همین نسخه است و در صفحه اوّل آن سه رباعی مسطور است که صریحا واضحا تاریخ ۶۵۴ را دارد و ما هر سه رباعی را در موقع توصیف نسخه مذکور ثبت نمودهایم)، کاغذ نخودی، عناوین ابواب و مقالات به مرکبّ سیاه، مختلف السطور(غالب صفحات ۱۸ و ۱۸ سطری)، ۱۱۵گ(۹۸ ورق کتاب اول و ۱۷ ورق کتاب دوم)، قطع بیاضی ۱۳×۲۰، جلد گالینگور عطف تیماج، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵

۳۷۱

کتاب الفصول

Aphorismi sive sententiae

(۵۲۰۵)

(عربی)

این کتاب که معروف‌ترین تألیف بقراط Hippocrates(حدود ۴۶۰- حدود ۳۷۰ق.م.)و نزد اطبای قدیم بهترین کتاب در نوع خود محسوب می‌شده از جمله مجموعه دوازده‌گانه او[1] در موضـوع طـب نظری و ترجمه حنین بن اسحق العبادی[2] است مشتمل بر عدّه‌ای کلمات قصار متحد الموضوع یا متقاربهٔ

---

[1]. یعنی کتب مشروح ذیل:

الف) کتاب الاجنهٔ(در سه مقاله) I- De foetus

ب) کتاب طبیعهٔ الانسان(در دو مقاله) II- Peri physios anthropu(De natura huminis)

ج) کتاب الاهویهٔ و المیاه و البلدان(در سه مقاله) III- Peri earon hydaton(De aere lacis aquis)

د) کتاب الفصول(در هفت مقاله) IV- Aphorismoi(Aphorismi sive sententiae)

هـ) کتاب تقدمهٔ المعرفهٔ(در سه مقاله) V- Prognosticon(prognostica sive Praenotiones)

و) کتاب الامراض الحادهٔ(در سه مقاله) VI- Peri diaites oxeon nosematon(De ration victus in acutis)

ز) کتاب اوجاع النساء(در دو مقاله)

ح) کتاب الامراض الوافدهٔ(در هفت مقاله) VII- Epidemion biblia(Epidemiorum)

ط) کتاب الاخلاط(در سه مقاله) IX- Peri chymon(De humoribus)

ی) کتاب الغذاء(در چهار مقاله) X- Peri trophes(De alimento)

یا) کتاب قطیطریون(= حانوت الطبیب) (در سه مقاله) XI- latrion

یب) کتاب الکسر و الجبر(در سه مقاله). XII- Peri agmon, Peri arthron, Mochlicon(De fractis, de articulis responedis, vectiarivs)

[این مجموعه را بتصریح مؤلف کتاب«مقالات الحکما» که کتابی است عینا از نمط صوان الحکمهٔ ابوسلیمان منطقی در زمان او یعنی سنه ۴۴۵ که سال تألیف کتاب است طلاّب علوم طب بعد از ستهٔ عشر جالینوس می‌خوانده‌اند(نسخه کتابخانه رضویه- ۱۵۲۶۴، تحریر سنه ۹۱۵ در مغنیسا، ورق ۱۷a)، و ناگفته نماند بمناسبت ذکر این کتاب که کتاب دیگری ایضا در همان جا محفوظ است تحت رقم ۳۵۵۷ موسوم به عنوان السعادهٔ که موشح است بنام«مولاناالملک الجلیل المظفر المنصور المجاهد معین الدنیا و الدین مغیث الاسلام و المسلمین قاتل الکفرهٔ قاهر الزنادقهٔ و الملحدین مجیر المظلومین المنتصف من الظالمین تاج الملوک و السلاطین ابی المظفر سلیمان بن علی الدیلمی» و مثل کتاب مذکور موضوعش تراجم احوال و سیر و آداب و اقوال حکما و اطبای یونان است منتهی مختصرتر و کوتاه‌تر و مشابهت کامل دارد در اغلب مواضیع از جمله ترجمه احوال اسکندر و افلاطون و ارسطو و لقمان حرفا بحرف عینا با فقرات معادله آنها در مقالات الحکمای مذکور و فرط تشابه این قبیل فقرات بحدی است که انسان تقریباً خیال می‌کند که این دو کتاب یکی است منتهی یکی صورت ملخص دیگری بدون تصریح ملخص باین مطلب یا یکی عینا منقول و منتحل از دیگری لااقل در همان مواضع مشترک متشابه].

[2]. این ترجمه و ترجمه شرح جالینوس بر فصول را ایضا از حنین بعدها قسطنطین افریقی(متوفی ۱۰۸۷ میلادی در مونته کاسینو) بزبان لاتین ترجمه کرد. از شرح جالینوس چنان که در رساله حنین مسطور است(ص۴۰) ایوب الرهاوی ترجمه مغلوطی به عمل آورده بود بهمین لحاظ جبرئیل بن بختیشوع آنرا اصلاح کرد ولی این اصلاح چون در حقیقت آنرا فاسدتر نموده بود حنین آنرا با اصل یونانی مقابله و اصلاحی ترجمه مانند کرد تا این که احمد بن محمد معروف به ابن المدبّر(مذکور در عیون الانباء) ترجمه آنرا از حنین درخواست نمود و او یک مقاله را بجهت اوبزبان عربی درآورد اما به لحاظ این که ابن المدبّر شروع ترجمه هر مقاله را از طرف حنین منوط به اتمام مطالعه مقاله قبل از جانب خود کرده

المعنی در مواضیع و اصول و قوانین طبی بدون قصد ایراد و تفصیل آنها تحت عنـاوین بخصوصـی و مرتّب است بر هفت مقاله هر مقاله مفصّل بر تعدادی فصول بتفصیل مذکور در ذیل(تعـداد فصـول در نسخه‌های مختلف کمتر یا بیشتر از تعداد فصول این نسخه است):

- العمر قصیر و الصناعۀ طویلۀ و الوقت ضیق و التجربۀ خطر و القضاء عسر.

- (۲۳ فصل)

- اذا کان النوم فی مرض من الامراض یحدث وجعا الخ، -(۵۳ فصل)

- ان انقلاب اوقات السنۀ مما یعمل فی تولید الامراض خاصۀ. -(۳۰ فصل)

- ینبغی ان یسقی الحامل الدوا اذا کانت الاخلاط فی بدنها. -(۷۳ فصل)

- التشنج الذی یحدث من شرب الخربق[1] قتال الخ. -(۶۳ فصل)

- اذا حدث الجشاء الحامض مع العلۀ التی یقال دلق الامعاء الخ. -(۵۶ فصل)

- برد الاطراف فی الامراض الحادۀ دلیل ردی. -(۵۷فصل)/ ۳۵۵ فصل

بر اصل یونانی[2] و ترجمه‌های مختلف این کتاب شروح متعدّدی از ناحیه اشخاص مختلف نوشته شده و ما از شروح عربی و نیز از اختصار آن موسوم به وسائل الوصول یک نسخه را در موقع خود در ایـن کتاب معرفی خواهیم نمود، ان شاءالله الکریم.

بود این کار به واسطه کثرت اشتغالات او بکلّی بعهده تعویق افتاد تا این که محمدبن موسی بعد از ملاحظه آن مقاله حنین را مأمور به اتمام ترجمه کرد و او شرح مذکور را به نام این شخص نقل به عربی نمود.

[1]. Helleborus یا چنان که در یونانی نیز معمول است elleborus، و در انگلیسی مأخوذ از لفظ اول Hellebore و از ثانی که فعلا متروک است ellebore.

[2]. طبع متن یونانی فصول در سال۱۵۳۲ و چاپ ترجمه سریانی آن(به اهتمام پونیون در لیپزیگ) در سنه ۱۹۰۳ انجام گرفت.

آغاز: «العمر قصیر و الصناعة طویلة[1]، و قد ینبغی لک ان لا تقتصر علی توخی فعل ما ینبغی دون ان یکون ما یفعله المریض».

انجام: «و ان کان کثیرا جدا دلّ علی الموت فرغ من تحریره بعون الملک الوهاب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دهم ربیع الاول سنه ۷۳۰، محل کتابت شیراز، دارای یک سـرلوح مستطیلی کوچک با کتیبه بسفیداب محرّر در زمینه زرین منقّش و در ظهر آن ترنج بادامی در میان دو سطر بخط ثلث و بقلم زر محرّر باین عبارت: -«صاحب هذه المجموعة(یعنی همین فصول و اختصار مسائل حنین و قواعد در طب که آن موقع منضم بهم بوده) و مالکها ابواسحق محمد بن محمدبن احمد المتطبب»، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد، مقالات و فصول بشنگرف، اندازه جدول ۷/۵۲×۱۵/۴، جلد تیماج خرمائی ضربی، ۴۲گ ۱۱/۵×۲۲، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱، (بقیه اطلاعات در خصوص این نسخه را ذیل«اختصار المسائل فی الطب للمتعلمین» تحت رقم ۵۱۵۶ بدست داده‌ایم).

۳۷۲

کتاب المائة

---

[1]. بر این کلمه ابن هندو در الکلم الروحانیة شرحی نوشته که مع الاسف از متن مطبوع ساقط است و روزنتال قسمت مذکور را عینا از روی نسخه محفوظ در ایاصوفیه تحت رقم ۲۴۵۲ به آلمانی ترجمه و در کتاب خود موسوم به Das Fortleben der Antike im Islam که تحت عنوان The Classical Heritage in Islam به زبان انگلیسی نقل شده درج نموده است هرکس خواهد به این کتاب اخیر(۱۸۶-۱۸۷، طبع ۱۹۹۴) یا به مقاله همو به عنوان، "Life Is Short, The Art Is Long" مطبوع در Bulletin of the His. Of Medicine, XL(۱۹۶۶), ۲۲۶-۴۵. مراجعه نماید. این کلمه را وّصاف در تاریخ خود(ص۶) و عزیز نسفی در کشف الحقائق(ص۱۲۴) و شهرستانی در الملل و النحل(۲: ۱۱۱) و مبشر ین فاتک در مختار الحکم(۲۹ طبع مادرید) و با اندک اختلافی ابن قتیبه در عیون الاخبار(ج۲، جزء پمجم، ص۱۲۷) و گوته در فاوست نقل نموده‌اند و تضمین گوته از کلمه مذکور از این قرار است:

Ach Gott! Die kunst ist long
Und kurz ist unser Leben,
Mir eird bei meinem kritischen Bestreben
Doch oft um Kopf und Busen bang.

یا

المائة مقالة

(۵۱۴۱)

(عربی)

کتاب معروفی است مشتمل بر صد کتاب در تقریباً همه مباحث و موضوعات علم پزشکی از تصانیف ابوسهل عیسی بن یحیی المسیحی الجرجانی از استادان شیخ الرئیس ابوعلی سینا و یکی از مشاهیر حکما و اطبای قرن چهارم و پنجم هجری. مولدوی جرجان بود و پس از تلقی علوم مختلف در محضر علمای بغداد و براعت در آنها در جرجانیه به دربار مأمون بن محمد خوارزمشاه(متوفی ۳۸۷) و ابوالعباس مأمون بن مأمون[1] (مقتول در سنه ۴۰۷) رفت و در آنجا مانند ابن سینا و ابوریحان بیرونی و فضلای دیگر درظلّ دولت و حمایت ایشان که به علم دوستی و تربیت و رعایت جانب علما مشهور آفاق بودند قرار گرفت تا این که بنا به قول نظامی عروضی در چهار مقاله موقعی که باتفاق ابن سینا از دست عمّال محمود غزنوی از خوارزم به مازندران می‌گریخت از بی‌آبی و تشنگی در بیابان خوارزم هلاک شد، غیر از این کتاب ابوسهل را کتب دیگری نیز بوده است مانند کتاب فی اظهار حکمة الله تعالی فی خلق الانسان، کتاب فی الوباء که برای ابوالعباس مأمون بن مأمون تألیف نموده، مقالة فی الجدری، کتاب تعبیر الرؤیا موسوم به کفایة که بجهت محمّد بن مأمون خوارزمشاه نوشته، کتاب فی علم

---

[1] . ابن العباس مأمون داماد سبکتگین بود و همانست که بیهقی در تاریخ مسعودی بنقل از ابوریحان می‌گوید که وی روزی نزدیک حجره من(یعنی ابوریحان) رسید فرمود تا مرا بخواندند دیرتر رسیدم بدو اسب براند تا در حجره من و خواست که فرود آید زمین بوسه کردم و سوگند گران دادم تا فرو نیاید گفت:

العلم من اشرف الولایات   یأتیه کلّ الوری و لا یأتی

پس گفت لولا رسوم الدّنیاویة لما استدعیک فالعلم یعلو و لا یعلی.

الطبیعی، کتاب الطّب الکلی[1] در دو مقاله، و کتاب اختصار مجسطی، و بجر اینهـا دوازده کتـاب نیـز در موضوعات حکمت و منطق و ریاضی و نجوم تألیف و بنام ابوریحان موشّـح نمـوده کـه اسـامی آنهـا بموجب فهرستی که خود ابوریحان از تصانیف خویش ترتیب داده(مطبوع در مقدمه آلمانی زاخائو بر کتاب آثار الباقیة عن القرون الخالیة ص۳۷-۳۸) عبارت است از: سکون الارض او حرکتها، کتاب فی مبادی الهندسة، التوسط بین ارسطو طالیس و جالینوس فی المحرک الاوّل، رسالة النرجسیة، رسالة فی اداب صحبة الملوک، رسوم الحرکات فی اشیاء ذوات الوضع، رسالة فی دستور الخط، رسالة فی دلالـة اللفظ علی المعنی، رسالة فی الغزلیات الشمسیة، رسالة فی سبب بردایام العجـوز[2]، رسـالة فـی قـوانین الصناعة، و رسالة فی علة التربیة التی تستعمل فی احکام النجوم.

فهرست عناوین کتاب المائة

- کتاب المدخل الی الصناعة الطبیة.
- کتاب اسطقسات البدن.
- کتاب الاعضاء المتشابهة الاجزاء.
- کتاب الاعضاء الالیة.
- کتاب منافع الاعضاء.
- کتاب الاخلاط.
- کتاب المزاج.
- کتاب القوی و الارواح و الافعال.

---

[1]. از این کتاب یک نسخه تحت رقم ۶۲۶۷ در برلین محفوظ است.

[2]. یعنی سه روز آخر شباط و چهارروز اول آذار(جمعاً هفت روز).

– کتاب الاحوال الطبیعیهٔ للبدن و هی الذکورهٔ و الانوثهٔ و المزاجات الخاصیهٔ الاصلیهٔ و الانسان و العادات و فصول السنهٔ.

– کتاب المساکین.

– کتاب المیاه.

– کتاب علم الغذاء.

– کتاب الاغذیهٔ المفردهٔ.

– کتاب الاشربهٔ.

– کتاب اصلاح الاطعمهٔ و الاشربهٔ.

– کتاب مواد الاغذیهٔ.

– کتاب تدبیر الغذا.

– کتاب المشمومات و الملابس.

– کتاب النوم و الیقظه.

– کتاب الدلک.

– کتاب الحرکهٔ و السکون.

– کتاب الاستحمام.

– کتاب الاستفراغات.

– کتاب الاسهال و هو الکلام فی منافع الاسهال و مضاره و قوی الادویهٔ المسهلهٔ و اصلاحها وجههٔ استعمالها.

- كتاب القى و هو الكلام فى منافع القى و مضاره و قوى الادويهٔ المقيهٔ و وجوه استعمالها.

- كتاب اخراج الدم.

- كتاب الاستفراغات الجزيهٔ و هو الكلام فى ادرار البول و العرق و الغرغرهٔ و الشيافات و الحقن.

- كتاب العوارض النفسانيهٔ.

- كتاب معرفهٔ الادويهٔ.

- كتاب الادويهٔ البسيطهٔ.

- كتاب مواد الادويهٔ.

- كتاب الانتفاع بالادويهٔ و هو الكلام فى وجوه استعمال الادويهٔ و قوانين تركيبها و قوانين الابدال.

- كتاب الامور الخارجهٔ عن الطبع و هو الكلام فى اجناس و انواع الامراض و الاسباب و الاعراض.

- كتاب اعراض القوى النفسانيهٔ و اسبابها و هو الكلام فى اعراض القوى المدبرهٔ و الحساسهٔ و اللذهٔ و الاذى و الشهوهٔ و النوم و اليقظهٔ و اسباب هذه كلّها.

- كتاب اعراض الحركات و اسبابها.

- كتاب اعراض القوى الطبيعيهٔ و اسبابها.

- كتاب اعراض ما يبرز من البدن و ما يحتقن فيه و اسبابها.

- كتاب الحميات.

- كتاب الاورام.

- كتاب الاستدلال.

- كتاب علامات الامتلاآت و غلبهٔ الاخلاط.

- كتاب علامات المزاج.

- كتاب التنفس.

- كتاب النبض.

- كتاب البول.

- كتاب البراز.

- كتاب العرق.

- كتاب الاستعدادات للامراض و الانذارات بالامراض.

- كتاب اوقات الامراض.

- كتاب النضج.

- كتاب البحران.

- كتاب ايام البحران.

- كتاب تقدمهٔ المعرفهٔ[١]،

- كتاب علامات الامراض.

- كتاب حفظ الصحهٔ.

- كتاب تدبير الصحهٔ فی جميع الابدان(الاسنان).

- كتاب النحرافات الصحيهٔ.

- كتاب قوانين علاج الامراض.

---

١. Prognosticon

– كتاب علاج الحميات.

– كتاب علاج الاورام.

– كتاب علاج القروح.

– كتاب علاج امراض الدماغ و هو الكلام فی علاج السرسام و الماليخوليا و قرانيطس و الجنون و السّبات والشحوص.

– كتاب علاج الامراض الحادثة فی مجاری الدماغ و هو الكلام فی علاج السكتة و الصرع و الكابوس و الفالج و اللقوة.

– كتاب علاج الامراض الحادثة فی الات الحس و الحركة و هو الكلام فی علاج التشنج و الكزاز و التمدد و الحذر و الرعشة.

– كتاب علاج اوجاع الرأس و هو الكلام فی علاج اصناف الصداع و الدوار و انواعه.

– كتاب علاج امراض العين و هو الكلام فی علاج الرمد و الطرفه و السبل و الظفرة و انتشار الاشقار و الشعر المنقلب.

– كتاب علاج امراض الاذن و هو الكلام فی علاج اوجاع الاذن و الطرش و ثقل السمع و الاصوات و الدوی و الطنين.

– كتاب علاج امراض الانف و هو الكلام فی علاج عدم الشم و ضرره و قروح الانف و اللحم الزايد و الناسور و الرعاف.

– كتاب علاج امراض الاسنان و اللثة.

– كتاب علاج امراض الفم و هو الكلام فی تشقق الشفة و علل اللسان و اللهاة و القلاع و سيلان اللعاب.

- كتاب امراض الحلق و هو الكلام فى علاج الخناق و العلق و الافات الحادثة فى الصوت و جميع اصناف نفث الدم.

- كتاب علاج الزكام و النزلة.

- كتاب علاج السل.

- كتاب علاج الربو و ضيق النفس.

- كتاب علاج امراض الصدر، و هو الكلام فى ذات الجنب و ذات الرية و المدة.

- كتاب علاج امراض القلب.

- كتاب علاج امراض المعدة و هو الكلام فى علاج سوء المزاجات و الضعف و سوء الاستمرار و الاورام و النفخ الخ.

- كتاب فى علاجات الاستفراغات المعدية.

- كتاب علاج امراض الكبد.

- كتاب علاج امراض الطحال.

- كتاب علاج الاستسقا.

- كتاب علاج اليرقان.

- كتاب فى علاج القولنج.

- كتاب فى اخراج الديدان و الحيات و حب القرع.

- كتاب فى علاج السحج و المغص.

- كتاب فى علاج امراض المقعدة.

- كتاب علاج الاورام و القروح فى الكلى و المثانة.

- كتاب علاج الحصى و الكلى و المثانة.

- كتاب علاج اعراض البول.

- كتاب علاج امراض الرحم.

- كتاب علاج امراض الحيض.

- كتاب علاج اعراض الحبل و الولادة.

- كتاب علاج امراض الخاصة بالرجال.

- كتاب علاج النقرس عرق النسا و وجع المفاصل.

- كتاب علاج اعراض الشعر.

- كتاب علاج اعراض اللون.

- كتاب علاج اعراض الجلد.

- كتاب علاج الخلع و الكيس و الوثى.

- كتاب علاج سموم الحيوانات و ذوات السموم.

بر این کتاب نعمان بن ابی الرضا الاسرائیلی حاشیه‌ای دارد موسوم به الحواشی النعمانیه و المقاصد الطبیه که نسخه‌ای از آن تحت رقم ۲۸۸۳ در کتابخانه پاریس محفوظ است.

آغاز: «بسمله، الحمدلله رب العالمین و صلواته علی سیدنا محمد و آله و اصحابه اجمعین، قال ابو سهل عیسی بن یحیی المسیحی هذا هو الکتاب الاول من کتبنا فی صناعة الطب و قصدنا فیه ان نتکلم فیما یجب تقدیمه قبل الشروع فی علم الطب مما یکون مدخلا الیه و الله تعالی هو المعین».

انجام: «و هو آخر كتبنا فى صناعة الطب و الحمد لواهب العقل و مفيض العدل».

نسخ آمیخته به کوفی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن پنجم هجری، ورق آخر نونویس(از قرن ۱۲)، عناوین به نسخ جلی و به سیاهی، شماره کتابها به شنگرف، ۲۵س، ۲۸۷گ ۱۸/۵×۲۵، اندازه اوراق ۱۸/۵۲×۲۵، کاغذ پنبه‌ای بغدادی، عنوان کتاب بخط کوفی، جلد تیماج مشکی ساده، نسخه در ملکیت شیخ بهائی و ابونصر صدر بن المنصور بن صدر الحسنی الحسینی الدشتکی الشیرازی و در سنه ۹۶۰ در ملکیت اسمعیل بن محمدبن کمال البنجدهی[1] بوده، واقف شاه عباس صفوی، تاریخ وقف ۱۰۱۷.

۳۷۳

کتاب المائة

(۲۲۵۹۱)

نسخه کامل است.

نسخ جلی، کاتب علی مازندرانی، تاریخ تحریر ۱۸ رجب ۱۰۹۹، کاغذ حنائی، عناوین به شنگرف، جلد میشن ضربی دو رویه، ۲۳س، ۳۱۳ گ ۱۶/۵×۱۸، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۳۷۴

کتاب المائة

---

[1] . منسوب به بنجده(بنجدیه= پنج دیه) از محال مرو الرّود، و سبکی نام دهات پنجگانه پنجدیه را در طبقات الشافعیه آورده است(۴: ۳۹ ذیل ترجمه احمد بن عبدالله الخمقری[منسوب به خمس قری یعنی پنجده])، و ناگفته نماند که حدود ده ماه طول کشید تا اسامی دهات مذکور را که سابقا در سبکی دیده بودم دوباره یافتم و در اینجا نشانی آنها را بجهت مزید فایده ثبت نمودم.

(۲۲۷۴۲)

این نسخه مشتمل است بر کتابهای سی و چهارم تا آخر کتاب پنجاه و ششم فقط.

آغاز موجود: «قال ابو سهل عیسی بن یحیی المسیحی الخ».

انجام موجود: «و یتلوه کتاب تدبیر الصحهٔ فی جمیع الاسنان تم کتاب حفظ الصحهٔ».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ حنائی فرنگی، جلد تیماج دورویه، ۲۱س، ۹۶گ ۱۳/۵×۲۴، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۳۷۵

کتاب در طب

(۱۰۹۶۳)

(عربی)

این نسخه که مع الاسف از ابتدا و انتها ناقص است فی الحقیقه عبارت از مجموعـه اقـوال مشـاهیر و فحول اطبای متقدم است[۱] باضافه مطالبی از خـود مؤلـف تحـت عنـاوین«لـی» و«اشـارهٔ» و«تنبیـه»

[۱] . ابن ماسویه(فی کتاب الاسهال)، حنین بن اسحق(فی کتابه ف تقسیم العصب)، صاحب کتاب الاوزان، امین الدولهٔ بن التلمیذ(فی حواشیه)، جالینوس(فی الجوامع الاسکندرانیین، که همان ستهٔ عشر باشد)، زکریا رازی(فی کتاب الباه)، ابن سینا(فی القانون)، یحیی النحوی(فی صفهٔ العمل التریاق)، ابن ربن طبری، صاحب الدلایل(نقله حنین و ذکر انه لایعرف صاحبه)، ابن سرافیون، ابن بطلان(فی تقویم الصحهٔ)، روفس(فی کتابه) (در اینجا تحت عنوان ملحمهٔ مؤلف می‌گوید: اسقلبیوس معناه النافی الیبوسهٔ لان اسم الیبوسهٔ اسقلبیه)، ابن وحشیه(فی کتاب السموم)، اسحق بن سلیمان(فی المالیخولیا) (در اینجا تحت عنوان نکته بنقل از کتاب تشریح الکبیر می‌گوید که هراسطاد برابر با چهارصد ذراع است)، علی بن عیسی(فی تذکرته)، النیلی(فی اختصاره لمسائل حنین) (ذیل همین مطلب تحت عنوان محاورهٔ فلاطونیهٔ محاوره‌ای را بعنوان قال المعلم– قال المعلم آورده است)، حکایهٔ من کتاب المصاید و المطارد لکشاجم(در اینجا تحت عنوان لمحه می‌گوید«کانت وفاهٔ ابن ماسویه بسر من رای یوم الاثنین لاربع خلون من جمادی الاخرهٔ سنهٔ ۲۴۳)، حنین(فی مقالته فی المعدهٔ)، حکایهٔ عن زاهد العلما(یعنی ابوسعید منصور بن عیسی نصرانی) فی سبب تعلم ابی بکر محمدالرازی.

و«مطلب» و«ملحهٔ» و«مسئلهٔ» و«وصیهٔ» و«نکته» و«لمعه» و مذیل است به مقالهٔ الاغاذیمون لتلامذته

در هفت ورق و مفاخرهٔ الاجساد تألیف مسلمه مجریطی در ۷۱ ورق.

آغاز موجود: «و السل و الم الفواد و الاقشعرار».

انجام موجود: «اشارهٔ سقوط القوهٔ المغیرهٔ فی المعدهٔ».

آغاز مقاله اغاذیمون: «بسمله حمد له قال اغاذیمون الفیلسوف لتلامذته یا بنی انی لم ازل قد عرفت

صدق بیانکم».

انجام: «و بذا ینال سعادهٔ السعداء تممت الابیات المعدد بها».

آغاز مفاخرهٔ الاجساد: «بسمله الحمدلله القدیم الازلی الثابت السرمدی».

انجام: «اصاب خیرا و کرامهٔ من الناس».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، مختلف

السطور(۱۵–۱۷سطری)، ۱۲۰گ(۴۲+۷۱+۷) ۱۱×۱۷/۵، جلد میشن ضربی، واقف حاج محمد ایرانی

مجرد، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۵۰.

۳۷۶

کفایهٔ الطب

(۵۲۱۵)

(فارسی)

نام مؤلف در هیچ موضع از کتاب و سایر مواضع(دفاتر ثبت و فهرست الفبائی کتب خطی این کتابخانه)

مذکور نیست ولی بموجب قرائن موجود مؤلف آن قطعاً و بدون ادنی شک و شبهه‌ای هیچ کس نمی‌تواند

باشد جز همان شرف الدّین ابوالفضل حبیش بن ابراهیم بن محمد الکمالی التفلیسی از افاضل علمای قرن ششم و صاحب تصانیف متعدّد در علوم و فنون مختلف از قبیل کامل التعبیر و کتاب القوافی که هر دو را بجهت ابوشجاع قلج ارسلان بن مسعود از سلاطین سلجوقی شعبه آسیای صغیر(متوفی در ۵۸۸) تألیف نموده و بیان النجوم و بیان الطّب و ملحمه دانیال یا اصول الملاحم[۱] (همگـی بفارسـی) و بیـان التصریف و تقویم الادویه(هر دو بزبان عربی) و کتاب معروف قانون الادب در لغت عربی به فارسی که یک نسخه از آن را محرّر این اوراق سابق بر این در مجلّد سیزدهم از فهارس کتب خطـی کتابخانـه آستان قدس بطور مشروح و مفصّل معرّفی نموده است، و از جمله این قرائن یکی کثرت مشابهت آنست با کتاب القوافی مذکور از حیث ایراد برخی معانی خاص و دیگر اسلوب تعبیر و استعمال یک عدّه از الفاظ و کلمات معیّن است در مواضع بخصوصی از آنها چنان که مثلا در یک موضع از این کتاب یعنی کفایه که می‌گوید«اما درین کتاب غذاها و داروهای مفرد را مختصر یاد کردم تا دراز نشوذ و آموزنده را ملال نیفزایذ... و این یاذکاری از ما بماند» عین همین معانی را با همان الفاظ و کلمات بعینها در کتاب القوافی نیز آورده و گفته است: –«بنده را اشارت فرمود(یعنی قلج ارسلان بن مسعود سلجوقی) که باید که از بهر من کتابی سازی در قوافی... ودر تصنیف کتاب اختصار نگاه داری تا کتـاب دراز نکشـذ و خواننده را ملال نیفزایذ و ما را یاذکار بوذ»، این دو قرینه و قرینه سوم که واضح‌تر از آنهاسـت ذکـر صریح خود اوست در یک موضع از ورق ما قبل آخر این نسخه، از کتاب تقویم الادویـهٔ مـذکور در سطور پیش بعنوان یکی از تصانیف خود که بجهت تفصیل و اشتمال بر مطالب بیشتر متعلّمین را گفته است که باید بدان کتاب مراجعه نمایند، و نصّ او در خصوص این مطلب از این قرار است: –«پس اگر

[۱]. نسخه کهنی از این کتاب(متعلق به نیمه اول قرن هفتم) تحت رقم ۲۷۰ در دانشکده ادبیات مشهد محفوظ است.

داروی مفرد بر وی مشکل کردذ و نداند که جه جیزست و از جه نوع است در تقویم الادویه[1] که بتازی بساختم طلب کنذ».

این نسخه مشتمل است بر کتاب اوّل یعنی شرح غذاها و داروهای مفرد و منقسم است هر صفحه از آن به چهار جدول کوچک در شرح اسباب و علامات یکی از امراض بنحو اختصار ودو جدول بزرگتر در زیر جداول مذکور در بیان طرق معالجه آنها منتهی قدری مفصّلتر.

آغاز: «سبوسه سرکه انرا بتازی خراز خوانند، سببش اگر از گرمی بود، یوحنا گوید الخ».

انجام: «و این سخنها که درین کتاب از گفتار بچشکان[2] استاذ یاذ کرذیم منفعتش در تن مردم تـأثیری عظیم کند بس علم این کتاب را بایذ دانستن و نگاه بایذش داشتن کسی را که خواهذ که درین صناعت استاذ بوذ و نیز کسی را که خواهذ که از اصناف دیگر حیوانات ممیّز باشذ که آدمی بدانش علم از دیگر جانوران برگزیده آمذ و جون کسی گفتار بزرگان و داناآن ننیوشد و بدانش کار نکنذ خاصه اندرین علم که مردم را از وی ناگزیرست و[3] هیچ فرقی میان وی و میان بهائم نباشذ[4] و اما علتهای که اندرین کتاب نخستین جدول یاد کردیم جمله سیصد و شصت و شش علتست اما در فهرست کتاب یاذ کردیم ازین جهت اختصار کردیم تا کتاب دراز نشوذ و از ایزد عزّوجل یاری خواهیم بتمام کردن ایـن کتـاب بـر راستی و درستی کلامها که اندر وی یاذ کردیم و ثواب دو جهانی جشم داریم بدهانی(کذا یعنی نه دعائی کما یتوهم فی بادی الامر) که خواننده این کتاب بما رساند و این یاذگاری از ما بمانذ».

---

[1] . نسخه کهنی از این کتاب را ریو درفهرست موزه بریتانیا(۲: ۸۵۲) بنشان Add.۲۳۵۶۸ معرفی نموده است.

[2] . یعنی پزشکان و این کلمه در حدود العالم نیز بکار رفته است، ابوحنیفه اسکافی گوید: مثل زنند چو آید پچشک ناخوانده(تاریخ بیهقی ۳۷۰، طبع دانشگاه فردوسی).

[3] . ظاهراً حرف واو زائد است.

[4] . اما عماد الدین محمود در فرق بین انسان و بهائم عقیده دیگری دارد(مراجعه شود به افیونیه در همین کتاب).

نسخ خفی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دوشنبه غره ربیع الاول سنه ۸۱۵، کاغذ نخودی، جداول اوراق و جداول مربوط به شرح و علاج امراض و سطر اول صفحات همگی به طلا(باستثنای چند صفحه که سطور اول آنها به سیاهی است)، عناوین شرح و علاج بیماریها بـه شـنگرف، انـدازه جـداول اوراق ۱۰/۵×۷/۳، صفحه اول دارای یک کتیبه زرین مرصّع با شرفه به لاجورد، عنوان بسفیداب بقلم ثلث در زمینه لاجوردی، جلد مقوا با رویه پارچه، ۳۲ و ۳۳ س، ۹۲گ ۱۲/۴×۱۸، واقف میرزا رضا خـان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۳۷۷

کفایهٔ مجاهدیه

(۵۱۳۴)

(فارسی)

این کتاب که بنام سلطان مجاهد الدّین زین العابدین[۱] پسر شاه شجاع مظفری تسمیه و موشّح شده تألیف منصور بن محمدبن جلال الدّین احمدبن یوسف بن الیاس نوه زاده برادر نجم الدّین محمود بن الیاس صاحب کتاب الحاوی فی علم التداوی است که سابق بر ایـن نـام او را ذیـل وصـف یـک نسـخه از

[۱] . در نسخه باین که وی منتسب به کدام سلسله است اشاره‌ای ندارد ولی در فهرست نسخ فارسی موزه بریتانیا(۲: ۴۷۰) مسطور است که این شخص را در فهرست استوارت(ص۱۰۷) همان اسکندر ثانی از سلاطین دهلی و در فهرست لیدن(۳: ۲۷۶) همان علاء الدّین محمدشاه خلجی(۶۹۵–۷۱۶) دانسته‌اند. این مطلب چنان که ریو ملتفت شده سهو است از مؤلفین فهارس مذکور اما خود او نیز مرتکب سهو تازه‌ای شده است در تطبیق او با سلطان زین العابدین از سلاطین کشمیر(۸۲۶–۸۷۷) که رجما بالغیب او را همان کس دانسته که کتاب مفایه بنام او تسمیه شده و دیگر مطلقا توجه نکرده است که وی ملقّب به مجاهدالدّین نبوده تا تسمیه کتاب بنام او وجهی داشته باشد. پس قول ریو در این خصوص بکلی باطل است. قرینه دیگری که باز نشان می‌دهد کتاب کفایه بجهت مجاهدالدّین زین العابدین مظفری تألیف و بنام او تسمیه شده متوطّن بودن همگی اجداد و آباء و اقربای مؤلف آنست نسلا بعد نسل در شیراز(دو تن از بزرگان آنها در انجا مدفون بوده‌اند بتصریح شدّالازار(۲۷۷–۲۷۹) و بدیهی است که تسمیه آن بنام یکی از سلاطین آل مظفر که از قضا مرکز حکومتشان عموماً همان شهر بوده خیلی طبیعی‌تر است البته تا تسمیه آن بنام سلاطین مذکور که در کشمیر و دهلی حکومت می‌کرده و ابداً به مجاهدالدّین ملقّب نبوده‌اند.

اختیارات بدیعی بشماره ۵۰۳۵ بردیم و گفتیم که کتاب تشریح البدن نیز که بجهت نوه تیمور، میـرزا ضیاءالدین پیر محمد بهادر(مقتول در ۸۰۹) تألیف شده از اوست و همان است که در سـنه ۱۱۶۴ در لکنهو بنام تشریح منصوری بطبع رسیده.

کتاب منقسم است بر دو فن در بیان دو قسم نظری و عملی علم طب باین شرح:

قسم اوّل از فن اوّل- در طب نظری مشتمل بر مقدمه و چهار مقاله بتفصیل ذیل:

مقاله اول- در اسباب مادی صحت، مشتمل بر چهار باب:

- در ارکان.

- در ارواح.

- در اخلاط.

- در اعضاء.

مقاله دوم- در اسباب صوری صحت، شامل دو باب:

- در مزاج.

- در قوا.

مقاله سوم- در اسباب فاعلی صحت، در دو باب:

- در اسباب ضروری، مشتمل بر شش فصل.

الف) در هوا.

ب) درحرکات نفسانی.

ج) در حرکت و سکون بدنی.

د) در خواب و بیداری.

هـ) در مأکول و مشروب.

و) در احتباس و استفراغ.

– در اسباب غیرضروری، در دو فصل:

الف) در اسباب ملحقه بسته ضروری.

ب) در اسباب جزئیه.

مقاله چهارم– در احوال و اعراض، شامل دو باب:

– در احوال و اعراض.

– در علامات و دلایل، مشتمل بر هشت فصل:

الف) در علامات مزاج.

ب) در علامات امتلا.

ج) در نبض.

د) در نبض اسنان و اجناس.

هـ) در قاروره.

و) در براز.

ز) در بحران.

ح) در علامات محموده و ردیه.

قسم دوم از فن اوّل– در طب عملی مشتمل بر پنج مقاله از قرار تفصیل ذیل:

مقاله اول– در حفظ صحت و معالجات کلی در دو باب:

– در حفظ صحت، مشتمل بر ده فصل از این قرار:

الف) در تدبیر مولود و حبلی.

ب) در تدبیر فصول.

ج) در تدبیر مأکول و مشروب.

د) در تدبیر نوم و یقظه.

هـ) در تدبیر استفراغ و احتباس.

و) در تدبیر جماع.

ز) در تدبیر حرکت و سکون.

ح) در تدبیر حمام.

ط) در تدبیر مشایخ.

ی) در تدبیر مسافران.

– در معالجات کلی، شامل سه فصل:

الف) در معالجات سوء المزاج.

ب) در تدبیر مسهل و قی و حقنه.

ج) در فصد و حجامت.

مقاله دوم– در امراضی که حادث شود از سر تا قدم و علاج آن مشتمل بر بیست باب[۱].

---

[۱]. از تفصیل این ابواب بجهت این که در عموم کتب طبی عینا موجود است صرف نظر شد.

مقاله سیم- در حمیات.

مقاله چهارم- در امراضی که بظاهر بدن حادث می‌شود و معالجات آن درهفت باب بتفصیل ذیل:

الف) در اورام.

ب) در جراحات و قروح.

ج) در کسر و خلع.

د) در جذام و امراض جلد.

هـ) در امراض موی.

و) در زینت.

مقاله پنجم- در ذکر زهر وحیوانات زهردار و دفع ضرر آن، در ۴ باب:

- در زهرها و علاج آن.

- در گزیدن حشرات و تدبیر آن.

- در دفع هوام و حشرات.

فن دوم: در ذکر ادویه مشتمل بر دو مقاله:

مقاله اول- در ذکر بعض ادویه مفرده مشتمل بر هفت باب:

- در طبایع و تأثیرات ادویه.

- در حبوب.

- در لحوم و البان.

- در فواکه.

- در بقولات.

- در توابل.

- در ریاحین.

مقاله دوم- در ادویه مرکب، در بیست باب از این قرار:

- در کیفیت ترکیب ادویه.

- در تریاقها.

- در مفرحات.

- در معاجین و اطریفلات.

- در اشربه و مربیات و لعوقات و ربوبات.

- در جوارشات.

- در اقراص مسهله.

- در حبهای مسهله.

- در ایارجات.

- در سفوفات.

- در مطبوخات و نقوعات.

- در حقنها.

- در شیافات و فرزجات.

- در ادهان.

- در سعوطات و سنونات و غراغر.

- در اطلیه و ضمادات.

- در ادویه عین.

- در مراهم و ذرورات.

- در حلاوی و مسمنات.

- در متفرقات.

آغاز: «بسمله حمد و سپاس مر خالقی را که در خلقت انسان دقائق حکمت او بی‌پایان است.

انجام: «همین عمل کند والله اعلم بحقائق الامور».

نستعلیق، کاتب شیخ محمد حسن، تاریخ کتابت ۱۹ صفر ۱۱۵۶، کاغذ نخودی، عناوین مقالات و ابواب به شنگرف، جداول اوراق به شنگرف و لاجورد، جلد تیماج عنابی، ۲۳س، ۱۱۰گ ۱۸×۲۹، اندازه جدول ۱۲/۲×۲۳، واقف میرسیدعلی خان طبیب، تاریخ وقف ربیع الثانی ۱۲۷۳.

۳۷۸

کفایۀ مجاهدیه

(۱۸۹۰۱)

آغاز: مانند قبل.

انجام: «و وجع مفاصل سودمند باشد».

نستعلیق هندی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ حنائی، موریانه خورده، جلد مقوا عطف و گوشه پارچه، ۱۴س، ۳۷۰گ ۱۵×۲۲، وقفی مقام معظم رهبری در ۱۳۷۳.

۳۷۹

کفایۀ مجاهدیه

(۱۰۸۸۳)

نسخه کامل و آغاز و انجام آن با نسخه قبل مطابق است.

نسخ و نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد مقوا و مشمع، ۲۳س، ۲۹۷گ ۸×۱۷، واقف حاج محمد ایرانی مجرد(متوفی ۲۳ آبان ۱۳۵۰)، تاریخ وقـف بهمن ۱۳۵۰.

۳۸۰

کفایۀ مجاهدیه

(۱۲۱۴۰)

این نسخه چندین ورق از آخر کسر دارد.

انجام موجود: «و چشم ضماد کنند نیک است».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن سیزدهم و اوائل قـرن چهـاردهم، مختلف السطور، جلد مقوا، ۲۵۰گ ۱۵×۲۰/۳، واقف سید جلال الدین تهرانی، تـاریخ وقـف مـرداد ۱۳۶۱.

۳۸۱

کفایۀ مجاهدیه

(۱۳۳۱۶)

فاقد خطبه و دیباچه و مذیل است به دو ورق احکام منظوم از لوایح القمر.

آغاز موجود: «فهرست این کتاب مبنی بر دو فن است».

نستعلیق، کاتب ندر حسین اوردوبادی، تاریخ تحریر ربیع الاول ۱۱۵۶، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، هفت ورق ابتدای نسخه نونویس، جلد مقوا، ۱۹س، ۷۱گ ۱۵/۳×۲۵، واقف عباس فخیمی، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۶۲.

۳۸۲

کفایهٔ مجاهدیه

(۱۶۱۳۴)

ناقص الاوّل است.

آغاز موجود: «آن محاذی فم المعده غضروفی است».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین بسرخی، جلد تیماج ضربی مشکی، ۱۵س، ۱۸۷گ ۱۴/۵×۱۹/۶، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷

۳۸۳

کفایهٔ مجاهدیه

(۱۰۳۱۸)

بقدر یک ورق از اخر ساقط است.

انجام موجود: «و خراطین بکوبند و بپزند و با روغن کنجد».

نستعلیق بشیوه هندی، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، جلد میشن ضربی، ۱۹س، ۲۲۸گ ۱۶×۲۶، واقف حاذقی، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۹

۳۸۴

کفایهٔ مجاهدیه

(۷۰۹۰)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب اسمعیل بن مولانا کمال، تاریخ تحریر دوم شعبان ۱۰۳۰، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای، ۱۷س، ۱۸۷گ ۱۹×۲۶، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۲۷

۳۸۵

کفایهٔ مجاهدیه

(۲۲۷۵۴)

نسخه کامل است.

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب محمد حسین انجوی، تاریخ تحریر ۲۱ رجب ۱۲۴۰، کاغذ نخودی آهارمهره، عناوین در متن و حاشیه به سرخی، جلد تیماج ضربی با ترنج و سرترنج و حاشیه زرین، ۲۱س، ۱۴۵گ ۱۳×۲۱، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴

۳۸۶

کفایهٔ مجاهدیه

(۲۱۶۵۱)

این نسخه تا آخر فصل سوم از باب دوم قسم دوم از فن اوّل یعنی تا ابتدای مقاله دوم از قسم و فن مذکور را بیشتر ندارد و مذیل است به چندین ورق مباحث طبی و شرح مختصر امراض مختلف بصورت مجدول و ده ورق اشکال در خصوص تشریح بدن انسان و یک ورق در موسیقی و نغمات هند و دو ورق ترجمه احوال متقدمین از حکما و اطبای یونانی.

نستعلیق هندی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دهم رجب ۱۲۳۱، محل تحریر لکنهو، کاغذ حنائی هندی، معانی کلمات در زیر سطور و عناوین و جداول بشنگرف، اوراق موریانه خورده، ۱۱س، ۱۴۸گ ۲۰×۳۳/۵، جلد مقوا عطف و گوشه پارچه، وقفی مقام معظم رهبری در خرداد ۱۳۷۳

۳۸۷

کتاب الکمی[1]

(۲۲۷۰۶)

(عربی)

این نسخه هنوز در دفاتر کتب خطی ثبت نرسیده ولی به لحاظ قدمت آن و اشتمال بر عدّه‌ای از نوادر و نفائس کتب طبّی و از ان طرف به واسطه حرص بر تتمیم و تزیید فایده این کتاب، آنرا قبل از وقت در

[1]. منسوب به کم(بضم اوّل و تشدید ثانی) بمعنی آستین بمناسبت این که کتاب را در آستین و فی الواقع در کیسه‌ای که در آن تعبیه می‌نموده‌اند قرار می‌داده‌اند و این کیسه یا جیب را شستکه می‌نامیدند چنان که در این عبارت از ابن ابی اصیبعه(ذیل ترجمه احوال ابوالحسن ثابت بن قرة) این معنی کاملاً آشکار است: «و استدعی(ای ثابت بن قرة) قدحا و اخرج من شستکه فی کمه دواء»، به همین جهت این قبیل کتابها را اغلب از باب تسمیه کل بر جزء مثل اینجا کمی(در مقابل خفی منسوب به خف بمعنی کفش و موزه که جزوه یا کتاب را در کفش قرار می‌داد‌اند مثل کتاب خفی علائی) و گاهی نیز برعکس یعنی از باب تسمیه جزء بر کل شستکه می‌گفته‌اند مثل زیج الشستکه از حسین بن موسی الهرمزی الحاسب که یک نسخه نفیسی از آن مورخ جمادی الاولی سنه ۵۸۱ تحت رقم ۵۳۳۵ در کتابخانه رضویه مشهد محفوظ است. این معنی را در بیت زیر از حافظ نیز می‌توان ملاحظه نمود:

مقام عشق را درگه بسی بالاتر از عقلست کسی آن آستان بوسد که جان در آستین دارد.

این موضع توصیف و معرفی می‌نمائیم[1]، باری این نسخه مشتمل است بر کتاب الکمی در بیان امراض مختلف و طرق علاج آنها در فصولی باین شرح:

- فی الصداع من الحرارهٔ.
- فی الصداع الحار مع تمدد الشقیقهٔ و حمرهٔ العینین و الوجه.
- فی الصداع من الخمار.
- فی الصداع من البرودهٔ.
- فی السکته و الفالج و اللقوهٔ و الرعشهٔ عن البرودهٔ و الاخلاط الغلیظهٔ.
- فی التشنج الامتلائی.
- فی الصرع البارد.
- فی الصرع الحار اذا کان مع حمرهٔ و حرارهٔ و درور عروق الوجه.
- فی السرسام.
- فی النسیان من الرطوبهٔ.
- فی السّدر و الدوار من حرارهٔ.
- فی الکابوس.
- فی خبث النفس و التوحش.
- فی اوجاع العین.
- فی الرمد مع البثور.

[1]. این نسخه بعدها به ثبت رسید و ما هم رقم ثبت را در اینجا اضافه نمودیم.

- فى انخراق القرنيۀ بالقروح.

- فى جرب الجفون و السبل.

- فى السقطۀ و الضربۀ تصيب العين.

- فى الظفرۀ.

- فى العشا و ابتدا الماء و الانتشار الحادث من الرطوبۀ.

- فى ضعف البصر عن يبس.

- فى كثرۀ سيلان الدموع.

- فى الغرب.

- فى جساء الاجفان و صلابتها و عسر انفتاحها عند الانتباه من النوم.

- فى حرقۀ الآفاق.

- فى السلاق و غلظ الجفون و حمرتها.

- فى انتشار هدب الاشفار.

- فى الشعر المنقلب.

- فى نحوظ العين عند القى و الصياح.

- فى اوجاع الاذن.

- فى ثقل السمع و الدوى و الطنين.

- فى دخول الهوام فى الاذن.

- فى دخول الماء فى الاذن.

- فی سیلان اللعاب من الفم.

- فی سقوط اللهاة و نزولها.

- فی اللوزتین و الخوانیق.

- فی العلق ان نشب فی الحلق.

- فیما ینشب فی الحلق.

- فی تدارک المختنق.

- فی الزکام.

- فی قطع ما یسیل من الانف.

- فی ما یمنع الزکام من النزول الی الصدر.

- فیما یمنع من خشونة الصدر و یخرج فضوله.

- فی البحوحة.

- فی السّعال الیابس اذا کان من حرارة.

- فی السّعال الرطب مع برودة.

- فی الربو و امتلاء الریة برطوبة.

- فی النفث المنتن و قروح الریة المزمنة المتطاولة التی لا تظهر معها حمی.

- فی الشوصة.

- فی نفث الدم بالسعال.

- فی السل.

- فی ما یعز اللبن.

- فیما یقطع اللبن.

- فی تعقد الثدی و ورمه بعد الانفصال.

- فی اوجاع المعدۀ من البرودۀ.

- فی ضعف الشهوۀ و الهضم مع حرارۀ المعدۀ.

- فی ضعف الاستمرار و رداءۀ اللون.

- فی ضعف المعدۀ و الهزال.

- فی القی.

- فی الورم فی المعدۀ.

- فی اوجاع المعدۀ الغامضۀ المزمنۀ و فی الطعام دایما.

- فی تدبیر الممحورین.

- لا ستنزال الغذا من فم المعدۀ الی قعرها.

- فی قی الدم.

- فی الفواق.

- فی الهیضۀ.

- فی افراط شهوۀ الطعام.

- فی الخفقان.

- فی الاسمان و الاهزال.

- فی اوجاع الکبد من الحرارهٔ.

- فی اوجاع الکبد من البرودهٔ.

- فی الیرقان.

- فی اوجاع الطحال.

- فی الاستسقا اذا کان من الحرارهٔ.

- فی الاستسقا من غیر حرارهٔ.

- فی الاستسقا اللحمی.

- فی الاستسقا الطبلی.

- فی الخلقهٔ.

- فی سحج الامعاء.

- فی القرحهٔ فی الامعاء.

- فی الزحیر.

- فی البواسیر.

- فی الشقاق من حرارهٔ.

- فی الشقاق اذا لم یکن من حرارهٔ و فی البواسیر ایضا.

- فی النواصیر.

- فی القولنج.

- فی الحصاهٔ فی الکلی و المثانهٔ.

- فى حرقة البول.

- فى بول الدم.

- فى بول المدة و الحرقة.

- فى كثرة البول الذى لا عطش معه.

- فى كثرة البول مع العطش.

- فى عسر البول.

- فى قلة الباه.

- فى الاحتلام.

- فى علل الارحام.

- فى اسقاط الاجنة.

- فى كثرة الطمث.

- فى وجع الارحام و الرياح الغليظة فيها.

- فى اختناق الارحام.

- فى المعونة على الحبل.

- فى علل القضيب و الانثيين.

- فى قيه الرطوبة و الريح.

- فى صلابة الانثيين.

- فى الفتق.

- فی الجذام.

- فی الثالیل.

- فی الشری.

- فی الحصف.

- فی القوبا.

- فی البلخنۀ و الخشکریشات المزمنۀ.

- فی القروح و الجراحات.

- فی شقاق العقب.

- فی لدغ العقارب.

- فی نهش الرتیلا.

- فی نهش الحیات.

- فی عضۀ الکلب الکلب و الذئب الکلب.

- فی لدغ الزنبور.

- فیمن سقی الذراریج.

- فیمن سقی المرداسنج.

- فیمن سقی دوا الفار.

- فیمن اکل اللفاح.

- فیمن شرب البنج.

– فیمن اکل الدفلی.

– فیمن اکل الفطر و الکماۀ الضادۀ.

– فی الحمیات.

– فی النافض.

– فی حمیات الربع.

– فی الحمی التی تنوب کل یوم و یطول مکثها.

– فی الحمی التی ترهل معها الوجه و قد ازمنت و طالت.

آغاز: «بسمله حمدله... الفصل الاول فی الصداع من الحرارۀ ینفع منه بتبرید الدماغ بدهن الورد».

انجام: «مما ذکرنا لتلک العلل اولا و تمزح العلاجات و اذ قد اتینا علی غرضنا فی هذا الکتاب فلنختمه بحمد الله و عونه».

(۱–۱۷)

پس از آن کتب و رسالات مذکور در ذیل است:

۱. فصل در بیان اسباب و علامات و اوجاع مفاصل و نقرس و طریقۀ معالجه آنها از شیخ الرئیس ابوعلی سیناست.

آغاز: «بسمله فصل فی اوجاع المفاصل و النقرس و اسبابه و علاماته».

انجام: «معجونا لینۀ مدقوقۀ و یضمد به نافع ان شاء الله تعالی».

(۱۸–۲۰)

۲. دستور الطّبی

مشتمل است بر هفت فصل در بیان شطر الغب[۱] و کیفیت علاج آن ایضا از این سینا.

آغاز: «بسمله و بعد حمد الله تعالی و الصلوة علی الانبیا و آلهم الطاهرین فاوّل ما یجب علی الطبیب ان یبدا هو بمعرفة العلة».

انجام: «و ان خالقته ترک و رجع الی التدبیر الاصوب و الله اعلم بالصواب».

(۲۱-۲۲)

۳. خلاصة القانون

اختصار کتاب قانون ابن سینا است از حکیم شرف الدّین ابو عبدالله محمدبن یوسف الایلاقی شاگرد ابن سینا و مذکور در عیون الانباء تألیف ابن ابی اصیبعه.

آغاز: «بسمله حمدله فصل اعلم ان الطب علم یعرف منه احوال بدن الانسان من جهة ما یصح و یزول عن الصحة».

انجام: «لضعف المعدة او الاسهال متقدم او غثیان فی الحال».

(۲۳-۴۶)

۴. ایضاح مهجة البیضاء

بلافاصله بعد از آن این کتاب است(از تصانیف ابوالحسین طاهر بن ابراهیم بن محمد السّجزی که بـه لحاظ این که یک نسخه از آنرا سابقا در این کتاب معرفی نموده‌ایم(در حـرف عـین، عـلاج الاطفـال بشماره ۱۶۷۶۶، ذیل نمره ۱) در اینجا بیش وارد در شرح مباحث و مطالب آن نمی‌شویم.

---

۱ . double tertian(حکایت ابن العبری در خصوص طبیب بی‌اطلاعی که بیمار خود را از غب خالص(tertian) به شرط غب دچار کرده بود در مختصر الدّول۳۳۳ خواندنی است).

آغاز: «بسمله حمدله هذه قوانین و نکت لا یستغنی عنها من اراد علاج المرضی و مسالک و طرق الابدان یسلکها من قصده الخ».

انجام: «ان یهتدی الی ارشد الطرق فیما هذا سبیله و الله الموفق و الهادی».

(۴۶-۶۲)

۵. شرح فصول

شرح ابوالقاسم عبدالرحمن بن ابی صادق است بر فصول بقراط که قول مصّنف را شارح«قال ابقراط» و توضیحات خود را تحت عنوان«التفسیر» آوره و به لحاظ این که یک نسخه از آنرا در موقع خود سابقاً تحت عنوان«شرح فصول» معرفی نموده‌ایم(تحت رقم ۱۱۳۵۱) در اینجا در جزئیات ان وارد نمی‌شویم.

آغاز: «بسمله... اما بعد حمدالله بجمیع محامده و الثنا علیه بما هو له اهل و الصّلوة علی نبیه ان العنایة التی تبعث الخلق علی اقتناء باب من ابواب العلوم».

انجام: «فترکنا ذکرها شفقة علی فوت الزمان بما لا یجدی به نفعا و الله اعلم بالصواب».

(۶۲-۱۱۷)

۶. اسباب الامراض

قسمتی است از کتاب تقاسیم العلل در بیان امراض مختلف از سر تا پا.

آغاز: «بسمله حمد له الصداع سبب الصداع اما سوء مزاج مختلف ساذج».

انجام: «سبب جمیع ذلک یبس و مزاج سوداوی و الله اعلم».

(۱۱۸-۱۳۰)

۷. اختصارات علامات العلل

قسمت دیگری است از همان کتاب تقاسیم العلل بقلم همان مختصر(بکسر چهارم) اسباب الامراض بلافاصله مذکور در سطور سابق در بیان علامات و طرق تشخیص بیماریهای مختلف.

آغاز: «بسمله حمدله و بعد فاناکنا قبل هذا اختصرنا تقاسیم العلل مع رسم ما راینا الحاجة الی ذکره(پس از چهار سطر) و اعلم ان جمیع الکتب الطبیه سوی کتاب القانون الذی صنفه الشیخ الرئیس حجة الحق افضل المتاخرین ابوعلی سینا نورالله ضریحه لم یستوف منها اقسام العلل و اعراضها و علاجاتها علی الوجه الخ».

انجام: «و یسهل الاستدلال علی اقسامها ما ذکرناه ههنا و بالقوانین المعلومة فی الاصول ان شاءالله».

(۱۳۱-۱۴۶)

نسخ، کاتب عبدالعزیز الحکیم، تاریخ تحریر ۱۷ رجب و ۷ رمضان سنه ۶۸۷، عناوین به شنگرف، کاغذ حنائی، ۳۱س، ۱۴۶گ ۱۸×۲۶/۷، جلد میشن، واقف حاج سید عبدالباقی آیة اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۳۸۸

کناش الفاخر[۱]

(۲۲۸۷۷)

(عربی)

تألیف ابوبکر محمّد بن زکریا رازی است و این نسخه که جزء اول آن و مشتمل بر پنج مقاله است سوای سقط اوراق از اواسط آن مع الاسف بقدری مشوش و اوراقش مقدم و مؤخر است که ابداً نمی-

[۱]. کناش لفظی است سریانی بمعنی مجموعه.

توان فهرست منظمی از عناوین ابواب مقالات آن بدست داد، امّا عناوین مقالات آن از قرار مذکور در ذیل است:

مقاله اول: ....

مقاله دوم: فی الاعلال التی تحدث فی العین و علاجها.

مقاله سوم: فی حفظ السمع.

مقاله چهارم: فی الاعلال التی تحدث فی الرعاف الانف.

مقاله پنجم: الاعلال التی تحدث فی الفم و الاسنان و اللهوات و اللسان.

آغاز: «بسمله اللهم اعصمنا من الزلل و اعذنا من الخطل و وقفنا لصلاح القول و العمل».

انجام: «و یستعمل عند الحاجهٔ نافع ان شاءالله تعالی».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، جلد تیماج زرشکی ضربی، ۱۷س، ۲۵۷گ ۱۲×۱۹/۸، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۳۸۹

کناش منصوری

(۹۷۰۹)

(عربی)

کتابی است در شرح امراض و علاج آنها ایضا از ابوبکر محمّد بن زکریا رازی مشتمل بر ده مقاله و موشّح بنام ابوصالح منصور بن اسحق بن احمد سامانی(متوفی در ۳۰۲) که در سنوات ما بین ۲۹۰ تا

۲۹۶ حکومت ری را از جانب پسر عم خود احمدبن اسمعیل بن احمد دومین امیر از امرای سامانی بعهده داشته و تألیف کتاب نیز ظاهراً در همین سنوات صورت گرفته است.

از این کتاب ترجمه‌های متعدّدی بزبان لاتین بعمل آمده و تاکنون چندین مرتبه بطبع رسیده است.

فهرست عناوین مقالات

المقالهٔ الاولی– جمل و جوامع احتیج الی تقدیمها فی صدر هذه المقالهٔ، (۲۶ فصل).

المقالهٔ الثانیهٔ– فی تعریف الامزجهٔ، (۵۰ فصل).

المقالهٔ الثالثهٔ– قول کلی فی قوی الاغذیهٔ و الادویهٔ، (۲۵ فصل).

المقالهٔ الرابعهٔ– ذکر جمل او جوامع فی حفظ الصحه، (۳۱ فصل).

المقالهٔ الخامسهٔ– فی الزینهٔ[۱]، (۷۵ فصل).

المقالهٔ السادسهٔ– فی الاحتراس فی الحر و تلاحق ما یحدث من اضراره بالمسافر، (۱۹ فصل).

المقالهٔ السابعهٔ– جمل و جوامع من صناعهٔ الجبر، (۲۷ فصل).

المقالهٔ الثامنهٔ– جمل و جوامع من علاج السموم و الهوام و التحرز من ذلک، (۵۴ فصل).

المقالهٔ التاسعهٔ– فی الامراض الحادثهٔ من القرن الی القدم. (۹۰ فصل).

المقالهٔ العاشرهٔ– فی الحمیات، (۳۴ فصل).

آغاز: «بسمله قال ابوبکر محمد بن زکریا الرازی الطبیب انی جامع للامیر جملا و جوامع و نکتاً و عیوناً من صناعهٔ الطب».

---

[۱]. cosmetic

انجام: «و قد اتینا علی جمیع المقالات و الفصول المذکورهٔ فی صدر الکتاب و لیکمل کتابنـا فـی هـذا الموضع».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحری اواسط قرن دهم، عنـاوین مقـالات و فصـول بشـنگرف، کاغـذ نخودی، ۲۱س، ۱۶۵گ ۱۳×۲۳، جلد تیماج خرمائی یک لا، واقف خان بابـا مشـار، تـاریخ وقـف اردیبهشت ۱۳۴۶.

۳۹۰

کنز الامراض

(۶۸۷۶)

(فارسی)

منضم به«ترجمه تقویم الابدان» محفوظ تحت رقم ۶۸۷۱ و مشتمل بر چهل و چهار باب مختصر است در بیان امراض سر تا پا و کیفیت علاج آنها.

آغاز: «بسمله اما بعد بدان که این مختصر رساله ایست در علم تب(کذا! یعنی طب) از حکمای متقدمین و متأخرین».

انجام موجود: «بمطبوخ فواکه و ترنجبین و فلفل باید دادن».

بلافاصله پس از آن در هشت ورق رساله مختصر موسوم به خرقه است ایضا بزبان فارسی از مرتضی خان بن حسن شاملو که سابق بر این چند نسخه از آنرا در موقع خود در این کتاب معرفی نموده‌ایم.

آغاز: «بسمله سبحان الله رنگ آمیزی بساط حمد و سپاس حکیمی».

انجام موجود: «تا روغن بیرون آید».

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۸، عناوین و جداول و کمندها بشنگرف، ۲۰س، ۶گ ۲۰×۳۰، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف درهٔ السلطنهٔ ملک زاده کوثر، تاریخ وقف آبان ۱۳۲۶.

۳۹۱

مالا یسع الطّبیب جهله

(۵۲۱۶)

(عربی)

این کتاب فی الواقع همان مفردات(جامع) ابن البیطار است با اسقاط مکرّرات و اسامی علما و حذف زوائد و ادویه نامعروف و مطالب فرعی و ثانوی و اختصار موضوعات و مباحث مطوّل بعلاوه شرح بعضی مطالب و ذکر ابدال و ایراد مقدّمه‌ای در خصوص معرفت قوانین و احکام طبی در ابتدای هر یک از این دو قسم کتاب(مفردات و مرّکبات) از حکیم ابوالمحاسن نصیرالدّین یوسف بن اسمعیل بن الیاس بن محمد خوئی شافعی بغدادی معروف به ابن الکتبی، متوفی در رجب سنه ۷۵۴ بموجب قول ابن قاضی شبهه نقلا عن ابن رجب یا جمادی الاخره سنه ۷۵۵ بنا بقول ابن رافع که در روز دوشنبه ۱۵ جمادی الاخر سنه ۷۱۱ از جمع و تألیف آن فراغت یافته است.

آغاز: «بسمله الحمد لله الذی لا یکتفه حقیقهٔ معرفهٔ العلوم و الافهام و لا یحیط بکنه ذاته العقول و الاوهام».

انجام: «و هو مجربه فی الصاق الجراحات طریه و یابسهٔ».

نستعلیق، کاتب محمدبن عبدالحق الحسینی، تاریخ تحریر ۱۰۶۷، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، بعضی از اوراق محشی، ۲۳س، ۲۶۳گ ۱۷×۲۴، جلد تیماج عنابی، محلّ تحریر اصفهان، تاریخ تسلیم به کتابخانه فروردین ۱۳۱۵

۳۹۲

ما لا یسع الطّبیب جهله

(۱۵۶۹۳)

شروع این نسخه از اواخر حرف شین است و مذیّل است به هفتاد هشتاد ورق شرح اسماء الادویة بالیونانیة ایضا بزبان عربی بترتیب حروف تهجی.

آغاز موجود: «اصل غلیظ فی غلظ اسبع... شنبلید اسم فارسی و هو ورد السورنجان».

آغاز کتاب اخیر: «بسمله باب الالف اَ اَ هوتمر الشرح اابانس هو الابنوس بالیونانیة».

انجام: «ظلام هی عشبة... تم تفسیر ما وقع فی هذه الابواب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۹۹۶(کتاب اخیر دوشنبه ۱۸ شوال ۹۹۶)، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد میشن لبه دار مستعمل، ۲۲س، ۲۵۴گ ۱۳×۲۶، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۳۹۳

مالا یسع الطّبیب جهله

(۱۵۰۸۵)

این نسخه کامل و مذیل است به رساله خواص و منافع چوب چینی و قهوه و چای خطائی از تألیفات قاضی بن کاشف الدّین محمّد که آنرا بنام شاه عباس صفوی موشّح و بر سه باب(۱. در منافع بیخ چینی، ۲. در خواص قهوه، ۳. در منفعت چای) مرتّب نموده و در تضاعیف آن ایراداتی نیز به عماد الدّین محمود طبیب مؤلف رساله افیونیه و کتب دیگر گرفته است.

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد چون توجه خاطر آفتاب مآثر اشرف اقدس مروج مذهب حقهٔ ائمه اثنی عشر».

انجام: «و ثواب آن بروزگار فیض آثار نواب همیون عاید شود».

نستعلیق خوش، کاتب هر دو کتاب بهرام الظهیری، تاریخ تحریر سه شنبه ۸ شعبان ۱۰۶۴، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، صفحه اوّل از کتاب اوّل نونویس، ۲۵س، ۲۷۷گ(رساله اخیر ۱۲گ) ۱۶/۹×۳۰، جلد تیماج ضربی، دورو، وقفی مکتبهٔ الامام امیر المؤمنین در اردیبهشت ۱۳۶۵.

۳۹۴

مالا یسع الطّبیب جهله

(۱۵۶۹۱)

این نسخه صدراً و ذیلاً ناقص است.

آغاز موجود: «فهو دواء و اضافه الضار الی الدواء».

انجام موجود: «شخار اسم معرب عن الفارسی... و یسمی بالعربیهٔ الکحلا».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ حنائی، عناوین بشنگرف، اوراق اسیب‌دیده، بدون جلد، ۲۲س، ۲۵۳گ ۱۲/۵×۲۵/۵، خریداری آستان قدس در اردیبهشت ۱۳۶۷.

۳۹۵

مجربات

(۱۰۸۹۳)

(فارسی)

تألیف محمد تقی حریر است در بیان بیماری‌ها و علامات آنها و کیفیت دفع امراض مختلف براساس مجربات خود او که آنرا بجهت فرزند و تلمیذ خاص خود امان الله تألیف نموده است.

نسخه از آخر قدری کسر دارد و مذیل است به منظومه فارسی دلایل البول.

آغاز: «بسمله حمد و ثنای بیشمار مرافریدگاری را که بیک امر کن عالم علوی و سفلی را موجود گردانید».

انجام موجود: «آب آمیخته بنوشند پرهیز ندارد».

آغاز منظومه:

بعد توحید خداوند جهان		افریننده زمین و آسمان

انجام:

صاف و ارزق گر چنی در ربع یافت		دیر می‌باید سوی صحت شتافت

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ فرنگی، عناوین به شنگرف، مختلف السطور، ۱۳۲گ ۱۰× ۱۵، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی حاج محمد ایرانی مجرد در بهمن ماه ۱۳۵۰.

۳۹۶

مجربات اکبری

(۹۴۱۳)

(فارسی)

تألیف میرمحمد اکبر ارزانی بن میر حاجی مقیم معروف به شاه ارزانی است مشتمل بر مقدمه‌ای در چند فایده و چند فصل و باب(مراجعه شود به طب الاکبر و مفرح القلوب مذکور در این کتاب).

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی هدانا الی صراط المستقیم... اما بعد احقر العباد محمداکبر بن حاجی میر محمد مقیم معروض می‌دارد که ترکیبی چند الخ».

انجام: «در آرد آمیخته بخواند ظاهراً مجربست».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر جمید الاخری ۱۲۲۷، محل تحریر مشهد رضوی، کاغذ شکری آهاری، عناوین بشنگرف، ۱۶س، ۱۶۱گ ۱۲×۲۱، جلد تیماج مشکی ساده، خریداری آستان قدس در آذر ۱۳۴۴.

۳۹۷

مجمع الحکمتین و جامع الطّبین

(۷۱۵۸)

(فارسی)

تألیف محمدبن عبدالصبور خوئی الاصل تبریزی الموطن مشتهر به طبیب[۱] و موشّح بنام محمد شاه قاجار است. در خصوص علّت و نحوه تألیف و تسمیه کتاب مؤلّف در مقدّمه مبسوطی که نوشته چنین

[۱] . وی به حکیم قبلی(بضم اوّل و ثانی) نیز معروف بود و از تألیفات او علاوه بر این کتاب تعلیم نامه است در آبله کوبی که آنرا از انگلیسی بفارسی درآورده و دیگر خلاصه عباسی که تلخیص سنگلاخ میرزا مهدی خان و بنام عباس میرزا نائب السلطنه است.

گفته است: «در اوقاتی که صفحه آذربایجان مقر سلطنت با حشمت نواب ولیعهد مغفور مبرور بود[1] این بنده مراجعت بوطن مألوف نمود از انجا که ولیعهد پیوسته طالب هر ذی فنی بود وجود ناقابل این بنده را منظور نظر عنایت فرموده در صد تربیت این بنده برآمد و بعد از چندی که شخص این بنده را قابل آن دانسته که خدمتی بانجام تواند رسانید در صدد این برامدند که در فنون حکمت انگریزی باشد و از این جهت نام او را مجمع الحکمتین و جامع الطّبین معین فرمودند و در دستور العمل نگارش کتاب مرقوم چند فرمایش فرمودند، فرمایش اوّل انکه چون پیش نهاد خاطر خطیر والا آنست که کتاب مزبور را بعد از اتمام آن در دارالطباعه چاپ و باسمه نمایند لهذا باید که از عبارات وحشیه حکمیه و اصطلاحات غامضه طبیه خالی باشد، فرمایش دوم آنکه مرضی که نوشته می‌شود باید که اولا کیفیت و تعریف آن مرض با اسباب و علامات و معالجات او بطریق تفصیل با قانون حکمای انگلیز نوشته شود و بعد از اتمام شدن آن با قانون مذکور باز همان مرض با همین تفصیل با قانون حکمای ایران بسلک تحریر درآید، فرسایش سوم آنکه باید که در هر یکی از دو قانون مذکور همان قواعد تازه و علامات نوظهور که در همین ازمان ما معمول حکمای انگلیز و آذربایجان است نگارش یابد و از نوشتن سیاقهای قدیم حکمای یونان که الان نیز در بلدان عراق و ممالک روم مستعمل است بالمرۀ اعراض کرده شود و هم چنین از نگارش قوانین منسوخه حکمای انگلیز که الحال نیز در بعض بلاد اروپا و سایر دول خارجه از اسپانیا و فرانسا و پروس و نمسه و ایتالیا متداول است نیز بالکلیه اغماض نموده شود، فرمایش چهارم آنکه از ادویه مستعمله اطبای هند و سند و چین و خطا و ایغور نیز بهیچ وجه مرقوم نشود زیرا که اکثر مستعملات ایشان معادن و سموم است و پر واضح است که استعمال کردن آنها

---

[1]. یعنی عباس میرزا.

با همان سمیت مخاطره عظیم دارد و اگر چه دواهای معمول حکمای انگلتره و سایر اهل اروپا نیز در اغلب معادن و سموم است لیکن ایشان با قواعد کیمیاوی اجزای سمیه و اجزای زایده بی‌فایده آنها را اخراج کرده بکار ببرند، فرمایش پنجم انکه چون سیاق طب جدید کیمیـاوی یعنـی قـانون نوظهـور حکمای انگلتره اولی و ارجح است از اسلوب جدید اطبای آذربایجان لهذا باید که در باب آن اهتمام و دقت بیشتر شود زیرا که دواهای ایشان در قدر یسیر و در اثر کثیر و سریع التأثیرند و اکثر آنها بد طعم و بد رایحه نیستند، فرمایش ششم آنکه در هر مرض هر نوع معالجه که کمترین بنده خود تجربه کرده و نافع دیده باشد نیز بنویسد و هر کدام را از معالجات یونانیان که مفید باشد نیز بیان نماید اما آنچه از کتب حکمای انگلیز که بفارسی ترجمه خواهند کرد بهیچ وجه من الوجوه تصرفی در او ننماید و هر چه خود ایشان نوشته‌اند بی‌کم و زیاد ترجمه کند» (نقل باختصار از مقدمه کتاب).

کتاب مشتمل است بر مقدّمه‌ای در ذکر چندین فقره که طبیب را پیش از شروع در معالجه دانستن آنها واجب است و قوانین عدیده و خاتمه‌ای.

آغاز: «بسمله الحمدللحکیم المطلق الذی خلق خلق الانسان من علق(و بعد از شش سطر) اما بعد چنین گوید کمتر بنده رب غفور... که چون علم حکمت و فن طبابت اشرف علوم است».

انجام: «به نحوی که در بزرگان گفته‌ایم معمول دارند».

پس از ان در هفت ورق قرابادین ایرانی و در سه ورق قرابادین فرنگی ودر سیزده ورق نسخه دواهای مختلف(در ۳۲۰ فقره) است و در آخر رساله قرابادین حکیم شفائی مذکور در حرف قاف است در این کتاب در پنجاه ورق که شروع آن چنین است:

«بسمله باب الالف انوشدارو اعضای رئیسه را قوت دهد» و خاتمه آن چنین: «شربتی یک مثقال بعد از چهل روز استعمال نمایند».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۲۲ ربیع الثانی ۱۲۶۰، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، ۲۳س، ۳۵۲گ ۲۰×۳۰، جلد تیماج مشکی ضربی، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۲۷.

۳۹۸

مجنّۀ الطاعون و الوباء

(۷۱۵۹)

(عربی)

مختصری است بشرح مذکور در مقدّمه آن از الیاس الیهودی بن ابراهیم الاسپانی از اطبا و ملازمان ابوالنصر بایزید بن محمد خان از سلاطین آل عثمان(جلوس بسلطنت در سنه ۸۸۶) مشتمل بر مقدّمه‌ای در خصوص علّت تألیف آن و چهار باب و ده مبحث موشّح بنام سلطان مذکور، (موضوع کتاب را علاوه بر عنوان از فهرست مطالب آن نیز بسهولت می‌توان معلوم نمود».

فهرست ابواب و موضوعات

- فی تعریف الوباء و الطاعون و اسبابهما.
- فی علاماتهما.
- فی حفظ الصحۀ وقت حدوثهما.
- فی بیان علاج الطاعون و المحموم و الوباء.

فهرست مباحث

- فی ان الحمی الوبائیۀ مندرجۀ تحت الحمی الیومیۀ او تحت العفونیۀ.

- هل الشهب و الصواعق و عمود النار المرئی فی الهوا علامات الطاعون ام لا.

- هل یحصل العفونۀ فی الهوا بحسب طبیعته ام لا.

- هل الروح الحیوانیۀ متولد من القلب و فی القلب ام لا.

- هل الذی منافده واسعۀ و یداوم الاستحمام اقبل للحمی الوبائیۀ.

- هل یتخالف النبض و البول کثیرا فی الحمی الوبائیۀ ام لا.

- ای الفصل اقبل للحمی الوبائیۀ من فصول الستۀ.

- هل الفصد یکون مفیدا للحمی الوبائیۀ ام لا.

- هل الخل و سایر الحوامض یکون مفیدا فی زمان الحمی الوبائیۀ ام لا.

- هل یفید استعمال التریاق الفاروق[۱] فی زمان الحمی الوبائیۀ ام لا.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی شرح صدر الاطباء بعلم الابدان و نور قلوبهم باخراج عفونۀ البخار و الدخان لیکونوا مصلحین لاحوال سایر الحیوان خاصۀ لمصالح الانسان».

انجام: «و تفصیل هذا البحث مذکور فی شرحنا فی الکتاب الرابع من القانون لابی علی».[۲]

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۴۶، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهاری، ۱۱س، ۳۶گ ۱۰×۱۵، جلد مقوا با رویه پارچه، خریداری آستان قدس در اسفند ماه ۱۳۲۷.

۳۹۹

[۱]. Thebaic electuary

[۲]. از ابن عبارت صریحا معلوم می‌شود که مؤلف غیر از این کتاب شرحی بر قانون ابن سینا نیز داشته ولی عجیب است که حاجی خلیفه هم در خصوص این کتاب ما نحن فیه و هم در خصوص این شرح بکلّی ساکت است.

المختار فی الطب

(۲۲۷۳۳)

(عربی)

مشتمل است بر پنج کتاب بشرح مذکور در ذیل از تألیفات مهذب الدین ابوالحسن علی بن احمدبن علی بن هبل بغدادی الخلاطی[1] متولد در ۲۳ ذی القعده ۵۱۵ ببغداد و متوفی در چهارشنبه ۱۳ محرم ۶۱۰ بموصل که آنرا در سنه ۵۶۰ در این شهر اخیر تألیف نموده است.

فهرست عناوین کتابها

کتاب الاول – فی الاصول الکلیهٔ.

کتاب الثانی – فی الادویهٔ المفردهٔ.

کتاب الثالث – فی الادویهٔ المرکبهٔ.

کتاب الرابع – فی الامراض و علاماتها و علاجها.

کتاب الخامس – فی کلام الکلی فی السموم و علاجها و الاحتراز من اخذها.

---

[1] . ترجمه احوالش در این مأخذ موجود است: نکت الهمیان(ص۲۰۵) و مختصر الدول(ص ۴۲۰) و عیون الانباء(۲: ۳۳۴ ببعد، طبع بیروت) که مبلغی از اشعار او را نیز نقل نموده است،و ناگفته نماند که درآنجا در بیت چهارم از قطعه سینیه او و یعنی این بیت:

و الا فلیت الدهر یمکن منهم بقبضی حبال الوصل بالانمل الخمس

لفظ انمل جمع انمله بکلی نادرست و نامسموع و خلاف قاعده است و عجیب است که این لفظ را که در غلط بودنش ابداً جای تردید نیست دیگران هم استعمال نموده‌اند:– «کما اختلفت فی العقد أنمل حاسب» (ابن الخیاط الدمشقی از شعرای خریدهٔ القصر تألیف عناد کاتب، قسم ثالث، ص ۱۷۷، «قد وسطت بالانمل الخمس» (ذیل صقاعی بر وفیات الاعیان، ص۱۳۹)، «من أنمله اذا مطرت عطایا» (شد الازار، ص ۳۵۰)، «کانّ البحار لها أنمل» (العرف الطیب فی شرح دیوان ابی الطیب، ص۳۱۴)، و جمع أنملهٔ به اجماع لغویین به تثلیث همزه و میم انامل و انملات است فقط. ابن درید گوید(اغانی ۹: ۲۹، ولی در المعدهٔ تألیف ابن رشیق ۱: ۱۸۴ سهواً ابن رومی و در تتمهٔ الیتیمهٔ ۲: ۷۵ بدون تسمیه قائل):

قبّل انامله فلسن اناملاً لکنهنّ مفاتح الارزاق

آغاز: «بسمله الحمدلله الواحد القهار الملک الجبار(بعد از هشت سطر) اما بعد فان شرف العلوم و الصنایع بحسب شرف موضوعها او شرف غایتها و مطلوبها».

انجام: «و ما عدا ذالک فهو جید».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ حنائی، جلد میشن با جدول مزدوج بزر، ۲۳س، ۴۹۰گ ۱۴×۲۴/۵، بعضی از صفحات کسرنویس و بخطی مغایر، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۰۰

مختصر در طب

(۹۷۱۶)

(فارسی)

مشتمل است بر چهار مقاله در بیان انواع امراض و طرق مداوا و معالجه آنها بشرح مذکور در زیر از محمود بن الیاس که آنرا بنا به اشاره«جهان پهلوان خسرو توران خیر عونای» تألیف نموده است.

فهرست مقالات و موضوعات کتاب

مقاله اول– در طب نظری مشتمل بر ۱۷ باب:

– در معرفت علم طب.

– در ان که علم طب چند قسم است.

– در معرفت امور طبیعی.

– در معرفت تندرستی و بیماری.

- در معرفت احوال نبض و حرکت آن.

- در معرفت اجناس نبضها.

- در معرفت تفسره.

- در معرفت اسباب ممرضه علی العموم.

- در معرفت اسباب بیماریهای گرم و سرد.

- در معرفت تبها و احوالی که دلالت بر حال بیمار و بیماری دارد.

- در معرفت احوالی که دلالت بر نیکی و بدی حال بیمار و بیماری کند.

- در معرفت روزهای بحرانی.

- در تدبیر هوا.

- در فصلهای سال.

- در تدبیر طعام و شراب.

- در تدبیر خواب.

- در تدبیر مسافران.

مقاله دوم- در طب عملی شامل ۵۹ باب:

- در معالجه صداع.

- در سرسام.

- در دوار.

- در کابوس.

- در صرع.

- در سکته.

- در سبات.

- در سهر.

- در مالیخولیا.

- در نسیان و حمق.

- در عشق.

- در لقوه.

- در اختلاج.

- در رعشه.

- در فالج.

- در رمد.

- در ضعف بصر.

- در گرانی گوش.

- در زکام و نزله.

- در آمدن خون از بینی.

- در ورم زبان.

- در ناخوشی بوی دهان.

– در درد دندان.

– در خناق.

– در ربو(= تنگی نفس، آسم).

– در سرفه.

– در ذات الریه.

– در سل.

– در ذات الجنب.

– در آمدن خون از گلو.

– در غشی.

– در خفقان.

– در ضعف معده.

– در غثیان.

– در پیچیدن شکم.

– در فواق.

– در هیضه.

– در قولنج.

– در کرمهای معده و غیرها.

– در درد جگر.

- در استسقا.

- در درد سپرز.

- در یرقان.

- در درد کرده.

- در مثانه.

- در ضعف قوت مجامعت.

-در رنجهای مقعده.

- در انیشین و آماس خایه.

- در حیض.

- در نقرس و عرق النسا.

- در داء الفیل و دوالی.

- در بیماریها که بظاهر بدن پیدا شود.

- در بهق و جذام.

- در شری و حصف(جدری و حصبه).

- در حصبه و آبله و کوک.

- در ورمها.

- در سرطان و خنازیر.

- در تبها.

– در معالجه زهرها و گزیدن جانوران و رمانیدن حشرات.

مقاله سوم– در ذکر ادویه مفرده و فواکه و حبوب و جز آن و این مقاله مرتب بر حروف تهجی است.

مقاله چهارم– در ذکر مرکبات معاجین و مفرحات مشتمل بر ۲۲ باب:

– در مفرحات و معاجین.

– در گوارشها.

– در قرصها.

– در حبها.

– در سفوفها.

– در شرابها.

– در لعوقها.

– در مطبوخها.

– در ایارج‌ها.

– در مربیات.

– در روغنها.

– در ضمادها.

– در کحلها.

– در حقنها.

– در سنونها.

– در سعوطها.

– در داورهای رعاف.

– در داروهای قی.

– در داروهای عرق.

– در مسمنات.

– در مرهمها.

– در نطولها.

آغاز: «بسمله ستایش و سپاس خداوندی... و صفات او را... او نگنجد و وهم... امکان نیاید و در قالب زبان... بر سید کونین و خواجه ثقلین... مصطفی علیه افضل الصلوات و اکمل التحیا[ت] بر روان آل و اطهار او باد اما بعد الخ».

انجام: «که بغایت سودمند است و الله اعلم بالصواب».

(۱۱۱-۱)

بلافاصله پس از آن دو رساله است بفارسی یکی باهیه از ابوالمظفر حبیب الله بن محمدبن اردشیر در ۱۷ باب و دیگری رساله موسوم به گنج الاسرار از نظام منشی که ترجمه ایضاح النکاح عبدالرحمن بن نصر بن عبدالله شیرازی است با بعضی زیادات و اضافات که آنرا بدستور مجیرالدّین ابوالمعالی محمدبن المعتز بن طاهر انجام داده است.

آغاز باهیه: «بسمله حمد له اما بعد چنین گویند که چون پادشاه اسلام محمودشاه را ممالک عالم منور شد الخ».

انجام: «و بیخ دندان سخت گرداند».

(۱۱۲-۱۳۶).

آغاز گنج الاسرار: «بسمله حمد و سپاس خداوندی را که جواهر زواهر عالم افلاک و مجاوران کـره خاک در دریای شوق او سایح‌اند».

انجام موجود: «و غیر ان را چیز دیگر نخواهند».

(۱۳۷-۲۰۸)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۰۵۶هجری، کاغذ نخودی، عناوین به شـنگرف، ۱۳س، ۲۰۸گ ۱۲×۱۹، جلد تیماج ضربی مستعمل، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۴۶.

۴۰۱

مختصر کتاب الابدال

(۵۰۴۸)

(فارسی)

اختصاری است از کتاب الابدال و معلوم نشد که نام مختصر(بکسر صاد) و مؤلف اصل چیست و این که در ورقه ملصق به نسخه(اتیکت، شناسنامه) و دفاتر ثبت کتب و فهرست الفبائی کتابخانه و سایر مواضع آنرا از شاپور بن سهل نوشته‌اند مؤسس بر هیچ اساسی نیست.

نسخه مذیّل است به رساله فارسی متقن و دقیقی در تعریف نباتات و خواص و منافع طبّی آنها مستند به اقوال حمزه و ابوحنیفه دینوری و ابوعبیر و لیث و ارجانی و ابوریحان و ابوزیاد کلابی و دیسقوریدوس که مع الاسف ناقص(۴ صفحه) است.

آغاز: «افسنتین بدل آن جعده است یا شیخ ارمنی و از جهت تقویهٔ معده مثل آن اسارون یا نیمه وزن آن هلیله».

انجام: «غاریقون بدل آن دو مثل آن تربد است و مثل آن صبر، و الله اعلم بالصواب».

آغاز لاحقه: «کمالیون را بعضی کشوت گویند و او نوعیست از مازریون و یک نوع از مازریون بلون سپید است».

انجام: «کندش معدن کندش ثغور بلاد است در روم و او را از آنجا» (ناقص).

کتابت رساله اول نسخ و رساله دوم نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، ۲۲س، ۵گ(۲+۳) ۱۲×۱۸/۵، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶ هجری قمری.

۴۰۲

مخزن الادویه

(۱۳۱۹۱)

(فارسی)

در بیان معانی لغات و الفاظ طبی است بترتیب حروف معجم از«میر محمد حسین بن سید محمدهادی العقیلی العلوی الخراسانی ثم الشیرازی».

آغاز: «آلوچه ادرک است... آمله سارکبریت فارسی است... فصل الالف مع الباء الموحـده. اب سـنبل الطیب است، ابابیل خطاف است الخ».

انجام: «یونک اسم ترکی صوف است، ییرکوکی اسم ترکی جزر است که بفارسی زردک نامند... و اسکنهما فی معالی الجنان».

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن چهاردهم، کاغذ نخودی، جای عناوین بیاض، جلد تیماج زرشکی دولا، ۱۳س، ۱۸۴گ ۱۰/۵×۱۷، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲

۴۰۳

مرکبات الشاهیهٔ

(۵۱۴۴)

(عربی)

این کتاب که بنام شاه طهماسب صفوی تألیف شده مجهول المؤلف و مشتمل بر مقدمه و ۲۵ باب و خاتمه‌ای است بشرح زیر:

مقدمه– فی بیان الاسباب الداعیه الی تألیف الادویهٔ.

– فی التریاقات.

– فی المعاجین.

– فی المفرحات.

– فی الجوارشات.

– فی الاطریفلات.

– فی الاشربهٔ.

– فی الربوب.

- فی اللعقوات.

- فی المربیات و الحلاوی.

- فی النقوقات و القمایح.

- فی الایارجات.

- فی الحبوب.

- فی الاقراص و البنادق.

- فی المطبوخات و النقوعات و ماء الاصول.

- فی شیافات العین.

- فی الاکحال و البرودات و الذرورات.

- فی السنوفات.

- فی القطورات و النفوخات و البخورات و الدخن و العطوسات و السعوطات و السمومات.

- فی الغرغرهٔ و المضمضهٔ و اللخالخ.

- فی المقیات و الحقن و الفتاتل المسهلهٔ و الحمولات و الفرزجات.

- فی الضمادات و النطولات و الاطلیهٔ.

- فی المراهم.

- فی الادهان.

- فی ما یتعلق بالزینهٔ.

- فی المتفرعات.

الخاتمهٔ – فی ذکر الاوزان و المکائیل.

آغاز: «بسمله الحمدلله مبداع تراکیب المصنوعات بامزاج المفردات و المرکبات و مخترع التریاقات الدافعهٔ للسموم».

انجام: «سمنا ثلثهٔ ارباع الاوقیهٔ».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ربیع الثانی ۱۰۹۵، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، مختلف السطر، ۱۳۰گ ۱۴×۲۳/۵(در قطع بیاضی)، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف زین العابدین خادم اصفهانی، تاریخ وقف رجب ۱۱۶۶

۴۰۴

مرکبات قرابادین

(۱۳۲۷۰)

(فارسی)

چندین ورق از اوّل آن ساقط است و آنچه باقی مانده مشتمل است بر اواخر باب اوّل تا آخر باب هفدهم که باب آخر باشد باین شرح:

....

باب الثانی – فی المعاجین.

– فی التریاقات.

– فی الجوارشات.

– فی الاطریفلات.

- فی الایارجات.

- فی المربیات.

- فی اللعوقات.

- فی الاشربهٔ و الربوب.

- فی الاقراص.

- فی الحبوبات.

- فی الشیافات.

- فی السفوفات.

- فی الادهان.

- فی المراهم.

- فی الاطلیه.

آغاز موجود: «باشد و وسواس و مالیخولیا و بیخوابی».

انجام: «با یکدیگر سخن نمایند و استعمال نمایند که نافع است انشاء الله».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر یکشنبه ۲۵ ذی الحجه ۱۰۰۲، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۴س، ۱۶۳گ ۱۰×۱۹/۳، جلد تیماج قهوه‌ای، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲

۴۰۵

معالجات البقراطیهٔ

(۵۲۱۸)

(عربی)

مؤلف آن ابوالحسن احمدبن محمّد الطّبیب الطّبری طبیب رکن الدوله دیلمی است[1] بقول ابن ابی اصیبعه در کتاب عیون الانباء فی طبقات الاطباء که از همین کتاب نـام بـرده و آن را از کتـب جلیـل و نـافع دانسته، و آن عبارت از کناشی است مشتمل بر ده مقاله هر مقاله مبوّب بر ابواب عدیده‌ای(بجز مقالـه اوّل که مفصّل بر فصول است) در ذکر علل و امراض منطبق بر مسلک بقراط و تقسیمات انها از جنس به نوع[2] تا برسد به نوع الانواع و بیان طریقه مداوا و علاج علی حده هر یک از امراض بتفصیل مذکور در ذیل(مطالب مقاله اوّل خیلی مرتبط به علم طب بمعنی مصطلح و معروف حالیه آن نیست ولـی مـا موضوعات فصول آنرا از باب مزید فایده و اطلاع ذیلاً درج می‌نمائیم و از نقل مباحث ابواب و سایر مقالات که معمولاً عین همان مباحث موجود در کتب مفصّل طبّی است صرف نظر می‌کنیم):

فهرست فصول مقاله اول و عناوین سایر مقالات

المقالهٔ الاولی: فی الفصول التی لایستغنی الطبیب الذی لیس بفیلسوف عن معرفتها، مشتمل بر پنجاه فصل بشرح زیر:

- فی ان الطب صناعهٔ اضطراریه و انها افضل الصنایع و حد الطب علی اختلاف فیه.
- فی حد الطبیعهٔ.
- فی قوی الطبیعهٔ و النفسانیهٔ.
- فی ما الروح.

---

[1] . قبل از وی طبیب ابوعبدالله بریدی بود که از سنه ۳۱۶ تا ۳۳۲ که سال فوت اوست بصره و بلاد خوزستان را در تصرّف خویش داشت و دو دفعه هر دفعه بمدّت کوتاهی نیز بوزارت راضی و متّقی عباسی رسید. ابوالفرج اصفهانی را قطعه‌ای است در هجو او که در تجارب السلف مسطور است(ص۲۲۰).

[2] . یعنی از کلّی به جزئی و این ترتیب را ارسطو در فن شعر کاتافوسن kata physin یعنی ترتیب طبیعی می‌نامند.

- فی المزاج و الامتزاج.

- فی العنصر.

- فی معنی الکون و الفساد.[1]

- فی التوالد و التولد.

- فی الافلاک و الکواکب و طبیعتها.

- فی صورهٔ اتصال افعال الکواکب بالطبیعهٔ.

- فی الحرکهٔ وحدها و هل یمکن تصورها مفردا عن المحرک.

- فی ما الابتدا و ما الکمال للجسم المتحرک ای حرکهٔ کانت.

- فی نفس الکلی و الجزوی.

- فی العقد.

- فی الهیولی و هل بینه و بین العنصر فرق.

- فی الصورهٔ.

- فی حد الجوهر و الفرق بین الجسمانی منه و غیرالجسمانی.

- فی قسمهٔ الطبیب الامراض علی قسمهٔ الاجناس و الانواع حتی یصیر الی واحد بالعدد لا ینقسم.

- فی المناسبهٔ و المنافرهٔ.

- فی حد المکان.

- فی الخلأ و اختلاف الفلاسفهٔ فیه و ما یجب ان یعتقده الطبیب.

---

١. Generation and Corruption.

- فی الزمان وحده.

- فی قولنا ما لا نهایة له.

- فی الخیر المطلق و الشر المطلق.

- فی معنی قولنا المعاد.

- فی معرفة الباری و التوحید.

- فی معنی قولنا الثواب و العقاب.

- فی العزایم و الطلسمات علی ای معنی قال من قال بها.

- فی معنی قولنا الجزو و الکل فی الامراض و الاوقات.

- فی معنی قول جالینوس فی نفس بلیدة و نفس زکیة.

- فی التضرع و الدعاء و رفع الایدی و هل یقع الاستجابة ام لا.

- فی العدم المطلق و العدم المقید کلها.

- فی الابتداء بالمداواة و اول ما یدخل الطبیب الی العلیل.

- فی الاستعانة بحرکات الکواکب و تأثیراتها و معرفة المرض منها عند المداواة.

- فی الصحة و المرض ما هما.

- فی ما یجب علی الطبیب فی دینه و اخلاقه و غیر ذلک من الاحوال.

- فی الموت و الحیوة.

- فی الحرکة هل هی ازلیة ام محدثة.

- فیما لایجوز توهمه من الاشیاء.

- فی الضوء و اللون و البصر و سائر الحواس.

- فی الصوت و الکلام و متی یکون الصوت کلاما و الکلام صوتا و النغم صوت ام لا.

- فی الوهم و الرای و الحزم.

- فی الرویهٔ و الفکر.

- فی الشوق.

- فی انه کیف یعقل الاشیا و کیف یحسّ النفس.

- فی هل للافلاک و الکواکب احساس ام لا.

- فی الخوف و الفرح.

- فی الضحک و البکا.

- فی الالم و اللذهٔ.

- فی السیاسهٔ.

المقالهٔ الثانیهٔ: فی الاعلال التی تحدث فی جلدهٔ الراس و جلدهٔ الوجه، مشتمل بر سی و پنج باب.

المقالهٔ الثالثهٔ: فی الاعلال التی تحدث فی الاعضاء الباطنهٔ من الرأس، درچهل و سه باب.

المقالهٔ الرابعهٔ: فی اعلال العین و ذکر طبقاتها و منافعها و خلقتها و مداواتها، شامل پنجاه و چهار باب.

المقالهٔ الخامسهٔ: فی امراض الانف و الاذنین، در سی و چهار باب.

المقالهٔ السادسهٔ: فی اعلال الفم و السّن و اللهاهٔ و العمور و الحلق و الرقبهٔ، مشتمل بر پنجاه و هشت باب.

المقالهٔ السابعهٔ: فی اعلال جلدهٔ البدن، شامل شصت باب.

المقالة الثامنة: فی اعلال الصّدر و الرئة و الغشا و الحجاب و سایر الات الانفس و القلب و غلافه، در سی و هشت باب.

المقالة التاسعة: فی وصف المعدة و وضعها و خلقها و اجناس اعلالها و علاجات جمیع ذلک، مشتمل بر پنجاه و دو باب.

المقالة العاشرة: فی امراض الکبد و الطحال و الامعا و ذکر خلقتها و وضعها و منفعتها، شامل چهل و نه باب.

ورق اوّل این نسخه ساقط است.

آغاز موجود: «لترکوا المحارفة و اقبلوا علی طلب العلوم الحقیقة ثم ان من سمع منهم».

انجام: «فی تامل شیء من ذلک وقع بحسب النقصان فی المعالجة».

نسخ، کاتب سیف الدین بن جلال الدین، تاریخ تحریر غرّة شوال سنه ۲۷[۸]، عناوین ابواب در متن بقلم ثلث بسیاهی و در حاشیه بخط نستعلیق بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج زرشکی با سجاف مشکی، ۱۹س، ۵۵۵گ ۱۷/۵×۲۴/۵، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ماه ۱۳۱۶.

۴۰۶

معالجات البقراطیة

(۵۲۱۹)

این نسخه شروع می‌کند از باب بیست و هشتم(فی السبات) از مقاله سوم و ختم می‌کند به اوائل باب چهل و نهم(فی انواع القولنج) از مقاله آخر که مقاله دهم کتاب باشد.

آغاز موجود: «و لا یخطی و یؤمر هذا العلیل ایضا لا سیما اذا کانت الخ».

انجام موجود: «ثم یضمد الموضع و لاباس بان یسیقه».

نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، عناوین ابواب بسیاهی بقلم ثلث جلی خوش، کاغذ نخودی روشن، اندازه مسطر ۱۲/۵×۱۶/۳، جلد تیماج مشکی، ۲۴-۲۶س، ۲۳۶گ ۲۰×۲۶، واقف شیخ حسن هروی، تاریخ وقف ۱۳۱۵ هجری شمسی.

۴۰۷

معالجات البقراطیهٔ

(۵۱۵۰)

این نسخه کهن و مشتمل است بر مقاله هفتم فقط.

آغاز: «بسمله المقالهٔ السابعهٔ من الکناش المعروف بالمعالجات البقراطیهٔ من املا ابی الحسن الخ».

انجام: «و مما یستعمل له» (پنج شش کلمه‌ای کسر دارد).

کتابت به نسخ کهن بدون تنقیط کلمات، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن ششم هجری، عناوین بسیاهی، کاغذ نخودی، اندازه مسطر ۱۱×۱۴، جلد تیماج عنابی ساده، ۱۵س، ۱۵۹گ ۱۶×۱۹، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵(در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۲۷، ۱۱۵۴، ۱۱۹۴ و غیره داخل عرض شده).

۴۰۸

معالجهٔ الامراض

(۵۱۵۴)

(فارسی)

تألیف احمد بن علی الحسینی الاردستانی است مشتمل بر چهل و دو باب در بیان امراض سر تا پا و موشّح بنام سلطان محمد قلی قطبشاه. موضوعات ابواب آن از این قرار است:

- فی علاج امراض الرأس.
- فی علاج امراض الدماغ.
- فی علاج امراض العین.
- فی علاج امراض الاذن.
- فی علاج امراض الانف.
- فی علاج امراض الفم.
- فی علاج امراض الصدر.
- فی علاج امراض القلب.
- فی علاج امراض المعدة.
- فی علاج امراض الکبد.
- فی علاج امراض الطحال.
- فی علاج امراض الاستسقاء.
- فی علاج امراض الیرقان.
- فی علاج امراض القولنج.
- فی علاج امراض الامعاء، الی آخر ابواب.

آغاز: «بسمله، الحمدلله الذی ابدع العناصر و الاجزاء و اوجد الامزجة و الاعضا».

انجام: «یشرب منه کل اسبوع مرۀ مرارا کثیرا».

نستعلیق بدون نقطه، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم هجری، کاغذ حنائی، جداول اوراق بطلا و تحریر، عناوین همگی بشنگرف، اندازه جدول ۴/۵×۱۰/۵، ۱۵س، ۱۸۳گ ۸/۵×۱۵، جلد تیماج عنابی ساده، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۵.

۴۰۹

معالم الشفاء

(۵۱۴۰)

(عربی)

مؤلف کتاب ابوعلی بن محمد منصور الحسینی است که آنرا بر سه فن و هر فن را بچندین تعلیم و هر تعلیم را بچند مقاله و هر مقاله را بچندین باب و هر باب را بچندین فصل منقسم نموده.[۱] عناوین فنون آن از این قرار است:

– فی القواعد العقلیۀ النظریۀ.

– فی القوانین الفعلیۀ العملیۀ.

– فی الادویۀ و الاغذیۀ المفردۀ و المرکبۀ و القراباذینات.

آغاز: «بسمله اللّهم ارنا معالم الشفاء و زدنا سعادۀ بالقانون الکامل الذی اتی به سیدنا الخ».[۲]

[۱] . نسخه خوبی از این کتاب منضم به بستان الاطباء و روضۀ الالباء و کناش فاخر و رساله سموم عماد الدین محمود و چند رساله مفصل دیگر در دانشکده ادبیات مشهد محفوظ است.

[۲] . آغاز این نسخه چنین است ولی تا آنجا که بیاد دارم گمان می‌کنم در بعضی مواضع چنین دیده‌ام: –«نسألک طبیب قلوبنا» (بقیه عبارت را بلحاظ این که بهیچ نسخه‌ای از این کتاب دسترسی ندارم نمی‌دانم که چیست).

انجام موجود: «و قول النبی علیه صلوة و السلم البطنة اصل کل داء و الحمیة راس کـل دواء و اعـط»
(ناقص)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد میشن لبه دار دولا با حاشیه زرین، صفحه اول بخط نستعلیق و کسر نویسی شده، اندازه مسطر ۱۱/۵×۱۸، ۲۱ س، ۵۶گ ۱۷/۵×۲۶، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۴۱۰

المعتمد فی الادویة المفردة

(۶۸۵۰)

(عربی)

کتابی است در تعریف خواص و منافع ادویه مفرده بترتیب حروف معجم از تألیفات الملـک الاشـرف ممهّد الدین عمر بن الملک المظفر شمس الدّین یوسف بن الملک المنصور نورالدّین عمر بن علی بن رسول سومین امیر از امرا و حکّام بنی رسول در یمن[1] و متوفی در سنه ۶۹۶، و آن چنان که خود او در مقدمه کتاب تصریح نموده فی الواقع اختصاری است از کتاب مفردات ابن بیطار(به علامت اختصاری ع در متن) و کتاب دیگر همو موسوم به المنهاج(به علامت ج) و کتاب ابوالفضل التفلیسی(به علامت ف) و

---

[1] . این سلسله پس از آن که ایوبیه یمن و ایوبیه عربستان را منقرض نموده حضر موت تا نکه را تحت سلطه و استیلای خود گرفتند از سال ۶۲۶ تا ۸۵۸) عاقبت خود بدست بنی طاهر از میان رفتند، و ناگفته نماند که در کتابخانه آستان قدس نسخه‌ای از یتیمة الدّهر ثعالبی محفوظ است(تحت رقم ۵۰۳۰) که برسم خزانه یکی از ملوک این خاندان یعنی برسم خزانه«الامام العالم العادل السید الاجل الملک الاشرف ممهد الدنیا و الدین ابی العباس اسمعیل بن مولانا السلطان الملک الافضل العباس بن علی بن داود بن یوسف بن عمر بن علی بن رسول الغسّانی» نوشته شده و این شخص همانست که کتاب العسجد المسبوک و الجوهر المحکوک فی طبقات الخلفاء و الملوک بقلم اوست. برای مزید اطلاع از احوال خاندان بنی رسول مراجعه شود به کتاب استانلی لین پول موسوم به The Mohammadan Dynasties,pp.۹۹–۱۰۰ و معجم الانساب زامباور ۱: ۱۸۴ و صبح الاعشی ۵: ۳۰–۳۲ و مقدمه کتاب العسجد المسبوک مذکور که طابع ان تقریباً همه مآخذ مهم را در خصوص ایشان نشان داده است.

کتاب ابدال زهراوی(به علامت ز) و کتاب ابن جزار(بدون علامت). سایر تألیفات او عبارتست از جواهر التیجان و طرفهٔ الاصحاب فی معرفهٔ الانساب و التبصرهٔ فی علم النجوم و المغنی فی البیطرهٔ و غیره.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی[ا] وجد الاشیاء بحکمته و ابدع المخلوقات باظهار قدرته.

انجام: «المختصر الجامع لقوی الاغذیهٔ و الادویهٔ و بالله التوفیق».

نسخ کم نقطه، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن هشتم، کاغذ حنائی، عناوین و اسامی ادویه به شنجرف و زنگار، جلد تیماج ضربی با ترنج و سرترنج و جدول، دو روق ابتدا و ورق آخر نونویس(مورخ سنه ۱۱۰۴)، ۲۷س، ۱۷۴گ ۱۹×۲۷، وقفی درهٔ السلطنه ملک زاده کوثر در آبان ۱۳۲۶.

۴۱۱

المعمرهٔ

(۸۵۱۸)

(عربی)

تألیف محمد بن یوسف هروی است مشتمل بر سه مقصد باین شرح:

– فی تحقیق الحرارهٔ الغریزیهٔ.

– فی الاشیاء المقویهٔ للحرارهٔ الغریزیهٔ و المعمرهٔ(در بیان طبایع و خواص آنها بترتیب حروف تهجی).

– فی الاشیاء المفنیهٔ للحرارهٔ الغریزیهٔ و الناقصهٔ للعمر.

آغاز: «بسمله ان اقوی غذاء یقوی به الحرارهٔ الغریزیهٔ و البقا حمد من یشفی فایحهٔ فاتحهٔ».

انجام موجود: «فلا ینبغی ان یستعمل ذلک الا ان یکون المرض معیاجا قال الافناع اذا خلط».

نستعلیق شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم، عنـاوین بشـنگرف، کاغذ حنائی، ۲۴س، ۵۵گ ۱۰×۲۱، جلد تیماج قهوه‌ای، وقفی نادرشاه افشار در ۱۱۴۵.

۴۱۲

المغنی فی تدبیر الامراض و تعریف العلل و الاعراض

(۵۱۳۶)

(عربی)

کتابی است با بیانی متمایل به اختصار و تلخیص که در آن ابتدا از امراض مربوط به سر و سپس بـه ترتیب از امراض سایر اعضاء بدن هر کدام بنحو مستقل و مجزّا در جدولی و بعد در کنار آن از علل پیدایش آنها در جدولی دیگر و آنگاه بلافاصله در جدول سوم از عوارض آنها و سپس با شرح بیشتری از طریقه تدبیر و علاج آن امراض بحث و گفتگو شده است.

نام مؤلف را کاتب حسن بن هبةُ الله بن الحسن نوشته ولی این مطلب ظاهراً سهو است از ناحیه او زیرا بموجب صریح قول ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء(۱: ۲۵۴) و حاجی خلیفه در کشف الظنون(که کتاب را نمی‌گوید بنام کیست ولی نام مؤلف را درست بدست می‌دهد) آن کس که کتابی بنام المغنی در طب نوشته و آن را بنام خلیفه عباسی المقتدی بامرالله کرده ابوالحسن سعید بن هبةُ الله بن الحسین است، و به لحاظ این که این فقرات مطابقت دارد عینا با صریح قول مؤلف در مقدمه این کتاب پس معلوم می‌شود قطعا که نام مؤلف ابوالحسن سعید و نام جدّ او حسین است که در ۱۳ جمادی الاخر سنه ۴۲۳ متولد شده ودر ششم ربیع الاول ۴۹۵ در گذشته و چنان که در ترجمه احوالش مسطور است استاد ابن جزله

مؤلف کتاب منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان و تقویم الابدان فی تدبیر الانسان[1] و از جمله حکما و اطبای معروف بیمارستان عضدی بوده و چندین کتاب و رساله در علم طب نوشته است از جمله کتاب الاقناع که مفصّل‌تر از مغنی بوده و مقاله فی ذکر الحدود و الفروق[2] و مقاله فی تراکیب الادویهٔ المحال علیها فی کتاب المغنی و کتاب خلق الانسان که یک نسخه بسیار نفیسی از آن در کتابخانه رضویه محفوظ است(تحت رقم ۵۱۴۹) و در این کتاب در موقع خود بتفصیل معرفی و توصیف شده است.

آغاز: «بسمله قال الحسن ابن هبهٔ الله ابن الحسن الطبیب ان اولی ما نطق به اللسان و ثبت[برهانه] فی الجنان الحمد له لمدبر الازمان الذی اوجد المخلوقات بقدرته».

انجام: «فی اخراجه لتامن بذلک حدوث البلیهٔ و العفن».

نسخ درشت، کاتب نامعلوم(نام او در صحافی بریده شده)، تاریخ تحریر ۱۲ محرم ۷۴۰، کاغذ نخودی، جداول به شنگرف و عناوین به قلم زر و برخی به شنجرف، جلد مقوا عطف و سجاف چرم، مختلف السطور، ۱۰۰گ ۱۲/۵×۲۷/۵، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۴۱۳

المغنی فی تدبیر الامراض و تعریف العلل و الاعراض

(۲۲۸۸۶)

نسخه کامل و مذیل است به کتاب زاد المسافر تألیف محمد مهدی بن علی نقی الشریف که نسخ متعدّدی از آنرا در موقع خود در این کتاب معرفی نموده‌ایم.

آغاز کتاب ثانی: «بسمله سپاس افزون از خواهش بیماران شفا».

---

[1]. از هر دو کتاب چند نسخه را در این فهرست معرفی نموده‌ایم.

[2]. یک نسخه از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی محفوظ است(تحت رقم ۵۸۴).

انجام: «که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیارست».

نستعلیق خوش، کاتب هر دو نسخه محمدعلی، تاریخ تحریر کتاب اخیر پنجشنبه ۲۹ شـوال ۱۲۲۷، عناوین بشـنگرف، کاغـذ شـکری آهـاری فرنگـی، جلـد مقـوا، ۲۵س، ۱۰۲گ ۱۳/۵×۲۱، واقـف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۵.

۴۱۴

المغنی

(۵۱۴۷)

آغاز و انجام مانند قبل.

نسخ، کاتب محمدعلی، تاریخ تحریر قرن ۱۳، نیمه صفحه اول نونویس، عناوین و جداول به سرخی، کاغذ آهار و مهره شده، جلد تیماج نیلی یک لا، مختلف السطور، ۱۰۱گ ۱۴×۲۱، واقف میرزا موسی خان، تاریخ وقف ۱۲۶۲، نسخه بجهت واقف استنساخ شده و در سنه ۱۲۹۲ در ملکیت شیخ الرئیس قاجار بوده است.

۴۱۵

المغنی فی شرح الموجز

(۵۲۲۰)

(عربی)

شرح سدیدالدّین طبیب کازرونی از علمای قـرن هشـتم و مؤلـف رسـاله تشـرح و تکلمـه المـوجز است(مذکور در حرف تاء) بر کتاب مشهور الموجز تألیف علاءالدین علی بن ابی الحزم القرشی معروف

به ابن النفیس(متوفی در ذیقعده سنه ۶۸۷) که مزجی و مبتنی است بر کتاب قانون ابن سینا و شروح آن بخصوص شرح قطب الدّین شیرازی و شرح علاء الدین علی مذکور.

آغاز: «بسمله الحمد لله الذی ابدع بقدرته جواهر عقلیهٔ مجردهٔ».

انجام: «و لذلک قد اعتمد علیه فی اکثر المواضع کل الاعتماد».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ربیع الاخر ۱۰۵۲، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج خرمائی ضربی دورو، ۲۱س، ۵۴۹گ ۱۲/۵×۲۳/۵، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقـف بهمن ۱۳۱۶.

۴۱۶

المغنی

(۱۳۹۹۳)

نسخه کامل و مصدّر است به پنج ورق رساله بحرانیه و یک ورق رساله وبائیه هر دو بزبان عربی[۱].

آغاز: «بسمله البحران[۲] فی لغهٔ الیونان هو الفصل فی الخطاب ثم استعمل مجازا علی الفصل فی الحکم».

انجام: «لان حرکتها بعده یکون یطبهٔ جدا».

---

[۱] . بعد از این رساله مبلغی اشعار بزبان فارسی است از جمله این قطعه از خواجه طوسی در تقسیم موجود و اقسام جواهر و اعراض:

موجود منقسم بدو قسمست نزد عقل	یا واجب الوجود و یا ممکن الوجود
ممکن دو قسم گشت یقین جوهر و عرض	جوهر به پنج قسم شد ای ناظم عقود
جسم و دو اصل او که هیولی و صورتند	پس نفس و عقل این همه را یادگیر زود
نه قسم گشت جنس عرض این دقیقه را	اندر خیال نظم بمن عقل می‌نمود
کم است و کیف این متی و مضاف هم	پس یفعل است و ینفعل و ملک ای ودود
اجناس کائنات مقولات عشر شد	نی گشت کم ازین نه برین دیگری فزود
پس واجب الوجود ازین دو منزهست	کاو بود پیش ازین که ازینها یکی نبود

[۲] . Crisis

آغاز رساله اخیر: «بسمله حمد له اما بعد الوباء فساد یعرض لجوهر الهوا بان یستحیل حقیقته لاکیفیته الی الرداءَ».

انجام: «تولد المرار الفاسدة فی الابدان یوجب العفونة».

نستعلیق، کاتب نامعلوم(اسم او را سیاه نموده‌اند)، تاریخ تحریر کتاب و ضمائم پنجشنبه ۶ ربیع الاخر سنه ۸۵۲، عناوین و متن بشنگرف، کاغذ حنائی، بعض اوراق محشی، جلد تیماج مشکی ساده، ۳۳س، ۲۱۴گ ۱۵×۲۵، وقفی فاضل خان(سجع مهرش: بنده شاه جهان فاضلخان)، تاریخ وقف ۱۰۶۵ هجری قمری بر مدرسه فاضلخان و تاریخ تحویل بکتابخانه آستان قدس ۱۳۶۳ هجری شمسی.

۴۱۷

المغنی

(۵۲۲۱)

این نسخه نیز کامل است.

نسخ، کاتب محمدنبی بن آقا محسن، تاریخ تحریر شنبه ۳ رجب ۱۲۳۱، محل کتابت قریه شیروان، نسخه بنام میرزا رجب تحریر شده، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، جلد تیماج مشکی، ۲۵س، ۲۴۶گ ۱۸/۳×۳۰/۳، وقفی قائم مقام در بهمن ۱۳۱۶.

۴۱۸

المغنی

(۵۱۳۷)

این نسخه تا اوّل فن ثالث است.

انجام: «لیکون الکتاب مغنیا عن مطالعهٔ الکتب المطولهٔ والله اعلم بالصواب».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، بعضی اوراق دارای حواشی، جلد تیماج مشکی، ۲۱س، ۱۴۵گ ۱۷/۵×۲۴/۵، واقف نامعلوم.

۴۱۹

المغنی

(۵۱۳۹)

این نسخه کامل است(تقریباً).

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین در حاشیه بشنگرف، جلد تیماج ضربی سجاف دار، ۲۵س، ۲۶۱گ ۱۷/۵×۲۵، واقف نامعلوم.

۴۲۰

المغنی

(۲۲۷۱۷)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب عبدالله بن احمد الاحسائی الشیرازی، تاریخ تحریر یکشنبه ۲۱ سنه ۱۰۴۵، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، ۲۵س، ۲۹۲گ ۱۷/۵×۲۴، جلد تیماج ضربی مستعمل، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۲۱

المغنی

(۲۲۶۹۷)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سه شنبه ۱۳ ذی حجه سنه ۱۰۸۵، عناوین موضوعات در حاشـیه بشنگرف، کاغذ حنائی، ۲۳س، ۳۸۳گ ۱۲/۴×۲۴/۴، جلد میشن ضربی ساده، وقفی سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۴۲۲

المغنی

(۱۳۱۰۶)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سلخ ربیع الثانی سنه ۹۵۹، کاغذ نخـودی، عنـاوین در هـامش بشنگرف، اکثر اوراق دارای حواشی، جلـد تیمـاج خرمـائی ضـربی، ۲۱س، ۲۴۸گ ۱۷/۶×۲۴/۸، خریداری آستان قدس در آبان ۱۳۶۲.

۴۲۳

المغنی

(۸۵۲۷)

این نسخه از ابتدای فن سوم شروع و به اوائل مبحث طفره(از امراض چشم) ختم می‌کند.

انجام موجود: «و لا ینبغی ان یتعرض لهذا النوع».

نستعلیق آمیخته به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ نخودی، دارای یک سرلوح منقش کم کار، جداول اوراق برنگ زرد و تحریر، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، واقف رضا زنجانی، تاریخ وقف تیرماه ۱۳۳۶.

۴۲۴

المغنی

(۱۴۸۲۶)

مشتمل است بر شرح فن اوّل فقط.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ شکری، متن بقلم نسخ، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، ۲۳س، ۵۰گ ۱۵×۲۰، واقف سید محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف ۱۴۰۵.

۴۲۵

مفتاح الخزائن

(۵۱۵۱)

(فارسی)

تألیف حاج زین العطار مؤلف اختیارات بدیعی مذکور در حرف الف است و این نسخه مجلّد دوم یعنی قسمت مربوط به مرکبات ادویه است در ۱۴ باب: مفرحات و معاجین و جوارشات و اطریفلات و اشربه و لعوقات و سفوفات و غیره.

آغاز: «بسمله حمدله... باب مفرحات مفرح یاقوتی خفقان و وسواس را سودمند بود».

انجام: «مفید بود ان شاءالله و الحمدلله رب العالمین».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ کتابت قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، صفحه اخیر نونویس، ۱۶س، ۱۰۲گ ۱۳×۱۹، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۴۲۶

مفتاح الشفا

(۹۷۸۱)

(فارسی)

تألیف محمدکاظم بن غیاث الدّین محمدبن محمدهاشم طبیب طهرانی و بنام شاه سلطان حسین صفوی است که مؤلف آن را به اقتفای جدّ خویش در کتاب مفتاح الخزاین بجهت جمع بین احادیث اسلامی و طب یونانی و مباحث ادویه مفرد و مرکب در مقدّمه‌ای در بیان شرافت علم طب و مجملی از توجیهات احادیث شریفه و سه مقاله و خاتمه بشرح زیر تألیف نموده است:

مقاله اول: در بیان قواعد حفظ صحت، مشتمل بر هفت باب:

– در تدبیر استنشاق هواو

– در تدبیر مأکول ومشروب.

– در تدبیر حرکت و سکون.

– در تدبیر حرکت و سکون نفسانی.

– در آداب خواب و بیداری.

– در تدبیر استفراغ و احتباس.

- در سایر مواردی که در حین صحت بعمل آورده می‌شود.

مقاله دوم: در بیان ادویه و اغذیه، مشتمل بر دو باب:

- در ادویه و اغذیه مفرده.

- در ادویه مرکبه.

مقاله سوم: در معالجات امراض، مرتب بر دو باب:

- در معالجات امراض به ادویه.

- در معالجات امراض به ادعیه منقول از اهل بیت طاهرین علیهم‌السلام.

خاتمه: در استشفا به تربت حضرت امام حسین علیه‌السلام و آب نیسان.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق الانسان و اعطاه العلوم».

انجام: «فصل اول آداب مریض و عیادت کننده وعلاج مریض» (ناقص).

نستعلیق شکسته، چهار ورق بخطی مغایر، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواسط قرن دوازدهم، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی آهاری، جلد تیماج مشکی یک لا، ۱۵س، ۹۲گ ۱۴×۲۰، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف ۱۳۴۵ هجری شمسی.

۴۲۷

مفرح القلوب

(۱۳۳۰۷)

(فارسی)

ترجمه و شرح قانونچه چغمینی است با اضافات و زیادات بسیار از میر محمد اکبر معروف به محمـد ارزانی مؤلف کتب حدود الامراض و میزان الطب و قرابادین قادری و طب اکبری(یک نسخه از آن را در همین کتاب در موقع خود معرفی نموده‌ایم) و ترجمه طب النبی تألیف سیوطی و تعاریف الامراض و غیره.

آغاز: «بسمله حمدله اما بعد فقیر جانی محمد اکبر... مشهود رأی صداقت انتمای تالیان ایـن اوراق و طالبان این مذاق میگرداند».

انجام: «که غرض ازین محنت و ارقام محض انتفاع اتمام است».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر دوشنبه ۵ جمادی الاول سنه ۱۲۰۰، دارای سرلوح مذهب مرصع کم کار، جداول دو صفحه افتتاح بطلا و تحریر و لاجورد و بقیه اوراق به لاجورد و شنگرف، کمند به لاجورد، مقالات و فصول به شنگرف، ۲۲س، ۳۱۱گ ۱۷/۵×۲۵، جلد تیماج خرمائی ضربی با سجاف مشکی، کاغذ نخودی هندی، واقف اسمعیل مصنع رضوی، تاریخ وقف آبان ۱۳۶۲.

۴۲۸

مفرح القلوب

(۲۲۷۲۷)

نسخه کامل است.

نستعلیق هندی، کاتب نامعلوم(نام او را سیاه کرده‌اند)، تاریخ تحریر ۲۳ ربیع الثانی ۱۱۹۰، کاغذ حنائی هندی، جداول اوراق بشنگرف و لاجورد، عناوین و اشکال طبی بشنگرف، دارای یک سرلوح منقش کم

کار خام، ۲۱س، ۳۸۳گ ۱۵×۲۳، جلد تیماج ضربی ساده، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۲۹

مفردات و مرکبات

(۱۸۸۵۸)

(فارسی)

مختصری است مرتب بر دو مقال یکی در بیان منافع مفردات در پنج باب بشرح زیر:

- در حبوب.

- در لحوم و سمک و البان و تخم‌مرغ، هر کدام در یک فصل.

- در فواکه(ناقص).

- (این باب و باب بعد از نسخه ساقط است).

و مقال دوم که در مرکبات بوده قسمت اعظم آن در نسخه موجود نیست و آنچه فعلاً موجود است(مطابق با همین وضع فعلی نسخه که اوراقش هیچ نظم و ترتیبی ندارد) از قرار تفصیل ذیل است بعد از چند فصل که در بیان برخی مرکبات است:

فصل پنجم- در تب صفراوی.

فصل ششم- در تب بلغمی.

فصل هفتم- در تب سوداوی.

فصل هشتم- در تبهای مرکب.

فصل نهم- در روزهای بحران.

باب دوازدهم- در اورام و بثور و آنچه بر ظاهر پوست حادث شود، در شانزده فصل.

باب سیزدهم- در سقط و ضربه و ردادی و مجبری و سوختگی(ناقص).

باب چهاردهم- در طرد و راندن هوام از خانه و مسکن و تدبیر گزیدن آنها، در شش فصل(ناقص)

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی خلق لکلّ داء دواء... و بعد بنا بر التماس من یجب علی اسعافه کلمه جند در بیان».

انجام: «بآنچه مخصوص است معالجه کنند چنانچه در مطولات مذکورست».

نستعلیق، کاتب شمس الدین بن حسن بن شمس الدین عاشق، تاریخ تحریر ۸۸۸، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، نسخه از اواسط و اواخر افتادگی دارد اکثر اوراق موریانه خورده، ۱۵س، ۲۳گ ۱۲×۱۷، جلد مقوا، تاریخ وقف فروردین ۱۳۷۲.

۴۳۰

مقاله در ادویه چشم

(۱۲۸۲۱)

(فارسی)

مختصری است در بیان ادویه و مراهم از تألیفات محمد باقر بن عماد الدّین بن محمود الطبیب که بنـا بآنچه در مقدمه کتاب مسطور است آنرا بدستور شاه عباس صفوی تألیف نموده چنان که گوید(بعد از سه صفحه مدح و ذکر القاب شاه عباس) «این پادشاه جم جاه بواسطه تسخیر بلاد موروثی و مکتسبی بیشتر اوقات ایلغارهای صعب مینمودند چنانچه(کذا) اکثر عساکر منصوره و جیوش مظفره از مرافقـت

موکب همایون باز میماندند بلکه اکثر اعیان دولت قاهره و ارکان سلطنت باهره[را] تاب و توانـائی آن نبود که در رکاب ظفر انتساب توانند همراهی کرد خصوصـاً در ایلغـاری کـه از دارالسـلطنه اصـفهان بدارالسلطنه تبریز نمودند و در چند روز با جمعی از غلامان خاص تسخیر مملکت آذربایيجان کـرده قمع قلع رومیه شومیه نمودند و بعد از فتح قلعه تبریز و نخجوان که معظم بلاد آذربایيجان است و سایر قلاع دیگر که در حوالی آنها بود رایات عزوجلال متوجه ایروان شـد و در محاصـره آن قلعـه چـون منتسبان این دولت از غایت اعتقادی که باین دودمان داشتند و نهایت جلادت که می‌ورزیدند خـود را محابای هدف ناو لا(کذا، شاید ناوک) اهل قلعه میکردند بنابراین بعضی از ایشان که خسته تیر مخالف میگردند اعلیحضرت خاقانی از جهت کثرت عاطفت نسبت بمنسوبان این دولت خـود بـنفس نفـیس متوجه شده مرهم راحت بر جراحت اینان می‌نهادند و تصرفات بدیعه که فهم اکثر علما و حکما بساحت آن نمیرسید در معالجات میکردند در این گاهی بخاطر اشرف میگذشت که در مثل این ایلغارات اگر چنان واقع شود که کحالان و جراحان خاصه شریفه از آستان بوسی باز مانند در این صورت اگر مقالی مشتمل بر نسخ ضروریه ادویه عین و مقاله دیگر منطوی بر ذکر مراهم لابد همیشه در سـرکار عـالی حاضر باد بد نخواهد بود تا در وقت ضرورت دستور العمل بوده باشد بنابراین فرمان قضا جریان لازم الاذعان بکمترین غلامان صادر گشت تا مقالتین مذکورتین را جمع آورد پس این فقیر نیز امتثالا لامره المطاع لازال نافذا فی الارباع از روی استعجال از بعضی کتب که حاضر بود استخراج نسخ مذکور نمود و طریق ساختن هر یک را نیز بطریق اجمال بیان کرد الخ» (نقل باختصار).

نسخه از انتها ناقص و مصدر است به رساله‌ای ایضا در بیان ادویه چشم بزبان فارسی که اوراق اوّل آن ساقط است.

آغاز: «بسمله حمد و ثناء شایسته جناب قادر بیچون و مبدع امر کن فیکون را سزد... چنین گوید فقیر غریب محمد باقر بن عماد الدین بن محمود الطبیب».

انجام موجود: «شیاف تفاحی از برای بثور».

آغاز موجود: «سیم در نسخ ادویه و کیفیت ترکیب آن از شیاف و از اکحال و ذرورات و مسهلات و غیره و آن سه باب است باب اول از گفتار اول در حد چشم و طبیعت آن».

انجام: «در آب کامه حل کنند و بدان غرغره کند».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۱س، ۱۰۲گ ۱۰× ۱۶/۳، جلد مقوا عطف و گوشه تیماج فرنگی، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۴۳۱

مقاله در ادویه چشم

(۱۰۷۳۰)

ناقص الاخر و مذیل است به رساله در وضع اعداد و اوفاق از حاج محمدکریم خانی کرمانی.

انجام موجود: «زعفران و تریاک و عنبر اشهب بمالند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ فرنگی نخودی، مختلف السطور، جلد تیماج یک لا، ۱۶۵گ ۱۶×۲۱، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۸.

۴۳۲

مقالهٔ فی السّموم و التّحرز من الادویهٔ القّتالهٔ

یا:

فاضلیّه

(۵۱۱۵)

(عربی)

کتابی است مختصر و نافع در یک مقاله در خصوص کیفیت تحفظ از سموم و علاج شخص مسموم از تألیفات فیلسوف و حکیم و طبیب معروف ابو عمران موسی بن میمون(در نسخه موسی بن عبدالله) بن یوسف بن اسحق القرطبی الاندلسی که به لحاظ این که نبذی از احوال او و مآخذ راجع به او را بعد از این بدست خواهیم داد[1] در اینجا وارد در جزئیات احوال او نمی‌شویم.

این کتاب را مؤلف از قرار تقریر خود او در مقدمه که قسمتی از ان را ذیلاً نقل خواهیم نمود در سنه ۵۷۵ تألیف کرده و بنام ابوعلی عبدالرحیم بن ابوالمجد علی البیسانی معروف به القاضی الفاضل[2] وزیر الملک الناصر صلاح الدّین موشح و به اسم او تسمیه نموده است چنان که گوید: -«و انما ذکر الداعی الی وضع هذه المقالهٔ دعا الی تصدیر هذه المقدمهٔ فی هذا القول الذی احاوله الان و ذلک ان مولانا ادام الله ظله(یعنی القاضی الفاضل) مما تعمل فکرته الشریفهٔ فی المصالح العامهٔ کما ذکرت یامر الاطبا بمصران

---

[1]. مراجعه شود به«مقالهٔ فی تدبیر الصحهٔ» تحت رقم ۵۰۳۸ که در آنجا ترجمه‌های مختلف آن را نیز ذکر نموده‌ایم.

[2]. متولد در ۱۵ جمادی الاخرهٔ سنهٔ ۵۲۹ در عسقلان و متوفی در شب چهارشنبه هفتم ربیع الاخر ۵۹۶ در قاهره و مدفون در دامنه کوه مقطم. وی در فنون فصاحت و بلاغت و ادب و انشاء و ترسّل و شعر و لغت از مشاهیر عصر و در فضل و مروت و جود و عطا از افراد زمان بود و این که ابن میمون در مقدمه این کتاب از او ستایش و تمجید فراوانی بعمل آورده و او را بذل اموال و تربیت ایتام و تخلیص اسیران و ابتناء مدارس محمدت گفته پر راه اغراق نرفته است. برای مزید اطلاع از احوال وی مراجعه شود به خریدهٔ القصر تألیف عماد کاتب اصفهانی(قسم شعراء مصر ۱: ۳۵) و وفیات الاعیان(حرف عین) و طبقات الشافعیه تألیف سبکی(۴: ۲۵۳)، فایده: ناگفته نماند بمناسبت ذکر این کتاب اخیر که سبکی در مجلد سوم از کتاب مذکور(ص۱۲۴) دو بیت شعر بنقل از ثعالبی در تتمهٔ الیتیمهٔ از شیخ ابوعثمان اسمعیل صابونی نقل می‌کند که از نسخه چاپی تتمه(۲: ۱۱۵) بکلی ساقط است، معلوم می‌شود متن مطبوع کامل نیست و در بعض مواضع سقطات دارد، گوید: -«و قد انشد له(للصابونی) الثعالبی فی تتمهٔ الیتیمهٔ:

اذا لم اصب اموالکم و نوالکم — و لم انل المعروف منکم و لا البرا

و کنتم عبیدا للذی انا عبده — فمن اجل ماذا اتعب البدن الحرا»

تعملوا التریاق الکبیر و معجون مثرودیطوس[1] و عمل هذین فی مدینهٔ مصر عسرهٔ جدا اذا لم یطلع فی هذا البلد شیء من الحشایش المستعمله فی التریاق الا الخشخاش و استجلب الادویهٔ بامره النافذ من اقاصی الغرب و الشرق و عمل المعجونین جمیعا و وافقهما لکل من قالت الاطباء انه ینتفع بهما اذ هذان مما لا یوجد فی اکثر خزاین الملوک فکیف فی الاسواق... و لمّا کان فی هذا الزمان و هو شهر رمضان المعظم سنهٔ خمسم و سبعین و خمسائهٔ قال لاصغر ممالیکه انی فکرت البارحهٔ فیمن یلسغ حتی یتصل الینا حتی یصبح و ایضا کون هذین المعجونین مع عسر عملهما قد تنفذ فی امور صغیره مثل لسعهٔ عقرب او رتیلا التی تکتفی فیها بتریاق الاربع و نحوه فلذلک نأمرک ان تضع مقالهٔ صغیرهٔ الحجم وجیزهٔ اللفظ فیما یبادر به الملسوغ من التدبیر و تذکر ادویته و اغذیته... فبادرت الی امتثال الامر المطاع فوضعت هذه المقالهٔ و سمیتها الفاضلیهٔ الخ».

کتاب منقسم است بر دو نوع و هر نوع مفصّل است به فصولی باین شرح:

نوع اوّل– در گزیدن هوام و حشرات مشتمل بر شش فصل بقرار زیر:

۱. در تدبیر شخصی که حیوانی او را گزیده.

۲. در بیان ادویه مفرد و مرکبی که باید بر موضع گزیدگی گذاشت.

۳. در بیان ادویه مفردی که برای گزیدگی جمیع هوام نافع است.

۴. در بیان ادویه مرکبی که برای این منظور مفید است.

۵. در علاج خاص بجهت کسی که او را حیوان معلومی گزیده.

۶. در بیان ادویه بجهت اشخاصی که حیوانات آنها را گزیده‌اند و ذکر خواص آنها.

---

[1]. منسوب به مثرودیطوس ششم حاکم مملکت Pontus واقع در کنار دریای سیاه که از سنه ۱۳۱ تا ۶۳ قبل از میلاد بر ان نواحی حکومت داشته است.

نوع دوم– در باب اشخاص مسموم مشتمل بر چهار فصل از این قرار:

۱. در بیان کیفیت تحفظ از سموم.

۲. در بیان تدبیر کسی که سم خورده.

۳. در بیان ادویه مفرد و مرکبی که عموماً بحال اشخاص مسموم نافع است.

۴. در تدبیر کسی که می‌داند چه سمی خورده.

این کتاب را موسی بن تبون و زرحیاحن هر کدام علی حده بزبان عبری و آرمانگود آنرا تحت عنوان De venenis بزبان لاتین و در این اواخر L. M. Rabbinowicz بزبان فرانسه و M.steinschneider بزبان آلمانی ترجمه کرده‌اند(مراجعه شود به آنچه در این خصوص در ذیل مقالهٔ فی تدبیر الصحهٔ در این کتاب نوشته‌ایم)، و از آن یک نسخه نیز جزو مجموعه شماره ۸۸۹ مورّخه ۱۵ ربیع الاوّل سنه ۷۱۲ در اسکوریال محفوظ است(این نسخه را در همان کتابخانه ملاحظه و مطالعه نموده‌ام).

آغاز: «بسمله قال الشیخ الرئیس ابوعمران موسی بن عبدالله القرطبی الاسرائیلی قد شهر فی اعصارنا و فی اقلیمنا هذا بل فی عدهٔ اقالیم الخ».

انجام: «قد راه المملوک کافیا بحسب الامر الذی امر به و لعله وافق الغرض ان شاءالله تعالی تم الکتاب».

نسخ درشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر روز شنبه پنجم محرم سنه ۶۹۰(هشتاد و نه سال بعد از فوت مؤلف)، کاغذ نخودی بغدادی، عناوین به سیاهی، دو روق از اواسط نسخه نونویس(قرن ۱۲)، جلد مقوا رویه پارچه، ۱۹س، ۱۸گ ۱۶×۲۴، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۴۳۳

مقالهٔ فی الفصد

(۵۰۹۴)

(عربی)

رساله‌ای است مشتمل بر ده باب از تألیفات امین الدّوله ابوالحسن هبهٔ الله بن ابی العلا صاعد بن ابراهیم معروف به ابن التلمیذ متوفی در ۲۲ ربیع الاول سنه ۵۰۶ طبیب المستضئ بامرالله خلیفه عباسی و از جمله اطبای بیمارستان عضدی و صاحب ملحض کتاب الحاوی تألیف رازی و حاشیه کتاب مائهٔ تألیف ابوسهل مسیحی و چندین کتاب دیگر که اسامی همه آنها ضمن ترجمه مفصّل احوال و اشعار او در عیون الانباء مسطور است(تحت عنوان امین الدولهٔ بن التلمید).

فهرست عناوین ابواب

الباب الاول– فی حد الفصد.

الباب الثانی– فی الاغراض المقصودهٔ بالفصد.

الباب الثالث– فی کیفیهٔ الفصد فی الجمله و کیفیته لفصد الشرائین.

الباب الرابع– فی منافع الفصد و کیفیهٔ الرباط الاول و الثانی.

الباب الخامس– فی عدد العروق المقصودهٔ علی الاکثر و کیفیهٔ فصد کل واحد منها[1].

الباب السادس– فی ذکر العلل الذی یفصد لها کل واحد من هذه العروق.

الباب السابع– فی العلل التی ینفع منها الفصد.

الباب الثامن– فی العلل التی تضربها الفصد.

[1]. اوراق این باب از نسخه ساقط است.

الباب التاسع – فی استدراک خطا الفاصد.

الباب العاشر – فی الشروط الماخوذة علی الفاصد.

آغاز: «بسمله مقالة فی الفصد و هی عشرة ابواب... الفصد هو تفرق اتصال ارادی[خاص] یتبعه استفراغ کلی من العروق».

انجام: «التی هی اوفی من جمیع ما رغبناه فیه و السلم تمت المقالة».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هفتم، کاغذ نخودی بغدادی، عناوین ابواب بسیاهی، جلد مقوا رویه پارچه، ۱۵س، بیاضی ۱۳گ ۱۳×۲۰، اندازه مسطر ۸/۲×۱۶/۵، در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۱۵، ۱۱۲۵، ۱۱۵۱، ۱۱۹۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹ و ۱۲۹۰ داخل عرض شده، وقفی نادرشاه در سنه ۱۱۴۵،(تعداد کتب خطی وقفی او هفتصد نسخه است که از اصفهان باینجا ارسال نموده).

۴۳۴

مقالة فی الفصد

(۵۰۹۱)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ حنائی آهاری، عناوین بشنجرف، جلد مقوا با رویه پارچه و عطف و گوشه تیماج، ۱۷س، ۱۰گ ۱۳×۲۰/۵، وقفی نادرشاه.

۴۳۵

مقالة فی المرة السودا و علاجها

(۵۲۲۲)

(عربی)

وجیزه‌ای است در بیان مره سودا و اصناف آن در یک مقاله از تألیفات ابوزکریا یوحنا بن ماسویه[1] از اطبای نسطوری و نقله معروف کتب علمی سریانی به عربی در عهد هارون الرشید و خلفای بعد از او تا المتوکل. مولد او گندیشاپور[2] بود و پس از تلقی فنون طب در محضر جبرائیل بن بختیشوع و نظراء او از مشاهیر اطبای عصر در سنین جوانی به ریاست بیمارستان آنجا رسید و بعد از آن در عهد مأمون ریاست بیت الحکمه که مهم‌ترین مرکز تألیف و ترجمه کتب علمی در آن روزگار بود بعهده او مفوّض گشت و در آنجا به تربیت و ارشاد و تعلیم مشغول شد تا این که به عهد متوکل در سامرا درگذشت(در روز دوشنبه چهارم جمادی الاخره سنه ۲۴۳). ترجمه احوال ابن ماسویه بتفصیل و اشباع تمام در نامه دانشوران(۴: ۶۱–۹۸) و اخبار الحکما(۳۸۰–۳۹۱) و عیون الانباء(۱: ۱۷۵–۱۸۳) مثبت است و بعضی از تألیفات او مطابق با نقل آنها عبارتست از کتاب البرهان در ۳۰ باب، کتاب فی الاغذیة، کتاب فی الاشربة، کتاب فی الجذام، کتاب فی ترکیب الادویة المستعملة، کتاب فی دخول الحمام و منافعها و مضرتها، کتاب السموم و علاجها، کتاب الازمنة، کتاب معرفة محنة الکحالین، کتاب دغل العین، کتاب محنة الطبیب، کتاب ماءالشعیر[3]، کتاب ترکیب خلق الانسان و اجزائه و عدد اعضائه و مفاصله و عظامه

---

[1]. در زبان لاتین Mesue Major، پدرش صیدلانی(داروفروش) و برادرش میخائیل طبیب مأمون بود.

[2]. یا چنان که در عربی معمول است جندیسابور که عبارت باشد از همان بیت لاپاط(بیت لاباط، بیت لافاط، بیت لافط در زبان آرامی) واقع در جنوب شرقی دزفول و شمال غربی شوشتر حالیه که مطران نشین و از مراکز مهم علمی و مجامع عمده علمای نصرانی و سریانی و هندی و ایرانی در عهد ساسانیان بود و خرابه‌های آن اکنون به شاه آباد معروف است(مدارس العراق قبل الاسلام تألیف رفائیل بابواسحق ۳۴، و بلدان الخلافة الشرقیة ۲۷۳).

[3]. این کتاب را در سنه ۱۹۳۹ و کتاب النوادر الطبیّه تألیف دیگر ابن ماسویه را در سال ۱۹۳۴ و کتاب جواهر الطیب المفردة ایضا تألیف همو را در سنه ۱۹۳۷ پاول سباط به طبع رسانید و کتاب الادویة او نیز در سال ۱۴۷۱ بزبان لاتینی در ونیز حلیه طبع آراسته شد.

و عروقه و معرفة اسباب الاوجاع، کتاب الابدال، کتاب المالیخولیا و اسبابها و علاماتها و علاجها، کتاب التشریح، کتاب تدبیر الاصحاء و غیره.

آغاز: «قال یوحنا انی سأذکر المرة السودا و فعلها فی البدن فاقول ان المرة السودا التی تسمی الخلط الاسود الخ».

انجام: «ثم تبقی ذلک الاحتراق بعد ترطیب البدن و تلیینه ان شاءالله تم القول فی المرة السودا».

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اول قرن پنجم(این نسخه و نسخه شماره ۵۲۱۴«تخلیص تذکرة فی افعال الادویة و اصلاحها» و نسخه شماره ۵۲۲۳«مقاله فی ان قوی النفس تابعة لمزاج البدن» هر سه بخط یک کاتب است و وصف اولی از این دو نسخه اخیر در حرف تاء گذشت و وصف دومی در موقع خود خواهد آمد ان شاءالله العزیز)، کاغذ حنائی، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۸/۵×۱۶/۳، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۹س، ۱۱گ ۱۳×۲۲، واقف میرزا رضا نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۳۶

مقالة فی انّ قوی النفس تابعة لمزاج[۱] البدن

De Simplicimbus temperamentis et facultatibus

(۵۲۲۳)

(عربی)

مختصری است در یک مقاله در معرفت اختلاف افعال و آلام ظاهری[۲] نفس در کودکان از تصانیف جالینوس برغامسی طبیب معروف که دران اقوال بقراط و افلاطون و ارسطو و حکمای رواقی را نیز نقل

---

[۱] . کاتب این کلمه را در حاشیه به «لامزجة» تصحیح نموده.

[۲] . مقصود از آلام عوارض و حالات نفس است.

کرده و ضمن تمثل به چند بیت نام او میروس[1](= هومر) شاعر نامی و سفو(= سافو)[2] شاعره مشـهور یونان را نیز برده است.

از این کتاب دو ترجمه بزبان سریانی و سه ترجمه بزبان عربی صورت گرفته است به این شرح:

الف) ترجمه ایوب الرهاوی معروف به ابرش بزبان سریانی.

ب) ترجمه حنین ابن اسحق به جهت سلمویه بن بنان ایضا بزبان سریانی.

ج) ترجمه حبیش به جهت ابوجعفر محمدبن موسی به عربی از روی ترجمه سریانی حنین.

د) ترجمه اصطفن بن بسیل که عبارت باشد از همین کتاب ما نحن فیه که آن را به جهت همان ابوجعفر محمدبن موسی بن شاکر از زبان یونانی به زبان عربی نقل نموده است و ما به لحاظ این که بعد از این در خصوص این ترجمه بقدر کفایت گفتگو خواهیم کرد(در حاشیه مربوط به بحث از ترجمه اصطفن بن بسیل از کتاب«الحشائش» در صفحه ۶۴۸) دیگر در این موضع آن مطالب را تکرار نمی‌کنیم.

هـ) ترجمه یوسف الخوری القس به زبان عربی که بعدها حنین آن را تهذیب و اصلاح کرد.

آغاز: «بسم الله الرّحمن الرحیم اللّهم وفق قال جالینوس انی لما فحصت و فتشت عن اتباع قوی النفس لمزاج البدن لامرهٔ و لا مرتین بل مراراً کثیرهٔ و لم اتفرد برأی فی النظر فی ذلـک بـل فعلتـه اولا مـع المودّبین لی و فعلته باخره مع قوم من الفلاسفهٔ الخ».

انجام موجود: «و لا ان یخبر و السبب شیء من المنافع و المضار التی تکون لنا».

---

[1]. مقطعاتی از اشعار او میروس که اصطفن بن یسیل از یونانی به عربی نقل نموده در صوان الحکمهٔ تألیف ابوسلیمان منطقی سجستانی مسطور است هر کس خواهد بدانجا مراجعه نماید(۱۹۴-۲۰۳).

[2]. Sappho(در لهجه آیولی که لهجه خود او بود Psappha) و در ادب یونانی لفظ«شاعر» و«شاعره» بقول مؤلف این کتاب مطرداً منصرف به این دو نفر بوده است چنان که گوید(f.۲b): -«و ذلک لان من عادهٔ الناس ان یسموا احیانا بعض الاشیا العالیهٔ فی جنسها باسم الجنس کلها کما اذا قلنا ان هذا القول من قول الشاعر و هذا من قول الشاعرهٔ فهمنا ان الشاعر الذی عنی هو اومیروس فان الشاعرهٔ سفّو(در حاشیه بخط کاتب: سانتقُوّ)».

بلافاصله پس از این عبارت که آخرین سطر ورق ۲۱ است در صفحه مقابل(f.۲۲a) کتـاب دیگـری شروع می‌شود که ادنی ربط مائی از حیث موضوع به کتاب سابق یعنی(مقالة فی انّ قوی النفس الـخ» ندارد و چنان که در صفحات بعد اشاره خواهیم کرد(در حاشیه مربوط به بحث از ترجمه اصطفن بن بسیل از کتاب«الحشائش» در صفحه ۶۴۸) به علّت نقص نسخه و سقط برخی اوراق و نداشتن عنوان بخصوصی نه فقط تا این زمان مجهول الاسم و المؤلف بوده بلکه کسی ابداً گمان نمی‌کرده اسـت کـه کتاب مستقل مجزّای علی حده‌ای باشد. بهرحال این کتاب همان کتاب معروف موسوم به:

فینکس

ایضا تألیف جالینوس و فی الواقع فهرست مصنّفات اوست که ایوب الرهاوی آن را بزبان سریانی نقل کرد و بعد از او حنین دو ترجمه از ان به عمل آورد یکی به جهت داود المتطبب ایضا به همان زبان و دیگری به جهت محمدبن موسی به عربی و برای تتمیم اسامی مصنّفات جالینوس مقاله دوم را نیز مذیّل به مقاله مختصری به زبان سریانی نمود و مشتمل است اصلاً بر دو جزو یا دو مقاله[۱]: الفیـنکس الاوّل حاوی اسامی تألیفات طبی و الفینکس الثانی مشتمل بر ذکر اسماء کتب و تصانیف منطقی و بلاغـی و نحوی او تحت عناوین مذکور در ذیل بطبق این نسخه که اوراق اوّل و آخر آن افتاده و شامل فقط هفده ورق است:

ذکر موضوعات فینکس اوّل

....

– ذکر ما یلزم النظر فیه قبل النظر فی حیلة البرء.

---

[۱]. در وینانی tmema بمعنی فصل و بخش و جزو و قسمت و امثال آنها و در لاتینی liber, libri.

- ذکر ما وضعته من الکتب فی العلاج، (از اینجا به بعد آغاز عناوین را نیز به لحاظ فواید تاریخی نقل می‌کنیم هر چند ابن ابی اصیبعه هم بتفصیل بیشتری نقل نموده).

آغاز: «وضعت اربعۀ عشر مقالۀ بینت فیها طریق علاج الامراض و سمیتها حیلۀ البرء».

- ذکر ما وضعت من الکتب مما دفع الیّ عند رجوعی من رومیۀ الی بلادی.

آغاز: «کان رجوعی من رومیۀ الی بلادی و قداتی علیّ سبع و ثلثون سنۀ و دفعت الی ثلاث کتب من قبل مصیری من برغامیس[1] الی اسمرنی[2] لمکان بالیس الطبیب و ایثالس الفیلسوف الافلاطونی».

- ذکر ما وضعته من الکتب بعد ذلک.

آغاز: «لما رجعت من مدینۀ رومیۀ عزمت علی المقام فی مدینتی فاذا بکتب قد وردت من اقولیا[3] من الملکین[4] یامران باشخاصی لانهما کانا قد عزما علی ان یشتوا باقولیاثم یغزوا اهل جرمانیا الخ».

- ذکر ما وضعته من الکتب فی التشریح.

آغاز: «اول هذه الکتب کتاب فی التشریح العظام وضعته للمتعلمین».[5]

- تذکرۀ الکتب التی بینت فیها ما ظهر فی التشریح من افعال الاعضاء و منافعها.

آغاز: «فقد ذکرت انفا انی ذکرت(در حاشیه بخط کاتب: وضعت) ثلث مقالات فی حرکۀ الصدر و الرئۀ».

- ذکر ما وضعت من الکتب فی تقدمۀ المعرفۀ».[6]

---

[1]. Pergamos(Pergamus, Pergamum, Pergamon).

[2]. Smyrna(از میر حالیه).

[3]. Aquileia از بلاد ایتالیا نزدیک دریای آدریاتیک.

[4]. مقصود از دو پادشاه مارکوس اورلیوس آنتونینوس(۱۲۱-۱۸۰م.) امپراطور رواقی مذهب روم و مؤلف کتاب اندیشه‌های من و برادر خوانده‌اش وروس(لوسیوس وروس اوگستوس) است که از سال ۱۶۱ بعد از میلاد تا ۱۶۹ که سال فوت اوست با امپراطور در سلطنت سهیم بود.

[5]. De ossibus ad tirones.

[6]. Prognosis.

آغاز: «اولها الذی ینبغی ان یبدا بقرائة منها ثلاث مقالات فی ایام البحران[1] و ثلث مقالات فی البحران[2]».

– ذکر ما وضعتمن تفسیر کتب ابقراط.

آغاز: «لم اکن اظن ان شیئا مما دفعته الی اخوانی من تفسیر کتب ابقراط ولا(کذا و ظاهراً زائد است) من غیر ذلک ینتشر فی ایدی کثیر من الناس و لا کان وضعی ایاها الا لاروض نفسی بها کما فعلت فی کل نحو من انحا الطب».

– ذکر الکتب التی نحوت فیها نحو ارشیسطراطس.[3]

آغاز: «فسرت المقالة الاولی من کتاب ارسسطراطس فی الحمیات فی ثلث مقالات و فسرت المقالة لثانیة الخ».

– ذکر ما نحوت فیه نحو اسقلیبیادس.[4]

آغاز: «وضعت ثمانی مقالات فی آرا اسقلیبیادس و مقالة صغیرة».

– ذکر ما نحوت به من الکتب نحو اصحاب التجارب».

آغاز: «فسرت مدخل ثاوراس فی خمس مقالات و کتاب مدخل منوروطس احدی عشر مقالة».

در آخر این مبحث فینکس اوّل باین عبارت خاتمه می‌یابد: «تم الفینکس الاوّل و یتلوه الثانی و لله المنة».

الفینکس الثانی[1]

---

[1]. De diebus decretoriis.

[2]. De crisibus.

[3]. Erasistratos طبیب قرن سوم قبل از میلاد و مؤسس مدرسه پزشکی اسکندریه.

[4]. مقصود اسقلیبیاس بیثینیائی(۱۲۴–۴۰ قبل از میلاد) مؤسس حوزه پزشکی رم است.

– ذکر ما یحتاج الیه من الکتب فی علم البرهان.

آغاز: «لما رأیت جمیع الناس اذا ناظروا الخ».

این فینکس پس از چهار ورق ناگهان قطع می‌شود و نسخه به دو ورق از کتابی در طب(ظاهراً متعلق به نسخه شماره ۵۲۱۴ بخط کاتب همین نسخه و نسخه شماره ۵۲۲۲، هر دو مذکور در همین کتاب اوّلی به عنوان«تلخیص تذکرهٔ فی افعال الادویهٔ و اصلاحها» و دومی تحت عنوان«مقالهٔ فی المرهٔ السودا») خاتمه می‌یابد.

آغاز موجود: «فی تلخیص البول من الدم و مقالهٔ فی منفعهٔ النبض و مقالهٔ فی منفعهٔ التنفّس و مقالهٔ بنیت فیها ان فی الشریانات دم بالطبع و مقالهٔ فی قوی الادویهٔ المسهلهٔ و وضعت ایضا کتابا بنیت فیه کلما یحتاج الی عمله من امر قوی النفس الناطقهٔ».

انجام موجود: «و مقالهٔ بحثت فیها هل ینقطع النظر فی امر الطبایع عند اصلاح».[2]

نسخ کهن، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اول قرن پنجم، کاغذ حنائی، نسخه مقابله شده و محشی بخط کاتب و بعضی حواشی منقول از اصطفن، عناوین بشنگرف، اندازه مسطر ۸/۵×۱۶/۳، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۹س، ۴۰گ(۲+۱۷+۲۱)، ۱۳×۲۲، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۳۷

---

[1]. نام«مقالهٔ فی ان قوی النفس» الخ را جالینوس در همین فینکس ثانی آورده است، گوید: –«و ثمانی مقالات فیها جوامع مناظرات افلاطن و ثلث مقالات فی اجزاء النفس و قواها زعم فیه ان الاشیا المکونهٔ صوره عندالخالق من قبل کونها فهذا معناه فی الصور و مقالهٔ بینت فیها ان قوی النفس تتبع امزجهٔ البدن و قد ذکرت انفا انی وضعت عشرهٔ مقالات فی اتفاق اراء، افلاطن و ابقراط و مما نحوت فیه نحو فلسفهٔ ارسطاطالیس ثلث مقالات فسرت فیها کتابه فی المقدمات المسمی باری ارمیناس الخ».

[2]. انجام موجود دو ورق اخیر که گفتیم متعلق به کتاب فینکس نیست: «ان کان الضعف من الحار کالکافور و الصندل و الورد و البنفسج و اللینوفر و کذلک فافصد لتقویه».

مقالة فی تدبیر الصحة

(۵۰۳۸)

(عربی)

کتابی است در خصوص اصول تغذیه و حفظ صحّت بدن مشتمل بر چهار فصل از تألیفات حکیم و فیلسوف و طبیب معروف اندلسی ابوعمران موسی بن میمون[۱] (در نسخه موسی بن عبیدالله) بن یوسف بن اسحق القرطبی الاسرائیلی(متولّد در سنه ۵۲۹ بقرطبه و متوفی در سال ۶۰۱ در قاهره و مدفون در طبریه) که آن را بنام الملک الافضل نورالدّین علی(متوفی ۶۲۲) فرزند صلاح الدّین ایوبی مشهور تألیف نموده است و به همین مناسبت نزد برخی(مثل کاتب همین نسخه) به افضلیّه نیز شهرت دارد(نظیر تألیف دیگر او موسوم به مقالة فی السّموم و التّحرز من الادویة القتالة که چون بنام القاضی الفاضل یعنی عبدالرّحیم بن علی البیسانی نوشته شده معروف به فاضلیّه است)، ولی ظنّ غالب آنست که افضلیّه نام کتاب دیگر او یعنی مقالة فی بیان الاعراض است که آن را نیز ابن میمون بجهت همان شخص یعنی الملک الافضل تألیف نموده.

این کتاب در سنه ۶۴۲ هجری بدست موسی بن تبون Tibbon از مشاهیر علمای یهود در فرانسه بزبان عبری ترجمه شد و ترجمه لاتینی آن یک بار در سنه ۶۸۹ بوسیله آرمانگو از روی اصل عربی[۲] و بار دیگر در اواسط همین قرن(قرن هفتم) بدست جیووانی دوکاپوا از روی متن عبری صورت گرفت،

---

[۱] . بقاعده تخفیف اسامی در زبان عبری وی در میان قوم یهود مشهور است به رمبام که مخفّف ربی موسی بن میمون باشد(نظیر رشی مخّفف ربی شلومو بن اسحق، و رمبان مخفّف ربی موسی بن نحمان)، مراجعه شود به جهت مزید اطلاع به مقاله چارلز سینگر در کتاب The legacy of Israel,p.۲۸۳.

[۲] . باین عنوان: De regimine sanitatis ad Sultanum Babyloniae.

و اصل عربی آن نیز باهتمام کرونر Kroner بضمیمه ترجمه و شـرح آن بزبـان المـانی در سـنوات ۱۹۲۴-۱۹۲۶ در مجله یانوس(ج۲۷-۲۹) بطبع رسید.

تألیفات ابن میمون متعدّد و در موضوعات مختلف فلسفی و دینی و طبّی و نجومی است و ما از بـاب مزید فایده اسامی برخی از آنها را ذیلاً درج می‌نمائیم: دلالة الحائرین[۱](کـه مخالفـان او آنـرا ضـلالة الحائرین می‌گفتند) در تطبیق فلسفه با دین یهود که آنرا بخط عبری و بزبان عربی بجهت شاگرد خود ابن شمعون یعنی ابو الحجاج یوسف بن اسحق(یوسف بن عقنین) تألیف نموده است. از این کتاب بـه اجازه مصنّف در سنه ۶۰۱ ترجمه‌ای به عبری بدست موسی بن تبون مذکور و بعد از آن تقریباً در همان اوقات ترجمه غیر متقنی بدست عالم دیگر یهود بنام حریزی ایضا بزبان عبری و بار دیگر در اواسط همان قرن ترجمه‌ای بزبان لاتین بعمل آمد، دیگر کتاب البعث است بزبان عربی که بدست ابن تبون به عبری ترجمه شد، دیگر مقاله فی التوحید که اسحق بن ناثان آنرا در اواسط قـرن هشـتم هجـری در میورقه از بلاد اندلس به عبری ترجمه کرد، دیگر کتاب الباه که آنرا بجهت الملک المظفر تقـی الـدّین ابوسعید عمر بن نورالدّین عمر ایوبی تألیف نموده و مطوّل آنرا زَرَحیاحن به عبری نقل کرده و کرونر سابق الذکر این ترجمه را بانضمام متن عربی و ترجمه آلمانی آن در کتاب طب در قرن دوازدهـم[۲] و ملخّص آن را با ترجمه آلمانی در سنه ۹۱۱ ایضا در مجله مذکور به طبع رسانیده است[۳]، دیگر کتاب فوق العاده معروف او موسوم به الفصول فی الطّب یا فصول قرطبی یا فصول موسـی[۴]کـه یـک مرتبـه

---

[۱]. Guide for the Perplexed, tr. By M.Friedlander, London, ۱۹۲۵.

[۲]. H.Kroner, Ein Beitrag zur geschichte der Medizin des XII. Jahrhunderts, Oberdorf. Bopfingen ۱۹۰۶.

[۳]. Eine medizinische Maimonides. Handschrift aus Granada, Janus XVI,۱۹۱۱.

[۴]. یک نسخه از این کتاب را جزو مجموعه‌ای تحت رقم ۸۶۸ در اسکوریال(اسپانیا) ملاحظه نموده‌ایم، [این کتابخانه که بنای آن در ۱۵۶۳ شروع و در ۱۵۸۴ تمام شد واقع است در ۴۵ کیلومتری شمال غرب مادرید در دیر سلطنتی سان لورنزو El Real Monasterio de San

بدست زَرَحیا بن اسحق بن شلتیل حن و بار دیگر بدست ناثان هامئتی[1] به زبان عبری و بعد باهتمام دیگران بزبان لاتین ترجمه و نقل شد، و آن مشتمل است بر پانصد فصل یا گفتار مختصر و کوتاه از نمط فصول بقراط که اغلب و اکثر مطالب آن مأخوذ از کتب و تعالیم طبّی جالینوس است، دیگر از تألیفات ابن میمون مقاله فی البواسیر است که متن عربی آن را به حروف عبری بانضمام ترجمه آلمانی و تعلیقات و حواشی ایضا کرونر بطبع رسانید.[2] دیگر مقاله فی الربو است که ترجمه آن به زبان لاتین بدست آرمانگو بن بلز Armengaud fils de Blaise و ترجمه آن به عبری یک بار بوسیله سموئل بن بنونیست Samuel b. Benveniste ظاهراً از روی متن لاتینی و بار دیگر در قرن هشتم هجری بدست یشوعاصتبی Yosua Satibi از روی اصل عربی بعمل آمد، دیگر کتاب سابق الذکر او موسوم به مقالة فی السّموم و التحرز من الادویة القتالة است که یک نسخه از آن را در موقع خود درهمین کتاب مفصلاً توصیف و معرّفی نمودهایم و چنان که در آنجا نیز متذّکر شدهایم موسی بن تبون و زرحیاحن هر کدام آنرا علی حده بزبان عبری و آرمانگو آنرا تحت عنوان De venenis بزبان لاتین و L.M. Rabbinowitz بزبان فرانسه[3] و M. Steinschneider بزبان آلمانی ترجمه و نقل کرده-اند.[4] دیگر از کتابهای معروف ابن میمون مقاله فی بیان الاعراض است که چنان که گفتیم بنام الملک

Lorenzo del Escorial که در سنه ۱۶۷۱ مع الاسف دستخوش حریق شد و بیش از ۴۰۰۰ نسخه خطی و مبلغ کثیری از نسخ چاپی آن نابود و ضایع گردید و بعد از آن در حملات ناپلئون و همچنین در حوادثی که مابین سنوات ۱۸۲۰تا ۱۸۲۳ در اسپانیا بوقوع پیوست مبالغ کثیر دیگری نیز از کتب آنجا بکلی از بین رفت و اکنون تعداد کتب این کتابخانه بالغ است بر ۴۰۰۰ نسخه چاپی و ۴۶۵۲ نسخه خطی(۲۰۰۰ نسخه به زبان عربی از جمله المرشد فی الکحل تألیف محمدبن قسوم بن اسلم الغافقی باتصاویری از آلات جراحی چشم، و کتاب البدیع تألیف نصر بن حسن مرغینانی و کتاب المحاسن تألیف همو و لباب المحصل فی اصول الدین تألیف ابن خلدون و غیره) و ۲۰۰۰ نسخه به زبان لاتین و ۵۸۰ نسخه به زبان یونانی و ۷۲ نسخه به زبات عبری].

[1] . این شخص کتاب قانون ابن سینا را نیز در سنه ۱۲۷۹ میلادی بزبان عبری ترجمه نمود و این ترجمه در سنه ۹۲-۱۴۹۱ در ناپل بطبع رسید.

[2] . Kroner, Die Haemorrhoiden in der Medizin des XII und XIII. Jahrhunderts etc. Janus XVI. ۱۹۱۱.

[3] . Traite des poisons de Maimonides(nowelle reproduction photomecanique), Paris ۱۹۳۵.

[4] . Gifte und ihre Heilung von moses Maimonides, Virchows Archiv LV۱۱،۱۸۷۳.

الافضل تألیف شده و از آن در قرون وسطی ترجمه‌ای بزبان لاتین بعمل آمده و متن عربی آن به اهتمام کرونر به انضمام ترجمه و شرح آن بزبان آلمانی در مجلّه یانوس(ج۳۲، ۱۹۲۸) بطبع رسیده است.[۱] شرح بر فصول بقراط از تألیفات دیگر او را نیز ابن تبون به عبری نقل کرد.[۲]

تقسیمات و فصول چهارگانه کتاب بشرح زیر است:

الفصل الاوّل- فی تدبیر الصحۀ علی العموم.

الفصل الثانی- فی تدبیر المرضی علی العموم حیث لایوجد طبیب او حیث یوجد طبیب مقصر لا یوفق بعمله.

الفصل الثالث- فی تدبیر مولانا(یعنی الملک الافضل که به مالیخولیا مبتلا بود) علی الخصوص بحسب هذه الاغراض التی یشکوها.

الفصل الرابع- یشتمل علی فصول تجری مجری الوصایا النافعه علی العموم و الخصوص للاصحاء و المرضی فی کل زمان.

آغاز: «بسمله ورد علی المملوک الاصغر موسی بن عبیدالله الاسرائیلی القرطبی الامر الملک المولوی».

انجام: «و یدیم له الصحۀ ینیله غایۀ سعادۀ الدارین کما انال رغبته(کذا، صحیح: رعیته) و ممالیکه مکارم اخلاقه و جوده و کرمه و الحمدلله رب العالمین».

---

[۱] . مراجعه شود به: La science arabe et son role dans L'evolution scientifique mondiale, pp.۱۹۶-۷.

[۲] . مراجعه شود به جهت مزید اطلاع از احوال و اسامی تألیفات او به این مأخذ: The Legacy of Israel (مواضع مختلف) که امضاء و دستخط عبری ابن میمون را نیز طبع نموده(ص ۱۷۱)، و اخبار الحکماء قفطی(۳۱۷-۳۱۹) و مختصر الدول تألیف ابن العبری(۴۱۷-۴۱۸) که فوت او را ذیل حوادث سنه ۶۰۵ آورده، و عیون الانباء تألیف ابن ابی اصیبعه که می‌گوید فرزند موسی بن میمون موسوم به ابراهیم طبیب الملک الکامل محمدبن ابی بکر بن ایوب و از اطبای بیمارستان قاهره بود و من که در آنجا به طبابت اشتغال داشتم او را در سنه ۶۳۱ یا ۶۳۲ در قاهره دیدم، و ناگفته نماند که شرح اسماء العقار ابن میمون را(محفوظ در ایاصوفیه تحت رقم ۳۷۱۱) ماکس مایرهوف به زبان فرانسه ترجمه نموده و در قاهره بطبع رسانیده است.

نستعلیق، کاتب علی فهمی المتطبب، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ سمرقندی، ۱۵س، ۲۲گ ۱۶×۲۴،

جلد مقوا با رویه پارچه، واقف نادرشاه، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۴۳۸

مقالة فی خلق الانسان

(۵۱۴۹)

(عربی)

این همان کتاب است که سابق بر این ضمن توصیف یک نسخه از المغنی فی الطب بشماره ۵۱۳۶ نام آنرا جزو تألیفات ابوالحسن سعید بن هبة الله مذکور داشتیم و وصف آنرا باین موضع حواله نمودیم.

کتاب مشتمل است بر پنجاه باب بشرح زیر(موضوعات کتاب از عناوین ابواب آن بسهولت معلوم می-شود):

الباب الاول- فی العلة التی من اجلها جعلت الطبیعة نوع الانسان مقسوم بالذکر و الانثی.

الباب الثانی- فی صفة الات التناسل.

الباب الثالث- فی صفة الانثیین و اوعیة المنی.

الباب الرابع- الکلام فی هیئة الرحم و ذکر النقار و عدد الارحام.

الباب الخامس- فی اختلاف ارا القدما فی علة کون الذکور و الاناث.

الباب السادس- فی منافع الجماع للبدن.

الباب السابع- فی ذکر الوقت الموافق للجماع.

الباب الثامن- فی مضار الجماع للبدن.

الباب التاسع – فى ذكر الاسباب المانعه للباه.

الباب العاشر – فى العلامات الدالهٔ على صنف صنف من هذه الاصناف.

الباب الحادى عشر – فى مداواهٔ صنف صنف من هذه الاصناف.

الباب الثانى عشر – فى ذكر الاغذيهٔ المفردهٔ و المولفه الزائده فى الباه.

الباب الثالث عشر – فى ذكر الادويهٔ المفردهٔ و المركبهٔ الزائده فى الباه.

الباب الرابع عشر – فى علاج من ضعف من كثرهٔ الباه و فى ذكر الاشياء التى تمنع من كثرهٔ خروج المنى و سيلانه.

الباب الخامس عشر – فى ذكر الاسباب التى تقطع الباه.

الباب السادس عشر – فى تدبير البكر عند الافتضاض و فى ذكر الاسباب التى تعين على الحبل و فى تعديد الاسباب التى تمنع منه.

الباب السابع عشر – فى ذكر العلامات الدالهٔ على الحبل و فى ذكر الفروق التى بها تتميز بين الحمل الذكر و الحمل الانثى.

الباب الثامن عشر – فى ذكر الادويهٔ التى تسقط الطفل قبل ان يعظم و فى ذكر الادويهٔ التى تمنع من الحبل.

الباب التاسع عشر – فى ذكر آراء القدما فيما منه يتكون الجنين.

الباب العشرون – فى ذكر احوال النطفتين عند حصولها فى الرحم.

الباب الحادى و العشرون – فى خلقهٔ الجنين.

الباب الثانى و العشرون – فى علهٔ استدارهٔ الرأس و ما فيه من الدلايل و انفصال اطراف الجنين.

الباب الثالث و العشرون– فی ذکر منافع الشعر و الاظفار و الاسنان.

الباب الرابع و العشرون– فی ذکر الخلاف الذی بین القدما فی اول عضو یتکون من الجنین.

الباب الخامس و العشرون– فی ذکر الاوقات التی یستکمل فیها الجنین.

الباب السادس و العشرون– فی تدبیر الحامل و حفظ الجنین.

الباب السابع و العشرون– فی تسهیل الولادة و فی تدبیر النفسا.

الباب الثامن و العشرون– فی تعدید الاشیاء التی تعسر لاجلها الولادة.

الباب التاسع و العشرون– فی العلة التی من اجلها صار المولود لثمینة اشهر لا یعیش.

الباب الثلثون– فی تدبیر الطفل حین یولد و فی ذکر الافات العارضة له بعد خروجة.

الباب الحادی و الثلثون– فی علة شبه المولود باللذین اولدوهم و فی علة زیادة الاعضا و نقصانها و فی علة کبر المولود و صغره و اختلاف الوان البدن و جعودة الشعر و سباطته.

الباب الثانی و الثلثون– فی علاج الامراض العارضة للاطفال.

الباب الثالث و الثلثون– فی اختیار الظیر(؟) و اعتبار اللبن و فی ذکر الاشیا التی ندر اللبن و تزید فیه و فیما ینقصه و یقطعه.

الباب الرابع و الثلثون– فی تربیة الاطفال.

الباب الخامس و الثلثون– فی علة شباب الانسان و شیبه.

الباب السادس و الثلثون– فی العلة الموجبة لانتصاب قامة الانسان دون سایر الحیوانات و فی ذکر العلة التی من اجلها صار العمر الطبیعی للانسان مائة و عشرین سنة.

الباب السابع و الثلثون– فی عدد القوی المدبرة للانسان.

الباب الثامن و الثلثون– فی الجهۀ التی صدرت عنها کل واحدۀ من هذه النفوس.

الباب التاسع و الثلثون– فی ذکر الخلافات التی بین القدما فی اخلاق النفس.

الباب الاربعون– فی تحقیق الکلام فی العقل الهیولانی الموجود فی الانسان.

الباب الحادی و الاربعون– فی ذکر الخلافات الموجودۀ بین القدما فی مسکن القوۀ الفکریۀ.

الباب الثانی و الاربعون– فی جوهر العقل الهیولانی و هل هو محدث الجوهر او قدیم.

الباب الثالث و الاربعون– فی ذکر المراتب الموجودۀ للعقل الانسانی.

الباب الرابع و الاربعون– فی ذکر مذاهب الفلاسفۀ فی علم العقل للمعلومات.

الباب الخامس و الاربعون– فی السؤال عن وجود الشخص و فساده و ایهما اشرف.

الباب السادس و الاربعون– فی الفرق بین الروح و النّفس.

الباب السابع و الاربعون– فی البیانات الدالۀ علی بقا العقل بعد المفارقۀ لهذه الهیولی الکثیفۀ.

الباب الثامن و الاربعون– فی ذکر الصور العقلیۀ الحاصلۀ فی العقل الانسانی.

الباب التاسع و الاربعون– فی اللّلذۀ التی تصل الیها العقل الهیولانی بعد المفارقۀ.

الباب الخمسون– فی ذکر اقوال القدما فی التناسخ اعنی عود النفس.

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی له فی کل ما تاملته العیون و تفکرت فیه العـ[ـقول] دلیل...».

انجام: «و اذ قد ابینا علی غرض هذه المقالۀ فلیقطع الکلام فیها فی هذا الموضع و تتبع ذلک».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۵۰۹ یا احتمالاً ۵۹۰(تسع یا تسعین معلوم نیست زیرا که این کلمه در صحافی بریده شده و فقط دو حرف اول آن باقیست)، کاغذ نخودی بغدادی، ابواب و عناوین بسیاهی و

بر روی آن بشنجرف، مختلف السطور، ۱۴۵گ ۱۴×۱۹/۱، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۴۳۹

مقطّعات فواید الاخیار

(۲۳۰۲۹)

(فارسی)

منظومه یوسفی است در موضوعات مختلف طبی در بحور گوناگون که آنرا در سنه ۹۱۳(مطابق با لفظ فواید اخیار) سروده و این نسخه ناقص الاخر است(نسخه کامل آنرا ذیل زادالمسافرین– ۱۰۳۱۱ تحت رقم ۴ معرفی نموده‌ایم).

آغاز: «بسمله

بدان چون که گفتی سپاس و درود   که در فن طب است این قطعها

انجام موجود:

ز صحت ندانم چه سان برخوری   که انگور و کله بهم در خوری

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ حنائی، ۱۲س، ۱۴گ ۱۱×۱۷/۵، جلد تیماج مشکی ساده، وقفی عبدالباقی آیت اللهی در اسفند ۱۳۷۴.

۴۴۰

منافع افضلیه

(۷۵۲۱)

(فارسی)

کتابی است مشتمل بر فاتحه و سی منفعت و خاتمه از علی افضل بن محمد امین قزوینی مشتهر به قاطع که آن را در سنه ۱۰۵۱(مطابق با لفظ غنا) بجهت یکی از دوستان خود موسوم به غیاث الدّین علی تألیف نموده است.

فهرست مطالب و موضوعات

فاتحه– در آنچه قبل از معالجه واجب است، در ۱۵ امر.

منفعت اوّل– در کیفیت معالجه، (در بیان امور عشره که دلالت دارد بر وجوب استفراغ و امور خمسه).

منفعت دوم– در اسباب تولد خون و علامات استیلای آن و طرق اخراج آن.

منفعت سوم– در انچه دانستن و رعایت آن در صفت مسهلات و ترتیب ادویه مسهله واجبست.

منفعت چهارم– در اسباب تولد صفرا و علامات غلبه آن و نضج و استفراغ آن و تبدیل مزاج بعد از استفراغ و درین منفعت نضجات و مسهلات صفرا از مفرده و مرکبه از انواع مطبوخات و نقوعات و حقنها مذکور میگردد.

منفعت پنجم– در اسباب تولد بلغم و علامات غلبه آن و نضج و استفراغ و تبدیل مزاج و نسخه ایارج فیقرا و حنّی که قائم مقام ایارجات کبار است.

منفعت ششم– در اسباب تولد سودا و علامات کثیره آن الخ.

منفعت هفتم– در منضجات ومسهلاتی که زیاده بر یک خلط استفراغ می‌کنند از مفرده و مرکبه.

منفعت هشتم– در قتل و اخراج انواع دیدان.

منفعت نهم– در بیان بعضی عوارضی که بعضی از شاربان مسهل را عارض می‌شود.

منفعت دهم- در کیفیت اختیار و استعمال ماء الجبن و انواع آن و استعمال پادزهر و کیفیت استعمال حد دارو بتریاق فاروق و شمه از امتحان تریاق و ایارجات کبار و ترتیب خوردن حب سیماب.

منفعت یازدهم- در اسباب تولد ریاح و علامات غلبه آن و کسر و تحلیل آن.

منفعت دوازدهم- در اسباب تولد سدّه و علامات حدوث و بیان مفتحات آن از مفرده و مرکّبه.

منفعت سیزدهم- در کیفیت مداوای اسهال و تفرقه میان اسهال کبدی و معدی و بیان ادویه حابسه از مفرده و مرکبه.

منفعت چهاردهم- در ادرار بول و حیض و نفاس و بخورات مدرّۀ.

منفعت پانزدهم- در حوابس بول و حیض از مفرده و مرکبه.

منفعت شانزدهم- مسکنات اوجاع عموما و خصوصا از فرق تا قدم از مفرده و مرکبه.

منفعت هفدم- در ادویه قلبیه و دماغیه از مفرده و مرکبه.

منفعت هجدهم- در ادویه کبدیه.

منفعت نوزدهم- در ادویه معدیه.

منفعت بیستم- در ادویه صدر و آلات تنفس از مفرده و مرکبه.

منفعت بیست و یکم- در مقویات و منقصات.

منفعت بیست و دوم- در آنچه متعلق بمعالجه حمیات یومیه و عفنه است از مفرده و مرکبه.

منفعت بیست و سوم- در ذکر اعراضی که عروض آنها در حمیات خصوصا حاره صعب می‌باشد و تدارک آنها، (بیست و سه عرض است: قشعریره، صداع، عرق، رعاف، قی، اسهال، تشنگی مفرط الخ)

منفعت بیست و چهارم- در تدبیر یا مهین(کذا) و بیان قرض مشتهی.

منفعت بیست و پنجم– در آنچه متعلق است بمعالجه اورام و بثور و جراحت.

منفعت بیست و ششم– در بیان کیفیت و مضرت و اصلاح بعضی از ادویه و اغذیه بترتیب حروف تهجی.

منفعت بیست و هفتم– در معرفت بعضی ادویه شریفه و تفرقه میان نیک و بد ان و بیان بدل آنها وقتی که موجود نباشد و بیان کیفیت ترک افیون بعد از اعتیاد.

منفعت بیست و هشتم– در مداوای بعضی از سموم مشروبه و گزیدن جانوران زهردار.

منفعت بیست و نهم– در بیان بعضی از اوزان مشهوره که در کتب طبیه بیشتر مذکور می‌گردد.

منفعت سی‌ام– در بیان بعضی فواید نجومیه که معرفت آن مر طبیعت را از مستحبات قریبهٔ الوجوبست.

خاتمه– در بیان بعضی از فوائد متفرقه مشتمل بر دوازده مطلب:

– در بیان بعضی از خطایای ممرضه و تدارک آنها.

– در بیان تغییرات بعضی از امور و احوال طبیعیه و تدارک آنها.

– در ذکر اعراض و امراضی که مقدمات امراض اصعبند و مداوای آنها.

– در بیان مقدمات سفریه.

– در لوازم سفر و آنچه معرفت آن مسافر را ضروریست.

– در تدابیر اوقات حاره و تدبیر سموم.

– در تدابیر اوقات بارده.

– در متعلقات سفر بحر.

– در ادعیه متعلقه به سفر.

– در کیفیت محافظت مرکوب و مداوای بعضی از امراض کثیرة الوقوع آن(منتخب از کتاب بیطـره کـه والد صاحب بعربی تألیف نموده).

– در بیان بعضی از ادویه منقوله از حضرات ائمه صلوات الله علیهم اجمعین.

– در ذکر بعضی از ادعیه مأثوره منقوله از ائمه در ازاله امراض مستعینا بالکرام الفیاض.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد چنین گوید اقل الاقل... که این رسالهایست مشتمل بر بعضی امور نافعه».

انجام موجود: «بناشتا بنوش سه روز متـوالی کـه نـافع و مجربسـت». (تـا اواخـر کیفیـت محافظـت مرکوب[مطلب دهم از خاتمه] را بیشتر ندارد.

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهـم، کاغـذ نخـودی، ۲۸–۳۰س، ۵۰گ ۱۹×۲۸، جلد تیماج فرنگی، خریداری آستان قدس در مهرماه ۱۳۲۹.

۴۴۱

منافع و خواص اشیا(رساله در بیان...)

(۵۰۹۸)

(فارسی)

مختصری است از شاهقلی بن حمزه سلطان استاجلو در بیان معانی و خواص و منافع و طبیعت اشیا از نبات و حیوان و غیره.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد بدان که در علم حکمت کتب بسیار است و مطالعه آن استوار(کذا) و منافع آن بی‌شمار).

انجام موجود: «اگر کسی تخم کرفس را بجوشاند و بر اماس شکم بندد بدید(کذا) شود».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین در متن و حاشیه بشنگرف، کاغذ نخودی آهاری، ۱۱س، ۵۳گ ۱۲×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف زین العابدین خادم اصفهانی، تـاریخ وقف رجب ۱۱۶۶.

۴۴۲

منبع الحیوة

(۲۵۸۱۴)

(فارسی)

تألیف محمدمهدی بن شاه کرم و بنام جعفر قلی خان است مشتمل بر مقدمه‌ای در بیان شرافت علم طب و شش منبع(هر منبع در چندین چشمه و مجری) و خاتمه‌ای در تداوی سموم.

نسخه صدرا ناقص است و ظاهراً یک ورق افتادگی دارد.

آغاز موجود: «برحمت و نسخه کامل الصناعهٔ قدرت بموجب خلق لکل داء دواء».

انجام: «که دل آزرده شوی ورنه سخن بسیار است و الحمدلله رب العالمین».

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، ۱۵س، ۱۲۵گ ۱۰×۱۶/۵، جلد تیماج مشکی، واقف زین الدین جعفر زاهدی، تاریخ وقف بهمن ۱۳۷۷.

۴۴۳

منتخب ادویه مفرده

(۵۲۲۴)

(فارسی)

انتخاب قسمت ادویه مفرده است از کتاب تحفهٔ المؤمنین تألیف حکیم محمد مؤمن گیلانی.

آغاز: «بسمله حرف الالف مع الالف آطریلال».

انجام: «اسم ترکی جزر است که بفارسی زردک نامند».

نستعلیق شکسته، کاتب محمد جعفر بن محمد نصیر الحسینی(بجهت آقا نصرالله عطار نوشته)، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، ۱۵س، ۱۳۸گ ۱۴/۵×۲۱، جلد تیماج ضربی، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۴۴

منتخب تحفهٔ المؤمنین

(۲۳۵۶۱)

(فارسی)

انتخاب محمدبن میرزا بابا آملی مازندرانی است ظاهراً از کتاب معروف تحفهٔ المؤمنین تألیف محمد مؤمن بن محمد زمان تنکابنی، و این نسخه مشتمل است بر قسم اول از دستورات آن در باب ادویه مفرده تا آخر کتاب.

آغاز: «بسمله قسم اول از دستورات... و آن مشتمل است بر پنج باب طریق الخ».

انجام: «طیور که بر آن نشینند پای بست گردند».

نستعلیق مخلوط به شکسته، کاتب محمدعلی ابن اسدالله الحسینی، تاریخ تحریر ۱۳ ذیقعده سنه ۱۲۷۰، عناوین به شنگرف، کاغذ نخودی فرنگی، جلد تیماج ضربی، ۱۸س، ۱۴۷گ ۱۱/۷×۲۱/۵، واقف شکر الله فقیه نیا، تاریخ وقف آذرماه ۱۳۷۵.

۴۴۵

منتهی الاغراض فی علم شفاء الامراض

یا:

نهایة الاغراض فی علم الامراض

(۸۷۵۳)

(عربی)

مشتمل است بر دو مجلّد و اصل آن چنان که محمد الهراوی در مقدّمه کتاب مسطور داشته تألیف معلّمین روسیه و سانسون است و بعد از افتتاح مدرسه طب در بیمارستان ابی زعبل در مصر یکی از مدرسین مدرسه مذکور موسوم به خواجه دفینیو آن را با برخی اضافات و تقدیم و تأخیر بعضی ابواب و حذف پاره‌ای عبارات بزبان لیتوانی ترجمه نمود و پس از او یوحنا عنحوری(حنین عنحوری) از مترجمین همان مدرسه در عصر محمد علی ترجمه او را بزبان عربی نقل کرد و بعد محمد الهراوی مذکور و علی افندی هیبه آن را باتفاق با اصل مطبوع فرانسوی مطابقه نمودند.

این نسخه از روی متن مطبوع در سنه ۱۲۵۰ در بولاق مصر استنساخ شده است.

آغاز: «بسمله سبحانک مبری الاکمهٔ و الابرص و محیی الموتی».

انجام: «خصوصا مع التنوع فی تدبیر المرضی هذا آخر کتاب نهایهٔ الاغراض فی علم الامـراض رابـع کتاب طبع من الکتب الجدیدهٔ المترجمهٔ بالمدرسهٔ المفیـدهٔ التـی انشـأها صـاحب السـعادهٔ بمارسـتان العسکریهٔ بابی زعبل لتکون محل الطب الخ».

نستعلیق خوش، کاتب زین العابدین بن محمد بن الزین(کذا) العابدین بن محمـد بـن حـاجی مهـدی قوچاین، تاریخ تحریر ۱۳۰۴، محل کتابت دارالخلافه ناصریه تهران، کاغذ شکری فرنگی، عناوین به شنگرف، جلد تیماج خرمایئ، ۲۲س، ۲۸۳گ ۱۹×۲۷، واقف خان بابا مشار، تاریخ وقف ۱۳۳۸

۴۴۶

منهاج البیان فی ما یستعمله الانسان

(۵۱۴۲)

(عربی)

کتابی است مبتنی بر اقوال مشاهیر اطبای متقدّم نظیر بقراط و دیسقوریدوس و روفس و جـالینوس و اوریباسیوس و فولس و حنین و اسحق بن حنین و زکریای رازی و علی بن عباس مجوسی و نظـراء ایشان در بیان خواص و منافع ادویه و اشربه و اغذیه مرکّب به ترتیب حروف تهجی(بدون ذکر اسماء عقاقیر و ادویه مفرده) از تألیفات معروف ابوعلی یحیی بن عیسی بن علی بن جزله متوفی در سنه ۴۹۳[1] ۴۹۳[1] از مشاهیر اطبای بغداد و از معارف اصحاب ابوالحسن سعید بن هبهٔ الله که ابتدا آئین عیسـوی داشت و بعد مسلمان شد. وی این کتاب را نیز مانند کتاب دیگر خود موسوم به تقویم الابدان فی تدبیر

[1] . ترجمه احوالش در وفیات الاعیان ۲: ۲۶۱ و عیون الانباء ۱: ۲۵۵، و مختصر الدول ۳۳۹ و اخبار الحکما ۲۳۹ موجود است و در این دو مأخذ اخیر تاریخ وفاتش را ۴۷۳ نوشته‌اند و آن نباید درست باشد.

الانسان[1] که زمانا مقدّم بر ان یعنی منهاج البیان است بجهت خلیفه عباسی المقتدی بامرالله تألیف نموده و در ابتدای آن جمیع مصطلحات و الفاظ معمول در بین اهل فن را از قبیل قوای ادویه(اوّل و ثانی و ثالث) و معتدل و سرد و گرم و تر و خشک و مراتب و درجات آنها و ملطّف و محلل و مخشن و مفتح و ملین و مصلب و منضج و مقطع و جاذب و دافع و طارد الریاح و لذاع و محمر و غیره و غیره تحت عنوان فصل مذکور داشته و آنها را شرح و تفسیر نموده است.[2]

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی ظهرت بدایع مصنوعاته و شهرت غرائب مبتدعاته».

انجام: «و هو حار یابس یسهل البلغم و قد استوفی ذکره و شرحه فی باب الیاء و لله الحمد و المنۀ».

این قصیده که به خطی مغایر و در قرن هفتم کتابت شده در ورق آخر نسخه مسطور است:

کر آدمی حجب از پیش دیده بردارد	یقین شود کاجلش[3] با امل چه سر دارد
بدین نعیم مزوّر کجا شود مغرور	هران دلی کی ز اسرار حق خبر دارد
برنک و بوی جهان غرّه عاقلان نشوند	که هست زهر ولی جاشنی شکر دارد
[جهان] نباشد منظور هوشیاری کو	برون ز حسّ نظر مطمحی دکر دارد
زادمی جه شماری بهیمه طبعی کو	[نظر به] عالم حسّی جوکاو و خر دارد
ره بقا جو نرفت از برای حشمت و مال	خریست کر جه بخروارها گهر دارد

[1] . چند نسخه از ان را در همین کتاب در موضع خود معرفی نمودهایم.

[2] . نسخ خطی این کتاب فراوان است و از ان یک نسخه بخط کرشونی(عربی بحروف سریانی) در دیر شرفه در لبنان(معجم المطبوعات العربیۀ ۶۴) و یک نسخه قدیمی در واتیکان تحت رقم ۳۷۴ عربی محفوظ است.

[3] . کذا، و لابد برای استقامت وزن همزه اجل را باید در تلفظ حذف کرد نظیر همزه اطفال در این بیت از غضائری:

بلی دو بدره دینار یافتم بتمام	حلال و پاک‌تر از شیر دایگان باطفال

و نظیر همزه ابرو در این بیت از دقیقی:

کمان بابلیان دیدم و طرازی تیر	که برکشیده بود بایروان تو ماند

کجا بحبل متین اعتصام جان جویذ		کسی که عروه وثقی ز سیم و زر دارد

بعن قریب شوذ نادم و ندارذ سود		هرانک بند خردمند مختصر دارد

ز روح قدسی و انسانی آکهیش مباذ		هرانک روح طبیعی جو جانور دارد

تو از سهام اجل ایمنی و بو یحیی[1]		مبارزان یک انداز کارکر دارد[2]

بکوش جان اکر این بند بشنوذ عاقل		دل از زمانه ناپایدار بردارد

نسخ، کاتب ابوالمظفر مسعود بن سعد الفرج المتطبب، تاریخ تحریر غره جمادی الاولی سنه ۶۲۰، کاغذ نخودی، جلد تیماج زرشکی با سجاف مشکی، عناوین ابواب و اسامی ادویه و اغذیه به شنگرف، ۳۳-۳۴س، ۹۹گ ۱۶/۵×۲۲/۵، وقفی آقا زین العابدین خادم اصفهانی در سنه ۱۱۶۶ هجری.

۴۴۷

منهاج البیان

(۵۱۴۳)

نسخه کامل است و افتتاح آن با نسخه قبل تفاوتی ندارد الاّ این که در اینجا نام خلیفه و القاب او نیز ذکر شده است.

---

[1] . کنیه ملک الموت، سنائی گوید: که از شمشیر بویحیی ندهد کس از احیا، (مراجعه شود ایضا به قطعه ثعالبی در رثاء صاحب بن عباد مسطور در یتیمۀ الدهر ۳: ۲۸۶)، و بمناسبت ذکر سنائی این مطلب همین الآن بیادم آمد که عرقلۀ الکلبی ابوالندی حسان بن نمیر را شعری است مذکور در خریدۀ القصر تألیف عماد کاتب اصفهانی(جزء اول ۱۸۴، طبع شکری فیصل) که در آن از سنائی بدین نحو یاد نموده است:

أیجمل أن اضام و درّ لفظی		احبّ من الغنی عند العناء

أمال العرب عن شعر التّهامی		و أغنی العجم عن شعر السّنائی

[2] . یک انداز(در اسرار التوحید بجای آن حکم انداز می‌گوید) تیر با تیراندازی را گویند که به یک بار انداختن خصم را از پای درآورد، اثیرالدّین اخسیکتی گوید:

کمان من نکشد دست و بازوی شروان		که تیر چرخ یک اندازی از کمان منست

و مجیرالدّین بیلقانی نیز گفته است:

باز در مغرب یک اندازان ز خون آفتاب		پروز دراعه افلاک گلگون کرده‌اند

نستعلیق، کاتب ملا جمال تبریزی ابومسلم خوان، تاریخ تحریر دوشنبه پنجم جمـادی الاول ۱۰۲۹، کاغذ حنائی، ۲۵س، ۱۹۵گ ۱۳/۵×۲۴، عناوین به شنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقـف زیـن العابدین خادم اصفهانی.

۴۴۸

منهاج البیان

(۵۱۴۵)

چند ورقی از ابتدای نسخه ساقط است.

آغاز موجود: «و ینفع من البواسیر و مقدار شربته... اهلیلج کابلی اجوده السمین».

نسخ، کاتب محمود بن ابوبکر بن عبدالرحیم الشیرازی الهاشمی، تاریخ تحریر جمعه چهـارم جمـادی الاول سنه ۸۳۹، محل تحریر جیرفت در مسجد رحمتی، کاغذ نخودی، عناوین به شـنگرف، ۱۹س، ۲۴۶گ ۱۴/۵×۲۱/۵، جلد تیماج زرشکی یک لا، واقف نادرشاه افشار، تاریخ وقف ۱۱۴۵.

۴۴۹

منهاج البیان

(۱۳۹۹۰)

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن هشتم، کاغذ نخودی، عناوین به شنجرف، دو صفحه آخر نونویس، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، ۱۹س، ۲۴۴گ ۱۶×۲۲، واقف فاضل خان، تاریخ وقف ۱۰۶۵.

۴۵۰

منهاج البیان

(۱۵۸۱۱)

چند ورق از آخر این نسخه ساقط است.

انجام موجود: «هو فیلوس هوخس الحمار و هو بارد رطب... و ما کانت هذه صفته یعدل الامزجـهٔ و یقوی».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنجرف، جلـد میشـن، ۲۱س، ۱۸۸گ ۱۳/۵× ۱۹/۵، خریداری آستان قدس در خرداد ۱۳۶۷.

۴۵۱

موجز قانون

(۸۹۸۰)

(عربی)

مختصر فوق العاده مشهوری است از تألیفات علاءالدّین علی بن ابی الحزم القرشـی معـروف بـه ابـن النفیس(متوفی در ذیقعده سنه ۶۸۷) که بر آن اثر کثرت اشتهار شروح چندی نوشته شده از جمله شرح برهان الدّین نفیس بن عوض کرمانی مذکور در صفحات قبل(ذیل حرف شین)، و مشتمل است بر چهار فن(هر فن منقسم بر دو سه جمله و هر جمله منقسم بر چمد جزء یا باب) باین شرح:

- فی قواعد جزئی الطب(علمیهٔ و علمیهٔ) بقول کلی.
- فی الادویهٔ و الاغذیهٔ المفردهٔ و المرکبهٔ.
- فی الامراض المختصهٔ بعضو عضو و اسبابها و علاماتها و معالجاتها.
- فی الامراض التی لا تختص بعضو دون عضو و اسبابها و علاماتها و معالجاتها.

آغاز: «بسمله حمدله... قد رتبت هذا الکتاب علی اربعهٔ فنون».

انجام: «و استعملوا دواء جالینوس».

نستعلیق، کاتب علی اکبر الطبیب بن ابی القاسم، تاریخ تحریر صفر ۱۲۶۴، محل کتابت شیراز، عناوین بشنگرف، کاغذ شکری آهار مهره، جلد تیماج زرشکی دورو، ۱۵س، ۱۶۶گ ۱۰×۱۵، واقف علی اصغر حکمت، تاریخ وقف مهرماه ۱۳۴۰.

۴۵۲

موجز قانون

(۱۲۷۷۷)

نسخه کامل است.

نستعلیق، کاتب میرخورد، تاریخ تحریر ۲۰ شوال ۱۰۳۸، عناوین بشنگرف، کاغذ نخودی، تخمیناً ۴۰ ورق اول نونویس، ۱۷س، ۱۶۰گ ۱۲/۵×۲۲، جلد تیماج دارچینی ضربی، واقف حسین کی استوان، تاریخ وقف آبان ۱۳۴۸.

۴۵۳

موجز قانون

(۵۲۲۵)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم(بخط مغایر محمدنصیر بن حاجی محمدرضا کلیجانی سنه ۱۰۰۹)، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۵س، ۱۵۷گ ۱۳×۱۹، جلد تیماج مشکی یک لا، وقفی میرزا رضا نائینی در مرداد ماه ۱۳۱۱.

۴۵۴

موجز قانون

(۵۱۵۲)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب ابن شمس الدین محمد(بقیه نام او سیاه شده)، تاریخ تحریر پنجشنبه ۱۷ رمضان ۱۱۰۲، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج عنابی، ۱۰ ورق اول کسر نویسی شده، بعضی اوراق معلق به حواشی، ۱۶س، ۱۸۰گ ۱۲/۵×۱۹، واقف همشیره خاتون، تاریخ وقف ۱۲۶۱هـق.

۴۵۵

موجز قانون

(۱۰۴۸۶)

این نسخه بقدر یک صفحه از آخر کسر دارد.

انجام موجود: «و قد عض کلب... فاکل بعضهم».

نستعلیق زشت، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن چهاردهم، کاغذ نخودی فرنگی، جلد تیماج ساده، ۲۱س، ۱۰۰گ ۱۶×۲۱، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

۴۵۶

موجز قانون[1]

(۲۲۷۲۴)

انجام موجود: «و کثرة الشرب و کثرة الجماع و کثرة الاستحمام».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازهم، عناوین بشنگرف، کاغذ حنائی، اوراق محشی، جلد تیماج دولا، ۲۳س، ۱۱۴گ ۱۲/۳×۲۴/۶، وقفی سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی در اسفند ۱۳۷۴.

۴۵۷

موجز قانون

(۵۲۲۶)

نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، عناوین در متن بشنگرف و در حاشیه بسیاهی، کاغذ نخودی، ۱۷س، ۱۵۵گ ۱۳×۱۹/۲، جلد تیماج، واقف حاج قائم مقام، تاریخ وقف بهمن ۱۳۱۶.

۴۵۸

موجز قانون

(۱۷۳۲۶)

نسخه کامل و مذیل است به وصیت رسول اکرم(ص) به ابی ذر و موضوعات دیگر.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۷۲، عناوین به سیاهی، کاغذ حنائی، ۲۱س، ۱۰۱گ ۱۷/۴×۲۱/۷، جلد تیماج مشکی یک لا، تاریخ انتقال به کتابخانه آذر ۱۳۶۸..

---

[1]. در«شناسنامه» کتاب و دفتر ثبت نسخ خطی این نسخه را سهواً الشامل معرفی نموده‌اند.

۴۵۹

موجز قانون

(۱۹۶۲۶)

نسخه کامل است.

نسخ خوش، کاتب محمد رفیع بن حاجی فتح الله قمی فراهـانی، تـاریخ تحریـر ۱۰۹۵، عنـاوین بـه شنگرف، کاغ حنائی، ۱۸س، ۱۹۶گ ۱۲×۲۰، جلد تیماج ضربی مستعمل، اهدائی مقام معظم رهبری در ۱۳۷۳.

۴۶۰

نافع الخلق

(۱۹۱۹۱)

(فارسی)

مختصری است در بیان طریقه مداوای برخی امراض از خواجه عبدالله تمکین مشهور به سید عبدالفتاح حکیم مؤلف کتاب تعلیم الصبیان(مذکور در این کتاب در حرف تاء تحت رقم ۵۰۶۸).

آغاز: «بسمله حمد له(بعد از سه سطر) بدان که علم طب علمیست باحث از احوال بدن انسان».

انجام: «فصد و قی و جمیع مستفرغات ممنوعِاند».

پس از آن چند ورق در بیان صفت معجون یاقوتی و نسخه‌های مختلف است.

نستعلیق، کاتب نامعلوم، ۴۴گ(بقیه مشخصات نسخه عیناً برابر است با نسخه تعلیم الصبیان مذکور در فوق که منضم به این کتاب است).

۴۶۱

النزهة المبهجة فی تشحیذ الاذهان و تعدیل الامزجة

(۱۴۴۰۶)

(عربی)

مؤلف آن شیخ داود انطاکی صاحب کتاب تذکرة اولی الالباب است(مذکور در موضع خود در حرف تاء) که آنرا در مقدمه و هشت باب و خاتمه بشرح زیر تألیف و بنام مولانا درویش چلبی بن مصطفی موشح نموده.

- فی کلیات صلاح الابدان و حد الطب و موضوعه.
- فی الاسباب و فیه ثمانیة فصول.
- فی احوال البدن، مشتمل بر هشت مبحث.
- فی العلامات الدالة علی احوال البدن، در چند فصل.
- فی القوانین و الوصایا و فقه ثلاثة فصول.
- فی الامراض الباطنة الخاصة بعضو عضو من الرأس الی القدم و فیه عشرة فصول.
- فی الامراض الظاهرة.
- فی الامراض التی لا تختص محلاً معینا.
- خاتمه، مشتمل علی امور مستلطفة و غرائب مستطرفه.

آغاز: «بسمله اللهم لا تسهل الا ما جعلته سهلاً».

انجام: «و فی هذا القدر کفایة».

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحری جمعه سلخ جمادی الثانی ۱۲۶۲، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین در متن و حاشیه بسرخی، ۲۲س، ۱۵۲گ ۱۷×۳۱، جلد تیماج مشکی، وقفی سید محمدباقر مولوی عربشاهی سبزواری، تاریخ وقف محرم ۱۴۰۵.

۴۶۲

نفایس الحکمه فی حفظ الصحّة

(۱۰۲۸۶)

(فارسی)

نام مؤلف چنان که در مقدّمه کتاب مسطور است ذوالنون است و آن مختصری است مشتمل بر مقدمه‌ای و چهار فصل بشرح مذکور در ذیل که بجهت شاهزاده‌ای که شاید مؤلف تأدبا نام او را نبرده تألیف شده است چنان که گوید:

خامه چون تحریر کرد این نامه مشکین طراز　　هر رقم کامد از آن شد جان و تن را چاره ساز

زان ببوسند و بچشم خود نهند اعیان که هست　　باعث این حضرت شهزاده سرفراز[1]

آن فلک قدری که باشد روز و شب چون مهر و ماه　　سروران ملک را بر درگهش روی نیاز

چون نسیم لطف اگر[2] بر باغ و بستان بگذارد　　سر نهد پیوسته در پایش چو سایه سرو ناز

راز خود پوشیده کی دارد فلک از رای او　　چون ندارد سر غیب از وی نهان دانای راز

مقدّمه کتاب مشتمل است بر دانستن صحّت و اقسام ان و آنچه بر طبیب لازم است در حفظ آن و فصول اربعه کتاب مشتمل است بر:

---

[1]. کذا، و وزن فاسد است.

[2]. ظاهراً: چون نسیم صبح اگر.

- معرفت اسباب ضروریه.

- تصرف و تدبیر در هر یک از اسباب ضروریه.

- تدبیر فصول اربعه.

- اجتناب از موانع و ارتکاب بمعاون آن.

آغاز: «بسمله اللهم انا نسألک علما نافعا نستحفظ به صحهٔ ابداننا فی دوام الازمنهٔ و الاوان و عملا صالحا نستعصم به سلامهٔ ادیاننا من خطرات العصیان و خطوات الشیطان».

انجام: «که در آب لیمو ریزند بکار دارند نافع بود».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم یا اوائل قرن دوازدهم، عناوین و جداول بشنگرف، اندازه جدول ۶/۲×۱۲/۵۳، کاغذ نخودی، ۱۴س، ۶۲گ ۱۱×۱۹/۵، جلد میشن با سجاف چرمی، خریداری آستان قدس در مرداد ماه ۱۳۴۹.

۴۶۳

نورالابصار

(۱۸۲۷۶)

(فارسی)

رساله‌ای است در بیان امراض چشم و طرق علاج آنها از موسی بن علی رضا ساوجی مطابق با اقوال جالینوس و متقدمین از اطبای اسلامی.

آغاز: «بسمله حمد له اما بعد چنین عرض میکند بنده روسیاه... که چون بعضی از مخادیم که این ذره بیمقدار در خدمت ایشان استفاده مینمودم».

انجام: «و سحق بلیغ نمایند تا چون غبار شود اکتحال نمایند».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر ۱۲۹۰، محل تحریر اردوی شاهرود بسطام، کاغذ حنائی فرنگی، ۱۶س، ۱۰۶گ ۱۳×۲۰/۸، جلد تیماج یک لا، واقف زین العابدین پیوندی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۱.

۴۶۴

نورالعیون

(۶۳۴۶)

(فارسی)

تألیف ابو روح محمّد بن منصور بن عبدالله بن محمّد الجرجانی معروف به زرین دست از کحّالان قرن پنجم هجری است[۱] و این نسخه که بسیار مغلوط و نامضبوط است از ابتدا بقدر نیم صفحه(یعنی از فصل الخطاب ببعد) افتادگی دارد و از مقالات دهگانه فقط شامل مقالات اوّل و دوم و سوم است تا تقریباً اواسط مقاله چهارم.

آغاز: «بسمله و ما توفیقی الا بالله الحمدلله رب العالمین... و لا عدوان الا علی الظالمین... اما بعد(افتادگی)».

انجام موجود: «قابض که خشک گرداند تری را چون».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، جای اکثر عناوین بیاض، کاغذ نباتی آهار مهره، ۱۲س، ۳۲۱گ ۱۲/۶×۱۹، جلد مقوا رویه پارچه، خریداری آستان قدس در اسفند ۱۳۱۸.

---

[۱] . مراجعه شود به«نور العیون» در ذیل الاغراض الطبیه و المباحث العلائیه تحت رقم ۵۱۵۹ در این کتاب و به لحاظ این که در آنجا یک نسخه دیگر از ان را به تفصیل واشباع تمام معرّفی نموده‌ایم در اینجا حاجتی به ذکر عناوین مقالات کتاب و ترجمه احوال مؤلف نیست.

نورالعیون

(۲۲۷۳۵)

این نسخه شروع می‌کند از ابتدای کتاب و ختم می‌کند به اواخر جواب سؤال ۲۰۰ از مقاله دوم.

آغاز: «بسمله حمد له(بعد از دو صفحه) اما بدانک اوّل این علم بزبان یونانی و سریانی بوذ تا بوقت بیغامبر ما صلی الله علیه و علی آله و سلم و زبان تازی عزیز گشت و از بعد بیغامبر همه خلقان از خلفا تازی کو بوذند و بفرموذند تا همه علومها از زبان سریانی و یونانی بزبان تازی باز کردند و درین وقت که من ازین کتاب ساختم بیشتر کسی بارسی و دری می‌گفتند و خذاوند این زمانه(یعنی ملکشاه سلجوقی) بارسی کو بوذ و دوست داشت و از همه علم خبر داشت بس درخواست از من که کتابی سازکی خلق را از آن فایده باشذ در طب و سخن در عضوی کوکی شریفتر است و دربایست‌تر و مردم بوی محتاج‌تر بس من دانستم کی غرض وی جشم است کی جشم جراغ جان است و نکاه بان تنست و هرکی را جشم نیست زنده نیست و من جون خواستم کی این کتاب سازم خواستم کی فرمان وی بجا آورم و نیز همه خلق را ازین نصیب دهم و از من یاذکار ماند خلق را بس اکر این کتاب بر عادت بر زبان تازی گفتمی آنکس کی تازی ندانستی بی‌بهره ماندی و دیکر بر اموزنده دشخوار بوذی که اول تازی ببایست آموختن و دیکر کتاب را ببارسی بیاموختن بس برین علم همه کس نرسیذی و از مراد بازماندی و من نیز از غرض خود بازماندمی که غرض من ان بوذ کی فایده ان بهمه خلق برسذ و جون نکاه کردم دیذم کی همه کسانی که بیش از من بوذند در طب سخن کفتند در جشم کمتر کفتند و حنین

ابن اسحق کتابی کرد مفرد در جشم ده مقالت در ترکیب و علاج و داذنداذه است و ابن ماسویه نیز کرده است اما الخ».

انجام موجود: «و این نتو را ابن الذباب خوانند و سیم نوع بار».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن هشتم(سیزده ورق اخیر نونویس)، عناوین به شـنگرف، کاغـذ نخودی، ۲۳–۲۵س، ۱۶۷گ ۱۶×۲۵، جلد تیماج مشکی ساده، واقف حاج سید عبدالباقی آیةٔ اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۶۶

وسائل الوصول الی مسائل الفصول

(۵۱۵۵)

(عربی)

ملخص فصول بقراط است از ابراهیم کشی مطابق با قول حاجی خلیفه در کشف الظنون.

آغاز: «بسمله اما بهد الحمدلله الذی جعل معرفته لمرض القلوب شفاء و خلق لکل داء دواء».

انجام: «من لحمه رطب جوّع لیجففه».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه اول قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، ۱۱س، ۱۷گ ۱۱/۵×۱۸، جلد مقوا با رویه پارچه، واقف آقا زین العابدین، تاریخ وقف ۱۱۶۶.

بخش دوم

بازنامه‌ها و فرس‌نامه‌ها، کشاورزی

گیاهان داروئی(حشائش)

۴۶۷

بازنامه

(۸۷۹۲)

(فارسی)

تألیف میر عرب نجفی از میرشکاران خان خانان در ملتان است[۱] در بیان طریقه نگهـداری و تربیـت شکره(مرغان شکاری) از چرغ و بحری و باز و شاهین و عقاب و غیره و ذکر امراض و طرق معالجه و مداوای آنها و مشتمل است بر چند مقاله و چندین باب که به لحاظ نفص و جابجائی اوراق این نسخه نمی‌توان فهرست جامع و مرتّبی از موضوعات مقالات و عناوین ابواب آن بدست داد، ولی آنچه موجود است مطابق با وضع فعلی نسخه بشرح زیر است:

- در بیان پراندن باز.
- در بیان صفت باشه.
- در بیان سپره و سرقو(؟).
- در بیان شناختن شاهین و گشاد کردن او.
- در بیان تربیت کردن بچه شاهین.
- در بیان برداشتن جانور چوجی.
- دربیان طلبیدن و طیار کردن شاهین چوچی.

[۱] . برادر او میرک نجفی و برادرزاده او نیز در همانجا شغل میرشکاری داشته‌اند.

- در بیان گذاریدن جانور خرد بجانور کلان.

- در بیان پرانیدن شاهین.

- در بیان بحری.

- در بیان پیدا شدن سنگ سنگ.

- در بیان گشاد کردن بحری.

- در بیان پرواز کردن بحری.

- در بیان گیرا کردن ترمتای.

- در بیان گیرا ساختن سنگ سنگ.

- در بیان اوصاف سنگ سنگ.

- در بیان صفت چرغ و گشاد کردن او.

- در بیان حالات چرغ.

- در بیان چرغ و آهو گیر ساختن او.

- در بیان پروازی کردن چرغیله.

- در بیان سر راست کردن چرغیله.

- در بیان گیرا ساختن چرغ.

- در صفت شاهباز.

- در بیان احکام و اعمال و امراض باز.

- در بیان قاعده اعراض.

- در بیان احکام و اعمال و امراض باز.

- در بیان آب دادن.

- قاعده و احکام باشه.

- در تدبیر باز چون او را رنج تخمه باشد.

مقاله اول- در سخن حکماء روم مشتمل بر بیست باب:

- در سخن کلی باز و ترتیب آن.

- در بیان آنکه باز را چگونه بر دست گیرند.

- در بیان آنکه باز را چگونه بپرانند.

- در بیان آنکه باز را از چه غذا سازند.

- در بیان آنکه جلاجل باز را در کدام موضع بندند.

- در بیان طعمه‌ها که از باز دور باید داشت.

- در بیان نشانهای رنجوری باز.

- در بیان نشانهای تن درستی باز.

- در بیان علاج کلی باز.

- در بیان تدبیر باز چون او را رنج تخمه باشد.

- در تدبیر باز چون او را ضیق مخرج باشد.

- در تدبیر باز چون خود را بسیار افشاند.

- در تدبیر باز چون او را رنج زکام باشد.

- چون او را کرم در شکم افتد.

- در تدبیر باز چون نفس بلند کشد.

- در تدبیر باز وقتی که او را سرمازده باشد.

- وقتی که در وی شپش افتد.

- وقتی که خواهند باز پرها را بیندازد.

- وقتی که آغاز پرانداختن کند.

مقاله دوم- در سخن حکماء ترک:

- در سخن کلی و تربیت باز و نگاه داشت او.

- در تدبیر باز وقتی که او را نو آورده باشند.

- در تدبیر باز چون جراحت در درون او باشد.

- وقتی که او را رنج سنگ ریزه باشد.

- در تدبیر باز چون او را رنج سبل باشد.

- در تدبیر وقتی که لاغر شود.

- در تدبیر وقتی که غذا خوردن او کم شود.

- در تدبیر وقتی که بال او سست شود.

- در تدبیر وقتی که او را زخم رسیده باشد.

- در تدبیر وقتی که خواهند قی کند.

- در تدبیر وقتی که آب دهن او بسیار رود.

– در تدبیر باز وقتی که شپش در وی افتد.

– در تدبیر وقتی که پای او آماس کند.

– در تدبیر وقتی که قوت او ضعیف شود.

– در تدبیر وقتی که از بینی او آب رود.

– در تدبیر وقتی که باز را از گرد و دود زحمت رسیده باشد.

– چون ضربه در چشم باز رسد.

– در تدبیر باز چون او را بشکار برند.

مقاله سوم– در سخن حکماء هند:

– در نشان تندرستی باز.

– در نشان تندرست شدن بعد از بیماری.

– چون در گرما او را بسفر برند.

– وقتی که اندرون او گرم شده باشد.

– در تدبیر فربه گردانیدن باز.

– وقتی که طعمه در قابضه او ماند.

– وقتی که او را رنج سبل باشد.

– وقتی که چشم باز آماس کند.

– در تدبیر وقتی که باز دم را بکند.

– در تدبیر وقتی که خود را بسیار افشاند.

– وقتی که دود بباز رسیده باشد.

– وقتی که در گلوی باز ریش پدید شود.

– وقتی که باز عطسه بسیار زند.

– وقتی که نفس از بینی زند.

– در تدبیر وقتی که ساور(کذا) بسیار کند.

– وقتی که در زبان و دهان او پر برآید.

– وقتی که از سینه او آواز برآید.

– وقتی که کفهای او آماس کند.

– وقتی که او را بلغم بسیار باشد.

– وقتی گوش او گران شده باشد.

– وقتی که شب کور شده باشد.

– وقتی که از چشم او اشک ریزد.

– وقتی که چنگال بیندازد.

– وقتی که در باز ناخنه پدید آید.

مقاله چهارم– در سخن حکمای فارس:

– در سخن کلی و تربیت باز.

– در تدبیر وقتی که رسیده و رمیده باشد.

– در وقتی که کاهل و ضعیف گردد.

– در تدبیر فربه گردانیدن باز.

– در تدبیر باز چون او را دردسر باشد.

– در تدبیر باز چون سرش آماس کند.

– در تدبیر باز چون زبان او خشک شود.

– در تدبیر باز چون کرم از دهان او بیرون آید.

– وقتی که از دهن و بینی او خون آید.

– چون او را رنج سبل باشد.

– در تدبیر وقتی که پرهای او بسیار افتد.

– وقتی که ضربه و صدمه به او رسیده باشد.

مقاله اول– در باز نمودن اجناس و انواع شکره مشتمل بر دو فصل:

– در باز نمودن شکره(اواخر این فصل وتمام فصل دوم از نسخه ساقط است).

آغاز موجود: «در بیان پراندن باز با دراج و بذور(کذا) می‌باید که در محل شکارگاه فرمایند که سوار تا پیاده».

انجام موجود: «اما از هر روز طعمه‌اش را کمتر دهند گوشت هر جانوری که باشد بآب تر کرده دهند».

نستعلیق هندی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۳س، ۹۹گ ۱۳×۲۰ بعضی اوراق وصالی شده، جلد مقوا عطف و گوشه چرم، خریداری آستان قدس در آذرماه ۱۳۳۸

۴۶۸

بازنامه

(۱۳۴۰۷)

(فارسی)

منظومه‌ای است مشتمل بر حدود ۴۷۰ بیت ببحر خفیف مخبون مقصور(وزن حدیقـۀ الحقیقـه سـنائی غزنوی) در بیان فنون بازداری و معرفت باز و تشخیص بیماریهای آن و نحوه علاج آنها در پنجـاه و پنج باب بتفصیل مذکور در زیر:

- در لوم جنس باز.
- در شناخت باز نیکو.
- در رمد باز و علاج او.
- در علاج آب آمدن دیده باز.
- در بیان زکام باز و علاج او.
- در گرفتن سر و دماغ باز.
- در صفت سُدّه باز.
- در صفت قصر باز.
- در علاج حص باز.
- اندر برهم زدگی سانق باز.
- در علاج کندن پر باز.
- در دفع حرارت باز.

- در دفع جوشش دهن باز.

- در دفع صرع باز.

- در دفع تنگی نفس باز.

- در علاج درد باز.

- در دفع باد حوصله باز.

- در دفع باد بال باز.

- در دفع باد پشت باز.

- در دفع باد و سستی پشت باز.

- در دفع باد بدن باز.

- در دفع باد منقار باز.

- در دفع قبض باز.

- در غبار چشم باز.

- در دفع درد جگر باز.

- در دفع کرمهای طعمه.

- در برهمخوردگی سانق باز.

- در علاج پرواز باز.

- در علاج کرم درونه باز.

- در دفع کرم معده باز.

- در دفع بواسیر باز.

- در شقاق پای باز.

- در دفع باد ران و ساق باز.

- در دفع آماس پای باز.

- در بستن عضو شکسته باز.

- در بیرون رفتن انگشت باز.

- در شپش افتادن بباز.

- در علاج پرافکندن باز.

- در علاج زخم باز.

- در علاج عاقلی باز.

- در علاج رد کردن طعمه باز.

- در دیر هضم شدن طعمه باز.

- در علاج سده باز.

- در علاج آماس باز.

- در رمیدن باز از صید.

- در علاج لاغری باز.

- در علاج پر گردانی باز.

- در علاج حص معده باز.

- در دفع آب آمدن از دیده باز.

- در علاج تخمه باز.

- در علاج حرص باز.

- در علاج سست پریدن باز.

- در طرز تولک بستن باز.

- در علاج پر ریخت نمودن باز.

- در علاج پرکور شدن باز.

نسخه از اخر بقدر یک ورق کسر دارد.

آغاز:

ابتدای سخن بنام اله — وحده لا اله الاّ الله

کردم اوّل ثنای حق آغاز — گفتم ای کار ساز بنده نواز

قادر و فاتحی و بی‌مانند — بی‌معین و نظیر و بی‌پیوند

انجام موجود:

جانور را دگر بدین دستور — طعمه سازش ز سینه عصفور

مغز پاچه از آن دریغ مدار — که بفرمان خالق جبّار

زو پر آید برون بروز[ی] چند — همچو باقی پر دراز و بلند

(۱-۳۰)

بلافاصله پس از آن منظومه کاتب مشهدی است در آداب و قواعد خوشنویسی در سه صفحه که آنرا در محرم سنه ۹۲۰ که ۸۴ ساله بوده سروده است.

آغاز: ای که خواهی که خوشنویس شوی   خلق را مونس و انیس شوی

خطه خط مقام خود سازی   عالمی پر زنام خود سازی الخ

انجام:

حق نگهدار عیب پوشان باد   بالنبی و آله الامجاد

بعد از آن رساله‌ای است به فارسی مسمی به:

تجربهٔ التجربه

تألیف محمدموسی بن رحمن قلی خان چنگیزی است ایضا در فنون بـازداری و تشـخیص علامـات بیماریهای باز که آنرا در سی باب بشرح مذکور در ذیل بجهت شاهزاده‌ای که اسمش را بطریق تعمیه آورده[1] نگاشته است.

فهرست ابواب و مطالب رساله

– در وقوف صیاد و گرفتن جوارح دامی و چگونه آنچه آشیانیست از آشیان برداشتن تا سلیم و صحیح بوده و از چه قرار محافظت[کردن] و طعمه‌دادن تا بزرگ گردد.

– در شناخت جره و توار و علامات خوبی و بدی هر یک از جوارح دو رنگ و غیره.

– بخصوص خوبی و بدی قزلقوش.

– در گرفتن و گشاد کردن باز و باقی جوارح تا بشکار درآوردن.

---

[1] . گوید (ورق ۳۴b):

امان یابی از قلب زراق دون   اگر چرخ اطلس کشد زیر خون

- طعمه دادن هر یکی از جوارح شکاری بشکار و غیر شکار.

- در گیرا کردن معراج شکار هر یکی از جوارح.

- در بیجا طپیدن جوارح بشکار و غیرشکار و جهت علاج آن.

- در خبردار بودن احوال و طعمه بردن جوارح و فواید آن.

- در فواید چاق نگه داشتن و تندرست بودن جوارح.

- درطعمه‌هائی که از صید بهر یکی از جوارح سازگار و ناسازگار است.

- در طریقه فتیل دادن.

- در قراقر شکم جوارح و علاج آن.

- در طریقه نمک دادن و معالجه مضرت نمک و فتیل.

- در اخثق ننمودن جوارح پر استخوان و فتیله را و سبب و علاج آن.

- در علت خستگی و انتهای این کوفت که زانق او کج گشته و علاج آن.

- درعلت لرزیدن جوارح و بعضی این کوفت را شوخ نامیده‌اند و سبب و علاج آن.

- در گرفتگی نفس و درد سر و گرفتگی دماغ و چشم پوشیدن جوارح و سبب علاج هر یک.

- در جوشش کام و زبان و گوش و پشت دماغ جوارح و این کوفتها را عاقل گویند و سبب و علاج آن.

- در طعمه بسیار خوردن جوارح و علاج آن.

- در گرم داشتن جوارح و پر خود را کندن و علاج آن.

- در گوشت برگردانیدن جوارح و سبب و علاج آن.

- در کاهش باز و باقی جوارح که خوره گداز گویند.

- در آماس کف پا و پشت پای جوارح و این کوفت را قداق گویند و شکستگی و از بند بیرون رفتن و علاج هر یک.

- در ناخوراک گشتن جوارح غیر تولک و سبب و علاج آن.

- در بادخوره افتادن منقار و چنگ و ناخن و پای خود را کندن جوارح و پنجه او سست گشته صید خود را خلاص کند.

- در شپش داشتن جوارح و سبب و علاج ان.

- در فواید جلاجل بستن بپای باز و باشه.

- در تولک بستن و هوای تولک خانه و طعمه دادن بهر یک از جوارح.

- بچه نحو از تولک برداشتن جوارح که بی‌آسیب بشکار درآید.

- در طریقه بشکار بردن هر یک از جوارح را بصید او از پله پراندن و بجا طبل نمودن و اگر بد فعلی و دور نموده و از نظر غایب[شده] بچه تدبیر بدست آوردن و در باب نصایح و میرشکاری واقف[شدن] و بعد شکار رفتن.

آغاز: «بسمله حمد و سپاس بی‌قیاس مر ملکی را سزاست که شاهباز بلند پرواز فکر عمیق اذکیـاء و شاهین با تمکین نظر دقیق عقلاء در بیداء عظمت و جلال«الخ».

انجام: «تا او آنچه داند اظهار و تعلیم دهد و الا آنچه داند». (از آخر یکی دو ورق کسر دارد).

(۳۴-۱۱۵)

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن یازدهم، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج دورویه، ۱۳س، ۱۱۵گ ۱۲×۱۸، واقف اسدالله علم، تاریخ وقف آبان ماه ۱۳۶۲.

۴۶۹

بازنامه

(۲۴۲۹۷)

نسخه کامل‌تری است از همان بازنامه منظوم مذکور سابق تحت رقم ۱۳۴۰۷ و از اواخر آن معلوم می‌-شود که تاریخ فراغ از نظم آن روز دوشنبه ۲۶ محرم سنه ۸۹۶ بوده است.

نسخه چند ورق از اوّل و ظاهراً بقدر یک صفحه نیز از آخر کسر دارد.

آغاز موجود:

گر شود در زمان ورا اسهال   نرم گردد طبیعتش فی الحال

انجام موجود:

چست بر جستم و وضو کردم   بدر بی‌نیاز رو کردم

بلافاصله بعد از آن رساله‌ای است ایضا به فارسی موسوم به شکار نامه که آنرا مطابق مسطورات بی‌-اساس مقدمه آن ابتدا بزرجمهر به دستور انوشروان بزبان پهلوی ترجمه کرد(نمی‌گوید از چه زبانی) و بعد از او وزیر«شهنشاه ابوالفوارس عبدالملک بن نوح»[1] آن را به فارسی نقل نمود و پس از ورود خلف

---

[1] . معلوم نیست مؤلف چه کسی را در نظر دارد ابوالفوارس عبدالملک اوّل بن نوح اوّل یا ابوالفوارس عبدالملک ثانی بن نوح ثانی را و تلقیب هر کدام از این دوامیر(یا اصلاً هر کدام از امرای سامانی) به لقب شهنشاه در تاریخ بکلّی نامعهود و بی‌سابقه و از مقوله مجعولات و موضوعات است و این سوای طفره‌ای است که مؤلف از ذکر نام وزیر رفته و ظاهراً اولین کس از حکّام و سلاطین اسلامی که این لقب را داشته عضدالدّوله دیلمی است. متنبّی در قصیده هائیه‌ای که در مدح او سروده گوید:

ابا شجاع بفارس عضدالــدولة فنّا خسرو شهنشاها

بن احمد[1] به بخارا همچنان در دست خلف بود تا دور پادشاهی به ملکشاه رسید و او به وزیر خویش خواجه نظام الملک فرمان داد تا استادان و مشاهیر میرشکاران[2] را از ترمذ و نیشابور و بلخ و مـرو و هرات و خوارزم و روم و عراق و سیستان و هندوستان و ترکستان جمع و تربیـت کنـد و او پـس از حصول اطمینان از حذاقت و مهارت آنها در جمیع فنون و امور مربوط به بازداری از نژاد و شکار کردن و پرانیدن و شناخت ادویه و امراض و کیفیت علاج آنها و به گریز افکندن و از گریز برداشتن و گریز خانه ساختن و معرفت طبایع باز و غیره و غیره شخصی موسوم به محمد قلجع(کذا) نظامی را مـأمور نمود تا تجارب و اقوال و تقریرات استادان مذکور را بر منقولات و مسطورات کتب متقدّمین و شکار نامه انوشروان اضافه نموده جمیع آنها را بعد از ترتیب در کتابی موسوم به شکار نامـه(کـه عبـارت از همین کتاب باشد) در ۲۷ باب در سلک عبارت و تحریر کشد از این قرار:

فهرست عناوین ابواب

– اندر علامت باز و صفت آن.

– اندر صیاد که چگونه باید تا باز بسلامت از دام بیرون کند.

– اندر چگونگی باز دار و شناختن باز.

---

[1] . یعنی امیر ابو احمد خلف بن ابو جعفر احمد بن محمد بن خلف بن لیث صفاری(۳۵۲-۳۹۹) از امرای معروف سیستان که به لحاظ این که سیده بانو(بانویه) دختر محمد بن عمرو بن لیث صفاری مادر پدرش احمد بود او را خلف بانو نیز می‌گفتند و وی چنان که در ترجمه احوالش مسطور است از افاضل امرا و از مشوّقین بزرگ علما و فضلا بود چنان که بیست هزار دینار بجهت تفسیر عظیمی که در صد مجلّد به دستور او بر قرآن کریم نوشتند خرج کرد و ابن الوردی که از عُجز و بُجز این مطلب اصلاً خبر نداشته در تتمهٔ المختصر(۴: ۴۷۷) خیال کرده است که تفسیر مذکور بقلم خود او بوده است. ترجمه احوال و شرح محاربات او با محمود غزنوی و گرفتار شدن و حبس او در قلعه گردیز(معرب آن جردیز و در ابن الوردی بصورت محرف جردین) و اشعار و مدایح شعرا درباره او و سایر سوانح ایام حیاتش همگی مشروحاً در یتیمهٔ الدهر ثعالبی و تاریخ یمینی و ابن الاثیر و سمعانی(در نسبت سجزی) و گردیزی و تاریخ سیستان و بصورت شذراتی متفرق در مجمع الانساب شبانکاره‌ای مسطوراست(طبقات ناصری ذکر این امیر را بکلی تحت السکوت گذاشته) و ناگفته نماند که«بابویه» در جمیع مواضع کتاب صوان الحکمه بلااستثناء و«بالو» در مجمع الانساب سهو واضح قطعی است از طرف طابع آن کتاب و طابع آن کتاب اخیر.

[2] . اسامی ایشان در رساله مذکورست.

- اندر چشم گشادن و گشاد کردن باز و پرانیدن و خواندن.

- اندر طبع جانور شناختن و بعد از خاشاک دادن دانستن که جانور بطبع خود است یا نه.

- اندر دعا که بوقت شکار خوانند و نگاهداشتن باز.

- اندر داروها و دادن دارو بجهت حفظ و صحت و دفع مضرت سرما و دفع گرما و ترتیب فلونیا.

- اندر پر وزیدن و از درخت بدرخت جستن و بدخوئی باز.

- اندر خاشاکی که باز را بر شکار بغایت حریص کند.

- اندر آنکه باز از صید سیر گردد و بصید ننگرد.

- اندر پای سست کردن باز و تدارک آن که چگونه باید کرد تا به شود.

- اندر گریز افکندن باز و پر راست کردن او.

- اندر خاشاکهای گوناگون که اندر گریز باید داد.

- اندر نامهای بیماری جانوران از تقریر استادان.

- اندر علاج و ادویه و کیفیت بیماری جانوران و شناختن آن و داغ کردن.

- اندر صفت شاهین نگاهداشتن و خاشاک دادن و آنچه متعلق بدانست.

- اندر علامت و صفت بنسیجک و چگونگی او و کار و کردار او.

- اندر دانستن و صفت باشق و شکار کردن او.

- اندر کیفیت و چگونگی طغرل و کار و کردار او.

- اندر دانستن و بکار داشتن و گشاد کردن چرغ و عیب و هنر ایشان.

- اندر دانستن و نگاهداشتن و گشاد کردن بحری.

– اندر آموختن عقابان و شکار کردن ایشان.

– اندر علامت و صفت یوزان و رنگهای ایشان و تمامی و ناتمامی ایشان.

– اندر شکار آموختن شیران و صفت ایشان.

– اندر نگاهداشتن خرپلنگ و بکار داشتن ایشان.

– اندر شکار آموختن و شناختن سگان و علامت و صفت ایشان از هر نوع.

آغاز: «بسمله حمد و سپاس بیحد و قیاس حضرت خداوندی را جلت نعماوه و بتارکت اسماوه که بنا بر ارادت ابداع انواع و اختراع قوی و حواس الخ».

انجام: «ببوی کبک برود و کبک را پیدا نموده بپراند و باز او را شکار نماید این است آخر آنچه در این کتاب ذکر او واجب بود».

نستعلیق خوش، کاتب ابوالفضل بن ملا ابوالقاسم. محل تحریر جیرفت. تاریخ کتابت پنجشنبه سیزدهم ذیقعده سنه ۱۲۸۵، کاغذ شکری فرنگی، عناوین در متن و توضیحات در حاشیه به مرکب قرمز، ۱۲س، ۱۳۰گ(۲۵ ورق باز نامه و ۱۰۵ ورق شکار نامه)، جلد تیماج مشکی ضربی، ۱۵/۲×۲۰، واقف روح الله عرب آبادی، تاریخ وقف شهریور ۱۳۷۷.

۴۷۰

حیاة الحیوان

(۵۷۹۶)

(عربی)

کتاب معروفی است مشتمل بر دو جزو از تألیفات ابوالبقا کمال الدّین محمد بن موسی بن عیسی بن علی الدّمیری الشافعی[1](۷۴۲–۸۰۸ در قاهره) در بیان خصوصیات ومشخصات ظاهری انواع حیوانات برّی و بحری بترتیب حروف معجم و ذکر منافع و مضار و خواصّ طبّی آنها که به لحاظ اشتمال بر بعضی احادیث و روایات و اشعار و امثال عربی در خصوص تقریبا هر یک از حیوانات و ضبط لغوی اسامی آنها و فوائد تاریخی و ادبی و فقهی نیز دارای اهمیت بخصوصی است.

این کتاب را S.G.Jaykar در دو مجلّد(تا حرف فاء) بانگلیسی ترجمه نموده که جلد اوّل آن در سنه ۱۹۰۶ و مجلّد دوم ان در سال ۱۹۰۸ در لندن بطبع رسیده است.

آغاز: «بسمله الحمد لله الذی شرف نوع الانسان بالاصغرین القلب و اللسان و فضله علی سایر الحیوان... و بعد هذا کتاب لم یسألنی احد تصنیفه و لا کلفت القریحهٔ تألیفه».

انجام: «و ابتدای بملک الوحش الذی منه الشجاعهٔ تقتفی و حسبنا الله و کفی قال مؤلفه رحمه الله تعالی و رضی عنه الشیخ کمال الدین الدمیری رحمه الله و کان الفراغ من مسودته فی شهر رجب الفرد سنهٔ ثلاث و سبعین و سبعمائهٔ جعل الله تعالی ذلک خالصا لوجهه الکریم...».

نسخ، کاتب جزو اول نامعلوم و کاتب جزو دوم عیسی بن علی بن محمد الیافعی، تاریخ تحریر جزو اوّل آخر شوال ۷۸۳ و جزو ثانی یکشنبه ۶ شعبان ۸۷۱، کاغذ نخودی بغدادی، عناوین همگی بشنگرف، دو صفحه اول دارای جدول بسیاهی، ۳۳س، ۴۶۶گ ۱۷×۲۷، جلد مقوا عطف و گوشه تیماج، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ماه ۱۳۱۱.

۴۷۱

[1]. ترجمه احوالش در ضوءاللامع(۱۰: ۵۹) و مفتاح السعادهٔ(۱: ۱۸۶) مسطور است.

حیاة الحیوان

(۵۷۹۹)

نسخه کامل و مذیل است اوّلاً به ارجوزه مجربات(۱۴۳ بیت) در سه صفحه که آغاز آن چنین است:

«بسمله

بدأت باسم الله فی نظم حسن	اذکر ما جربت فی طول الزمن
ما هو بالطبعی و بالخواص	لکلّ عامیٍ و کلّ خاصٍ

فی شولة العقرب الخ

و انجام آن چنین:

و غفر الله تعالی وعفا	عنا و عن ابائنا و قد کفی

و ثانیاً به رساله برء الساعه از محمد بن زکریا رازی که آنرا در موقع خود توصیف و معرفی نموده‌ایم.

نسخ، کاتب درویش علی بن شمس الدّین(ارجوزه و برءالساعه مذکور نیز بخط اوست)، تاریخ تحریر پنجشنبه ۲۴ رمضان ۱۱۱۰، کاغذ نخودی، عناوین در متن و حاشیه به زنگار و شنگرف، صفحه اول نونویس از قرن ۱۳، ۳۵س، ۲۶۳گ ۱۹×۲۸، جلد تیماج قهوه‌ای، وقفی میرزا رضا خان نائینی در مردادماه ۱۳۱۱.

۴۷۲

حیاة الحیوان

(۵۸۰۰)

نسخه کامل است.

نسخ، خوش، کاتب عبدا[لله] بن جواد بن عقیل العلوی[1]، تاریخ تحریر ۱۲۸۶ قمری، کاغذ نخودی و حنائی فرنگی آهاری، عناوین به شنگرف و جای برخی از آنها بیاض و برخی نیز بسیاهی بقلم ثلث، ۲۹س، ۳۶۱گ ۲۱×۳۳، جلد تیماج نیلی ساده، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۷۳

حیاة الحیوان

(۵۷۹۸)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب رکن الدین محمد بن عبدالحق الحسینی، تاریخ تحریر دوشنبه(چندم؟) محرم ۱۰۶۲، (نسخه را همو نیز مقاله نموده)، کاغذ نخودی آهار مهره، دارای یک سرلوح مذهب کم کار با پیشانی و کتیبه به سفیداب محرر، جداول اوراق به طلا و تحریر و لاجورد، عناوین در متن و حاشیه به شنگرف، ۲۸س، ۳۲۲گ ۲۰×۳۰، جلد میشن دورو با سجاف تیماج، واقف میرزا رضا خان نائینی.

۴۷۴

حیاة الحیوان

(۵۸۰۱)

جزو ثانی است.

آغاز: «بسمله... و هو اول الجزء الثانی من حیوة الحیوان الکبری حرف الشین المعجمة... الشادن».

[1]. نسخه را برای شاهزاده عزالدّوله نوشته است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر سه شنبه(چندم؟) رجب ۱۲۸۷، کاغذ فرنگی آهاری، جداول اوراق به طلا و الوان، کمند به تحریر مشکی، جای عناوین بیاض، ۲۷س، ۲۷۶گ ۲۰×۳۱، جلد تیماج نیلی ضربی، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۷۵

حیاة الحیوان

(۵۷۹۷)

جزو اول کتابست.

انجام: «الضوع بضاد معجمۀ مضمومۀ... کما ان النظر الی الزهرۀ یفید فرحا و سروراً... فرغ من تحصیل الجزء الاول من کتاب حیوۀ الحیوان فی الیوم الثانی عشر من شهر صفر الواقع فی سنۀ ست و تسعمائۀ من الهجرۀ الطاهرۀ النبویۀ...».

نسخ، کاتب نامعلوم، نسخه در سنه ۹۱۶ مقابله شده، کاغذ حنائی، عناوین در متن و حاشیه به شنگرف و زنگار، بعضی اوراق معلق به حواشی، ۲۱س، ۱۹۵گ ۲۱×۳۷، جلد تیماج ساده، واقف میرزا رضا خان نائینی(نسخه سابقا در ملکیت فرهاد میرزا بوده است).[۱]

۴۷۶

حیاة الحیوان

---

[۱] . در آخر نسخه نوشته است: «هو جلد ثانی این کتاب را بتاریخ ۱۷ شعبان سنه ۱۲۸۲ هجری در طهران خریده بودم و کمال میل را داشتم که مجلّد دیگر این کتاب نیز بدست بیاید برحسب اتفاق از فضل الهی روز ۱۷ صفر المظفر سنه ۱۲۸۳ هجری که از بازار عبور می‌نمودم کتابفروشی این کتاب را با مجلدات دیگر زیر بغل داشت کمثل الحمار یحمل اسفارا بمن گفت کتاب خطی عربی دارم در سر اسب گرفته ملاحظه کردم دانستم که متمم اصل و مصمم وصل است بشش تومان ابتیاع کرده ضمیمه آن باب و نمیمه آن کتاب ساخت و انا العبد العاصی فرهاد بن ولیعهد طاب ثراه».

این نسخه کامل است.

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر رجب ۸۲۶، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، اکثر اوراق معلق به حواشی، ۱۵س، ۲۸۵گ ۱۷×۲۷، جلد تیماج ساده با سجاف، واقف نامعلوم.

۴۷۷

حیاة الحیوان

(۵۰۷۱)

ایضا کامل است.

نسخ، کاتب عثمان«فی بلدة القینة فی دار نقیب زاده، و وطن الکاتب زیله»، تاریخ تحریر دهم رمضان۱۱۴۹، عناوین در متن و حاشیه و جداول اوراق به شنگرف، کاغذ شکری و حنائی آهار مهره، جلد میشن ضربی با سجاف تیماج، ۲۷س، ۲۲۳گ ۱۱×۲۲، واقف حاج میرزا موسی خان، تاریخ وقف ۱۲۶۱.

۴۷۸

حیاة الحیوان

(۶۶۷۶)

این نسخه تا اوائل حرف شین(الشحرور) را بیشتر ندارد.

انجام موجود: «و اربع کتب فی الاربعة کتب و هم التورات والا».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن نهم، کاغذ نخودی، عناوین به شنگرف، جلد میشن ساده، ۲۲س، ۱۶۳گ ۱۷×۲۶، واقف سیدرضا قوچانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۲۴.

۴۷۹

حياة الحيوان(ترجمه...)

(۵۷۹۵)

(فارسی)

ترجمه علی بن محمد الهروی است از حیاة الحیوان دمیری. در ابتدای کتاب مترجم گفته است که در عهد ایالت خسرو خان درکردستان و همدان و آذربایجان یکی از رجال او موسوم به هدایت الله ملقّب از جانب او به امین الایاله دو نفر را علی حده یکی ملاعبدالحمید فارجی و پس از او مـلا سـلیم را بترجمه این کتاب مأمور نمود. ترجمه فارجی باتمام نرسید ولی ملا سلیم ترجمه خود را تمام کرد، و من بعد از او(ظاهراً باشاره همان امین الایاله) این ترجمه را در سنه ۱۲۴۹ هجری شروع نموده بپایان رسانیدم.

آغاز: «بسمله حیات حیوان عاجل و ثبات انسان کامل باظهار آلای و تذکار نعمای حی است توانا که آثار مشیت ما یشا و انوار قدرت غرای حضرتش لاله غیره(کذا) از هر عینی از اعیان ثابتات و از فردی از افراد ممکنات پیدا و ظاهر است(تا این که پس از چند سطر گوید) مؤلف این رقم... ملتزم تحریر دل پذیر نسخه ایست که محتویست بر جمیع حقایق افرینش از دقایق دانش و بینش که قبل ازین منـتظم گشته و قرنهای گذشته که احدی از ثقات اسلام باین مهم که اهم مهام دین است اقدام نکرده و ملهم نشده که آنرا از لغات تازی و عبارات عربی بالفاظ مناسب بفارسی ترجمه نویسد[۱] تا عامه طبقات عجم

---

[۱] . معلوم می‌شود مترجم از ترجمه‌ای که از ان در عهد صفویه بعمل آمده و موسوم است به خواص الحیوان(نسخه بلافاصله مذکور در ذیل) بی‌خبر بوده است.

عجم از فیض عامش بی‌نصیب نمانند... هم چنان سالها شاهد این حجله مدعا در ذیل خفا مخفی و دستور(کذا) مانده و سوای علما احدی اصلا بمرور و عبور ان کتاب مسطور رغبت نکرده تا...».

انجام: «و همه کس در شجاعت اقتفا باو کند».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ شکری آهار مهره، عناوین به شنگرف، ۳۰س، ۴۳۴گ ۲۲×۳۵، جلد تیماج ضربی، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱

حیاة الحیوان

(۲۲۶۲۷)

مراجعه شود به خواص الحیوان مذکور در حرف خاء.

۴۸۰

خواص الحیوان

(۲۲۶۲۷)

(فارسی)

ترجمه فارسی حیاة الحیوان دمیری است از محمد تقی بن خواجه محمد تبریزی از فضلای عصر شاه عباس ثانی صفوی که انرا بموجب اشاره میرزا محمد ابراهیم بن صدرالدین محمد به حذف اضافات و زواید بفارسی نقل کرده وچنان که خود در مقدّمه گفته ترجمه خود را مبّوب بر ۲۸ باب بترتیب حروف تهجی و هر باب را بنا به این که مفاتیح و مبادی اسامی مفتوح یا مکسور و یا مضموم باشد مفصّل بر سه فصل نموده است.

آغاز: «بسمله حمد بیحد و ثنای بیعد خداوندیرا سزد که مشکوهٔ بنیان حیوانرا بچراغ جان برافروخت».

انجام: «در بینی صاحب صداع سعوط کنند نفع عظیم بخشد».

نسخ، کاتب محمد کاظم بن محمد تقی تبریزی(فرزند مترجم کتاب)، تاریخ تحریر ۱۰۸۲، کاغذ نخودی، عناوین بشنگرف، ۱۷س، ۱۴۷گ ۱۹×۲۸/۵، جلد میشن ضربی لبه دار، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۸۱

عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات[۱]

(۵۵۸۲)

(فارسی)

کتابی است در بیان عجایب اجرام علوی و کائنات جو و دریاها و شهرها و درختان و خلقت آدمی و عجایب اجنه و شیاطین و پرندگان و بهایم مشتمل بر ده قانونو ارکان بشرح مذکور در ذیل که اگر بتوان به قول حاجی خلیفه در این خصوص استناد نمود تألیف محمد بن محمود بن احمد الطوسی السلمانی(کذا، شاید الطرطوسی السلماسی) است[۲] که آنرا بنام رکن الدّین ابوطالب طغرل[۳] بن ارسلان بن

---

[۱] . مؤلف کتاب خود را در یک موضع(f.۲a) به عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات و در یک موضع دیگر(f.۱۳a) به جام گیتی نمای موسوم نموده است.

[۲] . این تردید تنها از ان جهت است که مقدمه این نسخه با انچه او به عنوان آغاز کتاب نقل نموده مطابقت ندارد و اولاً در عدد قوانین و ارکان با مسطورات او توافق تام دارد، عین منقولات او به اختصار در این خصوص از این قرار است:

–«عجایب المخلوقات... اوله حمد بی حد خالقی را که... کتاب بر ده قانون است و ارکان».

[۳] . مقتول در ۲۴ ربیع الاول سنه ۵۹۰ بقول ابن الاثیر(۱۲: ذیل وقایع سنه مذکور) یا اخر همین ما بقول ابوحامد در ذیل سلجوقنامه ظهیری(مطبوع در مجله مهر، سال ۲، ص۲۴۵) یا ۲۴ جمادی الاخر همان سال بقول راوندی در راحهٔ الصدور(ص۳۷۱)، و اخیرا این مطلب مسرّت بخش بسیار بسیار مهم جالب توجه نیز ناگفته نماند بمناسبت ذکر راوندی که در میان مصاحف محفوظ در کتابخانه رضویه نسخه بغایت ممتاز و نفیسی وجود دارد که مورخ سنه ۵۸۶ و کاتب آن احمد بن محمد بن علی الراوندی و مذهب آن مؤلف کتاب اخیر یعنی راحهٔ الصدور و آیهٔ السرور محمدبن علی بن سلیمان راوندی از مشاهیر مورخین و حذاق استادان فن تذهیب و خط و تجلید در عصر سلجوقی است(مراجعه شود به کتاب مذکور ص۴۱، و بعید نیست که مذهب و کاتب پدر و پسر باشند)، و عین مسطورات و تاریخ تذهیب و نام و امضاء او در آخر نسخه مذکور که از نخب و عیون موقوفات امام راحل تغمده الله برضوانه و حقیقهً از اخایر ذخایر تاریخی است از قرار تفصیل ذیل است:–«و

طغرل از مشاهیر سلاطین سلجوقی شعبه عراق بفارسی فصیح و شیوائی تألیف و موشح کرده باین نحو که آنچه از عجایب و غرایب را از جوالان و سیاحان شنیده یا از مآخذ و کتب نقل کرده بحرف ط(یعنی ظاهرست) و آنچه را ببرهان عقلی حاجت نداشته بحرف ج[1] (یعنی بعیدست) و آنچه را مطابق با قرآن بوده بحرف صد(یعنی صدق است) و آنچه را نقل به تواتر شده بحرف مع(معروفست) و آنچه را مشکوک و مورد تردید او بوده بلفظ شبه(یعنی شبهتست) مبدور نموه است.

فهرست موضوعات و ارکان کتاب

رکن اوّل– در عجایب اجرام علوی از صفت فریشتگان وذکر روحانیان و صفت هر دو قطب و جنوب و شمال بابی در عجایب افلاک و عجایب انساب(کذا) و عجایب ماه و کواکب سیاره و عجایب بروج و کواکب ثابته و شگفتیهای ان.

رکن الثانی– در عجایب آتش و آنچ حادث می‌شود میان آسمان و زمین ادبار و نحوس و آتش برستان صاعقه و شهب و رعد وبرق جیست قوس و(کذا باقحام واو) قزح جیست و عجایب بادها و تقسیم ریاح و هبوب آن عجایب ابرها و شکفتی آن در هوا.

رکن الثالث– در عجایب زمین و آبها ودریاها عجایب دریاها مرتب نهاده بر حروف جمل عجایب نهرها عجایب جشمهاء آب عجایب جاههای محفوره عجایب زمین تقسیم عالم عجایب کوهها مرتب بحروف جمل عجایب صخرها و انج بران نبشته انداز حکمتها.

فرغ من تذهیبه اضعف عبادالله المحتاج الی رحمۀ الله محمدبن علی بن سلیمن فی شهور سنۀ سبع و ثمانین و خمس ماثۀ» (۱۲ سال قبل از تألیف راحۀ الصدور). الحمدلله که هویت مذهب این نسخه بدیع که تا این زمان بکلّی مجهول و نامشخص بود معیّن و مشخص شد و معلوم شد بطور قطع و یقین که کیست، الحمدلله الحمدلله الذی هدینا لهذا وما کنا لنهتدی لو لا ان هدینا الله، (غلامعلی عرفانیان عفا الله عنه و عن والدیه).

[1] . کذا، ظاهراً: بحرف ع.

رکن الرابع– در شهرهای معروف و مساجد و این باب مرتب است بحروف جمل جنانک در باب الف بیاید ایلیا و اسکندریه بابی در وادیهای مقلوب و خسفهاکی در نواحی عالم بوذه است و زلازل کی در تاریخها بوذه است و باذهاء عاصف مهلک.

رکن الخامس– در اشجار و حشیشهاء مرتب نهاده بحروف جمل و عجایب اشجارهاء[1] مجهوله.

رکن السادس– در عجایب صورتهای کی نکاشته‌اند بطلسمهای عجایب مرقدهای انبیا علیهم‌السلام و دخمهای ملوکان عجایب کنجهاکی نهاده‌اند از ملوکان و اکاسره و عاقبت ایشان.

رکن السابع– در عجایب ادمی و شرف خلقت وی شرف عقل بر همه موجودات عجایب ارواح محل الارواح تاثیر ارواح در اجساد عجائب القلب و معدن الروح عجائب حواس بنجگانه خاصیت اعضای بنی آدم طباع النسا و الخصیان عجایب طبقات مردم کی بر جه جنس‌اند عجایب عادیان عجایب نوادر آدمی در هر زمان قبایل ترکان و غزان و قفجان قبایل هندوان و اجناس آن درجات آدمیان شریف در شرف بیغامبر ما علیه‌السلام فرق میان نبی و متنبی ذکر کاهنان و مدعیان عجایب معجزات در کرامات صنعت کیمیا علم طب و طبیعت خواص غذاها معالجات نادرکی کرده‌اند در قضا و قدر عجایب خوابها عجایب مرک عیب دنیا و وفای آن درانک بعث و نشور و قیامت حق است.

رکن الثامن– در عجایب جنیان و مَردّه و شیاطین اصناف غولان و مواضع ایشان و اجناس مختلف و عجایب لطافت ایشان.

رکن التاسع– در عجایب مرغان بزرک و کوچک و خاصیت ایشان.

---

[1]. جمع بستن جموع عربی در زبان فارسی سابقه دارد چنان که این مطلب را سابقا در حواشی ذخیره خوارزمشاهی نیز با ارائه شواهدی چند بیان نمودیم.

رکن العاشر- در عجایب بهایم و حیوانات بحری و عجایب سباع و حشرات و افاعی و حیات و سموم و غیرها و انج بدین اشکال بر فلک انداز کواکب.

آغاز: «بسمله سباس مر خذایرا کی ما را بمعرفت خود بینا کردانید و ما را از قطره آب بدیـد آورد و بخودی خود بر ما ثنا کفت کی و صوّرکم فاحسن صورکم و دل ما را بنور ایمان مزین کرد... اما بعـد بباید دانستن کی هر جه ملوک اکاسره بودند هیج کنجی ورای سخن ندیدند و ازیشـان هـیج کنجـی قیمتی‌تر از سخن باز نماند و افتخار ایشان جز بدانش نبوذه است و بباید دانست کی سخن بر دو قسم است منظوم و منثور و منظوم اکر جه حلاوتی دارد و طراوتی اما منثور خود زینتی و شرفی دیکر دارد کی منظوم از آن خالی است و کواه برین معنی کلام ربانی است و منشور سبحانی کی همه منثور است نه منظوم قوله تعالی لؤلؤا منثورا».

انجام: «این مقدار کفته آمد در خاصیت بشه تا بجشم حقارت در وی نکه نکنی کی آفریذکار جـل و علاویرا دست و بای و بالها و خرطوم و نیش و دم و دو سرو آفرید و انج در نظر ما نیاید ویرا هست فتبارک الله احسن الخالقین و ختم کتاب بدین کردیم از اول عرش برداشتم و بآخر ببشه فرو گذاشتیم و هرجه در جهان موجود است جمله در اینجا جمع کردیم».

نسخ جلی، کاتب محمود بن احمد بن محمد التستری، تاریخ تحریر ۲۵ رجب ۷۴۱، کاغـذ نخـودی بغدادی، جای آیات قرانی بیاض، عناوین به شنگرف، اندازه مسطر ۱۸/۵×۲۱/۵، جلد میشن ضربی نفیس با جداول طلا و ساده، ۱۹س، ۲۰۹گ ۲۳/۵×۳۰، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقـف مرداد ۱۳۱۱.

۴۸۲

عجایب المخلوقات و غرائب الموجودات

(۴۱۴۷)

(عربی)

تألیف ابو یحیی زکریا بن محمد بن محمود قزوینی است(۶۰۵-۶۸۲) مشتمل بر علویـات(حقیقـت و اشکال و حرکات و تعداد افلاک و حقیقت و مقدار زمان و فضائل ایام و شرح کواکب و نجوم و شهور عرب و روم و فرس و عجایب تکرر سنین و ملائکه) و سفلیات(حقیقت عناصر و آثار و کائنات جو و دریاها و جزایر و رودها و چشمه‌ها و خواص آنها و شرح اقالیم وحیوانات بحری و بـری و کیفیـت پیدایش معدنیات و نباتات و خواص طبّی آنها[بترتیب حروف تهجی] و تولد و تشریح انسان و بیـان اصناف پرندگان و غیره و غیره) موسـوم بـه عجائـب المخلوقـات و غرائـب الموجـودات و قسـمت جغرافی(در وصف اقالیم وجزایر و بلاد و غیره) که معمولاً بل مطرداً علی حده و جداگانه تلقی می‌شود و موسوم است به آثار البلاد و اخبار العباد.

آغاز: «بسمله اللهم صل علی سیدنا محمد و علی اله و صحبه و سلم تسلیما کثیرا دایما ابدا موبدا الی یوم الدین العظمهٔ لک و الکبریا لجلالک یا قدیم الذات و مفیض الخیرات... یقول محمدبن محمد(کذا، یعنی نه محمود و نه زکریا بن محمد) القزوینی رحمه الله انه لما قضی الله تعالی علی ببعد الدار و الوطن الخ».

انجام موجود: «القسم الثالث حیوانات غریبهٔ الصوت... و زعم المنجمون ان مقتضی».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر نیمه دوم قرن هفتم، عناوین بـه شـنگرف، کاغـذ بغـدادی، ۲۳س، ۲۴۲گ ۱۶×۲۴/۵، جلد تیماج قهوه‌ای ساده، واقف ابن خاتون، تاریخ وقف ۱۰۶۷.

۴۸۳

عجایب المخلوقات(ترجمه...)

(۸۷۰۳)

(فارسی)

ترجمه فارسی عجایب المخلوقات و غرایب الموجودات تألیف زکریا بن محمّد بن محمود قزوینی(۶۰۵-۶۸۲) است با برخی اضافات و زیادات از ملّا عبدالرشید[۱] مدعو به ابن البستکی از ابتدای«النظر الثانی فی النبات» در اصل عربی(یعنی بدون ترجمه قسمت مربوط به معدن و حیوان).

آغاز: «سپاس بی‌قیاس که مقاطع اوهام افهام از ادراک مطالع آن عاجز آید و اعداد امداد حمد بیحد و مدح بی‌عدد که نهایت ارباب(کذا) الباب و اراء ابکار افکار تتق نشین خواطر فضلاء از بدایت آن قاصر آید حضرت مبدع را الخ».

انجام: «خنزیر که آنرا خوک می‌گویند... که درو هیچ دندان خوک کار نمی‌کند و در وقت». (نسخه ناقص است و از حرف خاء ببعد را ندارد).

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن دوازدهم، عناوین بشنگرف، جای تصاویر و اشکال بیاض، کاغذ نخودی، جلد تیماج عنابی یک لا، ۱۳س، ۱۲۰گ ۱۵×۲۰، واقف سیدعلی اصغر اصغرزاده موسوی، تاریخ وقف اردیبهشت ۱۳۳۸.

۴۸۴

[۱] . از بس که مترجم ذهنش در مقدمه کتاب مستغرق بوده است در عبارت پردازی و ایراد ابیات عربی و فارسی د درج کلام و مبالغه و اغراق در مدح سلطان و خلیفه وقت که شوق وافری بمطالعه کتاب عجایب المخلوقات داشته پس از شش صفحه که بکلی صرف این قبیل مطالب نموه گویا فراموش کرده است(او یا کاتب) که نام ممدوح را که علی الظاهر از سلاطین آل عثمان بوده در مقدمه بیاورد، بهمین جهت علی العجاله معلوم نشد که ترجمه کتاب بنام چه کسی صورت گرفته است.

فرس نامه

(۱۵۳۲۶)

(فارسی)

مختصری است مشتمل بر پنجاه باب بشرح مذکور در ذیل:

- در صفت اسبان.

- در شناختن سال اسب.

- در شناختن عیبهای اسبان.

- در شناختن اسبی که کر نیست.

- در شناختن اسبی که خجسته نیست.

- در شناختن اسب تمام واصل.

- در شناختن رنگ اسب.

- در شناختن اصناف جماعت که تعلیم اسب میدهند و رام میکنند.

- در شناختن لجام کردن اسب.

- در شناختن آداب اسب.

- در شناختن تعلم اسب اهل کردن.

- در شناختن اقسام لجام کردن اسب.

- در شناختن لجام کردن اسب بلجامی که دو میل در بیرون دهن او باشد.

- در شناختن بلجامی که در عمود او یک میل باشد از اندرون دهن.

- در بیان گرفتن عنان.

- لجام کردن اسبی که نگذارد او را لجام کنند.

- در شناختن و حیلتهاء اسبی که نگذارد بر او سوار شوند.

- علاج اسبی که سرسخت باشد.

- در بیان بیماریهای او.

- علاج اسبی که در زمستان حرارت بهم رسانیده باشد.

- علاج اسبی که حرارت در تابستان بهم رسانیده باشد.

- علاج اسبی که علف بخورد و فایده ندهد و فربهی بر او ظاهر نشود.

- علاج اسبی که حرارت بر او غالب باشد.

- در علاج اسبی که بیماری او از آب و جو می‌شود.

- در علاج اسبی که چیزهای موافق خورده باشد.

- در علاج اسبی که حرارت داشته باشد.

- در علاج اسبی که برودت برو غالب باشد.

- در علاج خارش اسب.

- در علاج اسبی که در او علتی باشد.

- در اسبی که شقاق بهم رسانیده باشد.

- در اسبی که او را صرفه باشد.

- دوای حمره کوفتی اسب.

- دوای سفیدی چشم اسب.

- در علاج اسبی که ناخنه در چشم او بهم رسیده باشد.

- در علاج اسبی که دماغ گندیده باشد.

- در علاج اسبی که جنون داشته باشد.

- در علاج اسبی که علف بخورد و فایده ندهد(کذا بتکرار عنوان).

- در علاج اسبی که با تقطیع(کذا) بهم رسانیده باشد.

- در علاج اسبی که پشت او از سواری ورم کرده باشد.

- در دوای سودگی سمّ اسب.

- در دوای علت سرطان اسب.

- در علاج اسبی که درد در تمام اعضای او بهم رسیده باشد و خارش داشته باشد.

- در علاج اسبی که ذکر او ورم داشته باشد.

- در نگاه داشتن و آب دادن.

- در دوای درد شکم اسب.

- در بیان علاج اسبی که باد قولنج بهم رسانیده باشد.

- در نیک کردن ریم پشت اسب.

- در بیان اسبی که سبب سواری زخم شده باشد.

- علاج جذام اسب.

آغاز: «باب اول در صفت اسبان که چگونه باید کردن ارسطاطالیس چنین گوید که چون خواهی».

انجام: «بادیانرا در خرقه کرده بر بازو بندد خواب نکند... تمام شد فرس نامه».

(۱-۳۲)

بلافاصله بعد از آن فن هشتم از مقاله چهارم از قسم دوم کتاب نفائس الفنون است در بیطـره در پـنج ورق و سپس منقولاتی است از تحفهٔ المؤمنین در خصوص معالجه چهارپایان و پس از آن پنج ورق است در بیان علامات نیک و بدی اسب در دو باب:

۱. در صفات اسب منقول از کتاب اسرار الحکم ۲. در دانستن سال اسب.

بعد از چند ورق ایضا مختصری است بفارسی در بیست ورق در معالجات امراض اسب مشتمل بر ۹ باب باین شرح:

- در امراض سر و چشم.
- در امراض حلق و سینه.
- در معالجه قولنج و سایر بادها.
- در معالجه سایر امراض باطنی.
- در معالجه اورام.
- در معالجه جراحات.
- در معالجه جوشش و خارش و لکّه.
- در معالجه امراض دست و پای و لنگیدن.
- معالجات متفرقه.

آغاز: «بسمله در معالجات امراز(کذا) اسب بر چند باب مشتملست».

انجام: «از سرما و گرما بپرهیزند و در این باب کمال احتیاط بعمل آورند».

نستعلیق تحریری، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن سیزدهم، کاغذ نخودی، مختلف السطور، جلد تیماج مشکی یک لا، ۸۸گ ۱۰×۱۵، ورق اوّل افتاده، واقف احمد فاضل، تاریخ وقف ۱۳۶۸ هجری شمسی.

۴۸۵

مضمار دانش

(۱۶۲۰۱)

(فارسی)

تألیف نظام الدّین احمدبن ملا صدرا گیلانی است در بیان محامد و ذمایم و آداب و پرورش و تربیت و علاج بیماریهای اسب و ذکر احادیث مناسب در خصوص آن که آنرا در سنه ۱۰۷۱ بدستور شاه عباس ثانی صفوی نگاشته و مشتمل است بر مقدمه و سه مرحله بمنزله قلب و جناحین و خاتمه بجای ساقه(مطابق با تقسیم و ترتیب معمول در لشکر) از این قرار:

مرحله اولی – در ذکر محامد و ذمایم و آنچه تعلق به شناختن اسب دارد، مشتمل بر ۹ باب باین شرح:

– در ذکر آیات قرآنی و احادیث که دلالت بر محاسن اسب می‌کند.

– در شناختن سال اسب از روی دندانها.

– در ذکر رنگها.

– در ذکر غره و تحلیل و سایر علامات که از اختلاف الوان یافت شود.

– در ذکر آنچه تعلق به هیأت اعضا دارد.

– در تمام آنچه متعلق است باندام.

– در دوایر و سایر علامات.

– در بیان اقسام اسبها و خواص هر یک.

– در فرق میان مادیان و فحل در بعضی اوصاف و ذکر مجملی از صفات ذمیمه.

مرحله ثانیه– در آداب تربیت و شرح مسابقت و ذکر سایر مراکب، ایضا در ۹ باب از این قرار:

– در متعلقات ازدواج و تربیت کره تا هنگام سواری.

– در آداب سواری.

– در ازاله اخلاق ذمیمه.

– در آداب آب و علف دادن.

– در تیمار اسب.

– بیان معنی مسابقه و الفاظی که درین مقام مذکور میشود.

– در شرایط مسابقت(دوازده شرط).

– در ذکر الاغ و استر.

– در ذکر شتر و فیل.

مرحله ثالثه– در معالجات ایضا شامل ۹ باب بتفصیل زیر:

– در امراض سرو چشم، در معالجه جراحت، در معالجه شبکوری.

– در معالجه امراض حلق و سینه.

– در معالجه قولنج و سایر بادها.

– در معالجه سایر امراض باطنی.

- در معالجه اورام.

- در معالجه جراحات.

- در معالجه جوشش و خارش و لکّه.

- در معالجه امراض دست و پا.

- در معالجات متفرقه.

خاتمه- در بیان مجملی از اسپان پادشاهی و ذکر تعویذات.

آغاز: «بسمله حمد بیحد و ثنای بیعدد خالقی را سزد که بیک امر کن رساله دو عالم پرداخت».

انجام: «و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، کاغذ نخودی آهاری، عناوین بشنگرف، دو ورق آغاز نسخه نونویس، جلد تیماج یک لا، ۱۶س، ۵۶گ ۱۴/۷×۹/۵، تاریخ وقف شهریور ۱۳۶۷.

۴۸۶

مضمار دانش

(۸۴۷۶)

مقدّمه این نسخه با نسخه سابق فرق دارد.

آغاز: «بسمله سپاس بیقیاس خداوند جهانرا که ابلق لیل و نهار چندانکه خیابان ازل و ابد را درنوردد از ساحت همتش نشان نیابد و پیر خمیده پشت دیرین سال سپهر هر چند گرد عالم براید در وادی معرفتش چون کره نواموز سراسیمه حیرت باشد».

انجام: «و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم دعای دیگر اللهم احفظ... و انا له الحافظون».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر جمادی الثانی ۱۲۴۱(نسخه بدستور مقرب الخاقان محمد حسین خان نوشته شده)، کاغذ شکری آهاری، جای عناوین بیاض، جلد مقوا با رویه پارچه، ۱۷س، ۶۲گ ۱۳×۲۰، واقف سردار کل یار محمد خان افشار، تاریخ وقف خرداد ۱۳۳۲.

۴۸۷

مضمار دانش

(۱۶۱۶۴)

این نسخه قسمت خطبه و دیباچه و مقداری از ابتدای باب اوّل از مرحله اوّل را ندارد.

آغاز موجود: «بمدرک و محسوس دویم بالعرض».

نستعلیق، کاتب محمد تقی بن حسنعلی انصاری، تاریخ تحریر یکشنبه ۲۶ ذیحجه سنه ۱۱۲۵، کاغذ حنائی، عناوین بشنگرف، جلد تیماج نیلی یک لا، ۱۴س، ۵۹گ ۱۱/۸×۱۷/۵، واقف و تاریخ وقف نامعلوم.

۴۸۸

مضمار دانش

(۱۰۹۳۷)

مقدمه این نسخه نیز با نسخ سابق فرق دارد.

آغاز: «بسمله از شبیخون حمد بی‌نیاز حقیقی میدان داری فرمود تک و تاز سازد و همان که عنان یکران عزیمت ازین سو تافته کمیت اشک گلگون رشک بصفحه رخسار دوانیده از روی عجز و انکسار بلکه بطریق مباهات[و] افتخار الخ».

انجام: «و لا حول و الا قوۀ الا بالله العلی العظیم از کتاب باید نوشت برگردن اسب باید آویخت اللهم اخفظ...».

بلافاصله بعد از آن رساله فارسی بیطار نامه است در ۳۹ ورق در بیان اوصاف اسب و بیطاری(veterinary) و علامات امراض و کیفیت و طرق علاج آنها از عباسقلی بیکدلی که در رمضان سنه ۱۰۷۰ شروع بترجمه آن از عربی نموده و در سلخ همان ماه بنام شاه عباس ثانی صفوی باتمام رسانیده و آن مشتمل است بر دیباچه‌ای و چهار باب و خاتمه باین شرح:

باب اوّل – در وصف اسبان و چگونه بودن رنگ و نگاه داشتن ایشان بطریق متقدمان، در ده فصل از این قرار:

– در باب اسبان.

– در لون اسب که چگونه بکار آید.

– در نگاه داشتن اسب.

– در حفظ اسبان از رهگذر جو و کاه و علف.

– در نگاه داشتن اسب در فصل زمستان.

– در محافظت کردن پشت اسب که ریش نشود و کوفت نیابد.

– در فربه کردن اسب.

– در میمنت و نیک بودن سوار شدن بر اسب خصمان در روز مصاف.

– در سواری کردن و تازیانه زدن.

باب دوم – در اسباب علت و امراض و علاج ایشان.

باب سیم- در شناختن بدی و عیب و هنر اسبان، مشتمل بر هشت فصل باین شرح:

- در شناختن نیکی و بدی اسب.

- در شناختن خجستگی اسب.

- در شناختن شبکوری.

- در شناختن اسب اعمش.

- در شناختن اصمی و ابکمی اسب.

- در شناختن چپ دستی اسب.

- در شناختن اسب ارجل.

- در سیاه کردن سفیدی دست و پای اسب.

باب چهارم- در خاصیت دماغ و دل و غیره و اعضای اسب و استعمال نمودن آن بطریق حکمت.

خاتمه- در نصایح استعمال و بموقع رسانیدن آن.

آغاز: «بسمله سپاس بیقیاس لایق خالقیست که محبان آگاه و مخلصان درگاه را باشاره بشارت اولئک هم المقربون بنوازد».

انجام: «بپاشند خون بایستد و الله اعلم».

نستعلیق، کاتب نامعلوم(نام او را بکلّی محو کرده‌اند)، تاریخ تحریر غره رمضان سنه ۱۲۶۶، کاغذ حنائی آهار مهره، عناوین بشنگرف، جلد تیماج قهوه‌ای یک لا، ۱۵س، ۹۵گ(۳۹+۵۶) ۱۲×۲۱، واقف حاج محمد ایرانی مجرد، تاریخ وقف بهمن ۱۳۵۰.

۴۸۹

مضمار دانش

(۲۳۰۸۸)

یکی دو صفحه از ابتدا ساقط است و تا اواسط باب اوّل از مرحله سوم را بیشتر ندارد.

آغاز موجود: «گلگون بصفحه رخسار دوانیده از روی عجز و انکسار بلکه بطریق مباهات و افتخار».انجام موجود: «بوقوف امیر اخورباشی جلو و تصدیق سرکردگان هر طایفه از عساکر».

نستعلیق خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن یازدهم و اوائل قرن دوازدهم، کاغذ حنائی، عناوین بشنگرف، ۱۴س، ۲۸گ ۹×۱۴، جلد تیماج زرشکی یک لا، واقف سید عبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۹۰

یادگار[۱]

(۲۲۹۴۸)

(فارسی)

---

[۱] . این نام در خود کتاب مذکور نیست و این که ما فعلا و علی العجاله آنرا مسمی به این اسم نموده‌ایم بکّلی مأخوذ است از قول مؤلف در یک موضع از کتاب که می‌گوید(f.۸۸b) -«و هر فصلی که درین کتاب در(کذا، و سابقه ندارد که مؤلف مفعول را با دو حرف اضافه استعمال کرده باشد) یاد کردیم همه آنست که تا تجربت بنه کردیم و بسیار بارها[بنه] دیده و[بنه] آزموده‌ایم باز ننبشتیم پس باید که هر که این سخنهای من شنود بر همه اعتماد کند مگر که بیازماید و بداند که نه چنین است که ما گفتیم پس شاید که بر سخن ما اعتماد نکند هر چند من دانم که از اینچ یاد کردیم درین کتاب هیچکس یک سخن را خواهد که رد کند باید که رد بحجت کند چنان که پیش کسانی که بشاگردی ما[ا] قرار دهند درست بکند که از آنچه ما درین کتاب یادکردیم یک چیز نچنانست و من از کودکی باز تا بدین روزگار که این کتاب کردم در طلب آن بودم بخراسان و عراق و شام و همه جای که دفتر[ی] بدست آورم که در آن دفتر صفت اسب یا شناختن اسب بود از هیچکس یادگاری نیافتم که کسی کرده بود و چون بدانستم که هیچکس این چنین کتاب نکرده است بر خویشتن فریضه دیدم که این کتاب بکردن تا پس از ما یادگاری بود بجهان الخ». اما به لحاظ این که مردی دنیا دیده و درد و صاف روزگار کشیده است در ذیل عبارات مذکور می‌گوید که«این کتاب بدست کسانی میدهد که چون برخوانند ازین جایگه چیزی بسیار بدانند که ندانسته باشند آنگاه گویند که ما خود این همه دانستیم بلی از کسانی که اقرار بشاگردی ما را فراز دهند و نیب بر آن کنند که چیزی بیاموزند از ایشان دریغ نباید داشتن که این کتاب بران کسانی که طلب این علم کنند مباح کرده‌ایم و از بهر ایشان تصنیف کردم» انتهی با اصلاح مختصر در یک موضع.

کتابی است فوق العاده ممتع و دلکش در باب تربیت اسب و شرح بیماریها و طرق علاج و مداوای آنها به نثری بسیار فصیح و دلاویز و شیوا نزدیک به نثر بلعمی و در بعضی مواضع قریب به بیهقی که بـه موجب قرائن کثیری که اینجا موقع تفصیل آنها نیست ظاهراً در سنوات بین روی کار امدن سلجوقیان تقریباً یعنی حدود نیمه قرن پنجم تا بروز فتنه غز یعنی تا اواسط قرن ششم تألیف شده است. نام مؤلف با فحص بلیغی که به کرات در خود کتاب و در مظان مختلف بعمل آمد ابداً معلوم نشد اما بـه قرینـه بعضی فقرات که مؤلف در تضاعیف کتاب راجع به خودش نقل می‌کند معلوم می‌شود فی الجمله که وی از مردم گیلان و جزو طبقه امرا بوده و علی الظاهر محمد نام داشته[1] و چنان کـه در مواضـع مختلـف کتاب ملاحظه می‌شود در جمیع امور مربوط به انواع اسبان از طرازی و اوزگندی و ختلی و ماورالنهری و ترکمنی و تازی و غیره و تشخیص الوان و علامات وحرکات و کیفیت معرفت و علاج امراض و نحوه پرورش و تربیت و ریاضت کردن آنها و غیره و غیره مردی کاملاً خبیر و مطلع و مجرب و صاحب نظر و علاوه بر آن اهل شمشیر و قلم بوده است و نصّ بعضی عبارات او در خصوص امور شخصی ومطالب مذکور که ضمنا حاکی از طرز انشاء مؤلف نیز هست از قرار تفصیل ذیل است، گوید در فصلی که باین عنوان است: «اکنون یاد کنیم که اسپان خراسانی از چند گونه‌اند و هر یکی چکار را شاید» (f.۵۸b): - «و دیگر که ایکدش را طراوتی و روشنی باشد که این دیگر اسبانرا نباشد و از همه گونه اسبان آزمودیم ودیدیم و توانیم گفتن که در همه عالم هیچکس از رنج و سختی سرد(کذا، صواب: هیچکس آن رنج و سختی نبرد) که من[بردم] و چندان تاختن کرد(نکرد، صح) که من کردم و هر کس که نام مـن شـنوده باشد داند که لاف نمی‌زنم که کمتر راهی که مرا هر سالی دوبار بایستی کرد بنوروز و مهرگان از بهـر

[1]. او یا پدر او؟

دیدار امیرالمؤمنین از جیلان بودی تا به بغداد و چندان که من آزمودم نه رهوار بکار آمد و نه گام زن و نه تازی و نه ازین جنسها که یاد کردیم که هرگاه که من از جیلان به بغداد شدمی فزون از صد سوار با من بودندی و این سالارانرا هرگز از خود جدا نکردمی و بمیان ایشان سه چهار مرد بودند که در حدیث شناختن اسب معرفتی تمام داشتند و هر گاه که من براهی خواستمی رفتن هر یکی این ایکدش که یاد کردیم با خود بیاوردندی و همه روز برایشان نشستندی و بشکار و شبیخون و راندن ایشـان را هـیچ آزرم نداشتندی و هرگاه که ما از بغداد آهنگ خانه کردیمی چون[به] پنجاه فرسنگی جیلان رسیدیمی این چهار پنج مرد که یاد کردیم دستوری[1] خواستندی و نماز شام برفتندی از بر من و روز دیگر همان وقت بخانه بودندی و این نه یکبار ودوبار کردندی که من بسیار این دیدم الخ».

ایضا گوید تحت این عنوان: «اکنون یاد کنیم آنچه اسبان داغی فصیله(فضیلت، صح) دارند بـر دیگـر اسبان» (f.۶۵b): –«و ما این اسبان(اسبان داغی) را خود بشناختیم و چون این سالاران ترکمان وصف این داغی کردند بس جهد کردیم تا از آن دو تا بدست آوردیم و از ان لذتها یافتیم که هر چند که تمام پای(ظ: یاد) نتوان کردن بعضی یاد کنیم از نغز(کذا، ظ: از بهر) این هر دو اسب دو سالار را بفرستادم و متاع آن جایگاه بدیناری هزار بفرستادم(کذا این جمله اخیر) و دو تا اسب بیاوردند و پس از ان که زین برنهادیم و بپروردیم چنانکه یاد کردیم از همه سو تاختها می‌آوردند و ما نیز می‌بردیم و این اسبان را بکار همی داشتیم پس یکروز سواری چند بیامدند که رمه ما ببردند و ما را خبر کردند و همیشه ساخته کار بودیم و این سواری دویست بودند و ما همچنین بیرون شدیم و چنان اتفاق کردیم که پیش از آنکه ایشان برمه ما رسند ما بدیشان باز خوردیم و از ما تا رمه بیست فرسنگ بود و ما نماز شام از جیلان

[1]. با یاءِ حاصل مصدر بمعنی اجازه.

رفته بودیم و بامداد نزدیک رمه بودیم و ایشان هنوز نرسیده بودند و ما تدبیر آن کردیم که اسبانرا دم بدهیم و پیش ایشان باز رویم پس ما فرود آمدیم و دمی علف بدادیم و آبی‌شان بدادیم و چاشتگاه از انجا برفتیم و تا نماز شام همی راندیم نماز شام را خبر آوردند که ایشان از شما خبر یافتند و بازگشتند پرسیدم که ازینجا تا ایشان چندست گفتند ده فرسنگ ما همچنان براندیم و بر ایشان زدیم و اسبی چند بگرفتیم و بازگشتیم و از آن اندیشیدیم[1] که ایشان مدد آرند و از آنجا که ما بازگشتیم تا رمـه چهـل فرسنگ بود و چاشتگاهی بود که ما بازگشتیم از آنجا و نماز شام نزدیک رمه بودیم و من همه راه برین اسب داغی نشسته بودم و غلامی دیگر که سلاح کش بود بران اسب دیگر بود و چون برمه فرود آمدیم سواری بیست با من بودند آن سالاران ترکمان و سادات عرب آنان که هر یکی سه چهـار تـا اسـب داشتند و ما نماز شام چون فرود آمدیم گوش هر دم همی داشتیم[2] که همه باز پس مانده بودند تدبیر آن کردیم که رمه از آنجا ببریم و هنوز بهری مردم ما نرسیده بودند و آن شب نیز آنجا بماندیم و روز دیگر بامداد بخواستیم رفتن مردمان ما که بازپس مانده بودند همی آمدند و خبر آوردند که سواری چند از آن ما بگرفتند و مردم بر قفا می‌آیند سلاحها بر خویشتن راست کردیم و پیش ایشان باز شدیم چون زمین ده فرسنگ[3] رفته بودیم شب درآمد و فرود آمدیم اسبان همچنان بزین ولگام ایستاده همه سوی طلایه[4] بیرون کردیم و چون سپیده بدمید آهنگ راه کردیم چون نماز پیشین رسید طلایه رسید و گفت سواران

---

[1]. از چیزی اندیشیدن: از چیزی بیمناک بودن و خوف داشتن.

[2]. گوش داشتن یعنی مراقب بودن، مراقبت کردن، مواظب بودن و امثال آن.

[3]. این نحو تعبیر بجهت تعیین مقدار فاصله بین دو محل تعبیری رایج بوده است در میان متقدّمین از نویسندگان و نظیر آنست مصراع اخیر رباعی ذیل از علاء الملک ابوبکر احمدالجامجی مذکور در لباب الالباب(۱: ۱۱۲):

ای تیغ تو کرده بر خطا تنگ زمین   وز خون حسودت شده گلرنگ زمین

بخشای برین بنده که آورد او را   صیت کرمت هزار فرسنگ زمین

[4]. محرّف طلایع جمیع طلعیه بمعنی پیشرو و مقدمه لشکر، یا فوجی از لشکر که بجهت خبر به جائی فرستند.

آمدند و افزون از سیصداند و ازین مردم که با من بودند بعضی بترسیدند و بعضی را خود اسب کاری نبودو چون یک فرسنگ دیگر براندیم از سواران ما کمترین آن بود که با ما بودند و از جمله این صد سوار سواری پنجاه بودند که اسبان کاری داشتند و مردمان نیک بودند پس من این پنجاه سوار را بـا خود بداشتم و دیگر انرا گسیل کردم و هنوز یکساعت برنیامده بود که خصم در رسید و ما را یافتنـد گروهی اندک طمع در ما کردند و ما چنان اتفاق کرده بودیم که تا نماز شام جنگ کنیم و نماز شام خود ایشان بازگردند و چون ایشان بنزدیک ما آمدند و[1] ما پشت بکردیم و ساکن[2] می‌رفتیم و ایشان[با خیل] بدخول[3] از فقا همی آمدند و هر ساعت باز میگشتیم و یک یک را می‌افکندیم و از خویشتن دور باز همی داشتیم پس باسب اندر آمد[یم] و نه چنان بود که گمان ما بود که ایشان هـر سـاعت قـوی‌تـر میگشتند و از مردمان[ما] بسیار بیفکنده بودند و از سواران ما سواری بیست مانده بودند و دیگر را همه گرفته بودند ازین پنجاه سوار پس از این قوم که با من بودند گفتند که نه جای ایستادن است پس باید رفتن تا چون ایشان طمع از ما ببرند و[4] باز ایستند پس آنگاه آنچه ما گرفته‌ایم از مردمان ایشان بـاز

---

[1]. حرف واو زائد است.

[2]. یعنی آهسته و آرام.

[3]. کذا، ظاهراً: وخول بتحریک، یعنی با حواشی و مواشی، با خدم و حشم و بنه و رمه، در جهان گشای بجای آن مطرداً خیل و خیول بکار می-برد: –«و او را بجان و مال امان فرمود(یعنی محمد خوارزمشاه صاحب اترار را) بقرار انک از اترار تحویل کند و با خیل و خیول و حمل و جمل با نسا انتقال کند و با نسا و رجال خود[آنجا] اقامت نماید» (۲: ۸۱)، اما یقین قاطع مطابق واقع دارم که«خیل و خیول» چه در این موضع و چه در سایر مواضعی که جوینی مثل اینجا معاً و در ردف یکدیگر آورده محرّف است و صحیح در کلمه اخیر آن چنان که مقتضی سجع با جَمَل است بی‌هیچ تردیدی خَوَل است به همان معنی که نوشتیم، اینک برخی شواهد آن: –«پس از راه عطفه کرد و عازم جیلان شد با تمامت خیل و خول و خیلان» (تاریخ وصاف ۳۲۱)، «و ملکه را از خیل و خول اجازت داد» (ایضا ۵۸۴)، «و از خطه خوارزم تا چندو تا چکند با چندان جند و خیول و خول که هست الخ» (ص۴۷۶)، «بولوغان خاتون از جسر عبور فرمود با خیل و حشم و خول» (ص۴۰۸)، –«او را با خیل و خول و فوجی از سوار و پیاده دو نوبت بمکران فرستاد» (المضاف الی بدایع الازمان، ص۵)، متنبی گوید:

وَ عرّفاهم بانّی فی مکارمِهِ   أُقلّبُ الطّرفَ بین الخیل و الخولِ

(العرف الطیّب فی شرح دیوان ابی الطیّب للشیخ ناصیف الیازجی، ص۳۵۳).

[4]. حرف واو زائد است.

دهیم و آن خود بستانیم پس ما آهنگ رفتن کردیم چون این غلام که با من بود بدانست که هزیمت خواهیم گرفت اسب را پاشنه زد و از میان برفت نماز خفتن بود که او برفت از نزدیک ما و روز دیگر بامداد بخانه رسیده بود که هیچ جایگاه عنان اسب باز نکشیده بود و از آنجا که او رفت تا بخانه چهل فرسنگ بود» و چند سطر پائین‌تر که می‌آید می‌گوید: –«پادشاهان و بزرگان چون از حال داغی آگاه شوند جهد کنند برانکه اسپی ازان بدست آورند که من چنان دانم که هر اسپی ازان بدست آرد دو بهر دارد از اقلیمی که بچشم خویش دیدم که بدرگاه پادشاه آن وقت خان بزرگ[1] اسپی داغی هدیه فرستاد و همچنین سمور و سنجاب و آنچه آلت آن جایگاه باشد آن پادشاه همه هدیها بپذیرفت مگر اسب که

---

[1] . این خان بزرگ را سابق بر این خیال می‌کردم باید یکی از خانان قراختا باشد که به لحاظ این که لقب نوعی ایشان گورخان یعنی خان بزرگ یا خان خانان بوده در تاریخ به گورخانیه نیز معروفند و محل استقرار ایشان عموماً کاشغر و بلاساغون و نواحی آن حدود و بعد از استیلا بر ملوک مسلمان افراسیابیه(ایلک خانیه، خانیه، خاقانیه) تا بلاد شرقی ماوراءالنهر بود و مصاف سلطان سنجر در سنه ۵۳۶ با یکی از این گورخانان در محلّ قطوان از مضافات سمرقند که به شکست سنجر و اسر زوجه او منتهی گردید در تاریخ سخت معروف است(عماد کاتب در تاریخ السلجوقیه وقوع این جنگ را در سنه ۵۳۲ نوشته و ظاهراً سهو مطبعه است به علت چاپ سنوات به ارقام هندسی نه به حروف)، ولی اکنون یقین قطعی جازم دارم که این خان بزرگ باید یکی از ملوک همین ایلک خانیه باشد که هر چند عموماً خراجگزار کفار خطائیه بوده‌اند در تاریخ به عللی که اینجا موقع تفصیل آنها نیست نزد ما شهرت و معروفیت بیشتری دارند و اخیرا ناگفته نماند بمناسبت ذکر این خاندان که بهاءالدین محمدبن علی ظهیری سمرقندی از تألیفات خود دو کتاب را بنام یکی از ملوک ایشان یعنی بنام رکن الدین(جلال الدین) الب قنلع تنکابیلکا ابوالمظفر قلج طمغاج بن قلج قراخان موشّح نموده و ان دو عبارتست از سندباد نامه(مراجعه شود مخصوصاً به نامه مورلی به ادوارد ویلیام لین مترجم کتاب الف لیلهٔ و لیلهٔ به انگلیسی مسطور در مجلد ۳، ص ۶۸۲–۶۸۱ از کتاب مذکور) و اعراض السیاسهٔ فی اغراض الریاسهٔ که در اواخر این اخیر از یکی دیگر از ملوک این سلسله نیز نام برده و او طمغاج خاقان ابراهیم بن ارسلان خان محمد بن سلیمان است متوفی در سنه ۵۵۱ به کلاباذ که هیچ ذکری از او در هیچ کجا نیست الاّ در کتابی از تصانیف تاج الاسلام مسعود بن محمود الطرازی در شرح احوال و مقامات و سوانح ایام حیات مشایخ صوفیه به زبان عربی که در آنجا ذیل ترجمه حسن بن حسین الاندقی(۴۶۲ یا ۴۶۶– ۲۶ رمضان ۵۵۲) همین قدر می-گوید که خاقان مذکور به دیدار اندقی می‌رفته و در برابر او تأدبا همچون جلوس کودکان نزد بزرگان می‌نشسته و مواعظ و سخنان او را استماع می‌نموده و شیخ متابعت از سیرت سلف را به او گوشزد می‌کرده است، و از همین خاندان است بشرح ایضا ترکان خاتون(ترکان بفتح اول لقب ملوک خانیه است چه زن و چه مرد و بعدها به نحو خاص از القاب ملکه و اناث اقارب ایشان شد) .واقف چند جزو قرآن محفوظ در کتابخانه رضویه مشهد که به لحاظ این که هیچ کس تاکنون مطلقا نامی از او نبرده و نشانی در خصوص او نداده ما بجهت ضبط نام و سوق نسب او نصّ وقفنامه آنها را ذیلاً نقل می‌نمائیم: –«وقفت هذه الاجزاء العشرهٔ مع الصندوق الملکهٔ المعظمهٔ العادلهٔ العالمهٔ جلال الدنیا و الدین معز الاسلام و المسلمین افتخار ال افراسیاب و سلجوق الغ ترکان بنت السلطان السعید محمود بن محمد بن بغراخان الخ». (مقصود از این شخص خاقان رکن الدین محمود بن محمد ارسلان خان بن سلیمان بن داود بن بغراخان بن یوسف قدرخان بن هارون بغراخان بن سلیمان بن موسی بن ستق است که نوه خواهری سلطان سنجر سلجوقی بوده و در سنه ۵۵۸ در گذشته وهموست که انوری در قصیده معروف خود«بر سمرقند اگر بگذری ای باد سحر* نامه اهل خراسان ببر خاقان بر» او را طرف خطاب خود از جانب مردم خراسان قرار داده و از او خواسته است که بیاید و دست غزان را از سرزمین خراسان کوتاه کند، این دو سلسله یعنی قراخطائیه و ایلک خانیه را علاء الدین محمد خوارزمشاه(متوفی ۶۱۷) منقرض نمود.

اسب نپذیرفت و گفت ما را چنین اسبان نشاید که اسپان چنین بوقیان و نفاطان دارند و آن پادشاه مرا بخواند و آن اسب بمن نمود من هرگز اسپی چنان ندیده بودم و نشناختم و پادشاه را بگفتم که من هرگز این جنس اسب ندیدم و نشناسم و مرا این اسب سخت طرفه همی آید از بهر آنکه من چنان گفتم ان پادشاه گفت این اسپ را نخواستیم پذیرفتن و لیکن از بهر تو پذیرفتم و بتو دادم من از بهرانکه آن اسب را بیازمایم خدمت کردم و بازگشتم و کس فرستادم و آن خانرا پیش خود خواندم و از او خبر آن اسپ بپرسیدم مرا گفت که همیشه اسپان نیک داشتی و ببهای بسیار همی خریدی و انکه اکنون برایگان خریدی بهتر است از ان همه که تو داشته و داری که این اسب داغی است و اول صفت داغی ازو شنیدم و چنین گفت که ده دوازده فرسنگ اسپان تازی را سباق ببرد چنانکه بهر فرسنگی پنج شش اسپ تازی بداری و او را از آن ده فرسنگ بداوانی(کذا بزیادتی الف بعد از دال) چون بسر میدان رسد از همه گذشته باشد من روز دیگر بخدمت پادشاه رفتم و او را گفتم آنچه این خان گفت پادشاه بمن گفت بباید آزمود پس ما اسپان تازی هرچه دانستیم که نیکوتر بود وعده بکردیم که تا یکماه دیگر بدوانیم با ان اسب و پنجاه تازی بطرازانیدیم و نامزد کردیم و روز وعده بسباق‌گاه رفتیم... و بوعده گاه بایستادیم و پادشاه و همه لشکر بنظاره آمدند و چون بنظاره‌گاه رفتیم هنوز یکزمان نه ایستاده بودیم و آفتاب نیک برنیامده بود که آن اسب می(ظ: همی) آمد و سوار هر دو دست در عنان او آویخته و هر چند کوشید که او را بازگیرد نتوانست گرفتن و آن اسب چون باد بر ما بگذشت و بهزار جهد او را بازگرفت و همه مردم عجایب بماندند[1] و پادشاه پرسید که از انجا کی بیامدی گفت راست که آفتاب سر برزد گفت دروغ میگوئی که آفتاب هنوز تمام بر زمین نیفتاده بود بدین جا رسیدی مرغ چنین نتواند پرید سواری

[1]. یعنی در شگفت شدند و تعجب نمودند و این ترکیب در اسکندرنامه(تهران ۱۳۴۳) نیز بکار رفته است.

چند را گفت خبری از ایشان باز آرید سواری چند برنشستند و بدوانیدند[1] و این سوار که برین اسپ بود از قفای ایشان برفت و پیش از آن که این سواران بدیشان رسیدند بدیشان رسید و بازگردید و دیگر باره در پیش از ان که این سواران بدیشان رسیدند بدیشان رسید و بازگردید و دیگر باره در پیش افتاد و چون این سوار باز نزدیک ما آمد هنوز سواران بدیشان نرسیده بودند و آن همه کس را طرفه آمد و چون آنان سباق همی کردند فرا رسید از ایشان پرسیدند که این سوار چه وقت از نزدیک شما بیامد گفتند چون آفتاب سربرزد همه بهم از این جایگه بیامدیم پس پادشاه و آن قوم عجب داشتند و من چون دیدم که پادشاه آمد فراز رفتم و گفتم که اگر چنانست که این اسپ پادشاه را شاید بر من حرامست گفت چون نشست مرا نشاید آن به که تو داری و از من باز نستد» انتهی باختصار، ایضا چند سطر پائین‌تر بعد از آن که علامات داغی را تعداد می‌کند می‌گوید: -«و بهترین اسپان ایشانند که من این اسپان که همی گویم بکاری بنشابور فرستاده بودم و چون از آنجا بیامدند گفته بودم سوارانرا که چندانکه بتوانند راندن برانند و آزرم ندارند و ایشان روز شنبه بامداد از نیشابور برفتند و یک شنبه نماز پیشین بمرو بودند و سوگند خوردند که ماردام(کذا، ایا صورتی دیگر است از لگام؟؟) نگرفتیم چون بمرو رسیدیم طاقت آن نداشتیم که بر اسب توانیم نشستن الا اسپانرا هیچ رنج نرسیده بود و همچنان بودند و ما چون از اسبان فرود آمدیم چندان روز نداشتیم که اسب را علف دهیم و اسپان طلب علف میکردند و این سو و آن سو چرا همی کردند دو روز آنجا ببودیم تا برآسودیم... پس این بار دیگر که بدرگاه خواستم رفتن بنه را از پیش گسیل کردم و من پس از دو روز بقفاء بنه برفتم و دو مرد ازین سالاران ترکمان با این اسپان آنجا بگذاشتم و با ایشان وعده کردم که چون من بروم ایشان بدو روز از

---

[1] . بر نشستن بمعنی سوار شدن، ودوانیدن که در جهان گشای(۲: ۷۱) و اسکندرنامه و راحهٔ الصدور و جامع التواریخ نیز استعمال شده بمعنی تاختن است(به این سه کتاب اخیر فعلاً دسترسی ندارم).

قفای من بیایند و چون من دو منزل رفته بودم دهی بود که پدر من از بهر من کرده بود و آنرا محمدآباد خوانند و ان دهی معروفست و از شهر بآن دیه بیست و پنج فرسنگ است و ما انجا فرود آمدیم و همه روز چشم میداشتیم[1] اسپانرا الخ»، و چند ورق بعد ایضا می‌گوید: -«و ما وقتی بتاختن شده بودیم بدر بخارا و آنجا سالاری بود محتشم از قتل(کذا) تکین وقتی بیامده بود ورمه از آن ما ببرده بـود از قفـا بشدیم که باز ستانیم چون بنزدیک بخارا رسیدیم ایشانرا دریافتیم و آن سالار بازگشت و رمه را گسیل کرد و خود بجنگ بایستاد و حمله آوردند بر ما و ما پیش باز شدیم چون خواستند که بازگردند همه برفتند مگر این سالار[که] مردی بزرگ بود و نام او بهمه خراسان و ماوراءالنهر معروف بود بمردی و مبارزی و نام او یلاظ(کذا) بود و چون مردم او همه برگشتند او هر چند که کوشید که برگردد اسبش فرمان نبرد و ما گرد او برآمدیم و او را اسیر کردیم پس رمه خویشتن بتمامی باز ستدیم و صلحی و عهدی بکردیم و این هم از برکت حرون است و حرون عیبی بزرگ است و من نپسندم که هیچ سوار بر حرون نشیند»، و باز در موضعی دیگر که در خصوص اسبان سرکش صحبت می‌کند می‌گوید: -«و این چنین بود که من اسبی داشتم سرکش و بسیار علاج کردیم آنرا و هیچ فایـده نـداد و از جملـه ایـن سالاران(سالاران ترکمن) یکی بود که هرگاه که ما علاج آن اسب همی کردیم او خندیدی و میگفتی که شما نمی‌دانید که این اسب این کشیدگی کی همی کند نه عمدا همی کند که این او را چون علتیست که اگر خواهد و اگر نخواهد این کندکیش(ظ: کش) باید کردن و سبب این آنست که یک مهره پشـتش فضله است و چون روزگاری برآمد و آن اسب را هیچ علاج نتوانستیم کردن یک روز این ترکمان را حاضر کردم و آن اسب بیاوردم و گفتم که اکنون ما از علاج کردن این اسب عاجز گشتیم و اقرار بدادیم

[1]. چشم داشتن یعنی منتظر بودن، امید و توقع داشتن.

که چنانست که تو میگوئی اکنون تو او را این علاج دانی گفت ما را اسپی بود و همچنین کشنده بـود پس ما آن اسپ فربه کردیم و بکشتیم و پشتش بدیدیم یک مهره از مهرهای پشت فضله بود و بر بالا برآمده بود و گذار مهره سوراخ نبود من او را پرسیدم که چه جایگهست این انگشت بر پشت اسب نهاد و از بهر آزمایش آن اسب را بفرمودم کشتن و چون پوست باز کردند هم آنجایگه کـه او گفتـه بـود همچون مهره پشت استخوان فضله بران جایگه کشد الخ» انتهی باختصار، و باز در یک موضع دیگر از عمل جراحی و شکافتن شکم اسب و دوختن آن با ابریشم که خود برأی العین بارها و بکرات دیده بود صحبت می‌کند که ما از نقل آن صرف نظر نمودیم. ایضا در فصل مربوط به علامات دست و پای اسب می‌گوید: «و آن چنان بود که هر گاه اسپی دست سپید بدیدندی این سادات عرب نگذاشتندی که من یا از یاران من داشته باشد و این سالاران ترکمان فسوس و طنز میکردندی تا آنگاه که یکروز بتاختن رفته بودیم خواستیم که از ترمذ[1] چیزی بیاوردیم و ازین سالاران ترکمان یکی اسب دست سپید داشت این سادات عرب گفتند که ما بدین تاختن نرویم اگر این اسب با ما بود پس از ان که بسیار سعی کردیم تا ایشانرا با خویشتن ببردیم و چون بکنار جیحون رسیدیم ما را خبر آوردند که رمه ایشان از آنسـوی آبست چون بر آب عبره کردیم و از آن سو رفتیم این سالار که اسب دست سپید داشت از قفـای مـا درآمد و ما همه بدو نظاره می‌کردیم و آن سادات عرب با یکدیگر می‌خندیدند و راست آن سالار چون بمیان رود رسید اسبش دست برزد و بسر درآمد و سوار را بیفکند و سوار غرقه شد و آن سادات عرب بیامدند و گفتند که ما هر دو می‌گفتیم که اسب دست سفید نباید داشتن و شما را باور نمیشـد اکنـون بیازمودید که ما چندین سوار بدین رود بگذشتیم هیچ کس را آزاری نرسید مگر این مرد را و ما از بهر

[1] . از بلاد عمده چغانیان و مطابق با نقشه لسترنج نزدیک ملتقای رود زامل وجیحون.

آن سالار تنگدل گشتیم و نه جایگاه ایستادن بود براندیم و رمه ترمدیان بسیار بگرفتیم و باز کنار آب آمدیم و چون بدانجایگه رسیدیم کُردی از ما بران اسب دست سپید نشسته بود و ما از ان آگاهی نداشتیم تا برود عبره کردیم و چون بمیان رود رسیدیم بانکی و آشوبی شنیدیم که از قفای ما برمی‌آمد چون نگاه کردیم آن سوار نیز غرقه شد و چون از رود بگذشتیم هیچ کس را رنجی نرسیده بود مگر آن دو مرد را و ما را آنروز درست شد که چنین است که این سادات عرب میگویند و چون از رود بگذشتیم آن اسپ را بفرمود[م] تا پیش بکنند و این سالاران ترکمان چنین میگویند که این اسپ را پی بکنند و ازین محتشمان یکی بر آن اسب نشست و هنوز پنج و شش فرسنگ نرفته بودیم که دشمن در رسید و چون دشمن نزدیک شد ما رمه در پیش ده سوار کرده بودیم و کسیل کردیم(ظ: ما رمه که در پیش ده سوار کرده بودیم گسیل کردیم) و خود بجنگ ایستادیم و اول تیری که بینداخت راست بدین مرد آمد و از اسب درافتاد و جان بداد راست چون ما آن بدیدیم غمگین گشتیم و ازین سادات عرب مردی مبارز بود چون چنان دید شمشیر برکشید و آن اسب را دو سه شمشیر بزد و بکشت و هم از آن جایگه برگشت و بر لشگر دشمن حمله کرد و سواری را که در پیش ایستاده بود شمشیری برمیان زد و تا بسینه بدو درآورد و مردم ما چون چنان دیدند بیکبار حمله کردند و دشمن را هزیمت کردیم و تا کنار جیحون از قفای ایشان برفتیم و بیست مرد از ایشان اسیر کردیم و بازگشتیم و این سخن پیش آن سالاران هم درست نتوانستیم کردن و لیکن پیش من درست شد و پس ازین پیش این سالاران نیز درست شد بروزگارهای دراز ولیکن ترک و ترکمان این بدرست ندارند و ازین نیندیشند» انتهی، اینست مجموع فقرات مطالب کتاب در خصوص مؤلف باستثنای یکی دو فقره که از ذکر انها بعلّت طول مطلب صرف نظر شد.

نسخه ناقص است و اوراق اوائل آن نیز بقدری جابجا و درهم صحافی شده که ابتدای آنرا ابداً نمی‌توان مشخص و معین نمود، و عناوین فصول آن بعد از اوراق مذکور که مربوط است به ذکر آیات قرآن کریم و احادیث نبوی راجع به جهاد و غزا و علامات امراض اسب و طریقه علاج آنها بشرح زیر است:

– اسپان خراسانی از چند گونه‌اند و هر یکی چکار را شایند.

– آنچه اسپان داغی فصیله(فضیلت) دارند بر دیگر اسبان.

– اندر پیدا کردن انکه اسب دونده را چون باید شناختن.

– در دانستن نیکی اسب که از چه میکند.

– در آنکه اسب را چگونه خصی باید کردن.

– در سخت کشیدن تنگ اسب.

– در آنکه اسب تازی را چگونه باید شناخت.

– در بیان آنکه اسب منع الرکاب از چند گونه بود.

– در انکه اسب پشت ریش چگونه علاج پذیرد.

– اندر شناختن اسب و پیدا کردن نیک و بد آن و آنچه پسندیده بود در وی.

– در انکه اسپ را هر اندامی چگونه می‌باید.

– اندر پدید کردن که اسب چگونه باید دیدن و شناختن.

– اندر دیدن اسب و شناختن.

– در انچه دلیل باشد بر نیکی اسب و آن شش چیز است.

– اندر یاد کردن علتها که در اسب پدید آید.

- اندر شناختن دندان اسب.

- اندر یاد کردن کره که چگونه باشد از ان وقت که برآید.

- اندر پدید آوردن علامت کره نیک.

- در انکه نشانی که بر پیشانی اسب بود.

- در بیان دانستن رنگهای اسبان.

- در پیدا کردن علامتها و نشانها که بر اسب باشد.

- اندر ریاضت کردن.

- اندر یاد کردن اسب پادشاهان که چگونه ریاضت باید کردن.

- اندر یاد کردن که اسب چند گونه است و هر یکی بچه کار آید.

- در پیدا کردن منع نعل و آن از چند گونه باشد.

- در ریاضت کردن اسپ که عرقش زود بیاید.

- در پیدا کردن علف اسب.

- در خوید و سبست دادن.

- در پیدا کردن علف که اسب را فربه کند.

- در پیدا کردن حمر که چگونه است.

آغاز موجود: «بکشند با رضای خدای تعالی بجوید او را ثواب بسیارتر و عظیم‌تر و ایزد تعالی مردم را فرموده است تا اسب دارند و سواری آموزند قوله تعالی و اعدوالهم الآیهٔ».

انجام: «پس باید که سوار چون سباق خواهد کردن این همه که ما یاد کردیم نگاه دارد تا اعتماد بر سباق بود اما آنچه دانستیم درین باب بتمامی یاد کردیم و این آخر کتابست در شناختن و بضمیر(کذا) و عیب کاهها و علف دادن اسب که ما یاد کردیم اکنون بعد ازین کتاب بیطره یاد کنیم[1] آنچه دیده و شنوده و آزموده‌ایم تمت الکتاب بعون الملک الوهاب».

نستعلیق، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دهم هجری، کاغذ حنائی، آیات قرانی و عناوین بشنگرف، ۱۴س، ۱۵۰گ ۱۲×۱۷، جلد تیماج، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۹۱

بغیۀ الفلاحین و الاشجار المثمرۀ و الریاحین

(۲۲۵۸۴)

(عربی)

تألیف الملک الافضل العباس بن الملک المجاهد علی بن الملک المؤید داود بن الملک المظفر یوسف بن الملک المنصور عمر بن علی بن رسول الغسانی است(متوفی در روز جمعه ۲۱ شعبان ۷۷۸) در باب زراعت و غرس گیاهان و فوائد و منافع و طبایع و مضار انواع میوه‌ها و طرق دفع آفات از آنها بر اساس مؤلفاتی از قبیل الاشارۀ فی العمارۀ از تصانیف پدرش الملک المجاهد سیف الدین علی(متوفی در سنه ۷۶۴) و ملح الملاحۀ فی معرفۀ الفلاحۀ از تصانیف جدش الملک الاشرف[2] و الفلاحۀ الرومیۀ و

---

[1] . چنان که سابق بر این گفتیم این قسمت از کتاب بنجو نامرتب در ابتدای نسخه قرار داده شده است.

[2] . کذا فی النسخۀ صریحا واضحا یعنی با اضافه«جدی» به الملک الاشرف، ولی از مراجعه به کتب تواریخ معلوم می‌شود که این شخص فی الواقع برادر جدّ مؤلف یعنی برادر الملک المؤید یعنی عموی پدر مؤلف است، و او را نیز مانند عموم افراد و ملوک فاضل سلسلۀ غسّانی تألیفات

الفلاحۀ النبطیۀ و غیره، و چنان که در ترجمه احوالش مسطور است او را بجز این کتاب تألیفات دیگری نیز بوده که طابع کتاب العسجد المسبوک و الجوهر المحکوک فی طبقات الخلفاء و الملوک در مقدمه خود بدون این که ذکر این کتاب را بمیان بیاورد آنها را تعداد نموده است.[۱]

فهرست عناوین ابواب

کتاب مشتمل است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه بتفصیل ذیل:

مقدمه– در بیان مطالب متنوع و کلی در باب نباتات و بیان اقوال افلاطون و ارسطو و دیگران از اصحاب فلاحت.

باب اوّل– فی الارضین و صفاتها و ما یستدل به علی جیدها و ردیها.

باب دوم– فیما یستمد به الارضون.

باب سوم– فی ذکر المیاه و ما یستدل به علیها و علامات المواضع التی یکون فیها.

باب چهارم– فی اختیار الارض و اصلاحها.

باب پنجم– فی اوقات الفلاحۀ و ما یحتاج الیه من امورها.

باب ششم– فی الزروع.

باب هفتم– فی القطائی.

باب هشتم– فی البقول و الخضروات.

متعدّدی است در موضوعات مختلف علوم از طب و نجوم و اسطرلاب و بیطاری و انساب و رجال و فنون ادب و غیره از جمله کتاب المعتمد فی الادویۀ المفردۀ مذکور در این کتاب در موقع خود در حرف میم.

[۱] . مراجعه شود بجهت مزید اطلاع از ملوک غسّانی(خاندان رسولی) و سایر رجال این سلسله به العسجد المسبوک تألیف الملک الاشرف و مأخذی که طابع آن ذکر نموده و کتاب استانلی لین پول موسوم به The Mohammadan Dynasties, pp ۹۹–۱۰۰ و معجم الانساب زامباور(۱: ۱۸۴).

باب نهم- فی البزور المتخذة لاصلاح الاطعمة.

باب دهم- فی الریاحین و ما شاکلها.

باب یازدهم- فی الاشجار المثمرة.

باب دوازدهم- فی تثمیر الاشجار و اصلاحها بعد هدمها.

باب سیزدهم- فی ترکیب الاشجار بعضها فی بعض و ما یترکب منها و الاخبار عن معرفة الاقالیم السبعة و اهویتها و طبایعها.

باب چهاردهم- فی الخواص.

باب پانزدهم- فی دفع الآفات عن الزروع.

باب شانزدهم تحتوی علی خاتمة تشتمل علی فوائد شتی علی سبیل الاختصار.

آغاز: «بسمله الحمدلله حامی حوزة بلاده بملوک اجتباهم لحراسة عباده(بعد از هشت سطر) اما بعد فان قلم القدر اذا جری بتأیید الله تعالی للعبد و اسعاده و خصه بتوفیقه و ارشاده الهمه اکتساب الامور و السجایا الحمیدة و الزمه بالمزایا الشریفة المجیدة و انه لما تولانی الله تعالی بعین عنایته فی اصداره و ایراده و حبانی من خفی الطافه باسداء طارق احسانه و تلاده و اتانی زمام ذلک کله فاذعن لی الاقبال باصحابه و انقیاده و المطلب المطلوب من شکر سبیل احسانه السابغ تألیف کتاب یکون جواهر معرفته ازین لعارفیه من جلاء العقود الخ».

انجام موجود: «و کل اقلیم منسوب الی کوکب من الکواکب السبعة بحیثما اوجبته التجربة علی الامر الاکثر الاقلیم الاول لزحل».

نسخه مصدّر است به کتب مذکور در ذیل:

۱. طراز اعلام الزمن فی طبقات اعیان الیمن

تألیف موفق الدّین علی بن الحسن الخزرجی است(ابوالحسن علی بن الحسن بن ابی بکر بن الحسن بن علی بن وهاس الخزرجی الزبیدی الشافعی معروف به ابن النقاش مؤلف العقود اللؤلؤیۀ فی تاریخ الدولۀ الرسولیۀ و العسجد المسلوک و الزبرجد المحکوک فی من ولی الیمن من الملوک و متوفی در اواخر سنه ۸۱۲) در ذکر طبقات اعلام و ملوک و امرا و اعیان و صدور و علما و زهاد یمن که آنرا بموجب اشارۀ الملک الاشرف ابوالحسن اسمعیل بن عباس[۱] تألیف و مطابق با ذوق و سلیقه او مرتّب و مهذّب نموده و چنان که در مقدمه کتاب مسطور داشته غالب مطالب آن مأخوذ از کتاب ابوعبدالله محمدبن یوسف بن یعقوب الجندی ملقب به بهاءالدین است. اصل کتاب مشتمل بر دو جزو است و این جزو که مؤلف آنرا مقدمه مضمون کتاب قرار داده اختصاص دارد به ذکر سیرت رسول الله(ص) و تراجم احوال و وقایع ایام خلفای راشدین و بنی امیه و بنی عباس و سلاطین و حکّام ممالک و بلاد مختلف اسلامی به نحو عام از صدر اسلام تا استیلای الملک الظاهر رکن الدّین برقوق بر دیار مصر و حبس و آزاد کردن او خلیفه المتوکل علی الله را و فوت برقوق.

آغاز: «بسمله الحمد لله الاول القدیم الباطن الظاهر الحکیم(پس از چند سطر) و بعد فان جماعـۀ مـن اخوانی کثرالله امثالهم و جمل فی الدارین احوالهم و سدد بتوفیقه افعالهم و اقوالهم سألونی ان اجمع لهم کتابا مختصراً جامعا محرزا یحتوی علی طبقات علماء الیمن و صلحائها و ازمان ملوکها و کبرایا فاحببت داعیهم الخ».

---

[۱] . از مجلّد دوم یتیمۀ الدهر ثعالبی نسخه‌ای در کتابخانه آستان قدس محفوظ است(تحت رقم ۵۰۳۰) که در غایت ضبط و اتقان و به رسم خزانه اوست به این عبارت: –«الامام العادل السید الاجل الملک الاشرف ممهد الدنیا و الدین ابی العباس اسمعیل بن مولانا السلطان الملک الافضل العباس بن علی بن داود بن یوسف بن عمر بن علی بن رسول الغسانی»، و این ممهدالدین اسمعیل حکومت یمن و قسمت عمده‌ای از عربستان را تا ربیع الاوّل سنه ۸۰۳ که سال فوت اوست به عهده داشت.

انجام: «فی العشر الاواخر من شوال سنهٔ احدی و ثمانین... تمت المقدمهٔ المبارکهٔ بحمدالله و منه یتلوها ان شاءالله تعالی مضمون الکتاب و ترتیب ما ذکرنا فیه من الابواب».

(۱-۱۲۸)

۲. عجائب المقدور فی نوائب تیمور

تألیف احمدبن محمد معروف به ابن عربشاه است در بیان احوال و فتوحات امیر تیمور گورکانی(متن عربی آن را اول بار یاکوب یولیوس مستشرق هلندی[متوفی در سنه ۱۶۶۷م.] به طبع رسانید).

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی علی منوال ارادته و تدبیره تنسج مقاطیر الامور».

انجام: «الحمدلله حمدا یملأ ارکان الامکنهٔ و یعطر خیاشیم الازمنهٔ و صلی الله علی سیدنا محمد تبلـغ قالیها مأمنهٔ... وافق الفراغ من رقم هذه النسخهٔ یوم الاحد ثالث عشر شهر محرم الحرام سنهٔ ۱۱۹۵ نقل من النسخهٔ التی نقلت من النسخهٔ الاصلیهٔ حسبما ذکره فیها...».

(۱۲۹-۲۱۴)

۳. کتاب المخترع فی فنون من الصّنع

کتابی است در بیان کیفیت ساختن انواع مرکب و صفات و طریقه تشخیص بهترین قلم‌ها و طرق قلـع رنگها و مطالبی از این قبیل از تألیفات جدّ دوم مؤلف بغیهٔ الفلاحین و الاشجار المثمرهٔ و الریـاحین و دومین امیر از امرای غسّانی(رسولی) الملک المظفر شمس الدین یوسف بن الملک المنصور عمر بن علی بن رسول الغسّانی متوفی سنه ۵۹۴ مشتمل بر ده فصل بتفصیل ذیل:

- فی القلم و استحباب الجید منه و اختیاره و اختلاف بریة علی اجناس الخطوط و صفة الدواة[1] و اختلاف آلاتها من السکاکین.

- فی عمل اجناس المداد و عمل الاحبار السود و الاحبار الملونة.

- فی عمل اللیق و تلوین الصباغات و خلطها و حل اللک و حل السندروس.

- فی الکتابة بالذهب و الفضة و ما یقوم مقامها و حل اللازورد.

- فی وضع الاسرار فی الکتب و ما یمحو الدفاتر و الرقوق.

- فی عمل الحلزون و حل عرا السمک و الصاق الذهب و الفضة و صفة مساقلة و صقلة و اقلام الشعر و الریش.

- فی تجلید الکتب و آلاتها.

- فی معرفة صبغ الوان للتحریر علی اختلافها و القصارة.

- فی معرفة قلع الاثار و المطبوعات من الثیاب و عمل الصابون.

- فی معرفة تطییب النفط و سک اللجام للفضة و الذهب.

---

[1]. یعنی جعبه مستطیل باریکی از چوب نازک یا مقوا که داخل در جعبه دیگری می‌شود که بیرون آن از سه طرف معمولاً مدهون و منقش است و جوف آن یعنی جعبه داخلی در قسمت رأس موضع لیقه و مداد مایع و در قسمت ذنب(مقلمه) موضع آلات و ادوات هفده گانه کتابت است از ملواق و مرمله و مفرشه و ممسحه و منفذ و منشاۀ و مسقاۀ و قطزن و قلمتراش و قلم و غیره(غالباً پنج قلم در آن می‌گذاشته‌اند و اگر به جهت مجلس پادشاه بوده تفأؤل را هفت قلم به علامت نفاذ حکم او در هفت اقلیم، و کمتر از این مقدار را خوش نمی‌داشته‌اند چنان که این معنی از حکایتی که ابن خلکان در ترجمه ابوالفتح موسی بن سیف الدین ابی بکر بن ایوب نقل کرده کاملاً مشهود است، گوید: -«و لقد رأی[ای ابوالفتح موسی] یوماً فی دواۀ کاتبه و شاعره الکمال ابی الحسن علی بن محمد المعروف بابن النبیه قلماً واحداً فانکر علیه ذلک فانشده فی الحال دو بیت:

قال الملک الاشرف قولا رشدا　　اقلامک یا کمال قلّت عددا

جاوبت لعظم کتب ما تطلقه　　تحفی فتقط فهی تفنی ابدا»

و دوات یا دویت همان است که در زبان فارسی امروز قلمدان گفته می‌شود و در قدیم اختصاص به کتاب و اصحاب دواوین داشته و آن چیزی که فعلاً نزد ما به دوات موسوم است اصلاً به نام محبره و مختص اصحاب حدیث و طلاّب علوم بوده است.

آغاز: «بسمله الحمدلله المحمود بکل لسان... و بعد فهذی(کذا) کتاب جمعت فیه طرفا من الصناعات و نبذاً من الصباغات».

انجام: «وجده علیه فانه غایة فی ذلک لایکل ابدا».

(۲۱۴-۲۳۳)

پس از آن یازده ورق فواید و مطالب تاریخی است بزبان عربی مربوط به وقایع خلافت عمر، و در آخر نسخه مثنوی پران سکه است در هفده ورق بزبان اردو بخط نستعلیق.

آغاز: «بسمله

جب درویش حکیم پکهانی راز تب کهر کیلاس بهی شیراز»

انجام: «دریل سندی نوبکری حمدیان ترنه».

نسخ(کتاب اول یعنی طراز اعلام الیمن بقلم نسخ جلی خوش و بقیه بخطی پست)، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود سنه ۱۱۹۵، عناوین و فصول و ابواب به الوان مختلف و بقلم جلی، جداول اوراق بشنگرف و تحریر مشکی، کاغذ نخودی ضخیم، ۳۵-۲۷س، ۳۲۱گ ۲۱×۳۲، جلد مقوا عطف و سجاف چرم و لبه دار، واقف حاج سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۹۲

الجامع(لقوی الادویة و الاغذیة)

یا:

المفردات

(۱۰۰۳۲)

(عربی)

کتابی است جامع و مبسوط در بیان ادویه مفرده و خصوصیات ظاهری اصناف حشایش و نباتات طبی و خواص و منافع و تأثیرات و کیفیت استعمال و مراتب قوای انها بترتیب حروف معجم که قرنها از کتب فوق العاده مهم و عمده این شعبه از علوم و در غایت اعتبار در نزد علمای فن بوده است. مؤلف آن ضیاءالدّین ابو محمّد عبدالله بن احمد المالقی النباتی(متولد در مالقه از بلاد اندلس و متوفی در ۶۴۶ بدمشق) معروف به ابن بیطار است که در علم عقاقیر بخصوص معرفت خواص انواع ریاحین و نباتات طبی در زمره اجلّه علما محسوب می‌شود.

وی بعد از تلقی فنون طب درمحضر استادان عصر از جمله ابوالعباس احمدبن محمّد معروف به ابن الرّومیه[۱](۵۶۱–۶۳۷) بجهت تحقیق و تتبع و کسب اطلاعات بیشتر در خصوص گیاهان طبی به بلاد یونان و روم و شمال افریقا رفت و در اثنای این سفر به الملک الکامل محمد بن ابی بکر پیوست و از او اعزازها دید و به ریاست علمای علوم گیاهی در مصر منصوب شد و پس از ان که الملک الصالح ابوالفتوح نجم الدّین ایوب(۶۰۳–۶۴۷) به حکومت رسید از طرف وی مأمور به تألیف کتابی در خصوص ادویه مفرده نباتی و معدنی و حیوانی و بیان خصوصیات و منافع و مضار آنها گردید و او این کتاب را که حقا در نوع خود جامع و بی‌نظیر و در اقصی درجه استقصا و تحقیق است با استفاده از مطالب کتب و اقوال مشاهیر علمای متقدم مانند جالینوس و دیسقوریدوس و ابن ماسویه و ابوالعباس

---

[۱] . هو الشیخ الامام الفقیه الحافظ الناقد الطبیب ابوالعباس احمد بن محمد بن مفرج الاشبیلی الاموی ولد سنۀ احدی و ستین و خمسائۀ قال ابوعبداله الابارکان ظاهریا معتصبا بعد ان کان مالکیا و کان بصیرا بالحدیث و رجاله و کانت له بالنبات و الحشائش معرفۀ فاق اهل العصر و جلس فی دکان لبیعها قلت له کتاب التذکرۀ فی معرفۀ شیوخه و له کتاب المعلم بمازاد البخاری علی مسلم مات فی سلخ ربیع الاول سنۀ سبع و ثلاثین و ستمائۀ، (نقل باختصار از کتاب سیرالنبلاء تألیف ذهبی، نسخه عکسی ملکی راقم این سطور که اصل ان محفوظ است در کتابخانه احمد ثالث در طوپ قاپوسرای، استانبول).

النباتی و ابوجعفر الغافقی و نظراء ایشان براساس تجربیات و مشاهدات و ذوق علمی خود تألیف نمود و در آن بیش از ۱۴۰۰ نوع از ادویه مختلف را(اکثر با ذکر مترادفات یونـانی و اندلسـی و بربـری و فارسی) توصیف و معرفی کرد.

این کتاب را ژوزف فون زونتهایمر در دو جزو بزبان آلمانی ترجمه نموده و در سنوات ۱۸۴۰-۱۸۴۲ در اشتوتکارت بطبع رسانیده[۱] و ترجمه فرانسوی آن نیز در سـالهای ۱۸۷۷ و ۱۸۸۳ بدسـت لکلـر صورت پذیرفته است.[۲]

آغاز: «بسمله الحمدلله الذی اقام بلطیف حکمته بنیۀ الانسان و اختصه بما علمه من بدیع البیان».

انجام: «و ههنا نجز الغرض المقصود من الکتاب الجامع لقوی الادویۀ و الاغذیۀ».

نسخ، کاتب علی بن محمد بن علی التبریزی، تاریخ کتابت پنجشنبه ۲۴ محرم هفتصد و(سی؟) و پنج(دو جزو اوّل که تاریخ ان صریح‌تر است ۷۳۴ یعنی ۸۸ سال بعد از فوت مؤلف)، کاغذ نخودی، عناوین همگی به شنجرف و بخط ثلث، جلد قهوه‌ای ساده، ۲۷س، ۳۱۸گ ۲۲×۲۹، اندازه مسطر ۱۶/۵×۲۱، واقف والانژاد، تاریخ وقف شهریور ۱۳۴۸.[۳]

۴۹۳

الجامع

(۱۲۲۶۶)

---

[۱]. Sontheimer, J.V., Grosse Zusammenstellung uber die Krafte der bekannten einfachem Heil- und Nahrungsmittel von... Ebn Baithar, ۲ vols., Stuttgart, ۱۸۴۰-۲.

[۲]. Lucien Leclerc, Traite des simples, par Ibn al- Beither, notices et extraits, vol. XX۱۱۱,XXV et XXV۱.

[۳]. در ظهر ورق اوّل بیتی مسطور است در معما بقول کاتب اسم کمال و آن بیت این است:

نام بت من زغایت حسن　　　　آبی است میان کل چکیده.

این نسخه جزو اوّل کتاب یعنی تا آخر حرف خاء(خیزران بلدی) و ابتدای حرف دال است.

انجام: «من دیسقوریدوس و قد ذکرته فی حرف الالف».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اواخر قرن نهم، کاغذ نخودی، اسامی اشخاص به شنجرف و لاجورد، اسامی ادویه بقلم زر و در حاشیه به شنجرف، ۲۳س، ۲۴۰گ ۱۷/۵×۲۶/۳، اندازه مسطر ۱۲×۱۹، جلد تیماج خرمائی ساده، واقف سید جلال الدین تهرانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۶۱.

۴۹۴

الجامع

(۵۱۷۰)

این نسخه مشتمل است بر حرف الف تا آخر حرف سین.

انجام: «و اطباء الشام و العراق یعرفون قشر اصل هذا النبات... ان شاءاله تعالی».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر حدود قرن یازدهم، اسامی ادویه به شنجرف، کاغذ حنائی، جلد تیماج ضربی خرمائی، ۲۸۴گ ۱۷×۲۸، ۲۳س، واقف میرزا رضا خان نائینی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۱۱.

۴۹۵

الجامع

( )

این نسخه تا اوائل فصل فی الذرائر و ما یطیب رائحۀ البدن» را بیشتر ندارد.

انجام موجود: «دواء الملوک یقطع رائحۀ الاباط».

نسخ خوش، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر اوائل قرن یازدهم، عناوین بشنگرف، کاغذ حنـائی، ۳۰س، ۴۸۶گ ۱۹×۲۶، جلد تیماج ضربی دو رویه لبه دار، واقف سیدعبدالباقی آیت اللهی شیرازی، تـاریخ وقف اسفند ۱۳۷۴.

۴۹۶

الحشائش

De Materia Medica

یا:

هیولی علاج الطب

(۵۰۷۹)

(عربی)

تألیف پدانیوس دیوسکوریدس یا چنان که در کتب عربی مسطور اسـت دیوسـقوریدس[۱] از مشـاهیر اطبای متقدم و فحول علمای علوم ادویه مفرده است که آن را احیاناً به اسامی دیگری از قبیل مفردات و یا به لحاظ تعداد مقالات اصلی که پنج مقاله است به خمس مقالات نیز موسوم کـردهانـد و آن کـه موضوعاً اختصاص دارد به بحث و تحقیق در باب خواص و منافع عقاقیر و مفردات ادویـه از همـان زمان تألیف به جهت اشتمال بر دقائق و بدایع نکات علمی بخصوص به جهت بسط و اشباع و تفصیل و جامعیت غالباً بل دائماً مطمح نظر و محل اعتنای تام عموم طبقات اطبا بـوده و قرنهـا چـه در بـلاد و

---

[۱] . ذیسقوریدس، دیسقریدس، دیاسقوریدس، ذیاسقوریدس، دیوسقوریدس همگی صور مختلف یک اسم است و نباید او را با سمّی او دیسقوریدس کحال مذکور در اخبار الحکماء قفطی(ص۱۸۴) و دیسقوریدس دیگری که او هم پزشک و از مفسران کتب بقراط بوده اشتباه نمود، و این اخیر همان است که در کتب عربی(عیون الانباء ۵۸ و اخبار الحکما ۹۴) به دیسقوریدس الاول و نزد اروپاییان به Discorides Phocas شهرت دارد.

نواحی مختلف اروپائی به زبان اصلی یونانی و ترجمه لاتینی و چه در اقطار و انحـاء ممالـک وسـیع اسلامی به واسطه ترجمه سریانی و عربی همواره نزد کافه مؤلفین کتابهای طبی و قرابادین[1] از ارکان و امهات کتب در نوع خود محسوب می‌شده است.

ترجمه احوال مؤلف بنحو دقیق و مبسوط در دست نیست و به استثناء ابن ابی اصـیبعه کـه در تـألیف نفیس خود موسوم به عیون لانباء فی طبقات الاطباء[2] مطلب را در خصوص او و کتاب او انـدکی بـه تفصیل انداخته و با مراجعه به مظان مختلف بخصوص تألیفات ابوداود سلیمان بن حسان معروف به ابن جلجل توانسته است معلومات بکلّی روشن‌تر و قطعی‌تری بدست بدهد(یک جا در بـاب چهـارم در اواخر ترجمه احوال بقراط و جای دیگر در باب سیزدهم ذیل ترجمه ابن جلجل) عموم کسانی که در کتابهای خود جای مخصوصی بجهت درج احوال او باز کرده‌اند مسطوراتشان اغلب بسیار مختصـر و قلیل الفایده و گاهی اصلاً نقیض یا عیناً منقول از یکدیگر است.

قدیم‌ترین کسی که در ممالک شرقی ذکر او را به میان آورده و راجع به او اطلاع بسیار قلیلی بدست داده یحیی النحوی الاسکندرانی معروف به یوحنا فیلوپونس(محب التعب، محـب الاجتهـاد) اسـت از مشاهیر فلاسفه اواخر قرن پنجم و نیمه اول قرن ششم میلادی که در یکی از تألیفاتش که در باب تاریخ بوده و فعلاً مفقود است او را مطابق نقل اسحق بن حنین از او مردی دانسته است«صاحب النفس الزکیهٔ

---

[1]. Pharmacopoeia

[2]. به چاپی که اوگوست مولر از این کتاب بعمل آورده فعلاً دسترسی ندارم بنابراین در این مقال هر کجا حواله به این کتاب می‌دهیم مقصود چاپ بیروت در قطع بزرگ است که ابداً طبع منقحی نیست و اکثر حواشی آن نیز بی‌فایده و نامعتبر است مثل حاشیه‌ای که در خصوص ابوالحسن بیهقی مؤلف تتمه صوان الحکمه و لباب الانساب و معارج نهج البلاغه و تاریخ بیهق و قوام علوم الطب(نسخه آن تحت رقم ۶۲۵۱ در کتابخانه دولتی برلین محفوظ است) و کتب نفیس دیگر نوشته و او را با ابوالفضل بیهقی معروف صاحب تاریخ مسعودی مشهور به تاریخ بیهقی خلط و اشتباه نموده(ص۱۱۰) و مثل حاشیه‌ای که در خصوص ابوعلی فارسی نوشته(ص ۶۸۴) و غیره و غیره از این قبیل اغلاط و اشتباهات که اینجا موقع تفصیل و تعداد آنها نیست.

النافع للناس المنفعة الجليلة المتعوب السائح فی البلاد المقتبس لعلوم الادوية المفردة من البراری و الجزائر و البحار المجرب المعدد لمنافعها قبل المسألة عن افعالها حتی اذا صحت هذه التجربة الخ» (تاریخ الاطباء و الفلاسفة لاسحق بن حنین ۶۸-۶۹، طبع روزنتال).

از این مطلب ومطالبی از این قبیل که بگذریم صاحب ترجمه به موجب اقوال جمهور مورّخان و نویسندگان اروپائی ابتدا در مسقط الرأس خویش عین زربه[۱] و سپس نزد استادان حوزه علمی اسکندریه به تحصیل فضایل و کمالات و تلقی علوم و فنون مختلف از فلسفه و ادب یونانی و طب و معرفت خواص عقافیر و نباتات طبی اشتغال ورزید و مدتی نیز به جهت تکمیل معلومات در آتن اقامت نمود و بعدها چنان که در ترجمه احوالش مسطور است علاوه بر سیاحت در بلاد آسیای صغیر و سوریه، در عهد امپراطوری نرون(۳۷- ژوئن ۶۸م.) همراه با قشون روم از قسمت عمده‌ای از جزایر و ممالک جنوبی خاک اروپا دیدن نمود(بین سنوات ۵۸ تا ۶۸) و از نزدیک به مطالعه و مشاهده و اکتساب معلومات و تجارب در خصوص خواص طبی انواع گیاهان و نباتات پرداخت.[۲]

اصل این کتاب چنان که مذکور شد بزبان یونانی است و در ان مؤلف بالغ بر ششصد گونه از نباتات[۳] و تعداد کثیری از پرندگان و حیوانات برّی و بحری را به تفصیل و اشباع تمام مورد مطالعه و مداقه قرار داده و آن را به حسب موضوعات در پنج مقاله بشرح مذکور در ذیل مرتّب و مدوّن نموده است:

مقاله اوّل: در بیان افاویه[۱] و ادویه خوشبوو ادهان و صمغ‌ها و انواع درختان

---

[۱] . Anazarbus از شهرها و ثغور جزیره در شمال غربی سوریه واقع در قسمت جنوبی ترکیّه حالیه در میان دو رود سیحان و جیحان ولی بکلّی در شمال و نزدیک این اخیر. این شهر را در قرون هفتم و هشتم ناورزا می‌گفتند و اکنون در بین مردم ترکیه به اناورزا Anaverza معروف است.

[۲] . Ency. Britanica, Ency. Univeralis ذیل Dioscorides.

[۳] . Arturo castiglioni, A His. Of Medicine , pp. ۲۱۵-۲۱۹, ۲nd ed. Rev. (۱۹۴۱).

مقاله دوم: در بیان حیوانات و حبوب و دانه‌های خوراکی.

مقاله سوم: در بیان عصارات و اصول نباتات و گیاهانی که دارای خاصیت پادزهری است.

مقاله چهارم: در بیان گیاهان داروئی سرد و مسهل‌های گیاهی گرم.

مقاله پنجم: در بیان انواع اشربه و ادویه معدنی. (دو مقاله نیز در آخر دارد یکی در سموم De Venenis و دیگری راجع به دواب که هر دو مقاله به زعم بعضی[الفهرست ۴۰۸، اخبار الحکما ۱۸۴] منحول و از موضوعات حنین یا حبیش است).

از این کتاب نسخ متعددی به زبان یونانی موجود است که از آن جمله به نقد یعنی بدون مراجعه به فهارس و سایر مظان از چهار نسخه به تفصیل مذکور در ذیل اطّلاع دارم:

الف) نسخه کتابخانه ملی پاریس محفوظ تحت رقم ۹۱۲۹.

ب) نسخه محفوظ در کتابخانه ملی ناپل متعلق به قرن هشتم میلادی مشتمل بر ۱۷۲ ورق و ۴۰۹ تصویر.

ج) نسخه کتابخانه مورگان در نیویورک به شماره ۶۵۲ دارای ۷۶۹ تصویر، متعلق به اواسط قرن دهم میلادی.

د) نسخه معروف قسطنطینی codex constantinopolitanius یا قیصری Coesareus محفوظ در کتابخانه وین که اقدام آنها و متعلق به اوائل قرن ششم میلادی است.

متن یونانی حشائش یک بار به اهتمام آلدوس مانوتیوس در سال ۱۴۹۹ و بار دیگر در سنوات ۱۴-۱۹۰۷ به اهتمام ماکس و لمان Max wellmann در برلین بطبع رسیده و به موازات آن نقلهای

---

[1]. یقال فوه و افواه مثل سوق و اسواق ثم افاویه و الافواه ما اعدّ للطیب من الریاحین، لسان العرب به اختصار، ماده ف و ه.

متعددی نیز در زمان‌های مختلف به السنه اروپائی بعمل آمده که اهمّ آنها بدون قصد استقصا عبـارت است از ترجمه لاتینی مارچلو ویرجیلیـو Marcello virgilio مطبـوع در سـال ۱۵۲۹ و ترجمـه فرانسوی مطبوع در سنه ۱۵۷۶ و ترجمه اسپانیائی کاستیلی مطبوع در سال ۱۵۶۶ و ترجمه انگلیسی جان گودیر Goodyer که در سال ۱۶۵۵ بعمل آمده و در سنه ۱۹۳۴ به طبع رسیده است.

اما ترجمه‌هائی که از آن در اعصار مختلف اسلامی به السنه سریانی و عربی و فارسی صورت گرفتـه بشرح مذکور در ذیل است:

الف) ترجمه سریانی ابو زید حنین بن اسحق العبادی[1] متولد در سنه ۱۹۴ و متوفی در سنه ۲۶۰ مطابق مسطورات وفیات الاعیان(۱: ۴۵۶ و الفهرست ۳۵۲ و اخبار الحکما ۱۷۳) یا ۲۶۴ بنا به قول ابن ابی اصیبعه در عیون الانباء ۲۶۳، که ان را بجهت بختیشوع بن جبرائیل به عمل آورده بوده است.

ب) ترجمه اصطفانس بن باسیلوس(اصطفن، استفان بن بسیل) از اصحاب حنین و از حذاق ناقلین کتب طبی یونانی به زبان عربی که آن را بنام محمد بن موسی(متوفی ۲۵۹) عالم ریاضی معروف و یکی از مشاهیر مشوّقین اهل علم در قرن سوم موشّح نموده و حنین اصلاحاتی در آن بعمل آورده و به لحاظ این که در تاریخ علوم دارای معروفیت فراوانی است بی‌مناسبت نیست که در باب آن اندکی مطلب را مفصل‌تر بیاوریم پس گوئیم:

این ترجمه چنان که ابن ابی اصیبعه به نقل از ابن جلجل گفته(۴۹۳-۴۹۴) به همان وضعی که بود(یعنی با نداشتن معادلهای عربی برای برخی لغات یونانی) از بغداد به اندلس راه یافت و در دست مردم قرار گرفت تا این که در سال ۳۳۷ کنستانتین هفتم(ارمانیوس) امپراطور بیزانس سفیری بـه دربـار الناصـر

---

[1] . اکثر مورخین(از جمله ابن جلجل و ابن ابی اصبیعه و القفطی متفقاً حنین را در عربیت از شاگردان خلیل بن احمد دانسته‌اند ولی به لحاظ این که تولد حنین ۲۴ سال بعد از فوت خلیل بوده و حنین اصلاً و ابداً عصر او را درک نکرده این مطلب سهو واضح و از محالات است.

عبدالرحمن بن محمد اموی(۲۷۷–۳۵۰) در قرطبه فرستاد و او جزو سایر هدایا یک نسخه از کتـاب دیسقوریدس را نیز که محلّی به تصاویر گیاهان بود از جانب امپراطور به وی اهدا نمود، ولی این نسخه به لحاظ این که به زبان یونانی بود مدتها همچنان در خزانه امیـر مـذکور بـاقی مانـد و مطلقـا از آن استفاده‌ای بعمل نیامد تا این که باز در سال ۳۴۰ بنا به تقاضای عبدالرحمن، امپراطور راهبی نیکولا نام را به اندلس فرستاد و او در آن دیار به تفسیر و توضیح مشکلات و مجهولات اسـماء عقـاقیر بـرای جمعی از اطبا و دانشمندان از جمله حسدای بن شبروط الاسرائیلی وزیر عبدالرحمن مشغول شد و این عدّه بعد از فوت راهب مذکور در صدر خلافت الحکم المستنصر(متـوفی صـفر ۳۶۶) فرزنـد الناصـر عبدالرحمن مذکور جمیع تصحیفات و تحریفات مهمی را که در اسماء عقاقیر روی داده و مغیّر بل مفسد معنی بود تصحیح کرده و هر گونه شک و تردید را در خصوص آنها برطرف نمودند.

آنچه از این مطالب صریحا واضحا مستفاد می‌شود این است که کتاب مذکور همچنان در اندلس بزبان یونانی باقی ماند و کسی ابداً آنرا(یعنی مجدداً) نقل به عربی نکرد و این که فضلائی نظیر Aldo Mieli در کتـاب La Science arabe et son role dans L'evolution scientifique mondiale, pp.۱۸۲–۸۳. مدّعی ترجمه آن بدست حسدای بن شبروط و دلیسی اولیری De Lacy O'Leary در کتاب How Greek Science Passed to the Arabs(که فعلاً بدان دسترسـی ندارم)، مدّعی ترجمه آن بدست نیکولای راهب سابق الذکر و جورج سارتون در کتاب مقدمه بر تاریخ علم یک جا(۱: ۷۵۲) مدّعی نقل آن به مشارکت ابن جلجل و عده‌ای دیگر به زبان عربی در آن دیار شده‌اند همه این مدّعیات بخط مستقیم مغایرت اساسی دارد با قول منقول از ابن جلجل که خود از مردم اندلس و به عبارت اصح اهل قرطبه و از معاصرین این دو نفرو به اقوی احتمالات از معاشرین حسدای

بوده و بدیهی بل از ابده بدیهیات است که قول او در خصوص این موضوع البته بر قول هر کس دیگری مقدم و راجح است و با توّجه به اولاً سکوت کامل او از ذکر این معنی(ترجمه آن بدست حسدای یا نیکولا یا هر دو معاً) و ثانیا عدم تصریح به تعریب کتاب حشائش از ناحیه خود او و ثالثاً تشتّت اقوال و اختلاف بیّن واضح ما بین سه نفر مستشرق فاضل مذکور در باب نام ناقل کتاب و رابعاً عدم ذکر سند و مأخذ از ناحیه آنها این مدّعا را تا به دست آوردن شواهد و قرائن متقن موثق کافی اصـلاً و مطلقـاً نمی‌توان مقرون به صواب دانست.

باری کتابهائی که بدست اصطفن به زبان عربی نقل شده غیر از کتاب حشائش از این قرار است: کتاب حرکات الصدر و الرئۀ و کتاب علل النفس در دو مقاله و کتاب حرکۀ العضل ایضا در دو مقاله(تا این جا همه به اصلاح حنین) و کتاب الحاجۀ الی التنفس(با مشارکت حنین) و کتاب الفصد(با مشارکت عیسی بن یحیی) و کتاب الامتلاء و کتاب المرۀ السودا در یک مقاله و کتاب عدد المقاییس و کتـاب الادویـۀ المستعملۀ تألیف اوریباسیوس. علاوه بر اینها وی یکی دیگر از مشاهیر تألیفات جالینوس را نیـز کـه موسوم است به De Simplicimbus temperamentis er facultatibus «فی ان قوی النفس تابعۀ لامزجۀ البدن»[1] به جهت ابوجعفر محمد بن موسی بن شاکر سابق الذکر نقل به عربی کرده است.[1]

---

[1] . این کتاب را حنین و ایوب الرهاوی و حبیش و یوسف الخوزی القس هم ترجمه نموده‌اند و قول ما در خصوص ترجمه آن بدست اصطفن مستند است به نسخه فوق العاده نفیسی از این کتاب که محشی است به برخی حواشی او و متعلق است بنا به اظهر وجوه به نیمه اول قرن پنجم(محفوظ در کتابخانه آستان قدس تحت رقم ۵۲۲۳)، و در ظهر ورق اول ان کاتب نسخه نوشته است: «مقالۀ جالینوس ف ان قوی النفس تابعۀ لمزاج(در حاشیه تصحیح کرده: لامزجۀ) البدن ترجمه(کذا بتذکیر ضمیر لابد بتوهم اراده معنی کتاب) لمحمد بن موسی من اللسان الیونانی الی اللسان العربی اصطفن بن باسیل رحمه الله و نور ضریحه». اما ناگفته نماند که همه اوراق نسخه البته متعلق به کتاب مذکور نیست زیرا از قراری که مطالب و مسطورات ثلث اخیر آن مطابقت تام دارد با مندرجات ابن ابی اصیبعه راجع به کتاب الفنکس(۱۲۶-۱۳۴) و بخصوص از طرف دیگر در ورق ۳۵a صریحا واضحا می‌گوید: «تم الفنکس الاول و یتلوه الثانی و لله الحمئ، - الفنکس الثانی ذکر ما یحتاج من الکتب فی علم البرهان» پس بموجب این قراین بکلی اطمینان حاصل می‌شود که این قسمت مربوط است بلاشک به کتاب دیگری از تألیفات جالینوس یعنی کتاب الفنکس و ابداً ربط مائی به اوراق قبل ندارد یعنی این نسخه مشتمل است فی الواقع بر دو کتاب یکی کتاب فی ان قوی النفس تابعۀ لامزجۀ البدن و دیگر کتاب الفنکس که عبارت باشد از فهرستی که خود جالینوس از تقریبا مجموع تالیف خویش ترتیب داده و اصلا مرتب است

از ترجمه اصطفن از کتاب«الحشائش» نسخه‌های متعددی در کتابخانه‌های خصوصی یا عمومی معروف عالم محفوظ است و از جمله آنها نسخه نیویورک است جزو مجموعه خصوصی دکتر ریچارد اتینگهاوزن R.Etinghausen و دیگر نسخه ایاصوفیا تحت رقم ۳۷۰۳ مشتمل بر ۲۰۲ ورق متعلق به قرن هفتم هجری و دیگر نسخه اهدائی ویلیام اوسلر W. Osler به کتابخانه بادلیان در سنه ۱۹۲۶ متعلق به قرن هفتم در ۲۱۰ ورق به خط حسن بن احمد بن محمد النشوی(= نخجوان حالیه)، و دیگر نسخه محفوظ در کتابخانه پاریس تحت رقم ۲۸۴۹ مشتمل بر ۲۱۲ ورق که بدون تصاویر و به خط عبدالملک بن ابی الفتح و مورخ سنه ۶۱۶ هجری است(مجلّد دوم آن ظاهراً در دست نیست)، و دیگر نسخه محفوظ تحت شماره ۵۰۰۶ در کتابخانه مادرید و نسخه کتابخانه موزه بریتانیا به شماره ۷۸۵ که مشتمل بر فقط دو مقاله و مورخ سنه ۷۳۵ و کاتب و مصور آن«الحاج النقاش بمدینۀ السلم بغداد» است و ریو که آن را در تکلمه فهرست نسخه عربی خود معرفی نموده تصریح نکرده که ترجمه چه کسی است.

ترجمه اصطفن را دویلر به ضمیمه ترجمه‌ای لاتینی از آن جزو مجلدات سته‌ای که تحت عنوان Materia Medica منتشر نموده به طبع رسانده است.

بر فنکس اوّل مشتمل بر ذکر اسامی کتب طبی و فنکس ثانی شامل اسامی کتابهای منطقی و بلاغی و نحوی او، و این کتاب به علت سقط برخی اوراق و نداشتن عنوان تا به امروز همچنان ناشناخته و مجهول بوده است(گو این که از کتاب اوّل نیز تاکنون معرفی درستی بعمل نیامده ودر همه مواضع به غلط معرفی و توصیف شده- مثلاً در فهرست الفبائی کتابخانه مذکور که غالب مندرجات آن را باید در نهایت احتیاط تلقی نمود به نام مقاله نفس و نام مترجم هم محمد بن موسی! ضبط شده است). و ما به لحاظ این که وصف این دو کتاب را سابقا در موقع خود(در حرف میم، مقالۀ فی ان قوی النفس الخ) آورده‌ایم فعلاً در این موضع بهمین اشاره اکتفا می‌نمائیم.

[1] . غیر از این کتابها اصطفن مقطعاتی از اشعار هومر را نیز به زبان عربی نقل نموده و مبلغی از انها مرتب بر الفبای یونانی در صوان الحکمۀ تألیف ابوسلیمان منطقی سجستانی موجود است(۱۹۴-۲۰۳).

ج) ترجمه عربی بهنام بن موسی که یک نسخه مصور فوق العاده نفیسی از آن که روی پوست آهـو کتابت شده در کتابخانه ملّی پاریس محفوظ است و نام کامل مترجم مطابق با مسطورات آخر مقاله اوّل از این قرار است: -«نجزت المقالة الاولی من کتاب دیسقوریدس الحکیم نقل العبد الفقیر الراجی رحمة ربه بهنام بن موسی بن یوسف المسیحی المتطبب المعروف بابن البواب رحمه الله». کلمات والفاظ یونانی این ترجمه در مقایسه با ترجمه اصطفن بسیار کم است.[1]

د) ترجمه ابوسالم ملطی از نقله و علمای قرن ششم که آن را مترجم به موجب نقل مهران بن منصور آتی الذکر بجهت«المولی العالم العادل الکبیر فخر الدین» (الحشائش ورق ۱۵a) از زبان سریانی تعریب نموده بوده است و این فخر الدین بی‌هیچ شک و شبهه‌ای هیچ کس نمی‌تواند باشد جز همان فخرالدین ابوالحارث قرا ارسلان[2] (۵۳۹-۵۶۲) فرزند رکن الدوله داود بن سقمان بن ارتق از امرای ارتقیه شعبه حصن کیفا، و نباید اشتباه نمود این ابوسالم ملطی را با حکیم ابوسالم النصرانی الیعقوبی الملطی معروف به ابن کرایا که به موجب تقریر ابن العبری از ملا زمان دربار سلطان علاء الـدین کیقبـاد از سـلاطین سلجوقی شعبه آسیای صغیر و مردی قصیر الباع و قلیل العلم در طب و فصیح اللهجه در زبان رومـی بوده و در سنه ۶۳۲ با خوردن سم قاتل درگذشته است(مختصر الدول ۴۴۴، طبع صالحانی).

هـ) ترجمه مهران بن منصور بن مهران که عبارت باشد از همین کتاب ما نحن فیه که در این موضع از کتاب درصدد معرفی یک نسخه از ان هستیم. از احوال این شخص با فحص بلیغی که در مظان مختلف بعمل آمد مع الاسف هیچ اطلاعی بدست نیامد نه استطراداً و نه به طریق اولی مستقلاً و اصالة الاّ این که از قرار معلوم وی از رجال علمی و فضلای قرن ششم هجری بوده و زبان سریانی و عربی را نیکو می-

[1] . مراجعه شود به یادداشتهای قزوینی ۴: ۲۶۴.

[2] . قزل ارسلان در تاریخ جهان آرا تألیف قاضی احمد غفاری(ص ۱۳۳) محرف است.

دانسته و علاوه بر ترجمه این کتاب یعنی الحشائش یکی از مشاهیر مصنفات ارسطو را نیز موسوم به De coelo et mundo به نام السماء و العالم چنان کـه در اخـر نسـخه شـماره ۱۴۹ محفـوظ در کتابخانه استان قدس مسطور است در سنه ۵۵۳ به زبان عربی نقل نموده(ظاهراً بل قطعاً از سریانی و این نسخه مورخ سنه ۱۰۵۵ هجری است و از قرار تصریح کاتب استنساخ آن از روی نسخه‌ای بعمل امده که درآخر آن نوشته بوده«فرغ من تسوید بیاضه مهران بن منصور بن مهران المسیحی فی شـهور سنهٔ ثلث و خمسین و خمسائهٔ الهجریهٔ»).

ترجمه این کتاب را به قراری که مهران در مقدمه آن اظهار نموده به دستور ملک دیار بکر نجم الدین الب ابنانج قتلغ بک ابوالمظفر البی(۵۴۸-۵۷۵) فرزند تمرتاش بن ایلغاری بن ارتق به عمل آورده و در تعلیل ترجمه مجدّد آن گفته است که بعد از قراءت ترجمه ابوسالم ملطی در مجلس نجم الدین الـب اینانج به لحاظ ین که الفاظ و کلمات آن به نظر وی غیر سلیس و عاری از حلیه فصاحت آمـد مـرا تکلیف فرمود تا به ترجمه آن اقدام نمایم و من بموجب دستور وی آن را از روی ترجمه سریانی ریان حنین(بن اسحق) نقل به عربی نمودم.

این نجم الدین البی که مهران را به ترجمه این کتاب مؤظّف و بدین سبب نام خود را در جریده ایّـام مؤبّد نموده یکی از حکّام معروف ارتقیه شعبه ماردین است که در استحداث بقاع و تشیید ابنیه خیریه صاحب همّت عالی بوده و مهران بن منصور ذکر بعضی از فضایل اعمال و مستحدثات او را نظیر حسر قرامان(قره‌مان واقع در روم) و بیمارستان میافارقین در دیباچه مفصّلی که بر این کتاب نگاشته برای ابد مخلّد داشته است، از این ترجمه یک نسخه مشتمل بر ۱۴۸ ورق تحت رقم ۲۹۴۷ در کتابخانه ملـی پاریس محفوظ است.

و) ترجمه علی بن شریف حسینی به زبان فارسی که از آن یک نسخه مورخ سنه ۸۶۷ در سرای احمد موجود است.

ز) ترجمه غیاث الدین محمد رضوی که از روی نقل مهران ایضا به زبان فارسی بعمل آمده و یک نسخه از آن مورخ ۱۰۶۸ در کتابخانه بنیاد شرق شناسی فرهنگستان لنینگراد(ش ۴۳- D_1) محفوظ است(۱: ۴۳۲، ش۳۳۳۶)، (مراجعه شود در خصوص این دو ترجمه اخیر به نامه آستان قدس، شماره اول، دوره دهم، ۱۶۰-۱۶۳).

اینک به جهت مزید فایده آغاز مقالات را ذیلاً می‌نگاریم:

آغاز کتاب: «بسم الله الرّحمن الرّحیم قال مهران بن منصور بن مهران الحمد لله الذی خلق فسوی و الذی قدّر فهدی و الذی اخرج المرعی فجعله عثا احوی و خلق فیه الدا و الدوا و الغذا و الشفا و قدّر فیه النمو و القوی هو القادر علی النشأة الاخری».

آغاز مقاله اول: «بسم الله الرّحمن الرّحیم قال صاحب الکتاب و لما شا الاکثرون من القدما و المحدثین ان یدونوا کتبا کثیرة فی قوی الادویة و اختیارها التی نحن بها عارفون ایّها المحب اریة لانهم لم یـأتوا علی ذکر جمیع ما یحتاج الی معرفته منها».

آغاز مقاله دوم: «بسم الله الرحمن الرحیم المقالة الثانیة من کتاب دیسقوریذوس مهذانیوس فی الکـلام علی هیوی الطب، اما المقالة الاولی ایها الحبیب اریّه فقد ذکرنا من هیولی الطب».

آغاز مقاله سوم: «بسم الله الرحمن الرحیم اما فی المقالة المتقدمة لهذه فقد کلمنا ایها الحبیب اریوس علی الافاویه و الادهان المطیبة و غیر المطیبة».

آغاز مقاله چهارم: «بسم الله الرحمن الرحیم المقالهٔ الرابعهٔ من کتاب ذیسقوریدس العین زربی فی هیولی الطب و بالله نستمد حسن المعونهٔ اما فی المقالهٔ التی تقدمت ایها المحب اریوس فقد تکلمنا علی قوی الافاویه».

آغاز مقاله پنجم: « بسم الله الرحمن الرحیم قد اتینا فی المقالات الاربعهٔ التی تقدمت من هذا الکتاب ایها المحب اریه علی جمیع القول فی ذکر الافاویه».

[آغاز مقاله ششم: «نبتدی بعون الله تعالی و حسن توفیقه بنقل المقالهٔ السادسهٔ من کتاب دیسقوریدس العین زربی فی هیولی علاج الطب التی زعم بعض الناس انها منحولهٔ الیه و من الله سبحانه و تعالی نستمد المعونهٔ و الهدایهٔ الی الصواب بجوده قد ذکرنا فی المقالات الخمس المتقدمهٔ من هذا الکتاب ایها الحبیب اریوس»].

[آغاز مقاله هفتم: « بسم الله الرحمن الرحیم المقالهٔ السابعهٔ من کتاب دیسقوریدس العین زربی فی هیولی العلاج قال من بعد ما اتممنا الکلام فی المقالهٔ السابعهٔ(کذا، شاید: السابقهٔ) ایها الحبیب اریوس»].

انجام موجود: «و یتناول منه مع الشراب... سحنه ذات العرون».

نسخ جلی خوش، کاتب و مصوّر نامعلوم، تاریخ تحریر به موجب قرائن و امارات اواخر قرن هفتم هجری، تصاویر گیاهان و حیوانات ملوّن و به شیوه بین النهرین(۸۷۳تصویر) که در کنار برخی از گیاهان اسامی آنها به زبان سریانی نیز مسطور است، مصدّر به ۲۵ صفحه فهرست مطالب(قودیکس)[۱]، ۲۸۵گ ۲۹×۴۶، مختلف السطور(غالب صفحات ۱۹ سطری)، اندازه مسطر ۲۱/۵، عناوین موضوعات

---

[۱] . Codex و قبل از کلمه قودیکس دارد: «بسم الله الرحمن الرحیم و لما کانت عادهٔ السریان فی تألیف کتبهم ان یعملوا جدولا علی فصل فصل مما الف و کان هذا الکتاب حاویا لذکر الادویهٔ النافعهٔ للامراض و الحافظهٔ للصحهٔ وجدت فیه هذا الجدول دالاً علی کل واحد من الادویهٔ المقاومهٔ لداء کل عضو... عند ذکر الاعداد الادویهٔ و الاغذیهٔ و تصاویرها اثبت اعداده بالهندی لیخف موونته علی القاری والله المعین».

و اسامی نباتات به شنگرف، کاغذ نخودی، جلد تیماج زرشکی ساده، ناقص الاخر(ظاهراً چند ورقی از آخر آن ساقط است)، وقفی شاه عباس صفوی در سنه ۱۰۱۷ هجری.

۴۹۷

الفلاحۀ الرومیۀ

(۱۲۰۶۰)

(عربی)

تألیف قسنطوس بن اسکور اسکنه رومی[۱] است در باب زراعت و غرس گیاهان مشتمل بر دوازده جزو هر جزو حاوی چندین باب بشرح مذکور در ذیل و مترجم آن از زبان رومی(لاتینی) به عربی سرجس Sergius بن هلیا Elia رومی است[۲](ترجمه احوالش در هیچ کجا مسطور نیست).

فهرست اجزا و عناوین

الجزء الاوّل– مشتمل است بر هفده باب باین شرح:

– فی السنۀ الرومیۀ و اسماء شهورها و اعداد ایام کل شهر منها.

– فی اسماء بروج السماء و منازلها و دراری النجوم.

– فی مسیر الشمس و القمر و الشمس فی البروج و المنازل.

– فی اوقات طلوع المنازل من بعد اختفائها بالشعاع.

---

[۱] . کذا فی النسخۀ و صواب شاید اسکولاستکه یعنی Cassianus Bassus Scholastikos باشد.

[۲] . غیر از این مترجم حاجی خلیفه اسطاث و قسطا بن لوقا و ابوزکریا یحیی بن عدی را نیز مترجم این کتاب دانسته است، ولی در فهرست مؤلفات این دو نفر اخیر نام چنین کتابی ابدا مذکور نیست، و ناگفته نماند که مستشرق ایتالیائی نلینو در مقاله خود در کتاب عجب نامه تحت عنوان Tracce di opera greche giunti agli Arabi می‌گوید که اصل کتاب مذکور بزبان یونانی و موسوم است به گنوپوئیکا و تن عربی کتاب منقول از ترجمه پهلوی آن از زبان یونانی است(مراجعه شود به نامه ارسطوطالیس درباره هنر شعر، ص۴۲).

- فی معرفة اوقات طلوع القمر و اوقات مغیبة.

- فی فصول السنة و اختلاف الناس فی حدودها.

- فی الریاح و اسمائها و صفاتها و ما یستدل به علی الریح الهابة هل هی من الارض او مـن الجـو و النافع من الریاح و الضّار.

- فی علامات صفاء الهوا و صحته.

- فی العلامات التی یتوقع عند وجودها نزول المطر و التی تنذر بعدمه.

- فی العلامات التی یتوقع عند وجودها شدة البرد و العلامات التی یتوقع عند وجودها طول الشتوة.

- فی علامات تقدم اول الغلة و تأخرها و توسطها.

- الاستدلال علی حال السنة من طلوع الشعری العبور و مواضع القمر عند طلوعها.

- فی حال السنة و احوال الناس من موضع القمر عند حدوث اول وعد یکون بعد طلوع الشعری العبور.[1]

- فی الاستدلال علی حال السنة و احوال الناس من البرج الذی یکون فیه هرمز(ای المشتری).

- فی الحیلة فی دفع الذبا[ب] و الجراد عن المواضع التی یخاف علیها منها و صرف البـرد و القطعیـة و البروق و الصواعق عن المنازل و الحروث و البساتین و ما اشبه ذلک(باب ۱۶ و ۱۷ را ندارد).

الجزء الثالث[2]- در معرفت بذرها و آفات آنها و امور متعلق به نگهداری بذر، مشتمل بر ۲۶ باب از این قرار:

- فیما یجب علی الزارع من الزراعة و الاحتیاط.

---

[1] . دو شعری داریم هر دو جنوبی و هر دو قدر اوّل یکی یمانی یا عبور در صورت کلب اکبر(کلب الجبار) و دیگری شامی یا غمیصا در صورت کلب اصغر(غمیصا با غین منقوطه و صاد مهمله است و این که برخی مانند طابع دیوان ادیب صابر، ص۵۴۸ طبع موسسه مطبوعاتی علمی، آنرا با ضاد منقوطه نوشته‌اند خلاف ضبط لغوّیین است).

[2] . نمیدانم کاتب بجای ثانی ثالث نوشته یا این که جزء دوم را بکلّی از قلم انداخته است.

- فى اوان الزراع.

- فى نخر الزريعۀ.

- فيما يشكل(يشاكل) كل صنف من اصناف البذر من الارضين.

- فى مقدار ما يكون بين حبوب البداء(كذا) اذا بذرت.

- فى اذهاب الحشائش المضرۀ بالحرث.

- فيما يعمل بالبذر من الافات.

- فيما يعمل للزرع فيكثر ريعه.

- فى زرع البقول.

- فى زرع الحمس.

- فى زرع العدس.

- فى زرع الترمس و الكتان و القطن و ساير القطانى.

- فى حصار البر و الشعير و ساير الحلفۀ.

- فى تخير البقعۀ التى يجتمع فيها اكداس الطعام للدراس.

- فيما يسلم به الاكداس من الدنو النمل اليها.

- فى بيوت الاهل(الاهر).

- فى الحيلۀ فى منع ما جمع فى الاهر من البر من النقص.

- فيما يسلم به العشير من الآفات.

- فيما يسلم به العدس و الماش من الآفۀ.

- فی الزرایع التی اذا خلطت افسدت بعضها بعضا.

- فیما یسرع فیه نضج العدس و الماش و ا اشبههما.

- فیما یسلم به ما کان مطحونا.

- فی زنهٔ ما بین الحرهٔ و البر(کذا).

- فی ما تقوم مقام الخمیر.

- فی تهذیب الشعیر و صنعهٔ حتی یکون کشکا.

الجزء الرابع- در امور مربوط به درخت انگور، مشتمل بر ۷۳ باب بتفصیل ذیل:

- فی الارض التی ینبغی ان یغرس فیها الکرم.

- فی اوان حفر الکرم و غرسه.

- فی مقدار حفر الکرم التی یغرس فیها الکرم.

- فی الاوقات التی تجید فیها غرس الکرم من الشهر القمری و این ینبغی ان یکون القمر عند ذلک من الافق.

- فی تخیر ما یغرس من قضبان الکرم.

- فی غرس الکرم و ما ینبغی ان یعمل فیه لکی ترشح عروقه فی الارض.

- فی کیفیهٔ غرس الکرم الذی یسمی ثرابه بالرومیهٔ ابروکه.

- فی تحویل غرس الکرم و وقت ذلک من النهار.

- فیما یعمل بغرس العنب.

- فی غرس الکرم الذی یکون عنبه و شرابه بمنزلهٔ التریاق و الکرم الذی یکون عنبه و شرابه بمنزلهٔ الدوا المسهل.

- فیما یعمل الکرم فیطیب رائحهٔ عنبه و رائحهٔ شرابه.

- فی تحصین الکرم من غیر ان یبنی له حائط من الطین.

- فیما ینبغی ان یغرس وسط الکرم.

- فیما تقلیم الکرم و اوانه و ما یتعلق به.

- فیما یعمل الکرم لیسلم به من البرد و الدود و الآکله.

- فی اضافهٔ بعض الکرم الی بعض و ما یتعلق بذلک.

- فی اضافهٔ الکرم الی شجرهٔ الکراسنه(الکلاسبهٔ).

- فی اضافهٔ الکرم الی شجرهٔ التفاح.

- فی تألیف الکرم الذی یکون فیه العقود(العنقود) الواحد من عنبه الوان شئی(شتی).

- فی عمل الکرم الذی یتاخر ادراک عنبه.

- فیما یعمل به عند ادراک الکرم ان یکون شرابه فی ذلک العام طیبا ام لا و هل یکون قلیلا و کثیرا.

- کیف یحتال الکرم عند ادراک عنبه ان یحلو شرابه.

- فی معصرهٔ العنب و مقدارها.

- فی مخازن العصر و مواضع اوعیته فیها و ما ینبغی ان یکون من اوعیهٔ العصر فوق الارض و تحت الارض.

- فی اوان اصلاح اوعیهٔ العصیر و طلیها بالقار.

- فی اوان قطاف الکرم و ادراک عنبه.

- فی ای المنازل ینبغی ان یکون القمر وقت القطاف.

- فی ما یجب علی حفظۀ العنب و عصارته.

- فی صیانۀ العنب لیؤکل فی زمان الشتا.

- فی ما یعمل فی العنب الذی اصابه المطر.

- فی انفا العصیر فی الخوانی.

- فی ما یفعل فی عصارۀالعنب و نقله التی ینبغی بعد العصیر الثانیۀ و ما یفعل فی بذر العنب الذی فی جوفه.

- کیف یحتال للعصیر ان لا یغلی فی الخوانی و لا ینصب منه شی من اوعیته الی خارج الوعاء.

- کیف یحتال للعصیر حین یعصر ان یطیب حتی یشرب من یومه الذی یعصر فیه.

- فی اوان فتح الخوانی و ذوق العصیر و الاوقات التی یخشی فیها علی العصیر التغیر و الفساد.

- فی تحویل الشراب من وعا الی وعا.

- فی علامات الشراب الذی یتغیر و الذی لا یتغیرو الذی یطول بقاؤه علی طول الزمان و الذی لا یطول بقاوه.

- فیما یسلم به الشراب من الفساد.

- فی علاج حموضۀ الشراب اذا اصابته.

- فیما یزیل عن الشراب النداوۀ و الرائحۀ الکریهۀ التی تعرض له.

- فیما یطیب به طعم الشراب و ریحه.

- فی تصفیهٔ الشراب اذا کان کدرا.

- فی تعتیق الشراب الحدیث.

- فیما للشراب الذی یحمل فی البحر لیلا یفسد.

- فی علامات الشراب هل هو ممزوج بالما ام لا.

- فی تمییز الماء من الشراب الممزوج.

- فیما وصف به قدیم الشراب و حدیثه.

- کیق یجعل الشراب الابیض اسود و الاسود ابیض.

- فیما یعمل للشراب حتی یکون الیسیر منه یکفی الجماعهٔ الکثیرهٔ.

- فیما یدفع ضرر الشراب المسموم و یزیله.

- فیما یفسد به الشراب علی اهله.

- فیما یخفی به رائحهٔ الشراب.

- فیما یبطی السکروان کان المتناول منه کثیرا.

- فیما یعمل للکسران لیصحوا و یزول عنه السکر.

- فیما یعمل للمنهمک فی الشراب حتی یترکه و یبغضه.

- فی الاشربهٔ المسکرهٔ غیر الخمر.

- فی انواع من الادویهٔ اذا جعلت فی الشراب کان ذلک الشراب فیما جرب الاولون ذو الکثیر من الاوداء.

- فی شراب العسل و مذاهب الناس فی عمله.

- فی عمل شراب الفتاح علی ما راه الاولون.

- فی عمل الشراب الذی تسمی بالرومیة و دواهلیة(کذا).

- فی اتخاذ الشراب الذی تسمی بالرومیة السّوداب.

- فی اتخاذ الشراب الذی تسمی بالرومیة امادرس(کذا).

- فی اتخاذ الشراب المعروف بشراب الفلفل.

- فی عمل الشراب الذی یسمی بالفارسیة منحنح(کذا).

- فی یصیر(کذا) الخمر خلا طیبا.

- فی اتخاذ الخل العضوم السلیم.

- فیما یعمل للخل النضیف.

- فیما یعالج به الل النضیف.

- فیما یعمل للخل النضیف.

- فی اتخاذ خل الفلفل و هو المعروف بالخل الهضوم.

- فی علامة الخل الممزوج بالماء الخاص.

- فیما یزداد به الخل فی مقداره حتی یصیر ما هو من غیر ان ینقضی طعمه.

- فی اتخاذ الزبیب.

الجزء الخامس- این جزو مشتمل است بر هشتاد باب باین شرح:

- فی المواضع التی یتخذ فیها البساتین.

- فی ذکر اوان الغرس من السنة.

- فی معرفهٔ ای الغروس بذره و ایها کسر کسرا بالایدی ثم یغرس.

- فی حمل بذر الغرس من ارض الی ارض اخری بعیدهٔ لیزرع فیها.

- فی صیانهٔ الغرس و ما یتعهد به.

- فی کیفیهٔ قطع الشجر المثمرهٔ المتقادمهٔ العهد من موضع لیغرس فی موضع آخر من کرمها او بستانها.

- فی کیفیهٔ اضافهٔ الاشجار بعضها الی بعض.

- فی الاضافهٔ المضعفهٔ القوهٔ.

- فی اوان للاضافهٔ و امور یتعلق بها.

- فی اوان قطع فصول غرس الشجر و المثمر.

- فی الاخیال لیس ما یراد یبسه من الاشجار.

- فی اوان قطع ما یستعان به من الشجر علی البنا.

- فی مداواهٔ الشجر الذی یقل(کذا) حمله من غیر یبس یعمل الی البقلهٔ الحمقا.

- فی مداواهٔ الشجر المثمر الذی انقطع حمله.

- فیما یعمل للشجرهٔ التی لا یسقط عنها لافهٔ تصیبها من غیر ان یسقطها الریاح.

- فیما یعالج به ما عرض له من الشجر.

- فیما یداوی به الشجر اذا اصابها البرق او خطره من حره.

- کیف یحتال لثمار الشجر ان یکون فیها(کذا؟) اذا هی ادرکت ما بدا لصاحبها ان یجعل فیها من انـواع التفنن و الکتابهٔ.

- فیما یعمل للشجر حتی یعزلها الطیر.

- فى اوان غرس التفاح و صيانته.

- فى اصناف الاشجار التى تعلق بها شجرة التفاح اذا اصيفت اليها.

- فى الاحتيال للتفاح حتى يكون فيه حمرة.

- كيف يحتال للتفاح حتى يكون فيه كتابة صفراء.

- فى صيانة التفاح و ادخاره.

- فى اوان غرس الزعرور.

- فى مواضع غرس الخوخ و اوان غرسه.

- فى اصناف الاشجار التى يعلق بها شجرة الخوخ.

- كيف يحتال للخوخ.

- كيف يحتال للخوخ ان يكون له حمرة.

- فى تقدير الخوخ و خزنه.

- فى الخوخ الزهرى.

- فى غرس الكمثرى.

- فى اصناف الاشجار التى تعلق بها شجرة الكمثرى اذا اضيفت اليها.

- فى صيانة الكمثرى.

- فى تقدير الكمثرى.

- فى غرس المشمش.

- فى اصناف الاشجار التى يضاف اليها شجر المشمش.

– فی اول غرس التین و مواضع غرسه.

– فیما یسلم به التین من الدود و العفن.

– فیما تصیر شجرة التین.

– فی تصیر التین الجبلی کالبستانی.

– فیما یعمل للتین فیسرع ادارکه و ما یعمل فیه فیصیر مسهلا.

– فی اصناف الاشجار التی یعلق بها شجرة التین.

– کیف یحتال فی التین حتی یکون فی التینة الواحدة الوان شتی من سواد و بیاض و حمرة.

– کیف یحتال للتین الیابس المجموع ان یسلم من العفن.

– کیف یصان التین لکی یبقی غضا الی الربیع.

– فی غرس الرمان و اوانه.

– فیما یداوی به الرمان(نسخه به اول این باب که باب چهل و هشتم است ختم می‌شود و بقیه ابواب از آن ساقط است).

آغاز: «بسمله هذا کتاب قسنطوس الفیلسوف الرومی فی الزراعة و ما یتعلق بها مما لایستغنی الزارعون».

انجام موجود: «و ما یعمل له فیکثر حمله».

نسخ، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر قرن دوازدهم، ابواب به شنگرف، کاغذ نخودی، ۱۵س، ۱۵۱گ ۱۱/۵×۱۹، جلد تیماج یک لا، واقف سید جلال الدین تهرانی، تاریخ وقف مرداد ۱۳۶۱.

۴۹۸

فی الفلاحة(کتاب)

(۵۷۶۲)

(عربی)

تألیف یونیوس بن اباطیولیوس بیروثی است در خصوص زراعت و امور متعلق به آن از زمین و آب و خوا و اوقات سال و تغییرات ازمنه و غیره و غیره بتفصیل مذکور در ذیل و مبتن است بر کتب اقـوال فلورنطینوس[1] و دیوفنطس[2] و طارنطیوس و افریقاوس[3] و مقالات نیقاوس و کتاب موسوم به قنطرلیا، و منقسم است بر چهارده مقاله هر کدام مشتمل بر چندین باب باین شرح:

مقاله اول: در هفده باب.

مقاله دوم: در بیست و هفت باب.

مقاله سوم: در دوازده باب.

مقاله چهارم: در پانزده باب.

مقاله پنجم: در هجده باب.

مقاله ششم: در بیست و چهار باب.

مقاله هفتم: در شصت باب.

مقاله هشتم: در پنجاه و یک باب.

مقاله نهم: در بیست و یک باب.

---

[1]. از علمای علم فلاحت و گیاهان طبی در نیمه اول قرن سوم میلادی و صاحب تألیفاتی بزبان یونانی در این قبیل موضوعات.

[2]. این دیوفنطس را گمان نمی‌کنم که همان دیوفنطس اسکندرانی صاحب کتاب معروف صناعة الجبر باشد که قسطا بن لوقا بعلبکی آنرا ترجمه به عربی نموده و نسخه آن مشتمل بر مقاله چهارم تا هفتم در کتابخانه رضویه مشهد محفوظ است(مورخ صفر ۵۹۵، تحت رقم ۵۴۶۶).

[3]. شاید: افریقانوس که علی الظاهر باید همان سکستوس یولیوس افریکانوس عالم نیمه اول قرن سوم میلادی باشد.

مقاله دهم: در بیست و پنج باب.

مقاله یازدهم: در بیست و سه باب.

مقاله دوازدهم: در چهل و چهار باب.

مقاله سیزدهم: در چهل و چهار باب، ولی ناقص و اوراقش بسیار نامرتب است).

مقاله چهاردهم: در چهل و یک باب(ایضا این مقاله نیز ناقص و اوراق آن فوق العاده درهم است).

فهرست عناوین ابواب مقالات

مقاله اول:

- فی ان الضیعهٔ ینتفع بها منفعهٔ عظیمهٔ بشماهدهٔ صاحببها لها.

- فی ان الصبیان اوفق فی الفلاحهٔ من غیرهم.

- فی ای المواضع تصح الابدان فیها اکثر من غیرها و این ینبغی ان تبنی منازل الضیاع.

- فی انه ینبغی ان یکون فی الضیاع العظیمهٔ جبال کثیرهٔ الاشجار و کیف تنصب هذه الاشجار.

- فی المیاه و کیف ینبغی ان یجمع ماء المطر.

- فی انه لا ینبغی ان ینتقل الفلاحون و لا الغروس من المواضع الجیدهٔ الی المواضع الردیهٔ.

- فی الوکیل و المدیر الذی یکون علی الضیعهٔ.[۱]

---

[۱] . این باب را که مشتمل است بر بعضی دستورات مفید و اخلاقی ذیلا بجهت مزید فایده باختصار درج می‌نمائیم، گوید: -«ینبغی للمتولی علی الضیعهٔ ان یکون مثالا یتمثل به تدبیر کل من فی الضیعهٔ و ان یتشهبوا به و یکونوا یجلوا به بحسن سیرته اکثر من اجلالهم له لفزعهم منه و ینبغی ان یکون ظریفا حسن الخلق مجتنبا للشرب الشرب ما امکنه و ذلک ان کثرهٔ الشراب یولد یبساً و ینبغی ایضا ان یکون حسن المعاشرهٔ یجتنب الربح و لا یکون رغیبا فی المعاملهٔ بالربی و ان یقنع بالیسیر و ان یقوم بحوائج جمیع من فی الضیعهٔ و ینیلهم من الاشیا التی یحتاجون الیها ضرورهٔ فی کل وقت و یکون کثیر السریر(کذا) و ان ینتبه و یقوم من النوم قبل کل من فی الضیعهٔ و ان یجتنب الکذب و ینبغی ان یکون دینا متمسکا بسنن دینه و ان لا یتهاون بشیء من شرایع دینه و ان یرغب کل من فی الضیعهٔ فی الدین و التدین و ان یستجهز فی اوقات العمل و ان یریحهم فی اوقات الراحهٔ و یتعاهدهم فیما ینبغی و یطلق لهم یوماً فی کل جمعهٔ یبطون فیه و الا یحمل علیهم فی وقت من الاوقات و لایامرهم ان یعملوا عملا شاقا علیهم

- فی صحۀ ابدان الاکرۀ.

- فی انه ینبغی ان یکون فی الضیاع حدادین و بخارین و فاخرانیین و ان تکون بالقرب من الصناع.

- فی انه ینبغی ان یکون عند الوکیل قرطاس فیه ما ینبغی ان یعمل به فی کل یوم.

- فی التقدیر الذی یحتاج الیه فی الاعمال.

- فی قسمۀ اوقات السنۀ و معرفۀ تغییرات الازمنۀ.

- فی تقدمۀ معرفۀ الهوا الصاحی.

- فی تقدمۀ معرفۀ الهوا الشتای.

- فی تقدمۀ معرفۀ الهوا الشتای الذی یطول.

- فی تقدمۀ معرفۀ الهوا الشتای و یعرف بالکراکی.

- فی الکیل و الوزن.

مقاله دوم:

- فی ای الارضین اجود.

- فی ای وقت ینبغی ان تستصلح کل ارض.

- فی البروز التی ینبغی ان تزرع فی بعض الارضین.

- فی اختیار البروز و استصلاحها.

- فی العدس.

- فی الحمص.

لکن ینبغی ان یأخذهم بالراحۀ فی اوقاتها و یلزمهم ذلک سیما فی الایام التی تکون فیها الاعیاد التی تکون فی کل شهر و کل سنۀ و لیس ینبغی له ان ینقل صناعا غریبۀ و لا ان ینقل عمل ارض لیست لصاحبه و لا یقرض شیئاً بغیر امر صاحبه الخ».

- فی الباقلی و الجلبان.

- فی الجاورس.

- فی الترمس و الکبر.

- فی جمیع الحبوب و القنب و الکتان.

- فی الحشیشهٔ التی تسمی جفقال و تسمی حشیشهٔ الاسد و تسمی اوریفجی.

- فی ای الاوقات تزرع الحنطهٔ و الشعیر.

- فی تقدمهٔ معرفهٔ المطر المتقدم و المتأخر.

- فی تقدمهٔ معرفهٔ البروز التی تخصب فی کل سنهٔ.

- فی ان کیفیهٔ الارض تعین علی خصب الثمار اکثر من کیفیهٔ الهواء.

- فی تقلیب الارض بعد ان تزرع و تعطیهٔ البروز بالتراب و فی قلع الحشیش.

- فی السرجین.

- فی عمل السرجین.

- فی عمل البیدر و موضعه.

- فی الحصاد و لقط الحبوب.

- فی خزن الحنطهٔ.

- فی محنهٔ الحنطهٔ.

- کیف ینبغی ان یخبز خبزاً لذیذاً.

- کیف یحلا الترمس لیوکل.

- فی بقاء الشعیر و الدقیق زمانا طویلا.

- کیف یستأصل القصب و الثیل و الحلفا و العلیق و جمیع انواع الشوک.

مقاله سوم(فیها جمیع ما یحتاج الیه الفلاحون فی کل شهر من عمل الغروس التی تغرس و غیرها):

- فی کانون الاخیر.

- فی اشباط.

- فی اذار.

- فی نیسان.

- فی ایار.

- فی حزیران.

- فی تموز.

- فی اب.

- فی ایلول.

- فی تشرین الاول.

- فی تشرین الاخر(و فیها معرفهٔ متی تکون القمر تحت الارض و متی یکون فوقها).

- فی کانون الاول، (فیه معرفهٔ غیبوبهٔ الکواکب البابانیهٔ)[۱].

مقاله چهارم(فی الارض التی تصلح لکروم):

- فی ای الاراضی تصلح للکروم.

---

[۱]. باید الکواکب البابانیهٔ باشد و ستارگان بیابانی کواکب ثابته را گویند.

– فی اجناس الکروم و فی ای الارضین ینبغی ان یغرس کل جنس منها و فی اشکال مواضع الارضین الموافقهٔ للکروم.

– فی ای المواضع ینبغی ان تمیل المواضع التی تراد للغرس.

– فی المواضع التی تقرب من بحر او نهر.

– فی اجناس الکروم.

– فی ان قضبان الکرم التی تراد للغرس لیس ینبغی ان توخذ من کل جزو من اجزا الکرم.

– فی ای وقت ینبغی ان توخذ قصبان الکروم و ان احتجنا ان توخر غرسها و کیف ینبغی ان نحفظه.

– فی وقت الغروس.

– فی فنون الغروس.

– کم عین ینبغی ان یکون فی کل قضیب.

– فی الحفر الموافقهٔ للغروس.

– فی التقریح بین الغروس.

– فیما ینبغی ان یصیر مع غرس الکروم لتجود ثمرتها و شرابها و تسرع نبات اصولها و تکون قویهٔ وثیقهٔ.

– فی انه لا ینبغی ان تغرس الکروم مختلطهٔ سیما ما کان عنبه ابیض فانه لا ینبغی ان ینصب مع غیره.

– فی الغرس الذی یکون فی الحفر و الخنادق.

مقاله پنجم:

– فی الکروم المغروسهٔ علی الشجر.

– فی التوبدایات و الغروس التی فیها.

– كيف يمكن ان نتخذ كروم لها اصول بسرعة و سهولة اذا اردنا ان نقلعها و نغرسها فی مواضع غير المواضع التی نتخذ فيها.

– فی الاختلافات التی فيما بين الغروس التی لها اصول و التی تكون من قضبان الكروم.

– فی فنون عمل الكروم.

– فی الحفر حول اصول الكرم.

– فی الكسج(كذا).

– كم قضيب ينبغی ان يترک للكرم الذی قد اتت عليه اربع سنين و كيف ينبغی ان يكون الخشيب الذی يشدّ اليه.

– متی ينبغی ان تحفر الكروم المستحكمة و ما ينفعه حفرها.

– كيف ينبغی ان ندخل غروس فيما بين الكرم الناقص.

– فی تعاهد الكروم الحديثة.

– ای شیء يمكن ان يزرع فی الكروم.

– فی التقريص.

– فی التقريض النای و كيف الشراب ازيد بلاد بيثونيا[1] و لوديا.

– كيف ينبغی ان يتخذ شراب حلو.

– كيف ينبغی ان يستعمل السرجين و الوقت التی تحفر فيه الكروم.

– فی الدعايم التی تسند اليها الكروم.

---

[1] . Bithynia نام اين شهر در جميع مواضع در نسخه بدون تنقيط است(سوسا) و مصنف به لحاظ اين كه مدتی در آنجا بوده غالباً در تضاعيف كتاب در خصوص نحوه غرس اشجار و فلاحت در اين شهر مطالبی ذكر نموده است.

– فی کم من الهلال ینبغی ان یکون الغرس.

مقاله ششم:

– فی الکروم التی تحف ثمرها.

– فی الکروم التی لا تثمر.

– فی الکروم التی ینالها افۀ من النجوم.

– فی الکروم السقیمۀ.

– فی الکروم التی تسیل منها رطوبۀ کثیرۀ اذا کسحت.

– فی الجلید.

– فی البرد.

– فی الشوب و الیرقان.

– فی الکروم التی تنثر ثمرتها.

– فی الکروم التی تنبت فروعها کثیرۀ.

– فی الکروم التی تعفن ثمرتها.

– فی الکروم التی جرحت بالمعول.

– فی الهوام التی تضربا لکروم.

– فی علاج طبیعی ینسب الی دیموقریطس[۱] و هو عجیب قد جرب کثیرا.

– فی الجراد و العقارب و النمل.

---

۱. Democritus

- فی النمل.

- فی البق.

- فی البراغیث.

- فی الذراریج.

- فی الفسافج.

- فی الفار.

- فی الفار الذی یتولد فی الحقول.

- فی الجلد.

- فی الحیات.

مقاله هفتم:

- فیما ینبغی ان یعد للقطاف.

- فی معرفهٔ کثرهٔ الشراب وجودته.

- فی الوقت الذی ینبغی ان یکون فیه القطاف.

- فی اختلاف انواع الاشربهٔ.

- فی اختلاف الثمرهٔ.

- فی الاشیاء الطبیعیهٔ التی ینبغی ان تتفقد فی وقت القطاف.

- کیف ینبغی ان یعالج العنب الذی مطر بعد ان قطف.

- فی انه ینبغی لمن قصد لتجوید الشراب ان لعنا(کذا) باستعمال اشیا کثیرهٔ مختلفهٔ.

– فى تهيئ المعاصر.

– فى البيت الذى تصير فيه خوانى الشراب و آنيته و تسمى امسوا(كذا).

– اى الاشربئ توافق الموضع المكشوف للسماء و ايها يوافق الموضع المسقف.

– فى وضع الخوانى.

– فى الوقت الذى ينبغى ان تقير فيه اوانى الشرب و تزفت و كيف ينبغى ان يفعل ذلک.

– فى امتحان القير و الزفت.

– كيف ينبغى ان يستعمل الزفت.

– فى انواع اخر مجربئ فى تزفيت الخوانى.

– فى خزن الاشربئ التى تعتق و تعاهدها.

– وصايا عاميئ فى حفظ العصير قصب خارجا.

– فى ان يدرک العصير سريعا.

– فى تعاهد العصير.

– فى ان يبقى العصير على حالته زمانا طويلا.

– فى تلطيف العصير.

– فى تقويئ العصير.

– فى ذوق الشراب.

– فى تقديم معرفئ الاشربئ ان كانت تبقا.

– فى الاوقات التى تتغير فيها الاشربئ.

- فی علاج العصیر و الاشربة و اصلاحها.

- فی علاج مختصر فی بقا الاشربة.

- علاج جید تعلم به مذاهب کثیرة کیف یمکن التقدم فی صلاح الاشربة التی من عارتها ان تحمض و ان تبقا و تکون طیبة الرائحة لذیذة.

- فی محنة الاشیاء التی تخلط بالاشربة.

- فی الماء المالح الذی یستعمل.

- فی تهیة الملح الذی یخلط مع الاشربة.

- فی صفة وردی الزیت.

- فی الجبسین.

- فی زهر الکروم.

- فی الدردی الذی قدمنا ذکره و قلنا ان الشراب یعالج به فیصلح.

- فی ماء البحر المعمول المقدم ذکره.

- فی طبخ المیفختج.

- کیف یحتال بشراب العنب الذی قد اصابه مطر کثیران تبقا.

- فی تطییب رائحة الشراب فی ایام یسیرة.

- کیف یتخذ شراب طیب الرائحة فی کل یوم.

- فی ان یجعل الشراب الصلب لذیذا.

- فی ان یکون الشراب لذید الشرب.

- فی الاحتیال للشراب الطری حتی یطن انه عتیق.

- فی ان نطن الشراب الحدیث انه عتیق لذیذ جید الرائحۀ.

- فی ان نطن بالشراب الذی لسنته انه لخمسۀ عشر سنۀ.

- فی ان یصیر الشراب اقوا مما هو.

- فی ان یصیر الشراب ارق مما هو.

- فی علاج ما تعالج به الاشربۀ موافق لها فی جمیع الاشیا یسمی بالیونانیۀ بابانیا ترجمته علاج عام.

- فی علاج اخر مشهور مجرب ینسب الی سفناموس(کذا).

- فی تمییز الشراب الصحیح من الممزوج بالماء.

- کیف یحتال للشراب اللمزوج لیظن انه صرف.

- کیف یحتال للشراب حتی یظن انه عتیق صافی ینفذ فیه البصر.

- کیف یصیر الشراب ابیض.

- صفۀ اخری فی ذلک.

- کیف یصیر الشراب الکدر صافیا.

- کیف یرد الشراب الذی قد تغیر الی الحال التی کان علیها.

- فی علاج الشراب الذی قد بدا یتغیر و اصلاحه.

- صفۀ اخری فی ذلک.

مقاله هشتم:

- فی علاج الشراب الذی قد بدا یتغیر و اصلاحه.

- فی علاج الشراب الذی قد تغیر.

- فی علاج الشراب الذی یتخوف علیه ان یحمض.

- فی علاج الشراب الذی قد حمض.

- صفهٔ اخری فی ذلک.

- صفهٔ اخری فی ذلک.

- فی صلاح العصیر الذی قد ابتدا بحمض.

- فی ذهاب بذاوهٔ الشراب.

- صفهٔ اخری فی ذلک.

- فی ذواب ملوحهٔ الشراب و عفونته.

- فی علاج الشراب الذی قد تغیرت رائحته الی العفونهٔ.

- فی ان لا یحمض الشراب.

- فی علاج الشراب الذی قد برد من البرد.

- فی علاج الشراب الردی الرائحهٔ.

- فی الشراب الذی قد تغیر من صداناء نخاس.

- فی علاج الشراب الذی قد اصابه دخان او زیت من السراج.

- فی علاجات الشراب الذی قد فسد و ضعف.

- فی ان یکون الشراب الذی یحمل فی البحر باقیا لا یتغیر.

- فی تهیهٔ شراب من شربهٔ لا یمرض.

- فی عمل شراب یحفظ من شربه فیصلح الی ان یشیخ و لا یسقط قوته.

- فی صفۀ شراب الافسنتین.

- فی صفۀ شراب الورد.

- فی صفۀ شراب العنصل.

- فی صفۀ شراب حب الاس.

- فی صفۀ شراب العسل.

- صفۀ اخری فی ذلک.

- صفۀ اخری فی ذلک.

- فی صفۀ شراب عسل یعمل من نومه.

- فی صفۀ شراب عسل یعمل من عصیر فقط.

- فی عمل المیفختج شبیها بشراب العسل.

- فی الشراب الذی یسمی بالیونانیۀ مدنطر(کذا).

- صفۀ ماء العسل مختصر.

- صفۀ ماء العسل الذی یعمل بالاجاص.

- فی شراب السفرجل.

- فی ان تذهیب شهوۀ الشراب عن من تحب شربه حبا شدیدا.

- صفۀ طبیعیۀ لئلا یسکر الانسان.

- فی صفۀ الخل کیف یجود.

- فی ان تکون الخل لذیذا.

- فی صفۀ خل العنصل.

- فی صفۀ حل یعین علی هضم الطعام و صحۀ البدن.

- فی خل الفلفل.

- فی صفۀ شراب یصلح للفعلۀ.

- فی الخل الذی قد فسد.

- فی صفۀ خل من غیر شراب.

- فی صفۀ اخری فی ذلک.

- فی اتخاذ ماء السفرجل.

- فی امتحان العصیر الذی فیه ماء.

- فی ان ینقی الزیتون الذی یعصیر فی الماء.

- فی ان یکون الزیتون حلوا.

- فی علاج الزیتون الاسود حتی ینقا.

- علاج نافع مجرب للاشربۀ.

مقاله نهم:

- فی تطعیم الکروم.

- فی التطعیم الذی یکون بالثقب.

- فی ان یحمل الکرمۀ عناقید بعضها بیض و بعضها سود و بعضها حمر.

- فی ان یحمل الکرم عناقید مختلفة الالوان.

- فی ترکیب الکرمة مع النبات المسمی افسوس.

- فی العنب الذی یخالطه حب الاس.

- فی العنب الذی لا یکون له عجم.

- فی الکرمة التی تسمی کرمة التریاق.

- فی العنب الذی تکون رائحته الطیب.

- فی ان تحتال الکرم حتی تسرع نبات فروعه.

- فی تطعیم الشجر.

- فی التطعیم الذی یکون من ترکیب القضبان بعضها علی بعض.

- فی ان یحمل شجرة التین ثمرة یکون لها لونین.

- فی ان یحمل شجرة التین ثمنیة الوان من التین و اکثر فی ذلک.

- فی تطعیم الرمان.

- فی شجر الزیتون.

مقاله دهم:

- فی اتخاذ بستان.

- فی ان الغروس یکون علی انواع کثیرة مختلفة.

- فی ای الاشجار تخصب اذا صیر غرسها من بزورها و ایها اذا غرست من فروع او من اوتاد.

- فی قضبان الشجر التی تصیر لها اصول ثم تنقل فتغرس و کیف ینبغی ان یکون غرسها.

- كيف ينبغى ان تحول اشجار عظام مثمرة فيغرس فى مواضع آخر.

- كيف يمكن ان تجلب بزور من مواضع بعيدة فتكون غرس الاشجار.

- كيف ينبغى ان تنقا الاشجار و فى اى الاوقات تكون ذلک.

- فى علاج عام يصلح ان تعالج به جميع الاشجار فى جميع الاوقات.

- فى الرمان و كيف يمكن ان لا يكون له عجم و يكون احمر كثير الورق و لا يتشقق و يبقى اخضر فى ورقه الى وقت الربيع و كيف يعالج اذا كان عليلا و كيف يصير من الحامض حلوا.

- فى غرس اللوز و كيف المزمنة حلوا لينا فى تطعيمه.

- فى غرس شجر الجوز و تدبيره و كيف تصير ثمرته رقيقة القشر كثيرة.

- فى البندق.

- فى الصنوبر.

- فى الشاهبلوط.

- فى الفستق.

- فى غرس شجر الكمثرى.

- فى الاترج.

- فى غرس شجر التفاح و تحويل الثمرة و كيف يمكن ان يكون احمر.

- فى السفرجل و الاجاص و الزعرور و القراصيا.

- كيف يمكن ان تصور صورة تمثال على الكمثرى و التفاح و الرمان و الاترج.

- فى الخوخ و كيف يمكن ان تصير الثمرة عظيمة حمر املساوان تبقا الشجرة سنين كثيرة.

- فی غروس النخل.

- فی الاس.

- فی السیاج الذی ینسب الی ذیمقریطس.

- فی الاشجار و متی یقطع الخشب الذی یصلح للتسقیف.

مقاله یازدهم:

- فی الارض التی تصلح للبقول.

- فی نوع السقی و کیفیهٔ الماء.

- فی ان النقل یجب الرماد و السرجین و ان الرماد اوفق له.

- کیف یمکن دود البقل.

- فی کیفیهٔ الماء.

- کیف یمکن الدود الذی یعرض للکراث.

- فی ان لا تناکل البقل التاکل الذی یسمی البراغیث.

- فی وقت زرع البقول و کیف تزرع.

- فی تحویل البقول و غرسها.

- فی جزّ البقل.

- فی الکرنب.

- فی الخس.

- فی ان یکون فی اصل واحد خس و کرفس و جرجیز و باذروح و غیر ذلک.

- فی الکراث اذا حول.

- فی البصل المسمی بلبوس(کذا).

- فی الفحل و الشلجم.

- فی الکرفس، (این باب هفدهمین باب است از مقاله یازدهم).

(از اواسط این باب ببعد[حدود ۴۰ ورق] اوراق نسخه بکلی درهم و نامرتب است و از مجموع مقالات باقی مانده فقط برخی ابواب مثل ابواب مربوط به درخت زیتون و زنبور عسل و بعضی حیوانات اهلی و ماهی‌ها موجود و بقیه از نسخه ساقط است، و ما محض تکمیل معرفی نسخه و مزید فایده عناوین این ابواب را بهمین نحو که هست یعنی مطابق با وضع موجود نسخه ذیلاً درج می‌نمائیم و آن عده از ابواب را نیز که بدون شرح مطلب یعنی فقط دارای عنوان است محض تمایز به علامت ستاره مشخص می‌نمائیم):

الباب السابع – فی الاماکن التی برنا(کذا) فیها غرس شجر الزیتون.

الباب الثامن – فی تعاهد غروس الزیتون.

الباب التاسع – فی تعاهد شجر الزیتون التام.

الباب العاشر – السرجین الموافق لشجر الزیتون.

الباب الحادی عشر – کیف یمکن ان یصیر شجر الزیتون مخصبا کثیر الثمرة و کیف یعالج اذا اعتل شیء منها.

الباب الثانی عشر – فی لقاط ثمر الزیتون.

الباب الثالث عشر – فی اصفاء الزیت الانفاق.

الباب الرابع عشر– فی انواع الثانی من الزیت.

الباب الخامس عشر– فی انواع الزیت الذی یقدم و یختار علی غیره من انواع الزیت هو الذی یسمی اسطرتقون و بالامدلون و سیطون.

الباب السادس عشر– فی الحیلهٔ الزیت ان یکون شبیها بالزیت الاسنوای(کذا).

الباب السابع عشر– فی الحیلهٔ الزیت حتی یکون شبیها بالزیت الذی یسمی اسطرتقون.

الباب الثامن عشر– فی الزیت الدون.

الباب التاسع عشر–کیف یصیر الزیت الکدر صافیا.

الباب العشرون– فی اصلاح الزیت الردی الرائحهٔ.

الباب الحادی و عشرون– فی اصلاح رائحهٔ الزیت الردیهٔ من سقوط فاوهٔ او شیء آخر من الحیوان.

الباب الثانی و عشرون– فی الزیت ایضا.

الباب الثالث و عشرون– فی اصلاح الزیت الزنج.

الباب الرابع و عشرون– کیف ینبغی ان تعد الاشیاء الموافقهٔ تحب الزیتون الذی یکبس بالملح و الابازیر(پنج باب مذکور در ذیل که دنباله این ابواب است در ۹ ورق بعد از این باب مسطور است):

الباب الخامس و عشرون– فی الزیتون المرصوص.

الباب السادس و عشرون– فی الزیتون بالماء و الملح.

الباب السابع و عشرون– فی الزیتون الذی یعمل بالخل.

الباب الثامن و عشرون– فی الزیتون الذی یعمل بالسکنجبین.

الباب التاسع و عشرون- فی الزیتون الذی یعمل بالعصیر(حالا برگردیم به ذکر عناوین ابواب ۹ ورق قبل یعنی عناوین واقع در بین باب ۲۴ و این باب):

الباب الثالث- فی ان لا یسلع النحل من اراد اخذ الشهد.

الباب الرابع- فی دفع المضرة عن کوایر النخل و المزارع و البیوت و المواضع التی تعلف فیها الدواب و غیرها.

الباب الخامس- فی الخیل.

الباب الثلثون- فی الزیتون الذی یعمل تنقل العنب مع الحب(این باب تا باب ۴۶ دنباله باب ۲۹ است).

الباب الحادی و ثلثون- فی کبس الزیتون الذی ینضج فی شجره.

الباب الثانی و ثلثون- فی بقاء الفاکهة.

الباب الثالث و ثلثون- فی بقاء العنب.

الباب الرابع و ثلثون- فی صفة الزبیب.

الباب الخامس و ثلثون- فی بقاء التفاح.

الباب السادس و ثلثون- فی السفرجل.

الباب السابع و ثلثون- فی بقاء الکمثری.

الباب الثامن و ثلثون- فی بقاء الرمان.

الباب التاسع و ثلثون- فی بقاء الاجاص.

الباب الاربعون- فی لقاط اللوز و سایر الفاکهة الیابسة و بقائها.

الباب الحادی و اربعون- فی الشاهبلوط.

الباب الثانی و اربعون– فی بقاء حب الاس.

الباب الثالث و اربعون– فی بقاء التین الطری.

الباب الرابع و اربعون– فی تهیئة التین الیابس و علاجه.

الباب الخامس و اربعون– فی صفة التین المسمی فاریقوا.

الباب السادس و اربعون– فی تعاهد الانیة التی تجعل فیها التین.

مقاله سیزدهم:

– فی النحل.

* – فی العسل.

– فی ان لا یسع النحل من اراد اخذ شهد.

– فی دفع المضرة عن کوایرا النحل و المزارع و البیوت.

– فی الخیل.

اوراق مربوط به این سه باب در نسخه قبل از الباب الثلثون– فی الزیتون الذی الخ است و در سطور قبل مذکور شد.

– فی اسنان الخیل التی تصلح للنتاج.

– فی وقت النتاج.

اوراق مربوط به این دو باب بین باب ۲۹ فی الزیتون الخ و الباب الاول فیما تعرج من البقر است و سابق بر این مذکور شد.

* – فی تعاهد الرماک الحاملة.

الباب الرابع – فى البرد الذى يعرض للبقر.

الباب الخامس – فى الدود الذى يتولد فى الدبر.

الباب السادس – فيما لا ستوفى علفه.

الباب السابع – فى امتحان اختيار الغنم و امتحانها.

الباب الثامن – فى تعاهد الغنم و بقائها.

الباب التاسع – فى النتاج.

الباب العاشر – متى ينبغى ان يجز الغنم و كيف يكون ذلک.

الباب الحادى عشر – فى علل الغنم.

الباب الثانى عشر – فى الجرب.

الباب الثالث عشر – فى العلل العارض للغنم.

الباب الرابع عشر – فى علل شتى.

الباب الخامس عشر – فى تعاهد المعز.

الباب السادس عشر – فى عمل الحبن.

الباب السابع عشر – فى امتحان اللبن.

الباب الثامن عشر – فى عمل اللبب(كذا).

الباب التاسع عشر – فى الكلاب.

الباب العشرون – فى علاج الكلاب.

الباب الحادى و عشرون – فى الدجاج.

الباب الثانی و عشرون– فی بقاء البیض وکیف یکون کبارا و کم منه ینبغی ان تجعل تحت الدجاجة التی تحضن.

الباب الثالث و عشرون– فی تربیة الفراریخ.

الباب الرابع و عشرون– فی فنون کثیرة من علاج الدجاج.

الباب الخامس و عشرون– فی الوز.

الباب السادس و عشرون– فی الطاووس.

الباب السابع و عشرون– فی الوارشین و الفنج.

الباب الثامن و عشرون– فی الحمام.

الباب التاسع و عشرون– فی الشقانین و السلو و سائر انواع الطیر الصغیر.

الباب الثلثون– فی بط الماء.

الباب الحادی و ثلثون– فی تربیة السمک.

الباب الثانی و ثلثون– فی ان تجمع السمک الی موضع واحد.

الباب الثالث و ثلثون– فی صید النهری.

الباب الرابع و ثلثون– فی ان تجمع کل نوع من انواع السمک الی موضع واحد.

الباب الخامس و ثلثون– فی صید کل نوع من انواع السمک.

الباب السادس و ثلثون– فی عمل المری الذی یسمی بالیونانیة لصانون(کذا).

الباب السابع و ثلثون– فی علاج المری الذی فسد و اصلاحه.

الباب الثامن و ثلثون– فی عمل المری من جمیع اللحوم.

آغاز: «بسمله کتاب یونیوس بن اباطیلیوس الذی کان من مدینهٔ بیروث فی الفلاحهٔ ابوابا جمعها مـن فلورینطوس الخ».

انجام: «و من السمک الذی یسمی اطلالانواذاطبخ... السمک مع مـاء مـالح و میفـتحج و شـراب، تـم الکتاب».

نسخ جلی، کاتب نامعلوم، تاریخ تحریر یکشنبه ۶ شعبان ۷۳۲، عناوین غالباً به سیاهی و بعضـی بـه شنگرف، کاغذ نخودی ضخیم، ۱۷س، ۱۶۲گ ۱۷×۲۳/۵، جلد تیماج قهوه‌ای، واقف فاضل خان.

۴۹۹

مفید الخاص فی علم الخواص[۱]

(عربی)

کتابی است مشتمل بر مطالب و موضوعات مختلف طبی و کشاورزی و بیطره و تربیت اسبان و مرغان شکاری و کیفیت پرورش و غرس و جابجا کردن درختان و نحوه حفظ و تکثیر میوه آنها و صید ماهیان و پرندگان و غرائب خواص سبزیجات و معرفت اشیاء سمی از طریق حواس ظاهری(غیر از سامعه) و بیان جمیع عوارض طاری بر شخص مسموم و علاج سموم عقرب و مار و طرد وحوش و طیور و هوام و حشرات موذی و مضر از حوالی خانه و پالیز و باغ و بوستان و مزرعه و بسیاری مطالب دیگر از این قبیل از تألیفات فیلسوف و طبیب معروف ابوبکر محمد بن زکریا بن یحیی الرازی مؤلف کتاب حجیم و مبسوط الحاوی در طب و صاحب تألیفات عدیده دیگر در علوم و فنون مختلف و یکی از اجلّه مشاهیر

[۱] . این کتاب علی الظاهر شاید همانست که بی‌هیچ توضیحی درعیون الانباء جزو مصنّفات رازی بنام کتاب فی خواصّ الاشیاء مذکور است، ولی چیزی که یک قدری عجیب بنظر می‌رسد تسمیه آنست در این نسخه بصورت مسجعّ مفید الخاص فی علم الخواصّ که این نوع تسمیه از ناحیه رازی بکلّی بی سابقه و نامعهود است و در میان مصنّفات فوق العاده کثیر او برای نمونه حتی یک کتاب دیده نمی‌شود که عنوانش مسجّع باشد.

دهر که معروفیت و شهرت او در جمیع اقطار و آفاق بیش از آنست که در این موضع به تطویل کلام و بسط مقال احتیاج باشد.[۱]

[۱] . برای اطلاع از احوال و اسامی مصنّفات رازی مراجعه شود به اخبار الحکما(ص ۲۷۱ ببعد)، و طبقات الامم ۳۳، و الفهرست(۳۵۶-۳۵۹ طبع تهران)، و عیون الانباء(۱: ۳۰۹-۳۲۱)، و طبقات الاطباء و الحکماء تألیف ابن جلجل(۷۷-۷۸)، و وفیات الاعیان(۲: ۷۸-۷۹ طبع مصر)، و چهار مقاله(تعلیقات، صفحه ۲۴۰ ببعد)، و طب اسلامی تألیف ادوارد براون(۵۹-۶۹)، و فهرست کتب رازی در آثار الباقیه تألیف ابوریحان بیرونی، و مقاله الرازی بقلم پول کراوس و پینس S.pines در دائرهٔ المعارف اسلام.

این نسخه که بجهت خزانه«السلطان الاعظم السید المجاهد المؤید المثاغر المرابط[۱] المظفر المنصور الملک الصالح عماد الدنیا و الدین ابی الفدا اسمعیل[۲] بن السلطان السعید الشهید الملک الناصر ناصر الدین ابی المعالی محمد بن السلطان السعید الشهید الملک المنصور قلاوون» کتابت شده جزو ثانی کتاب و مصوّر به صور اشجار و حیوانات و فوق العاده ممتاز و نفیس و بکلی عدیم النظیر است و جزء اول آن مع الاسف در این کتابخانه موجود نیست و جای دیگر هم ندیده‌ام که نشان بدهند، و ما بجهت این که اطّلاع بیشتری از این کتاب بدست داده باشیم اینک عناوین موضوعات این جزو را ذیلاً نقل می- نمائیم:

فهرست عناوین موضوعات

- صفۀ بخور یهرب منه الحیات و العقارب.
- القول فی طرد النمل و قتلهن.
- القول فی العقارب.
- القول فی طرد البق و الجرجسی.
- القول فی عمل بیت العصیر و صفته.
- القول فی عمل الخل.

---

[۱] . برای معنی و نحوه استعمال این دو لقب مراجعه شود به صبح الاعشی تألیف قلقشندی(۶: ۱۳۰ ببعد) و تثقیف التعریف بالمصطلح الشریف تألیف قاضی تقی الدین عبدالرحمن بن مقر المحبی(نسخه رضویه تحت رقم ۴۴۶۶، معنی مقر نیز در همان صبح الاعشی مذکور است).

[۲] . از ممالیک نیک سیرت بحریه متوفی در ۷۴۶ بمصر؛ ترجمه احوالش در الدرر الکامنه(۱: ۳۸۰) و النجوم الزاهرۀ تألیف ابن اعزی بردی(۱۰: ۷۸) و البدایۀ و النهایۀ(۱۴: ۲۰۲-۲۱۶) مسطور است و نباید او را باسمی او الملک المؤید عمادالدین ابوالفدا اسماعیل[بن علی بن محمود بن محمد بن عمر بن شاهنشاه(برادر سلطان صلاح الدین یوسف) بن ایوب] صاحب حماۀ متوفی در ۷۳۲ و مؤلف معروف تقویم البدان و المختصر فی اخبار البشر و کتب نفیس دیگر اشتباه نمود.

- القول فی انواع الشجر و البساتین و علاج ذلک.
- القول فی تحویل الشجر الکبار من مکان الی مکان.
- القول فی تعلیهٔ الصنوبر و السرور و التوج.
- القول فی صفهٔ التین.
- القول فی العناب و التفاح و الجوز.
- القول فی غرس الجوز.
- القول فی غرس الشاهبلوط.
- القول فی الضفادع باللیل.
- القول فی الذباب، القول فی طرد الخنافس.
- القول فی البراغیث، القول فی طرد الزنابیر، القول فی طرد الکلب.
- القول فی کیفیهٔ غرس الکرم و فی ای الاوقات و کیف یعمل بالعصیر و جمیع علاج الکروم.
- القول فی صفهٔ الفواکه.
- القول فی حفظ التفاح.
- القول فی حفظ الکمثری، القول فی حفظ السفرجل، القول فی حفظ الاجاص.
- القول فی حفظ الرمان، القول فی حفظ الخوخ، القول فی حفظ التین.
- القول فی خواص نافعهٔ فی غرس الرمان.
- القول فی غرس التوت، القول فی غرس اللوز.
- القول فی صنعهٔ الزبیب.

– القول فی الشبت.

– القول فی صفۀ البقلۀ الحمقا.

– القول فی القرع و القثاه البطیخ و صفۀ عملها.

– القول فی صفۀ الورد و الریاحین و مایشاکلها.

– القول فی السوسن و صفته و عمله و منفعته.

– القول فی تبییض الموم و هو الشمع.

– القول فی النحل و کیف یتخذ من العجل نحلا.

آغاز: «بسمله صفۀ بخور یهرب منه الحیات و العقارب[و] الذباب منها و الطیان و الجرارۀ و الزنـابیر و الرتیلا و جمیع الهوام و کل دابۀ لها سم یؤخذ من شحم الابل جزو و من شحم حمار الوحش جزو».

انجام: «فی مکان قریب من البیت فاذا طرن فی البیت فافتح الکواکلها و باب البیت، تم الجزء الثانی من کتاب مفیر الخاص فی علم الخواص تألیف الحکیم الفاضل ابن زکریا الرازی رحمۀ الله علیه».

نسخ جلی، کاتب نامعلوم[۱]، تاریخ تحریر مطابق با آنچه مذکور شد که بجهت خزانۀ الکتب الملک الصالح عماد الدین ابو الفدا اسمعیل کتابت شده بین سنه ۷۴۳ که ابوالفدا بسلطنت رسیده و سنه ۷۴۶ که فوت نموده، کاغذ نخودی مصری، مسطورات سه صفحه افتتاح در میان جداول و سطر بالا و پائین دو صفحه بعد و لفظ «القول» در ابتدای جمیع عناوین موضوعات بخط ثلث و قلم زر محرّر، صفحه اول با کتیبه بسفیداب محرّر و شمسه زرین محاط به خطوط ظریف تزئینی لاجوردی، جداول سه صفحه افتتاح به زر و تحریر و لاجورد و نام مؤلف و کتاب در بالا و پائین جداول صفحه دوم و سوم بقلم زر محرّر در

[۱]. در تاریخ ۵ شهر جمادی الاولی ۱۱۰۵ تخافوی ئیل که نسخه داخل عرض شده نوشته‌اند که بخط محمّد بن زکریا رازی است!.

زمینه لاجورد، دارای پنجاه مجلس تصویر رنگین از حیوانات و گیاهان بشیوه بین النهرین، جلد میشن خرمائی ضربی با ترنج و سرترنج زرین و گوشه و حاشیه قلمدانی زرین ظریف، ۱۱س، اندازه مسطر ۱۳×۱۹، ۳۸۳گ ۱۹×۲۸، واقف نادرشاه، تاریخ وقف۱۱۴۵، در سنوات ۱۱۰۵، ۱۱۱۵، ۱۲۶۶، ۱۲۲۷، ۱۲۶۶، ۱۲۷۰، ۱۲۷۲، ۱۲۸۷، ۱۲۸۹ و ۱۲۹۷قمری داخل عرض شده.